تغییر جنسیت



محمدمهدی کریمی نیا

بسم الله الرحمن الرحیم

تغییرجنسیت : از منظرفقه و حقوق

نویسنده:

محمدمهدی کریمی نیا

ناشر چاپی:

مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
تغییرجنسیت : از منظرفقه و حقوق ----- ۲۱
مشخصات کتاب ----- ۲۱
مقدمه‌معاونت پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار ----- ۲۱
پیش‌گفتار ----- ۲۲
مقدمه ----- ۲۳
اشاره ----- ۲۳
۱. بیان و شناسایی موضوع تحقیق ----- ۲۳
۲. اهمیت و جایگاه موضوع تغییر جنسیت ----- ۲۴
۳. هدف تحقیق ----- ۲۶
۴. سؤالات اصلی و فرعی تغییر جنسیت ----- ۲۷
۵. پیشینه تحقیق ----- ۲۸
بخش اول تعاریف و کلیات ----- ۳۱
اشاره ----- ۳۲
فصل اول تعریف تغییر جنسیت ----- ۳۲
اشاره ----- ۳۲
مبحث اول: تغییر جنسیت در لغت ----- ۳۲
اشاره ----- ۳۲
جمع‌بندی و بیان نظریه مختار ----- ۳۳
مبحث دوم: تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی ----- ۳۳
مبحث سوم: تغییر جنسیت در اصطلاح فقهی ----- ۳۴
اشاره ----- ۳۴
جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۳۵

فصل دوم تاریخچه تغییر جنسیت ----- ۳۶
طرح بحث ----- ۳۶
مبحث اول: اولین تغییر جنسیت در ایران ----- ۳۶
اشاره ----- ۳۶
بررسی و تحلیل ----- ۳۷
مبحث دوم: تغییر جنسیت در خارج ایران ----- ۳۸
اشاره ----- ۳۸
گفتار اول: اولین تغییر جنسیت در انگلستان ----- ۳۸
گفتار دوم: اولین تغییر جنسیت در آمریکا ----- ۳۸
گفتار سوم: اولین تغییر جنسیت در مصر ----- ۳۸
جمع‌بندی و بیان نظریه مختار ----- ۳۹
فصل سوم اقسام تغییر جنسیت ----- ۴۰
اشاره ----- ۴۰
مبحث اول: تغییر جنسیت در افراد سالم ----- ۴۰
مبحث دوم: تغییر جنسیت در دوجنسی‌ها (خنثی‌ها) ----- ۴۰
مبحث سوم: تغییر جنسیت در افراد ممسوح ----- ۴۱
مبحث چهارم: تغییر جنسیت در تراجنسیتی‌ها (ناراضیان جنسی) ----- ۴۱
مبحث پنجم: تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت ----- ۴۱
مبحث ششم: تغییر جنسیت در حیوانات ----- ۴۲
مبحث هفتم: تغییر جنسیت در گیاهان ----- ۴۳
فصل چهارم اختلال هویت جنسی؛ تراجنسیتی (ترانس سکشوال) ----- ۴۳
مبحث اول: طرح مسأله و اهمیت آن ----- ۴۳
مبحث دوم: هویت جنسی ----- ۴۴
مبحث سوم: نقش جنسی و گرایش جنسی ----- ۴۴

مبحث چهارم: میل جنسی[۵۰] ۴۴
مبحث پنجم: علت‌شناسی پدیده تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)[۵۹] ۴۶
اشاره ۴۶
گفتار اول: عوامل زیست شناختی[۶۱] ۴۷
گفتار دوم: عوامل عصب‌شناسی ۴۷
گفتار سوم: عوامل روان شناخت ۴۷
بند اول: نظریه روانی- اجتماعی ۴۸
بند دوم: نظریه روانی- جنسی ۴۸
مبحث ششم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)[۶۵] ۴۸
اشاره ۴۸
گفتار اول: تعریف تراجنسیتیی (ترانس سکشوال) ۴۸
گفتار دوم: بررسی واژه ترانس سکشوال ۴۹
گفتار سوم: تراجنسیتی در کودکان ۵۰
گفتار چهارم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم) در نوجوانان و بزرگسالان ۵۱
گفتار پنجم: علایم و نشانه‌های اختصاصی ۵۲
گفتار ششم: اقسام تراجنسیتی (ترانس سکشوال) ۵۳
اشاره ۵۳
بند اول: ترانس سکشوال مذکر ۵۳
اشاره ۵۳
گزارش یک مورد ترانس سکشوال مذکر ۵۴
بند دوم- تراجنسیتی (ترانس سکشوال) مؤنث ۵۵
اشاره ۵۵
گزارش یک مورد ترانس سکشوال مؤنث ۵۶
گفتار هفتم: میزان بیماری تراجنسیتی (ترانس سکشوال) ۵۷

بند اول: میزان بیماری تراجنسیتی در مقیاس جهانی ----- ۵۷
بند دوم: میزان بیماری تراجنسیتی در ایران ----- ۵۸
گفتار هشتم: درمان اختلال هویت جنسی (تراجنسیتی) ----- ۵۹
جمع‌بندی و بیان نظریه مختار ----- ۶۱
فصل پنجم اختلال هویت جنسی؛ دو جنسی‌ها (خنثی‌ها) ----- ۶۲
مبحث اول: اهمیت و طرح بحث ----- ۶۲
مبحث دوم: علت بروز دو جنسیتی (خنثی) ----- ۶۲
مبحث سوم: خنثی در لغت ----- ۶۳
اشاره ----- ۶۳
گفتار اول: معنای مشهور خنثی ----- ۶۴
گفتار دوم: معنای غیر مشهور دربارۀ خنثی ----- ۶۴
اشاره ----- ۶۴
نظریۀ مختار ----- ۶۵
مبحث چهارم: تاریخچه خنثی‌ها (دو جنسی‌ها) ----- ۶۵
اشاره ----- ۶۵
بررسی و تحلیل ----- ۶۷
مبحث پنجم: خنثی (دو جنسی) و مسأله جنس سوم ----- ۶۸
اشاره ----- ۶۸
گفتار اول: دیدگاه مشهور ----- ۶۸
اشاره ----- ۶۸
بند اول: نظر مشهور در عدم وجود جنس سوم ----- ۶۸
بند دوم: ادلۀ مشهور بر عدم وجود جنس سوم ----- ۶۹
گفتار دوم: دیدگاه غیر مشهور ----- ۷۰
مبحث ششم: اقسام خنثی ----- ۷۱

گفتار اول: اقسام خنثی از نظر فقه اسلامی ----- ۷۱
اشاره ----- ۷۱
بند اول: خنثای مشکل ----- ۷۱
بند دوم: خنثای غیر مشکل ----- ۷۲
بند سوم: اقسام خنثای غیر مشکل ----- ۷۲
گفتار دوم: اقسام خنثی (دو جنسی) از نظر پزشکی ----- ۷۳
اشاره ----- ۷۳
نظریه مختار ----- ۷۳
مبحث هفتم: معیار و مبنای تعیین جنسیت در دو جنسی‌ها (خنثی‌ها) ----- ۷۴
مبحث هشتم: تعیین جنسیت خنثی از دیدگاه روایات اسلامی ----- ۷۷
مبحث نهم: احکام ویژه خنثای مشکل (دو جنسی کامل) ----- ۷۸
فصل ششم تغییر جنسیت از نظر حقوق ایران ----- ۸۰
اشاره ----- ۸۰
مبحث اول: نگارش کتاب تحریر الوسیله و بیان مسأله تغییر جنسیت ----- ۸۰
گفتار اول: بیان اهمیت مسأله ----- ۸۰
گفتار دوم: دیدگاه امام خمینی درباره تغییر جنسیت ----- ۸۱
بند اول: جواز تغییر جنسیت ----- ۸۱
بند دوم: تبدیل جنس واقعی ----- ۸۱
بند سوم: تبدیل جنس واقعی ----- ۸۱
بند چهارم: تغییر جنسیت پس از ازدواج ----- ۸۱
بند پنجم: تغییر جنسیت زن و شوهر با هم ----- ۸۲
بند ششم: سقوط عِدّه ----- ۸۲
بند هفتم: تغییر عناوین ----- ۸۲
بند هشتم: ارث ----- ۸۲

بند نهم: مَحرمیت ----- ۸۳
بند دهم: نسبت به نزدیکان رضاعی ----- ۸۳
بند یازدهم: کشف جنس واقعی ----- ۸۳
مبحث دوم: استفتای جدید از امام خمینی درباره تغییر جنسیت[۲۱۲] ----- ۸۳
اشاره ----- ۸۳
گفتار اول: شرح ماجرا ----- ۸۳
گفتار دوم: فتوای امام خمینی در جواز تغییر جنسیت ----- ۸۴
مبحث سوم: مقررات پزشکی قانونی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران ----- ۸۴
مبحث چهارم: رأی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ----- ۸۵
مبحث پنجم: صدور شناسنامه جدید پس از تغییر جنسیت ----- ۸۵
گفتار اول: وضعیت شناسنامه جدید در دو جنسی‌ها ----- ۸۵
گفتار دوم: وضعیت شناسنامه جدید در تراجنسیتی‌ها ----- ۸۶
مبحث ششم: دیدگاه فقها و مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت ----- ۸۶
اشاره ----- ۸۶
جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۸۷
بخش دوم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت ----- ۸۷
اشاره ----- ۸۷
طرح بحث ----- ۸۷
فصل اول جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی (دوجنسی‌ها) ----- ۸۹
اشاره ----- ۸۹
مبحث اول: نظرات در جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد خنثی ----- ۹۰
اشاره ----- ۹۰
گفتار اول: نظرات اهل سنت در تغییر جنسیت افراد خنثی ----- ۹۰
گفتار دوم: نظرات فقیهان شیعه در تغییر جنسیت افراد خنثی ----- ۹۱

اشاره ----- ۹۱
بند اول: جواز در تغییر جنسیت افراد خنثی مطلقا- اعم از مشکل و غیر مشکل- ----- ۹۱
بند دوم: و جوب تغییر جنسیت در افراد خنثی ----- ۹۴
بند سوم: عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی ----- ۹۵
بند چهارم: عدم صدق عنوان «تغییر جنسیت» در خنثی ----- ۹۶
جمع بندی و بین نظریه مختار ----- ۹۶
مبحث دوم: ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای مشکل ----- ۹۷
اشاره ----- ۹۷
گفتار اول: تمسک به قاعده اضطرار ----- ۹۷
گفتار دوم: تمسک به قاعده نفی عُسرو حَرَج ----- ۹۹
اشاره ----- ۹۹
بند اول: کتاب ----- ۱۰۰
بند دوم: سنت ----- ۱۰۰
جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۰۲
مبحث سوم: ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل ----- ۱۰۳
اشاره ----- ۱۰۳
گفتار اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای انثی ----- ۱۰۴
اشاره ----- ۱۰۴
بند اول: تبدیل خنثای انثی به زن کامل ----- ۱۰۵
بند دوم: تبدیل خنثای انثی به مرد ----- ۱۰۵
گفتار دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای مذکر ----- ۱۰۸
جمع‌بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۰۸
فصل دوم تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت ----- ۱۰۹
اشاره ----- ۱۰۹

مبحث اول: بطلان و حرمت تغییر جنسیت ظاهری ----- ۱۰۹
مبحث دوم: انجام تکالیف براساس جنسیت واقعی ----- ۱۱۰
مبحث سوّم: جواز یا وجوب عمل جراحی برای کشف واقع ----- ۱۱۰
مبحث چهارم: تکلیف شرعی قبل از عمل ----- ۱۱۲
اشاره ----- ۱۱۲
جمع‌بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۱۲
فصل سوم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد سالم و افراد تراجنسیتی (ترانس‌ها) ----- ۱۱۳
اشاره ----- ۱۱۳
مبحث اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد سالم ----- ۱۱۳
مبحث دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در تراجنسیتی (ترانس سکشوال یا خنثای روانی) ----- ۱۱۳
اشاره ----- ۱۱۳
گفتار اول: ادله موافقین تغییر جنسیت ----- ۱۱۴
اشاره ----- ۱۱۴
بند اول: دیدگاه امام خمینی (ره) در جواز تغییر جنسیت ----- ۱۱۴
بند دوم: ادله موافقین تغییر جنسیت ----- ۱۱۶
گفتار دوم: ادلۀ مخالفین تغییر جنسیت ----- ۱۲۲
اشاره ----- ۱۲۲
بند اول: نظرات مخالفین تغییر جنسیت ----- ۱۲۲
بند دوم: ادله مخالفین تغییر جنسیت ----- ۱۲۴
فصل چهارم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در حیوانات ----- ۱۴۰
اشاره ----- ۱۴۰
مبحث اول: دیدگاه فقیهان شیعه در تغییر جنسیت حیوانات ----- ۱۴۱
مبحث دوم: دیدگاه فقیهان اهل سنت در تغییر جنسیت حیوانات ----- ۱۴۱
مبحث سوم: بررسی و تحلیل ----- ۱۴۲

گفتار اول: روایات اسلامی در بحث اخته کردن حیوانات ----- ۱۴۲

گفتار دوم: جواز تغییر جنسیت حیوانات ----- ۱۴۲

بخش سوم روابط زوجین پس از تغییر جنسیت ----- ۱۴۳

اشاره ----- ۱۴۳

فصل اول مسأله بقا یا عدم بقای ازدواج پس از تغییر جنسیت ----- ۱۴۳

طرح بحث ----- ۱۴۳

مبحث اول: بقاء یا عدم بقای ازدواج در تغییر جنسیت مرد یا زن به جنس مخالف ----- ۱۴۴

اشاره ----- ۱۴۴

گفتار اول: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت مرد به زن ----- ۱۴۵

گفتار دوم: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت زن به مرد ----- ۱۴۵

گفتار سوم: تغییر جنسیت زوجین به صورت غیر همزمان (غیر مقارن) ----- ۱۴۶

گفتار چهارم: تغییر جنسیت زوجین به صورت همزمان (مقارن) ----- ۱۴۶

گفتار پنجم: دیدگاه امام خمینی در مورد تغییر جنسیت همزمان ----- ۱۴۸

گفتار ششم: دیدگاه مراجع تقلید و فقیهان اسلامی درباره تأثیر تغییر جنسیت زن و شوهر بر ازدواج ----- ۱۴۸

اشاره ----- ۱۴۸

جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۵۱

مبحث دوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای مشکل ----- ۱۵۲

مبحث سوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل ----- ۱۵۲

مبحث چهارم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت مرد یا زن به خنثی ----- ۱۵۳

فصل دوم مسأله نفقه زوجه پس از تغییر جنسیت ----- ۱۵۴

طرح بحث: ----- ۱۵۴

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقه زوجه در عقد دائم ----- ۱۵۵

اشاره ----- ۱۵۵

گفتار اول: تبدیل مرد به زن: بطلان نکاح و سقوط نفقه ----- ۱۵۵

گفتار دوم: تبدیل زن به مرد: بطلان ازدواج و سقوط نفقه ----- ۱۵۵

گفتار سوم: تبدیل مرد به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه ----- ۱۵۶

گفتار چهارم: تبدیل زن به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه ----- ۱۵۶

گفتار پنجم: تبدیل مرد به خنثای غیرمشکل ----- ۱۵۶

گفتار ششم: تبدیل زن به خنثای غیر مشکل ----- ۱۵۷

گفتار هفتم: تبدیل خنثای غیر مشکل (مذکر) ----- ۱۵۷

گفتار هشتم: تبدیل خنثای غیرمشکل (مؤنث) ----- ۱۵۷

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه در عقد موقت ----- ۱۵۸

اشاره ----- ۱۵۸

گفتار اول: عدم وجوب نفقه در عقد موقت ----- ۱۵۸

گفتار دوم: اشتراط نفقه در عقد موقت ----- ۱۵۹

جمع بندی و بین نظریه مختار ----- ۱۵۹

فصل سوم تغییر جنسیت و مسأله مهریه زن ----- ۱۵۹

طرح بحث ----- ۱۵۹

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله مهریه زوجه در عقد دائم ----- ۱۶۰

اشاره ----- ۱۶۰

گفتار اول: عدم وجوب پرداخت مهریه مطلقا ----- ۱۶۰

گفتار دوم: وجوب پرداخت مهریه مطلقا ----- ۱۶۱

گفتار سوم: وجوب پرداخت کل مهر در صورت نزدیکی و تنصیف در غیر نزدیکی ----- ۱۶۴

گفتار چهارم: سقوط مهریه در صورت عدم کسب اجازه زوجه از زوج ----- ۱۶۵

اشاره ----- ۱۶۵

جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۶۶

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله مهریه در عقد موقت ----- ۱۶۷

اشاره ----- ۱۶۷

گفتار اول: تغییر جنسیت زوج در عقد موقت و مسأله مهریه ----- ۱۶۷
گفتار دوم: تغییر جنسیت زوجه در عقد موقت و مسأله مهریه ----- ۱۶۷
اشاره ----- ۱۶۷
جمع‌بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۶۸
فصل چهارم تغییر جنسیت و مساله عدّه ----- ۱۶۹
طرح بحث ----- ۱۶۹
مبحث اول: تغییر جنسیت زوجه و مسأله عدّه ----- ۱۶۹
مبحث دوّم: تغییر جنسیت زوج (شوهر) و مسأله عِدّه ----- ۱۷۰
مبحث سوم: تغییر جنسیت زوجه در زمان عده ----- ۱۷۰
مبحث چهارم: بررسی و تحلیل چند فتوای فقهی در بحث «تغییر جنسیت و عِدّه» ----- ۱۷۱
اشاره ----- ۱۷۱
جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۷۲
بخش چهارم روابط زوجین پس از تغییر جنسیت نسبت به اولاد ----- ۱۷۲
اشاره ----- ۱۷۲
فصل اول تغییر جنسیت و مسأله عناوین نسبی ----- ۱۷۲
اشاره ----- ۱۷۳
مبحث اول: تغییر جنسیت برادر یا خواهر ----- ۱۷۳
اشاره ----- ۱۷۳
گفتار اول: تأثیر تغییر جنسیت بر قرابت‌های سببی و رضاعی ----- ۱۷۳
گفتار دوم: تغییر جنسیت دو برادر ----- ۱۷۴
گفتار سوم: تغییر جنسیت دو خواهر ----- ۱۷۴
مبحث دوم: تغییر جنسیت عمو و عمه ----- ۱۷۴
مبحث سوم: تغییر جنسیت دایی و خاله ----- ۱۷۴
مبحث چهارم: تغییر جنسیت پدر یا مادر ----- ۱۷۴

اشاره ----- ۱۷۵
دلیل اول: عرفی بودن عناوین نسبی ----- ۱۷۵
دلیل دوم: صدق عنوان پدر و مادر براساس زمان انعقاد نطفه ----- ۱۷۶
مبحث پنجم: تغییر جنسیت پدر بزرگ و مادر بزرگ و عناوین نسبی ----- ۱۷۶
اشاره ----- ۱۷۶
جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۷۶
فصل دوم تغییر جنسیت و مسأله نفقه فرزندان و والدین ----- ۱۷۷
اشاره ----- ۱۷۷
مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقه فرزندان ----- ۱۷۷
اشاره ----- ۱۷۷
گفتار اول: تغییر جنسیت پدر و مسأله نفقه فرزندان ----- ۱۷۸
گفتار دوم: تغییر جنسیت مادر و مسأله نفقه فرزندان ----- ۱۷۹
اشاره ----- ۱۷۹
حالت اول: تغییر جنسیت مادر با وجود پدر یا جد پدری ----- ۱۷۹
حالت دوم: تغییر جنسیت مادر با نبود پدر و جد پدری ----- ۱۷۹
مبحث دوّم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه والدین ----- ۱۸۰
اشاره ----- ۱۸۰
جمع‌بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۸۱
فصل سوم تغییرجنسیت و مسأله ولایت و حضانت کودکان ----- ۱۸۱
اشاره ----- ۱۸۱
مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان ----- ۱۸۲
اشاره ----- ۱۸۲
گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان ----- ۱۸۲
اشاره ----- ۱۸۲

دلیل اول: ثبوت ولایت بر صغار برای عنوان پدر ----- ۱۸۳
دلیل دوم: معنای پدر از نظر شرعی ----- ۱۸۳
گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان ----- ۱۸۳
اشاره ----- ۱۸۳
دیدگاه اول: تغییر جنسیت پدر موجب سقوط ولایت وی است ----- ۱۸۳
اشاره ----- ۱۸۳
دلیل اول: ولایت برای عنوان پدری است ----- ۱۸۴
دلیل دوم: ولایت برای عنوان رُجولیت (مردی) است ----- ۱۸۴
دیدگاه دوم: تغییر جنسیت پدر، تأثیری در ولایت وی ندارد ----- ۱۸۵
مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله حضانت کودکان ----- ۱۸۵
اشاره ----- ۱۸۵
گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله حضانت کودکان ----- ۱۸۵
گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسأله حضانت کودکان ----- ۱۸۶
اشاره ----- ۱۸۶
جمع بندی و بیان نظریه مختار ----- ۱۸۷
فصل چهارم تغییر جنسیت و مسأله ارث ----- ۱۸۷
اشاره ----- ۱۸۷
مبحث اول: ارث بردن فرد تغییر جنس داده از والدین خودش ----- ۱۸۷
اشاره ----- ۱۸۷
گفتار اول: تغییر جنسیت قبل از فوت یکی از والدین ----- ۱۸۸
گفتار دوم: تغییر جنسیت بعد از فوت یکی از والدین ----- ۱۸۸
مبحث دوم: ارث بردن والدین تغییر جنس داده از فرزند خویش ----- ۱۸۹
اشاره ----- ۱۸۹
گفتار اول: والدین تغییر جنسیت داده از فرزند ارث نمی‌برند ----- ۱۸۹

گفتار دوّم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می‌برد. ----- ۱۹۰
اشاره ----- ۱۹۰
دلیل اول: ثبوت ارث به دلیل قرابت و خویشاوندی ----- ۱۹۰
دلیل دوم: ثبوت ارث به دلیل اولی الارحام ----- ۱۹۰
دلیل سوم: استمرار قرابت نسبی پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر ----- ۱۹۱
گفتار سوم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می‌برند ----- ۱۹۲
خاتمه و نتیجه‌گیری ----- ۱۹۳
اشاره ----- ۱۹۴
۱. نتیجه‌گیری ----- ۱۹۴
الف) توجه فقیهان شیعه به بحث تغییر جنسیت ----- ۱۹۴
ب) اهمیت بحث مشروعیت و یا عدم مشروعیت تغییر جنسیت ----- ۱۹۴
ج) اهمیت بحث تغییر در خلقت خدا ----- ۱۹۴
د) جایگاه ویژه تغییر جنسیت در حقوق ایران ----- ۱۹۵
ه (ارتباط تغییر جنسیت با بیماران جسمی و روحی ----- ۱۹۵
۲. پاسخ به پرسش‌های اصلی تحقیق ----- ۱۹۶
۳. مشکلات تحقیق ----- ۱۹۹
اشاره ----- ۱۹۹
الف) کمبود منابع ----- ۱۹۹
ب) تغییر جنسیت به عنوان موضوع نوپیدا ----- ۱۹۹
۴. پیشنهادات ----- ۱۹۹
الف) ضرورت شناخت ابعاد مختلف تغییر جنسیت ----- ۲۰۰
ب) ضرورت تدوین قانون یا آیین نامه مربوط به تغییر جنسیت ----- ۲۰۰
ج) ضرورت پیشنهاد عناوین و موضوعات مرتبط ----- ۲۰۰
د) تشکیل نشست‌های علمی ویژه ----- ۲۰۱

ه (ضرورت کار میدانی ---- ۲۰۱

ضمائم ---- ۲۰۱

اشاره ---- ۲۰۱

ضمیمه ۱ گفت‌وگو با برخی بیماران اختلال هویت جنسی ---- ۲۰۱

گزارش میدانی اول: گزارشی از یک مطب تغییر جنسیت ---- ۲۰۱

گزارش میدانی دوم: چند گفت و گوی دیگر ---- ۲۰۵

ضمیمه ۲ گزارش تفصیلی از اولین تغییر جنسیت در ایران و خارج ایران ---- ۲۰۹

۱. اولین تغییر جنسیت در ایران ---- ۲۰۹

۲. اولین تغییر جنسیت در انگلستان ---- ۲۱۰

۳. اولین تغییر جنسیت در آمریکا ---- ۲۱۳

۴. اولین تغییر جنسیت در مصر ---- ۲۱۳

ضمیمه ۳ گفت‌وگو با اولین کسی که فتوای جواز تغییر جنسیت را از حضرت امام خمینی (ره) دریافت کرد[۵۹۶] ---- ۲۱۴

ضمیمه ۴ فتاوی و دیدگاه‌های مراجع و فقیهان شیعه ---- ۲۲۴

فتاوی امام خمینی (ره) درباره تغییر جنسیت[۵۹۸] ---- ۲۲۴

اشاره ---- ۲۲۴

دیدگاه آیت‌الله شیخ محمد علی اراکی درباره تغییر جنسیت ---- ۲۲۷

دیدگاه آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی دربار تغییر جنسیت ---- ۲۲۷

دیدگاه آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی درباره تغییر جنسیت ---- ۲۲۷

دیدگاه آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی دربار تغییر جنسیت ---- ۲۲۸

دیدگاه آیت‌الله محمدتقی بهجت درباره تغییر جنسیت ---- ۲۳۱

دیدگاه آیت‌الله میرزا جواد تبریزی درباره تغییر جنسیت ---- ۲۳۲

دیدگاه آیت‌الله سید علی سیستانی درباره تغییر جنسیت ---- ۲۳۲

دیدگاه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای دربارهٔ تغییر جنسیت ---- ۲۳۳

دیدگاه آیت‌الله لطف الله صافی گلپایگانی دربار تغییر جنسیت ---- ۲۳۵

دیدگاه آیت‌الله حسین علی منتظری دربار تغییر جنسیت ---------- ۲۳۷
دیدگاه آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی دربار تغییر جنسیت ---------- ۲۴۰
دیدگاه کلی آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی ---------- ۲۴۲
دیدگاه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی دربار تغییر جنسیت ---------- ۲۴۳
دیدگاه آیت‌الله شیخ یوسف صانعی دربار تغییر جنسیت ---------- ۲۴۶
دیدگاه آیت‌الله سید صادق شیرازی دربار تغییر جنسیت ---------- ۲۴۷
دیدگاه آیت‌الله حسین نوری همدانی ---------- ۲۴۸
دیدگاه آیت‌الله سید یوسف مدنی تبریزی در احکام مربوط به تغییر جنسیت ---------- ۲۴۸
دیدگاه آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی درباره تغییر جنسیت[۶۷۸] ---------- ۲۵۰
دیدگاه آیت‌الله سید محسن خرازی درباره تغییر جنسیت[۶۷۹] ---------- ۲۵۱
دیدگاه آیت‌الله محمد مؤمن دربار تغییر جنسیت ---------- ۲۵۲
ضمیمه ۵ آیات مورد استناد ---------- ۲۵۲
ضمیمه ۶ روایات مورد استناد ---------- ۲۵۲
ضمیمه ۷ ---------- ۲۵۳
فهرست منابع و مآخذ ---------- ۲۵۳
ضمیمه ۸ تصاویر ---------- ۲۶۲
درباره مرکز ---------- ۲۹۲

تغییرجنسیت : از منظرفقه و حقوق

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : تغییرجنسیت : از منظرفقه و حقوق/ تالیف محمدمهدی کریمی نیا.
مشخصات نشر : قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۸۹.
وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)
یادداشت : چاپ اول
شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۹۰۶۴۲

مقدمهمعاونت پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار

بررسی مسائل نوپیدا همواره امری رایج و بایسته در میان فقیهان بوده است، اما درروزگار ما با پیشرفت‌های شگرف علمی و تحولات چشمگیر در عرصه‌های فناوری، انبوهی از این مسائل در زمینه‌های گوناگون رخ نموده که بخش زیادی از توانمندی عالمان دینی و فقه‌پژوهان را مبذول هماوردی با آنها کرده است.

یکی از این زمینه‌ها، حوزه پزشکی است که دستخوش تحولات و دگرگونی‌های بسیاری گشته و به دنبال آن مسائل نوپیدا و پرسش‌های فقهی بسیاری در این حوزه‌جلوه‌گر شده است.

مرکز فقهی ائمه اطهار: که به اهتمام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدس سره) بنیان نهاده شده، بیش از یک دهه است که با تربیت دانش‌آموختگان، فراهم آوردن امکانات و بسترهای مناسب، ایجاد کتابخانه تخصصی و سازماندهی گروه‌های پژوهشی در تبیین مسائل فقهی و پاسخ‌دهی به پرسش‌های این‌گونه کوشیده و به تدوین پژوهش‌های دقیق و جامع در کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام ناب محمدی ۶ همت گماشته است. از آن جمله ایجاد گروه پژوهشی فقه پزشکی است که از رهاوردهای آن کتاب‌های ارزنده‌ای چون: المبسوط فی فقه المبسوط المعاصرة، المسائل الطبیة در ۲ جلد، تلقیح مصنوعی (به زبان فارسی و عربی)، احکام پزشکان و بیماران (مطابق با فتوای مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدس سره) می‌باشد.

و اینک کتاب حاضر با عنوان: «تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق» به جامعه علمی کشور تقدیم می‌گردد، کتابی که حاصل تلاش ارزشمند حجة الاسلام والمسلمین

تغییرجنسیت، ص: ۲۰

محمدمهدی کریمی‌نیا است. ایشان به عنوان دانش‌پژوه این مرکز، سالیانی در دوره‌های اجتهادی و تخصصی حضوری موفق داشته‌اند و هم اکنون به عنوان «مدیر گروه پژوهشی فقه پزشکی» به پژوهش و سامان‌بخشی تحقیقات این واحد اهتمام دارند.

باید اذعان نمود که مسأله تغییر جنسیت به عنوان یک پدیده نوظهور پزشکی پرسش‌های فراوانی در پی داشته است، چه با پیشرفت دانش پزشکی و تکنولوژی جراحی این امکان فراهم آمده که جنسیت افراد از مؤنث به مذکر و برعکس تغییر یابد و این امر نه تنها در مورد بیمارانی چون هرمافرودیسم (دوجنسی‌ها) صورت می‌گیرد، بلکه درمورد افراد سالم نیز قابل انجام گردیده است. از این رو، جواز این اقدام و تأثیر آن در روابط میان زوجین از نظر بقای ازدواج، نفقه، مهریه، ولایت، ارث و ... و نیز در روابط با فرزندان جای مطالعه و تحقیق بسیار دارد.

محقق محترم جناب آقای محمدمهدی کریمی‌نیا با همت والا و کوشش مجدانه این رسالت علمی را دریافته و اثری را آفریده‌اند که

جای بسی تقدیر و سپاس دارد. موضوع‌شناسی دقیق ومطالعه ابعاد تغییر جنسیت، بررسی اقسام آن و پرداختن به مسائلی چون اختلال هویت جنسی و علت شناسی این پدیده، بررسی فقهی مسأله خنثی، تبیین دیدگاه حقوقی ایران و سایر کشورها، بیان تفصیلی مبانی فقهی جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت و نقد و تحلیل ادله و همچنین مطالعه کامل آثار تغییر جنسیت در روابط زوجین و اولاد و در نهایت جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها و راهکارهای مناسب از ویژگی‌های قابل ذکر این اثر است.

معاونت پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار: ضمن تقدیر و تشکر از زحمات نویسنده محترم، از اندیشمندان دیگری که در سامان یافتن کتاب حاضر نقش‌داشته‌اند، از جمله: آیت‌الله شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی (قدس سره)، آیت الله مهدی هادوی تهرانی و حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر سید علی علوی قزوینی (ارزیاب علمی) قدردانی می کند و امید آن دارد که این اثر مورد استقبال و استفاده دانشوران، فقه‌پژوهان و جامعه علمی و پزشکی کشور قرار گیرد.

محمد مهدی مقدادی- معاون پژوهشی

تغییرجنسیت، ص: ۲۱

پیش‌گفتار

سال‌ها پیش که دانشجوی رشته حقوق در مقطع کارشناسی بودم، قضیه‌ای سرنوشت زندگی من را دگرگون ساخت؛ حادثه‌ای که بیش از ده سال کم و بیش درباره آن فکر کرده و یا مطالعه می کنم. جریان از این قرار بود که استاد در کلاس درس، موضوعاتی را به عنوان کار تحقیق پیشنهاد نمود. هر دانشجویی می‌بایست یک موضوع جهت کار تحقیقی و نگارش مقاله انتخاب می کرد. یکی از آن موضوعات که هیچ کس آن را انتخاب نکرد و در عین حال، مورد توجه این جانب واقع شد، موضوع «تغییر جنسیت» بود. به دشواری کار تحقیق درباره تغییر جنسیت آگاهی داشتم؛ چه این که، موضوع فوق از مسایل نو پیدا و جدید بود که درباره آن کار چندانی صورت نگرفته بود، و منابع و مآخذ کافی در باب آن یافت نمی‌شد. با این حال، از اشتیاق این جانب برای تحقیق و مطالعه، چیزی کاسته نشد.

پس از چندی، پژوهش مورد نظر به پایان رسید و در قالب یک کنفرانس، برای دانشجویان کلاس ارایه شد، که مورد استقبال واقع گردید، و چند ماه بعد در قالب یک مقاله، در مجله معرفت، شماره ۳۶ به چاپ رسید.

در خرداد ۱۳۸۳ کنگره‌ای تحت عنوان «اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی» در تهران برگزار شد. مقاله پیش گفته، برای کنگره فوق الذکر ارسال کردم. از این جانب برای شرکت در کنگره و ارایه مقاله دعوت به عمل آمد. این کار انجام شد. از ماجراهای حاشیه‌ای و مبارک این کنگره، آشنایی با پروفسور بهرام میرجلالی، جراح

تغییرجنسیت، ص: ۲۲

تغییر جنسیت و آقای حسین زمانی، تکنیسین اتاق عمل بود. این دوستی و آشنایی باعث شد که پروفسور میرجلالی برای دیدن بیماران دو جنسی و تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)[۱] از این جانب دعوت به عمل آورد.

از این بعد، مطالعه و تحقیق من، تنها جنبه نظری و تئوری نداشت، بلکه به مطب پزشک نامبرده رفتم و از نزدیک با بیماران آشنا شدم و با تعدادی از آنان مصاحبه و گفت‌وگو کردم و اطلاعات بیش‌تری رابه دست آوردم.

در نهایت به فکر افتادم که بحث «تغییر جنسیت» را به عنوان موضوع پایان نامه سطح ۴ (دکتری) به واحد مدارج علمی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم پیشنهاد دهم. این کار انجام شد، که مورد موافقت واحد مربوطه قرار گرفت. پس از چندی این اثر علمی مورد توجه ریاست محترم مرکز فقهی ائمه اطهار: آیت‌الله شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی (قدس سره) قرار گرفت. به دستور

ایشان، این کتاب در گروه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار: مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت و برای چاپ آماده گردید. برخورد لازم می‌بینم از بـذل توجه و پی‌گیری ایشان و نیز آیت‌الله مهـدی هادوی تهرانی (اسـتاد راهنما)، حجت الاسـلام والمسـلمین دکتر سـید علی علوی قزوینی (ارزیاب کتاب)، دکتر محمـد مهـدی مقدادی (معاون پژوهش مرکز فقهی ائمه اطهار:) و آقای مهدی پاشازاده (تایپیست) تشکر کنم.

برخواننـدگان عزیز پوشـیده نیست که نوشـتار حاضـر، کتاب فتوا یا رساله عملیه نیست و افراد می‌بایستی برای کسب تکالیف شـرعیه خویش به رساله عملیه مرجع تقلید اعلم مراجعه فرمایند. از آن‌جایی که این تألیف، یک کتاب اسـتدلالی و تحلیلی بوده، تلاش شده تـا اقوال و نظرات همه فقهـا و حقوقـدانان، از نقطه نظر علمی مورد بررسـی و ارزیـابی منصـفانه قرار گیرد. بنـابراین، ذکر اسامی آن بزرگواران به منزله تأیید همه دیدگاه‌هاو نظرات علمی، اجتماعی و سیاسی آنان نیست.

همچنین در تدوین این اثر علمی از همکاری و مساعدت علمی عده‌ای از عزیزان

تغییرجنسیت، ص: ۲۳

بهره‌مند بودم که لازم می‌بینم از افراد ذیل نیز تقدیر و تشکر کنم:

پروفسور بهرام میر جلالی (جراح تغییر جنسیت)، دکتر مهدی صابری (روان‌پزشک)، دکتر فریدون مهرابی (متخصص روان‌پزشکی)، دکتر علی‌رضا کاهانی (متخصـص پزشـکی قانونی)، دکتر محمـدرضا محمـدی (روانشـناس)، فرشـید تقی‌زاده (محقق)، محمـدجواد شمس‌علی (مترجم)، خانم مریم‌مُلک‌آرا، دکتر فریـدون یموت‌پور (متخصـص جراحی عمومی و دستیار جراح تغییر جنسـیت)، آقای حسین زمانی (تکنسین اتاق عمل و سرپرست بخشGRS و خانم‌ها گل‌بانو و یاس‌بانو میرجلالی (مدیریت کلینیکGRS .

در پایان از زحمات همسر و فرزندانم (موسی و علی رضا) که در طول نگارش این کتاب مرا یاری نمودند سپاسگزاری می‌کنم.

پیشـاپیش از همه صـاحب نظران و اندیشـمندانی که بـا بیـان نظرات اصـلاحی خویش، به رفع نواقص و اشـتباهات این کتـاب کمک می‌کنند تقدیر می‌نمایم.

پـاداش معنوی این کتـاب را به روح مـادر عزیزم مرحومه فاطمه حججی و نیز برادر شـهیدم علی نقی کریمی‌نیا تقـدیم می‌دارم. امید است این اثر ناچیز مقبول ایزد منّان و حضرت امام مهدی (ارواحنا فداه) قرار گرفته و زمینه‌ای برای پژوهش‌های بیش‌تر باشد.

وما توفیقی الّا بِالله، علیه توکلتُ والیه انیبُ

محمدمهدی کریمی نیا

۲۸ بهمن ۱۳۸۸

Kariminiyaoo@ yahoo. com

xparsi@ yahoo. com

تغییرجنسیت، ص: ۲۵

مقدمه

اشاره

مباحث مقدمی مربوط به «بررسی فقهی- حقوقی تغییر جنسیت» را در ضمن چند قسمت زیر ارایه می‌شود:

۱. بیان و شناسایی موضوع تحقیق

آن‌چه در این کتاب مدّ نظر است، بررسی «فقهی و حقوقی» تغییر جنسیت است. البته در بسیاری موارد، نتیجه بحث فقهی و حقوقی یک‌سان است؛ چه این‌که حقوق ایران، مخصوصاً «قانون مدنی ایران» و «قانون مجازات اسلامی» بر اساس فقه امامیه تدوین شده است. نیز طبق اصل چهارم قانون اساسی، قوانین مدوّنه ایران، باید براساس موازین اسلامی باشد.[۲]

تغییرجنسیت، ص: ۲۶

با توجه به عنوان کتاب، در پی آن هستیم که تغییر جنسیت از دو بُعد «فقهی» و «حقوقی» مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، و هرگاه دیدگاه فقیهان اسلامی در مسأله‌ای مورد توجه قرار گیرد، دیدگاه قوانین موضوعه ایران نیز بیان گردد. از این رو، لازم است استنادات حقوقی مسأله، مانند «قانون مدنی ایران» ذکر شود.

تغییر جنسیت به معنای تبدیل جنس پسر به دختر و یا برعکس، به عنوان یک پدیده خارجی و نو ظهور، زمینه‌ساز پرسش‌های فراوان فقهی و حقوقی است، که عمدتاً این مباحث در باب «حقوق خانواده» است. مانند: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، بقا یا عدم بقای ازدواج پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، ولایت و سرپرستی شخص پس از تغییر جنسیت، مسأله ارث، نفقه، مهریه، عناوین خانوادگی و غیره، که در این رساله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در هر حال، مسأله تغییر جنسیت از موضوعات بسیار گسترده و چند جانبه است که ارایه تحقیقی جامع در مورد تمام زوایای آن امری دشوار به نظر می‌رسد. ارتباط این موضوع با مسایل فقهی، حقوقی و قانونی، از یک سو و نیز پیوند آن با مسائل پزشکی، روان پزشکی و ارزشی و اخلاقی و حتی تاریخی و فلسفی و احیاناً اسطوره‌ای، از روی دیگر از تغییر جنسیت موضوعی ساخته‌اند که بحث کامل و جامع درباره آن را دور از انتظار ساخته است.

۲. اهمیت و جایگاه موضوع تغییر جنسیت

امروزه بررسی مسأله «تغییر جنسیت» نه تنها از منظر پزشکی اهمّیت دارد، بلکه به لحاظ مباحث فقهی و حقوقی نیز حائز اهمیت است. البته مباحث مربوط به افراد «خنثی» یا «دو جنسی» یک پدیده نو و امری نو ظهوری محسوب نمی‌شود؛ زیرا از گذشته تاکنون همواره افرادی به عنوان خنثی یا بیمار جنسی در جوامع بشری می‌زیسته‌اند. بر این اساس، در روایات دینی و فقه اسلامی پیرامون وضعیت فقهی این گونه افراد نیز سخن گفته شده است.

آن چه موضوع تغییر جنسیت را از اهمیت ویژه برخوردار ساخته است، پیشرفت

تغییرجنسیت، ص: ۲۷

تکنولوژی و توسعه دانش جراحی و امکان تغییر جنسیت است. همواره اخباری مبنی بر تغییر جنسیت افراد به گوش می‌رسد. این امر نه تنها در مورد افراد بیمارِ جسمی، مانند دو جنسی‌ها (هرمافرودیسم)[۳] صورت می‌گیرد، بلکه تغییر جنسیت در مورد افراد سالم نیز قابل تحقق است. در گذشته تغییر جنسیت و تبدیل پسر به دختر و برعکس، یک امری غیر ممکن تلقی می‌شد، امّا در دهه‌های اخیر، هزاران عمل تغییر جنسیت به وقوع پیوسته است؛ به طوری که یکی از پزشکان جراح در ایران، می‌گوید: در مدت ۱۵ سال گذشته، حدود ۵۰۰ عمل تغییر جنسیت انجام داده‌ام، به گونه‌ای که اگر کسی این افراد را ببیند، باور نمی‌کند که جنسیت فعلی آنان، با جنسیت پیشین آنان متفاوت بوده است.

یکی از علل اهمیت بحث فوق، پرسش‌های فراوانی است که همواره درباره تغییر جنسیت مطرح می‌شود. تقریباً تمام مراجع تقلید معاصر، در رساله جدید خویش، موسوم به «رساله استفتاء آت» درباره تغییر جنسیت اظهار نظر کرده‌اند. این امر، نشانه آن است که پرسش‌های فراوانی در این باره، برای جامعه دینی ایران مطرح است. نگاهی گذرا به رساله‌های استفتاءآت، شاهدی بر این مدّعا

است. از این رو، هر چند تغییر جنسیت یک بحث نو و جدید است، ولی گستره و دامنه آن فراگیر است.

اهمیت دیگر قضیه این است که تغییر جنسیت، تقریباً در تمام کشورها مورد بحث و گفت‌وگو است؛ به گونه‌ای که فقیهان و حقوق‌دانانِ اهل سنت و نیز کلیسای مسیحی در این‌باره اظهارنظر کرده‌اند. همواره اخباری به گوش می‌رسد که در کشورهای مختلف، عمل تغییر جنسیت صورت می‌پذیرد و بر این اساس، پرسش‌های حقوقی فقهی و اخلاقی فراوان در این باره برای جوامع بین المللی، اعم از اسلامی و غیر اسلامی مطرح است.

اهمیت دیگر مسأله تغییر جنسیت، آن است که این عمل نه تنها در مورد بیماران جنسی، مانند افراد خنثی انجام می‌شود، بلکه در مورد افرادی که از نظر ظاهری، سالم‌اند نیز صورت

تغییر جنسیت، ص: ۲۸

می‌پذیرد. امروزه افرادی به عنوان خنثای روانی یا تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)[۴] شناخته می‌شوند که از نظر ظاهر، مرد یا زن هستند، ولی از نظر روان و روح، به جنس مخالف تعلق دارند. این عده دچار «اختلال هویت جنسی» بوده و نمی‌دانند که آیا مرد هستند یا زن؟! یکی از پزشکان[۵] به این گونه بیماران روانی، عنوان «روان دگر جنسی» اطلاق می‌کند؛ یعنی کسانی که از نظر روانی، به جنس مخالف تعلق دارند.

از نظر عده‌ای از پزشکان، درمان ویژه در مورد این افراد، انجام عمل تغییر جنسیت است که در بیش‌تر کشورها، این کار انجام می‌شود. تقریباً ۴ تا ۶ نفر در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، به عنوان بیمار ترانس (تراجنسیتی) شناخته شده است. این آمار در تمام کشورها، یک سان است[۶] و برای مثال، در ایران ۲۸۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰ نفر از این بیماران وجود دارند. بیش‌ترین گفت و گوها و بحث‌های فقهی و حقوقی در مورد این افراد می‌باشد.

بررسی‌های فقهی و حقوقی درباره تغییر جنسیت می‌تواند مکمل مباحث پزشکی، روان پزشکی و ..... باشد. بنابراین، بُعد فقهی و حقوقی این مسأله، تنها بخشی از ابعاد مختلف پدیده تغییر جنسیت است. پژوهش‌های مربوطه باید همه جانبه و کامل باشد. تنها در صورت جامعیت نگری می‌توان چارچوب‌های علمی صحیح و درستی را تدوین نمود. برخی دیدگاه‌های مطرح شده، بدون توجه به واقعیت‌های خارجی است. گاه دیدگاهی به عنوان «منع و حرام» مطرح می‌شود، که با توجه به نیازهای جدید و مصالح و نیز ملاحظه فقه حکومتی و مدیریت جامعه، موجبات «تجویز و ترخیص» را فراهم می‌سازد.

البته به این نکته توجه داریم که باید مستندات فقهی از خود اسلام و فقه پویای اسلامی پیدا شود، نه این‌که چون در جهان غرب تجویز شده، پس ما هم می‌توانیم تجویز کنیم! به عبارت دیگر، قواعد و مبانی فقهی قابلیت انعطاف لازم را دارا بوده و مبانی اجتهادی آن، به قدر کافی پویایی و غنا را دارد که متناسب با نیازهای زمان و

تغییر جنسیت، ص: ۲۹

پیشرفت‌های پزشکی حرکت کرده و پاسخ‌های لازم را ارایه دهد و حقوق و مصالح اجتماعی حفظ شود، و در عین حال، ارزش‌های نظام اسلامی حفظ گردد.

مجامع حقوقی، فقهی و مانند آن بایستی هم زمان با تحولات و پیشرفت‌های پزشکی حرکت نمایند و چارچوب‌های حقوقی و فقهی پدیده‌های جدید پزشکی را روشن سازند. فقط به عنوان نمونه، به یک مسأله فقهی و حقوقی اشاره می‌شود تا توجه خوانندگان محترم جلب شود:

بعید نیست تا چند سال آینده فردی متولد شود که پدر ومادر او یک فرد باشد. برای مثال، فردی به نام

A

هم به عنوان پـدر و هم به عنوان مـادر برای فردی دیگر به نامB باشد. با این توضیح کهA که مرد است قبل از تغییر جنسیت، اسپرم خویش را در بانک اسپرم ذخیره می‌سازد، و آن گاه تغییر جنسیت داده و برای او پیوند رحم نیز صورت می‌پذیرد. در نهایت، اسپرم سابق او را به وی تزریق نموده و صاحب فرزندی به نامB می گردد. در این حالت،A هم پدر و هم مادرِB است.

ممکن است در ابتدا گفته شود چنین عملی حرام و یا غیر اخلاقی و یا غیر قانونی است، ولی پرسـش اساسـی این است که اگر چنین پدیـده‌ای اتفاق افتد، آیا آثار فقهی و حقوقی آن از سوی مجامع علمی و دانشـمندان مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است؟ آیا از نظر فقهی و حقوقی یک فرد می‌تواند هم پدر و هم مادر شخص دیگر باشد؟! ولایت و سرپرستی کودک به عهده کیست؟ وضعیت محارم نسبی و سـببی کودک چگونه خواهـد بود؟ آیا برادران فرد اول (A) به عنوان عمویB هسـتند یا دایی؟! نیز خواهران فرد اول (A) آیـا به عنـوان عمهB هسـتند یـا خاله؟! آیا در اسـناد هویت ماننـد شناسـنامه ممکن استA هم به عنـوان پـدر و هم مـادر معرف گردد؟! و ده‌ها پرسش دیگر که در این زمینه قابل طرح است.

۳. هدف تحقیق

موارد زیر به عنوان هدف تحقیق می‌باشد:

الف) عدم وجود کتاب مستقل درباره تغییر جنسیت: تا آن جا که بررسی‌ها

تغییرجنسیت، ص: ۳۰

نشان می‌دهد، در این باره هیچ کتاب مسـتقلی نگاشـته نشده است. از آن جایی مایلم کار جدید انجام دهم، از این رو، موضوع فوق را انتخاب کردم.

ب) بنیـادی و کـاربردی بودن موضوع تغییر جنسـیت: موضوع فوق، بنیـادی یا نظری است. به عبارت دیگر، در این باره، پرسـش‌های بنیادی وجود دارد. مثل این‌که گفته شده که آیا تغییر جنسیت، تغییر در خلقت خداوند متعال نیست؟ پاسخ به این پرسش، از مباحث نظری تغییر جنسیت محسوب می‌شود، که برای بسیاری از مسلمانان و حتی غیر مسلمانان این شبهه خود نمایی می کند.

علاـوه بر این، تحقیق درباره تغییر جنسـیت، کاربردی بوده و در حل بسـیاری از پرونـده‌های دادگستری راه‌گشا خواهـد بود؛ چه این که، تغییر جنسـیت بـا مبـاحث حقوق خانواده ارتباط نزدیکی دارد.ماننـد ازدواج، مهریه، نفقه، ولایت و سـرپرستی کودکان، ارث و غیره. با حصول تغییر جنسـیت و تبدیل جنس پسر به دختر و یا برعکس، موضوع بسیاری از احکام فقهی و حقوقی نیز دچار تحّول و تغییر خواهد شد. قاضی در رسیدگی به دعاوی مربوط به تغییر جنسیت، لازم است اطلاع کافی از مسأله تغییر جنسیت داشته باشد، تا در نهایت بتواند حکم قضایی، متناسب با موضوع جدید صادر نماید.

ج) پاسخ به پرسـش‌های مطرح شـده: علاوه بر مطالب فوق، درباره تغییر جنسـیت، پرسـش‌های فقهی و حقوقی فراوانی مطرح شـده است. این پرسـش‌ها، تنها در حوزه کشور ایران نیست، بلکه در مجامع علمی دنیا، اعم از اسـلامی و غیر اسـلامی نیز وجود دارد، که لازم است بر اساس دیدگاه اسلام و مخصوصاً فقه امامیه، این پرسش‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

د) معرفی پویـایی فقه امـامیه: یکی از اهـداف تحقیـق، معرفی فقه شـیعه به عنـوان فقهی پویـا است، و این‌که فقه شـیعه به خـوبی این بیمـاری را شـناخته و متنـاسب بـا پدیـده نو ظهور تغییر جنسـیت، مباحث فقهی و حقوقی آن را مطرح ساخته است؛ امری که در سایر ادیان و مکاتب وجود نـدارد. همان طور که در تاریخچه بحث تغییر جنسـیت خواهد آمد، امام خمینی (ره) اولین فقیه و دانشـمند در دنیا است که مباحث فقهی و

تغییرجنسیت، ص: ۳۱

حقوقی تغییر جنسیت را مطرح ساخته است. وی این مباحث را در سال ۱۳۴۲ خورشیدی و در جلد دوّم تحریر الوسیله به رشته تحریر در آورده است.

۴. سؤالات اصلی و فرعی تغییر جنسیت

تغییر جنسیت زمینه ساز سؤالات متعددی است. در زیر به برخی از این سؤالات توجه می‌شود:

الف) سؤالات اصلی تغییر جنسیت:

۱. آیا تغییر جنسیت، تغییر در خلقت خداوند متعال است؟ به عبارت دیگر، این خدای متعال است که برخی را پسر و برخی را دختر آفریده است. آیا با تغییر جنسیت و تبدیل جنس پسر به دختر و یا برعکس، خلقت خداوند متعال، دست کاری نمی‌شود؟!

۲. وضعیت ازدواج، پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟ توضیح آن‌که در ازدواج لازم است دو نفر از جنس مخالف با یکدیگر پیمان نکاح ببندند. چنان‌چه یکی از زوجین یا هر دو زوج، به جنس مخالف تبدیل شوند، آیا ازدواج هم چنان به حال خود باقی است، یا آن‌که آن دو، خود به خود از یکدیگر جدا می‌شوند، یا آن‌که برای جدایی از هم، لازم است عاملی مانند: طلاق و فسخ پدید آید؟

۳. هرگاه زن، پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، آیا می‌تواند مهریه ازدواج پیشین رامطالبه نماید؟ نیز در صورت تغییر جنسیت مرد، آیا وی موظف به دادن مهریه ازدواج پیشین می‌باشد یا خیر؟

۴. وضعیت نفقه زوجه پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟ چنان‌چه مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن جنسیت خویش را تبدیل نماید، آیا در مورد نفقه زوجه تغییری حاصل می‌شود؟

۵. ولایت و سرپرستی کودکان تا سن خاص برای مادر، و پس از آن برای پدر خواهد بود. حال چنان چه، مرد جنسیت خویش را تغییر دهد، آیا حق ولایت و سرپرستی کودکان را از دست می‌دهد؟ آیا چنان‌چه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، می‌تواند ولایت و سرپرستی کودکان را به دست آورد؟

تغییرجنسیت، ص: ۳۲

۶. آیا میزان ارث، پس از تغییر جنسیت تغییر می‌کند؟ مطابق مقررات اسلامی سهم الارث پسر دو برابر سهم الارث دختر است. حال چنان چه، پسر تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل گردد، سهم الارث او چه مقدار است؟ آیا سهم او براساس جنسیت فعلی او است، یا بر طبق جنسیت سابق سهم الارث دریافت می‌کند؟

همین پرسش در صورتی که دختر به پسر تبدیل گردد نیز مطرح است، آیا سهم الارث او افزایش می‌یابد؟

هم‌چنین اگر پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، آیا در میزان سهم الارث آنان از فرزند مرده خویش، تغییری پیش می‌آید؟

۷. مسأله عناوین نسبی، مانند: پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند، عمو و دایی، خاله پس از تغییر جنسیت چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

ب- سؤالات فرعی تحقیق:

علاوه بر سؤالات پیش گفته، سؤالات دیگری نیز قابل طرح است:

۱. از نظر فقهی، چه تعریف یا ملاکی برای جنس مذکر یا جنس مؤنث وجود دارد؟

۲. چنان‌چه به مشروعیت تغییر جنسیت معتقد شویم، و شخص بخواهد پس از تغییر جنسیت به جنسیت سابق خویش باز گردد، آیا تغییر جنسیت مجدد جایز است یا خیر؟

۳. به طور کلی، شرایط جواز تغییر جنسیت چیست؟

۴. آیا زوجه، برای تغییر جنسیت خویش، لازم است از شوهر خویش کسب اجازه نماید؟

۵. آیا فرزند- اعم از دختر و پسر- بخواهد تغییر جنسیت دهد، لازم است از والدین خویش کسب اجازه نماید؟ حال چنان چه، میان پدر و مادر در تغییر جنسیت فرزند اختلاف پیش آید، تکلیف چیست؟

۶. از دیدگاه فقها، تعریف خنثی چیست؟ و چه تفاوتی با دو جنسی دارد؟

۷. وضعیت فقهی و حقوقی تراجنسیتی‌ها (خنثای روانی) چگونه است؟

۸. آیا در افراد سالم، می‌توان به جواز تغییر جنسیت معتقد شد؟

۹. کسانی که به حرمت تغییر جنسیت معتقد هستند، آیا بین افراد مختلفی که

تغییرجنسیت، ص: ۳۳

خواهان تغییر جنسیت هستند، فرقی قائل نیستند؟ و آیا در مورد همه آنان به حرمت تغییر جنسیت معتقدند؟

توضیح آن‌که عده‌ای از بیماران از نظر جسمی دچار مشکل می‌باشند، مانند: دو جنسی‌ها و خنثی‌ها؛ و عده‌ای دیگر از نظر روحی و روانی با مشکل مواجه بوده و خواهان تغییر جنسیت می‌باشند. آیا بیماری، اعم از جسمی و روانی، مجوزی برای تغییر جنسیت نمی‌باشد؟

۱۰. در تغییر جنسیت عوامل و شرایط گوناگونی دخالت دارند. برای مثال، شخصی که از نظر جسمی سالم است، چنان‌چه تغییر جنسیت دهد، عقیم شده و قدرت باروری را از دست خواهد داد. آیا عقیم شدن فرد به دلیل تغییر جنسیت، می‌تواند دلیل حرمت این عمل باشد؟

۵. پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه بحث تغییر جنسیت، حداقل دارای دو بُعد یا رویکرد زیر است:

- رویکرد پزشکی: منظور از آن این است که عمل جراحی تغییر جنسیت، برای اولین بار چه زمان و در کجا اتفاق افتاده است.

- رویکرد فقهی و حقوقی: منظور آن است که اولین مباحث فقهی و حقوقی مربوط به این مسأله در چه زمانی و از سوی چه کسانی مطرح گردیده است.

رویکرد پزشکی تغییر جنسیت (قسمت اوّل) در مباحث آینده و در بخش کلیات خواهد آمد. آن‌چه در این جا ضرورت دارد، بیان پیشینه فقهی و حقوقی تغییر جنسیت است. تا کنون درباره بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، کتاب مستقلی تألیف نشده است، و منابع موجود در این زمینه، غالباً به صورت مقالات، گفت‌وگوها و نیز استفتاء‌آت از مراجع عظام تقلید است، که در ذیل به شرح تفصیلی آن می‌پردازیم:

الف) دیدگاه حضرت امام خمینی (ره):

وی اولین فقیهی است که درباره مباحث فقهی تغییر جنسیت و در سال ۱۳۴۳ شمسی اظهار نظر نموده است. نظریات ایشان در جلد دوّم کتاب «تحریر الوسیله»، و در بخش «مسائل مستحدثه» وجود دارد. توضیح این‌که، مرحوم امام خمینی، قیام خویش علیه شاه ایران در سال ۱۳۴۲ شمسی به اوج خود رسانید و در سال ۱۳۴۳ شمسی از سوی شاه به

تغییرجنسیت، ص: ۳۴

ترکیه تبعید شد. محل سکونت امام خمینی در ترکیه، شهری به نام «بورسا» بود که ایشان نیز در مقدمه جلد اول کتاب «تحریر الوسیله» بدان اشاره کرده است[۷]. در هر حال، کتاب «تحریر الوسیله» درمدت شش ماه به نگارش در آمد که در انتهای جلد دوم مباحثی چند درباره مسایل جدید فقهی، از جمله «تغییر جنسیت» مطرح شده است.

ب) استفتاء‌آت، کتاب‌های فقهی و ...:

با پیشـرفت علم پزشـکی و افزایش جراحی‌های تغییر جنسـیت، پرسش‌های فقهی متعددی از سوی مقلّدین و مردم متدین مطرح شده است. تقریباً تمام رساله‌هایی که تحت عنوان: رساله اسـتفتاءآت، احکام پزشـکی و ماننـد آن از سوی مراجع تقلید انتشار یافته است، مسأله تغییر جنسـیت را نیز مورد بررسـی قرار داده است. این امر نشان می‌دهـد که این مسأله، پر دامنه و مورد پرسـش عـدّه زیادی از مردم، جـامعه پزشـکی و مراکز علمی و دانشـگاهی بـوده اسـت. مراجع و فقیهـان زیـادی در این بـاره، اظهـار نظر کرده‌انـد که بیـان دیدگاه‌ها و نظرات آن در بخش‌های آتی این رساله خواهد آمد. در این جا، به عنوان بیان «پیشـینه تحقیق» اسامی تعدادی از آنان را می‌آوریم:

۱. آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی:

ر. ک: الف- ابوالقاسم موسوی خویی؛ استفتاءآت: پرسش و پاسخ.

ب- ابوالقاسم موسوی خویی؛ منیهٔ السائل؛ استفتاءآت هامهٔ، تدوین از: موسی مفیدالدین عاصی عاملی، چاپ سوم.

ج- سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین، و فقاً لفتاوی عشره من مراجع التقلید.

۲. آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی:

ر. ک: سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین، وفقاً لفتاوی عشرهٔ آن مراجع التقلید.

تغییرجنسیت، ص: ۳۵

۳. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره)

ر. ک: الف- محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) جامع المسائل؛ استفتاءآت، جلد دوم.

ب- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه‌آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۴۲۵.

ج- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱).

د- سایت اینترنتی به آدرس:

www. LANKARANI. ORG

ه-- غلام‌حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت‌الله فاضل لنکرانی (قدس سره)).

۴. آیت‌الله محمد تقی بهجت:

ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه سؤالات فقهی- قضایی، سؤال شماره ۵۸۶۸.

۵. آیت‌الله میرزا جواد تبریزی:

ر. ک: الف- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال شماره ۵۷۵۱.

ب- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی و قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱).

ج- سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشرهٔ من مراجع التقلید.

۶. آیت‌الله سید علی سیستانی:

ر. ک: سایت اینترنتی ایشان به آدرس:www .SISTANI .ORG

۷. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای:

ر. ک: الف- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۵۶، ۵۲۸۰ و ۵۷۵۱.

ب- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱).

ج- سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشرهٔ من مراجع التقلید.

د- سید علی خامنه‌ای؛ رسالهٔ اجوبهٔ الاستفتاءآت.

تغییرجنسیت، ص: ۳۶

۸. آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی:

ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

۹. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی:

ر. ک: الف- ناصر مکارم شیرازی؛ مجموعه رسالهٔ استفتاءآت، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، جلد اول.

ب- ناصر مکارم شیرازی؛ رساله احکام برای بانوان، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی.

ج- سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین، وفقا لفتاوی عشرهٔ من مراجع التقلید.

د- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸، ۵۲۸۰ و ۶۲۹۳.

ه-- دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۰. آیت‌الله حسین علی منتظری:

ر. ک: الف- حسین علی منتظری؛ رساله استفتاءآت، جلد دوم.

ب- حسین علی منتظری؛ احکام پزشکی.

ج- حسین علی منتظری؛ دراسات فی المکاسب المحر مهٔ؛ جلد دوم.

۱۱. آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی:

ر. ک: الف- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸ و ۵۸۶۹.

ب- دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۲. آیت‌الله محمد ابراهیم جنّاتی:

ر. ک: محمد ابراهیم جنّاتی؛ رساله توضیح المسائل (استفتاءآت)، ج ۲.

۱۳. آیت‌الله سید صادق شیرازی:

ر. ک: آیت‌الله سید صادق شیرازی، المسائل الطبیه.

تغییرجنسیت، ص: ۳۷

۱۴. آیت‌الله یوسف صانعی:

ر. ک: الف- یوسف صانعی؛ استفتاءآت پزشکی.

ب- یوسف صانعی؛ مجمع المسائل، استفتاءآت، جلد اول.

ج- دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۵. آیت‌الله سید محمد حسین فضل الله:

ر. ک: احمد احمد و عادل القاضی؛ فقه الحیاهٔ، حوار مع محمد حسین فضل الله.

۱۶. آیت‌الله سید یوسف مدنی تبریزی:

ر. ک: الف- سید یوسف مدنی تبریزی؛ المسائل المستحدثهٔ، جلد اول.

ب- دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۷. آیت‌الله سید محمد وحیدی، مجمع المسائل والاحکام، مسأله ۷۴۶.

ج) مقالات

در زمینه تغییر جنسیت، چند مقاله فقهی یا حقوقی منتشر شده است که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- دکتر علی‌رضا باریک لو؛ «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵، سال اول (۱۳۸۲).

۲- دکتر علی رضا باریک لو؛ «آثار حقوقی تغییر جنسیت»، مجله فصلنامه علمی- پژوهشی مدرّس، سال ۱۳۸۳.

۳- آیت‌الله سید محسن خرازی؛ «تغییر الجنسیه»، مجله فقه اهل البیت (ع)، ش ۲۳، سال ششم (۱۳۷۹).

۴- آیت‌الله سید محمد صدر؛ «تبدیل الجنس»، ماوراء الفقه (مجموعه مقالات)، جلد ششم.

۵- محمد مهدی کریمی‌نیا؛ «بررسی فقهی- حقوقی تغییر جنسیت»، مجله معرفت، ش ۳۶، سال ۱۳۷۹.

۶- آیت‌الله محمد مؤمن؛ کلمات سدیده فی مسائل جدیده (مجموعه مقالات).

۷- آیت‌الله محمد مؤمن؛ «سخنی درباره تغییر جنسیت»، مجله فقه اهل بیت (ع)، ش ۷، سال دوم (۱۳۷۵).

تغییرجنسیت، ص: ۳۸

۸- آیت‌الله محمد آصف محسنی؛ الفقه و مسائل طبیه (مجموعه مقالات).

۹- آیت‌الله علی مشکینی؛ مصطلحات الفقه؛ واژه تغییر الجنسیة.

۱۰- حجت الاسلام والمسلمین استاد شیخ محمد قائنی، المسائل الطبیة، جلد دوم.

۱۱- آیت الله شیخ هادی نجفی، الآراء الفقهیة.

۱۲- آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، مجموعه مقالات، جلد ششم.

ه‍) گفت‌وگو ها:

۱. ر. ک: دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، جلد دوم، شامل مباحث مختلف از جمله گفت‌وگوهای افراد ذیل با یک دیگر درباره دو جنسی و مسأله تغییر جنسیت:

۱. دکتر حسن زاده نظری

۲. دکتر حسین فتاحی

۳. دکتر قدسیهٔ سیدی علوی

۴. حجهٔالاسلام دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

۵. آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی

۶. آیه الله سید حسن مرعشی

۷. آیت‌الله سید محسن خرازی

۸. دکتر لطف علی زاده

۹. دکتر حسن توفیقی

۱۰. حجهٔ الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی

۱۱. دکتر تقوی

۱۲. دکتر رزاقی

۲. بخشی از منابع تحقیق شامل مصاحبه و گفت‌وگوی نگارنده با پزشکان، روان پزشکان و عده زیادی از بیماران اختلال هویت جنسی می‌باشد.

تغییرجنسیت، ص: ۳۹

بخش اول تعاریف و کلیات

اشاره

تغییرجنسیت، ص: ۴۱

فصل اول تعریف تغییر جنسیت

اشاره

در ذیل، «تغییر جنسیت» را از نظر لغت، اصطلاح پزشکان و اصطلاح فقهی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول: تغییر جنسیت در لغت

اشاره

واژه «تغییر جنسیت» از دو کلمه «تغییر» و «جنسیت» تشکیل شده است. در ادامه توضیح مختصری در مورد واژه‌های تغییر، جنس و جنسیت داده می‌شود:

مراد از «تغییر» هرگونه تبدیل و دگرگونی است که ممکن است وضعیت یا حالت یک شئ را عوض کند به گونه‌ای که وضعیت جدید با وضعیت سابق از یک جهت یا جهات متعدد دارای تفاوت و گوناگونی باشد. این معنا در زبان فارسی و عربی یکسان است که در ذیل به چند نمونه از اقوال اهل لغت اشاره می‌شود:

در مورد معنای واژه «تغییر» گفته شده است:

غَیرَ الشئَ: حَوَّلَهُ و بَدَّلَه بِهِ غیرهَ، جَعَلُه غیرَ ما کانَ؛[۸]

تغییرجنسیت، ص: ۴۲

تغییر شئ، یعنی تحویل و تبدیل آن به یک شئ دیگر، یا آن‌که آن شئ را به غیر آن‌چه هست تبدیل نماید.

مؤلف کتاب التعریفات در این باره می‌گوید:

التغییرُ هو احداثُ شئٍ لم یکُن قَبلُه؛[۹]

تغییر عبارت است از ایجاد یک شئ، به گونه‌ای که قبل از آن چنین نبود.

و نیز در لغت فارسی چنین آمده است:

تغییر: از حالی به حالی برگردانیدن، دگرگون کردن، چیزی را به شکل و حالت دیگر در آوردن است.[۱۰] در مورد «جنس» چنین گفته شده است:

الجنس جمعه اجناس، ماهیهٔ تعمّ انواعاً متعددهٔ کالحیوانیهٔ فی الانسان وفی الفرس. کلُّ ضَربٍ مِنَ الشئِ، فَالابِلُ مثلًا جنس مِنَ البهائم؛ [۱۱]

جنس که جمع آن اجناس است عبارت از ماهیتی است که انواع متعددی را شامل می‌شود. مثلًا حیوانیت به عنوان یک جنس، شامل

انسان و اسب می‌شود. نیز جنس عبارت است از هر نوعی از یک شئ. پس شتر مثلًا جنسی از حیوانات است.

جنس در لغت فارسی نیز شبیه معنای آن در زبان عربی است:

جنس: آن‌چه که شامل انواع متعدده باشد، مثل جنس حیوان که شامل انسان و سایر جانداران است. در اصطلاح منطق، جنس آن است که شامل انواع باشد و نوع شامل اصناف و صنف شامل افراد. به معنی کالا و متاع هم می گویند. اجناس جمع.[۱۲] «جنسی» (sexual)

به معنای: تناسلی، آلت تناسلی، دارای جنس، دارای خاصیت

تغییرجنسیت، ص: ۴۳

جنسی و نیز نر و ماده است.[۱۳] «جنسیت» sexuality

به معنای: حالت یا ماهیت جنس، دارا بودن تمایلات جنسی، تمایلات جنسی.[۱۴]

جمع‌بندی و بیان نظریه مختار

«تغییر» در لغت، اعم از زبان فارسی و عربی، عبارت است از هر گونه تغییر و تبدیل در یک شیء، به طوری که وضعیت فعلی آن با وضعیت سابق متفاوت باشد. «جنس» نیز در لغت، اعم از فارسی و عربی، به معنای ماهیتی است که شامل انواع متعددی می گردد. مانند ماهیت «حیوان» که شامل انسان و انواع حیوان می‌شود و نیز به معنای کالا و متاع (شئ) آمده است.

جنس به معنای «نر و ماده»، معنایی است که در مرحله ثانویه پدید آمده است، وگرنه معنای اصلی و اولیه جنس، «نر و ماده» نیست. «جنسیت» نیز به معنای حالت یا ماهیت جنس است. هر چند در کتاب‌های لغت، «تغییر جنسیت» تعریف نشده است، ولی منظور از آن هر گونه تبدیل و تحول در جنس نر، ماده یا خنثی می‌باشد، به گونه‌ای که وضعیت کنونی، با وضعیت سابق متفاوت باشد.

مبحث دوم: تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی

به نظر می‌رسد: واژه «تغییر جنسیت» در اصطلاح پزشکی، با معنای لغوی آن و آن‌چه که در میان مردم شایع است، تفاوت چندانی نداشته باشد و منظور از آن تبدیل یا اصلاح آلت تناسلی است به گونه‌ای که جنس زن به مرد و یا برعکس تبدیل گردد، و نیز تبدیل خنثی و یا دوجنسی (هرما فرودیت)[۱۵] به یکی از دو جنس مرد یا زن، به معنای تغییر جنسیت است.

تغییرجنسیت، ص: ۴۴

در یک کلام می‌توان گفت: هر گونه تبدیل، اصلاح و یا تغییر که در جنس فرد به وجود آید، به گونه‌ای که وضعیت فعلی او از نظر زن یا مرد بودن با حالت سابق او، دارای تفاوت باشد، عنوان «تغییر جنسیت» صادق است. بنابراین، تغییر جنسیت، با «تغییر ژنتیکی» یا «تغییر کروموزوم‌ها» متفاوت است، زیرا در این گونه اعمال، جنسیت فرد تغییر نمی کند، بلکه تغییرات یا اصلاحاتی نسبت به «ژن» یا «کروموزوم» افراد صورت می‌پذیرد. البته بدیهی است که با تغییر یا اصلاح ژن‌ها، دگرگونی‌هایی در رفتار، اخلاق و حالات شخص پدید می‌آید، ولی هیچ گاه به وضعیت جدیدِ به وجود آمده، «تغییر جنسیت» گفته نمی‌شود.

به عبارت دیگر، تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکان، همراه با «عمل جراحی آلت تناسلی» است، که این امر هم در تغییر جنسیت افراد خنثی و دو جنسی صادق است و هم در تغییر جنسیت اشخاص تراجنسیتی (خنثای روانی)[۱۶] جریان دارد، به گونه‌ای که در این افراد تنها با «عمل جراحی آلت تناسلی» تغییر جنسیت حاصل می‌شود. در واقعیت خارجی هم، تغییر جنسیت با تاریخچه عمل

جراحی مدرن پیوند خورده و ارتباط نزدیکی دارد. آن گاه که عمل جراحی قلب، کلیه، چشم، معده و مانند آن رایج گشت، چنین پدیده‌ای در «عمل جراحی آلت تناسلی» هم اتفاق افتاد، ولی عمل جراحی در آلت تناسلیِ بیماران، با حساسیت و توجه خاصی همراه بوده است؛ چه این‌که با این کار، جنس فرد از مرد بودن یا زن بودن تغییر می‌کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت: تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی با تغییر ژن‌ها متفاوت است و آن عبارت است از عمل جراحی در آلت تناسلی، به گونه‌ای که مرد به زن یا زن به مرد تبدیل گردد، و یا فرد خنثی و دو جنسی به جنس مرد یا زن تبدیل گردد.

مبحث سوم: تغییر جنسیت در اصطلاح فقهی

اشاره

فقیهانی که درباره تغییر جنسیت سخن گفته‌اند معمولًا درباره معنای فقهی آن سخنی بیان نداشته‌اند و در حقیقت منظور آن بزرگواران از این لفظ همان معنای لغوی و عرفی

تغییرجنسیت، ص: ۴۵

تغییر جنسیت بوده است. از این رو، آیت‌الله علی مشکینی در این باره چنین می‌گوید:

عنوان تغییر جنسیت در مفهوم لغوی آن، روشن و آشکار است و غرض از آن بیان حکم شرعی مردی است که تغییر کرده و به زن تبدیل شده است، و نیز بیان حکم شرعی زنی که به مرد تبدیل شده است[۱۷].

تنها عده کمی از فقیهان درباره معنای فقهی تغییر جنسیت سخن گفته‌اند که در زیر به چند مورد آن اشاره می‌شود:

آیت‌الله محمد آصف محسنی در این باره می‌گوید:

تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل مرد به زن یا برعکس. در مورد اول، یعنی تغییر جنسیت مرد به زن، این گونه است که عضو تناسلی مرد برداشته می‌شود و به جای آن مهبل قرار داده می‌شود و نیز پستان‌ها بزرگ می‌شود. و در مورد دوم، یعنی تغییر جنسیت زن به مرد، این گونه است که پستان‌ها با عمل جراحی برداشته می‌شود. نیز دستگاه تناسلی زنانه با عمل جراحی برداشته می‌شود و به جای آن آلت تناسلی مردانه قرار داده می‌شود. همراه با عمل جراحی در هر کدام از موارد فوق، روان درمانی و هورمون درمانی نیز صورت می‌پذیرد[۱۸].

برخی از فقیهان از تغییر جنسیت به «تبدیل‌جنسیت» یاد کرده‌اند، آیت‌الله محمد صدر در این باره می‌گوید:

تبدیل جنسیت گاهی از طریق عمل جراحی طبی جدید به وجود می‌آید، به این‌که مرد به زن تبدیل شود یا این‌که زن به مرد تبدیل شود که ما از آن به «تبدیل جنس» یاد کردیم[۱۹].

تغییرجنسیت، ص: ۴۶

نیز فقیه فوق، در جای دیگر «تبدیل جنسیت» را این گونه تعریف می‌کند:

منظور ما از تبدیل جنسیت، این است که شخص خودش را از مرد بودن به زن بودن تبدیل کند و یا برعکس[۲۰].

آیت‌الله یوسف صانعی می‌گوید:

«تغییر جنسیت فرد، مانند تبدیل مرد به زن و بالعکس».[۲۱] آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی تغییر جنسیت را به دو قسم ظاهری و واقعی تقسیم می‌کند و در تعریف تغییر جنسیت واقعی می‌گوید:

«تغییر جنسیت، گاه واقعی است، یعنی با جراحی کردن، عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌گردد».[۲۲] با توجه به آن‌چه گذشت در

تعریف «تبدیل جنسیت» یا «تغییر جنسیت» تنها تبدیل مرد به زن یا برعکس آن، بیان شده است. به عبارت دیگر، در تعریف تغییر جنسیت، از تبدیل خنثی به مرد یا زن سخنی به میان نیامده است.

در این میان، برخی از فقیهان، تغییر جنسیت را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که تنها شامل تبدیل مذکر به مؤنث است و نه برعکس آن. البته بیش‌ترین نوع تغییر جنسیت که امروزه توسط پزشکان صورت می‌پذیرد، تغییر جنسیت مرد به زن است. آیت‌الله سید یوسف مدنی تبریزی در تعریف تغییر جنسیت می گوید:

«عمل جراحی بیضه و آلت تناسلی مرد و درست کردن مهبل برای او».[۲۳] نکته دیگر آن‌که منظور از «جنس» جنس منطقی نیست. مانند: «جنس انسان» در

مقابل «جنس حیوان»، بلکه مراد از «جنس» مفهوم «مذکر، مؤنث و خنثی» است. بنابراین، منظور از تغییر جنسیت، تبدیل انسان به حیوان و یا تبدیل حیوان به انسان نیست.

تغییرجنسیت، ص: ۴۷

جمع بندی و بیان نظریه مختار

برخی از فقیهان بزرگوار، از «تغییر جنسیت» تعریفی ارائه نداده‌اند. شاید دلیل این امر، بداهت و وضوح معنای این اصطلاح باشد. در این حالت، منظور آنان از «تغییر جنسیت» همان معنای موجود در نزد عرف است؛ یعنی تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد. برخی از فقیهان در تعریف واژه فوق، تنها به تبدیل مرد به زن بسنده کرده‌اند و از تبدیل زن به مرد سخنی به میان نیاورده‌اند؛ البته این نوع اخیر نیز، مورد نظر آنان بوده است، هر چند بدان تصریح نکرده‌اند. عده دیگری از فقیهان، تغییر جنسیت را شامل تبدیل مرد به زن و برعکس می‌دانند و دربارهٔ تغییر جنسیت فرد خنثی به مرد یا زن اظهار نظر نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد واژه «تغییر جنسیت» در مفهوم اعم و گسترده آن، شامل تبدیل خنثی به مرد، یا خنثی به زن نیز می‌شود، ولی در تعریف اخص و محدود آن، تنها شامل تبدیل مرد به زن، یا تبدیل زن به مرد است. از آن جایی که در عمل جراحیِ پزشکان، گاه افراد دو جنسی به مرد یا زن تبدیل می‌شوند، باید تعریف فقهی به گونه‌ای باشد که شامل این قسم از تغییر جنسیت هم بشود. بنابراین، تعریف فقهی بیان شده از سوی فقیهان بزرگوار، جامع افراد نیست و تنها شامل بخشی از تغییر جنسیت مرسوم میان پزشکان جراح است.

نکته دیگر آن که، در تعاریف سابق، به «اقسام تغییر جنسیت» هم اشاره شده است. به عبارت دیگر، «تعریف همراه با تقسیم» یا «تعریف به اقسام» است. این امر نشان دهنده آن است که «تغییر جنسیت» دارای معنای عرفی بوده و فقیهان اسلامی از معنا و مفهوم عرفی آن تبعیت کرده‌اند و آن عبارت است از: تبدیل و تغییر جنسیت فرد از یک حالت به حالت دیگر.

با این توضیح می‌توان در تعریف تغییر جنسیت گفت: «تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل یا تغییر جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث یا از مؤنث به مذکر یا از خنثی به مذکر یا از خنثی به مؤنث یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی».

البته دو مورد اخیر یعنی: «تبدیل مذکر به خنثی یا تبدیل مؤنث به خنثی» کم‌تر اتفاق

می‌افتد و هیچ انگیزه عقلایی برای انجام این نوع تغییر جنسیت وجود ندارد.[۲۴]

تغییرجنسیت، ص: ۴۹

فصل دوم تاریخچه تغییر جنسیت

طرح بحث

با توجه به متون فقهی و روایی روشن می‌شود که از صدر اسلام تاکنون، افرادی به صورت نادر به عنوان خنثی یا دو جنسی در جامعه زیست می‌کرده‌اند. گاه از امامان شیعه (ع) درباره کیفیت تعیین جنسیت، کیفیت نماز جماعت و غسل و مانند آن پرسش می‌شده است. به دنبال آن، مباحث فقهی افراد خنثی در کتاب‌های فقهای اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، می‌توان گفت از آغاز خلقت، همواره افرادی از نارسایی جسمی و جنسی برخوردار بوده‌اند. بنابراین، پدیده خنثی یا دو جنسی‌ها، یک امر نوظهوری محسوب نمی‌شود.

آن چه این مسأله را از اهمیت بیش‌تری برخوردار ساخته است، امکان تغییر جنسیت به وسیله عمل جراحی است. بخشی از این تغییر جنسیت در مورد افراد دو جنسی یا خنثی است که با عمل جراحی به یکی از دو جنس مرد یا زن تبدیل می‌شوند. بخشی دیگر از تغییر جنسیت در مورد افرادی است که با عمل جراحی، جنسیت نهفته آنان ظاهر می‌شود. ولی از همه مهم‌تر و عجیب‌تر، مساله تغییر جنسیت درمورد افرادی است

تغییرجنسیت، ص: ۵۰

که از نظر ظاهری سالم هستند، ولی از نظر روحی و روانی خود را متعلق به جنس مخالف می‌دانند.

به عبارت دیگر، گاه در جامعه مردانی یافت می‌شوند که خود را زن می‌دانند و در مواردی، زنانی هستند که خود را مرد می‌دانند. این عده گاه این امکان را پیدا می‌کنند که با عمل جراحی به جنس مخالف تبدیل شوند که در زبان عربی از آنان به «خنثای روانی» و در زبان انگلیسی به «ترنس سکسوال»[۲۵] یاد می‌شود. در زبان فارسی برای آن معادل بیان نشده است، ولی می‌توان واژه «تراجنسیتی» یا واژه «اختلال هویت جنسی» را پیشنهاد داد.

در هر حال، علی رغم سابقه طولانی وجود افراد دو جنسی یا خنثی‌ها، مساله تغییر جنسیت پدیده نو ظهوری محسوب می‌شود. این مسأله، پیوند زیادی با عمل جراحی و درمان مدرن پزشکی مانند جراحی پلاستیک دارد. از این رو، این بحث در کتاب‌های فقهی پیشین مطرح نشده است.

با توجه به اطلاعات به دست آمده، تاریخچه تغییر جنسیت را در دو قسمت می‌آوریم:

الف) اولین تغییر جنسیت در ایران

ب) تغییر جنسیت در خارج ایران

مبحث اول: اولین تغییر جنسیت در ایران

اشاره

اولین تغییر جنسیت در ایران در سال ۱۳۰۹ ش. (۱۹۳۰ م.) اتفاق افتاد که براساس آن، مردی در یک عمل جراحی، به یک زن تبدیل شد. عمل جراحی مزبور، توسط پزشکی به نام دکتر خلعتبری انجام شد که وی با عمل جراحی خویش، پسر هیجده ساله‌ای را به زن تبدیل کرد و خبر آن در روزنامه‌های آن زمان چاپ شد. از آن جایی که این عمل جراحی، در نوع خود کم نظیر و بلکه بی‌نظیر بود، با دقت و وسواس

تغییرجنسیت، ص: ۵۱

زیادی، از جمله اخذ رضایت نامه کامل از بیمار، انجام شد. براساس این گزارش، بیمار چنین می گوید:

این جانب با طیب خاطر، بدون این‌که دارای اختلال حواس باشم، حاضرم که مرا عمل کرده و از حالت مردی مرا به زن تبدیل کنند و اگر هم مرا عمل نکنید، خودم را خواهم کُشت.[۲۶]

بررسی و تحلیل

۱. اولین تغییر جنسیت در ایران، بـا توجه به درجِ با اهمیت آن در روزنامه آن زمان، مربوط به تغییر جنسیت افرادی است که از نظر ظاهر، سالم بوده، ولی از نظر روحی خود را متعلق به جنس مقابل می‌دانند، که امروزه از آنان به «خنثای روانی» یا «ترانس سکشوال» یا «تراجنسیتی» یاد می‌شود.

توضیح آن‌که از گذشته تاکنون، بویژه در دو قرن اخیر که عمل جراحی رایج بوده، این امکان برای افراد دو جنسی (هرمافرودیت) وجود داشته که بتوانند با حذف یکی از دو آلت تناسلی خود، جنسیت واحدی را برای خویش تثبیت نماید. بنابراین، عمل جراحی فوق که در روزنامه آن زمان بسیار با اهمیت تلقی شده، باید مربوط به تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی (
T.S)

باشد نه دو جنسیتی‌ها، که امری رایج و معمولی در آن زمان به شمار می‌رفته است؛ مخصوصاً از آن جهت که در این گزارش آمده است که: «این عمل جراحی، فصل جدیدی در تاریخ طبی و صحی مملکت باز و شایان دقت و توجه علما است».[۲۷] فصل جدید و رویکرد نو، دقیقاً از آن جهت بوده که این فرد از نظر جسمی و ظاهری، مرد بوده و توانسته است با تغییر جنسیت به زن تبدیل گردد. نیز در بخش دیگری از این گزارش به تغییر جنسیت فرد تراجنسیتی اشاره دارد، آن جا که آمده

تغییرجنسیت، ص: ۵۲

است: «او از حیث هیکل، قیافه و استخوان بندی یک مرد کامل العیاری است، اما احساسات و نشانه‌های اناثیت (زن بودن) بیش‌تر بر او غلبه داشته است».[۲۸] ۲. عمدتاً تغییر جنسیت در مورد این افراد در سنین ۱۸ تا ۲۸ سال صورت می‌پذیرد؛ یعنی کسانی که دوران نوجوانی و بلوغ را سپری نموده و وارد دوران جوانی شده‌انـد. دلیـل این امر دقیقـاً روشن نیست. شایـد این امر از آن جهت است که افراد در این سن، بیش‌تر امکان بروز شخصیت پیدا کرده و می‌توانند خواسته‌های خویش را بیان کنند، و یا این‌که افراد در سنین ۱۸ تا ۲۸ سـال غالبـاً از نظر ازدواج تحت فشـار هسـتند که بـا جنس مخـالف ازدواج کننـد، در حـالی که اساسـاً افراد تراجنسیتی، هیچ علاقه‌ای به ازدواج ندارنـد. به عبارت دیگر، «تراجنسیتی مذکر» به هیچ وجه تمایل ندارد با یک زن ازدواج کند، چه این‌که او خود را زن می‌داند. نیز «تراجنسیتی مؤنث» به هیچ وجه تمایل ندارد که با یک مرد ازدواج کند، چه این‌که او خود را مرد می‌داند.

۳. افرادی که دچار اختلال هویت جنسـی هسـتند، مخصوصاً از نوعِ حاد آن، به راحتی به عمل جراحی‌های سنگین و خطر آفرین تن می‌دهنـد. در گزارش فوق آمـده است که: «این جـانب با طیب خاطر، بـدون این‌که دارای اختلال حواس باشم حاضـرم که مرا عمل کرده و از حـالت مردی مرا تبـدیل بـه زن کنیـد و اگر هم مرا عمـل نکنیـد خـودم را خـواهم کُشت».[۲۹] این امر نشـان دهنـده اوج «اختلال هویت جنسـی» آنان است، چون دچار عدم تطابق جنسـی هسـتند. به عبارت دیگر، از نظر ظاهر همانند مردان می‌باشند، ولی از نظر روانی خود را کاملًا زن می‌داننـد، و یـا بر عکس. این عـده فکر می‌کننـد چنان‌چه عمل جراحی کننـد، از حالت «عـدم تطابق جنسـی» و یـا «اختلال هـویت جنسـی» رهـایی پیـدا می‌کننـد، در مـواردی که بـا تغییر جنسـیت آنـان مـوافقت نشـده است، دست به خودکشی می‌زنند.

با توجه به اطلاعاتی که نگارنده این سطور از این افراد بیمار به دست آورده است، تراجنسیتی‌ها فوق‌العاده احساساتی و زود رنج می‌باشند، مخصوصاً از آن جهت که آنان

تغییرجنسیت، ص: ۵۳

انتظار حمایت و همدردی اطرافیان، اقوام و بستگان را دارند، که در عمل چندان با آنان همدردی صورت نمی‌پذیرد، بلکه در عوض این احساس در اقوام و دوستان وجود دارد که آنان بوالهوس و تابع امیال نفسانی هستند.

مبحث دوم: تغییر جنسیت در خارج ایران

اشاره

از باب نمونه، تنها به چند مورد از تغییر جنسیت در خارج ایران، اشاره می‌شود تا قلمرو موضوع با توجه به سابقه آن روشن شود:

گفتار اول: اولین تغییر جنسیت در انگلستان

اولین عمل تغییر جنسیت در فاصله سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ م. در انگلستان انجام شد، که طی آن شخصی به نام «لورا دیلون»، دختر یک اشراف زاده ایرلندی، توسط پزشکی به نام «مکلندو» به مرد تغییر جنسیت داد و نام خویش را به «مایکل دیلون» تغییر داد. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ م. افراد بیش‌تری برای تغییر جنسیت به پزشکان و جراحان مراجعه کردند. تلاش‌های زیادی از سوی بیماران، خانواده‌ها و افراد دیگر برای به رسمیت شناختن بیماری تراجنسیتی و کسب شناسنامه جدید انجام شد که با مخالفت دولت انگلیس روبه‌رو شد، ولی در نهایت در سال ۲۰۰۲ م. دولت انگلیس اعلام کرد که مشاوره‌هایی را به منظور به تصویب رساندن «قانون بازشناسی جنسیت» در دست انجام دارد، که این قانون در سال ۲۰۰۴ م. به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۵ م. تراجنسیتی‌های انگلیس توانستند تقاضای شناسنامه جدید کنند. حدود ۵۰۰۰ نفر از این بیماران در انگلستان زندگی می‌کنند.[۳۰]

گفتار دوم: اولین تغییر جنسیت در آمریکا

در سال ۱۹۵۲ م. اولین تغییر جنسیت در آمریکا اتفاق افتاد و روزنامه نیویورک تایمز با درج یک تیتر جذاب، تغییر جنسیت او را به عنوان یک موضوع اجتماعی مطرح و

تغییرجنسیت، ص: ۵۴

توجه افکار عمومی را به آن جلب کرد.[۳۱]

گفتار سوم: اولین تغییر جنسیت در مصر

در سال ۱۹۸۲ م. فردی به نام «سید عبدالله»، که یک جوان نوزده ساله، و دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه الازهر مصر بود، با یک روان پزشک تماس گرفت و افسردگی شدید و ناراحتی روحی خود را با او در میان گذاشت. روان پزشک متوجه شد که او از یک بحران و «اختلال هویت جنسی» در رنج و عذاب است، و به تعبیر دیگر، او خنثای روانی (تراجنسیتی) است. چند سال معالجات

هورمون درمانی ادامه پیدا کرد، ولی نتیجه‌ای نداد و در نهایت در سال ۱۹۸۸ م. جراح با عمل جراحی، ممیز و علایم جنسیت مذکر را از او برداشت و برای او مجرای مصنوعی خروج ادار و ممیز مصنوعی زنانه درست کرد و بیمار، نام «سالی» را برای خود انتخاب کرد. این امر، به یک مسأله روز در کشور مصر تبدیل شد و مقامات رسمی از دادن مجوز برای اخذ شناسنامه جدید، خودداری می‌کردند و در نهایت «سالی» موفق شد در سال ۱۹۸۹ م. شناسنامه جدید دریافت کند.[۳۲]

جمع‌بندی و بیان نظریه مختار

۱. با توجه به تاریخچه تغییر جنسیت، و بر اساس اسناد موجود، اولین تغییر جنسیت در مورد افراد تراجنسیتی در ایران صورت پذیرفته است، چه این‌که اولین تغییر جنسیت در ایران، که توضیح آن پیش‌تر گذشت، در سال ۱۹۳۰ میلادی یا ۱۳۰۹ شمسی روی داده و اولین تغییر جنسیت در خارج ایران در کشور انگلستان در حدود سال ۱۹۴۲ میلادی رخ داده است.

۲. ذکر چند نمونه از تغییر جنسیت در خارج از ایران، نشان دهنده بُعد جهانی این قضیه است. به عبارت دیگر، این بیماری مربوط به یک سرزمین یا حتی یک قاره

تغییرجنسیت، ص: ۵۵

خاصی نمی‌باشد، بلکه چنین پدیده‌ای، در هر سرزمینی امکان بروز و ظهور دارد.

۳. مباحث پزشکی تغییر جنسیت با مباحث حقوقی، فقهی و اخلاقی این مسأله، ارتباط تنگاتنگی دارد. در هر کشوری که پدیده تغییر جنسیت به وجود آمده و یا در شُرُف وقوع بوده، هم زمان با آن در مراکز علمی و دانشگاهی از روایی یا نارِوایی، یا مشروعیت وعدم مشروعیت آن سخن به میان آمده است. در جوامع اسلامی، عمدتاً تحت عنوان: «جواز یا عدم جواز» ویا تحت عنوان: «حرام یا حلال» مورد ارزیابی قرار گرفته است و در جوامع غیر اسلامی عمدتاً تحت عنوان: «غیر اخلاقی بودن یا اخلاقی بودن» و یا «قانونی یا غیر قانونی بودن» مورد ارزش گذاری قرار گرفته است.

۴. پدیده تغییر جنسیت، علاوه بر جدید و نو بودن آن، با انعکاس و سر و صدای فراوان همراه بوده است. همیشه افکار عمومی و رسانه‌های تبلیغاتی به صورت مثبت یا منفی در مقابل آن موضع گرفته‌اند. ذکر این امر، از آن جهت مهم است که بیماران تراجنسیتی (خنثای روانی یا

(Ts

چه قبل از عمل جراحی و چه پس از آن، از مشکلات و ناراحتی‌های روانی، اجتماعی و خانوادگی رنج می‌برند. هرگاه پس از تغییر جنسیت، بیماری اختلال هویت جنسی آنان درمان یابد، تازه برخی مشکلات و ناراحتی‌های جدید نمایان شده و شدیداً آنان را آسیب‌پذیر می‌سازد.

ناگفته نماند که این مشکل، خاص ایران نیست، بلکه در همه جوامع و کشورها به صورت کم یا زیاد وجود دارد. علل و عوامل گوناگونی در این امر نقش دارد. از جمله عدم اطلاع رسانی صحیح می‌باشد. رسانه‌های صوتی و تصویری به این مسأله توجه نکرده‌اند و رسانه‌های نوشتاری مانند: روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، مجلات و سایت‌های اینترنتی به صورت دلسوزانه آن را مورد بررسی و تحلیل قرار نداده‌اند، بلکه به آن به عنوان یک خبر داغ و جلب‌کننده مشتری نگریسته شده است. برخی گزارش‌های حاکی از آن است که درصد کمی از بیماران اختلال هویت جنسی که موفق به تغییر جنسیت شده‌اند، به دلیل عملکرد منفی خانواده یا اقوام و دوستان دست به خودکشی زده‌اند. اساساً آمار دقیقی از افرادی که تغییر جنسیت یافته‌اند، در اختیار نداریم و این افراد پس

تغییرجنسیت، ص: ۵۶

از عمـل جراحی، در جامعه رها شده‌انـد؛ در حالی که آنان نیازمنـد بیش‌ترین حمایت‌های معنوی، مادی و اجتماعی می‌باشـند. گویا هیـچ سازمان دولتی و یا غیر دولتی در مقابل این معضل مهم و اساسـی- که بیماران اختلال هویت جنسـی و خانواده‌های آنان با آن دست به گریبان هستند- احساس مسؤولیت نمی‌کند!

تغییرجنسیت، ص: ۵۷

فصل سوم اقسام تغییر جنسیت

اشاره

اکنون این پرسـش مطرح است که تغییر جنسـیت چند قسم است. این بحث در هیچ کتاب یا مقاله‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. ولی با توجه به اطلاعات محدود و تجارب اندك نگارنده به موارد زیر اشاره می‌شود. البته منظور از تغییر جنسیت در این فصل یك مفهوم عام و گسترده است به نحوی که شامل «اصلاح جنسیت» نیز می‌شود.

مبحث اول: تغییر جنسیت در افراد سالم

منظور آن است که عده‌ای (مذکر یا مؤنث) که فاقد مشـکل جسـمی بوده و از نظر ظاهر، کاملًا مرد یا زن هستند، ولی از روی هوس و تمایلات زودگـذر، خواهان تغییر جنسـیت می‌باشـند. به عبارت دیگر، در این قبیل افراد هیچ گونه بیماری جسـمی یا روحی وجود نداشته و برای تغییر جنسـیت، اضـطرار یا توجیه عقلانی وجود ندارد. در عمل، پزشـکان با تغییر جنسـیتِ این گروه مخالف هستند و مصادیق خارجی این گونه تغییر جنسیت‌ها، بسیار اندك است.

برخی از حقوق دانان، تحقق چنین تغییر جنسـیتی را منکر هسـتند. دکتر سـید حسـین صـفایی و دکتر اسد الله امامی در این باره چنین می‌گویند:

تغییرجنسیت، ص: ۵۸

به نظر می‌رسد که تغییر جنسیت به معنی دقیق کلمه، فرضی بیش نیست، به طوری که کارشناسان پزشکی گفته‌اند: تغییر جنسیت در افرادی که زن یا مرد کامل هسـتند و ابهام در آن‌ها مشاهده نمی‌شود، به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست و فقط در مورد افراد دو جنسـی (هرمـافرودیت) کـه ابهـام و اختلال جنسـی از نـوع ژنـتیکی و کرومـوزومی و نشانه‌هـای دیگر از این قبیـل دارنـد، تعیین جنسـیت با آزمایش‌های پزشـکی و بررسی‌های علمی ممکن است؛ یعنی با این گونه آزمایش‌ها و بررسی‌ها معلوم می‌شود که مرد یا زن معرفی شده، از جنس دیگر بوده است.[۳۳] می‌توان گفت تغییر جنسیت در افراد کاملًا سالم، شبیه تغییر جنسیت در افراد تراجنسیتی (ترانس سکشوال) است که امروزه به تعداد فراوان انجام می‌شود، حتی عده‌ای پس از تغییر جنسیت، ازدواج هم کرده‌اند.

مبحث دوم: تغییر جنسیت در دوجنسی‌ها (خنثی‌ها)

پدیـده خنثی، پدیده نو ظهور و جدید محسوب نمی‌شود. از گذشـته تا کنون جوامع انسانی، کم و بیش با این گونه افراد مواجه بوده است. در برخی روایـات اسـلامی و منـابع فقهی به این گونه افراد اشـاره شـده، و احکـام فقهی آنـانماننـد ارث بیان گردیـده است. می‌توان گفت: بیش‌ترین بحث فقهی از این گروه در «کتاب ارث» از کتب فقهی مورد بررسی قرار گرفته است.

در جراحی تغییر جنسیت، یکی از دو آلت تناسـلی که ضـعیف، کوچك یا غیر مناسب تشـخیص داده شـده است، حـذف و دیگری

تقویت می‌شود. دراین حالت، بیمار دو جنسی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث تبدیل می‌شود. این نوع تغییر جنسیت‌ها از گذشته تا کنون وجود داشته و اساساً هیچ مخالفی برای آن وجود ندارد؛ چون بیماری آنان محرز و ثابت است و حتی فقیهان و حقوق دانان اهل سنت که با تغییر جنسیت مخالف هستند، با تغییر جنسیت گروه فوق مخالفتی ندارند، و در واقع تغییر جنسیت به منزله معالجه و خروج شخص خنثی یا دو جنسی از بلا تکلیفی جنسی است.

تغییرجنسیت، ص: ۵۹

مبحث سوم: تغییر جنسیت در افراد ممسوح

در زبان فقه، منظور از ممسوح، شخصی است که نه آلت مردانه داشته باشد و نه آلت زنانه.[۳۴] این گروه نیز با عمل جراحی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث نزدیک یا تبدیل می‌شوند.

مبحث چهارم: تغییر جنسیت در تراجنسیتی‌ها (ناراضیان جنسی)

برخی بیماران روحی، خود را به جنس مخالف متعلق می‌دانند. نگارنده با تعداد قابل توجهی از این بیماران مصاحبه و گفت و گو داشته است و گزارش‌هایی در این زمینه تهیه کرده‌ام.[۳۵] در مواردی این گونه بیماران از طریق روان درمانی یا هورمون درمانی معالجه می‌شوند و شخص بیمار، جنسیت فعلی خویش را پذیرا می‌شود، ولی براساس شواهد و قرائن، و نیز براساس گفته‌های روان پزشکان، در اغلب موارد این گونه بیماران غیر قابل معالجه هستند. دکتر محمد رضا محمدی، روان شناس و رئیس مرکز تحقیقات علوم پزشکی ایران به نگارنده گفت: من با بیماران روانی فراوانی ملاقات داشته‌ام. تقریباً تمام بیماران روانی قابل معالجه و درمان هستند، اما بیماران تراجنسیتی (ترانس‌ها یا

Ts

ها)، بیماران بسیار مرموز و نادر هستند. گاه تمام راه‌های درمانی که آموخته‌ایم و یا در تجربه به دست آورده‌ایم، در مقابل این گونه بیماران بی‌فایده است. در این صورت، هیچ راهی برای درمان آنان غیر از تغییر جنسیت وجود ندارد.

پروفسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت، می گوید:

می‌بایست بیماران مشکوک به مبتلا بودن به این بیماری را طی دوره‌های متعدد درمانی، روان کاوی و روان درمانی قرار داده تا در صورت امکان، روان درمانی گردند و جسم خود را بپذیرند، و در صورت عدم موفقیت این دوره درمانی، تشخیص ترانس سکسوالیته آنان مستعجل گردیده. لذا می‌بایست از

تغییرجنسیت، ص: ۶۰

طریق روان پزشکان برای عمل جراحی به جراحان سپرده شوند تا جسم آن‌ها تا حدی تبدیل به خواسته روان آن‌ها گردد.[۳۶]

مبحث پنجم: تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت

مواردی است که به علت عدم رشد کامل جنسی، تکوین دستگاه تناسلی خارجی صورت تکامل نپذیرفته و جنسیت حقیقی پنهان مانده است و والدین با نگریستن به ظواهر امر، برای نوزادی که در حقیقت پسر است، شناسنامه دختر گرفته و یا بالعکس برای دختر، شناسنامه پسر می گیرند و تحصیلات آنان نیز بر همین پایه انجام می گیرد. این عده تا در سن کودکی هستند، متوجه گرفتاری

خود نمی‌شونـد، اما وقتی بالغ شدنـد، از آن جا که به جنس مخالف تمایلی پیـدا نمی‌کننـد، متوجه نقص خود شده و اغلب به تصور خود، چون چاره‌ای برای مشکلات خود نمی‌بینند، دست به خودکشـی می‌زننـد و اگر از مرگ رهایی یابنـد، تازه به نقص آنان پی برده می‌شود و برای چاره جویی به پزشک مراجعه نموده و سـرانجام با راهنمایی پزشک معالج، از طریق مقامات قضایی، به پزشکی قانونی اعزام می‌گردنـد. اگر والـدین این گونه افراد به فرزنـدان خود و خُلق و خوی آنان توجه کننـد، خیلی زود می‌تواننـد به نقص آنان پی برده و قبل از وقوع عواقب وخیم، مانند خودکشـی یا فرار یامبتلا شدن به بیماری روانی، با مراجعه به مقامات قضایی به رفع مشکل آنان بپردازند.[۳۷]

مبحث ششم: تغییر جنسیت در حیوانات

تغییر جنسیت در حیوانـات نیز اتفـاق می‌افتـد. گاه این تغییر به دست بشـر روی می‌دهـد و گاه حیوانات به دلیل عوامل طبیعی، تغییر جنسیت می‌دهنـد. حـالت دوم، خـارج از مبـاحث فقهی است، چه این‌که فقه، متکفـل بیـان احکـام شـرعی افعـال انسان‌ها می‌باشـد. بنابراین، هرگاه به دلیل عوامل طبیعی، حوادثی مانند تغییر جنسیت در حیوانات اتفاق

تغییرجنسیت، ص: ۶۱

می‌افتد، بحث فقهی درباره آن بی‌مورد است.

آن چه به دست بشـر اتفـاق می‌افتـد و از گذشـته تـاکنون معمول بوده است، خِصـا یا اخته کردن حیوانات حلال گوشت بوده است. هـدف از این کار، بهبود و افزایش حیوانات حلال گوشت،ماننـد گوسـفند است. در مباحث آینده در مورد جواز یا عدم جوازِ اخته کردن و تغییر جنسیت حیوانات سخن خواهیم گفت.

موضوع تغییر جنسیت به عنوان یک پدیده نو و جدید در ماهیان آزاد نیز مشاهده شده است. بنا به گزارش «جیمز ناگلر»[۳۸] زیست شنـاس تکوینی از دانشـگاه آیـداهو، ماهی‌هـای آزاد شـنوک، بزرگ‌ترین ماهی‌هـای آزاد اقیـانوس آرام، سالانه، اقیانوس آرام را به قصد سفر به رودخانه‌های محل تولد خود ترک کرده و در خلاف جهت رودخانه شنا می‌کنند. این ماهی‌های ۶- ۴ ساله معمولًا پس از رسـیدن به رودخـانه، در آن‌جـا تخم‌ریزی کرده و سـپس می‌میرنـد. طبق جدیـدترین مطالعات انجام شـده، ماهی‌های ماده یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های تولیدمثل‌کننده ایالت واشنگتن، تغییر جنسیت داده و زندگی خود را به عنوان ماهی‌های نر آغاز می‌کنند.

از نظر زیست‌شناسـی این مسأله کاملًا غیر عادی است و «ناگلر» اعلام کرد که تعدادی از آلاینده‌ها قادرند جنسیت جنین یا نوزدان نر ماهی‌هـای شـنوک را به ماهی‌هـایی تغییر دهنـد که ظاهراً نر هسـتند، ولی در واقع هماننـد یک ماهی ماده عمل می‌کننـد ....[۳۹] در روزنامه همشهری در خصوص تغییر جنسیت قورباغه‌ها چنین آمده است:

«هم‌چنین دانشـمندان فهمیده‌اند که آلاینده‌های صـنعتی می‌تواند باعث تغییر جنسـیت قورباغه شود. پنجاه نفر از پژوهشـگران زیست محیطی در پروژه‌ای ۳۷۰ میلیون دلاری، با این هدف که تمام گونه‌های قورباغه از خطر انقراض در اثر شهرسازی، افزایش گرمایش زمین و آلودگی صنعتی محافظت شوند، کارشان را شروع کردند.

تغییرجنسیت، ص: ۶۲

در رونـد این مطالعات، محققان سوئدی دریافتند که قورباغه‌هایی که با جنسـیت نر متولد شده‌اند، بعد از مدتی به جنس ماده تبدیل شده‌انـد! در این مطـالعه مشـخص شـد که حتی کم‌ترین مقـدار استروژن موجود در بچه قورباغه‌هـای یکی از این دو گروه هم برای تغییر جنسیت آن‌ها به نوع ماده کافی است».[۴۰]

مبحث هفتم: تغییر جنسیت در گیاهان

تغییر جنسیت در گیاهان نیز قابل تصور است و منظور از آن تبدیل یک گیاه یا درخت نر به گیاه یا درخت ماده و برعکس می‌باشد. هر چند که تا به حال شنیده نشده است که گیاهان به طور طبیعی تغییر جنسیت داده باشند، ولی می‌توان فرض کرد که انسان‌ها با استفاده از پیشرفت‌های علمی، تغییراتی در گیاهان به وجود آورده و گیاه نر را به گیاه ماده و یا برعکس تبدیل کنند. آن‌چه در عمل بیش‌تر اتفاق می‌افتد، تغییرات ژنتیکی گیاهان و یا پیوند میان گیاهان و درختان است که اساساً این امرخارج از بحث تغییر جنسیت است.

تا به حال هیچ فقیهی درباره «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت گیاهان» سخن نگفته است، ولی قطعاً این کار جایز بوده و هیچ منعی برای آن قابل تصور نیست. بنابراین، انسان‌ها می‌توانند برای بهره‌برداری و استفاده هر چه بیش‌تر از گیاهان، تغییراتی از جمله تغییر جنسیت در گیاهان به وجود آورند.

برخی منابع خبری اعلام کردند که عده‌ای از متخصصین چینی موفق شدند با تزریق موادی به درخت سپیدار و بید باعث تغییر جنسیت این درختان شوند.[۴۱] این منبع خبری توضیح بیش‌تری در این باره ندارد. یک احتمال آن است که منظور از تغییر جنسیت سپیدار و بید، همان معنای مصطلح یعنی تبدیل گیاه نر به ماده و یا برعکس باشد، ولی احتمال دیگر آن است که منظور از تغییر جنسیت، تغییرات ژنتیکی است که در گیاه به وجود می‌آید.

تغییرجنسیت، ص: ۶۳

فصل چهارم اختلال هویت جنسی؛ تراجنسیتی (ترانس سکشوال)

مبحث اول: طرح مسأله و اهمیت آن

زندگی هر انسان از عمل لقاح اسپرم (از پدر) و اوول یا تخمک (از مادر) با یکدیگر شروع می‌شود و در حدود سه ماه پس از آن، جنسیتِ فیزیولوژیک فرد شکل می‌گیرد و بعد از گذشت شش ماه پس از شکل گیری جنسیت، فرد به دنیا می‌آید.

پدر و مادر پس از مشاهده وضعیت فیزیولوژیکیِ کودک، جنسیت او را به همگان اعلام می‌دارند. اعلام جنسیت به اطرافیان سبب آفریده شدن انتظاراتی مطابق با جنسیت از کودک می‌شود. جامعه برای هر جنس وظایف و الگوهای رفتاری را تعیین کرده است، که مبنای انتظارات دیگران از هر جنس است. قابل ذکر است که این انتظارات از همان سال‌های اولیه شکل می‌گیرد و کودک هم مطابق با همان انتظارات و نوع جنسیتی که تعیین شده رفتار می‌نماید.

اما در این بین، ما شاهد کودکانی هستیم که هیچ گاه مطابق با جنسیتشان رفتار نمی‌کنند؛ چرا که آن‌ها خود را متعلق به جنسیتِ معرفی شده نمی‌دانند؛ یعنی افرادی که

تغییرجنسیت، ص: ۶۴

از جنسیت فیزیولوژیکی خود ناراضی بوده و هیچ گاه در صدد پذیرش این جنسیت و رفتار طبق آن بر نمی‌آیند، و در این حالت، ما با افرادی به نام «ناراضیان جنسی» یا «ترانس سکشوال»[۴۲] رو به رو هستیم. افرادی که از نظر فیزیکی هیچ گونه اختلال جنسیتی ندارند، اما از نظر هویتی و روانی حاضر به پذیرش جنسیت خود نیستند. از این رو، این افراد به اعمال نابهنجاری مانند پوشیدن لباس جنس مخالف و رفتار به سبک و شیوه جنس مخالف روی می‌آورند که این اعمال به هیچ وجه از سوی خانواده و جامعه مورد پذیرش واقع نمی‌شود و همین امر باعث برخورد جامعه با این افراد می‌شود و از این جا مشکلات این افراد شروع می‌شود؛ افرادی با

هویتی مخالف جنسیت خود، که نه خانواده پذیرای این افراد است و نه جامعه.

در هر حال، یکی از مباحث مهم مربوط به تغییر جنسیت، مسألهٔ «اختلال هویت جنسی» است. به عبارت دیگر، تغییر جنسیت به نوعی با بحث «اختلال هویت جنسی» پیوند خورده است. برخی از اشخاص که خواهان تغییر جنسیت هستند، کسانی‌اند که از اختلال هویت جنسی رنج می‌برند.

مبحث دوم: هویت جنسی

«هویت جنسی»[۴۳] را می‌توان چنین تعریف کرد: احساس زنانگی یا مردانگی در شخص، یا به تعریف کمپبل، «اعتقاد درونی شخص به این مسأله که او فردی است مذکر، مؤنث، دوسوگرا یا خنثی».[۴۴]

به عبارت دیگر، هویت جنسی یک حالت روان شناختی است که بازتاب احساس درونی شخص از مرد یا زن بودن خویش است. هویت جنسی بر یک رشته نگرش‌ها، الگوهای رفتاری و سایر صفاتی که معمولا با مردانگی و زنانگی مربوطند و توسط فرهنگ خاص افراد تعیین می‌شوند متکی است. کسی که از نظر هویت جنسی سالم

تغییرجنسیت، ص: ۶۵

است، با اطمینان می‌تواند بگوید: «من یک مرد هستم» یا «من یک زن هستم».[۴۵] همچنین در مورد هویت جنسی گفته شده است: آگاهی فرد از مرد یا زن بودن خویش، و این‌که فرد خود را یک مرد یا یک زن بداند.[۴۶]

مبحث سوم: نقش جنسی و گرایش جنسی

باید توجه داشت که «هویت جنسی» با «نقش جنسی»[۴۷] متفاوت است؛ چه این که، نقش جنسی، الگوی رفتاری بیرونی است که منعکس‌کننده احساس درونی شخص از هویت جنسی خویش است. نقش جنسی اعلام عمومی جنسی است؛ یعنی انتقال تصویر مرد بودن در مقابل زن بودن به دیگران.

تحت شرایط ایده‌آل، هویت جنسی و نقش جنسی هماهنگی دارند؛ یعنی زنی که احساس زن بودن می‌کند، با رفتار به گونه یک زن، این احساس را به دنیای برونی منتقل می‌کند؛ همین طور، مردی که خود را مرد می‌داند به گونه یک مرد عمل می‌کند. نقش جنسی، رفتار و گفتاری است که شخص برای نشان دادن میزان مرد بودن یا زن بودن خود ابراز می‌کند. هویت جنسی و نقش جنسی باید از

(sex

که جنس زیست شناختی هم نامیده می‌شود)، که منحصراً به ویژگی‌های تشریحی و فیزیولوژیکی نشان دهنده مرد بودن یا زن بودن شخص (مثلًا داشتن قضیب یا مهبل) محدود است، تفکیک شود.

همه این اصطلاحات، باید از «گرایش جنسی»،[۴۸] یعنی تمایل یا پاسخ شهوانی فرد تفکیک شود. گرایش جنسی بر انتخاب شئ (مرد یا زن) و زندگی تخیلی شخص- مثلًا تخیلات شهوانی در مورد مرد یا زن یا هر دو- متکی است.[۴۹]

تغییرجنسیت، ص: ۶۶

مبحث چهارم: میل جنسی[۵۰]

میل جنسی، یک میل غریزی است که خالق هوشیار آن را در وجود مرد و زن به ودیعت گذاشته است، تا هر یک از آن دو، به دیگری تمایل یابد، و به این طریق ازدواج انجام گیرد و نسل بشری دوام پیدا کند. این میل جنسی، با اعضای تناسلی هر یک از مرد و زن ارتباط تنگاتنگ دارد. در این میان، هورمون‌های جنسی، نقش آفرین می‌باشند. هورمون‌های جنسیِ مردانه از طریق بیضه‌ها ترشح می‌شود و هورمون‌های جنسیِ زنانه، از طریق تخمدان به وجود می‌آید. در این میان، هورمون‌های دیگری نیز وجود دارد که از سایر غدد درونی، حاصل می‌شوند. برخی از این هورمون‌ها، فقط در بدن مردان است و برخی فقط در بدن زنان وجود دارد و برخی دیگر به صورت مشترک، والبته به نسبت متفاوت در بدن زن و مرد یافت می‌شوند و به هر حال، این هورمون‌ها در میل جنسی مردان و زنان نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. البته عوامل و شرایط دیگری هم در میل جنسی، نقش ایفا می‌کنند، مانند: تربیت، محیط اجتماعی و شخصیت فردی.[۵۱] بسیاری از تعالیم اسلام در راستای تربیت منضبط جنسی انسان است و به انسان‌ها توصیه می‌کند که میل جنسی خود را از طریق صحیح به کار گیرد و به وسیله مشروع، خود را ارضا کند. بر این اساس، از انسان خواسته شده که خود را از گرداب گناه زنا، لواط و منکرات دیگر حفظ نماید. قرآن کریم نیز از میل جنسی یاد می‌کند، آن گاه که حضرت یوسف (ع) گرفتار کید و مکر عده‌ای از زنان قرار گرفته بود، در مناجات با خدای خویش چنین می‌گوید:

وَ الّا تَصرِف عَنّی کَیدَهُنَّ اصِبُ الَیهِنَّ و اکُن مِنَ الجاهلِینَ؛[۵۲]

و اگر مکر و نیرنگ آن‌ها را از من باز نگردانی، قلب من به آن‌ها متمایل می‌گردد و از جاهلان خواهم بود.

تغییرجنسیت، ص: ۶۷

نبی مکرم اسلام (ص) نیز از میل جنسی یاد کرده، آن گاه که فرمود:

حُبّبَ الی مِنَ الدنیا النساءُ و الطیبُ، و جُعِلَت قُرَّةُ عینی فی الصّلاةِ؛[۵۳]

از دنیا فقط زنان و عطر را دوست دارم و چشم روشنی من، در نماز قرار داده شده است.

این سخن پیامبر اسلام (ص) شاید از آن جهت است که عده‌ای این میل جنسی را انکار یا سرکوب می‌کردند و به انگیزه زهد و پارسایی، از ازدواج با زنان خودداری می‌کردند. عده‌ای مناجات، راز و نیاز و عبادت پیامبر اسلام (ص) را مشاهده کردند، آن گاه با یکدیگر چنین گفتند:

فَقالَ احَدُهُم: اما أنا فَانّی اصَلّی اللَّیلَ ابداً. و قال آخَرُ: انا اصومُ الدَّهَر و لا افطُرُ. و قال آخرُ: انا اعتَزِلُ النساءَ فَلا اتَزَوَّجُ ابداً. فَجاءَ رسولُ اللهِ (ص) الَیهم، فَقالَ: انتم الَّذینَ قُلتُم کذا کذا؟ اما وَ اللهِ انّی لَاخشاکُم للهِ وَ اتْقاکُم لَه، وَ لکِنّی اصومُ وَ افطُرُ وَ اصَلّی و ارقَدُ و اتَزَوَّجُ النّساءَ، فَمَن رَغِبَ عَن

سُنَّتی فَلَیسَ مِنّی؛[۵۴] یکی از آن‌ها گفت: همانا من تمام شب‌ها را نماز می‌گزارم. دیگری گفت: من تمام عمر از روزه خواهم گرفت. و دیگری گفت: من از زنان کناره‌گیری خواهم کرد و هیچ گاه ازدواج نخواهم کرد.

پیامبر اکرم (ص) پیش آنان آمد و فرمود: آیا شما این‌گونه می‌گویید؟! همانا قَسَم به خدا! من بیش‌تر از شما از خداوند می‌ترسم و بیش از شما پرهیزکارم، با این وجود، گاه روزه می‌گیرم و گاه افطار می‌کنم. گاه نماز می‌خوانم گاه استراحت می‌کنم و [نیز] بازنان ازدواج می‌کنم. [این است سنت و روش من]؛ هر کس از سنّت و روش من، روی گردان شود از من نیست.

پیامبر اکرم (ص) در کلام دیگری از مسلمان می‌خواهد که میل جنسی را از طریق آمیزش حلال کنترل نمایند.

تغییرجنسیت، ص: ۶۸

آن حضرت فرمود:

اذا رَأی احَدُکُم امرَأهً فَاعجَبَتهُ فَلیأتِ اهلَهُ، فَانَّ ذاک یرُدُّ ما فی نفسِهِ؛[۵۵]

هرگاه یکی از شما زنی را دید که او را خوش آمد، پس با همسر خویش نزدیکی کند، همانا این عمل، آن‌چه را در نفس او پدید آورده [از تمایل به زن نامحرم] از بین خواهد برد.

نیز، در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

اذا رَأی احَدُکُم امرَأهً تُعجِبُهُ فَلیأتِ اهلَهُ فَانَّ عِندَ اهلِهِ مِثلَ ما رَأی، فَلا یجعَلَنَّ لِلشَّیطانِ الی قَلبِهِ سبیلًا؛[۵۶]

هرگاه یکی از شما زنی را دید که او را خوش آمد، پس با همسرش نزدیکی کند؛ همانا نزد همسرش مثل آن چیزی است که دیده است؛ پس در قلب خویش راهی برای شیطان باز نکند.

این میل جنسی هرگاه از طریق حلال و شرعی پاسخ داده شود، موجب ثواب و اجر اخروی است؛ چون از این طریق، عفت خویش را پاسداری نموده و خود را از آلودگی به گناه باز داشته است. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

وفی بُضعِ احَدِکُم صَدَقَهٌ. قالوا: یا رسولَ الله! ایأتی احَدُنا شَهوَتَه و یکونُ لَه فیها اجرٌ؟ قال: ارَایتُم لَو وَضَعَها فی حرامٍ اکانَ علیه وِزرٌ؟ فَکَذلِکَ اذا وَضَعَها فی الحلالِ کانَ لَه اجرٌ؛[۵۷]

در همبستر شدن با همسر ثواب صدقه وجود دارد. عده‌ای گفتند: ای رسول خدا! آیا اگر کسی پیش همسرش رفته و شهوت خویش را اشباع کند برای او پاداش و اجر اخروی است؟! حضرت فرمود: آیا اگر شهوت خویش را در راه حرام قرار می‌داد برای او گناه نبود؟! پس همین طور، اگر آن را در طریق حلال قرار دهد برای او اجر اخروی خواهد بود.

تغییرجنسیت، ص: ۶۹

پیامبر اکرم (ص) پیوسته برای کنترل میل جنسی به ازدواج توصیه می‌فرمود، و برای کسانی که قادر به ازدواج نبودند، توصیه می‌فرمود که روزه گرفتن، میل جنسی را از انحراف و گناه باز می‌دارد.

یا مَعشرَ الشَّبابِ مَنِ اسْتَطاعَ مِنکُمُ الباه فَلیتَزَوَّجُ، فَانَّهُ اغَضُّ لِلبَصَر، و احصَنُ لِلْفَرْجِ، وَ مَن لَم یستطع فَلْیصُم فَإنَّ الصَّومَ لَهُ وِجاءٌ؛[۵۸]

ای گروه جوانان! هر کس توانایی ازدواج دارد پس ازدواج کند، همانا ازدواج برای حفظ چشم و عورت بهتر است، و هر کس توانایی ازدواج ندارد پس بر او باد که روزه بگیرد، همانا روزه برای او موجب حفظ است.

مبحث پنجم: علت‌شناسی پدیده تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)[۵۹]

اشاره

ترانس سکشوالیسم عبارت است از «واژگونی هویت جنسی در یک فرد با فرمول کروموزیک

xy(

مرد) یاXX (زن)»، یا «همانندسازی قوی و مستمر با جنس مقابل»، یا «شواهد ناراحتی مداوم شخص از جنسیت خود یا احساس نامتناسب بودن در نقش جنسیتی خود».

توجه داریم که این تشخیص زمانی برای بیمار گذاشته می‌شود که فرد مبتلا به یک عارضه جسمی دو جنسیتی نباشد و نیز این احساس توأم با بیماری عمده روان پزشکی دیگری هم چون اسکیزوفرنیا[۶۰] نباشد.

علی رغم این‌که این بیماری بیش از هفتاد سال شناخته شده است، ولی هنوز از سوی هیچ سازمان علمی جهان و یا کتب و منابع پزشکی، علت قطعی و دقیق این

تغییرجنسیت، ص: ۷۰

بیماری بیان نشده است. با این وجود، فرضیه‌هایی در این زمینه وجود دارد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

گفتار اول: عوامل زیست شناختی[۶۱]

بند ۱. ژنتیک:[۶۲] در برخی کتب ذکر شده که ژن حامل این صفت بر روی کروموزوم

x

در پایهq وجود دارد، ولی هنوز وجود این ژن به قطعیت نرسیده است.

بند ۲. اثرات هورمونی:[۶۳] در انسان حالت سلولی هورمونی اولیه به صورت زن است و مجاری و غدد جنسی اولیه بی‌تفاوت می‌باشد و با رشد جنین فقط با افزایش آندروژن (که از کروموزومy منشأ می گیرد) جنس مرد پدید می‌آید. در غیاب بیضه‌ها و آندروژن، سیستم تناسلی خارجی به شکل زنانه در می‌آید. بنابراین، مردانگی یا زنانگی به آندروژن‌های دوران جنینی بستگی دارد. هنوز نمی‌دانیم که آیا مصرف داروهای هورمونی در دوران حاملگی و یا حتی داروهای غیرهورمونی می‌توانند در روند تعیین جنسیتِ جنین نقش داشته باشد یا نه. در یک مطالعه بزرگ، پسرانِ مادران دیابتی که در طی دوران حاملگی، ترکیبی از استروژن و پروژسترون دریافت کرده بودند بررسی شدند. نتایج، نشان دهنده آن بود که این پسرها در مقایسه با گروه، گواه کم‌تر تهاجمی و کم‌تر مردانه بودند. بنابراین سطوح هورمونی جنسی قبل از زمان تولد می‌توانند بر روی رفتار جنسی و هم‌چنین تجارب اجتماعی اولیه کودک مؤثر باشد.

در مطالعه‌ای دیگر بر روی مردان آلمانی متولد شده در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ میلادی که سال‌های پر استرس و اضطراب جنگ جهانی دوم بود، درصد بالایی از انحراف‌های جنسی مشاهده شد. از این رو، استرس بر روی «هویت جنسی» و نیز «نقش جنسی»[۶۴] نقش مهمی دارد. دکتر فرشید تقی‌زاده، روان پزشک می گوید:

تغییرجنسیت، ص: ۷۱

ما در کلینک جراحی تغییر جنسیت از مادران بیماران اختلال هویت جنسی این سؤال را می‌پرسیم که: آیا در طی دوران حاملگی به ویژه سه ماهه اول حاملگی استرس و اضطراب داشته‌اند یا نه؟ آیا حادثه ناگواری برای آن‌ها پیش آمده است یا نه؟ حدود ۹۰ درصد مادران، وجود یک عامل استرس‌زا را بیان می کنند.

گفتار دوم: عوامل عصب‌شناسی

در مطالعاتی که انجام شده است نتایجی در رابطه با اندازه هسته‌های هیپوتالاموس به دست آمده است که بسیار جالب است، ولی هنوز جای تردید وجود دارد و قطعیت نیافته است. بر اساس این مطالعات، اندازه هسته‌های هیپوتالاموس، در بیماران اختلال هویت جنسی نسبت به افراد سالم کوچک‌تر است. از این رو، این فرضیه شکل گرفته است که کوچکی اندازه هسته‌های هیپوتالاموس، منشأ بروز این بیماری شده است.

گفتار سوم: عوامل روان شناخت

بند اول: نظریه روانی – اجتماعی

طبق این تئوری، احتمال داده می‌شود که عوامل و برخوردهای اجتماعی می‌توانـد تا حدودی در تعیین هویت جنسـی فرد تأثیر گذار باشـد. برای مثال، مردانگی‌زداییِ مادر با فرزنـد پسـرش، می‌توانـد یکی از این عوامل باشـد. به عبارت دیگر، هرگاه والدین خواهان فرزنـد دختر باشـند وبا پسـر خویش، هماننـد یک دختر رفتار کننـد، این فرزنـد به تدریج به سوی این بیماری سوق داده می‌شود؛ به گونه‌ای که وی که کاملًا دارای آلت تناسلی مردانه است، خود را دختر می‌داند.

بند دوم: نظریه روانی – جنسی

بر اساس این تئوری، تربیت روانی- جنسـی کودک و نیز برخوردهای جنسی والدین در حضور کودک می‌تواند تجارب منفی به بار آورد. دکتر فرشید تقی‌زاده، روان پزشک می‌گوید:

لازم می‌دانم شـرح یک پرونـده روان پزشـکی یکی از بیمارانم را به رشـته تحریر درآورم. ماجرا از این قرار بود که یک روز صـبح تابستانی وقتی در

تغییرجنسیت، ص: ۷۲

درمانگاه روان‌پزشکی مشغول مطالعه بودم، مرد ۲۵ ساله‌ای برای مشاوره نزد من آمده بود. مشکلش را جویا شدم. اصل ماجرا از این قرار بود که آقای ب. ا، بیست و پنـج ساله، لیسانس کامپیوتر، در دوران کودکی با صـحنه‌هایی از روابط پدر و مادر مواجه شده بود و این رفتـار، استرس و نگرانی‌هـای زیـادی را در وی ایجـاد کرده بود. وی فکر می‌کرد که پـدرش، مـادر را مورد آزار و اذیت قرار می‌داده است و نیز تا به این سن که رسیده است، هر وقت به یاد چنین صحنه‌هایی می‌افتد سریعاً دچار اضطراب می‌شده است. از این رو، از ازدواج متنفر بود.

مبحث ششم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)[۶۵]

اشاره

یکی از انواع و بلکه مهم‌ترین مورد اختلاـف هویت جنسـی، افراد تراجنسـیتی یا ترانس سـکشوالیسم است که با بحث تغییر جنسـیت ارتباط زیادی دارد؛ چه این‌که این عده، از جنسـیت خویش به شدت ناراضی بوده و مایلند با عمل جراحی تغییر جنسیت، به جنسیت مقابل درآیند.

گفتار اول: تعریف تراجنسیتی (ترانس سکشوال)

تراجنسـیتی حـالت کسـی است که دارای جنسـیت مشـخص و معین است، ولی قویـاً اعتقاد دارد که او متعلق به جنس مخالف است. رفتارش را با رفتار جنس مطلوب خود مطابقت می‌دهد و سعی می‌کند که با استفاده از امکانات پزشکی و جراحی، جسم خود را نیز مطابق جنس مطلوب در آورد و شناسـنامه خود را عوض کند.[۶۶] هم‌چنین در تعریف تراجنسـیتی (ترانس سکشوالیسم) چنین گفته شـده است: ترانس سـکشوالیسم یا زنانه‌گرایی یا مردانه‌گرایی جنس مخالف عبارت است از احساس مبرم ناراحتی و عدم سـنخی از سـاخت آناتومیـک جنسـی خود، و آرزوی مبرم به خلاصـی از اعضای تناسـلی خویش، و زنـدگی کردن به صورت فردی از جنس

مقابل. تشخیص

تغییرجنسیت، ص: ۷۳

فوق فقط وقتی داده می‌شود که این آشفتگی اقلًا به مدت دو سال ادامه داشته باشد و محدود به دوره استرس نباشد و علت آن، اختلال روانی دیگری مانند اسکیزوفرنی[۶۷] نبوده و یا توأم با نابهنجاری کالبد شناسی جنسی یا ژنتیک نیز نباشد. چنین اشخاصی معمولًا از لباس مخصوص جنس آناتومیک خود ناراحتند و بارها این ناراحتی، منجر به پوشیدن لباس جنس مخالف می‌شود و غالباً به فعالیت‌هایی مربوط به جنس مقابل دست می‌زنند.[۶۸] برای توضیح بیش‌تر اصطلاح فوق، توضیح و تعریف سومی نیز آورده می‌شود: ترانس سکشوالیسم کسی است که جنس روانی وی با سایر ملاک‌های تعیین جنس، یعنی جنس کروموزومیک، هورمونال و آناتومیک او در تعارض است. چنین شخصی خود را قربانی یک اشتباه نابخشودنی طبیعت یا پدر و مادر تلقی می‌کند؛ زیرا از نظر وی، در حالی که جنس روانی وی اقتضای مرد بودن داشته، جنس ظاهری وی در شکل زن متجلّی شده است. لذا این فرد سعی می‌کند که چاره‌ای برای معالجه این نقص و یا برطرف ساختن این عدم انطباق بیابد.

از این رو، می‌توانیم ترانس سکشوالیسم را چنین تعریف نماییم: تعارض جنس روان شناسانه و یا جنس رفتاری یا جنس ظاهری که معمولًا جنس ظاهری نیز به نوبه خود نتیجه جنس کروموزومیک و هورمونال می‌باشد.

با این تعریف، ترانس سکشوالیسم، حالت فردی است که این دو جنس وی با هم در تعارض باشند و الا پس از عمل جراحی برای انطباق جنس ظاهری بر جنس روانی و یا جنس روانی بر جنس ظاهری، دیگر به وی ترانس سکشوال نباید اطلاق نمود. هم‌چنین باید ترانس سکشوالیسم را از فرد خنثی یا دو جنسی (هرمافرودیت)[۶۹] تمییز داد. فرد خنثی، تعارض جنسی‌اش در همان مرحله جنسی آناتومیک است؛ یعنی هم ظاهر و آلت

تغییرجنسیت، ص: ۷۴

جنسی مردانه دارد و هم زنانه، در حالی که در ترانس سکشوالیسم این تعارض در دو ملاک از ملاک‌های تعیین جنس می‌باشد.[۷۰]

گفتار دوم: بررسی واژه ترانس سکشوال

واژه

Transsexual

که از دو بخش «trans» و «sexual» تشکیل شده است، گاه «ترانس سکشوال» تلفظ می‌شود و بیش‌تر «ترانس سکسوال» تلفظ می‌گردد.

واژهTranssexual از اصطلاحات جدید پزشکی و روان پزشکی است که هنوز هیچ معادل رسمی از سوی «فرهنگستان زبان فارسی» برای آن ابداع نشده است. نویسندگان، پزشکان و روان پزشکان هر یک به سلیقه خویش، معنای خاصی را برای آن بیان می‌کنند. گاه معادل آن «ناراضیان جنسی»[۷۱] بیان شده، در مواردی واژه فوق به «دگر جنسیت‌جوها»[۷۲] ترجمه شده است. برخی پزشکان معادل «روان دگر جنسی»[۷۳] را پیشنهاد می‌کنند.

به نظر می‌رسد هیچ کدام از معانی بیان شده، چه از لحاظ ساخت واژه‌ای و چه از لحاظ انتقال بار معنایی قابل نمی‌باشند؛ چون در زبان لاتین واژهTrans به معنای انتقال یا حالتی معلق در بین دو وضعیت است و از آن، واژه‌های زیادی هم

چون:Transportion (حمل و نقل، بارکشی و انتقال)[۷۴]،Transiation (ترجمه، تفسیر، انتقال، حرکت انتقالی) و غیره ساخته شده است.

در مقابل، در زبان فارسی ما واژه «ترا» را داریم که دقیقاً معنای «انتقال و یا حالتی

تغییرجنسیت، ص: ۷۵

معلق در بین دو وضعیت» را در بر دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد معادل «تراجنسیتی» برای

Transsexual)

ترانس سکشوال) نه تنها از لحاظ لفظی، شیوایی و روانی بیش‌تری دارد، بلکه به راحتی معنای آن را نیز منتقل می‌کند.

گفتار سوم: تراجنسیتی در کودکان

کودکان هماهنگ با جنسی که با آن پرورش می‌یابند[۷۵] که جنس تعیین شده[۷۶] نیز نامیده می‌شود و بر پایه مزاج کودک، کیفیات والدین و تعامل بین آن‌ها متکی است، هویت جنسی پیدا می‌کنند. از نظر جنسی نقش‌های جنسی مقبولی وجود دارد: از پسرها انتظار نمی‌رود که دختر صفت بار آیند و از دختری انتظار پسرواری نمی‌رود. بازی‌های پسرانه (مثل دزد و داروغه) و بازی‌ها دخترانه (مثل عروسک و خانه عروسکی) وجود دارد. این نقش‌ها آموخته می‌شود، هر چند برخی از محققین معتقدند که بعضی از پسرها مزاجاً ظریف و حساس هستند و برخی از دخترها پرخاشگرتر و پرانرژی‌ترند؛ یعنی صفاتی که به طور کلیشه‌ای در فرهنگ ما به ترتیب به زنانگی و مردانگی تعبیر می‌شوند.

کیفیت رابطه مادر- کودک در سال‌های اول زندگی، اهمیت فوق العاده‌ای در برقراری هویت جنسی دارد. ضمن این سال‌ها مادر احساس غرور نسبت به جنس خود را در کودک بیدار می‌کند. مادر خشن و بی‌ارزش‌کننده، می‌تواند در رشد هویت جنسی کودک اختلال ایجاد کند. برخی از کودکان با این پیام مواجه می‌گردند که اگر هویت جنسی جنس مقابل را بپذیرند، مطلوب‌تر خواهند بود. کودکان آزار دیده و مطرود ممکن است طبق این باور رفتار کنند که اگر متعلق به جنس مقابل باشند، مدارای بهتری با آنان خواهد شد. مسایل «هویت جنسی» ممکن است در نتیجه مرگ، غیبت طولانی یا افسردگی مادر نمود بیش‌تری پیدا کند. در این حالت، پسر بچه کوچک ممکن است با همانندسازی کامل به او واکنش نشان دهد؛ یعنی تبدیل به مادر شدن به منظور جایگزینی پدید آید.

تغییرجنسیت، ص: ۷۶

نقش پدر نیز در این سال‌های اولیه حائز اهمیت است. فقدان پدر و جایگزین شدن مادر به جای او، کودکان را با مخاطرات شدیدی روبه رو می‌سازد. برای دختر بچه، پدر نمونه شئ محبوب آتی است و برای پسر بچه، پدر الگویی برای همانند سازی مردانه است[۷۷] خصوصیت اساسیِ «اختلال هویت جنسی» وجود ناراحتی شدید و مستمر در کودک در مورد جنس معین شده خود و میل شدید یا اصرار بر متعلق بودن به جنس مقابل است. دخترها و پسرها از لباس پوشیدن کلیشه‌ای طبیعی دخترانه یا پسرانه منحرف شده، و خصوصیات تشریحی خاص خود را رد می‌کنند. در منتهی الیه طیف اختلال هویت جنسی کودکان، پسرهایی قرار دارند که طبق معیارهای فرهنگ خود، دخترانه‌تر از هر دختری هستند، و دخترهایی که مرد صفت‌تر از هر پسری هستند. در طیف اختلال هویت جنسی مرز واضحی بین کودکان که مستحق تشخیص رسمی هستند و آن‌هایی که چنین استحقاقی ندارند، نمی‌توان تعیین کرد. به همین علت، میزان شیوع آن نامعلوم است. دختران مبتلا به این اختلال معمولًا همنشین‌های پسر دارند و علاقه آزمندانه بر

ورزش‌های خشن و بازی‌های بی‌نظم و ترتیب نشان می‌دهند و علاقه‌ای به عروسک بازی و بازی خانه نشان نمی‌دهند. ندرتاً دختر مبتلا به این اختلال از ادرار کردن در حالت نشسته امتناع کرده و ادعا می‌کند که آلت مردانه دارد یا پیدا خواهد کرد و تمایلی به داشتن پستان و قاعده شدن نشان نمی‌دهند و قاطعانه اظهار می‌کند که وقتی بزرگ شد مرد خواهد شد.

پسرهای مبتلا به این اختلال، با فعالیت‌های دخترانه اشتغال ذهنی پیدا می‌کنند. ممکن است ترجیح دهند که لباس دخترانه یا زنانه بپوشند. این پسرها میل شدیدی برای شرکت در بازی‌ها و وقت گذرانی‌های دخترانه دارند. عروسک‌های ماده، اسباب بازی مورد علاقه آن‌ها است و هم بازی‌های مورد علاقه آن‌ها را نیز دخترها تشکیل می‌دهند. در بازی «خانه» چنین پسرانی، نقش زن‌ها را انتخاب می‌کنند. ادا و اطوار و اعمال آن‌ها

تغییرجنسیت، ص: ۷۷

طبق معیارهای فرهنگی خاص دخترها تلقی می‌شود و معمولًا چنین پسرهایی در گروه‌های همتا مورد اذیت و آزار قرار گرفته یا طرد می‌شوند. در حالی که تا سن بلوغ همین جریان در مجمع دخترها نیز روی می‌دهد. پسرهای مبتلا به این اختلال ممکن است اظهار کنند که تبدیل به زن خواهند شد. در موارد نادر، پسری با این اختلال، مدعی می‌گردد که آلت تناسلی و بیضه‌های او در حال تغییر شکل است، یا از بین خواهد رفت و یا بهتر است که شخص آلت مردانه یا بیضه نداشته باشد.

بعضی از کودکان به خاطر تمسخر سایر بچه‌ها و فشار مدرسه برای ملبس شدن به لباس کلیشه ای جنس معین شده آن‌ها، از رفتن به مدرسه خودداری می‌کنند. اکثر کودکان مبتلا به این بیماری، این اختلال را تکذیب می‌کنند.[۷۸] این افراد در کودکی با نشانه‌های زیر خود را نشان می‌دهند:

در پسرها قاطعیت بر این‌که بیضه‌ها و آلت تناسلی، چیزی نفرت آور هستند. از بازی‌های پسرانه بیزارند، بازی‌های پسرانه را نمی‌پسندند و تمایل به پوشیدن لباس‌های دخترانه دارند و گاهی بدان جا می‌رسد که اقدام به قطع آلت و در آوردن بیضه‌ها می‌کنند. در دخترها تمایلی به رشد سینه خود و شروع عادت ماهانه ندارند، از پوشیدن لباس‌های معمولی دختران متنفرند، امتنا از ادرار کردن در حالت نشسته دارند.

بیماران مؤنث از دو نقطه نظر با مردهای شبیه خودشان متفاوتند:

الف) رفتار ناشی از اختلال هویتشان کم‌تر اغراق آمیز است و بیش‌تر کیفیت متقاعدکننده دارد.

ب) میزان علاقه به فعالیت جنسی در آن‌ها شدیدتر می‌باشد.[۷۹]

گفتار چهارم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم) در نوجوانان و بزرگسالان

در نوجوانان و بزرگسالان نیز علایم و نشانه‌هایی مشابه وجود دارد. نوجوانان و افراد بالغ مبتلا به این اختلال، آرزوی جنس مقابل بودن را آشکارا ابراز می‌کنند. فراوان سعی

تغییرجنسیت، ص: ۷۸

می‌کنند که به عنوان عضوِ جنسِ مقابل پذیرفته شوند و آرزو می‌کنند که مثل فردی متعلق به جنس مقابل زندگی کنند و مورد مدارا قرار بگیرند. علاوه بر این، سعی می‌کنند که ویژگی‌های جنس مقابل را کسب کنند. ممکن است معتقد باشند که با جنس عوضی متولد شده‌اند و عبارات مشخص در این ردیف بیان می‌کنند: «احساس می‌کنم زنی هستم که در جسم مردانه به دام افتاده‌ام»، یا برعکس.

این نوجوانان و بزرگسالان غالباً درخواست اقدامات طبی و اعمال جراحی برای تغییر جنسیت یا تغییر دادن ظاهر جسمی خود دارند. بسیاری از پزشکان از اصطلاح «ترانس سکشوال» یا «

Ts

» یا «اختلال هویت جنسی» استفاده می‌کنند. خود این افراد نیز در اشاره به خود، از اصطلاح «ترانس سکشوال» استفاده می‌کنند. شخص ترانس سکشوال، اشتغال ذهنی مستمر با از بین بردن صفات جنسی اولیه و ثانوی خود و کسب صفات جنس مقابل دارد. میل به ملبس شدن و زندگی کردن به صورت عضوی از جنس مقابل همیشه وجود دارد. دستگاه تناسلی آن‌ها برای خودشان نفرت آور است و به همین دلیل، مصرّانه در خواست عمل جراحی می‌کنند. این میل ممکن است بر تمام امیال شخص غلبه کند.

گفتار پنجم: علایم و نشانه‌های اختصاصی

هر چند پیش‌تر به نوعی به برخی علایم و نشانه‌های تراجنسیتی (ترانس سکشوال) به صورت پراکنده اشاره شده است، ولی در زیر به طور مشخص به چند نشانه این بیماری اشاره می‌شود:

بند اول: تشخیص ترانس سکشوالیسم موقعی داده می‌شود که شخص مبتلا، دارای جنسیت مشخص و قطعی، چه از نظر جسمانی و چه از نظر بیولوژی باشد و هیچ گونه شکی از این نظر وجود نداشته باشد. جنسیت توارثی (ژنتیک) و گونادها و گونادوفورها و اعضای تناسلی خارجی و خصوصیات جنسی ثانوی همگی به طور قطعی، مشخص جنسیت آن شخص باشد.

بند دوم: از نظر روانی هم این افراد به طور قاطع خود را متعلق به جنس مخالف خود[۸۰]

تغییرجنسیت ؛ ص۷۹

تغییرجنسیت، ص: ۷۹

دانسته و کاملًا وضع روانی جنس مزبور را دارند. از پزشک می‌خواهند تغییر جنسیت آن‌ها را عملی سازد. اگر چه مدت‌ها از نظر روانی سالم می‌مانند، ولی امکان این‌که در اثر یأس از تغییر جنسیت، دچار دپرسیون شده و قصد خودکشی کنند وجود دارد. در معاینه این افراد که معمولًا لباس جنس مخالف را پوشیده‌اند، نزد مردان ژینکوماستی در اثر به کار بردن هورمون‌های زنانه و احتمالًا تغییرات اعضای تناسلی خارجی در اثر عمل جراحی مشاهده می‌شود. تغییرات عکس نزد زنان به علت دشواری تهیه دستگاه تناسلی خارجی مردانه به کمک جراحی هم‌چنین از بین بردن پستان‌ها کم‌تر دیده می‌شود.[۸۱] بند سوم: آسیب بدنی به خود: خطراتی برای آسیب به آلت تناسلی در مردان مبتلا، به طور نسبتاً شایع وجود دارد. اگر چه نادر است که عملًا به خود آسیب برسانند، اما به هر حال، ممکن است اتفاق افتد، که شامل قطع آلت تناسلی و بیضه‌ها می‌شود.[۸۲] «کریگر»[۸۳] در سال ۱۹۸۲ م. سه مورد از این نمونه را در یک دوره دو ساله در «سانفرانسیکو» ذکر کرده است که به علت نداشتن پول کافی برای پرداخت هزینه عمل جراحی ترمیمی تبدیل جنسی، دست به این کار زده بودند.[۸۴] پروفسور بهرام میرجلالی، جراح تغییر جنسیت در ایران، به نگارنده گفت: سه تن از ترانس سکشوال‌های مذکر، به دلیل نفرت شدید از جنسیت خود، دست به خودکشی زدند که خودکشی آنان به صورت قطع آلت تناسلی و بیضه‌ها بود که متأسفانه دو تن از آن‌ها جان خویش را از دست دادند و ما موفق شدیم با عمل جراحی، فرد سوم را تغییر جنسیت داده و جان او را نجات دهیم.

بند چهارم: خشونت و رفتار غیر قانونی: تجربه اکثر پزشکان نشان می‌دهد که این بیماران به ندرت رفتار خشونت‌آور بارزی از خود نشان می‌دهند.[۸۵]

تغییرجنسیت، ص: ۸۰

در پایـان این بخش برای تکمیـل بحث، دیـدگاه مـدیر کل دفتر امور آسیب دیـدگان اجتماعی سازمان بهزیستی را می‌آوریم. دکتر سیـد هـادی معتمـدی درباره پدیـده تراجنسیتی چنین می‌گویـد: در میان بیماران مبتلا به اختلالات هویت جنسـی، به دلیل وضـعیت خـاص روحی و روانی آن‌ها، افزایش تمایل به خودکشـی وجود دارد. عمل جراحی تغییر جنسـیت بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان هزینه در بر دارد که بـا بودجه‌ای که هر سـاله در اختیـار این دفتر قرار داده می‌شود، فقـط می‌توان هزینه جراحی یـک بیمـار را تأمین کرد، ولی خوشـبختانه با سایر کمک‌هایی که می‌شود سالانه می‌توان حـدود ۲۰ نفر را تحت پوشـش قرار داد. این بیماری پدیـده جدیدی نیست، ولی نسبت به سایر بیماری‌های هویتی شیوع بالایی دارد که در بسیاری از موارد نیز خانواده‌ها مقصرند. ترانس سکشوال[۸۶] به معنی دگر جنس خواهی، یک اختلال هویتی شـناخته شده روان پزشـکی است که در آن فرد به طور مستمر از جنسـیتی که دارد ناراضـی است و با جنس مخالف خود هماننـد سازی می‌کنـد. تغییر جنسـیت، زیر مجموعه‌ای از یک اختلال هویتی است که تمامی افراد دارای اختلال هویتی به آن نمی‌رسند، بلکه تنها ۱۰ درصد افراد دارای اختلال هویتی، به مرحله تغییر جنسیت می‌رسند. این در حـالی است که در این بیمـاری، زمینه‌هـای فردی وجـود دارد که در مجـاورت بـا شـرایط محیطی مـوجب بروز این مشـکل می‌شود. بنابراین، از نظر علمی، عمل جراحی برای این افراد ضـروری است؛ زیرا فرد به مرحله‌ای رسـیده که نمی‌تواند جنسیت خود را بپذیرد و در رفتارهـای اجتماعی خود نیز دچار مشـکل می‌شود. به همین دلیل، برای افرادی که به این مرحله برسـند، عمل جراحی در مورد آلت تناسـلی توصـیه می‌شود. تعـداد افراد دارای اختلـال هویتی مشـخص نیست و اکثر افراد دارای اختلـال هویتی به پزشک مراجعه نمی‌کنند. در سال ۱۳۸۰ ش. یک کمیته کشوری برای رسـیدگی به وضـعیت این بیماران تشکیل شد و بخش حمایتی این کمیته، به عهده سازمان بهزیستی گذاشته و در حال حاضر افرادی که برای تغییر جنسیت مراجعه می‌کنند به روان

تغییرجنسیت، ص: ۸۱

شناسـان معرفی و تحت درمـان قرار می‌گیرنـد که طی سه سـال گذشـته حـدود ۶۰ نفر از این بیمـاران تحت حمـایت بهزیسـتی قرار گرفته‌اند.[۸۷]

گفتار ششم: اقسام تراجنسیتی (ترانس سکشوال)

اشاره

بیمـاری فوق هم در مردان و هم در زنـان یـافت می‌شود، بـا این تفاوت، این بیماری در مردان بیش از زنان است، که در ذیل ترانس سکشوال مذکر و ترانس سکشوال مؤنث جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

بند اول: ترانس سکشوال مذکر

اشاره

مردان ترانس سـکشوال برای ایجاد پسـتان و سایر انحناهای بدنی زنانه از استروژن اسـتفاده می‌کنند. با الکترولیز، موهای مردانه خود را از بین می‌برند و برای برداشـتن قضـیب و بیضه‌ها و ایجاد مهبل مصنوعی، تحت عمل جراحی قرار می‌گیرند.[۸۸] مردان دچار این

اختلال با آرزوی زندگی کردن به عنوان یک زن، اشتغال ذهنی پیدا می‌کنند. این قبیل مردان در جامعه به «اواخواهر» معروفند. این اشتغال ذهنی ممکن است به صورت میل شدید برای ایفای نقش اجتماعی یک زن، یا به دست آوردن ظاهر جسمانی و جنسی زنانه از راه مصرف هورمون‌های زنانه یا جراحی تغییر جنسیت، نشان داده شود. مردان دچار این اختلال، از این‌که توسط دیگران به عنوان یک مرد در نظر گرفته شوند، یا اعمالشان در جامعه بر اساس جنسیت اصلی آن‌ها (یعنی همان مرد بودن) تعبیر و تفسیر شود، بسیار ناخشنود می‌گردند.

این قبیل مردان رفتار، لباس پوشیدن و اطوارگری‌های زنانه را به درجات مختلف نشان می‌دهند. برای مثال، آرایش زنانه می‌کنند و موهای خود را به شکل زنانه در می‌آورند، موهای صورت و بدن را به وسیله الکترولیز یا سایر مواد موبر از بین می‌برند، سعی می‌کنند صدای خود را تغییر دهند و با آهنگی زنانه و عشوه‌گرانه صحبت کنند و بیش‌تر در پی مشاغل زنانه از جمله آشپزی، دوخت و دوز و منشی‌گری بر می‌آیند. این

تغییرجنسیت، ص: ۸۲

افراد احتمال دارد به طور پنهانی وقت بسیار زیادی را صرف مبدل پوشی و تلاش برای تبدیل ظاهر خود به یک زن صرف نمایند. لازم به توضیح است که رفتار مبدل پوشی این افراد به منظور کسب لذت انجام نمی‌شود (آن گونه که در مبدل پوشی انجام می‌شود) و از سوی دیگر، این قبیل بیماران بر خلاف مبدل پوشان جنسی، آلت تناسلی خود را به عنوان یک منبع لذت نگاه نمی‌کنند، بلکه از آن انزجار دارند و مصرانه خواستار آنند که با عمل جراحی، بیضه‌ها و قضیب آن‌ها برداشته شود.

بسیاری از مردان دچار نارضایتی جنسیتی، از وضع ناجور خود در رنجند. ابتلا به افسردگی در آنان شایع است و ویژگی‌های شخصیتی هم چون خودمدار بودن، پرتوقعی و توجه طلبی را از خود نشان می‌دهند. در برخی از پژوهش‌ها، عنوان شده است که تقریباً یک سوم این افراد ازدواج می‌کنند و نیمی از این ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد! هم‌چنین سابقه اقدام به خودکشی در تعداد قابل توجهی از آنان (تقریباً ۱۶ درصد) گزارش شده است.[۸۹] مردان دچار نارضایتی جنسیتی معمولًا از پزشک یا درمان‌گر خود انتظار دارند که اندام تناسلی و پستان‌های آن‌ها را به شکل زنان در آورد. از این رو، نخستین در خواست آنان از پزشکان، تجویز استروژن برای بزرگ شدن پستان‌هایشان است، و به دنبال این تقاضا، خواستار انجام عمل جراحی روی پستان‌ها، اخته کردن، قطع آلت تناسلی مردانه و حتی ایجاد یک اندام تناسلی زنانه می‌شوند. لازم به ذکر است که چنین تقاضاهایی را باید جدی گرفت؛ زیرا در اغلب موارد، طرح چنین در خواست‌هایی با توسل به تهدید و خودکشی و یا قطع عضو همراه است. بعضی از این بیماران اقدام به اخته کردن خود نموده و چنین وانمود می‌کنند که آسیب تصادفی بوده است.[۹۰]

گزارش یک مورد ترانس سکشوال مذکر

در زیر شرح حال مردی که به بیماری اختلال هویت جنسی مبتلا بود، می‌پردازیم:

این جانب خ. م متولد ۱۳۲۹ خلاصه فهرست‌وار جهت آگاهی از مشکل و

تغییرجنسیت، ص: ۸۳

بیماری‌ام را خدمتتان ارسال می‌دارم. اولین علایم روحی یا دو جنسی بودن و عدم تلفیق جسم و روح در سنین کودکی به گواهی مادر و اطرافیانم بدین صورت بروز کرده که با گچ و وسایل دیگر، صورت خود را آرایش کرده و لباس پسرانه را از تن بیرون می‌کردم و در خواست لباس دخترانه (دامن، ....) تا سن ۱۷- ۱۸ سالگی می‌کردم که فکر می‌کردم من تنها در دنیا دارای چنین

وضعیت نابهنجاری هستم. روحیه‌ای کاملًا زنانه داشتم و جسمی مردانه و همیشه در آرزوی معجزه‌ای بودم که جسمم هم مانند روحم به یک زن تبدیل شود و تمام رؤیاها و خواسته‌ها و رفتارهایم و سایر اعمال حسی و حرکتی و .... مثل یک زن بوده است. خانواده‌ام به این خاطر، چندین بار مرا به دکتر بردند. بعد از سنین بلوغ که اولین حس عاطفی (عاشق شدن) را تجربه کردم (نسبت به یک پسر همسایه). وی چند سال از من بزرگ‌تر بود که می‌دانستم این عشق ممنوع است. در سن ۱۴ سالگی بنا به اتفاق در یک بیمارستان با دکتری که مشکل بیماری مرا می‌دانست برخورد کردم که به من بفهماند من یک بیماری دو جنس روحی دارم و در چه وضعیتی هستم و باید از خودم مراقبت کنم و دنبال عمل تغییر جنسیت باشم و نباید بگذارم به خاطر یک سری ارضای مسایل عاطفی، جسمم را وسیله قرار بدهم، که بعد از مدتی دچار بیماری خاص انحراف جنسی خواهم شد و این خود برایم بزرگ‌ترین درس و شانس بود. بعدها در سن ۱۸ سالگی وارد شغلی شدم که آن‌ها نیز به رفتار غیر عادی و بیماری‌ام پی بردند که به مرکز بهداشت معرفی‌ام کردند. از آن زمان (سال ۵۴- ۵۳) درمان من شروع شد که به خرج خودم و برای ادامه معالجات به خارج کشور فرستادند، ولی چون مسأله شرعی و عقیدتی این بیماری برایم مهم بود از چند مرجع سؤال کردم و آن‌ها با سؤال و جواب‌ها و آزمایشاتی، تکلیف یک زن را بر من واجب کردند، اما به خاطر مشکلات محیطی و خانوادگی و مالی در قبل از انقلاب نتوانستم تغییر جنسیت بدهم، ولی به حجاب در آمدم که این خود باعث شد پدرم به طور کلی مرا طرد کرده و مادرم به اجبار با من شروع به زندگی کرد. هم او

تغییرجنسیت، ص: ۸۴

کار می‌کرد و هم من. بعد از انقلاب و از سال ۶۱- ۱۳۶۰ ش، تا سال ۶۴- ۱۳۶۳ ش. درگیر مشکلات محیطی بعد از انقلاب بودم و زجر می‌کشیدم. مرا از حجاب بیرون آوردند و چون از سال ۵۵- ۵۴ بنا به پیشنهاد و تجویز پزشک معالج هورمون مصرف می‌کردم دوباره در لباس مردانه محصور بودم. در سال ۶۵- ۱۳۶۴ ش. بنا به فتوای مرحوم حضرت امام خمینی دوباره به حجاب در آمدم و شروع به فعالیت اجتماعی در همین مورد نموده و چون می‌دانستم این جراحی در ایران موفقیت آمیز نیست و نیز از آن جایی که جراحی تغییر جنسیت برای اولین بار در تاریخ ایران رسماً و قانوناً حل شده بود، به یکی از کشورهای خارجی که در آن جا سابقه نیز داشتم رفته و در آن جا عمل کردم.

من یک پدیده و آفرینش ویژه هستم و با راهنمایی قرآن کریم (سوره طه، آیه ۵۰) دوباره ازدواج کرده‌ام. الان در لباس و حجاب زنانه هستم و تکلیفات واجب یک زن را رعایت می‌کنم و هیچ وقت در بدترین شرایط اجتماعی- خصوصی از وضعیت نابسامان خود پشیمان نبودم.[۹۱]

بند دوم- تراجنسیتی (ترانس سکشوال) مؤنث

اشاره

زن‌های ترانس سکشوال، پستان‌های خود را سفت می‌بندند، یا به ماستکتومی دو طرفه، هیسترکتومی، برداشتن تخمدان‌ها متوسل می‌شوند. برای ایجاد توده عضلانی مردانه و کلفت کردن صدا تستسترون مصرف می‌کنند، و به قصد ایجاد آلت تناسلی مردانه مصنوعی، تحت عمل جراحی قرار می‌گیرند. این اعمال ممکن است شخص را از جنس مقابل تفکیک‌ناپذیر سازد.[۹۲] زنان دچار این اختلال با آرزوی زندگی کردن به عنوان یک مرد اشتغال ذهنی پیدا می‌کنند. این اشتغال ذهنی ممکن است به صورت میل شدید برای ایفای نقش اجتماعی یک مرد یا به دست آوردن ظاهر جسمانی و جنسی مردانه از راه مصرف

تغییرجنسیت، ص: ۸۵

هورمون‌های مردانه یا جراحی تغییر جنسیت، نشان داده شود. زنان دچار این اختلال، از این‌که توسط دیگران به عنوان یک زن در نظر گرفته شوند، یا اعمالشان در جامعه براساس جنسیت اصلی آن‌ها (یعنی همان زن بودن) تعبیر و تفسیر شود، بسیار ناخشنود می‌گردند.

دختران دچار «اختلال هویت جنسی» در مقابل انتظارات یا تلاش‌های والدین برای پوشیدن لباس‌ها یا سایر آرایش‌های زنانه، واکنش منفی شدیدی نشان می‌دهند. برخی ممکن است از رفتن به مدرسه یا شرکت در نشست‌های اجتماعی که مستلزم پوشیدن لباس دخترانه یا زنانه است، اجتناب کنند. آن‌ها پوشش و موی کوتاه پسرانه را ترجیح می‌دهند. اغلب از سوی غریبه‌ها به جای پسران اشتباه گرفته می‌شوند و ممکن است در خواست کنند تا آن‌ها را با یک نام پسرانه صدا بزنند. قهرمانان خیالی‌شان اغلب مردان ستبر تن مانند حسین رضا زاده و یا قهرمانان فوتبال هم چون علی دایی هستند. آن‌ها علاقه‌ای به عروسک‌ها یا هر شکل از اسباب بازی با پوشش زنانه یا فعالیت‌های مربوط به ایفای نقش زنانه نشان نمی‌دهند.

دختران دچار این اختلال، ممکن است گاهی از ادرار کردن در وضعیت نشسته پرهیز کنند. احتمال دارد ادعا کنند که دارای آلت تناسلی مذکر هستند، یا این آلت در آن‌ها رشد خواهد کرد و بالاخره هم چون مردان خواهند شد. آن‌ها ممکن است خواهان عدم رشد پستان‌ها یا بروز قاعدگی باشند. این قبیل دختران معمولًا در ایفای نقش، رؤیاها و خیال پردازی‌هایشان، هویت جنسی مخالف را به شکل آشکاری نشان می‌دهند.

زنان بزرگسال که دچار اختلال هویت جنسی هستند، ممکن است به طور پنهانی وقت بسیار زیادی را برای مبدل پوشی و تلاش برای تبدیل ظاهر خود به شکل جنسی مخالف صرف کنند. این عده می‌کوشند تا در جمع، به صورت یک مرد ظاهر شوند. پریشانی یا آشفتگی روانی در مبتلایان به اختلال هویت جنسی، در سراسر دوره زندگی به گونه‌ای متفاوت ظاهر می‌شود. در کودکان به صورت ابراز ناخشنودی از جنسیت خویش جلوه‌گر

تغییرجنسیت، ص: ۸۶

می‌شود و ممکن است به دلیل تمسخر یا فشار برای پوشیدن لباس دخترانه، از رفتن به مدرسه خود داری کنند. در نوجوانان و بزرگسالان، اشتغال ذهنی با آرزوهای اتخاذ هویت جنسی مردانه، اغلب با فعالیت‌های عادی تداخل می‌کند و موجب افت تحصیلی یا کارکرد شغلی و سرانجام موجب ابتلا به افسردگی و اضطراب می‌شود.

گزارش یک مورد ترانس سکشوال مؤنث

در زیر شرح حال خانمی حدود چهل ساله که به بیماری «اختلال هویت جنسی» مبتلا شده بود، می‌پردازیم:

این خانم در خانواده‌ای به دنیا آمد که با وجود کثرت اولاد، همه فرزندان دختر بوده و پدر و مادر دیوانه‌وار مشتاق داشتن فرزند پسری بودند. هنگام تولد او، پدر با دیدن نوزاد دختر دیگر، خانواده را ترک گفت و مادر نیز که در اشتیاق پسری بود نامی مردانه برای دخترش انتخاب کرد!

پدر پس از چندی که به خانه بازگشت، برای دخترش شناسنامه‌ای با نام دخترانه گرفت، در حالی که افراد خانواده دختر را به نام پسرانه‌ای صدا میزدند و به او البسه پسرانه می‌پوشانیدند و موی او را مانند پسران کوتاه کرده و وی را وادار به حرکاتی می‌کردند که از پسران سر می‌زد. تعلیم و تربیت غلط کار را به جایی رساند که از کودکی در محیط خانوادگی مشتاق فرزند مذکر، او خود را مانند پسری تصور کرده و برخواهران خود حکم روایی می‌کرد و اگر کسی به او دختر خطاب می‌کرد به شدت تنبیه می‌شد و به همین علت تحصیلات او در کلاس‌های ابتدایی متوقف ماند؛ زیرا مدارس پسرانه از ثبت نام او خودداری می‌نمودند و پدر و مادر

که تازه به خطای خود پی برده بودند، به نصیحت کودک پرداخته و او را که در سنین ده سالگی بود وادار به پوشیدن لباس دخترانه و رفتن به مدرسه دخترانه نمودند، ولی وی که هنوز کودکی بیش نبود، حاضر به تغییر لباس و پوشیدن پوشش دخترانه نشد و حتی چندین بار به قصد خودکشی اقدام به غرق نمودن خود در استخر و رودخانه و پرتاب نمودن خود از پشت بام کرد. تشویقات و تنبیهاتی که به کار رفت، هیچ یک مؤثر واقع نشد. پزشکان نیز

تغییرجنسیت، ص: ۸۷

از درمان وی درماندند و پدر و مادر به ناچار از فرستادن وی به مدرسه خودداری کردند و او جوانی بی‌تربیت و بی‌سواد با پوشش مردانه باقی ماند وبرای پسر جلوه دادن خویش در اجتماع به اغوای دختران، که از راز او بی‌خبر بودند، پرداخت و چندین بار نیز اقدام به ربودن دختران با ماشین خود کرد و هر بار مقامات قضایی محل را در اتخاذ تصمیم دچار سرگردانی نمود و چون در ایران پزشکان قانونی با تغییر جنسیت او مخالفت نمودند، به عنوان گردش به اروپا رفت و در آن‌جا با عمل جراحی ترمیمی، تخمدان و رحم او را خارج کردند و با مسدود نمودن مهبل و ایجاد دستگاه تناسلی ظاهراً مردانه و تجویز هورمون‌های جنسی مذکر، او را روانه ایران نمودند. فقدان هورمون‌های جنسی زنانه به تدریج او را به زنی چروکیده تبدیل کرد؛ در حالی که هنوز در اوج جوانی بود و عدم کارآیی هورمون‌های مردانه نیز روز به روز آشکارتر شد. نومیدی از دست یافتن به قوه مردی و پشیمانی از دست زدن به عمل جراحی به تدریج در او قوت گرفت و با از دست دادن پدر و مادر به مواد مخدر پناه برد و آرامش ناشی از استعمال افیون او را به تفکر در مورد گذشته و جوانی تباه شده خود واداشت و تازه در این هنگام بود که به فکر چاره جویی افتاد و لباس مردانه را از خود دور کرد و زنی کامل عیار شد، ولی افسوس که سپری شدن دوران جوانی و از همه بدتر فقدان دستگاه تناسلی زنانه و برداشتن تخمدان‌ها، دیگر آب رفته را به جوی باز نمی‌گرداند و او به صورت خانمی معتاد به مواد مخدر و فردی خنثی، به انتظار مرگ روز خود را می‌گذرانید، در حالی که ثروت و مکنت باقی مانده از پدر و مادر برای او مفید فایده‌ای نبود.

سرانجام به این جانب مراجعه نمود و اکنون به توصیه من کودک بی‌سرپرستی را به فرزندی قبول کرده و مواد مخدر را ترک گفته و اوقات خود را صرف تربیت آن کودک می‌نماید و تنها عشق به آینده این کودک است که او را زنده نگه داشته است.[۹۳]

تغییرجنسیت، ص: ۸۸

گفتار هفتم: میزان بیماری تراجنسیتی (ترانس سکشوال)

بند اول: میزان بیماری تراجنسیتی در مقیاس جهانی

در مورد میزان شیوع این بیماری در مقیاس جهانی، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. پروفسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت، که حدود ۵۰۰ بیمار را در ایران تغییر جنسیت داده، می‌گوید:

«این بیماری روان دگر جنسی در تمام اجتماعات وجود دارد و تعداد بیماران تران سکس در کلیه آمارهای ممالک در حدود ۴ تا ۶ در هر صد هزار تولد می‌باشد و این تعداد به هیچ وجه به ملیت، نژاد، فرهنگ و تربیت‌گر اجتماعی بستگی ندارد و درتمام دنیا این بیماران با همین نسبت وجود دارند.»[۹۴] دکتر کاپلان و سادوک معتقدند که در زمینه شیوع این بیماری، آمار دقیقی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد در میان مردان شایع‌تر است، به طوری که در مردان یک در سی‌هزار و در زنان یک در صد هزار گزارش شده است.[۹۵]

دکتر صمد قضایی درباره آمار این بیماری می گوید:

«این بیماری نادر است. از هر یک صد هزار نفر مرد، یک نفر بدین عارضه مبتلا می‌شود، در صورتی که این نسبت در زنان بیمار، یک در برابر هر چهار صد هزار نفر می‌باشد.»[۹۶] طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، از هر یکصد هزار پسر و از هر چهار صد هزار زن در جهان یک نفر تغییر جنسیت می‌دهند و علاقه به تغییر جنسیت در پسران به مراتب بیش‌تر از دختران است.[۹۷]

تغییرجنسیت، ص: ۸۹

با توجه به مطالب فوق، اولًا به دلایل مختلف در این‌باره، آمار دقیقی وجود نـدارد؛ ثانیاً با توجه به آمار فوق و نیز بر اساس شواهد و قرائن دیگر، درصد این بیماری در مردان بیش از زنان است. به عبارت دیگر، تراجنسیتی مذکر که خواهان تبدیل شدن به جنس زن هستند، بیش از تراجنسیتی مؤنث است که خواهان تبدیل شدن به جنس مرد می‌باشند. از این رو، دکتر علی رضا کاهانی، متخصص پزشکی قانونی می گوید:

«نمونه‌های کلینکی نشان داده‌اند که میزان پسران دچار اختلال هویت جنسی نسبت به دختران، در حدود ۱: ۷ (هفت پسر در مقابل یک دختر) است.»[۹۸] دکتر عبدالرسول مهرسای که تاکنون مواردی از این افراد را عمل کرده است، در این باره می گوید:

«من بیش از ۱۰ تا ۱۵ جراحی انجام داده‌ام که فقط یک مورد از آن‌ها دختر به پسر بوده است و بقیه پسر به دختر. معمولًا این افراد قبل از عمل بسیار ناراحت و غمگین هستند و دعا می کنند در حالت فکری، روانی مورد علاقه‌شان باشند و شدیداً التماس می کنند که ما را از این وضعیت نجات دهید، وگرنه دست به خودکشی می‌زنیم».[۹۹]

بند دوم: میزان بیماری تراجنسیتی در ایران

در ایران نیز هماننـد سایر نقاط جهان آمار دقیقی در مورد بیماری تراجنسیتی وجود نـدارد؛ چون مکانیسم دقیقی برای شـمارش این بیمـاران طراحی نشـده است و همه این بیمـاران به مراکز درمـانی مراجعه نمی کننـد، بلکه فقـط برخی از این بیمـاران جهت معـالجه مراجعه می کنند. تعداد مراجعین به پزشکی قانونی، جهت کسب مجوز تغییر جنسیت، از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰ حدود ۲۷۰ نفر بوده‌اند، که از این تعداد، ۲۰۰ نفر مرد و ۷۰ نفر زن بوده‌اند که در نمودار زیر ملاحظه می کنید:

تغییرجنسیت، ص: ۹۰

نمایش تصویر

شیوع مراجعین به پزشکی قانونی، جهت کسب مجوز تغییر جنسیت از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی گفت: در حال حاضر به طور متوسط روزانه سه نفر بیمار دارای اختلال هویت جنسی (Ts)

به بهزیستی برای درمان و تغییر جنسیت مراجعه می کننـد. محمدرضا خباز درگفت و گو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر با بیان ایـن مطلب افزود: هم اکنـون از هر صـد هزار نفر ۴ تا ۶ نفر دچـار اختلال هویت جنسـی هسـتند و با توجه به این‌که «اختلال هویت جنسـی» یک نوع بیماری محسوب می‌شود، بنابراین، برای رفع مشکل و بیماری این افراد مانند بیماری‌های دیگر، باید اقدامات لازم

از سوی مسؤولین و هم‌چنین خانواده‌های آن‌ها فراهم شود.

وی با اشاره به این‌که نقش اصلی در درمان این بیماری بر عهده خانواده‌ها است، خاطر نشان کرد: خانواده‌ها نباید بااین بیماران مقابله و یا مبارزه کنند. ۷۵ درصد از بیماران دارای «اختلال هویت جنسی» به خانواده‌ها مربوط می‌شود و چنان‌چه این افراد از سوی خانواده‌های خود طرد شوند، مشکلات و آسیب‌های بسیاری، گریبان‌گیر آن‌ها خواهد شد. از سوی سازمان بهزیستی برای درمان بیماران دارای اختلال هویت جنسی در سال ۱۳۸۴ ش. برنامه‌ریزی و سیاست‌های لازم در نظر گرفته شده است و هم‌چنین ۲۰ میلیون تومان به این امر اختصاص یافته است. اعتبارات اختصاص یافته با توجه به تعداد مراجعین و افراد بیمار موجود در کشور، کافی نیست و نمی‌توان تمام این بیماران را مداوا کرد. بنابراین، در تلاش هستیم تا در سال ۱۳۸۵ ش. اعتبارات بیش‌تری به این امر اختصاص دهیم.[۱۰۰]

تغییرجنسیت، ص: ۹۱

گفتار هشتم: درمان اختلال هویت جنسی (تراجنسیتی)

بیماری‌تراجنسیتی (ناراضیان جنسی) پیچیده‌تر از آن است که به سادگی بتوان در مورد درمان و یا لااقل کاهش عوارضی و ناراحتی‌های آن سخن گفت: گروه‌های مختلفی از پزشکان و متخصصان با این نوع بیماری گریبان‌گیر بوده‌اند. پزشکی قانونی برای تأیید بیماری اختلال هویت جنسی (

(Ts

روزانه با پرونده‌هایی از این دست رو به رو هستند. برخی از «پزشکان غدد و هورمون» از طریق هورمون درمانی، به معالجه آنان پرداخته‌اند و عده‌ای از روان پزشکان از طریق معالجات روانی و راه کارهای ویژه خود، تلاش قابل تحسینی انجام داده‌اند، و در نهایت پزشکان جراحِ تغییر جنسیت، با عمل جراحی برخی از این بیماران، به کاهش آلام مبتلایان به بیماری تراجنسیتی کمک کرده‌اند.

اما پرسش اساسی این است که واقعاً چه راهی برای درمان این گروه از بیماران وجود دارد و اساساً چه موقع باید برای این گونه بیماران عمل جراحی تغییر جنسیت توصیه نمود، تا پشیمانی در پی نداشته باشد؟ عمل جراحی تغییر جنسیت دارای عوارض و هزینه‌های فراوانی است و در مواردی برخی افراد، پس از تغییر جنسیت از کرده خویش پشیمان هستند و خواهان بازگشت به جنسیت سابق خویش می‌باشند، دکتر کاپلان معتقد است حدود ۷۰ درصد مردها و ۸۰ درصد زن‌هایی که تحت درمان با جراحی قرار می‌گیرند، احساس رضایت می‌کنند. خودکشی در کسانی که تحت عمل جراحی برای تغییر جنس قرار گرفته‌اند تا ۲ درصد گزارش شده است. عمل جراحی برای تغییر جنس دادن، روشی بحث انگیز است که باید مورد مداقه مستمر قرار گیرد.[۱۰۱] برخی گزارش‌ها و تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد در مواردی «درمان غیر هورمونی و غیر جراحی» در بیماران اختلال هویت جنسی مؤثر می‌باشد و باعث تثبیت هویت جنسی مشابه با ساختار ژنتیکی و جسمی آن‌ها می‌گردد. اختلال هویت جنسی طی گذشت زمان شدت و ضعف پیدا می‌کند و این شدت و ضعف متأخر از آسیب شناسی روانی همراه و در پاسخ به تجربیات جنسی و حوادث زندگی تغییر می‌یابد. حتی

تغییرجنسیت، ص: ۹۲

گزارش‌هایی از بهبودی خود به خود در بالغین مبتلا به اختلال هویت جنسی ذکر شده است. می‌توان با روش‌های درمانی ذکر شده

به تخفیف علایم، حصول بهبودی و نیز درمان آسیب‌های روانی کمک کرد.[۱۰۲] گاهی بیمارانی با تظاهر به اختلال هویت جنسی مراجعه می‌کنند که در واقع موارد هم جنس‌گرا و یا دگرپوشی یادگار خواهانه می‌باشند که انجام روان درمانی به تشخیص بهتر اختلال و نیز درمان آن‌ها منجر خواهد شد و توصیه به عمل جراحی تغییر جنسیت در این موارد تشخیص، یک تصمیم نادرست می‌باشد.[۱۰۳] بنابراین، این پیشنهاد لازم به نظر می‌رسد که در مورد بیماران هویت جنسی چه نوجوان، چه بزرگسال از تصمیم زود هنگام به ویژه در مورد انجام جراحی تغییر جنسیت پرهیز شود. قبل از آن‌که راه حل جراحی مدنظر قرار گیرد، یک «دوره روان درمانی» یک ساله انجام شود و نیز یک «دوره آزمون زندگی» واقعی هم انجام گیرد و بیمار حداقل ۱۸ سال سن داشته باشد. لازم به ذکر است که افزودن «درمان دارویی» به منظور کاهش میل جنسی و تضعیف مقاومت بیمار در برابر اجرای دستورات درمانی بسیار مفید است. مخصوصاً در افرادی که تجربه جنسی مکرر داشته‌اند، میزان همکاری درمانی تا قبل از تجویز دارو، بسیار ضعیف بود و با تجویز نورو لپتیک، توانمندی انجام دستورات و ادامه همکاری بسیار چشم گیر شد.

دکتر فرامرز گودرزی، متخصص پزشکی قانونی، در مورد زمان توصیه به تغییرجنسیت و انجام عمل جراحی معتقد است که تشخیص فوق وقتی داده می‌شود که این آشفتگی اقلًا به مدت دو سال ادامه داشته باشد و محدود به دوره استرس نباشد و علت آن اختلال روانی دیگری مانند اسکیزوفرنیا نبوده باشد و یا توأم با نابهنجاری‌های

تغییرجنسیت، ص: ۹۳

کالبد شناسی جنسی یا ژنتیک نیز نباشد. چنین اشخاصی معمولًا از پوشیدن لباسِ مخصوصِ جنس آناتومیک خود ناراحت هستند و بارها این ناراحتی، منجر به پوشیدن لباس جنس مخالف می‌شود و غالباً به فعالیت‌های مربوط به جنس مقابل دست می‌زنند. در مردان ممکن است به طور اولیه (آغاز در جنین اولیه و باقی ماندن در تمام طول زندگی) یا ثانویه (شروع بعد از کودکی در مراحل بعدی زندگی) باشد. این اختلال درزنانی دیده می‌شود که از اوان کودکی خود را به صورت جنس مذکر دیده و زندگی زنانه نداشته‌اند.[۱۰۴]

دکتر کاپلان بر «درمان هورمونی» تأکید بیش‌تری دارد. البته وی معالجات روانی را نفی نمی‌کند، ولی به اعتقاد او «درمان هورمونی» تأثیر بیش‌تر و زودتری در معالجه «ترانس سکشوال» یا «اختلال هویت جنسی» دارد. وی معتقد است که به جای جراحی می‌توان هورمون درمانی کرد. مردهای بیولوژیک از استروژن، و زن‌های بیولوژیک از تستسترون استفاده می‌کنند. بیمارانی که استروژن مصرف می‌کنند، براساس احساس آرامش، دفعات کم‌تر نعوظ، و تظاهرات معدودتر انگیزه جنسی نسبت به قبل از درمان با هورمون، رضایت روان شناختی فوری گزارش می‌کنند. سترونی تازه آن‌ها موجب نگرانیشان نمی‌گردد. پس از چند ماه، انحناهای بدن گودتر می‌گردند. بزرگی محدود اما راضی‌کننده در پستان ظاهر می‌شود و حجم بیضه‌ها کاهش می‌یابد. کیفیت صدا تغییر نمی‌یابد. این بیماران نیاز دارند که از نظر فشار خون، هیپرگلیسمی، اختلال کنشی جنسی و پدیده‌های ترومبوآمبولیک تحت مراقبت قرار گیرند.[۱۰۵] زن‌هایی که آندروژن مصرف می‌کنند، به سرعت متوجه افزایش انگیزه جنسی، بزرگ شدن و سرزنش ناحیه کلیتوریس، و پس از چند ماه قطع قاعدگی و خشونت صدای خود می‌گردند. اگر اقدام به وزنه‌برداری شود، بزودی افزایش حجم عضلات مشاهده می‌شود. بسته به نحوه توزیع قبلی موها، بیماران ممکن است افزایش متوسط در

تغییرجنسیت، ص: ۹۴

مقدار و میزان زبری موهای صورت و بدن پیدا کنند. در بعضی طاسی ناحیه پیشانی پدید می‌آید. پدیده‌های ترومبوآمبولیک، اختلال کار کبد و افزایش کلسترول و تری گلیسیرید امکان‌پذیر است.[۱۰۶] حتی پزشکان جراح تغییر جنسیت، بر پرهیز از عجله در

عمل جراحی تأکید دارند. به اعتقاد آنان، روان کاوی و روان درمانی بر جراحی تغییر جنسیت مقدم است. معالجات روانی، اگر مؤثر واقع شود، هزینه و عوارض بسیار کم‌تری دارد و در نهایت بیمار تراجنسیتی، ممکن است جنسیت فعلی خویش را بپذیرد و از حالت «عدم تطابق جنسی» خارج گردد. پروفسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت در تأکید مطلب فوق می گوید:

می‌بایست بیماران مشکوک به مبتلا بودن به این بیماری را طی دوره‌های متعدد، روان کاوی و روان درمانی قرار داده، تا در صورت امکان، درمان روانی گردند و جسم خود را بپذیرند، و در صورت عدم موفقیت این دوره درمانی، تشخیص ترانس سکسوالیته [اختلال هویت جنسی] آنان مستعجل گردیده، لذا می‌بایست از طریق روان پزشکان برای عمل جراحی به جراحان سپرده گردند تا جسم آن‌ها تا حدی تبدیل به خواسته روان آن‌ها گردد.[۱۰۷]

جمع‌بندی و بیان نظریه مختار

با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان گفت: اصولًا در علم پزشکی برای درمان اختلال هویت جنسی از نوع تراجنسیتی، به ترتیب یکی از سه روش زیر مدنظر است:

روش اول- روان درمانی: بیماری تراجنسیتی (ناراضیان جنسی) یک بیماری روحی و روانی است و شخص دچار عدم تطابق جنسی است. اعتقاد او به جنسیت خویش، بر خلاف ظاهر جسمی او است. بنابراین، در وهله اول، بایستی معالجات روان درمانی انجام پذیرد. هدف از این معالجه، پذیرش جنسیت ظاهری از سوی شخص بیمار

تغییرجنسیت، ص: ۹۵

است. به اعتقاد برخی روان شناسان، این نوع بیماری، از پیچیده‌ترین بیماری‌های روحی محسوب می‌شود. از این رو، در صد موفقیت این نوع معالجات نسبت به بیماران اختلال هویت جنسی، بسیار کم است. بنابراین، روش‌های دیگر مورد توجه قرار می گیرد.

روش دوم- هورمون درمانی: این روش به صورت مستقل و یا به صورت روش تکمیلی در کنار روش اول و روش سوم مورد توجه قرار می گیرد. پزشکان با تقویت هورمون جنسیتی که علایم آن در بدن شخص ظاهر است، تلاش می کنند که بین بدن و روان او توافق و هماهنگی ایجاد نمایند. علاوه بر این، این روش می تواند در تمییز غالبیت جنسیتی بر جنسیت دیگر در دو جنسی (خنثای بدنی) نیز استفاده شود؛ زیرا در دو جنسی نیز قبل از برداشت علایم یکی از دو جنسیت، باید برای پزشک جراح، اثبات شود که بقای علایم کدام جنسیت برای شخص مناسب‌تر و مفیدتر است و هورمون درمانی می‌تواند در تشخیص جنسیت مناسب به جراح کمک نماید.[۱۰۸] روش سوم- انجام جراحی تغییر جنسیت: در این روش شخص به جنسیتی ملحق می‌شود که در نتیجه آزمایشات برای پزشک متخصص، هماهنگی و توافق آن نسبت به بدن و روان شخص بیش‌تر است. در نتیجه، در این روش علایم جنسی بدنی ترا جنسیتی (ترانس سکشوال) برداشته می‌شود و برای او علایم مصنوعی جنسیتی درست می‌شود که او به آن جنسیت ملحق شده است.

ضمناً انجام جراحی تغییر جنسیت در دو جنسی‌ها نیز مورد توجه پزشکان جراح است. در این حالت، ممیزی یکی از دو جنس نامناسب نسبت به وضع و تمایلات روانی شخص برداشته می‌شود و علایم بدنی جنسیت مناسب جایگزین می گردد.

تغییرجنسیت، ص: ۹۷

فصل پنجم اختلال هویت جنسی؛ دو جنسی‌ها (خنثی‌ها)

مبحث اول: اهمیت و طرح بحث

بسیاری از احکام فقهی و حقوقی متناسب با جنس مرد یا زن است. به عبارت دیگر، برخی احکام و مسایل، ویژه مردان است و مسایل دیگری ویژه زنان. مانند: ارث، حجاب، نفقه، ولایت و سرپرستی. ولی وضعیت جنسیت دو جنسی‌ها (خنثی‌ها) در هاله‌ای از ابهام است. آیا این گروه، وظایف و تکالیف شرعی و نیز نقش اجتماعی خویش را به عنوان «زن» ایفا کنند، یا به عنوان «مرد»؟ بنابراین، تعیین جنسیت در مورد دو جنسی‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. توضیح این نکته ضروری است که واژه «خنثی» در ادبیات عرب، فقه و روایات اسلامی به کار می‌رود، ولی در زبان فارسی از آن به «دو جنسی» یا «نر ماده»[۱۰۹] یاد می‌شود، و در زبان انگلیسی و علم پزشکی به «هرمافرودیت»[۱۱۰] شناخته می‌شود.

در هر حال، «ابهام جنسی» یکی از مسایل مهم فقه و دانش پزشکی است. تشخیص

تغییرجنسیت، ص: ۹۸

به موقع عارضه، و تصمیم‌گیری سریع برای درمان و تبدیل دو جنسی‌ها (خنثی) به جنسیت مناسب، در پیش‌گیری از بسیاری از عوارض، از جمله عوارض روانی، اثر بسزایی روی دو جنسی و خانواده وی خواهد داشت.

با این وجود، طرح مباحث دو جنسی‌ها، بدین معنا نیست در جامعه، عدد کسانی که به این بیماری مبتلا هستند زیاد است. هر چند تعداد آنان کم است، ولی لازم است وضعیت فقهی و حقوقی آنان روشن شود.

مبحث دوم: علت بروز دو جنسیتی (خنثی)

بار ژنتیکی در داخل سلول‌های انسان و بسیاری از موجودات زنده، به صورت رشته‌هایی که کروموزم[۱۱۱] نامیده می‌شوند حضور دارد. انسان دارای ۴۶ کروموزم است. کروموزم‌ها دو نوع هستند: کروموزم‌های جنسی[۱۱۲] و کروموزم‌های غیرجنسی که اصطلاحاً کروموزم‌های آتوزم[۱۱۳] نامیده می‌شوند.

کروموزم‌های غیر جنسی در واقع تعیین‌کننده اکثر خصوصیات هر دو جنس هستند که میان آن‌ها مشترک است، ولی کروموزم‌های جنسی، صفات ویژه هر جنس را تعیین می‌کنند.

در انسان، در جنس مؤنث دو کروموزم جنسی یکسان هستند (

XX)

، اما در مرد یک کروموزم جنسی همانند زن است (کروموزمX) و کروموزم دیگر که کوچک‌تر است و در خانم‌ها یافت نمی‌شود و اصطلاحاً کروموزمY نامیده می‌شود؛ یعنی تابلوی کروموزم‌های جنسی مرد (XY) است. صفات خاص هر جنس شامل خصوصیات بدنی و فیزیولوژیک ویژه آن جنس با کروموزم‌های جنسی آن جنس مرتبط است و نیز اختلال در کروموزم‌های جنسی، سبب اختلال‌های خاص هر جنس می‌شود.[۱۱۴] به طور کلی، تعیین جنسیت یک جنین به لقاح اوول زن (تخمک) که حامل

تغییرجنسیت، ص: ۹۹

کروموزوم

XX

است با اسپرم مرد که حامل کروموزمX وY است، بستگی دارد. از ترکیب کروموزمX وX ، جنین مؤنث، و از ترکیب کروموزمX وY ، جنین مـذکر پدید می‌آید؛ اما این بدان معنا نیست که همیشه ترکیب اسپرم حامل کروموزمX با تخمک زن، منجر به تشکیل جنین مـؤنث و از آنY بـاعث جنیـن مـذکر گردد؛ چرا کـه در یـک گنـاد اندیفرانســیه جنیـن در حـال رشـد (هفتـه ۷ - ۱۴) هـم مجرای «وُلف»[۱۱۵] و هم کانال «مولر»[۱۱۶] وجود دارد. رشد مجرای مولر، جنین را به سمت مؤنث شدن، و در صورت رشد مجرای وُلف و رویش مجرای مولر، جنین به سـمت مذکر شدن سوق پیدا می‌کند. بنابراین، وضعیت کروموزمیXX (مؤنّث) وXY (مذکر) زمانی تعیین کننـده جنسیت خواهـد بود که اختلاـلی در رشـد طـبیعی مجرای مولر در جنین مؤنث و ولف در جنین مـذکر به وجود نیایـد. هرگونه اختلال در این روند تکاملی، جنین را به سـمت «دو جنسی شدن» یا «هرمافرودیسم» سوق خواهد داد.[۱۱۷] به عبارت دیگر، هرمـافرودیسم به تمام حالاتی اطلاق می‌شود که در آن‌ها پدیـده‌های عضوی غیر طبیعی ناشـی از اختلال عمل تمایز یافتن دو جنس وجود داشته باشد.[۱۱۸]

مبحث سوم: خنثی در لغت

اشاره

خنثی در اصل لغوی از واژه «خَنث» به معنای: لین، نرمی و ملایمت اخذ شده است و جمع آن خَناثی و خِناث است.[۱۱۹] خنثی گاه به معنای: شبیه بودن و تمایل داشتن به چیزی آمده است. در لغت چنین گفته شده است:

خَنَثَ الرجلُ کلامَه: اذا شَبَّهَهُ بِکلامِ النّساءِ لیناً و رُخامةً؛[۱۲۰]

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۰

وقتی گفته می‌شود: مرد کلامش راخنثی کرد، منظور این است که سخن خویش را شبیه زنان نرم و آهسته نموده است.

ابن عباس، چنین می‌گوید:

لَعَن رسولُ الله (ص): المخنَّثینَ مِنَ الرجال و المُترَجِلینَ مِنَ النساء؛[۱۲۱]

رسول خدا (ص)، مردی که خودش را شبیه زنان در آورد، و زنی که خویش را شبیه مردان در آورد، لعنت کرده است.

خنثی در معنای مجازی آن در زبان فارسـی، و شاید در زبان عربی، در مورد کسـی یا چیزی به کار می‌رود که خصوصیت نوع خود را به طور آشـکار یا فعال نـدارد. به عبارت دیگر، با حالتی بدون علاقه به طرفین امری، یا بی‌تفاوت گاه گفته می‌شود: فلانی طوری خنثی رفتـار می‌کنـد که هیـچ کس متوجه تمایلاـتش نمی‌شود.[۱۲۲] نقش دوگـانه خنثی، یـا رفتـار بی‌طرفـانه خنثی، گاه در اشـعار فارسی به کار می‌رود، که در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

هم چو خنثی مباش نر ماده‌یا همه سوز باش یا همه ساز

(سنایی)

او دو آلت دارد و خنثی بودفعل هر دو بی‌گمان پیدا شود

(مولوی)

لاف مردی زنی و زن باشی‌هم چو خنثی مباش نر و ماده

(سعدی)[۱۲۳]

به تناسب همین معنایی که در لغت برای واژه «خنثی» وجود دارد، در فقه نیز از آن استفاده شده است. بنابراین، معنای خنثی در اصطلاح فقه، به معنای لغوی آن نزدیک است. خنثی در فقه به کسی می‌گویند که نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن، بلکه به هر

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۱

دو تمایل دارد، و شاید اساساً به هیچ یک از دو گروه تمایل نداشته باشد. در توضیح معنای فقهی خنثی نکات زیر بیان می‌شود:

گفتار اول: معنای مشهور خنثی

در معنای مشهور فقهی، خنثی کسی است که هم آلت مردانه و هم آلت زنانه، هر دو را دارد.[۱۲۴] صاحب «معجم اصطلاحات فقهی» می گوید:

خنثی کسی است که در جسم خویش، مذکر بودن و مؤنث بودن را دارا می‌باشد.[۱۲۵] وی در توضیح بیش‌تر درباره خنثی می گوید:

در علم گیاه‌شناسی، خنثی عبارت است از گُلی که اعضای مذکر و مؤنث را در بردارد، و در بیش‌تر موارد، این اصطلاح به شخص- خواه مرد یا زن- گفته می‌شود که صفات جنس مخالف را دارا است و از این رو، به او خنثای کاذب گفته می‌شود.[۱۲۶] معنای فوق، از سوی بسیاری از فقیهان اسلامی بیان شده است. از نظر آنان، «خنثی» یا «دو جنسی» کسی است که هر دو آلت مردانه و زنانه را دارد. فخرالمحققین در تعریف خنثی می گوید:

الخنثی و هو مَن لَهُ فرجان؛[۱۲۷]

خنثی کسی است که دارای دو آلت [مردانه و زنانه] است.

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۲

علّامه حلّی می گوید:

الخنثی مَن له فرج الرجال و النساء؛[۱۲۸]

خنثی کسی است که برای او آلت تناسلی مردان و زنان وجود دارد.

امام خمینی در تحریر الوسیله می گوید:

الخنثی، بِأن کان له فرج الرجال و النساء؛[۱۲۹]

خنثی، به این معنا که برای شخص آلت تناسلی مردان و زنان وجوددارد

از نظر این عده از لغوی‌ها و فقیهان اسلامی، اساساً کسی که هیچ کدام از آلت تناسلی مردانه و زنانه را ندارد، داخل در تعریف «خنثی» نیست، بلکه به چنین فرد اصطلاحاً «ممسوح» می گویند.[۱۳۰]

گفتار دوم: معنای غیر مشهور دربارهٔ خنثی

اشاره

گـاه در معنـای خنثی گفته می‌شود: خنثی کسـی است که یـا دارای هر دو آلت تناسـلی مردانه و زنـانه است، و یـا اساساً فاقـد آلت تناسلی مردانه و زنانه است (ممسوح).
این معنا، از سوی برخی لغوی‌ها و عده‌ای از فقیهان اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. لغت نامه دهخدا می گوید:
خنثی آن کسـی است که هر دو انـدام را دارد، و یا آن‌که هیـچ یک از دو اندام را ندارد؛ نه مرد و نه زن.[۱۳۱] نیز در تعریف خنثی گفته شده است:
خنـثی، کسـی است که [هر دو] آلت مردانگی و زنـانگی در او هست؛ یـا کسـی که از سـوراخی ادرار می‌کنـد، و آلت مرد و زن را ندارد.[۱۳۲]

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۳
شریف جرجانی در این باره می گوید:
خنثی در شـریعت اسـلام به کسـی گفته می‌شود که دارای هر دو آلت مردانه و زنـانه است، یـا این‌که اساساً هیـچ کـدام از دو آلت مردانه و زنانه را ندارد.[۱۳۳] آیت‌الله محمد صدر در تعریف خنثی می گوید:
همانا خنثی، انسانی است که دو آلت مردانه و زنانه را در وجود خویش جمع کرده، یا این‌که دو آلت در او مفقود است.[۱۳۴]

نظریهٔ مختار

به نظر می‌رسـد که تعریف دوم، در مورد واژه «خنثی»- هر چند مشـهور نیست- بهتر و دقیق‌تر از معنای اول- هر چند مشـهور است- باشـد. به عبارت دیگر، خنثی از نظر لغت و فقه دارای دو مصداق است: مصداق اول، کسانی‌اند که دارای هر دو آلت مردانه و زنانه هستند؛ مصداق دوم، کسانی‌اند که اصلًا هیچ کدام از دو آلت را ندارند، که به این عده اخیر، «ممسوح» نیز گفته می‌شود.
از آن جایی که در فقه، احکام شـرعی ویژه افراد ممسوح با افراد خنثی (دو جنسـی‌ها) تفاوتی نـدارد، بنابراین، در یک تعریف کلی، خنثی شامل هر دو مصداق می‌شود. مضافاً به این‌که مشکل تعیین جنسیت، در هر دو گروه وجود دارد.

مبحث چهارم: تاریخچه خنثی‌ها (دو جنسی‌ها)

اشاره

از گذشـته تا کنون، خنثی‌ها (دو جنسـی‌ها) در تمام جوامع یافت می‌شده است. این امر، پدیده جدیدی نیست که بشر امروزی آن را کشف کرده باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت از گذشته بسیار دور و تقریباً از زمانی که انسان پا به کُره زمین نهاده است، افراد خنثی نیز کم و بیش وجود داشته‌اند. مؤید این مسأله، برخی روایات اسلامی

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۴
است که در مورد خنثی‌ها (دو جنسـی‌ها) می‌باشد. فقه اسلامی که سابقه‌ای بیش از هزار سال دارد همواره در مورد مسایل فقهی این گروه سخن گفته است، مانند: ارث، ازدواج، حجاب، نماز و ....
در ذیل به یک واقعه تاریخی در مورد یک دو جنسی که در زمان حضرت امیرالمومنین علی (ع) اتفاق افتاده است اشاره می کنیم:

شُریح قاضـی در حالی که در مجلس قضاوت حضور داشت، ناگهان زنی وارد شـد و گفت: ای قاضـی! میان من و دشـمنم قضاوت کن.

شریح به آن زن گفت: دشمنت کیست؟

زن گفت: تو هستی.

شریح گفت: راهش دهید.

او را راه دادند و او وارد مجلس شد.

سپس قاضی به او گفت: شکایتت چیست؟

گفت: من، هم آن‌چه را مردان دارند دارم و هم آن‌چه را زنان دارند.

شریح گفت: امیرمؤمنان علی (ع) بر اساس مجرای ادرار قضاوت می کند.

وی گفت: من از هر دو مجرا ادرار می کنم و از هر دو با هم قطع می‌شود.

شریح گفت: به خداوند سوگند! من چیزی شگفت‌انگیزتر از این نشنیدم.

زن گفت: شگفت انگیزتر از این هم است.

شریح گفت: آن چیست؟

گفت: شوهرم بامن آمیزش کرد و من از او بچه آوردم و نیز من با کنیزم آمیزش کردم و او از من بچه آورد!

شریح- با شنیدن این خبر- در حالی که بشدّت شگفت زده بود، دست بر دست زد.

آن گاه امیرمؤمنان (ع) آمد و شـریح گفت: ای امیر مؤمنان! بر من چیزی وارد شده که شـگفت آورتر از آن را نشنیدم. سپس داستان آن زن را حکایت کرد. آن گاه امیرمؤمنان (ع) در این باره، از آن زن پرسید.

او، در پاسخ گفت: قضیه از همین قرار است.

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۵

امیر مؤمنان (ع) به او فرمود: شوهرت کیست؟

گفت: فلانی.

امام کسی را به دنبال او فرستاد و او را فراخواند و فرمود: آیا این زن را می‌شناسی؟

او گفت: بله، او همسر من است.

آن گاه از وی، درباره آن‌چه آن زن گفته بود پرسید.

مرد گفت: قضیه همین طور است.

امیرمؤمنان (ع) به وی فرمود: تو شجاع‌تر از کسی هستی که بر شیر سوار می‌شود؛ زیرا با این وضعیت به وی نزدیک می‌شوی.

آن گاه امیرمؤمنان (ع) فرمود: ای قنبر! این زن را به همراه یک زن دیگر به داخل خانه‌ای ببر تا دنده‌های او را بشمارد.

شوهر زن گفت: ای امیرمؤمنان! من نه مردی را نسبت به وی امین می‌دانم و نه زنی را.

امیرمؤمنان (ع) فرمود: دینارِ خواجه- که از صالحان کوفه و مورد اعتماد بود- را نزد من بیاورید.

آن حضـرت فرمـود: ای دینـار! بـه همراه این زن، وارد خـانه‌ای شـو و او را برهنه کن و به وی دسـتور بـده که لنگی برخـود ببنـدد و دنده‌های او را بشمار.

دینار این کار را انجام داد و شـمار دنده‌های او را در سـمت راست هفده و در سمت چپ هجده تا بود. از این روی، امیرمؤمنان (ع) لباس، کلاه و کفش مردانه بر تن او کرد و ردایی بر شانه او انداخت و او را جزء مردان به حساب آورد.

شوهر زن گفت: یا امیرمؤمنان! او دختر عمویم است و از من بچه دارد و در این حال، شما او را جزء مردان به شمار می‌آورید؟ حضرت فرمود: من درباره او حکم خدا را صادر کردم؛ زیرا خدای بزرگ حوا را از پهلوی آدم آفرید و از این روی شمار دنده‌های مردان ناقص و دنده‌های
زنان کامل است.[۱۳۵]

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۶

بررسی و تحلیل

علامه محمد باقر مجلسی در ذیل این حدیث نوشته است:
این خبر در بین عامه [/ اهل سنت] مشهور و در کتاب‌های ایشان ثبت است. از این روی، سید مرتضی، مفید و ابن ادریس، علی رغم این‌که به خبر واحد عمل نمی‌کنند، به این روایت عمل کرده‌اند.[۱۳۶] علامه حلی، سند روایت را صحیح دانسته و گفته است:
کسانی که این خبر را ضعیف دانسته‌اند، به سند آن توجه نداشته‌اند.[۱۳۷] شیخ طوسی، این روایت را درکتاب تهذیب با تفاوت در برخی الفاظ، از «میسره بن
شریح» نقل کرده است.[۱۳۸]

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۷

هم‌چنین، شیخ مفید، این روایت را در کتاب «ارشاد»، در بخش قضایای امیر مؤمنان (ع) نقل کرده است.[۱۳۹] با توجه به آن‌چه که گذشت، این روایت بین فقهای شیعه و سنّی مشهور، و حتی برخی از فقیهان براساس آن، فتوا داده‌اند، مانند: شیخ مفید وسید مرتضی و ابن ادریس حلی در سرائر،[۱۴۰] آیت‌الله محمد حسن نجفی، صاحب جواهر الکلام،[۱۴۱] امام خمینی[۱۴۲] و آیت‌الله علی مشکینی.[۱۴۳] صاحب کتاب «جواهر الکلام» از صحت مضمون روایت بشدّت دفاع می‌کند و قول کسانی که مدعی‌اند تعداد دنده‌های زن و مرد مساوی است را قاطعانه رد می‌کند.[۱۴۴] با این وجود، در مورد فرازهایی از محتوای روایت تردیدهایی بیان شده است:
الف) آیت‌الله محمد مؤمن قمی، پس از نقل روایت فوق می‌گوید:
به اعتقاد من، روایت یاد شده این معنا را در بردارد که آن شخص، هم نقش مرد و هم نقش زن را ایفا می‌کرده، با این وجود، امیرمؤمنان (ع) او را به مردان ملحق کرده است. من درباره مضمون این روایت با چندتن از پزشکان گفت‌وگو کردم، آنان گفتند: تاریخ پزشکی چنین چیزی را یاد نمی‌دهد.[۱۴۵] ب) از طرف دیگر، مسأله تفاوت دنده‌ها میان زن و مرد پذیرفتنی نیست؛ چه این که، زن و مرد در تعداد دنده‌های طرف راست و چپ تفاوتی ندارند. از این رو،

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۸

حجت‌الاسلام دکتر عبدالکریم بی‌آزارشیرازی، با تحقیقی که در این زمینه به عمل آورده‌اند، این حدیث را جعلی می‌دانند.[۱۴۶] نیز آیت‌الله سید حسن مرعشی در صحت مضمون آن تردید دارند.[۱۴۷] ج) اساساً عده‌ای از فقیهان، این روایت را ضعیف دانسته و درسند روایت اشکال می‌کنند. آیت الله میرزا حسن بجنوردی می‌گوید:
روایت ضعیف است و مشهور فقها از عمل و فتوا براساس آن روایت، اعراض کرده‌اند، ادعای اجماع، با وجود مخالفت مشهور، از

غرابت خالی نیست.[۱۴۸] محقق حلی، صاحب کتاب «شرایع الاسلام» بعد از نقل روایت فوق می گوید:
روایت ضعیف است و اجماع- ادعایی- را به دست نیاوردیم.[۱۴۹] با توجه به آن‌چه گذشت، اگر فرضاً بپذیریم که یک فرد هم نقش زن را ایفا کند و هم نقش مرد را ایفا کند، تفاوت دنده‌ها میان زن و مرد قابل پذیرش نیست، چه این که، علم پزشکی، به وضوح تساوی دنده‌ها را بیان می کند. با این حال، فرازهای آغازین روایت، که ملاک جنسیت را براساس مجرای بول بیان می کند، مورد پذیرش است؛ چون چنین مضمونی، در روایت‌های متعدد دیگر، مورد تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین، این فرد اگر از مجرای زنانه بول کند زن است، و گرنه مرد است. این مطلب، بارها از زبان حضرت امیرمؤمنان (ع) نقل شده است:
انَّ علیاً کانَ یقولُ: الخنثی یوّرث مِن حیثُ یبولُ ....[۱۵۰]
امام علی (ع) پیوسته می‌فرمود: میراث خنثی بر اساس مجرای بول تعیین می‌شود.

تغییرجنسیت، ص: ۱۰۹

مبحث پنجم: خنثی (دو جنسی) و مسأله جنس سوم

اشاره

یکی از پرسش‌های مهم این است که آیا «خنثی‌ها» یا دو جنسی‌ها، طبیعت و جنس سوم محسوب می‌شوند، یا این‌که این گروه، در واقع یا مرد هستند یا زن؟ در این باره، دو دیدگاه وجود دارد:

گفتار اول: دیدگاه مشهور

اشاره

در ابتدا نظر مشهور مبنی بر عدم وجود جنس سوم توضیح داده می‌شود و آن‌گاه ادلّه مشهور مورد بررسی قرار می گیرد:

بند اول: نظر مشهور در عدم وجود جنس سوم

از نظر، طرف داران دیدگاه فوق، انسان‌ها یا مرد هستند و یا زن، و جنس سومی در میان نیست. در مورد خنثی‌ها این مشکل وجود دارد که نمی‌دانیم که این گروه مرد هستند یا زن، ولی این جهل ما، دلیل بر وجود جنسیت سوم نیست، بلکه این افراد، در واقع، یا مرد و یا زن هستند، و از طریق برخی امارات و نشانه‌ها می‌توان جنسیت واقعی آنان را تشخیص داد، و چنان چه، از طریق این علائم، نتوان جنسیت آنان را تشخیص داد، «خنثای مشکل» هستند. با این وجود، حتی «خنثای مشکل» هم جنسیت سوم یا طبیعت ثالثه محسوب نمی‌شود.
این دیدگاه، به مشهور فقهای شیعه منسوب است.[۱۵۱] آیت‌الله محمد حسن نجفی، صاحب کتاب «جواهر الکلام» این قول را پذیرفته است. وی می گوید:
خنثی، در واقع، یا مذکر است و یا مؤنث، چون براساس آیات قرآن کریم و سنت، انسان و بلکه همه انواع حیوانات، به مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند و

واسطه [جنس سوم] وجود ندارد، به گونه‌ای که جایی برای انکار وجود ندارد.[۱۵۲]

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۰

از مجموع کلام مرحوم شیخ انصاری نیز استفاده می‌شود که از نظر ایشان، خنثی، طبیعت ثالثه نیست، بلکه یا زن و یا مرد است، ولی ما نمی‌دانیم که چیست. البته شیخ انصاری برای سخن خویش دلیلی نمی‌آورد وی می گوید:

گاه در حکم ثابت برای شخصی که مردد بین دو موضوع [مذکر و مؤنث] است، بحث و گفت‌وگو پیش می‌آید، مانند حکم خنثی، که مردد بین مذکر و مؤنث است.[۱۵۳] صاحب کتاب «بلغه الفقیه» می گوید:

اما الخنثی المشکل ..... سواء قلنا بکونها طبیعهٔ ثالثهٔ او مرددهٔ بین الطبیعتین؛[۱۵۴]

اما خنثی مشکل، خواه بگوییم که خنثی، جنس سوم است، یا این‌که وی مردد بین دو طبیعت [مذکر و مؤنث] بدانیم.

از نظر نویسنده کتاب «بلغهٔ الفقیه»، معلوم نمی‌شود که خنثی، جنس سوم است یا مردد بین زن و مرد است. نیز از نظر آیت‌الله ابوالقاسم خوئی، خنثی، یا مرد است یا زن و جنس سوم محسوب نمی‌شود. ایشان معتقد است که اگر چه در خارج، موجود یا جنسیت سومی به نام خنثی یافت می‌شود، الا این‌که قانون‌گذار الهی آن را اعتبار نکرده است و به لحاظ تعبد و شریعت اسلامی، انسان‌ها به دو قسم: مرد و زن تقسیم شده‌اند و بنابراین، خنثی‌ها تحت یکی از آن دو جنس مذکر یا مؤنث قرار می گیرند.[۱۵۵] دیدگاه فوق، آن‌قدر مشهور است که گویا به صورت یک اصل مُسلَّم فقهی در

آمده است. آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی می گوید:

از نظر فقهی، یک اصل مسلّم پذیرفته شده وجود دارد که انسان‌ها یا واقعاً مرد هستند و یا واقعاً زن، و جنس سوم وجود ندارد.[۱۵۶]

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۱

بند دوم: ادلهٔ مشهور بر عدم وجود جنس سوم

با توجه به مطالب پیش گفته، حداقل دو دلیل بر عدم وجود جنس سوم بیان شد که عبارت است از: ۱. اصل مسلم فقهی؛ ۲. ظهور آیات و روایات.

از آن جا که این «اصل فقهی» از ادله شرعی دیگر، مانند آیات و روایات استفاده شده است، بنابراین، «اصل فقهی» نمی‌تواند فی حد نفسه یک دلیل مستقل محسوب شود. هم‌چنین، آیت‌الله محمد حسن نجفی، صاحب کتاب «جواهر الکلام» به «ظهور مستفاد از کتاب و سنت» بر عدم وجود جنس سوم استناد کرده است، اما در عین حال، وی با صراحت به هیچ آیه یا روایتی اشاره نمی‌کند.[۱۵۷] با این وجود، برخی فقیهان دیگر، به آیاتی از کلام الله مجید استناد کرده که در ادامه به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود:

دلیل اول: لِلّهِ مُلکُ السّموات و الارضِ یخلُقُ ما یشاء یهَبُ لِمن یشاء اناثاً و یهَبُ لِمَن یشاءُ الذکور؛[۱۵۸]

فرمانروایی [مطلق] آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست؛ هر چه بخواهد می‌آفریند؛ به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد.

وجه استدلال: ظاهر موهوب و بخشش در آیه فوق آن است که منحصر در پسر و دختر است.[۱۵۹]

دلیل دوم: وَ انَهُ خَلَق الزوجینَ الذَکرَ و الانثی مِن نُطفَةٍ اذا تُمنی؛[۱۶۰]

و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید، از نطفه‌ای هنگامی که خارج می‌شود

(و در رحم می‌ریزد).

وجه استدلال: ظاهر مخلوق در آیه فوق آن است که مخلوق منحصر در دو نوع مذکر و مؤنث است.[۱۶۱]

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۲

رد استدلال: چنین انحصاری از آیه شریفه به دست نمی‌آید و اساساً آیه شریفه در مقام حصر مخلوقات در مذکر و مؤنث نمی‌باشد، بلکه می‌فرماید که موجود نر و ماده ازنطفه آفریده شده است.

دلیل سوم: یوصیکُمُ اللهُ فی اولادِکُم لِلذَّکَرَ مِثلُ حَظّ الانثَیین؛[۱۶۲]

خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است.

وجه استدلال: آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی در وجه استدلال آیه فوق، بر عدم وجود طبیعت ثالثه می‌گوید:

آیه شریفه، فقط به جنس پسر ودختر اشاره نموده است، اگر جنس سوم وجود داشته باشد، لازم می‌آید که خداوند یک قِسم از اولاد را مهمل و بیهوده گذاشته باشد و حکم شرعی ارثِ او را بیان نکرده باشد، و چنین امری خیلی بعید است. واژه «اولاد کم» در صدر آیه شریفه، دلالت بر این دارد که وصیت الهی درباره تمام اولاد است، نه قِسم خاصی از اولاد. همانا جمع مضاف- اضافه واژه «اولاد» به «کُم»- دلالت بر عموم دارد.[۱۶۳] رد استدلال: استدلال فوق قابل قبول نیست؛ چه این که، آیه شریفه در مقام بیان نفی جنس سوم نیست، بلکه در نظام بیان این نکته است که اگر اولاد شما مذکر و مؤنث باشد، برای مذکر، دو برابر سهم مؤنث، ارث در نظر گرفته شده است. اساساً برخی احکام شرعی ارث، با توجه به روایات اسلامی به دست می‌آید. در برخی روایات اسلامی آمده که ارثِ

خنثای مشکل، مجموع نصف ارث پسر و نصف ارث دختر است. بنابراین، عدم بیان حکم ارثِ خنثی، در آیه فوق، به معنای اهمالِ حکم شرعی در مورد خنثی نیست.

علاوه بر آیات فوق، به آیات دیگری بر عدم وجود جنس سوم استناده شده است،[۱۶۴]

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۳

که این آیات از این قرار است: زخرف (۴۳)، آیه ۱۲؛ حجرات (۴۹)، آیه ۱۳؛ نجم (۵۳)، آیه ۴۵؛ قیامت (۷۵)، آیه ۳۹؛ لیل (۹۲)، آیه ۳۹.

گفتار دوم: دیدگاه غیر مشهور

عده‌ای معتقدند که خنثی، طبیعت ثالثه است. بر این اساس، خنثی یا دو جنسی، نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن، و بعید نیست که یک انسان، مصداق حقیقی دو صفت مذکر و مؤنث باشد و در واقع، هم مذکر و هم مؤنث باشد. گاه این گروه، می‌توانند در ازدواج، هم نقش زن و هم نقش مرد را ایفا کند و به عبارت دیگر، اگر با یک مرد ازدواج کند می‌تواند به عنوان مادر، صاحب بچه گردد، و اگر با یک زن ازدواج کند، می‌تواند به عنوان پدر صاحب فرزند گردد، و حتی می‌توان فرض کرد که این شخص صاحب فرزندی گردد که پدر و مادر این طفل، همان شخص دو جنسی باشد؛ به این صورت که اسپرم تولید شده از او با اوول خودش ترکیب شود و وی صاحب بچه گردد.[۱۶۵] البته این سخن پذیرفتنی است که خنثی یا دو جنسی- که دارای آلت تناسلی زنانه و مردانه هر دو است- می‌تواند در ازدواج نقش زن یا مرد را ایفا کند، ولی از آن جا که عموم دو جنسی‌ها عقیم هستند، صاحب فرزند نمی‌شوند. بنابراین، فرض فوق که خنثی می‌تواند به عنوان «مادر» یا «پدر» صاحب فرزند گردد، تنها یک فرض عقلی

است. نیز ترکیب اسپرم یک دو جنسی با اوول خودش غیر ممکن است و کلام فوق نیز تنها یک فرض عقلی است.
برخی محققان می گویند: با چند تن از پزشکان گفت و گو کرده‌ام. آنان معتقدند
که تاریخ پزشکی سراغ ندارد که یک خنثی صاحب فرزند شده باشد.[۱۶۶] شهید آیت‌الله محمد صدر، پس از بیان دیدگاه اول- نفی جنسیت سوم- چنین می گوید:

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۴

این سخن، فاقد دلیل است؛ چون تحقیقات پزشکی نشان داده است که در بدن تمام انسان‌ها، مخلوطی از هورمون‌های مذکر و مؤنث وجود دارد. البته با این توضیح که در وجود مرد، نسبت ضعیفی از هورمون مؤنث وجود دارد، و نیز در وجود زن، درصد کمی از هورمون مرد وجود دارد. پس در بدن هر انسانی، درصدی از هورمون‌های جنس مخالف وجود دارد.
نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است چنان‌چه میزان هورمون‌های زنانه و مردانه در بدن یک شخص به اندازه پنجاه پنجاه باشد، این انسان، خنثای حقیقی است، یعنی نه مرد است و نه زن؛ پس در این حالت «جنس سوم» شکل می گیرد.
بنابراین، در تقسیم بندی خارجی یا حقیقی باید گفت: انسان‌ها یا مرد هستند یا زن، و یا نه زن و نه مرد. البته در تقسیم‌بندی شرعی یا تشریعی، یا مرد هستند و یا زن. به عبارت دیگر، از نظر شارع مقدس، خنثی به عنوان «جنسیت سوم» شناخته نشده است، بلکه چنین فردی ناچاراً یا تحت عنوان انسان‌های مذکر و یا تحت انسان‌های مؤنث قرار می گیرند.[۱۶۷] آیت‌الله شهید محمد صدر پس از نقل دیدگاه آیت‌الله خوئی- مبنی بر نفی جنسیت سوم- آن را نقد کرده و می گوید:
اساساً ما هیچ دلیلی نداریم که انسان‌ها به دو قِسم زن و مرد تقسیم می‌شوند و هیچ دلیل قطعی وجزمی بر حصر تعبدی انسان‌ها به دو قِسم

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۵

مذکر و مؤنث وجود ندارد. و نیز دلیل قطعی بر اسقاط خنثی‌ها از شمول احکام شرعی وجود ندارد.[۱۶۸]

مبحث ششم: اقسام خنثی

گفتار اول: اقسام خنثی از نظر فقه اسلامی

اشاره

در فقه، خنثی یا دو جنسی به دو قِسم کلی تقسیم می‌شود که در ذیل بیان می‌شود:

بند اول: خنثای مشکل

خنثای مشکل کسی است که از طریق امارات طبیعی یا علائم شرعی معلوم نمی‌شود که آیا زن است یا مرد. شهید ثانی در توضیح خنثای مشکل می گوید:
لانّه لا- ترجیح لذکوریته علی انوثیته و لاانوثیته علی ذکوریته؛[۱۶۹] چون در خنثای مشکل، مذکر بودن وی بر مؤنث بودن وی

ترجیح ندارد و نیز مؤنث بودن وی، بر مذکر بودن وی، ترجیحی ندارد.

آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی در تعریف خنثای مشکل می گوید:

الخنثی المشکل الذی لایحکم بأنّه رجل و کذلک لا یحکم علیه بأنّه إمرأة لفقد أمارات الطرفین أو لتعارضها؛[۱۷۰] خنثای مشکل کسی است که حکم نمی‌شود که او مرد است و نیز حکم

نمی‌شود که وی زن است، چون علائم و نشانه‌های مرد و زن در وی مفقود است، یا علائم مرد و زن در وجود وی با یکدیگر تعارض دارند.

بند دوم: خنثای غیر مشکل

و آن خنثایی است که از طریق علائم و امارات، هرچند امارات ظنی می‌توان فهمید

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۶

که به زن یا مرد ملحق است[۱۷۱]، که گاه از آن به خنثای واضح یاد می‌شود.[۱۷۲] در تعریف خنثای غیرمشکل چنین گفته شده است:

خنثای غیر مشکل عبارت از شخصی است که به وسیله امارات و قرائن- که قانون گذار الهی برای تشخیص در نظر گرفته است- حکم می‌شود که وی از گروه مردان است، یا به واسطه همین امارات و قرائن شرعی حکم می‌شود که وی زن است. پس این خنثی، خنثای مشکل نخواهد بود؛ چون اساساً به وسیلهٔ امارات و علائم، جنسیت وی قابل تشخیص خواهد بود و اشکال جنسیت برطرف خواهد شد.[۱۷۳]

بند سوم: اقسام خنثای غیر مشکل

با توجه به توضیحاتی که گذشت، خنثای غیر مشکل، دو قِسم است:

۱. خنثای مؤنث: هرگاه در خنثی، حالت زنی بر حالت مردی غالب باشد، چنین خنثایی را «خنثای مؤنث» یا «خنثای انثی» نامند. به عبارت دیگر، خنثای مؤنث آن دوجنسی است که به زن ملحق شده است. مانند: نداشتن ریش، حمل، حیض، رقت منی، برآمده نبودن استخوان حلقوم، خروج پیشاب از آلت زنی.

۲. خنثای مذکر: هر گاه در خنثی، حالت مردی بر حالت زنی غلبه داشته باشد،

چنین کسی را «خنثای مذکر» نامند. به عبارت دیگر، خنثای مذکر آن دو جنسی است که به مردان ملحق شده است.[۱۷۴] تقسیم بندی فوق، اگر چه از سوی برخی اصحاب لغت بیان شده است، ولی مورد تأیید فقیهان اسلامی نیز هست، هر چند در کلمات فقیهان اسلامی به صراحت درباره آن

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۷

توضیح داده نشده است. از نظر فقیهان اسلامی، خنثای غیر مشکل، خنثایی است که با توجه به علائم و امارات بیان شده در فقه، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می‌شود. بنابراین، از نظر آنان نیز خنثای غیر مشکل شامل دو قسم است: خنثای مؤنث و

خنثای مذکر.

گفتار دوم: اقسام خنثی (دو جنسی) از نظر پزشکی

اشاره

طبقه‌بندی استاندارد افراد هرمافرودیسم (دو جنسی) براساس شکل ظاهری غده جنسی صورت می گیرد، و بر همین اساس، اشخاص هرمافرودیت را، به سه دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند:

دسته اول– هرمافرودیسم کاذب مذکر (مردان زن نما): اعضای داخلی این افراد مردانه است؛ یعنی آن‌که این اشخاص مردانی هستند که دارای جنس ژنتیک مذکر (

xy)

بوده و دارای بیضه هستند، اما اعضای خارجی آن‌ها به صورت طبیعی مذکر نبوده، بلکه اعضای بیرونی آن‌ها زنانه و با درجات مختلف ابهام است. وضع هورمونی معمولًا مردانه بوده، ولی به علت کمی نسج بیضه تغییراتی در آن دیده می‌شود. ضمناً تست کروماتین این افراد نیز منفی است.[۱۷۵] دسته دوم– هرمافرودیسم کاذب مؤنث (زنان مردنما): اعضای داخلی این افراد زنانه است؛ یعنی آن‌که این افراد زنانی هستند که دارای جنس ژنتیک مؤنث (XX) و نیز اعضای داخلی زنانه (تخمدان) هستند، ولی دستگاه تناسلی خارجی آن‌ها، نمای زنانه

طبیعی را ندارد و اعضای خارجی مردانه یا مبهم دارند. از لحاظ هورمونی مؤنّث هستند و تست کروماتین آن‌ها مثبت است.[۱۷۶]

دسته سوم– هرمافرودیسم حقیقی: به فردی اطلاق می‌شود که دارای هر دو گناد بیضه و تخمدان بوده و هر دو آن‌ها ممکن است فعال باشند. طرز قرار گرفتن گنادها در مبتلایان، به صور مختلف گزارش شده است به طوری که ممکن است تخمدان‌ها در

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۸

یک طرف و بیضه‌ها در طرف دیگر باشد، اما در اغلب بیماران، مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان به صورت

ouotestis

در یک طرف و یا در هر دو طرف مشاهده شده است. در هر حال، وجود بیضه و تخمدان در فرد مبتلا به هرمافرودیسم حقیقی، جنسیت بینابینی را مطرح می‌کند.[۱۷۷] ممکن است خواص مردی یا زنی رجحان داشته باشد. از لحاظ وضع هورمونی اطلاعاتی در دسترس نیست و تست کروماتین در ۷۵ بیماران مثبت است (مونث).[۱۷۸]

نظریه مختار

در خاتمه می‌توان گفت که از نظر پزشکی، شخص خنثی (هرمافرودیسم) به سه گروه: هرمافرودیسم کاذب مذکر، هرمافرودیسم کاذب مؤنث و هرمافرودیسم حقیقی تقسیم بندی می‌شوند. نوع اول و دوم (هرمافرودیسم کاذب مذکر و مؤنث) حالتی است که شخص یکی از گونادهای مذکر و مؤنث را دارا است، ولی دستگاه تناسلی خارجی با گوناد موجود مغایرت داشته باشد. دستگاه تناسلی در چنین اشخاصی ممکن است کوچک یا بزرگ باشد و هرمافرودیسم حقیقی شامل آن دسته از افرادی می‌شود که هر دو

دستگاه تناسلی زنانه یا مردانه را دارا هستند.

منظور فقیهان اسلامی از «خنثی» فقط گروه سوم (هرمافرودیسم حقیقی) را شامل می‌شود؛ یعنی مشهور فقیهان، تنها کسانی را خنثی می‌دانند که هر دو آلت تناسلی زنانه

و مردانه را دارا هستند و گروه اول و دوم را از شمول تعریف خنثی خارج می‌دانند و به عبارتی عرف را ملاک تشخیص جنس مذکر و مؤنّث می‌دانند.

مبحث هفتم: معیار و مبنای تعیین جنسیت در دو جنسی‌ها (خنثی‌ها)

برای تعیین جنسیت و رفع ابهام جنسی در مورد دو جنسی‌ها، ملاک‌ها و معیارهای گوناگونی از سوی پزشکان پیشنهاد شده است، که برخی از آن‌ها از این قرار است:

تغییرجنسیت، ص: ۱۱۹

۱. وضعیت کروموزومی شخص؛

۲. میزان هورمون‌های مردانه یا زنانه؛

۳. عامل روانی و روحی؛

۴. اندام‌های تناسلی.

آن‌چه در فقه اسلامی مطرح شده و مورد اتفاق و اجماع فقیهان است، ملاک اخیر است، و اساساً جنسیت براساس اندام تناسلی است. از این رو، علایمی که برای خنثی مطرح شده است، بیش‌تر به آلت تناسلی مربوط می‌شود. برای مثال، اگر فرد واجد هر دو آلت تناسلی است و تنها از یکی از آن‌ها ادار می‌کند، همان ملاک تعیین جنسیت است. پس اگر از آلت تناسلی مردانه ادرار دفع می‌شود، مرد تلقی می‌شود و احکام مرد بر وی بار می‌شود، و اگر از آلت تناسلی زنانه، ادرار دفع می‌شود، حکم زن را دارد. البته ملاک روحی- روانی ممکن است به عنوان عامل ثانوی مورد توجه قرار گیرد.[۱۷۹] وضعیت کروموزومی به عنوان عاملی برای تعیین جنسیت مردانگی یا زنانگی، مورد تسالم نیست، و برخی گزارش‌های متناقض هم وجود دارد. از این رو، پزشکان گاه به معیار یا علایم روحی- روانی، و بعضی با تأکید بر اندام‌های تناسلی، جنسیت مذکر یا مؤنث بودن را معین می‌سازند.[۱۸۰] در فقه اسلامی، راه حل‌های گوناگونی در چگونگی تشخیص جنسیت خنثی بیان

شده است که به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود:

۱. ملاک ادار: اگر خنثی، از یکی از دو آلت تناسلی مردانه یا زنانه، بول کند، به همان جنس ملحق است. پس اگر از آلت تناسلی مردانه بول کند، مرد است، و اگر از آلت تناسلی زنانه، بول کند، به زنان ملحق است.

۲. سبقت بول از مجرای زنانه یا مردانه: گاه فرد خنثی از هر دو آلت، بول

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۰

می‌کند. در این حالت، ملاک جنسیت، سبقت بول از مجرای زنانه یا مردانه است. به عبارت دیگر، اگر از مجرای مردانه، زودتر بول کند، به مردان ملحق است، و الا به گروه زنان ملحق است.

۳. تأخیر قطع ادرار بول از مجرای زنانه یا مردانه: چنان چه، فرد خنثی از هر دو مجرای مردانه و زنانه، هم زمان شروع به ادار می‌کند، در این حالت، ملاک اخیر مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، از هر کدام از دو مجرای زنانه یامردانه، بول دیرتر

قطع شـود، به همـان جنس ملحق می‌شـود. پس اگر ادرار، دیرتر از مجرای مردانه قطع شود، به مردان ملحق است، و اگر از مجرای زنانه، ادرار دیرتر قطع شود، پس به زنان ملحق است.

۴. شـمارش دنـده‌های کمر: اگر راه‌هـای پیش گفته، نتیجه ندهـد، به اعتقـاد برخی فقیهان، ملاک و مبنای تعیین جنسـیت، شـمارش دنده‌های کمر است. پس اگر شـمار دنده‌های طرف راست و چپ، مساوی باشد، زن است، و اگر متفاوت باشد، مرد است.[۱۸۱] ۵. راه حل نهایی: چنان چه، راه‌های پیش گفته نتیجه ندهد، فرد دو جنسی به عنوان «خنثای مشکل» شناخته می‌شود. وی باید در مسائل شرعی، رعایت احتیاط نماید، که توضیح بیش‌تر در آینده خواهد آمد.

سید مرتضی علم الهدی می گوید:

میراث خنثـای مشـکل را از نحوه ادرار کردن او تعیین می کنیم. بـدین صورت که اگر ادرار از آلت مردانه خـارج شود، خنـثی، ارث یک مرد را می‌برد و اگر

ادرار از آلت زنـانه خنثی خـارج شود، ارث یـک زن نصیب خنثی می‌شود. حـال اگر ادرار از هر دو آلت خنثی خارج شـد بررسـی می کنیم تا مشـخص شود که ادرار از کـدام آلت بیش‌تر خارج می‌شود پس بدان عمل می کنیم و اگر از هر دو آلت ادرار به تساوی خارج شود، تعداد اضلاع ملاک اعتبار است. پس اگر اضلاع برابر بود میراث زنان، اگر نابرابر بود میراث مردان را می‌برد.[۱۸۲]

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۱

امام خمینی بر این عقیده است که:

اگر کسـی از ورثه میت، خنثی باشد؛ یعنی هم عورت خاص مردان را داشته باشد و هم عورت خاص زنان، در صورتی که تشخیص و تعیین مرد بودن یا زن بودن او ممکن باشـد و از نظر مرجحاتی که شارع معین فرموده یکی از دو طرف احتمال رجحان یابد، چنین خنثایی غیر مشـکل است و بر طبق مرجحات و معیارهای شـرعی عمل می‌شود و در غیر این صورت، خنثای مشـکل است. مرجحاتی که شارع آن‌ها را معتبر دانسته چند چیز است:

اول، این‌که دائماً و یا غالباً از یکی از آن دو مجرا بول کنـد، به طوری که بیرون آمـدن بول از آن مجرای دیگر، نادر شـمرده شود و اگر خروجش ازآن دیگری نادر نباشـد محل اشکال است. پس ارث خنثی مطابق تشـخیص است که از طریق بول کردن یکی از دو مجرا به دست می‌آیـد: اگر از عورت مردانه‌اش بول می‌کنـد، ارث مردان را می‌برد، و اگر از عورت زنانه‌اش بول کند، ارث زنان را می‌برد.

دوم، این‌که اگر از هر دو مجرا بول کنـد، بایـد ببیننـد دائماً یا غالباً از کـدام مجرا زودتر بول می‌آیـد، به طوری که اگر یک نوبت از دیگری زودتر خارج شود، نادر شـمرده می‌شود. بنابراین، اگر بول او غالباً از مجرای مردانه‌اش زودتر بیرون می‌آیـد، او مرد است، و اگر از مجرای زنانه‌اش زودتر بیرون می‌آید، او زن است.

سوم، این‌که ببیننـد دیرتر قطع شـدن بول از کدام مجرا است. اگر در خنثایی هیچ یک از مرجح قبلی وجود نداشت؛ اگر دائماً یا غالباً از یکی از دو مجرا دیرتر قطع می‌شود، طبق همان مجرا ارث می‌برد، ولی در مرجح بودن این

معیار اشکال است.

چهارم، شـمردن دنـده‌های خنثی است: اگر شـماره دنـده‌های راسـتش بیش‌تر از دنده‌های چپش باشد، او مرد است، و اگر در هر دو طرف برابر باشد او زن است.

پنجم، اگر علامت‌هـایی که در شـرع وارد شـده در مورد خنثـایی وجود نـداشت: اگر چنـان‌چه از نشانه‌هـای مخصوص زنـان، مـانند حیض دیدن همان طور که زنان می‌بینند و یا از نشانه‌های مردان، مانند روئیدن محاسن بر صورت در آن خنثی وجود داشته باشد؛ به

طوری که اطمینان بیاورد، به حَسَب همان نشانه‌ها

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۲

عمل می‌شود، و گرنه خنثای مشکل است؛ یعنی خنثای مشکل هیچ یک از مرجحات منصوصه و علامت اطمینان آور در او نیست.[۱۸۳]

به منظور توضیح بیشتر چند تذکر داده می‌شود:

تذکر ۱. لزوم تکرار آزمایش: اختبار و آزمایش در مورد خنثی یا دو جنسی، به یک بار کافی نیست، بلکه ملاک حصول یقین یا لااقل ظن غالب است. از این رو، برخی فقیهان اسلامی بر تکرار آزمایش- دو یا چندین مرتبه- تأکید دارند، تا ظن غالب بر مرد بودن یا زن بودن خنثی حاصل شود.[۱۸۴] تذکر ۲. الحاق خنثی به گروه زنان: به اعتقاد برخی فقیهان اهل سنت، خنثی‌ها، اساساً زن حساب می‌شوند. سرخسی می گوید: «فعلی قولنا الخناثی اناث»؛[۱۸۵] براساس قول و نظر ما، خنثی‌ها، زن هستند. ولی آیت‌الله محمد حسن نجفی، از فقیهان بزرگ شیعه، معتقد است: تنها خنثای مشکل، به گروه زنان ملحق است.[۱۸۶] تذکر ۳. اتفاق فقیهان شیعه در علائم تشخیص جنسیت خنثی: راه‌های ترتیبی فوق، مورد اتفاق و اجماع فقیهان شیعه است و چنین راه حل‌هایی از فقیهان اهل سنت، مورد توجه چندانی واقع نشده است. سید مرتضی علم الهدی می گوید:

و نیافتم کسی از علمای اهل سنت که در مورد خنثی، آن امور ترتیبی که ما در خنثی ذکر کردیم، معتبر دانسته باشد، بلکه بزرگان اهل سنت بر خلاف آن، اتفاق پیدا کرده‌اند. در مورد فردی که فاقد هم آلت تناسلی مردانه و هم آلت تناسلی زنانه است، علمای امامیه براساس قرعه، اتفاق نظر دارند، در حالی که در این مسأله از علمای اهل سنت قولی نیافتم.[۱۸۷]

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۳

صاحب کتاب «الاعلام بما اتفقت علیه الامامیهٔ من الاحکام» در مورد اتفاق فقیهان شیعه در علائم تشخیص جنسیت خنثی، چنین می گوید:

فقهای شیعه امامیه در مورد ارث خنثی (دو جنسی) بر اساس مجرای ادرار اتفاق نظر دارند: پس اگر فقط از مجرای مردانه، خروج بول صورت پذیرد، ارث مرد را می‌برد، و اگر فقط از مجرای زنانه خروج بول صورت پذیرد، ارث زن را می‌برد، و اگر از هر دو مجرای زنانه و مردانه بول می کند، پس ملاحظه این نکته می‌شود که از کدام مجرا بیش‌تر بول می کند، پس براساس همان [مجرای مردانه یا زنانه] ارث می‌برد. اگر خروج بول از هر دو مجرا به گونه مساوی باشد، دنده‌های کمر او شمارش می‌شود؛ پس اگر تعداد دنده‌های سمت چپ و راست مساوی باشد، ارث زن را می‌برد، و اگر تعداد دنده‌های سمت چپ وراست مختلف باشد، ارث مرد را می‌برد.[۱۸۸] تذکر ۴. حل مشکل تعیین جنسیت به وسیله امارات و علایم شرعی: با توجه به اماره‌ها و نشانه‌هایی که از طریق روایات اسلامی برای شناخت خنثای مشکل و رفع تحیر بیان شده است، مشکل خنثای مشکل از جهت انجام وظایف شرعی حل می‌شود.

این گونه نیست که هیچ کدام از این اماره‌ها و نشانه‌ها در شخص خنثای مشکل وجود نداشته باشد.[۱۸۹] درهر حال، در موارد نادر و هنگامی که با این روش‌های بیان شده، مشکل جنسیت دو جنسی حل نشود، این فرد، به عنوان «خنثای مشکل» یا «دو جنسی کامل» بوده و بایستی بر اساس احتیاطهای شرعی عمل کند.

تذکر ۵. ترتیبی بودن امارات و نشانه‌ها: امارات و نشانه‌هایی که در مورد تعیین جنسیت افراد خنثی و رفع ابهام جنسی آنان بیان شده است، به صورت ترتیبی است.

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۴

یعنی تا هنگامی که اولین نشانه وجود نداشته باشد، نوبت به نشانه و اماره دوم می‌رسد. بنابراین، روش‌های بیان شده در طول یکدیگرند و نه در عرض هم. از این رو، هیچ‌گاه بین آن‌ها تعارض به وجود نمی‌آید. ظاهر روایات اسلامی نیز، بر ترتیبی بودن امارات و علایم می‌باشد.[۱۹۰]

تذکر ۶. جایگاه فقه و پزشکی در تعیین جنسیت خنثی (دو جنسی): یکی از پرسش‌های مطرح این است که آیا دانش فقه یا دانش پزشکی، کدام یک باید جنسیت مشکوک فرد خنثی را مشخص کند. همان طور که پیش‌تر بیان شد امروزه برای تعیین جنسیت، ملاک‌ها و معیارهای گوناگونی مطرح می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت است از: تعیین جنسیت براساس کروموزوم؛ تعیین جنسیت براساس تمایلات روحی و روانی فرد، و تعیین جنسیت براساس اندام تناسلی ظاهری.

از آن‌جایی که مورد اول و دوم میان پزشکان مورد اختلاف و گفت و گو است و نظر واحدی در این باره وجود ندارد، تعیین جنسیت براساس ملاک اندام تناسلی، طرفدار بیش‌تری دارد و همین مبنا و معیار، از نظر فقه مورد پذیرش واقع شده است. از نظر فقیهان اسلامی، کسی که دارای اندام تناسلی مردانه است، مرد است و اگر دارای اندام تناسلی زنانه است زن می‌باشد، و اگر از هر دو آلت را داشت، خنثی است.

البته نظر فقها در این باره، همان نظر عرف بوده است. هر کس از نظر عرف، مرد

شناخته می‌شده، مرد است، و هر کس عرفاً زن تشخیص داده شده، از نظر فقهی نیز زن است و در مواردی که مشتبه بوده، خنثی می‌نامیده‌اند.[۱۹۱] اگر در گذشته به عرف مراجعه می‌شده است، از این جهت بوده که به نظر نمی‌رسیده که مرد بودن یا زن بودن امری پیچیده باشد و با توجه به همین آلت تناسلی ظاهری جنسیت را تعیین می‌کرده اند. اکنون می‌توان با توجه به تحولات عظیم علمی و پیشرفت دانش پزشکی از این

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۵

تخصص در تشخیص جنسیت استفاده کرد و اساساً مغایرتی با فقه هم ندارد، بلکه در تعیین جنسیت کمک بسزایی می‌کند. به عبارت دیگر، در تشخیص وضعیت بدنی و اندام‌های تناسلی، تشخیص طب و متخصصان فن کار ساز است.

نتیجه آن‌که اگر این علایم از نظر علمی مسلم باشد و مرد بودن و زن بودن مشخص باشد، حکم مرد یا زن بودن بر او بار خواهد شد، ولی اگر از نظر علمی مشکوک است، از نظر فقهی می‌بایست به احکام خنثای مشکل عمل کند.

تذکر ۷. ملاک احتلام یا حیض: در برخی روایات اسلامی، ملاک احتلام یا حیض به عنوان مبنایی برای تعیین جنسیت در مورد افراد خنثی مطرح شده است؛ پس اگر خنثی محتلم گردد، پسر است و اگر حیض شود، زن است.

عن الحسن بن علی (ع) انّه سئل عن المؤبت فقال: هو الذی لایدری ذکر هو او أنثی فانّه ینتظر به فان کان ذکراً احتلم، و ان کان انثی حاضت و بدا ثدیها ...؛[۱۹۲] از امام حسن (ع) درباره «مؤبت» پرسش شد. آن حضرت فرمود: مؤبت، کسی است که مرد بودن یا زن بودن او دانسته نشده است؛ پس منتظر می‌مانیم: اگر مرد باشد محتلم می‌شود، و اگر زن باشد حیض می‌گردد و دو پستانش ظاهر می‌گردد.

مبحث هشتم: تعیین جنسیت خنثی از دیدگاه روایات اسلامی

پیش‌تر به دیدگاه فقیهان اسلامی درباره تعیین جنسیت افراد خنثی یا دو جنسی‌ها اشاره شد. نظر فقها براساس روایات اسلامی است، که از باب نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. عن أبی عبدالله (ع) قال: سئل عن مولود ولد، له قُبُل و ذکر کیف یورث؟ قال: إن کان یبول من ذکره فله میراث الذکر، و إن کان یبول من القُبُل فله میراث الانثی؛[۱۹۳]

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۶

از امام صادق (ع) پرسیدند که اگر کودکی به دنیا آید که هم آلت مردانه دارد و هم آلت زنانه، چگونه ارث می‌برد؟ امام صادق (ع) فرمود: اگر از مجرای مردانه بول می‌کند، برای او ارث مرد است، و اگر از مجرای زنانه بول می‌کند، پس برای او ارث زن است.

۲. عن أبی‌عبدالله (ع) قال: کان امیرالمؤمنین (ع) یورث الخنثی من حیث یبول؛[۱۹۴]

از امام صادق (ع) نقل شده است که پیوسته حضرت امیرالمؤمنین (ع) ارث خنثی را براساس مجرای بول تعیین می‌فرمود.

۳. عن أبی‌عبدالله (ع) فی المولود له ما للرجال و له ما للنساء یبول منهما جمیعاً قال: من أیهما سبق، قیل: فإن خرج منهما جمیعاً قال: فمن أیهما استدّر، قیل: فإن استدرّا جمیعاً قال: فمن أبعدهما؛[۱۹۵]

از امام صادق (ع) در مورد بچه به دنیا آمده‌ای سؤال شد که وی دارای آلت تناسلی مردانه و زنانه هر دو است و از هر دو مجرا بول می‌کند. امام فرمود: [ملاک جنسیت وی] براساس مجرایی خواهد بود که بول زودتر از آن مجرا خارج می‌شود.

سؤال شد: اگر بول از هردو [همزمان] خارج شود، فرمود: ملاک مجرایی خواهد بود که از آن بول بیش‌تر خارج شود. سؤال شد: اگر بول از هر دو مجرا زیاد

خارج شود، فرمود: ملاک مجرایی خواهد بود که بول از آن دیرتر قطع می‌شود.

۴. عن أبی عبدالله (ع) قال: قلت له: المولود یولد، له ما للرجال و له ما للنساء، قال: یورث من حیث یبول من حیث سبق بوله فإن خرج منهما سواء فمن حیث ینبعث، فإن کانا سواء ورث میراث الرجال و میراث النساء؛[۱۹۶]

از امام صادق (ع) در مورد بچه به دنیا آمده‌ای سؤال شد که وی دارای آلت تناسلی مردانه و زنانه هر دو است، [و از هر دو مجرا بول می‌کند]؟

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۷

امام فرمود: ارث وی براساس مجرای بول خواهد بود که بول زودتر از آن خارج می‌شود. پس اگر بول از هر دو مجرا همزمان خارج می‌شود، ملاک مجرای بولی خواهد بود که دیرتر قطع می‌شود، و اگر قطع بول از هر دو مجرا همزمان باشد، [وی خنثای مشکل یا دو جنسی کامل خواهد بود و] ارث وی مجموع نصف ارث مرد و ارث زن خواهد بود.

مبحث نهم: احکام ویژه خنثای مشکل (دو جنسی کامل)

به طور کلی، خنثای مشکل یا دو جنسی کامل باید رعایت احتیاط شرعی بنمایند؛ چه این‌که این عده با توجه به علائم و امارات شرعی پیش گفته، معلوم نشده‌اند که مرد هستند یا زن. البته رعایت احتیاطهای شرعی، تا جایی است که امکان داشته و انجام آن موجب عُسر و حرج نباشد. براساس قانون احتیاط، وی باید میان واجبات مرد و زن جمع کند. به عبارت دیگر، هم اموری را که بر مرد واجب است انجام دهد و هم اموری که بر زن واجب است انجام دهد، و نیز اموری که بر مرد و زن حرام است ترک نماید.[۱۹۷] برخی مصادیق احتیاطهای شرعی از این قرار است:

الف. حرمت پوشیدن حریر خالص و حرمت استفاده از طلای زرد: برای مردان، استفاده از طلای زرد و لباس حریر خالص حرام

است. از آن جایی که احتمال

می‌رود خنثای مشکل، در واقع مرد باشد، پس باید از این امور اجتناب کند.[۱۹۸] ب. بطلان نماز در صورت استفاده از طلا و حریر خالص: توضیح آن‌که مردان چنان‌چه هنگام نماز خواندن از طلا و حریر خالص استفاده کنند، نماز باطل است. از آن جایی که خنثای مشکل ممکن است در واقع امر مرد باشد، پس نباید هنگام نماز از حریر خالص و طلای زرد استفاده کند.[۱۹۹] ج. لزوم پوشش کامل: از آن جایی که ممکن است خنثای مشکل یا دو جنسی

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۸

کامل، در واقع زن باشد، پس باید همانند زنان پوشش کامل را- مگر صورت و دو دست تا مچ- رعایت کند. همچنین لازم است هنگام قرائت نماز، پوشش متناسب را رعایت کند.[۲۰۰] د. ممنوعیت امامت جماعت برای مردان: از آن جایی که احتمال می‌رود خنثای مشکل در واقع زن باشد، پس مانند زنان نمی‌تواند برای مردان به عنوان امام جماعت، اقامه نماز نماید.[۲۰۱] ه. ممنوعیت استفاده از لباس دوخته در حال احرام: وی موظف است، در هنگام احرام حج یا عمره، از پوشیدن لباس دوخته خودداری کند.[۲۰۲] چون احتمال است وی در واقع مرد باشد و مردها برخلاف زنان، نباید در حال احرام لباس دوخته بپوشند.

و. تشخیص بلوغ از طریق سن: یکی از راه‌های شناخت بلوغ، ملاک سن است. چنان‌چه راه شناخت بلوغ خنثای مشکل، براساس ملاک سن باشد، راه احتیاط آن است که حداقل سن بلوغ که ۹ سال است معیار قرار گیرد. پس خنثای مشکل چنان‌چه به سن ۹ سالگی برسد، بلوغ شرعی پیدا کرده و باید وظایف شرعی خویش را، مانند: نماز،

روزه، حجاب و .... انجام دهد.[۲۰۳] ز. حرمت نگاه کردن خنثای مشکل: خنثای مشکل براساس احتیاط شرعی، نباید به بدن مرد یا زن نامحرم نگاه کند؛ چون احتمال دارد که نظر به جنس مخالف باشد.[۲۰۴] ح. حرمت ازدواج خنثای مشکل: از آن‌جایی که معلوم نیست خنثای مشکل مرد است یا زن، پس نمی‌تواند با مرد یا زن ازدواج کند؛[۲۰۵] چون اگر با مرد ازدواج کند، احتمالًا با هم جنس خویش ازدواج کرده است، و همین‌طور اگر با زن ازدواج کند، ممکن است با هم جنس خویش وصلت کرده باشد.

تغییرجنسیت، ص: ۱۲۹

ط. ارث: میزان ارث خنثای مشکل، مجموع نصف ارث مرد و نصف ارث زن است.[۲۰۶]

ی. قرائت نماز: در مورد جهر یا اخفات قرائت نماز، یعنی آیا حمد و سوره را در نماز صبح، مغرب و عشا، همانند مردان بلند بخواند، یا مانند زنان آهسته قرائت کند، برای خنثای مشکل، تخییر وجود دارد. وی می‌تواند به میل خود آهسته یا بلند بخواند. دلیل این امر آن است که راهی برای احتیاط وجود ندارد.[۲۰۷] ک. جواز نظر مرد یا زن به خنثای مشکل: از آن جایی که خنثای مشکل، احتمالًا در واقع مرد است، پس مردها می‌توانند به وی نگاه کنند، و از آن جایی که ممکن است در واقع زن باشد، پس زن‌ها می‌توانند به وی نگاه کنند.[۲۰۸] البته قول مخالف نیز وجود دارد و آن این‌که از باب احتیاط، مردها و زن‌ها نباید به خنثای مشکل نگاه کنند؛ چون ممکن است از جنس مخالف آنان باشد.[۲۰۹] تذکر مهم: فقیهان اسلامی در بیان وظایف شرعی خنثای مشکل، به لزوم احتیاط معتقد شده‌اند. بر این اساس، خنثای مشکل (دو جنسی کامل) هم باید واجبات مردان و

هم واجبات زنان را انجام دهد و نیز باید از اموری که برای مردان و زنان وجود دارد اجتناب کند. همه این احکام و تکالیف شرعی، براساس تقسیم شرعی انسان‌ها، به زن و مرد است. به اعتقاد مشهور فقیهان اسلامی، انسان‌ها یا مرد هستند یا زن. از این رو، انجام احتیاطهای شرعی که در بالا بیان شد، برای خنثای مشکل، لازم و ضروری است.

اما چنان‌چه معتقد شویم که اساساً برای تقسیم فوق، هیچ دلیل یا مدرکی وجود ندارد، در بسیاری از احکام و تکالیف شرعی برای

خنثای مشکل، می‌توان به برائت شرعی معتقد شد، البته مادامی که با علم اجمالی منجز در تعارض نباشد.[۲۱۰]

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۱

فصل ششم تغییر جنسیت از نظر حقوق ایران

اشاره

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید تمام قوانین ایران مطابق با موازین اسلامی باشد. اصل چهارم قانون اساسی در این باره می گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

هم‌چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل یکصد و شصت و هفتم درباره وظیفه قاضی می گوید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

بنابراین، «حقوق ایران» با «فقه اسلامی» پیوند خورده است و فقه اسلامی منبع بسیار مهمی برای قوانین جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. قواعد و مقررات مربوط به تغییر جنسیت، نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. مراحل تکوین این مقررات از قرار زیر است:

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۲

مرحله اول: نگارش تحریر الوسیله و بیان مسأله تغییر جنسیت

مرحله دوم: استفتای جدید از امام خمینی (ره)

مرحله سوم: قواعد و مقررات پزشکی قانونی

مرحله چهارم: رأی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

مرحله پنجم: صدور شناسنامه جدید پس از تغییر جنسیت

مرحله ششم: دیدگاه فقها و مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت

اینک در ذیل، هر یک از مراحل پنج گانه فوق را توضیح می‌دهیم:

مبحث اول: نگارش کتاب تحریر الوسیله و بیان مسأله تغییر جنسیت

گفتار اول: بیان اهمیت مسأله

این مرحله متأسفانه از سوی عده‌ای از نویسندگان و اصحاب جراید مورد غفلت قرار گرفته است. هر گاه از تاریخچه تغییر جنسیت در ایران سخن به میان می‌آید، به فتوای امام خمینی (ره) که در سال ۱۳۶۴ ش. صادر شده است، به عنوان «سرآغاز تغییر جنسیت» در ایران اشاره می‌شود؛ در حالی که ۲۲ سال قبل از این تاریخ، امام خمینی با صراحت تمام، مسأله عدم حرمت تغییر جنسیت و برخی مسایل دیگر را مطرح نموده بودند.

توضیح آن‌که مرحوم امام خمینی در سال ۱۳۴۳ ش. از سوی شاه ایران و در پی حوادث خونین پانزده خرداد و آغاز نهضت اسلامی، از قم به ترکیه تبعید شدند. در مدت اقامت ایشان در شهر «بورسا»- یکی از شهرهای ترکیه- کتابی به نام تحریر الوسیله، و در دو جلد به نگارش در آوردند که در اواخر جلد دوم، حدود ده مسأله مهم در باب مباحث فقهی تغییر جنسیت مطرح کرده‌اند. این کتاب، چهار سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۷ ش. در نجف اشرف به چاپ رسید. به نظر نگارنده، دیدگاه امام خمینی در این کتاب، سرآغاز مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در جهان است و با جرأت می‌توان گفت: قبل از ایشان، هیچ فقیه یا دانشمندی این مباحث را مطرح نکرده است. دیدگاه امام خمینی در تحریر الوسیله مهم‌ترین منبع فقهی برای تبیین جایگاه حقوقی

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۳

تغییر جنسیت در بعد از انقلاب اسلامی ایران است. در ادامه، ترجمه دیدگاه امام خمینی را در باب تغییر جنسیت می‌آوریم:

گفتار دوم: دیدگاه امام خمینی درباره تغییر جنسیت

بند اول: جواز تغییر جنسیت

تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست.

بند دوم: تبدیل جنس واقعی

آیا اگر زنی در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان یا برخی از آثاری مردی ببیند، یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، واجب است تغییر جنسیت دهد یا خیر؟
چنان‌چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی می‌تواند جنس خود را تغییر دهد و تبدیل به جنس مخالف واقعی خود بشود، واجب نیست.

بند سوم: تبدیل جنس واقعی

چنان‌چه شخصی قبل از عمل جراحی، در جنس مخالف قرار دارد و عمل جراحی جنسیت وی را تغییر نمی‌دهد، بلکه آن‌چه را پنهان است آشکار می‌سازد، در این صورت، بدون شبهه واجب است آثار جنس واقعی را رعایت کند، و ترتیب آثار جنس ظاهری حرام است. بنابراین، اگر بداند که در واقع مرد است، آن‌چه بر مردان واجب است بر وی واجب و آن‌چه بر مردان حرام است بر وی حرام می‌باشد. و اما تغییر شکل و کشف آن‌چه پنهان است، واجب نیست، مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی یا پاره‌ای از آن نیاز به عمل جراحی داشته و احتراز از محرمات الهی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت، تغییر شکل با عمل جراحی واجب می‌شود.

بند چهارم: تغییر جنسیت پس از ازدواج

اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر، باید تمام

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۴

مهریه زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش، سقوط نصف مهر مشکل، وقول به پرداخت تمام مهریه بهتر است.

هم‌چنین اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر، باطل می‌شود و در صورت آمیزش، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنا به اقوی باید بپردازد.

بند پنجم: تغییر جنسیت زن و شوهر با هم

اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند؛ به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود، اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشد. حکم آن مانند سابق است. اما اگر هر دو با هم تغییر جنسیت دهند، احوط این است که مجدداً ازدواج کنند، و زن با دیگری ازدواج نکند مگر این‌که با اجازه هر دو طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آن‌ها هم چنان برقرار باشد.

بند ششم: سقوط عِدّه

اگر زنی در زمان عِدّه، تغییر جنسیت دهد، عدّه‌اش ساقط می‌شود حتی عِدّه وفات.

بند هفتم: تغییر عناوین

اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد و به جنس مخالف در آید، نسبت به آن دو به یکدیگر قطع نمی‌شود، بلکه برادر، خواهر می‌شود و خواهر، برادر، و نیز اگر هر دو برادر با دو خواهر تغییر جنسیت دهند. و اگر عمویی تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمّه و اگر عمه‌ای تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمو می‌شوند. هم‌چنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می گردند.

بند هشتم: ارث

اگر یکی از کسان پسر و دختری که تغییر جنسیت یافته است بمیرد، پسر فعلی دو برابر دختر فعلی ارث می‌برد. هم‌چنین در سایر طبقات ارث. لکن اشکال باقی می‌ماند در ارث پدر و مادر و جدّ و جدّه که اگر پدر تغییر جنسیت دهد، نه پدر فعلی محسوب

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۵

می‌شود و نه مادر فعلی. و نیز اگر مادر تغییر جنسیت دهد، مرد فعلی، نه مادر است و نه پدر. در این صورت، آیا از نظر تولید، ارث می‌برند یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا این‌که ارث نمی‌برند؟ در این مسأله تردید وجود دارد و بهتر این است که بگوییم ارث می‌برند و ارث آن‌ها به لحاظ حال انعقاد نطفه است.

بنابراین، برای پدر در حال انعقاد نطفه و برای مادر می‌باشد و احوط این است که با هم مصالحه کنند.

بند نهم: مَحرمیت

اگر مادر تغییر جنسیت دهد آیا بعد از مرد شدن، مانند پدر، کسانی که بر پسرش حلالند، بر وی محرمند یا نه؟ بعید نیست که محرم باشند، البته با اشکال.

اگر جنسیت پدر تغییر یابد، آیا اکنون که زن شده به پسرش محرم است، هر چند که مادر وی محسوب نمی‌شود؟ ظاهر این است که نسبت به وی محرم است.

اگر عروس (همسر پسر) تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا به مادر شوهر سابقش محرم است؟ بعید نیست که محرم باشد، البته با اشکال.

بند دهم: نسبت به نزدیکان رضاعی

آن چه در نزدیکان نسبی گفته شد، در نزدیکان رضاعی مانند پدر، مادر، برادر، خواهر و .... رضاعی نیز جریان دارد.

بند یازدهم: کشف جنس واقعی

آن چه ذکر شد در مواردی است که تغییر جنسیت واقعی شخص باشد؛ اما اگر عمل جراحی کاشف از واقعیت پنهانی بوده و کسی که بعد از عمل، مرد شده از اول مرد بوده است، با این عمل کشف می‌شود که آن‌چه بر مرد یا زن صوری مترتب شده، بر خلاف واقع بوده است و در این صورت، مسایل دیگری پیش خواهد آمد.[۲۱۱]

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۶

مبحث دوم: استفتای جدید از امام خمینی درباره تغییر جنسیت[۲۱۲]

اشاره

تغییرجنسیت ؛ ص۱۳۶

گفتار اول: شرح ماجرا

فردی به نام فریدون که بعداً با تغییر جنسیت، نام «مریم خاتون ملک آرا» را برگزید، قدم‌های مفیدی در این زمینه برداشته است. وی در سال ۱۳۵۶ ش. و یک سال قبل از انقلاب اسلامی ایران، نامه‌ای به امام خمینی نوشته و وضعیت بیماری خویش را برای ایشان شرح داد. درسال ۱۳۵۷ ش. به پاریس رفته و از نزدیک با امام خمینی ملاقات کرده و خواهان دریافت مجوّز شرعی برای تغییر جنسیت شد، اما به دلیل شرایط حاد انقلاب اسلامی، قضیه مسکوت ماند. بعد از انقلاب اسلامی، و از طریق برخی مسؤولین عالی

رتبه نظام، به محضر امام خمینی رسیده و بار دیگر شرح ماجرای خود را بیان داشت. امام خمینی با تغییر جنسیت او موافقت نمود و دفتر امام خمینی در سال ۱۳۶۴ ش. این استفتا را صادر کرد. در ملاقاتی که با ایشان داشتم، استفتای زیر را در اختیار این جانب قرار داد.

گفتار دوم: فتوای امام خمینی در جواز تغییر جنسیت

بسمه تعالی

تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و کسانی که شما ذکر کرده‌اید امید است مراعات حال شما را بکنند. دفتر امام خمینی

بخش استفتاء

و معلوم باشد که رفع اشکال در خنثی به یکی از امور زیر می‌شود:

۱. اگر دائماً یا غالباً از مجرای مرد بول می‌کند مرد است و اگر دائماً یا غالباً از مجرای زن بول می‌کند زن است.

۲. اگر از هر دو مجرا بول می‌کند، چنان‌چه در وقت بول کردن از مجرای مرد زودتر بول خارج می‌شود مرد است و اگر از مجرای زن زودتر خارج می‌شود زن است.

۳. چنان‌چه دنده‌های طرف راست بیش‌تر از دنده‌های طرف چپ باشد مرد

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۷

است، و گرنه زن است، و در صورتی که با این علائم نتواند تشخیص دهد، چنان‌چه از علائم دیگر مثل خون دیدن مانند زنان یا روئیدن ریش یا چیزهای دیگر اطمینان پیدا کند که زن یا مرد است باز حل مشکل می‌شود، و در غیر این صورت، خنثای مشکل است که اگر تکالیفی در محل ابتلای او است که یقین دارد یکی از آن‌ها را باید عمل کند، لازم است احتیاط را مراعات نماید.

دفتر امام خمینی

بخش استفتاء

مبحث سوم: مقررات پزشکی قانونی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران

بعد از فتوای امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۴ ش. مبنی بر جواز تغییر جنسیت، بتدریج عمل‌های تغییر جنسیت و با مجوزهای قانونی انجام شد. خلاصه مقررات از این قرار است که افرادی که دچار اختلال هویت جنسی (تراجنسیتی) هستند، به پزشکی قانونی مراجعه کرده و پس از چندین جلسه مشاوره، تست و آزمایش، چنان‌چه بیماری اختلال جنسی آنان تأیید و احراز شد، نامه‌ای خطاب به دادگستری صادر می‌شود. دادگستری به استناد نامه پزشکی قانونی، مجوز تغییر جنسیت را صادر می‌کند و پزشک جراح، به استناد نامه دادگستری، عمل جراحی تغییر جنسیت را انجام می‌دهد. پروفسور بهرام میرجلالی، جراح تغییر جنسیت، درباره مراحل قانونی انجام این نوع عمل جراحی چنین می‌گوید:

«در صورتی که روان پزشک وجود چنین بیماری را تشخیص دهد، بیمار را به یکی از دفاتر خدمات اجتماعی دادسرا ارجاع می‌دهد. بیمار از این طریق به پزشکی قانونی برای انجام تحقیقات قطعی معرفی می‌شود. پزشکی قانونی با استفاده از همکاری روان پزشکان، جراحان و متخصصان داخلی و غدد، قطعیت بیماری را بررسی می‌کند و بعد از محرز شدن آن، طی نامه ای به دادسرا اطلاع می‌دهد که بیمار مجوز انجام این عمل را دارد یا نه. به این ترتیب، در صورت رأی موافق پزشکی قانونی، دادسرا مجوز انجام

جراحی را برای بیمارستان و پزشک جراح صادر می‌کند. اگر بیماری این مجوز را نداشته باشد، عمل جراحی برایش انجام نخواهد شد. نهایتاً وجود همین

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۸

مجوز است که به بیمار کمک می‌کند که بتواند بعد از عمل جراحی، شناسنامه جدید بگیرد».[۲۱۳]

مبحث چهارم: رأی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

پزشکی قانونی در تاریخ ۱۷/ ۹/ ۶۶ از اداره حقوقی دادگستری درباره تغییر جنسیت و مسایل مربوط به آن کسب تکلیف نموده است. اداره حقوقی دادگستری این پاسخ را ارایه نموده است:

بسمه تعالی

به: اداره کل پزشکی قانونی

بازگشت به استعلام شماره ۷۳۸۹/ ۱۰۴- ۱۷/ ۹/ ۱۳۶۶ که برای اظهار نظر به این اداره ارجاع شده است، نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر اعلام می‌شود:

مسأله مطروحه دارای دو صورت است:

صورت اول آن‌که فردی از نظر پزشکی مرد است، در حالی که دارای آلت تناسلی زنان است یا بالعکس، در این صورت با انجام جراحی، تغییر جنسیت حاصل نمی‌شود، بلکه با عمل جراحی، جنسیت شخص ظاهر می‌شود و این امر از نظر حقوقی بلااشکال است. از نظر شرعی هم طبق فتوای حضرت امام خمینی مدظله‌العالی، در تحریرالوسیله جلد ۲ صفحه ۶۲۷ مسأله ۲ و مسأله ۱۰ بلا اشکال است و بعد از عمل، تمام احکام جنسی که ظاهر شده بر آن مترتب می‌گردد.

صورت دوم آن است که فردی که شخصاً مرد یا زن است و دارای آلت تناسلی جنس خود می‌باشد، تصمیم به تغییر جنسیت بگیرد و پزشکان امکان آن را تأیید نمایند. این امر نیز در قوانین منع نشده است، لیکن چون آثار حقوقی فراوانی دارد باید گفت: در صورت تغییر جنسیت این امر تأثیری در حقوق ثابته ندارد و آن را جز در مواردی از

تغییرجنسیت، ص: ۱۳۹

قبیل بطلان ازدواج و حلیت و حرمت تغییر نمی‌دهد. مثلًا اگر زنی بعد از عمل جراحی مرد شود، گرچه ازدواج او از زمان تغییر جنسیت، باطل می‌گردد، اما مهر او ساقط نمی‌شود، و یا اگر مردی بعد از عمل جراحی، زن شود، کماکان باید مهر زوجه‌اش را بپردازد هرچند ازدواج او از تاریخ تغییر جنسیت باطل است. همچنین اگر مادری پس از عمل جراحی تبدیل به مرد شود، ولایتی بر فرزندانش نخواهد داشت. فتوای حضرت امام خمینی مدظله‌العالی در مسایل ۱ و ۳ و ۶ و ۷ از مسایل تغییر جنسیت، در تحریر الوسیله جلد ۲ صفحات ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ در این مورد نیز بر جواز عمل جراحی و عدم تأثیر آن در حقوق مالی و ولایتی تحقق یافته از قبل، دلالت دارد.

رئیس اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران[۲۱۴]

مبحث پنجم: صدور شناسنامه جدید پس از تغییر جنسیت

گفتار اول: وضعیت شناسنامه جدید در دو جنسی‌ها

تغییر جنسیت در شناسنامه دو جنسی‌ها ثبت نمی‌شود. مدیر کل ثبت احوال استان تهران اعلام کرد: در شناسنامه جدید دو جنسی‌ها، تغییر جنسیت آن‌ها ثبت نمی‌شود. سید احمد قشمی در گفت و گو با خبرگزاری فارس با بیان این‌که در ده سال گذشته، فقط برای دو فرد دو جنسی در تهران، شناسنامه صادر شده است، افزود: در صفحه توضیحات شناسنامه جدید این گونه افراد، فقط تغییر نام ثبت می‌شود. حتی جزییات تغییر نام که از چه نامی به چه نامی تغییر کرده است، در شناسنامه جدید آورده نمی‌شود. برای صدور شناسنامه این گونه افراد حتما باید پزشکی قانونی، تغییر جنسیت آن‌ها را تأیید و دادگاه نیز حکم لازم برای صدور مجدد شناسنامه را صادر کند. در صورت حکم دادگاه، ثبت احوال هیچ مشکلی در خصوص صدور مجدد شناسنامه برای دوجنسی‌ها ندارد.[۲۱۵]

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۰

گفتار دوم: وضعیت شناسنامه جدید در تراجنسیتی‌ها

تراجنسیتی‌ها همانند دیگر افراد جامعه دارای شناسنامه هستند. چنان‌چه تغییر جنسیت آنان با مجوز قانونی و از طریق پزشکی قانونی و دادگستری صورت گرفته باشد، به استناد همان مجوز می‌توانند شناسنامه جدید از اداره ثبت احوال دریافت کنند. هرگاه شناسنامه جدید و با نام متناسب با جنسیت جدیدشان به دست آوردند، می‌توانند به استناد آن سایر اسناد و مدارک را نیز تعویض نمایند.[۲۱۶] مانند: مدارک دانشگاهی، کارت پایان خدمت، گواهی نامه راهنمایی و رانندگی و .....

از نظر قانون ثبت احوال، انتخاب نام باید متناسب با جنسیت فرد باشد. پس هرگاه نام فرد، مخالف جنسیت فعلی وی باشد، ثبت احوال با درخواست متقاضی آن را تصحیح خواهد کرد و تشخیص این امر با «شورای عالی ثبت احوال» می‌باشد.

تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون ثبت احوال می‌گوید: «انتخاب نام‌هایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس، ممنوع است».

تبصره ۲ همین ماده می‌گوید: «تشخیص نام‌های ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می‌باشد و این شورا نمونه‌های آن را تعیین و به سازمان اعلام می‌کند».

مبحث ششم: دیدگاه فقها و مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت

اشاره

یکی از منابع ارزشمند در این باره، پرسش‌هایی است که از برخی مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت صورت گرفته است. اکثر فقها و مراجع شیعه، علاوه بر مرحوم امام خمینی، بر عدم حرمت تغییر جنسیت یا جواز تغییر جنسیت نظر داده‌اند. نام برخی از آنان از این قرار است:

۱. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره)

۲. آیت‌الله سید علی سیستانی

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۱

۳. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

۴. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای

۵. آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

۶. آیت‌الله حسین علی منتظری

۷. آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی

۸. آیت‌الله یوسف صانعی

۹. آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی

۱۰. آیت‌الله محمد مؤمن قمی

۱۱. آیت‌الله محسن خرازی و ....[۲۱۷]

جمع بندی و بیان نظریه مختار

برای بررسی تغییر جنسیت از منظر حقوق ایران، باید نگارش کتاب تحریر الوسیله در بحث تغییر جنسیت را مد نظر قرار داد. امام خمینی با نگارش این مبحث، فصل جدیدی در حقوق ایران به وجود آورد. «حقوق ایران» با «فقه اسلامی» پیوند خورده است و فقه اسلامی منبع بسیار مهمی برای قوانین جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. بنابراین، قواعد و مقررات مربوط به تغییر جنسیت نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. بر این اساس، «سازمان پزشکی قانونی ایران» و نیز «دادگستری جمهوری اسلامی ایران» مقرّرات و ضوابطی برای اعطای مجوز تغییر جنسیت تدوین نموده‌اند و پس از تغییر جنسیت، مجوزهای دیگر برای تعویض شناسنامه و مدارک تحصیلی صادر می‌گردد. در حالی که، تغییر جنسیت در سایر کشورهای اسلامی، از نظر حقوق آن کشورها غیر قانونی است. به نظر می‌رسد دلیل مهم این امر آن است که تغییر جنسیت از نظر فقهای اهل سنت حرام است.

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۳

بخش دوم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت

اشاره

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۵

بخش دوم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت

طرح بحث

یکی از پرسش‌های اساسی، مسأله «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت» است. هر گاه در مجامع علمی و پزشکی، بحث تغییر جنسیت مطرح شده است، اولین پرسش فراروی افراد، این است که آیا از نظر شرعی، این اجازه وجود دارد که عده‌ای، جنسیت خویش را تغییر داده و به جنس مخالف تبدیل شوند؟ آیا این کار، تغییر در خلقت خداوند محسوب نمی‌شود؟ آیا آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) این اجازه را داده است که فردی ازجنسیت مردانه به جنسیت زنانه، و یا برعکس تبدیل شود؟ آیا تبدیل خنثی یا دو

جنسی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث جایز است؟

تغییر جنسیت، دارای حالات و انواع گوناگونی است، مانند: تغییر جنسیت در انسان، تغییر جنسیت در حیوان و تغییر جنسیت در گیاهان. علاوه بر این، «تغییر جنسیت در انسان» نیز دارای موارد یا حالات گوناگون است، مانند: تغییر جنسیت مرد به زن، تغییر جنسیت زن به مرد، تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس مردانه یا زنانه و تغییر جنسیت یک انسان کامل به خنثی.

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۶

برخی از اقسام تغییر جنسیت، عقلایی بوده و برخی دیگر از اقسام تغییر جنسیت، غیر عقلایی است. به عبارت دیگر، آن‌چه در عمل واقع می‌شود تغییر جنسیت مرد به زن و یا بر عکس و نیز تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن است. این‌که مرد یا زنی خواهان تبدیل به خنثی باشند، عُقلایی نبوده و در عمل هم کم‌تر اتفاق می‌افتد.[۲۱۸] از جهت دیگر نیز ممکن است شخص سالم به خنثی تبدیل شود و آن در صورتی است که عمل جراحی تغییر جنسیت به صورت کامل صورت نپذیرد و از طرف دیگر امکان بازگشت به جنسیت سابق نیز منتفی باشد. از این رو آیت‌الله سید محمد صدر می‌گوید:

تبدیل (مرد یا زن) به خنثی، اگر چه هیچ گاه به طور طبیعی مطلوب و مورد درخواست بیمار و پزشک نیست، ولی از نظر فقهی می‌توان آن را فرض کرد (و به عنوان یک فرع فقهی مورد بررسی قرار داد.) دلیل این امر آن است که گاهی عمل جراحی تغییر جنسیت از یک جنس به جنس دیگر به نتیجه نمی‌رسد و بیمار به جنس سابق خویش نیز باز نمی‌گردد. در نتیجه، فرد به خنثی (و برزخ بین جنس مذکر و مؤنث) تبدیل می‌شود که اصلًا هیچ یک از دو جنس مذکر و مؤنث نیست.[۲۱۹] سید محمد حسین فضل الله، معتقد است امکان تغییر جنسیت واقعی وجود ندارد و چنان‌چه با عمل جراحی، آلت تناسلی مردی برداشته شود و حفره ای به عنوان مهبل در شکم او تعبیه شود، در حقیقت به زن تبدیل نشده است، بلکه به خنثی تبدیل شده است، نهایت این‌که علائم و ظواهر زنانه در وی زیاد مشاهده می‌شود.[۲۲۰] در هر حال، اگر چه تغییر جنسیت، دارای حالات و انواع گوناگونی است، ولی بالاخره این پرسش، حد جامع و قدر مشترک همه آن موارد است که: آیا تغییر جنسیت

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۷

جایز است یا نه؟

توجه به این نکته ضروری است که منظور از «جواز» یا «جواز فقهی» است، و یا «جواز قانونی و حقوقی» مورد نظر است. آثار و پیامدهای هر یک نیز متفاوت است. پس هرگاه این پرسش مطرح شود که: «آیا تغییر جنسیت جایز است یا خیر» و منظور از آن «جواز یا عدم جواز فقهی» باشد، در آن صورت، ضمانت اجرای آن «شرع» یا «قانون گذار الهی» خواهد بود. در این حالت، اگر گفته شود: «تغییر جنسیت جایز است»؛ یعنی خدای متعال از این کار راضی بوده، و در پی انجام تغییر جنسیت، مجازات اخروی وجود ندارد، اما در «جواز یا عدم جواز قانونی و حقوقی»، ضمانت اجرای دولتی نهفته است. بنابراین اگر این عمل، از نظر دولت یک سرزمین مجاز باشد، مرتکبین این عمل، از مجازات مصون خواهند بود، در غیر این صورت، عمل آنان، دارای قابلیت پیگرد است. به همین دلیل، اتباع برخی کشورها، برای تغییر جنسیت و مصون ماندن از مجازاتِ دولت خویش، به کشورهای دیگر که این عمل مجاز است، سفر کرده و پس از تغییر جنسیت به کشور خویش باز می‌گردند. برای مثال، برخی اتباع کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی و کویت برای تغییر جنسیت به ایران سفر کرده‌اند. دلیل این امر، عمدتاً ممنوعیت عمل تغییر جنسیت در این کشورها است.

در عین حال، ممکن است یک عمل هم از نظر شرعی و هم از نظر حقوقی، مجاز یا غیر مجاز باشد. از این رو، می‌توان برای آن حالت‌های چهارگانه در نظر گرفت:

۱. عمل تغییر جنسیت، از نظر شرعی و قانونی مجاز باشد.

۲. عمل تغییر جنسیت از نظر شرعی و قانونی، غیر مجاز باشد.

۳. عمل تغییر جنسیت از نظر شرعی مجاز، ولی از نظر قانونی غیر مجاز باشد.

۴. عمل تغییر جنسیت از نظر قانونی مجاز باشد، ولی از نظر شرعی غیر مجاز باشد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که تغییر جنسیت، به هر دلیل یا عاملی که اتفاق افتد، مورد توجه ما است. گاه تغییر جنسیت با اراده شخص و به وسیله پزشک جراح صورت می‌گیرد. در مواردی ممکن است خطای پزشک، موجب تغییر جنسیت، یا

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۸

لااقل موجب نارسایی جنسیت گردد. در مواردی، افراد به دلیل اکراه، ضطرار یا حرج به تغییر جنسیت رضایت می‌دهند و در مواردی ممکن است تبدیل جنسیت به خاطر استعمال هورمون‌های جنسی یا خود به خود به وجود می‌آید.[۲۲۱] به عبارت دیگر، آن‌چه از نظر فقه مهم است این است که آیا «تحول و تغییر موضوع» صورت گرفته است یا خیر. این‌که سبب تغییر و تبدیل چه بوده است، به صورت مستقیم مورد توجه فقه نیست. اگر به سبب و علت تغییر توجه شده است از آن جهت است که آیا این سبب، جایز بوده یا حرام. آیت‌الله سید محمد صدر در این باره می‌گوید:

سزاوار است به این مطلب توجه شود که آن‌چه از نظر فقه مهم است، مسأله تحول (تغییر جنسیت) است، و این‌که سبب آن‌چه بوده، از نظر فقه مهم نیست. گاه تغییر جنسیت به وسیله عمل جراحی صورت می‌پذیرد، همان طور که در عصر کنونی این گونه است و گاه تغییر به وسیله استفاده از غذای معین حاصل می‌شود، و یا از طریق سحر یا معجزه و یا از طریق هر سبب دیگر.[۲۲۲] تغییر و تبدیل جنسیت که به روش‌های گوناگون پدید می‌آید، اثر وضعی و تکلیفی خویش را به جای خواهد گذاشت. اثر وضعی عبارت است از خروج این بیمار، از جنس سابق، و الحاق او به جنس لاحق. برای مثال، اگر قبلًا مرد بوده، از گروه مردان خارج شده و جزو زنان محسوب می‌شود. اثر تکلیفی عبارت است از این‌که وی باید براساس جنسیت جدید، وظایف و تکالیف شرعی خویش را انجام دهد و انجام تکالیف جنس سابق، منتفی است.[۲۲۳] پس از بیان مطالب فوق به عنوان «طرح بحث» اکنون در ضمن چند فصل، مسأله جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت را پی می‌گیریم. در فصل اول جواز یا عدم جواز تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۱۴۹

جنسیت در خنثی (دو جنسی)، در فصل دوم، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت، در فصل سوم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد سالم و افراد تراجنسیتی (خنثای روانی)، و در فصل چهارم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت را در حیوانات مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۱

فصل اول جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی (دوجنسی‌ها)

اشاره

همان طور که پیش‌تر بیان شد، از گذشته تاکنون افرادی در جامعه زیست می‌کرده‌اند که از نارسایی جنسی رنج می‌برند، که در ادبیات فقهی و روایی‌ما از آن‌ها به «خنثی» یاد می‌شود. برای این گروه، در گذشته امکان عمل جراحی وجود نداشت، ولی امروزه با

گسترش دانش پزشکی، می‌توانند با عمل جراحی به یکی از دو جنس مرد یا زن ملحق شوند. آیا از نظر شرعی این عده مجاز به تغییر جنسیت هستند یا خیر؟

در ابتدا و در مبحث اول، نظرات و دیدگاه‌های فقهای اهل سنت و شیعه در این‌باره بیان می‌شود و آن‌گاه و درمبحث دوم، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای مشکل مورد بررسی قرار می‌گیرد و بالاخره در مبحث سوم جواز تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل بیان می‌گردد.

مبحث اول: نظرات در جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد خنثی

اشاره

در ابتدا نظرات اهل سنت و آن‌گاه نظرات فقهای شیعه در بحث خنثی بیان می‌شود.

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۲

گفتار اول: نظرات اهل سنت در تغییر جنسیت افراد خنثی

غالب فقیهان و حقوقدانان اهل سنت با تغییر جنسیت مخالفند و تنها تغییر جنسیت در افراد خنثی یا دو جنسی‌ها را مجاز می‌دانند، دکتر احمد محمد کنعانی در این‌باره می‌گوید:

همانا قانون‌گذار الهی، تغییر جنسیت حرام کرده است؛ چون تغییر جنسیت مخالف فطرت الهی است، ولی از این تحریم، برخی حالات استثناء شده است، مانند خنثی، که در وی هر دو آلت تناسلیِ مردانه و زنانه، به گونه متفاوت وجود دارد. این حالت، موجب اضطراب‌ها و تشویق‌هایی در جسم و روح خنثی می‌گردد. پس در این گونه حالات، عمل جراحی برای تغییر جنسیتِ خنثی به جنس مناسب، طبق تشخیص پزشک، جایز است.[۲۲۴] با توجه به اطلاق مطلب فوق، جواز تغییر جنسیت برای هر دو گروه خنثی‌ها، اعم از خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل وجود داشته و هر دو گروه مجاز به تغییر جنسیت هستند. تغییر جنسیت در خنثای مشکل، به معنای حذف یک آلت تناسلی و الحاق وی به جنس مقابل است و تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل، به معنای حذف آلت تناسلی ضعیف و الحاق وی به جنسیت غالبِ وی است.

در سخن فوق، خنثی کسی است که دارای هر دو آلت تناسلی است و اساساً از نظر نویسنده فوق الذکر، بیماری که فاقد هر دو آلت تناسلی است، جزو گروه «خنثی‌ها» قرار نمی‌گیرد. این عده به عنوان «ممسوح» شناخته می شوند.

آیا افراد ممسوح که فاقد هر دو آلت تناسلی هستند مجاز به تغییر جنسیت می‌باشند؟ کلام نویسنده فوق در این باره ساکت است. به نظر می‌رسد که ممسوح‌ها نیز باید مجاز به تغییر جنسیت و خروج از ابهام جنسی باشد تا از این طریق بتوانند به جنس مناسب، طبق نظر پزشک متخصص تبدیل شوند.

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۳

البته فقیهان شیعه و فقیهان اهل سنت در بحث جواز تغییر جنسیتِ افراد خنثی اشتراک نظر دارند، امّا توجه به این نکته ضروری است عده‌ای از آنان به وجوب تغییر جنسیت خنثی‌ها معتقدند[۲۲۵].[۲۲۶] به عبارت دیگر، هرگاه انجام واجبات شرعی و ترک محرمات در مورد شخص خنثی وابسته به تغییر جنسیت و تعیین جنسیتِ واحد است و وی دارای تمکن مالی و جسمی باشد، واجب است تغییر جنسیت دهد.

برخی از اهل سنت برای جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی، دلیل‌های زیر را بیان داشته‌اند:

۱. خنثی‌ها بیمار هستند و ادله جواز معالجه و درمان اجازه می‌دهد که پزشک جراح به عمل جراحی خنثی‌ها مبادرت ورزند.

۲. این نوع عمل، تغییر خلق الله نیست؛ چون برای این عمل حاجت و ضرورت وجود دارد. پس عمل جراحی تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها، استثنایی بر حرمت تغییر خلق الله است.

۳. این‌که خنثی‌ها بر وضعیت فعلی خویش صبر نمایند و از عمل جراحی تغییر جنسیت خودداری ورزند، ضرر زیاد و مشقت فراوانی به دنبال دارد که شریعت اسلام خواهان دفع ضرر و تحصیل یسر (آسانی) است.

۴. در این نوع عمل جراحی تدلیس، تزویر و فریب‌کاری وجود ندارد؛ چون هدف از این نوع عمل جراحی، بازگشت به خلقت اصلی است. پس از نظر شرعی مجاز به تغییر جنسیت است.[۲۲۷]

گفتار دوم: نظرات فقیهان شیعه در تغییر جنسیت افراد خنثی

اشاره

بر خلاف اهل سنت، فقیهان شیعه به طور مبسوط، تغییر جنسیت در افراد خنثی را

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۴

مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان، برخی از فقیهان شیعه، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیّت در خنثی را به صورت مطلق بیان داشته‌اند؛ یعنی بین «خنثای مشکل» و «خنثای غیر مشکل» تفصیل نداده‌اند، در حالی که عده‌ای دیگر از فقیهان بین آن دو، تفصیل داده‌اند. دیدگاه فقیهان شیعه در بحث تغییر جنسیت افراد خنثی را در ذیل بندهای زیر بیان می‌کنیم:

بند اول: جواز در تغییر جنسیت افراد خنثی مطلقا- اعم از مشکل و غیر مشکل-

برخی از فقیهان شیعه معتقدند که افراد خنثی، اعم از خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل، مجاز به تغییر جنسیت هستند. البته گروهی از فقیهان در فتوای جواز تغییر جنسیت افراد خنثی، بین خنثای مشکل و غیر مشکل تفکیک نموده‌اند و با توجه به اطلاق کلام ایشان، افراد خنثی، اعم از مشکل و غیر مشکل مجاز به تغییر جنسیت هستند. در این میان، برخی دیگر از فقیهان شیعه، افراد خنثی را در دو قسمت شامل: خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل مورد بررسی قرار داده‌اند، اگر چه در هر دو مورد قائل به جواز هستند. به عبارت دیگر، تفصیل خنثی‌ها به دو مورد خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل، به معنای تفاوت حکم آن در مورد نیست. در ادامه به کلام هر دو گروه اشاره می‌شود:

گروه اول

امام خمینی:

ایشان به عنوان اولین فقیهی که مباحث تغییر جنسیت را مطرح ساخته‌اند، در این باره می‌گوید:

تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست. آیا اگر زنی در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان یا برخی از آثار مردی ببیند، یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس

مخالف را مشاهده کند، واجب است تغییر جنسیت دهد یا خیر؟ چنان‌چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۵

می‌توانـد جنس خود را تغییر دهـد و تبـدیل به جنس مخـالف جنس واقعی خود بشود، واجب نیست.[۲۲۸] در توضیـح عبارات فوق تذکر دو نکته ضروری است:

اول آن که، کلاـم امـام خمینی در بحث خنثی، به گونه مطلق بیان شـده است و شامل «خنثای غیر مشـکل» و «خنثای مشـکل» هر دو می‌شود.

دوم آن که، امام خمینی می‌فرماید: تغییر جنسیت خنثی حرام نیست. منظور از «حرام نیست»، همان «جواز» یا «اباحه» است. در مرحله دوم می‌فرماید: تغییر جنسیت واجب نیست. به عبارت دیگر، ممکن است کسی احتمال دهد که تغییر جنسیت در خنثی واجب است، که امـام خمینی این احتمـال وجـوب را رد می‌کنـد. دلیـل «احتمـال وجـوب» از آن جهت است که خنـثی دارای هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه است و در وی جنسیت واحـد به صورت کامل و محرز وجود نـدارد، تا وی بتواند احکام و وظایف شـرعی خویش را متناسب با جنسیت مردانه یا زنانه انجام دهد.

به دیگر سـخن، خنـثی، اگر یـک طرف مکلـف به وظـایف شـرعی است که این احکـام برای «مرد» یـا «زن» است، و از طرفی، تغییر جنسیت برای او جایز است. از این رو، این احتمال داده می‌شود که تغییر جنسـیت برای احراز قطعی جنسـیت واحـد، واجب است، تا وی بتواند بدون دغدغه، احکام شـرعی خویش را متناسب با جنسـیت مردانه یا زنانه انجام دهد. اما امام خمینی در پاسخ این پرسـش مقدّر، جواب می‌دهند که: تغییر جنسـیت در خنثی واجب نیست؛ چون «صرف خنثی بودن» و نیز «مجرد امکان تغییر جنسیت» موجب تردید در وظیفه فعلی نمی‌گردد.

در هر حال، خنثی می‌تواند هم چنان بر وضعیت فعلی خویش باقی بماند، و با

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۶

توجه به ملاک‌هـا و امـارات شـرعی، یکی از دو جنس را برای خویش تعریف و تثبیت کنـد و احکـام و وظـایف شـرعی خویش را متناسب با جنسیتِ شناخته شده انجام دهد.

آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی:

سؤال: حکم تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن چیست؟

جواب: ظاهراً جایز می‌باشد و بعد از تغییر جنسیت باید به وظایف جنسی که تغییر پیدا کرده عمل نماید.[۲۲۹] آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره)

سؤال: آیا افراد خنثی می‌توانند تغییر جنسیت بدهند؛ یعنی به زن یا مرد تبدیل شوند؟

جواب: بلی، این افراد می‌تواننـد با عمل جراحی، خود را تبـدیل به زن یا مرد کنند، و بعد از این‌که با عمل جراحی، جنس معین شد، تمام احکام آن جنس را خواهند داشت و می‌توانند با دیگری ازدواج کنند.[۲۳۰] آیت‌الله سید علی خامنه‌ای:

سؤال: تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به زن یا مرد، با عمل جراحی چه حکم دارد؟

پاسخ: در مورد خنثی، نیز در موردی که فائده معتنی به عُقلایی در تغییر جنسـیت باشد اشکال ندارد.[۲۳۱] سؤال: حکم شرعی عمل جراحی برای ملحق ساختن خنثی به زن یا مرد چیست؟

پاسخ: فی حد نفسه مانعی ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام احتراز شود.[۲۳۲]

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۷

آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی:

سؤال: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی، در مورد دوجنسی‌ها، شرعاً جایز است؟

جواب: عمل جراحی مذکور فی نفسه اشکال ندارد، و الله العالم.[۲۳۳] آیت‌الله یوسف صانعی:

ناگفته نماند که این گونه تغییر جنسیت‌ها که به مشخص شدن جنس واقعی برای خنثی منجر می‌شود، چونه ظاهراً مفسده خارجیه ندارد، نمی‌توان گفت حرام است.[۲۳۴] آیت‌الله سید یوسف مدنی:

.... و اما خنثی، چون احتمال ذکوریت (مرد بودن) و انوثیت (زن بودن) در آن وجود دارد، لذا می‌تواند، بلکه لازم است به پزشک متخصص رجوع کند تا با عمل جراحی مرد بودن یا زن بودنش مشخص شود.[۲۳۵] گروه دوّم

آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی:

اگر مقصود، سؤال از تغییر جنسیت است، به نظر این جانب جایز است اگر درست انجام شود و واقعاً تغییر جنسیت محقق شده باشد؛ یعنی زن، مرد شود یا مرد، زن شود؛ خواه کسی که تغییر جنسیت داده، مرد باشد یا زن یا دو جنسی؛ یعنی خنثی و خواه خنثای مشکل باشد یا غیر مشکل.[۲۳۶] آیت‌الله محمد مؤمن قمی:

فردی که به حسب موازین شرع، زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنثای غیر مشکل) نیز می‌تواند اقدام به از بین بردن این عضو ناقص نماید و یا عضو اصلی خود را از بین برده و با تقویت عضو

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۸

ناقص تغییر جنسیت دهد و در هر حال، این عمل جراحی باید طوری انجام گیرد که مستلزم هیچ گونه حرامی نباشد.

فردی که نه زن است و نه مرد (خنثای مشکل)، اصل اقدام به اصلاح و مشخص نمودن وضعیت خودش با عمل جراحی شرعاً جایز است، اما مشکل نظر و لمس نامحرم نسبت به عورت وی به قوت خود باقی است و باید عمل جراحی روی او مستلزم این حرام و یا حرام دیگری نباشد.[۲۳۷] آیت‌الله حسین‌علی منتظری

سؤال: دو جنسی‌های کاذب مؤنث که دارای وضعیت کروموزومی مؤنث می‌باشند، ولی ظاهری کاملا مردانه دارند، اقدام پزشکی و جراحی برای تغییر ظاهر مردانه در صورت تمایل فرد چه حکمی دارد؟ مسائل محرمّیت و ازدواج او چگونه است؟ هم‌چنین دو جنسی‌های کاذب مذکر که دارای وضعیت کروموزومی مردانه هستند، ولی ظاهری کاملًا زنانه دارند، آیا عمل جراحی برای تغییر ظاهر زنانه آن‌ها جایز است؟ مسایل محرمیت و ازدواج آن‌ها و ... چگونه است؟

جواب: در صورت ضرورت معالجه، اقدام به عمل جراحی مانع ندارد، و در صورت تغییر جنسیت تمام احکام بعد از تغییر، از حیث مَحرمیت و ازدواج و غیر این‌ها جاری می‌شود.

سؤال: دو جنسی‌های حقیقی (خنثای مشکل) از نظر کروموزوم هر دو گوناد را دارا می‌باشند (تخمدان و بیضه). تبدیل وضعیت فرد چه حکمی دارد؟ آیا شرعاً پزشک یا جامعه مسؤول مشخص نمودن ماهیت جنس بیمار می‌باشند؟ آیا خواست بیماران صرفاً می‌تواند ملاک تبدیل وضعیت توسط پزشک معالج باشد؟

جواب: دو جنسی حقیقی که آن را «خنثای مشکل» می‌نامند، اگر امکان داشته باشد با عمل جراحی از دو جنسی بودن خارج شود اقدام به عمل جراحی اشکال ندارد؛ زیرا ضرورت معالجه درباره او محقق و ثابت است.[۲۳۸]

تغییرجنسیت، ص: ۱۵۹

آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی:

شخصی که بر طبق موازین شرع زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنثای غیر مشکل)، می‌تواند عضو اضافی و ناقص خود را از بین ببرد و نیز می‌تواند با تقویت عضو اضافی و ناقص، تغییر جنسیت دهد، البته اگر با عمل جراحی امکان‌پذیر باشد.

شخصی که نه زن است و نه مرد (خنثای مشکل) جایز است از راه عمل جراحی توسط پزشک خُبره، زن بودن و یا مرد بودن خود را مشخص کند، ولی باید این کار مستلزم حرام نباشد و هر گاه مستلزم آن شود، مانع تشخیصی که برای او از راه جراحی پدید آمده، نمی‌شود.[۲۳۹]

بند دوم: و جوب تغییر جنسیت در افراد خنثی

برخی فقیهان شیعه به وجوب تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها معتقد شده‌اند. این حکم مخصوصاً در مورد خنثای مشکل و نیز خنثای غیر مشکل که تغییر جنسیت برای او ضرورت دارد صادق است، تا وی بتواند تکالیف شرعی خویش را انجام دهد.

آیت‌الله میرزا جواد تبریزی:

در استفتای شفاهی که توسط نگارنده از ایشان در مورد خنثای مشکل شد، اظهار داشتند:

خنثای مشکل اگر امکان [مالی، جسمی و .....] داشته باشد واجب است تغییر جنسیت دهد.

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی:

سؤال: به طور کلی دو جنسی‌ها (هرمافرودیت‌ها) به چهار دسته تقسیم می گردند:

۱. دو جنسی‌های حقیقی که هم بیضه و هم تخمدان دارند و بسته به آن‌که مشخصات مردانه در آن‌ها قوی‌تر باشد یا زنانه، با عمل جراحی به صورت مرد یا زن در خواهند آمد.

۲. شبه دو جنسی‌ها، با ظاهر زنانه که در حقیقت مرد هستند و به آسانی درمان می‌شوند و جنس حقیقی خود را پیدا خواهند کرد.

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۰

۳. شبه دو جنسی‌ها، با ظاهر مردانه که واقعاً زن هستند و با درمان به جنس واقعی خود دست خواهند یافت.

۴. عدم رشد غدد جنسی.

بفرمایید: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی شرعاً جایز است؟

جواب: انجام عمل جراحی در این فرض واجب است.[۲۴۰] سؤال: دختری از کودکی لباس مردانه می‌پوشیده و حالا ـ که بزرگ شده خود را مرد می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالت مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه به پزشک درخواست تغییر جنسیت خود را نموده است، آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیت می‌باشد؟

جواب: تغییر جنسیت اگر صوری باشد جایز نیست و اگر واقعی باشد [که] این امر در افراد دو جنسی واقع می‌شود به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز و گاه واجب است.[۲۴۱] آیت‌الله حسین علی منتظری:

سؤال: بعضی از زنان و مردان در خود احساس جنس مخالف می‌کنند و بعضاً اگر تغییر جنسیت ندهند، احتمال اقدام به خودکشی در آنان هست، آیا اصولًا تغییر جنسیت جایز است؟

جواب: به طور کلی، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم و اگر حال آن‌ها به نحوی باشد که تغییر جنسیت برای آن‌ها ضرورت

داشته باشد، بعید نیست که واجب باشد.[۲۴۲] از نظر ایشان، تغییر جنسیت در دو جنسی‌ها به دلیل اضطرار و اختلالات جسمی و روانی ضرورت دارد. علاوه بر این، مشکل دیگر این گروه وجود حرج از ناحیه انجام تکالیف شرعی است. از این رو، در تبیین وجوب تغییر جنسیت افراد خنثی می گوید:

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۱

تغییر جنسیت گاهی ضرورت پیدا می کند، مثلًا گاهی افراد دو جنسی دچار بیماری‌ها و اختلالات روانی و خانوادگی شدید می‌شوند، به طوری که پزشک متخصص تنها راه معالجه را در تغییر جنسیت می‌داند. علاوه بر این، برای دو جنسی‌های حقیقی ضرورت دیگری نیز وجود دارد و آن این که دو جنسی‌های حقیقی نسبت به احکام و انجام وظایف شرعیه مشکلات بسیاری دارند، مثل احکام محرمیت، ازدواج، ارث، نماز، دیات و ..... و تنها راه خروج از این تنگناها تغییر دادن جنسیت آن‌هاست، تا این که به مردان ملحق شوند یا به زن.[۲۴۳]

بند سوم: عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی

تا آن‌جا که نگارنده به دست آورده است، تنها یکی از فقیهان شیعه با تغییر جنسیت خنثی، حتی خنثای مشکل مخالفت کرده است. آیت‌الله سیدصادق شیرازی معتقد است حتی تغییر جنسیت برای «کشف جنسیت» یا «اظهار جنسیت پنهان» جایز نیست و تنها تغییر جنسیت در حیوانات مجاز است.

در سؤال و جواب از ایشان چنین آمده است:

خنثای کاذب، یعنی کسی که مثلا از نظر وراثتی مرد است، ولی آلت خارجی وی مخالف آن است و یا برعکس آن. اگر از طریق بررسی و تحقیق معلوم شود که در واقع مرد هستند، اگر چه شکل ظاهری آنان زن است، آیا در این حالت، از بین بردن علائم مردانه و الحاق وی به زن خالص جایز است؟ و همین طور عکس آن؟

جواب: تغییر جنسیت بنا بر قول نزدیک‌تر به صحت، جایز نیست، و الله العالم.[۲۴۴]

تغییر جنسیت مرد به زن و تغییر جنسیت زن به مرد جایز نیست و تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۲

جنسیت در حیوانات جایز است.[۲۴۵] این پرسش مطرح می‌شود که حال از نظر فقیه فوق الذکر، حتی خنثای مشکل نیز مجاز به تغییر جنسیت نیست، پس وضعیت آنان از نظر ازدواج چگونه است؟ آیا تا آخر عمر باید از ازدواج محروم باشند؟ به اعتقاد آیت‌الله سید صادق شیرازی، وی می‌تواند یک جنسیت را برای خود انتخاب کند. به عبارت دیگر، وی در انتخاب جنسیت، دارای تخییر و حق انتخاب است. بنابراین، اگر جنسیت مردانه را برای خود انتخاب کند می‌تواند با زن ازدواج کند و چنان‌چه خود را زن می‌داند، می‌تواند با مرد ازدواج کند. وی می گوید:

اظهر آن است که خنثای مشکل، که مرد بودن یا زن بودنش مشخص نیست، جنسیت مردانه انتخاب کند. پس یا خودش را مرد بداند و با دیگران به عنوان مرد تعامل داشته باشد، یا این که جنسیت زنانه را برگزیند، پس خودش را زن بداند و با دیگران به عنوان زن تعامل داشته باشد.[۲۴۶] البته فتوای فوق، مخالف فتوای مشهور فقیهان اسلامی اعم از قدما و معاصرین است؛ چه این که فقیهان شیعه بالاتفاق معتقدند که خنثای مشکل باید احتیاط کرده و از ازدواج با زن یا مرد خودداری ورزد. دلیل فتوای مشهور روشن

است. از آن جایی که وضعیت جنسی خنثای مشکل با ابهام کامل همراه است و مرد بودن و زن بودن وی مشخص نیست، نمی‌تواند ازدواج کند؛ چه این‌که این احتمال وجود دارد که وی با هم جنس خویش ازدواج کرده و روابط جنسی وی، مصداق هم جنس بازی باشد که از دیدگاه اسلام ممنوع است.

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۳

بند چهارم: عدم صدق عنوان «تغییر جنسیت» در خنثی

از نظر برخی فقیهان شیعه، اساساً عمل جراحی، در مورد خنثی، اعم از خنثای مشکل یا خنثای غیر مشکل، تغییر جنسیت محسوب نمی‌شود، وحکم تغییر بر آن مترتب نمی‌شود. بنابراین، به فرض که تغییر جنسیت حرام باشد، اساساً در خنثی حرام نیست. آیت‌الله سید محسن خرازی می‌گوید:

در مورد خنثی- چه مشکل و چه غیر مشکل- قطع یکی از دو آلت تناسلی او برای تقویت دیگری، تغییر جنسیت نیست؛ زیرا یکی از دو آلت تناسلی، زاید است. در خنثای غیرمشکل، به خاطر روشن بودن زایدی یکی از دو آلت، قطع آن موجب تغییر جنسیت نمی‌شود.

در خنثای مشکل، عضو ممکن است زاید یا اصلی باشد؛ لذا قطع آن مردد بین تغییر و غیر تغییر است و این، شبهه موضوعیه تغییر است و حکم تغییر بر آن مترتب نمی‌شود و به فرض که تغییر جنسیت حرام باشد، در خنثی حرام نیست؛ چون صدق تغییر جنسیت، بر آن مسلّم نیست. معالجه خنثی- مشکل یا غیر مشکل- اشکالی ندارد؛ زیرا ضرورت معالجه، کارهای ممنوع را مباح می‌کند؛ اگر چه مستلزم نگاه و لمس باشد. از جهت ضرر رساندن نیز حرمتی نیست؛ زیرا گفتیم که این کار، برداشتن عضو زاید است نه ایجاد نقص، علاوه بر این‌که در خنثای مشکل، صدق نقص و ضرر، مسلّم نیست.[۲۴۷]

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۴

جمع بندی و بین نظریه مختار

از نظر اهل سنت، تغییر جنسیت تنها در افراد خنثی (دو جنسی‌ها) جایز است؛ چون در این افراد، اضطراب و تشویش فراوانی وجود دارد و برای رهایی از بلا تکلیفی جنسی، عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت ضرورت دارد.

فقیهان شیعه، بر خلاف اهل سنت، درباره تغییر جنسیت افراد خنثی با تفصیل بیش‌تری سخن گفته‌اند. به دلیل فوق الذکر، یعنی وجود اضطراب و ناهماهنگی جنسی، همه فقیهان شیعه معتقدند که تغییر جنسیت در افراد خنثی جایز است. در این میان، تنها یکی از فقیهان شیعه، با نظر فوق مخالفت کرده است. از نظر وی، تغییر جنسیت مطلقاً، حتی در خنثی‌ها، ولو خنثای مشکل جایز نیست و با توجه به اطلاق کلام ایشان، تغییر جنسیت حتی برای کشف جنسیت نیز جایز نیست.

فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت خنثی‌ها یا دو جنسی‌ها نظر داده‌اند، معتقدند که باید از ملازمات حرام مثل لمس حرام و نظر حرام پرهیز شود، مگر این‌که عمل جراحی، غیر قابل اجتناب باشد. برای مثال، خنثای مشکل یا دو جنسی کامل که زن بودن و یا مرد بودنش روشن نیست، علاوه بر این‌که از نظر جسمی و روحی در اضطرار و بلاتکلیفی شدیدی گرفتار آمده است، از نظر شرعی نیز در حرج و گرفتاری است؛ به گونه‌ای که انجام احتیاطهای شرعی برای وی، با عُسر و حرج شدید همراه است. از این رو، عده‌ای

از فقیهان شیعه معتقدند: در صورت امکان مالی، جسمی و ... تغییر جنسیت و عمل جراحی دوجنسی یا خنثی برای تبدیل به مرد یا زن واجب است.

به نظر می‌رسد ضرورت تغییر جنسیت برای خنثی‌ها به دلیل علائم جنسی دوگانه، غیر قابل انکار است و در این امر فرقی بین خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل نیست. البته اضطراب و تشویش در مورد خنثای مشکل، به مراتب بیشتر از خنثای غیر مشکل است، ولی خنثای غیر مشکل نیز از وضعیت جنسی خویش به شدت رنج می‌برد و از نظر پزشکان تنها راه درمان، انجام عمل جراحیِ تغییر جنسیت است و از این طریق، آلت تناسلی ضعیف حذف شده و جنسیت دیگر تقویت و کامل می‌شود.

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۵

مبحث دوم: ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای مشکل

اشاره

خنثای مشکل به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی، جنسیت بینابین و دوگانه دارند و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. همان طور که پیش‌تر گذشت، ازدواج برای این گروه حرام است.[۲۴۸] چون شرط ازدواج این است که دو «غیر هم جنس» با یکدیگر وصلت نمایند. از آن جایی که جنسیت واقعی خنثای مشکل روشن نیست، احتمال دارد که در صورت وقوع ازدواج، با «هم جنس» خویش ازدواج نماید. نیز خنثای مشکل باید رعایت احتیاطهای شرعی را بنماید؛ یعنی هم واجباتی که برای مرد لازم است انجام دهد و هم واجبات زن را انجام دهد. نیز خنثای مشکل، باید از امور حرامی که برای مردان و زنان وجود اجتناب نماید. البته این احکام در صورتی است که خنثی در طبیعت ثالثه ندانیم.

اکنون با توجه به وضعیت فوق، آیا جایز است که خنثای مشکل تغییر جنسیت دهد؟

در پاسخ باید گفت: تغییر جنسیت فی نفسه و بدون ملاحظه ملازمات حرام، حرام نیست و دلیلی از کتاب و سنت بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد. در مباحث آینده به تفصیل ادله قائلین به حرمت تغییر جنسیت بیان شده و پاسخ آن نیز آمده است. همچنین در ادامه، ادله قائلین به جواز تغییر جنسیت ذکر شده است. از این رو، از تکرار آن خودداری می‌کنیم.

علاوه بر این، خنثای مشکل، به دلیل اختلال شدید هویت جنسی و مشقت انجام احتیاطهای شرعی، مجاز به تغییر جنسیت است. بنابراین، با توجه به «قاعده اضطرار» و «قاعده نفی عسر و حرج» وی می‌تواند تغییر جنسیت دهد. در ادامه، توضیح بیش‌تری درباره دو قاعده فوق، و تطبیق آن به مسأله «خنثای مشکل» یا دو جنسی کامل داده می‌شود:

گفتار اول: تمسک به قاعده اضطرار

قاعده اضطرار، یکی از قواعد مشهور فقهی است که مستند آن، آیات متعدد قرآن

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۶

کریم و برخی روایات اسلامی است. از باب نمونه، تنها به یک آیه و دو روایت اشاره می‌شود:

انّما حَرّمَ عَلیکُمُ المَیتَةَ و الدَّم وَ لَحمَ الخِنزیرِ و ما اهِلَّ بِهِ لِغیر الله فَمَنِ اضطُرَّ غَیرَ باغٍ و لا عادٍ فَلا اثم عَلَیه انَّ اللهَ غفورٌ رحیم؛[۲۴۹] خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آن‌چه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شده، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ (و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع

ضرورت، از آن بخورد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است.[۲۵۰] علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان می گوید که «غیر باغ و لاعاد» از نظر نحوی، حال هستند؛ یعنی در حالی که ظالم و متجاوز نباشد. به عبارت دیگر، کسی که ناچار از خوردن بعضی از این محرمات شود و این ناچاری و اضطرار در حالی باشد که ظالم و متجاوز از حد نباشد، مانعی ندارد که از آن‌ها بخورد؛ ولی اگر در حال ستم و تعدی، ناچار از خوردن شود، به این معنا که ستم و تعدی و تجاوز سبب اضطرار او شده باشد، خوردن محرمات برای وی جایز نخواهد بود.[۲۵۱] و[۲۵۲] قال الصادق (ع

) .... لیس شیٔ ممّا حرّم الله الّا و قد احَلّه لمن اضطر الیه؛[۲۵۳]

امام صادق (ع) فرمود: هیچ چیز نیست از آن چیزهایی که خداوند حرام کرده است، مگر این‌که آن را برای شخص مضطر حلال کرده است.

قال الصادق (ع):

مَنِ اضطَرَّ الی المَیتهٔ و الدّم و لَحَم الخِنزیر فَلَم یأکُل

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۷

شیئاً مِن ذلک حَتی یموتَ فهو کافرٌ؛[۲۵۴]

امام صادق (ع) فرمود: هر کس به گوشت مردار و خون و گوشت خوک مضطر شود و از آن‌ها تناول نکند تا بمیرد، [به حکم خدا] کفر ورزیده است.

گویا در این روایت، امام صادق (ع) رفع اضطرار را واجب شرعی تلقی کرده و امتناع از آن را مخالفت با خداوند متعال و مصداق کفر به حساب آورده است.

مقدس اردبیلی در تعریف اضطرار می گوید:

الاضطرارُ مالم یمکِنِ الصبرُ علیه مِثلُ الجوعِ؛[۲۵۵]

اضطرار آن است که صبر بر آن ممکن نباشد، مانند گرسنگی.

در تعریف دیگر از «اضطرار» گفته شده است:

واقع شدن شخص تحت شرایط و موقعیت تهدیدآمیز که خروج از آن مقتضی ارتکاب فعلی باشد.[۲۵۶] خنثای مشکل یا دو جنسی کامل در اضطرار واقع شده است و زندگی وی مصداق آشکار اضطرار است و تغییر جنسیت برای وی یک امر ضروری و غیر قابل انکار است. او با تغییر جنسیت می‌تواند از «بلا تکلیفی جنسی» خارج شده و در این صورت، امکان شرعی ازدواج برای وی فراهم گشته و از «رعایت احتیاطهای شرعی» خلاصی پیدا می کند. وی دچار بیماری شدید جسمی است و برای بقای حیات خویش و کسب سلامتی، نیازمند عمل جراحی است. بنابراین، حتی اگر معتقد شویم که تغییر جنسیت، حرام است، این امر، برای خنثای مشکل، به دلیل بیماری شدید جسمی مجاز خواهد بود.

در تأیید مطلب فوق می‌توان گفت که برخی مراجع تقلید شیعه که تغییر جنسیت در مورد افراد سالم را حرام می‌دانند، در مورد «خنثای مشکل» معتقدند که این گروه اگر توان مالی و جسمی دارند، برای آنان تغییر جنسیت واجب است چنان آن‌که آیت‌الله

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۸

میرزا جواد تبریزی، معتقد است که: تغییر جنسیت جایز نیست.[۲۵۷] با این حال، با استفتایی که نگارنده از ایشان در مورد «تغییر جنسیت خنثای مشکل» انجام داد، اظهار داشتند:

اگر برای آنان [خنثای مشکل] امکان [مالی، جسمی] وجود داشته باشد، واجب است تغییر جنسیت دهند.

فقها[۲۵۸] و حقوق دانان[۲۵۹] اهل سنت که عمدتاً با تغییر جنسیت مخالف هستند و آن را حرام می‌دانند، در مورد تغییر جنسیت افراد خنثی، بویژه خنثای مشکل به جواز آن اعتقاد دارند.

گفتار دوم: تمسک به قاعده نفی عُسرو حَرَج

اشاره

قاعـده نفی عسـر و حرج، از قواعـد معروف فقهی است که در تمـام باب‌هـای فقه قابـل جریـان است. «عُسـر» ضـد معنای «یسـر» و به معنـای: ضـیق، تنگی، تنگنـا و مشـکل است. «حَرَج» نیز به معنـای: تنگنـا و سـختی است. البته بـا این تفـاوت که عُسـر از لحـاظ معنا، خفیف‌تر از حرج است. به عبـارت دیگر، حرج، تنگنـا و مشـکل بسـیار شدیـد را گوینـد.[۲۶۰] در هر حـال، هر دو از لحـاظ حکم یکسان است؛ یعنی هر گاه تنگی و مشـکل و شـدتِ غیر قابل تحمل وجود داشـته باشـد، حکم برداشـته شده است. اگر عسـر و حرج ناشـی از یک تکلیف خارج از طاقت انسان باشـد و موجب اختلال نظام زنـدگی فرد و جامعه گردد، چنین حکمی از انسان برداشـته می‌شود.

استفاده از قاعده نفی عسر و حرج یا نفی اضطرار در ارائه خدمات پزشکی توسط جنس مخالف، در واقع استمداد از «عناوین ثانویه» است. لذا بجاست ابتدا توضیح مختصری درباره این دو عنوان داده شود.

تغییرجنسیت، ص: ۱۶۹

عناوین اولیه، احکامی هسـتند که صرف نظر از عوارض مختلفی که بر آن‌ها عارض می‌گردد، مورد توجه قرار گیرند. مانند: حرمت خوردن گوشت مردار و حرمت نظر و لمس بـدن نامحرم. اما در عناوین ثانویه، با رعایت مصـلحت- البته درچار چوب قواعد دقیق و شنـاخته شـده فقهی و در مرزهـای معیـن حکم شـرعی- به صـورتی متفـاوت بـا آن‌چه که از عنـاوین اولیه اسـتنباط می‌شـود، جـاری می‌گردد. مانند مجاز بودن خوردن همان گوشت مردار برای کسی که در اضطرار و خطر جانی قرار گرفته (البته تا مرز رفع خطر، نه بیش‌تر از آن)، یـا لمس و نظر به بـدن بیمار توسط پزشك و پرسـتار از جنس مخالف (البته در محـدوده ضـرورت قطعی، نه فراتر از آن). به عبارت دیگر، می‌توان تفاوت‌های زیر را در این دو مورد به شرح ذیل یافت:

۱. عناوین اولیه مشخص‌اند ولی عناوین ثانویه، تابع قاعده «الاهم فالاهم» می‌باشد.

۲. عناوین اولیه پایدار و ثابت است، اما عناوین ثانویه موقت و برحسب ضـرورت، در مکان یا زمان معین و نزد شـخص معیّنی جاری می‌گردد.

۳. عناوین اولیه نسبت به همهٔ افراد یکسان است، اما عناوین ثانویه نسبت به اشخاص، متغیر است.

همـان‌گونه که اشـاره شـد، بهره‌گیری از عنـاوین ثـانویه تابع قواعـد مشـخص فقهی است و عمـده‌ترین موارد رجوع به عناوین ثانویه عبارتند از: ضرورت و اضطرار، نفی عسر و حرج، مقدمه واجب، استفاده از قاعده لاضرر، حکم ولی فقیه در مصالح اجتماعی، حفظ نظام اسلامی و .....

در هر حـال، از جمله قواعـد فقهی که به کمـك آن‌هـا دشواری‌هـای غیر قابـل تحمل بر طرف و بن بست‌ها موقتاً به خاطر مصـلحت بزرگ‌تر گشوده می‌شود، «قاعـده نفی عسـر و حرج» است که در خـدمات پزشـکی قرن‌ها مورد اسـتفاده قرار گرفته است، و حتی با

فراهم کردن شرایط مناسب و غیر اضطراری نیز، هر لحظه که پای اضطرار و حرج، مجدداً به میان آید، توسل به آن‌ها میسر و کارگشا است. البته چنین توسلی باید در حریم تعیین شده صورت گیرد و به حداقل ضرورت اکتفا شود.

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۰

لازم است یادآور شویم که مساله حرج و عسر با دشواری‌های قابل تحمل فرق دارد، زیرا اصولا انجام برخی دستورات شرعی ذاتاً مشکل است و باید به خاطر مصالح مهمی که در کار است آن مشکلات را تحمل کرد، چنان که روزه، جهاد و مانند این‌ها هر کدام مشکلاتی دارند و از مصادیق حرج محسوب می‌شوند.

در این جا، از باب نمونه، تنها به چند دلیل، از آیات و روایات مربوط به قاعده نفی عسر و حرج اشاره می‌شود:

بند اول: کتاب

آیاتی از قرآن کریم بر قاعده نفی عسر و حرج دلالت دارد. برخی از آن‌ها از این قرار است:

۱. وَ ما جَعَلَ عَلَیکُم فی الدّینِ مِن حَرَجٍ؛[۲۶۱]

و خداوند در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.

۲. یرید اللهُ بِکمُ الیسر و لا یریدُ بِکُمُ العُسر؛[۲۶۲]

و خداوند راحتی شما را می‌خواهد و نه زحمت شما را.

۳. ما یرید اللهُ لِیجَعَلَ عَلَیکُم مِن حَرَجٍ؛[۲۶۳]

خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند.

این آیات شریفه، دلالت واضح بر این امر دارند که خداوند متعال در دین مقدس اسلام، حکم حرجی تشریع نکرده است، بلکه دین اسلام، سهل و سمحه است و افراد متدین به این دین، از ناحیه احکام شرعی در وسعت و سعه هستند. از این رو، از ناحیه هر حکمی که حرج و استیصال و مشقت لازم آید، به دستور این آیات شریفه، این حکم برداشته شده است.[۲۶۴] امام صادق (ع) درباره خوارج نهروان- که زندگی خشک،

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۱

بی‌منطق و دشواری را برای خود انتخاب کرده بودند- فرمودند:

انّ الخوارجَ ضَیقوا علی انفُسهم بِجهالَة و إنّ الدّینَ اوسعُ مِن ذلکَ؛[۲۶۵]

همانا خوارج، از روی نادانی بر خویشتن سخت و تنگ گرفته بودند، در حالی که دین وسیع‌تر از آن است (که آن‌ها فکر می کنند).

بند دوم: سنت

روایت‌های متعددی از معصومان علیهم السلام نقل شده که مبنای قاعده نفی عسر و حرج قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، روایت زیر است:

روایت عبد الاعلی آل سام:

قُلتُ لِابی عَبدالله (ع): عَثَرتُ فَانقَطَعَ ظَفری فَجَعَلتُ عَلی اصبَعی مَرارَةً فَکیفَ اصنَعُ بالوُضوءِ؟ قال: یعرفُ هذا و اشباهُهُ مِن کتابِ اللهِ عَزَّوجَلَّ: قال اللهُ ما جَعَلَ عَلیکُم فی الدّینِ مِن حَرَج، امسَح عَلَیهِ؛[۲۶۶]

راوی به امام صادق (ع) می‌گوید: به زمین برخورد کردم و ناخنم جدا شد. انگشت را با پارچه‌ای بستم. حال چگونه وضو بگیرم؟ امام (ع) فرمود: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا روشن می‌شود، زیرا خداوند فرموده است در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است، پس بر آن مسح کن.

ازاین پاسخ امام صادق (ع) نکات زیر به دست می‌آید:

۱. نفی حرج، یک قاعده کلی است و طبق رهنمود امام (ع) می‌توان از آن برای رفع احکامی که برای مکلفان، مضیقه ساز و مشقت آور است، استفاده کرد.

۲. از این‌که امام (ع) به جای نفی حرج ذیل آیه وضو- که تناسب بیش‌تری با سوال دارد- به نفی حرج مذکور در آیه ۷۸ سوره حج استناد می‌کند، چنین بر می‌آید که

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۲

لاـحرج مذکور در آیه اخیر، علاوه بر این‌که از عمومیت و شمول بیش‌تری نسبت به آیه وضو برخوردار است، بیش‌تر مربوط به حرج عرفی است تا حرج ذاتی که در آیه وضو ذکر شده است.[۲۶۷] وضعیت جسمی در خنثای مشکل یا دو جنسی کامل، مصداقی روشن از عسر و حرج و مشقت است که زندگی را برای وی بسیار ناراحت‌کننده قرار داده است. رعایت احتیاطهای شرعی نیز برای آنان دشوار است. از این رو، آنان می‌توانند با تغییر جنسیت، خود را به جنس مطلوب تبدیل نمایند و چنان‌چه فرضاً تغییر جنسیت حرام باشد، به دلیل قاعده نفی عسر و حرج، حکم تکلیفی حرمت برداشته می‌شود.

آیت‌الله سید محمد صدر نیز معتقدات هرگاه کسی مانند خنثی، گرفتار حرج و مشکل فراوان شده باشد جایز است تغییر جنسیت داده و جنسیت واحد اختیار کند تا از جهت انجام تکالیف شرعی در مشکل واقع نشود. وی می‌گوید:

این‌که فرد از ناحیه جنسیت فعلی‌اش، و قبل از تغییر جنسیت، چه دنیوی و چه دینی، در دشواری و مشکل شدید باشد، مانند آن جایی که شخص، خنثی باشد. او از جهت رعایت احتیاطهای شرعی در سختی شدید است. او می‌خواهد به جنس مرد یا زن تغییر جنسیت دهد، تا به صورت معین و مشخص [و به عنوان مرد یا زن] وظایف شرعیِ خویش را انجام دهد.[۲۶۸] ایشان در ادامه کلام فوق می‌گوید: یکی از موانع شرعی برای تغییر جنسیت خنثای مشکل، وجود «ضرر» است. به عبارت دیگر، تغییر جنسیت همراه با ضرر [جسمی یا مالی یا ...] است، و هر کاری که همراه با ضرر و زیان باشد، از نظر شرعی ممنوع است.

امّا در ادامه، ایشان از اشکال فوق این گونه پاسخ می‌دهد که تحمل این ضرر،

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۳

عقلاـیی است؛ چه این‌که انجام احتیاطهای شرعی برای خنثای مشکل، بسیار سخت و دشوار است. برای مثال، خنثای مشکل نمی‌تواند با هیچ فردی، چه زن و یا مرد ازدواج کند.[۲۶۹] در حالی که اگر خنثای مشکل به مرد تبدیل گردد، احکام خنثی از او برداشته شده و احکام مردها برای او ثابت می‌گردد. نیز چنان‌چه خنثای مشکل به زن تبدیل شود، احکام زنان برای وی ثابت می‌گردد.[۲۷۰] علاوه بر این، گفته شده که تغییر جنسیت از نظر اخلاقی نیز مذموم است؛ چون اقدام به تغییر جنسیت، حاکی از «عدم رضایت فرد به خلقت خویشتن» و «تلاش برای تغییر خلقت الهی» است، تا جایی که گفته شده که تغییر جنسیت به این دلیل، حرام است.[۲۷۱] در ارتباط با کلام فوق چند نکته بیان می‌شود:

اولًا، به صرف وجود یک نکته اخلاقی، حرمت فقهی به عنوان یک حکم شرعی ثابت نمی‌شود.[۲۷۲] آن‌چه به عنوان منابع فقه ثابت شده است عبارتند از: کتاب، سنت، عقل و اجماع. بنابراین، استنباطات اخلاقی بدون استناد به یکی از منابع چهارگانه فقهی، حکم شرعی فقهی را اثبات نمی‌کند و هرگز نمی‌توان آن را به عنوان یک حکم شرعی به شارع مقدس یا قانون گذار الهی نسبت داد.

ثانیاً، اقدام خنثای مشکل به تغییر جنسیت و تلاش وی برای تبدیل به یکی از دو جنس مرد یا زن، به معنای: «عدم رضایت فرد از خلقت خویشتن» یا به معنای «تلاش برای تغییر خلقت الهی» نیست، بلکه به معنای کوشش وی برای درمان بیماری جسمی و خروج از اختلال هویت جنسی است. وی با تغییر جنسیت می‌تواند به یکی از دو جنس مرد یا زن تبدیل شده و از انجام احتیاطهای شرعی- که نوعا خنثاهای مشکل قادر به انجام آن نیستند- نجات پیدا کند. برای مثال، امکان ازدواج با جنس مخالف خویش را پیدا می‌کند.

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۴

نیز، اقدام خنثای مشکل یا دو جنسی کامل به عمل جراحی، از نظر عقلا پذیرفته شده است و تقریباً همه فقیهان اسلامی، اعم از شیعه و سنی با تغییر جنسیت خنثای مشکل موافقند که توضیح بیش‌تر در صفحات آینده می‌آید.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

خنثای مشکل، یا دو جنسی کامل یا هرمافرودیت حقیقی، به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی، جنسیت بینابین و دوگانه دارد و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. این عده ملزم به رعایت احتیاطهای شرعی بوده، و برای مثال، ازدواج برای آنان حرام است، چه این‌که این احتمال وجود دارد که وی با هم جنس خویش وصلت کرده باشد، که در این صورت، ازدواج آنان باطل و روابط جنسی آنان نامشروع خواهد بود.

اگرچه برخی فقهای شیعه و تمام فقیهان اهل سنت به حرمت تغییر جنسیت در انسان سالم معتقدند، با این حال، در مورد خنثای مشکل یک وحدت عقیده وجود دارد و همه آنان به جواز تغییر جنسیت خنثای مشکل معتقد شده‌اند. اما توجه به این نکته ضروری است که «جواز» به معنای «ضرورت و الزام به تغییر جنسیت» نیست. تنها در صورتی که امکان مالی و توان جسمی وجود داشته باشد برای رفع بلاتکلیفی و خروج از وضعیت مبهم جنسی، تغییر جنسیت واجب خواهد بود. بنابراین، سخن شیخ طنطاوی،[۲۷۳] مفتی مصر، که به وجوب عمل جراحی برای خنثی معتقد شده است، قابل مناقشه است. لذا، نمی‌توان گفت که انجام عمل جراحی یا هورمون درمانی بر شخص واجب است؛ زیرا ممکن است افرادی باشند که از انجام عمل جراحی ترس داشته باشند و یا به علت کهولت سن و پیری، توان یا حوصله درمان را نداشته باشند و یا به دلیل بالا بودن هزینه درمان، توان مالی نداشته باشند.

نتیجه آن‌که در مشروعیت یا جواز تغییر جنسیت خنثای مشکل یا دو جنسی کامل، مخالفت خاصی وجود ندارد و این عده می‌توانند بر مبنای نظریه متخصص به جنسی ملحق شوند که متخصص برای آنان تشخیص داده است.

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۵

آن‌چه بیان شد جواز تغییر جنسیت افراد خنثی، با ملاحظه امر ثانوی یعنی وجود حرج و اضطرار است. از نظر اصلی اولی، تغییر جنسیت فی حد نفسه حرام نیست و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. توضیح بیش‌تر این مسأله در فصل سوم خواهد آمد.

مبحث سوم: ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل

اشاره

خنثای غیر مشکل، با توجه به قرائن و امارات شرعی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می‌شوند. به عبارت دیگر، تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است و بر این اساس، می‌توانند ازدواج کنند و احکام شرعی دیگر را باید متناسب با جنسیت خویش انجام دهند.

اما این سخن به این معنا نیست که این گروه، فاقد مشکل جسمی هستند، بلکه مانند «خنثای مشکل» دارای ابهام و اشکال جنسی هستند و در مورد آنان، حالت برزخ جنسی به گونه‌ای است که گاه حالت‌های جنس مخالف در وجود آنان ظاهر شده و شدیداً آنان را آزار می‌دهد. برای رفع تحیر جنسی و خلاصی از بلا تکلیفی، عمل جراحی برای آنان ضرورت دارد تا کاملًا به یک جنس (مذکر یا مؤنث) سوق داده شوند. تغییر جنسیت در مورد آنان، به معنای تبدیل خنثی به مرد یا زن است. آیا این عمل حرام است؟

به نظر می‌رسد عمل جراحی و تغییر جنسیت جایز است. برخی از دلایلی که می‌توان برای جواز تغییر جنسیت «خنثای غیر مشکل» بیان کرد، همان است که در بحث «خنثای مشکل» گذشت. مانند: استناد به قاعده نفی عسر و حرج، استناد به قاعده نفی اضطرار و مانند آن. البته استناد به این دو قاعده، به عنوان «حکم ثانوی» است و تغییر جنسیت- همان طور که پیش‌تر تذکر داده شد و در آینده به تفصیل توضیح داده می‌شود- فی حد نفسه مجاز است و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.

از نظر برخی فقیهان اسلامی، تغییر جنسیت حقیقی؛ یعنی تبدیل مرد به زن و یا بر عکس، تا به حال اثبات نشده است، و بلکه یکی از مصادیق تغییر جنسیت، الحاق «خنثای غیر مشکل» به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث است. آیت‌الله علی مشکینی می گوید:

ظاهر آن است عمل جراحی تغییر جنسیت برای خنثی جایز است، پس اگر به

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۶

یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق شود و به صورت معین، آثار آن جنس در وی ظاهر شود، در این حالت، تغییر جنسیت صدق می‌کند و آثار شرعی جنس جدید [مرد یا زن] بر وی جاری خواهد شد، و اگر آثار هیچ کدام از دو جنس مذکر و مؤنث در وی ظاهر نشود، وی «خنثای مشکل» است.[۲۷۴] آیت‌الله محمد مؤمن قمی نیز معتقد است عنوان «تغییر جنسیت» در عمل جراحی خنثای غیر مشکل صدق می‌کند. وی می گوید:

اگر تغییر جنسیت صدق کند، تنها در خنثای غیر مشکل، در صورتی که آلتی را قطع کند که جنسیت از آن پیروی می‌کند، صدق خواهد کرد، مانند خنثایی که حکم به مرد بودن او شده، آلت تناسلی مردانگی خود را از بیخ برکند، تا جنبه زنانگی وی تقویت شود و به زنان بپیوندد.[۲۷۵] از نظر برخی فقیهان اسلامی، تغییر جنسیت دو نوع است: تغییر جنسیت واقعی و تغییر جنسیت ظاهری (صوری). به اعتقاد ایشان، تغییر جنسیت حقیقی تنها در «دوجنسی‌ها» اتفاق می‌افتد. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در این باره می گوید:

تغییر جنسیت اگر صوری باشد جایز نیست و اگر واقعی باشد [که] این امر در افراد دوجنسی واقع می‌شود، به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز و گاه واجب است.[۲۷۶] با توجه به کلام فوق، تغییر جنسیت افراد دوجنسی گاه جایز، و در برخی موارد واجب است. جایز بودن در صورتی است که هیچ واجبی، فوت نشود و هیچ حرامی انجام نشود اما چنان‌چه باقی ماندن بر حالت دو جنسی، موجب یکی از دو حالت فوق (ترک واجب یا

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۷

ارتکاب حرام) گردد، تغییر جنسیت با تمکّن مالی و جسمی واجب خواهد شد.

«تغییر جنسیت» از عناوین و اصطلاحات جدید است که در متون دینی و کلمات فقهیان پیشین نیامده است. بنابراین، نمی‌توان در کتب قدما برای آن تعریفی پیدا کرد. تنها برخی از فقیهان معاصر از اصطلاح «تغییر جنسیت» تعریف ارائه داده‌اند. البته تعریف ارائه شده گاه غیر صریح و گاه صریح می‌باشد. برای مثال، در کلام امام خمینی آمده است که تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس مرد یا زن، با عمل جراحی حرام نیست.[۲۷۷] از مفهوم کلام ایشان بر می‌آید که تغییر جنسیت دارای چهار حالت یا مصداق است: ۱. تبدیل مرد به زن. ۲. تبدیل زن به مرد. ۳. تبدیل خنثی به مرد. ۴. تبدیل خنثی به زن.

پیش‌تر بیان شد[۲۷۸] که تغییر جنسیت در تعریف مشهور فقیهان معاصر[۲۷۹] عبارت است از: «تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد». به نظر می‌رسد تغییر جنسیت در اصطلاح عرف عبارت است از: تبدیل مرد به زن یا بالعکس، تبدیل خنثی به مرد یا زن و تبدیل مرد یا زن به خنثی. بنابراین، از نظر عرف، تغییر جنسیت دارای شش مصداق یا حالت است که عبارتند از: ۱. تبدیل مرد به زن ۲. تبدیل زن به مرد ۳. تبدیل خنثی به مرد ۴. تبدیل خنثی به زن ۵. تبدیل مرد به خنثی ۶. تبدیل زن به خنثی.

البته برخی فقیهان معاصر، اصطلاح «تغییر جنسیت» را شامل تبدیل و تغییر جنسیت حیوانات نیز دانسته‌اند. آیت‌الله سید محمد صدر می گوید:

.... إذ قد یخطر فی البال وجود المصلحهٔ فی تحویل جنس الحیوان أیضاً؛[۲۸۰] به نظر می‌رسد گاهی اوقات در تغییر جنسیت حیوان نیز مصلحت وجود دارد.

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۸

باید توجه داشت که حکم جواز تغییر جنسیت یا اصلاح جنسیت در مورد خنثای غیر مشکل، به صورت مطلق نیست. توضیح آن که، خنثای غیرمشکل دو قسم است: خنثای انثی و خنثای مذکر. در ادامه، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در هر یک، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

گفتار اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای انثی

اشاره

خنثای انثی، خنثای غیر مشکلی است که با توجه به علائم و امارات شرعی، به جنس مؤنث ملحق شده و احکام زن بر او جاری می‌شود. این فرد، حالت زن بودنش، به حالت مرد بودنِ وی غلبه و ترجیح دارد، و به گونه ضعیف و ناقص، حالت و صفاتِ مردانه در او بروز و ظهور دارد.

تغییر جنسیت یا اصلاح جنسیت در خنثای انثی، به معنای حذف آلت مردانه است. وی به دلیل بیماری و حالت اضطرار و عُسر و حرج که گرفتار آن شده است، از نظر شرعی مجاز به عمل جراحی است؛ البته در صورتی که توان مالی و جسمی برای چنین عمل جراحی وجود داشته باشد.

در این حالت، این پرسش مطرح است که آیا خنثای انثی، مجاز است که با عمل جراحی، علائم زنانگی خویش را حذف نماید و خود را به مردان ملحق سازد؟

در پاسخ باید گفت که در خنثای انثی، دو گونه عمل جراحی ممکن است صورت پذیرد که لازم است هر یک به صورت مستقل

مورد بررسی قرار گیرد:

حالت اول: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای انثی به زن کامل و حذف آلت تناسلی مردانه.

حالت دوم: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای انثی به مرد و حذف آلت تناسلی زنانه.

در ادامه، هر یک از دو حالت فوق را بررسی می‌کنیم:

بند اول: تبدیل خنثای انثی به زن کامل

عمل جراحی در این حالت، در واقع «اصلاح جنسیت» است و اطلاق عنوان «تغییر جنسیت» بر این فرض صحیح نیست؛ زیرا حالت زن بودن در وی غلبه و ترجیح دارد و

تغییرجنسیت، ص: ۱۷۹

آلت مردانه که ضعیف است با عمل جراحی حذف می‌شود. نهایت چیزی که در این حالت اتفاق می‌افتد، تقویت جنسیت غالبِ خنثای غیر مشکل است و تبدیل موضوع (تبدیل مذکر به مؤنث یا بالعکس) نیز پدیدار نشده است و بعد از عمل هم، شخص موظف به انجام تکالیف خویش بر اساس جنسیت غالب است. از این رو، آیت‌الله سید محمد صدر می‌گوید:

هنگامی که خنثای غیر مشکل به غیر خنثی تبدیل می‌شود. در این حالت، خنثای غیر مشکل از نظر شرعی مرد یا زن خواهد بود، همان طور که توضیح آن در کتاب ارث گذشت.

یا خنثای غیر مشکل به همان جنسیتی که قبلًا برای او ثابت شده بود تبدیل می‌شود. برای مثال، خنثای غیر مشکل- براساس علائم و امارات شرعی- به عنوان مرد شناخته شده بود و بعد از عمل به مرد کامل تبدیل می‌گردد؛ یا این‌که خنثای غیرمشکل قبلًا به عنوان زن شناخته شده بود و بعد از عمل به زن کامل تبدیل می‌شود؛ در این حالت، هیچ حکمی از احکام شرعیه این فرد تغییر نمی‌کند.

یا خنثای غیر مشکل به غیر آن جنسی تبدیل می‌شود که قبلًا برای او (از نظر شرعی) ثابت شده بود. (برای مثال، قبل از عمل جراحی، براساس علائم و امارات شرعی مرد شناخته شده بود، ولی بعد از عمل جراحی به زن تبدیل شده است، یا قبلًا زن شناخته شده بود و بعد از عمل جراحی به مرد تبدیل شده است)، این نوع عمل جراحی، از نوع تغییر جنسیت مرد به زن یا زن به مرد است که قبلًا توضیح آن گذشت.[۲۸۱] حالت اول که «اصلاح جنسیت» است در واقع، نوعی معالجه و درمان است و برای

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۰

رفع «تحیر جنسی» و برطرف ساختن نارسایی جنسی، عمل جراحی برطبق نظر پزشکان متخصص بلا اشکال است. این عمل جراحی، اگر به دلیل ضرورت پزشکی و یا به دلیل عسر و حرج باشد، نافی حرمت لمس و نظر حرام است. به عبارت دیگر، پزشک معالج، چنان‌چه مجبور به لمس و نظر به عورت بیمار باشد، مرتکب فعل حرام نشده است.

بند دوم: تبدیل خنثای انثی به مرد

عمل جراحی در حالت دوم، مصداق «تغییر جنسیت» است؛ چه این‌که با توجه به علائم و امارات شرعی، خنثای غیر مشکل به زنان ملحق شده است و از نظر شرعی، احکام زنان بر وی جاری است. پس اگر آلت تناسلی زنانه با عمل جراحی حذف شود، «تغییر جنسیت» صدق می‌کند.

به نظر می‌رسد دلیلی بر حرام بودن این گونه عمل جراحی وجود ندارد، نهایت آن‌که باید از ملازمات حرام پرهیز کرد (در مباحث آینده ادلهٔ جواز تغییر جنسیت خواهد آمد).

البته اگر برای چنین عمل جراحی، ضرورت و اضطرار وجود داشته باشد، عمل جراحی تغییر جنسیت بلا- مانع است. از این رو، آیت‌الله محمد مؤمن قمی می گوید:

دلیلی بر حرام بودن این گونه عمل جراحی وجود ندارد؛ زیرا فردی که به این عمل می‌پردازد، پیش از عمل، جزء یکی از دو صنف (مرد یا زن) بوده و حکم یکی از این دو را داشته است، امّا پس از انجام عمل جراحی، عنوان پیش بر او صدق نمی کند و در نتیجه، دلیل‌های احکام این عنوان هم او را در بر نمی گیرند، بلکه عنوان مقابل (عنوان جدید) بر او صدق می کند و بناگزیر، دلیل احکام این عنوان هم، او را در بر می گیرد و هیچ مشکلی درباره وی تصور نمی‌شود.

بر این اساس، دو عنوان این جا (عنوان قدیم و عنوان جدید) همانند دو عنوان: حاضر و مسافرند. بدین معنا که هیچ بازدارنده‌ای وجود ندارد که فردی از دایره یکی از دو عنوان بر آید و در دایره عنوان دیگر، در آید و دلیل عنوان پیشین هم او را در بر نمی گیرد، بلکه دلیل عنوان جدید او را در بر می گیرد و پس از

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۱

انجام عمل جراحی، حکم عنوان جدید بر او بار می‌شود.

بنابراین، هیچ دلیلی در این جا بر حرام بودن اصل عمل تغییر جنسیت، وجود ندارد، لکن این عمل، گاه مستلزم کار حرام است، از قبیل نگاه کردن به شرمگاه و لمس کردن آن در صورتی که حرام باشند.

در نتیجه، برای انجام جراحی هیچ راه شرعی وجود ندارد، مگر در کودک، پیش از آن‌که به سن بلوغ و تشخیص برسد و یا در موردی که پزشک جرّاح شوهر و یا همسر فردی باشد که روی او عمل جراحی انجام می‌شود. البته این هم، برابر دیدگاهی است که می گوید: فرد مورد عمل جراحی قرار گرفته، به صرف کندن آلت تناسلی و بخیه زدن محلی، از صنف قبلی خارج نمی‌شود. این دیدگاه در خور درنگ است.[۲۸۲] در رابطه با کلام فوق، چند نکته بیان می‌شود:

نکته اول

یکی از مهم‌ترین روش‌های تعیین جنسیت، وجود «آلت تناسلی مردانه یا زنانه» است. طبیعی است که با عمل جراحی و حذف آلت تناسلی، فرد از جنسیت سابق خارج می‌شود، و یا لااقل جنسیت سابق وی مورد تردید است. حال اگر فرضاً یکی از زوجین، خود مستقیماً به عمل جراحی اقدام نماید و همسر خویش را تغییر جنسیت دهد، ازدواج سابق منحل شده، و هیچ گاه در وضعیت جدید، رابطه زوجیت سابق وجود نخواهد داشت. از این رو، نویسنده فوق معتقد است: این‌که فرد با حذف آلت تناسلی، از

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۲

جنسیت خویش خارج نشود، در خور درنگ است.

نتیجه مطلب بالا این خواهد بود که حتی یکی از زوجین- اگر پزشک جراح باشد- نمی‌تواند همسر خویش را تغییر جنسیت دهد؛ چه این‌که به صرف عمل جراحی و حذف آلت تناسلی، ازدواج سابق باطل خواهد شد و بنابراین، محرمیت وجود نخواهد داشت. در نهایت، تداوم عمل جراحی حرام خواهد بود؛ چون مستلزم لمس حرام و نظر به نامحرم خواهد بود.

آیت‌الله محمد آصف محسنی نیز به حرمت تغییر جنسیت یکی از زوجین توسط دیگری معتقد است. وی در این باره چنین می گوید:

عمده مطلبی که عمل تغییر جنسیت را حرام می کند، عبارت است از لمس عورت و بدن و نظر به عورت و بدن، که این امر، هم

برای جراح و هم برای شخص خواهان تغییر جنسیت، حرام است. بله، اگر بین پزشک و کسی که خواهان تغییر جنسیت است، رابطهٔ زوجیت وجود داشته باشد، در جواز عمل جراحی، بحث و تردید وجود دارد؛ چون به مجرد خروج یکی از زوجین از جنسیت خویش، ازدواج باطل می‌شود و عمل جراحی، برای آن دو، در صورتی جایز خواهد بود که عقد ازدواج باطل نشود و بعد از عمل جراحی، حرام است؛ چون آن دو با یکدیگر اجنبی (نامحرم) خواهند بود.[۲۸۳] البته دیدگاه دومی نیز در این باره وجود دارد. از نظر برخی فقیهان، «تغییر جنسیت فرد توسط همسر» جایز است. آیت‌الله سید محمد صدر معتقد است: تنها دو راه برای جواز تغییر جنسیت وجود دارد که یکی از آن موارد «تغییر جنسیت توسط همسر» است. وی می گوید:

از نظر فقهی می‌توان دو طریق برای جواز تغییر جنسیت بیان کرد: طریق

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۳

اول، این‌که پزشک جراح برای بیمار حلال باشد، مثل آن‌جایی که پزشک، زوج یا زوجه بیمار باشد. طریق دوم، این‌که فرد در جنس فعلی‌اش، از نظر دنیایی یا دینی در حرج شدید باشد، مثل آن جایی که فرد خنثی است.[۲۸۴] در مورد «تغییر جنسیت فرد توسط همسر» دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول به حرمت این نوع تغییر جنسیت معتقد است که دلیل آن گذشت. دیدگاه دوم به جواز این نوع تغییر جنسیت معتقد است. در مورد قول دوم، دلیلی ذکر نشده است ولی از محتوای کلام آنان می‌توان این دلیل را بیان کرد که: زن و شوهر نسبت به یکدیگر مَحرم بوده و می‌توانند به تمام اعضای دیگر نگاه کنند. بنابراین، اقدام به عمل جراحی، توسط همسر هیچ محذور شرعی ندارد.

در مقابل، دیدگاه اول معتقد است اگر چه قبل از عمل جراحی، جواز لمس و نظر برای زوجین وجود دارد، ولی به محض عمل جراحی و قطع آلت تناسلی، فرد از جنسیت فعلی‌اش خارج شده و ازدواج نیز باطل می گردد. بنابراین، محرمیت و جواز نظر از بین می‌رود.

به عنوان نظر مختار می‌توان گفت: تغییر جنسیت فرد توسط همسر جایز است؛ چون قبل از عمل به دلیل این‌که زوجین مَحرم یکدیگرند، لمس و نظر به عورت حرام نخواهد بود، و در حین عمل و پس از حذف آلت تناسلی، اگر چه زوجیت از بین می‌رود، ولی جراح موظف است برای حفظ حیات بیمار، عمل جراحی را به اتمام برساند و حرمت لمس و نظر به دلیل ضرورت حفظ جان بیمار برداشته می‌شود.

نکته دوم

به طور کلی احکام شرعی تابع موضوعات است، به گونه‌ای که اگر موضوع

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۴

عوض شود، حکم مربوطه نیز تغییر خواهد کرد.[۲۸۵] بسیاری از احکام شرعی تابع جنس مردانه یا زنانه است. این‌که فرد، مرد باشد یا زن، حقوق و تکالیف وی نیز متفاوت خواهد بود.

با این توضیح، چنان‌چه خنثای غیر مشکل- که با توجه به علائم شرعی به گروه زنان ملحق شده است- تغییر جنسیت دهد و به جنس مرد تبدیل گردد، حقوق و تکالیف وی تابع جنسیت جدید وی خواهد بود. شبیه این مسأله، در عنوان «مسافر» و «حاضر» وجود دارد. چنان‌چه یکی از دو عنوان به عنوان دیگر تبدیل گردد، اولًا، تبدیل یک عنوان به عنوان دیگر، منع شرعی ندارد. ثانیاً، حکم اتمام یا قصر نماز، تابع عنوان جدید خواهد بود. از این رو، آیت‌الله سید محمد صدر می گوید:

اگر خنثای مشکل به مرد تبدیل شود، احکام و تکالیف مربوط به خنثی از او برداشته می‌شود و تکالیف مردان برای او ثابت می‌شود.

و هنگامی که خنثای مشکل به زن تبدیل می‌شود، تکالیف زنان برای او ثابت خواهد شد.[۲۸۶] نکته سوم

اصل عمل تغییر جنسیت. منع شرعی ندارد، اما باید از ملازمات حرام مثل لمس و نظر حرام اجتناب شود، مگر در مواردی که خنثای غیر مشکل که تن به عمل جراحی داده، غیر بالغ و غیر ممیز باشد و یا عمل جراحی تغییر جنسیت، بنا به دلایلی، ضرورت اجتناب‌ناپذیر داشته باشد.

گفتار دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای مذکر

یکی دیگر از اقسام خنثای غیر مشکل، «خنثای مذکر» است. خنثای مذکر، خنثای غیر مشکلی است که با توجه به علائم و قرائن شرعی به جنس مذکر ملحق شده و احکام مردان بر وی جاری است. این فرد، حالت مردانه‌اش بر حالت زنانه‌اش غلبه و

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۵

ترجیح دارد و به گونه ضعیف، حالت و ویژگی زنانه در وی ظهور و بروز دارد.

آیا تغییر جنسیت برای وی جایز است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: تغییر جنسیت در خنثای مذکر نیز مانند خنثای مؤنث دارای دو فرض است:

فرض اول: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای مذکر به مرد کامل و حذف آلت تناسلی زنانه.

فرض دوم: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای مذکر به زن و حذف آلت تناسلی مردانه.

فرض اول، در واقع اصلاح جنسیت است و نه تغییر جنسیت؛ چه این‌که حالت مردانه در وی غلبه و ترجیح دارد و آلت تناسلی و علائم زنانگی که در وی به صورت ضعیف است به وسیله عمل جراحی و درمان پزشکی حذف می‌شود. وی چه قبل از عمل و چه بعد از عمل، به عنوان مرد شناخته می‌شود،[۲۸۷] الا ـ این‌که قبل از عمل براساس قرائن و امارات شرعی به عنوان مرد، موظف به انجام تکالیف شرعی بوده است، ولی بعد از عمل، به مرد کامل تبدیل شده و حقیقتاً به عنوان مرد (و نه براساس قرائن و امارات شرعی) وظایف و تکالیف شرعی خویش را انجام می‌دهد.

عمل جراحی تغییر جنسیت جایز است؛ چه این‌که عمل جراحی به منظور معالجه و درمان و برای برطرف ساختن نارسایی جنسی و رفع تحیر جنسی و برطبق نظر پزشکانِ متخصص صورت گرفته است. بنابراین، منع شرعی وجود ندارد. این عمل جراحی که به دلیل ضرورت پزشکی و یا به دلیل عسر و حرج صورت پذیرفته، نافی حرمت لمس حرام و نظر حرام است و پزشک جراح و پرستار چنان‌چه مجبور به لمس و نظر به شرمگاه بیمار باشد، مرتکب فعل حرام نشده است.

در فرض دوم، دلیلی بر حرام بودن آن نداریم و شخص که براساس ملاک‌ها و علائم شرعی به گروه مردان ملحق شده بود، با عمل جراحی به جنس مقابل تبدیل گشته و از این به بعد، احکام زن بر وی جاری است، ولی این عمل گاه مستلزم کار حرام

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۶

است، از قبیل: نگاه به شرمگاه و لمس آن، مگر در مورد کودک پیش از آن‌که به سن بلوغ و تشخیص برسد.[۲۸۸]

جمع‌بندی و بیان نظریه مختار

خنثای غیر مشکل، خنثایی است که با توجه به علائم و قرائن شرعی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق است و از نظر

شرعی، تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است و بر این اساس می‌تواند با جنس مخالف ازدواج کند و تکالیف شرعی خویش را طبق جنسیت غالب خویش انجام دهد.

اما سخن فوق به این معنا نیست که این گروه فاقد مشکل و عُسر و حرج هستند، بلکه مانند خنثی مشکل از دوگانگی جنسی رنج می‌برند. از این رو، انجام عمل جراحی، برای تغییر جنسیت و تبدیل شدن به جنسیت کامل ضرورت دارد.

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۷

فصل دوم تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت

اشاره

عده‌ای دارای جنسیت پنهان هستند و آن‌چه در ظاهر مشاهده می‌شود، خلاف آن چیزی است که در واقع وجود دارد. تغییر جنسیت در مورد این عده به معنای «کشف جنسیت» است و در واقع تغییر جنسیت یا تبدیل جنسیت صورت نمی‌گیرد. اطلاق اصطلاح «تغییر جنسیت» به این نوع عمل جراحی، صوری و ظاهری است و علت اطلاق آن این است که در جامعه چنین فردی به عنوان «زن» شناخته می‌شده است و پس از عمل به عنوان «مرد» شناخته می‌شود و یا برعکس. چنین رخدادی در هر جامعه‌ای پدید آید، مردم از آن به «تغییر جنسیت» یاد می‌کنند، در حالی که این امر چیزی جز «کشف جنسیت» نیست.

در هر حال، در ابتدا دیدگاه امام خمینی درباره «تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت» می‌آوریم و آن‌گاه در توضیح کلام ایشان، چهار مبحث بیان می‌شود.

امام خمینی در مورد تغییر جنسیت این گروه چنین می‌گوید:

لو فرض العلم بأنّه داخل قبل العمل فی جنس مخالف و العملیهٔ لاتبدّل جنسه بأخر بل تکشف عما هو مستور فلا شبههٔ فی وجوب ترتیب آثار الجنس الواقعی و حرمهٔ آثار الجنس الظاهر، فلو علم بأنّه رجل یجب

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۸

علیه ما یجب علی الرجال و یحرم علیه ما یحرم علیهم و بالعکس، و أما وجوب تغییر صورته و کشف ما هو باطن فلا یجب إلّا إذا توقف العمل بالتکالیف الشرعیهٔ أو بعضها علیه و عدم إمکان الإحتراز عن المحرمات الإلهیهٔ الّا به فیجب؛[۲۸۹]

چنان‌چه شخصی قبل از عمل جراحی در جنس مخالف قرار دارد و عمل جراحی، جنسیت وی را تغییر نمی‌دهد، بلکه آن‌چه را پنهان است آشکار می‌سازد، در این صورت، بدون شبهه واجب است آثار جنس واقعی را رعایت نماید، و ترتیب آثار جنس ظاهری حرام است.

بنابراین، اگر بداند که در واقع مرد است، آن‌چه بر مردان واجب است، بر وی واجب و آن‌چه بر مردان حرام است بر وی حرام می‌باشد. و اما تغییر شکل و کشف آن‌چه پنهان است، واجب نیست مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی یا پاره‌ای از آن نیاز به عمل جراحی داشته و احتراز از محرمات الهی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت تغییر شکل با عمل جراحی واجب می‌شود.[۲۹۰] در توضیح کلام فوق چند مبحث بیان می‌شود:

مبحث اول: بطلان و حرمت تغییر جنسیت ظاهری

هرگاه از تغییر جنسیت سخن می‌گوییم، منظور از آن «تغییر جنسیت واقعی» است و فقیهان اسلامی «تغییر جنسیت صوری یا ظاهری» را منع نموده و این کار را حرام و خلاف شرع می‌دانند و اگر بر اساس آن، ازدواجی صورت پذیرد، این ازدواج باطل است، چون این ازدواج، «ازدواج با هم جنس» است. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی می‌گوید:

تغییر جنسیت گاهی صرفاً ظاهری و صوری است، یعنی مثلًا طبیعت بدن مؤنث است و در واقع اثری از آلت انوثیت نیست، بلکه فقط یک جراحی صوری انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت مذکر ظاهر می‌گردد. این کار حرام

تغییرجنسیت، ص: ۱۸۹

است و باید به شدت از آن پرهیز نمود و اگر ازدواجی بر اساس آن صورت بگیرد، حرام و باطل است.[۲۹۱] آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز می‌گوید:

تغییر جنسیت گاهی ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست؛ فقط یک جراحی صوری در او انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می‌گردد، این کار جایز نمی‌باشد.[۲۹۲] و اگر ازدواجی براساس آن صورت گیرد حرام و باطل است و حد شرعی دارد.[۲۹۳] آیت‌الله سید محسن خرازی براین امر تأکید می‌ورزند که تغییر جنسیت باید واقعی و حقیقی باشد و تغییر جنسیت ظاهری مورد بحث و گفت و گو نیست. ایشان در این باره چنین می‌گوید:

مراد ما از تغییر جنسیت خصوص قطع آلت تناسلی و ایجاد حفره‌ای به جای آن نیست تا مرد در امکان نزدیکی، شبیه زن شود؛ زیرا چنین کاری موجب تغییر جنسیت نمی‌شود. بلکه مقصود ما از تغییر جنسیت آن است که هویت و جنسیت مرد به کلی تغییر کند.[۲۹۴]

مبحث دوم: انجام تکالیف براساس جنسیت واقعی

هرگاه جنسیت فرد مخفی باشد و او از این امر اطلاع داشته باشد، لازم است تکالیف و وظایف شرعی خویش را براساس جنسیت واقعی (که پنهان است) انجام دهد؛ چون هرگاه از «جنسیت» سخن می‌گوییم، منظور از آن جنسیت واقعی فرد است و اساساً خطابات شارع مقدس (قانون گذار الهی) به موضوعات واقعی تعلق گرفته است. پس اگر فرد علم و یقین

تغییرجنسیت، ص: ۱۹۰

داشته باشد که مرد است، تکالیف شرعیه مخصوص مردان برای او ثابت است و اگر علم داشته باشد که زن است، تکالیف زنان برای وی ثابت است و صرف اشتباه ظاهری، تغییری در تعلق تکالیف به وجود نمی‌آورد. به عبارت دیگر، اگر فردی به صورت ظاهری زن است، ولی در واقع مرد است، تکالیف به واقع و حقیقت او تعلق گرفته و او موظف است تکالیف و وظایف مردان را انجام دهد. نیز اگر فردی به صورت ظاهری و صوری مرد است، ولی در واقع زن است، حقوق و تکالیف زنان برای وی ثابت است.[۲۹۵]

مبحث سوّم: جواز یا وجوب عمل جراحی برای کشف واقع

یکی از پرسش‌های اساسی این است که کسی که جنسیت واقعی‌اش پنهان است، آیا عمل جراحی به منظور کشف جنسیتِ واقعی‌اش واجب است یا هیچ الزامی وجود نداشته و این عمل صرفاً جایز (مباح) است؟

امام خمینی در این باره می‌گوید: تغییر جنسیت به منظور کشف باطن واجب نیست.

دلیل این امر آن است که هیچ دلیلی برای وجوب عمل جراحی وجود ندارد و هرگاه شخص به وظایف واقعی‌اش عمل کند، ضرورتی برای تغییر جنسیت وجود ندارد. آیت‌الله احمد مطهری در توضیح کلام امام خمینی می‌گوید:

چون دلیلی بر وجوب تغییر جنسیت ولو به عنوان وجوب مقدمی عقلی نداریم، البته اگر انجام وظایف شرعی به عمل جراحی تغییر جنسیت وابسته نباشد.[۲۹۶] همان طور که پیش‌تر گذشت، احکام و خطابات شرعی به «موضوعات واقعی» تعلق گرفته است و فرض آن است که شخص، وظایف خویش را براساس جنسیت واقعی‌اش (که پنهان است)، انجام می‌دهد. بنابراین از این جهت که تغییر جنسیت نداده، هیچ خلاف شرعی مرتکب نشده است. امّا چنان‌چه از جهت عدم تغییر جنسیت، مرتکب

تغییرجنسیت، ص: ۱۹۱

حرام می‌شود، واجب است به عنوان «مقدمه واجب» و به منظور انجام واجبات و پرهیز از ارتکاب محرمات، جنسیت خویش را تغییر دهد.

مطلب فوق مورد اتفاق فقیهان شیعه است که در ادامه به کلام برخی از فقیهان و مراجع تقلید اشاره می‌شود:

۱. آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی:

سؤال: در مورد خنثای کاذب؛ یعنی شخصی که از نظر وراثتی مذکر است، ولی آلت خارجی با آن مخالف است یا برعکس، آیا تغییر جنسیت به گونه‌ای که شکل خارجی با واقع امر هماهنگ شود جایز است؟

پاسخ: مانعی ندارد.[۲۹۷] ۲. آیت‌الله سید علی سیستانی:

هرگاه در واقعیت امر دارای دستگاه تناسلی است که پنهان است، برای او عمل جراحی به منظور آشکار ساختن آلت تناسلی جایز است.[۲۹۸] ۳. آیت‌الله یوسف صانعی:

آشکار نمودن جنس واقعی؛ یعنی کسی که در ظاهر، ویژگی‌های جنسی مخالف را دارد، ولی متعلق به آن دسته و گروه جنسی نیست که در این صورت می‌توان، بلکه لازم است با جراحی جنس واقعی او را آشکار کرد. انجام عمل جراحی برای آشکار نمودن جنس واقعی شخص جایز است، ولی باید عمل جراحی طوری انجام شود که مستلزم حرامی نباشد، و الا عمل حرام به حرمتش باقی است.[۲۹۹]

تغییرجنسیت، ص: ۱۹۲

۴. آیت‌الله حسین علی منتظری:

سؤال: اگر در عمل جراحی، کشف از واقعیت پنهانی شده باشد، مثلًا کسی که در اثر عمل جراحی مرد شده، معلوم شود از اول مرد بوده، آیا احکام تغییر جنسیت بر آن جاری است؟

جواب: ظاهراً در فرض سؤال، تغییر جنسیت صادق نیست و باید آثار کشف خلاف مترتب شود.[۳۰۰] آشکار کردن جنس واقعی، اگر انجام تکلیف و وظایف شرعی بدون آشکار کردن جنس واقعی ممکن نیست، واجب است جنس واقعی را آشکار کنند، ولی اگر انجام تکلیف بدون آن ممکن باشد، واجب نیست، بلکه جایز است.[۳۰۱] ۵. آیت‌الله علی مشکینی:

ظاهر آن است که هیچ اشکالی در جواز تغییر جنسیت در دو معنای ذکر شده [کسی که جنسیت مذکر وی پنهان است و کسی که جنسیت مؤنث او پنهان است] وجود ندارد، بلکه گاه واجب می‌شود.[۳۰۲] ۶. آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی:

زنی که در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان احساس می‌کند، یا برخی از آثار مردی را در خود می‌بیند، واجب نیست خود را تبدیل به جنس مخالف نماید، اگر چه بر آن تمکن و توانایی داشته باشد.[۳۰۳] اساساً از نظر آیت‌الله علی مشکینی، تغییر جنسیت به

معنای واقعی، تنها در مورد «کشف جنسیت پنهان» حاصل می‌شود و حقیقتاً تغییر جنسیت مرد به زن و یا برعکس تاکنون ثابت نشده است. وی می‌گوید:

غرض از بحث تغییر جنسیت، بیان حکم تغییر مرد به زن، یا تغییر زن به مرد

تغییرجنسیت، ص: ۱۹۳

است. و تحقق حقیقی تغییر جنسیت، به گونه‌ای که حال شخص تغییر یافته، در قبل و بعد از تغییر دانسته شود، و این‌که مردی به زن تبدیل شود یا برعکس، تا زمان کنونی ثابت نشده است، و چه بسا عادتاً تغییر جنسیت غیر ممکن باشد، ولی به هر حال، در فقه اسلامی از آن بحث شده و از جمله مسائل جدیده محسوب می‌شود.

بله، ظاهر آن است که یک نوع دیگر تغییر جنسیت امکان دارد، و بلکه واقع هم شده است و آن عبارت است از کسی که ظاهراً متعلق به یک جنس (مذکر یا مؤنث) است، ولی با توجه به قرائن و شواهد، باطن وی بر خلاف جنس ظاهری‌اش می‌باشد.[۳۰۴] آن گاه آیت‌الله علی مشکینی برای تغییر جنسیت به معنای فوق (کشف جنسیت پنهان) دو مثال می‌زنند:

مورد اول: شخصی است که در آغاز تولدش در ظاهر پسر بوده، ولی بتدریج، در قبل یا بعد از بلوغ، آثار دختر بودن در جسم یا روان وی ظاهر می‌گردد، به گونه‌ای پزشکان متخصص تشخیص می‌دهند که اساساً وی دختر است و حتی دارای رحم و امکان زایمان است و آلت تناسلی مردانه، چیزی شبیه یک گوشت بوده که با عمل برداشته می‌شود و جنسیت مؤنث وی تکمیل می‌گردد، و بدین صورت تغییر جنسیت (کشف جنسیت پنهان) حاصل می‌شود.

مورد دوم: عکس مورد فوق است و آن کسی است که در آغاز تولد و در ظاهر، دختر تشخیص داده شده، ولی بتدریج آثار جسمی و روانی پسر در وی ظاهر شده است. با عمل جراحی، آلت تناسلی مردانه در وی ظاهر می‌گردد و بدین صورت،

تغییرجنسیت، ص: ۱۹۴

تغییر جنسیت (کشف جنسیت پنهان) حاصل می‌شود.[۳۰۵]

مبحث چهارم: تکلیف شرعی قبل از عمل

اشاره

شخصی که جنسیتِ واقعی‌اش پنهان است، چنان‌چه پیش از عمل جراحی به واقعیت امر، زن یا مرد بودن خویش یقین پیدا کند، بر وی واجب است که به تکالیف مربوط به جنس واقعی خود عمل کند؛ زیرا عنوان «جنس واقعی» بر او صدق می‌کند و در نتیجه، حکم مترتب بر این جنس او را در بر می‌گیرد.[۳۰۶]

جمع‌بندی و بیان نظریه مختار

در مواردی تغییر جنسیت برای «کشف جنسیت» است. برای مثال، ممکن است آلت تناسلی مردانه درون حفره شکمیِ بیمار قرار گرفته باشد. وی اگر چه در ظاهر به عنوان زن تلقی شده است، ولی در واقع مرد است. با عمل جراحی، جنسیت واقعی ظاهر می‌شود و در واقع، عنوان «تغییر جنسیت» محقق پیدا نکرده است، بلکه «اصلاح جنسیت» صورت گرفته است. این مطلب مورد تأکید برخی فقیهان شیعه قرار گرفته است. برای مثال، آیت‌الله حسین علی منتظری می‌گوید: [در این حالت] تغییر جنسیت صادق نیست و باید آثار کشف خلاف مترتب شود.[۳۰۷] این فرع فقهی یعنی عمل جراحی به منظور کشف جنسیّت از سوی اهل سنت مورد بررسی

قرار نگرفته است، ولی حدود ده تن از فقیهان شیعه درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. در هر حال، پرسش اصلی این است که آیا عمل جراحی به منظور «کشف جنسیت واقعی» واجب است؟ به نظر می‌رسد هیچ الزام شرعی وجود ندارد و دلیلی بر وجوب عمل جراحی وجود ندارد. آن‌چه مهم است این است که بیمار باید وظایف

تغییر جنسیت، ص: ۱۹۵

شرعی را طبق جنسیت واقعی خویش انجام دهد. بنابراین، هرگاه شخص به وظایف واقعی‌اش عمل کند، ضرورتی برای تغییر جنسیت وجود ندارد. آری اگر انجام تکلیف و وظایف شرعی بدون آشکار کردن جنسی واقعی ممکن نیست، واجب است جنس واقعی را آشکار کند.

تغییر جنسیت، ص: ۱۹۷

فصل سوم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد سالم و افراد تراجنسیتی (ترانس‌ها)

اشاره

مطالب مربوط به این فصل در ضمن دو مبحث می‌آوریم:

مبحث اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد سالم

برخی افراد فاقد مشکل جسمی یا روحی هستند و صرفا به دلیل تمایلات نفسانی و یا تنوع طلبی و یا انگیزه‌های دیگری مایل به تغییر جنسیت هستند. در عمل، پزشکانِ جراح با تغییر جنسیتِ این گروه مخالفت می‌کنند. مواردی که این گونه تغییر جنسیت‌ها صورت می‌پذیرد، بسیار نادر و انگشت شمار است، مانند تغییر جنسیت «مایکل جانسون» در آمریکا و تبدیل شدن ایشان به زن.

هر چند این گونه تغییر جنسیت‌ها کم اتفاق می‌افتد، ولی به هر حال، این پرسش مطرح است که آیا تغییر جنسیت در مورد افراد سالم جایز است یا نه؟

مباحث مربوط به تغییر جنسیت در افراد سالم با موضوع تغییر جنسیت در افراد تراجنسیتی (ترانس سکشوال یا خنثای روانی) یکسان است؛ زیرا هر دو مورد (افراد سالم

تغییر جنسیت، ص: ۱۹۸

و افراد ترانس) از نظر جسمی و ظاهری سالم هستند و همانند دو جنسی‌ها، گرفتار بیماری جسمی نمی‌باشند و تنها تفاوت آن دو در این است که افراد ترانس به بیماری روانی شدیدی مبتلا بوده و تمایل آنان برای تغییر جنسیت بسیار زیاد است.

از این رو، برای تمرکز بحث و پرهیز از پراکندگی اقوال و دلایل، مسأله «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد سالم» را در ضمن تغییر جنسیت افراد ترانس (تراجنسیتی) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در تراجنسیتی (ترانس سکشوال یا خنثای روانی)

اشاره

امروزه عمل تغییر جنسیت بیش‌تر مربوط به افراد تراجنسیتی است، یعنی کسانی که از نظر ظاهر سالم بوده، ولی از نظر روحی و

روانی خود را متعلق به جنس مخـالف می‌داننـد. از آن جایی که معالجه اکثر آن‌ها امکان‌پـذیر نیست، برای حل مشـکل عـدم تطابقِ جنسی، به آن‌ها عمل جراحی تغییر جنسیت پیشنهاد می‌شود، تا جنسیت آن‌ها با روح و روان آن‌ها تطابق پیدا کند.

آیا تغییر جنسـیت این عـدّه، جایز است یا خیر؟ این مسأله، معرکه آرا و انظار است و بیش‌ترین مباحث تغییر جنسـیت، در اطراف این مسأله است. در ادامه، ابتدا دیدگاه امام خمینی (ره) درباره جواز تغییر جنسـیت را می‌آوریم، سـپس دیدگاه مخالفین و موافقین تغییر جنسیت بیان می‌شود. بنابراین، مباحث آینده به ترتیب زیر است:

گفتار اول– ادّله موافقین تغییر جنسیت

گفتار دوم– ادّله مخالفین تغییر جنسیت

گفتار اول: ادله موافقین تغییر جنسیت

اشاره

افرادی که از نظر ظاهر، هیچ نقص و عیبی ندارند و به عبارت دیگر، جزو خنثی‌ها (دو جنسـی‌ها) نیسـتند، آیا می‌توانند تغییر جنسیت دهند یا نه؟ برخی فقیهان اسلامی به جواز یا اباحه تغییر جنسیت معتقد شده‌اند و از نظر آنان این عمل حرام نیست؛ البته با این

تغییرجنسیت، ص: ۱۹۹

شرطِ اساسـی که تغییر جنسـیت نبایـد با امور حرام دیگر، مانند: لمس حرام یا نظر حرام همراه گردد. پس اگر تغییر جنسـیت مسـتلزم لمس یـا نظر حرام گردد، تغییر جنسـیت حرام اسـت، مگر در هنگـام ضـرورت و اضـطرار، یـا از بـاب معـالجه و درمـان، کـه در این صورت، تغییر جنسـیت به دلیـل لمس و نظر، حرام نخواهـد بود. نتیجه آن که، اصـل عمـل تغییر جنسـیت، از نظر این گروه از فقیهان اسلامی حرام نخواهد بود، مادامی که مستلزم حرام دیگر نباشد مگر از باب ضرورت و اضطرار.

در ابتدا نظر امام خمینی در جواز تغییر جنسیت آورده می‌شود و آن‌گاه به ادله موافقین تغییر جنسیت اشاره می‌شود:

بند اول: دیدگاه امام خمینی (ره) در جواز تغییر جنسیت

اولین فقیهی که مسأله تغییر جنسـیت را مطرح ساخت، مرحوم امام خمینی است که این بحث را در ضمن «مسائل مستحدثه» از کتاب تحریر الوسیله به رشته تحریر در آورده است. نظر صریح ایشان این گونه است:

الظاهر عـدم حرمـهٔ تغییر جنس الرجل بالمرأهٔ بالعمل و بالعکس، و کذا لا یحرم العمل فی الخنثی لیصـیر ملحقاً بأحد الجنسـین، و هل یجب ذلـک لو رأت المرآهٔ فی نفسـها تمائلات من سـنخ تمائلات الرجـل أو بعض آثـار الرجولیـهٔ أو رأی المرأهٔ فی نفسه تمائلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا کان الشخص حقیقهٔ من جنس و لکن أمکن تغییر جنسیته بما یخالفه؛[۳۰۸]

ظاهر آن است که تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست.

آیـا اگر زنی در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان یا برخی از آثار مردی ببینـد، یا شخصـی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، واجب است تغییر جنسیت دهد یا خیر؟

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۰

چنان‌چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی می‌تواند جنس خود را تغییر دهد و تبدیل به جنس مخالفِ جنس خود بشود، واجب نیست.[۳۰۹] در فتوای امام خمینی نکاتی قابل توجه است که بدان اشاره می‌شود:

۱. فتوای صریح امام خمینی شامل تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد، و نیز شامل تغییر جنسیت خنثی (دو جنسی، هرمافرودیت) به یکی از دو جنس زن یـا مرد می‌شود. بنـابراین، از نظر امـام خمینی، تغییر جنسـیت تنهـا شامـل تبـدیل مرد به زن یا تبـدیل زن به مرد نمی‌شود، بلکه از نظر ایشان، تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث نیز مصداقی از تغییر جنسیت است.

این مطلب از آن جهت مهم است که ممکن است تصور شود که دیدگاه امام خمینی مبنی بر جواز تغییر جنسیت، تنها شامل خنثی‌ها یا دو جنسـی‌ها می‌شود؛ یعنی همان کسانی که از نظر جسـمی بیمار بوده و نیازمند عمل جراحی تغییر جنسـیت هسـتند، در حالی که امـام خمینی بـا صـراحت تمـام، تغییر جنسـیت در مورد افراد سالم را مجاز می‌شـمرند؛ چه این‌که امام خمینی با صـراحت تمام بحث خنثی‌هـا را قسـیم مورد اول (تبـدیل مرد به زن و زن به مرد) قرار داده‌انـد و از نظر ایشان، تغییر جنسـیت مطلقا جایز است؛ خواه تغییر جنسیت مرد به زن یا بر عکس و خواه تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس مرد و زن.

مؤید این مطلب، اسـتفتایی است که از امام خمینی در این باره صادر شده است. توضـیح آن که، فردی به نام فریدون که تراجنسیتی (ترانس یا خنثای روانی) بوده است پس از پی‌گیری فراوان توانست به همراه برخی مسؤولان بلندپایهٔ مملکتی، به محضر امام خمینی رسـیده و بیمـاری خویش را برای امام خمینی توضیـح دهـد. وی هر چنـد از نظر ظاهری هماننـد دیگر مردان بوده است، ولی از نظر روانی و روحی خود را متعلق به جنس مقابل می‌دانست.

توجه داشته باشید که وی «دوجنسی» نبوده، بلکه ترانس سکشوال (خنثای روانی)

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۱

است. با این حال، امام خمینی با تغییر جنسـیت وی موافقت نمود. متن پاسـخ امام خمینی که خانم مریم ملک آرا (فریدون سابق) در اختیار نگارنده قرار داده است از این قرار است:

تغییر جنسـیت با تجویز طبیب مورد اعتماد، اشـکال شـرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشـید و کسانی که شما ذکر کرده‌اید امید است مراعات حال شما را بکنند.

۲. امام خمینی در بیان فتوای خویش، دلیل یا مدرکی ذکر نمی‌کند. دلیل این امر آن است که کتاب تحریر الوسیله، کتاب استدلالی هم چون کتـاب «جواهر الکلام» نیست، بلکه کتاب ایشان، کتاب فتوا و بیان مسائل شـرعی است و اساساً ایشان در صـدد بیان دلیل و مدرک فتوا نبوده‌اند. برخی شاگردان ایشان، ادله‌ای برای فتوای فوق ذکر کرده‌اند که در ادامه خواهد آمد.

۳. چنان‌چه ضـرورت و اضـطراری در تغییر جنسـیت افراد سالم در میان نباشد و شـخص در عسر و حرج واقع نشده باشد، جواز تغییر جنسـیت دارای یک شـرط اساسـی است و آن این که، نبایـد تغییر جنسـیت ملازم با امور حرام و غیرشـرعی مانند: لمس حرام و نظر حرام باشـد. بنـابراین، تغییر جنسـیت کودک نابالغ که به سنّ تشـخیص نرسـیده با اجازه ولی کودک بلامانع است.[۳۱۰] نیز چنانچه فرضاً کسـی از طریق اسـتفاده از هورمون، تغییر جنسـیت دهد، یا لااقل آثار جنس مخالف را در خود پدید آورد، مرتکب فعل حرام نشده است.

البته شـرط فوق، یعنی این‌که تغییر جنسـیت نباید ملازم با امور حرام و غیر شـرعی باشد در کلام امام خمینی (ره) نیامده است؛ گویا آن را مفروغ عنه گرفته‌انـد، ولی برخی شاگردان ایشان به شـرط فوق تصـریح نموده‌انـد.[۳۱۱] ۴. در کلاـم امام خمینی، جواز تغییر جنسیت شامل ترانس‌ها یا خنثای روانی نیز

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۲

می‌شود؛ چه این‌که ایشان می‌گوید:

لو رأت المرأة فی نفسها تمائلات من سنخ تمایلات الرجل ..... او رأی المرءُ فی نفسه تمائلات الجنس المخالف .....؛[۳۱۲]

اگر زن در وجود خویش تمایلات جنس مرد را احساس کند و یا مرد در وجود خویش تمایلات جنس مخالف را احساس کند .....

کلام فوق دقیقاً بر تراجنسیتی‌ها یا خنثای روانی تطبیق می‌کند؛ چه این‌که این عده اساساً از نظر جسمی هیچ مشکلی ندارند، بلکه از نظر روانی و روحی خود را متعلق به جنس مخالف می‌بینند. گاه معالجات در مورد آنان بی‌فایده است، به ناچار پزشک معالج، اجازه تغییر جنسیت می‌دهد.

۵. کلام امام خمینی صراحت دارد که تغییر جنسیت حرام نیست، که معنای دیگر آن «جواز» یا «اباحه» است. در ادامه تصریح می‌کنند که چنین تغییر جنسیتی، واجب نیست. بنابراین، حتی دوجنسی‌ها که دارای آثار جنس مخالف هستند، یا تراجنسیتی (ترانس‌ها) که دارای تمایلات جنس مخالف هستند، موظف به تغییر جنسیت نیستند. بنابراین، با توجه به کلام فوق، خنثی‌ها و حتی «خنثای مشکل» لازم نیست تن به عمل جراحی داده و خود را از دوگانگی جنسی یا ابهام جنسی رها سازند. البته این سخن در صورتی است که واجبات شرعی ترک نشود و یا ارتکابِ محرمات پیش نیاید. از این رو، چنان‌چه باقی ماندن بر حالتِ دو جنسی، موجب ترک واجبات و یا ارتکاب محرمات شود و شخص توان مالی و جسمی برای تغییر جنسیت داشته باشد، بر او لازم است به تغییر جنسیت و رفع ابهام جنسی اقدام نماید.

۶. یکی از اقسام تغییر جنسیت، تبدیل مرد یا زن به خنثی است. چنین تغییر جنسیتی در کلام امام خمینی نیامده است؛ چه این‌که ایشان تبدیل مرد به زن یا برعکس و نیز تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث را بیان داشته است. البته به طور طبیعی، هیچ گاه افراد تمایل ندارند که جنسیت مردانه یا زنانه خویش را به خنثی تبدیل کنند،

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۳

ولی در گذشته چنین مسأله‌ای در دربار پادشاهان مرسوم بوده که عده‌ای را برای حراست از حرمسراها، اخته یا خنثی می‌نمودند، و نیز این احتمال وجود دارد که عمل جراحی تغییر جنسیت به صورت ناقص انجام شود. در نتیجه، شخص کاملًا به جنس مخالف تبدیل نشود و از طرفی، امکان بازگشت به جنس سابق هم وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، به طور ناخواسته، فردی به خنثی تبدیل شده است. آیت‌الله سید محمد صدر در این‌باره می‌گوید:

به طور طبیعی، برای بیمار یا پزشک، تبدیل مرد یا زن به خنثی، مطلوب و مقصود نیست، ولی از نظر فقهی فرض آن ممکن است؛ مثل آن جایی که عمل جراحی برای تبدیل یک جنس به جنس دیگر، رضایت بخش و کامل نباشد، و از طرفی بیمار به جنسیت اولیه خویش نیز باز نگردد. در این حالت، وی خنثی خواهد شد و مرد یا زن محسوب نمی‌شود.[۳۱۳] ایشان در جای دیگر تصریح می‌کند که اساسا این امر عقلایی نیست که یک فرد بخواهد به خنثی تبدیل شود:

از نظر عقلایی این امر صحیح نیست که مرد یا زنی بخواهد خنثی گردد.[۳۱۴] در هر حال، این پرسش به عنوان یک فرع فقهی مطرح است که آیا تغییر جنسیت مرد به خنثی و یا تغییر جنسیت زن به خنثی جایز است یا نه؟ توضیح بیشتر در مباحث آینده خواهد آمد.

بند دوم: ادله موافقین تغییر جنسیت

در ادامه به چند دلیل که از سوی فقیهان اسلامی در جواز تغییر جنسیت بیان شده است، اشاره می‌شود:

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۴

دلیل اول: جواز تغییر جنسیت به دلیل عدم وجود دلیل بر حرمت آن

یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که در جواز تغییر جنسیت بیان شده است این است که اساساً بر حرمت تغییر جنسیت، دلیلی وجود ندارد. آیت‌الله حسین علی منتظری می گوید:

ظاهر آن است که فی حد نفسه، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، ولی اگر مقدمات تغییر جنسیت از نظر شرعی حرام باشد، مانند: نظر نامحرم به عورت شخص یا لمس آن، در این صورت جایز نیست، مگر هنگامی که ضرورت وجود داشته باشد، مثل آن جایی که تمایلات جنس مخالف در وجود وی شدید بوده و مقتضیاتِ طبیعت جنس مخالف در وی غلبه داشته باشد، به گونه‌ای که از نظر طبیعی از مصادیق جنس مخالف بوده یا لااقل نزدیک به جنس مخالف باشد و ابراز این طبیعت (نهفته) و درمان وی، جز به عمل جراحی ممکن نیست. در این صورت، مانعی برای تغییرجنسیت وجود ندارد؛ چون درمان و ضرورت صدق می کند، بلکه زمانی که عمل به وظایف شرعی به عمل جراحی وابسته باشد، چه بسا عمل جراحی تغییر جنسیت واجب است.[۳۱۵]

ایشان در جای دیگر تأکید می‌کند که تغییر جنسیت منع شرعی ندارد. وی می گوید:

تغییر جنسیت به خودی خود، منع شرعی ندارد. بنابراین، کسانی که زن هستند و تمایلات شدید مردانه دارند یا برعکس، می توانند تغییر جنسیت دهند، ولی اگر عمل جراحی برای تغییر جنسیت یا هر گونه اعمال دیگر مستلزم حرام (از قبیل: لمس و نگاه به عورت و ....) باشد تغییر جایز نیست، مگر در موارد ضرورت.[۳۱۶]

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۵

بررسی و تحلیل: جواز تغییر جنسیت و مسأله ملازمات حرام

تقریباً تمام فقیهانی که به «جواز تغییر جنسیت» معتقدند، بر این باورند که برای حرمتِ تغییر جنسیت، دلیل قاطع و روشنی وجود ندارد و ادله‌ای که مخالفین تغییر جنسیت بیان کرده‌اند، از نظر این عده، غیر قابل قبول بوده و اثبات‌کننده منع نیست.

به اعتقاد این گروه از فقیهان اسلامی، تغییر جنسیت در حالت عادی که هیچ گونه ضرورت یا اضطراری برای آن وجود ندارد، اگر چه فی حد ذاته جایز بوده و برای آن منعی وجود ندارد، ولی از آن جایی که این عمل جراحی، با برخی امور حرام همراه است، باید از انجام آن خود داری شود، ولی هر گاه انجام عمل جراحی تغییر جنسیت به عنوان راهی برای درمان بیماری باشد، به طوری که عمل جراحی تنها راه باشد، در این صورت تغییر جنسیت جایز بوده و از جهت ملازمات حرام، منعی وجود نخواهد داشت.

دلیل دوم: جواز تغییر جنسیت با استناد به اصل حلیت و اصل اباحه[۳۱۷]

تغییرجنسیت ؛ ص۲۰۵

د از آن‌که گفته شد که هیچ دلیلی- از کتاب و سنت- در حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، به دلیل «اصالت حلیت» و «اصل اباحه» استناد شده است. آیت‌الله سید محسن خرازی در این باره می گوید:

مقتضی أصاله الحلیهٔ و أصالهٔ البرائهٔ هو الجواز؛[۳۱۸]

مفاد اصل حلیت و اصل برائت، جواز تغییر جنسیت است.

بر طبق اصالت اباحه، اصل بر جواز تصرفات است مگر این‌که دلیلی بر ممنوعیت وجود داشته باشد. پس، از آن جایی که دلیلی بر

حرمت تغییر جنسیت، وجود نـدارد، بنابراین، تغییر جنسیت جایز است. معنای قاعـده «اصاله الاباحه» این است که: هر چیزی که بین حلال و حرام مشتبه باشـد، بر حلال حمـل می‌شود و بین فقها تمسک به این قاعـده در موارد شک بین حرمت و حلیت، معروف و مشهور است.

تغییر جنسیت، ص: ۲۰۶

بررسی و تحلیل

در توضیح مطلب فوق، دو نکته بیان می‌شود:

نکته اول. قاعـده اصالت اباحه، از مباحث مشـهور میان فقیهان و اصولی‌ها است که برای آن، دلیل‌های متعـددی بیان شـده است. در ادامه به چند روایت در اثبات اصالت اباحه اشاره می‌شود:

۱. عبـدالله بن سـنان عن أبی عبدالله (ع) قال: کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال أبداً حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه؛[۳۱۹] عبـدالله بن سـنان از امـام صـادق (ع) نقل می‌کنـد که وی فرمود: هر چیزی که (احتمال) حلال و حرام در آن است، برای تو همیشه حلال است، تا این‌که به طور عینی حرام بودن آن شناخته شود، پس در این صورت آن را ترک کن.

۲. خبر عبـدالله بن سلیمان، قـال: سـألت أبـا جعفر (ع) عن الجبن فقـال: .... کل ما کان فیه حلال و حرام فهو لک حلال، حتی تعرف الحرام بعینه فتـدعه؛[۳۲۰] عبـدالله بـن سـلیمان می‌گویـد: از امـام بـاقر (ع) دربـاره جبـن پرسـیدم. آن حضـرت فرمـود: هر چیزی که (احتمال) حلال و حرام در آن است، برای تو حلال است، تا این‌که به طور عینی حرام بودن آن شناخته شود، پس آن را ترک کن.

۳. مقبولـهٔ مسـعدهٔ بن صدقهٔ عن أبی عبدالله (ع) قال: سـمعته یقول: کلّ شـی هو لک حلال حتی تعلم أنّه حرام بعینه (إلی أن قال:) و الأشـیاء کلها علی هذا حتی یسـتبین لک غیر ذلک أو تقوم به البینهٔ؛[۳۲۱] مسـعدهٔ ابن صدقه می‌گوید: از امام صادق (ع) شـنیدم که فرمود: هر چیزی برای تو حلـال است تا این‌که به طور عینی حرام بودن آن را بشناسـی. و همه اشـیا بر همین رویکرد (اصالت اباحه) است، تا این‌که خلاف آن برای تو آشکار گردد، یا بینه برخلاف آن اقامه گردد.

تغییر جنسیت، ص: ۲۰۷

آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی در ذیل حدیث فوق می‌گوید:

منظور (روایات فوق) این است که همه اشـیای خارجی مباح هستند تا این‌که حرمت آن با علم وجدانی ظاهر گردد، یا این‌که بینه‌ای بر حرمت آن اقامه گردد.[۳۲۲] با توجه به کلام فوق هرگاه علم وجدانی یا بینه در حرمت یک شـی وجود داشته باشد، باید از اصل اباحه دست کشید، اما پرسشی که در این جا مطرح است این است که منظور از «بینه» چیست؟

در پاسخ باید گفت منظور از «بینه» در این جا مطلق حجت یا دلیل واضح است که به وسیله آن بتوان حکم شئ مشکوک را یافت.

نکته دوم. در تمسک به اصل اباحه گفته شده است که عمل تغییر جنسـیت از یک طرف به پزشک و از طرف دیگر به بیمار مربوط است. نهـایت چیزی که از اصـل فوق به دست می‌آیـد این است که اصـل عمل تغییر جنسـیت برای بیمار مجاز است، ولی آیا اقـدام پزشـک برای عمـل جراحی تغییر جنسـیت نیز براساس اصل فوق مجاز خواهـد بود؟[۳۲۳] به نظر می‌رسـد که عمـل پزشـک از قبیل «اجاره اشـخاص» است و براساس «قواعـد باب اجاره» باید آن را حل و فصل کرد. یکی از مهم‌ترین شـرایط اجاره این است که عمل مورد اجاره، باید دارای منفعت عقلایی و مشـروع باشد. برای احراز شـرط فوق باید تغییر جنسـیت مشروط به شرایطی باشد، از جمله این که، بیماری که تن به عمل جراحی می‌دهد، تغییر جنسیت برای او ضـرورت داشته و گزینه دیگری برای آن وجود نداشته باشد، در غیر این صورت، اقدام پزشک غیر مشروع خواهد بود.

البته ممکن است گفته شود در غیر فرض ضرورت نیز می‌توان به استناد «اصل اباحه» مشروعیت تغییر جنسیت را فی حد نفسه به اثبات رساند و بر اساس مشروعیت آن، عمل پزشک نیز که در راه انجام عمل مباح است محکوم به جواز خواهد شد.

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۸

دلیل سوم: جواز تغییر جنسیت با استناد به قاعده تسلیط

براساس قاعده فقهی تسلیط، انسان می‌تواند در حدود عقلایی در مال و یا جان خویش تصرف داشته باشد. برخی صاحب نظران می گویند:

علاوه بر این، می‌توان به قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم وانفسهم» (مردم بر مال‌هایشان و جان‌هایشان تسلط دارند) بر جواز تغییر جنسیت استناد کرد، البته بنابراین که این قاعده، یک قاعده عقلایی باشد. دقت کنید.[۳۲۴]

بررسی و تحلیل

در ارتباط با کلام فوق دو نکته بیان می‌شود:

نکته اول. مفهوم قاعده تسلیط

قاعده تسلیط شامل حق تسلط مردم بر مال و حق تسلط بر بدن است. براساس این قاعده، مردم همان طور که بر مال خویش تسلط دارند، بر بدن خویش نیز تسلط داشته و می‌توانند در بدن خویش تصرفات معقول و مجاز داشته باشند.

مسأله تسلط بر مال و جان علاوه بر این‌که مستند به شرع است، به «روش عقلا» نیز مستند است. به عبارت دیگر، این مسأله که انسان بر خودش ولایت دارد و زمام تمام کارهایش نیز به دست اوست، امری عقلایی و مورد پذیرش عقلا است و از ناحیه شارع مقدس هیچ ردعی مبنی بر عدم رضایت به این نوع تصرفات نرسیده است.[۳۲۵] البته تأکید می‌کنیم که منظور ما از تصرف در بدن، تصرفات معقول و متعارف است، والّا انسان به هیچ وجه نمی‌تواند به استناد به قاعده فوق به خودکشی دست زند.

در حدیث منقول از رسول خدا (ص) تنها به تسلط بر اموال تصریح شده است (الناس مسلطون علی اموالهم)، اما فقیهان معاصر با اضافه کردن قاعده اولویت، تسلط بر

تغییرجنسیت، ص: ۲۰۹

نفس نیز را استنتاج کرده‌اند.[۳۲۶]

امکان یا عدم امکان تغییر جنسیت با استناد به قاعده تسلیط

اکنون این پرسش مطرح است که آیا تصرف بیماری که خواهان تغییر جنسیت است در بدن خویش، معقول و عقلایی است؟ آیا تصرف‌های وی زاید، لغو و دارای مفاسد اجتماعی نیست؟ و آیا امکان اجرای قاعده تسلیط در این جا وجود دارد؟

به نظر می‌رسد: برای حصول اطمینان از تصرفات معقول، باید تغییر جنسیت همراه با شرایط ویژه باشد و تنها بیماران خاص و کسانی که واقعاً به عمل جراحی اضطرار دارند به عمل جراحی تغییر جنسیت اقدام نمایند. نتیجه آن که، با استناد به قاعده تسلیط نمی توان تصرفات غیر متعارف و غیر معقول در بدن داشت و تنها بیماران دو جنسی یا ترانس‌هایی که دارای مشکل شدید جسمی یا روحی هستند، می‌توانند به تغییر جنسیت اقدام ورزند. از این رو، پیشنهاد می‌شود که مقامات رسمی برای دادن مجوز تغییر جنسیت، با تشکیل کمیسیون‌های خاص پزشکی، ضرورت عمل جراحی تغییر جنسیت را احراز نمایند. در غیر این صورت، از دادن مجوز خودداری نمایند.

بنابراین، تغییر جنسیت در صورتی مشروع است که خواهانِ تغییر جنسیت، دارای مشکل جنسی و یا روحی لاعلاج باشد. با این حال، تأکید می‌کنیم که باید درک درستی از موضوع تغییر جنسیت و بیماران جسمی و روحی وجود داشته باشد تا بتوان متناسب با آن

حکم فقهی صادر نمود.

دلیل چهارم: جواز تغییر جنسیت براساس قاعده اضطرار

بر اساس قاعده اضطرار می‌توان به جواز تغییر جنسیت قائل شد، چون براساس آیات و روایات هرگاه مکلّف به واسطه قرار گرفتن در شرایط خاصی ناچار به انجام فعلی

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۰

گردد که در حالت عادی ممنوع و حرام است مؤاخذه و عقاب نمی‌شود، بلکه فعل ممنوع، مباح و جایز می‌گردد. بنابراین، اضطرار عبارت از وضعیتی است که انسان برای رهایی از ضرورت و تنگنایی که ایجاد شده است فعلی را بر خلاف تمایل خود و تحت تأثیر آن شرایط انجام می‌دهد و یا از ارتکاب عملی خودداری می‌کند.

کسانی که به عمل جراحی تغییر جنسیت اقدام می‌نمایند، در بیش‌تر موارد گرفتار اختلالات هویت جنسی و ناراحتی روانی و افسردگی شدید هستند که حتی اگر به حرمت تغییر جنسیت در شرایط عادی معتقد باشیم، به دلیل وضعیت اضطراری آنان، می‌توانند زیر نظر متخصصان اقدام به عمل جراحی تغییر جنسیت نمایند.

مضافاً به این‌که عمل تغییر جنسیت، حکم معالجه و تداوی دارد و تداوی به حرام در شرایط اضطرار جایز است. البته تذکر این نکته ضروری است که این قاعده، تغییر جنسیت را در محدوده اضطرار به عنوان حکم ثانوی اثبات می‌کند و نه به عنوان حکم اوّلی.

بررسی و تحلیل

در ارتباط با مطلب فوق، دو نکته بیان می‌شود:

نکته اول. ضابطه اضطرار

دامنه اضطرار در فقه اسلامی گسترده است و از طهارت تا دیات کاربرد دارد. در اضطرار پای کسی در میان نیست، بلکه فاعل در حالتی قرار گرفته است که اگر بخواهد از آن حالت بیرون بیاید، باید فعلی را که در حال اختیار از آن کراهت دارد انجام دهد. به طور کلی، به عنوان «ضابطه اضطرار» می‌توان گفت: هر ضرری که تحمل آن سخت و مشکل باشد، به گونه‌ای که برای نوع مردم یا خود شخص غیر قابل تحمل باشد. از این رو، مشهور فقیهان در حد و مرز اضطرار گفته‌اند:

اضطرار با چند چیز محقق می‌شود: خوف از تلف که اگر نخورد می‌میرد، خوف از مرض، یعنی اگر گوشت میته را نخورد مریض می‌شود هر چند بداند که نمی‌میرد؛ خوف از ضعف که موجب شود آدمی در مسافرت از قافله عقب بماند و باعث مشقت او گردد؛ [۳۲۷] یا اگر بترسد که دیگری متضرر می‌شود، مانند زن

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۱

حامل یا شیرده که می‌ترسد اگر میته را نخورد جنین در رحم او به ضرر می‌افتد و یا بچه شیرخوارش گرسنه می‌ماند. در نتیجه مریض می‌شود یا می‌میرد، یا مریضی بترسد که اگر نخورد مرضش طول می‌کشد یامعالجه‌اش سخت می‌شود. در جمیع این صور چنین شخصی مضطر محسوب می‌شود.[۳۲۸] نکته دوم. اضطرار مبنای جواز تغییر جنسیت در فتاوای فقیهان

برخی فقیهان و مراجع تقلید معتقدند: چنان‌چه تغییر جنسیت به حد ضرورت رسیده باشد، یا از باب تداوی و معالجه باشد جایز است. این مطلب در چندین پرسش و پاسخ آمده است که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

الف) آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: پسری هستم ۲۴ ساله که تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رسانیده و در حال حاضر آماده اعزام به خدمت مقدس

سربازی هستم. حدود چند سالی است که متوجه وجود تفاوت شدیدی بین خود و هم سن و سالانم شده‌ام. مشکل من این است که از لحاظ جنسی با هم جنسان خود تفاوت بسیار شدیدی دارم؛ به این معنا که از لحاظ جنسی به جای این‌که به غیر هم جنس متمایل باشم، تمایل شدیدی به هم جنسان خود دارم و از داشتن ارتباط با غیر هم جنس بشدت بی‌زارم. در واقع به جای داشتن احساسات مردانه، تمام خصلت‌ها و خصوصیات و احساسات زنانه را در وجود خودم حس می‌کنم. به عبارت دیگر، از جنسیت خودم ناراضی هستم و این مسأله برای من مشکل ساز شده است. در نتیجه، نمی‌توانم به عنوان یک مرد، نقش اجتماعی و جنسی خود را ایفا کنم و قادر به مسؤولیت‌هایی که شرع و قانون بر عهده مرد گذاشته است نمی‌باشم. لازم به ذکر است که این مسأله به عنوان یک بیماری شناخته شده، و در علم روان شناسی به آن «اختلال هویت جنسی» (

Gender Identity (

می گویند.

تا به حال، چندین بار به روان پزشکان و روان شناسان مختلف مراجعه کرده‌ام، ولی نتیجه‌ای عایدم نشده است. از لحاظ علم پزشکی این بیماری، خوب شدنی نیست و تنها راه حل آن «تغییر جنسیت» می‌باشد.

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۲

حال سؤال من این است که شرع مقدس، برای افرادی همانند من، با توجه به خصوصیاتی که در فوق ذکر کردم؛ یعنی داشتن عواطف و احساسات زنانه به جای احساسات مردانه، چه تکلیفی را معین کرده است؟ چون من نمی‌توانم ازدواج کنم و در صورت ازدواج مطمئناً زندگی ناموفقی خواهم داشت، آیا اجازه تغییر جنسیت می‌دهد؟ ما برای ادامه زندگی چه باید بکنیم؟ لطفاً مرا راهنمایی کنید و تکلیف شرعی من را معین نمایید. قبلًا از همکاری شما متشکرم.

پاسخ: عمل جراحی برای تغییر جنسیت اگر ضرر نداشته باشد، به خودی خود اشکال ندارد، لکن اگر به عنوان یک زن با ساختمانی بدنی زن تغییر جنسیت دادید، باید به وظایف زنان از حجاب و پوشش از نامحرم و احکام دیگر عمل کنید.[۳۲۹] ب) آیت‌الله سید علی خامنه‌ای: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: .... مواردی اطبا مواجه‌اند که شخص از نظر ظواهر بدن بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می‌گویند: اگر این تغییر صورت نگیرد انتحار (خودکشی) خواهیم کرد و تا به حال این مسأله پیش آمده است .... آیا اصولًا این عمل برای خود این شخص حرام است یا جایز؟

پاسخ: تغییر جنسیت برای شخص و به درخواست شخص اشکال ندارد حتی اگر چه جلوگیری از اقدام بر انتحار متوقف بر آن نباشد و یا اصلًا خطر انتحاری در بین نباشد.[۳۳۰]

ج) آیت‌الله سید محسن خرازی: بخشی از دیدگاه ایشان درباره تغییر جنسیت چنین است:

تغییر جنسیت در زمانی که معالجه باشد، یا در آن مصلحت لزوم‌آور مهم‌تری باشد جایز است و در غیر این صورت اشکال دارد.[۳۳۱]

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۳

د) آیت‌الله حسین علی منتظری: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: بعضی از زنان و مردان در خود احساس جنس مخالف می‌کنند و بعضاً اگر تغییر جنسیت ندهند احتمال اقدام به خودکشی در آنان هست. آیا اصولًا تغییر جنسیت جایز است؟

پاسخ: به طور کلی، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم و اگر حال آن‌ها به نحوی باشد که تغییر جنسیت برای آن‌ها ضرورت داشته باشد بعید نیست که واجب باشد.[۳۳۲] در صورت ضرورت معالجه، اقدام به عمل جراحی مانع ندارد، و در صورت تغییر جنسیت تمام احکام بعد از تغییر از حیث محرمیت و ازدواج و غیر این‌ها جاری می‌شود.[۳۳۳] دلیل پنجم: جواز تغییر جنسیت به دلیل حدیث رفع

علاوه بر مطالب پیش گفته، به استناد حدیث رفع بر جواز تغییر جنسیت استناد شده است. برخی صاحب نظران در این باره می گوید: چون دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، و مقتضای حدیث رفع، جواز ظاهری تغییر جنسیت است.[۳۳۴] امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می گوید:

نُه چیز از امت من برداشته شده است: اشتباه، فراموشی، اکراه، آن‌چه نمی‌دانند، آن‌چه بر آن توانایی ندارند، آن‌چه بر آن مضطر شده‌اند، حسد، تفألّ و اندیشه‌های وسوسه آمیز درباره مردم تا زمانی که بر زبان نیاورده‌اند.[۳۳۵] براساس حدیث فوق، چنان‌چه فردی را از روی جهل انجام داده باشد (ما لا یعلمون) از نظر شرعی مواخذه نخواهد شد. از آن جایی که، مفروض این است که برای حرمت

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۴

تغییر جنسیت دلیلی وجود ندارد، بنابراین، عمل جراحی تغییر جنسیت، بدون اشکال خواهد بود.

توجه به این نکته ضروری است که استناد به حدیث رفع یا همان اصل برائت در صورتی تمام است که دلائل قائلین به تحریم تمام نباشد.

گفتار دوم: ادلهٔ مخالفین تغییر جنسیت

اشاره

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تغییر جنسیت در افراد سالم و تغییر جنسیت در ترانس‌ها (خنثای روانی) معرکه آرا و محل انظار صاحب نظران است. عمدتاً دو دیدگاه مخالف و موافق در این زمینه وجود دارد. تا آن جایی که نگارنده تحقیق نموده است، همه صاحب نظران اهل سنت، اعم از فقیهان و حقوق دانان به حرمت تغییر جنسیت در افراد فوق معتقد شده‌اند و البته عده کمی از فقیهان شیعه نیز به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده‌اند. در ادامه، نظرات مخالفین تغییر جنسیت و سپس ادله مخالفین تغییر جنسیت آورده می‌شود.

بند اول: نظرات مخالفین تغییر جنسیت

در ابتدا نظرات اهل سنت و سپس نظرات برخی فقیهان شیعه در حرمت تغییر جنسیت به دلیل حرمت تغییر خلق الله بیان می‌شود.

الف. استناد به کلام اهل سنت در حرمت تغییر خلق خدا

۱. دکتر احمد محمد کنعانی، از حقوق‌دانان اهل سنت درباره حرمت تغییر جنسیت چنین می گوید:

در برخی جوامع که از فطرت الهی منحرف گشته‌اند، اشخاص سالم تغییر جنسیت می‌دهند، که این کار قطعاً حرام است؛ چون این

کار [اولًا] باعث تغییر خلق الله است، در حالی که هیچ‌گونه ضرورت شرعی برای آن وجود ندارد. و [ثانیاً] این کار در واقع پاسخ مثبت به دعوت شیطان است که وعده داده از طریق این گونه کارهای حرام، انسان را منحرف سازد. شیطان گفت: «و به

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۵

تحقیق به بنی آدم دستور خواهم داد، پس آنان خلق الهی را تغییر خواهند داد».[۳۳۶] ۲. شیخ یوسف قرضاوی از مفتی‌های معروف اهل سنت و از مخالفین سرسخت تغییر جنسیت است که در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای متعددش، کارهایی مثل تغییر جنسیت، شبیه سازی را حرام اعلام کرده و این گونه اعمال را «تغییر در خلق الله» و از مصادیق کارهای شیطانی می‌داند. وی حتی غلّو یا زیاده روی در زینت را مصداقی از تغییر خلق الله می‌داند.[۳۳۷] ۳. مجمع فقهی مکه مکرمه: مجمع فقه اسلامی مستقر در مکه مکرمه در فتوایی که درباره تغییر جنسیت در تاریخ ۱۳ رجب ۱۴۰۹ (۱۹ فوریه ۱۹۸۹ م) صادر کرد چنین گفت:

۱. آلت تناسلی مردانه و زنانه که خلقت آن کامل و بدون نقص است، جایز نیست یکی به دیگری تبدیل شود. و هر کس این کار را انجام دهد، مرتکب حرام شده و مستحق مجازات می‌باشد؛ چون این کار، تغییر در خلق خدا است و خداوند سبحان این کار را حرام نموده است و در قرآن کریم از قول شیطان می‌گوید: به تحقیق به انسان‌ها دستور می‌دهم، پس خلق خدا را تغییر می‌دهند ...

۲. هر کسی که هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه را دارد باید حالت غالب ملاحظه شود:

پس اگر غلبه با حالت مردانگی است جایز است امری که موجب اشتباه می‌گردد زایل کند (یعنی حذف آلت تناسلی زنانه که ضعیف است) و اگر غلبه با حالت زنانگی است جایز است امری که موجب اشتباه می‌گردد زایل کند (یعنی حدف آلت تناسلی مردانه که ضعیف است)؛ خواه معالجه از طریق

جراحی باشد یا از طریق هورمون. چون این شخص مریض بود و به دنبال

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۶

بهبودی و شفا می‌باشد و این کار وی تغییر در خلق خدای بزرگ نیست.[۳۳۸] ب. استناد به کلام شیعه در حرمت تغییر خلق الله اندکی از فقیهان شیعه به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده‌اند. دلیل برخی از آنان دقیقاً همان دلیل صاحب نظران اهل سنت است که معتقدند: تغییر جنسیت، «تغییر خلق الله» است. در ادامه به کلام برخی از آنان اشاره می‌شود:

۱. آیت‌الله میرزا جواد تبریزی: در سؤال و جواب فقهی از ایشان چنین آمده است:

سؤال: حکم این مسأله که مردی، آلت تناسلی مردانه خویش را به فرج زنانه تبدیل کند چیست، یا این‌که زنی فرج زنانه خویش را به آلت تناسلی مردانه تبدیل کند، آن هم با عمل جراحی که امروزه پزشکان انجام می‌دهند؟ البته اگر این کار فقط به انگیزه میل شهوانی باشد، یا این کار به منظور تولید مثل باشد. برای مثال، شخص خواهانِ تغییر جنسیت، گرفتار نازایی غیر قابل علاج شده و برای علاقه‌اش به داشتن فرزند، آلت تناسلی خویش را تغییر می‌دهد؟

پاسخ: این کار غیر جایز است؛ چون تغییر خلق خداوند متعال است.[۳۳۹] ۲. آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری: ایشان این نکته را به صورت یک احتمال

مطرح می‌کند که آیه شریفه: «فلیغیرن خلق الله» شامل هر نوع تغییر می‌شود که با خلق

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۷

الله در تعارض باشد. مانند: تغییر در انسان، تغییر در حیوان و تغییر در گیاهان.[۳۴۰]

البته همان طور که اشاره شد ایشان این وجه را به صورت یک «احتمال» مطرح می‌سازد و به صورت قطعی نظر ایشان این نیست که

تغییر جنسیت در انسان به دلیل آیهٔ فوق، حرام است.
۳. آیت‌الله شیخ هادی نجفی: ایشان نیز تغییر جنسیت را مشمول آیه «فلیغیرنّ خلق الله» دانسته و معتقدند این کار شرعا حرام است.[۳۴۱] ۴. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی: ایشان که نویسنده کتاب «رساله نوین امام خمینی» است، معتقد است که تغییر جنسیت تنها در مورد خنثی‌ها جایز است و تغییر جنسیت در افراد سالم، مصداق «تغییر خلق الله» است. وی می گوید:
این که تغییر ماهیت بدهند کسی که ماهیت و حقیقتش مرد است یا کسی که ماهیتش زن است بخواهند مردش کنند، این از نظر شرعی جایز نیست، و لیغیرنّ خلق الله می‌شود.[۳۴۲]

بند دوم: ادله مخالفین تغییر جنسیت

بعد از بیان نظرات مخالفین تغییر جنسیت، ادله آنان بیان می‌شود:
دلیل اول: حرمت تغییر جنسیت به دلیل تغییر خلق خدا
یکی از مهم‌ترین دلیل‌هایی که برای حرمت تغییر جنسیت بیان شده است این است که تغییر جنسیت، موجب «تغییر خلقت» یا «تغییر خلق الله» است و قرآن کریم آن را به عنوان یکی از کارهای شیطانی یاد می کند.
بررسی و تحلیل دلیل اول مخالفین تغییر جنسیت (مسأله تغییر خلق الله)
همان‌طور که گذشت یکی از مهم‌ترین دلیل‌های مخالفین تغییر جنسیت، مسأله تغییر
خلق الله و استناد به آیه تغییر است. در ادامه، ابتدا آیه تغییر خلق الله وسپس نظر مفسرین

تغییر جنسیت، ص: ۲۱۸
شیعه و سنی را می‌آوریم و بالاخره به این پرسش، پاسخ می‌دهیم که آیا آیه مورد بحث، ناظر به مساله تغییر جنسیت هست یا نه؟
آیه تغییر خلق الله
قرآن کریم می‌فرماید:
وَ لَاضِلَّنَّهُم ولَامَنّینَّهُم وَ لَآمُرَنَّهُم فَلَیَبَتِّکُنَّ آذانَ الانعامِ وَ لَآمُرَنَّهُم فَلَیغَیرُنَّ خَلقَ اللهِ وَ مَن یتَّخِذِ الشیطانَ وَلیاً مِن دونِ اللهِ فَقَد خَسِرَ خُسراناً مُبیناً؛[۳۴۳]
ترجمه: و آن‌ها را گمراه می کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آن‌ها دستور می‌دهم (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهار پایان رابشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند (فطرت توحید را به شرک بیالایند) و آن‌ها که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزینند زیان آشکاری کرده‌اند.[۳۴۴] ترجمه دیگر: و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف داده، و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند. و [لی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دچار زیان آشکاری شده است.[۳۴۵] بررسی آیات قبل از آیه ۱۱۹ سوره نساء
برای بررسی مفهوم و مقصود «تغییر خلق الله»، به سه آیه قبل از آیه مورد بحث توجه می‌کنیم تا مقصود آیه مورد نظر از تغییر خلقت خدا روشن‌تر گردد.
آیه ۱۱۶ سوره نساء: در این آیه شریفه، به اهمیت گناه بزرگ شرک اشاره شده است؛ گناهی که غیر قابل عفو و بخشش بوده و هیچ گناهی بالاتر از آن متصور نیست. مضمون همین آیه با کمی تفاوت در آیه ۴۸ سوره نساء نیز آمده است.[۳۴۶] آیه ۱۱۷ سوره نساء: در این آیه، به این نکته اشاره شده است که مشرکین به

تغییرجنسیت، ص: ۲۱۹

قـدری کوتاه فکرنـد که خالق و آفریـدگار جهان هستی را رها کرده و در برابر موجوداتی سـر تعظیم فرود می‌آورند که کم‌ترین اثر مثبتی ندارنـد، و بلکه گاهی هماننـد شـیطان، ویران‌گر و گمراه‌کننـده نیز می‌باشـند.[۳۴۷] آیه ۱۱۸ سوره نسـاء: در این آیه شـریفه، شیطان لعنت شـده است و این‌که شـیطان گفته است: از بندگان تو سـهم معینی خواهم گرفت.[۳۴۸] آیهٔ ۱۱۹ که آیه مـورد بحث ما است، در ادامه آیات قبل است و این‌که شیطان چگونه از بندگان نصیب و بهره می‌برد:

وَ لَاُضِلَّنَّهُم: آن‌ها را گمراه می‌کنم.

وَ لَاُمَنِّیَنَّهُم: با آرزوهای دور و دراز و رنگارنگ، آن‌ها را سرگرم می‌کنم.

وَ لَآمُرَنَّهُم فَلَیُبَتِّکُنَّ آذانَ الانعـام: آن‌ها را به اعمال خرافی دعوت می‌کنم، از جمله این‌که فرمان می‌دهم که گوش‌های چهارپایان را بشکافند و یا قطع کنند.

وَ لَآمُرَنَّهُم فَلَیُغَیِّرُنَّ خَلقَ اللهِ: آن‌ها را وادار می‌سازم که آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند.

بـا تـوجه به آیه مورد بحث، می‌توان فهمیـد که «تغییر در خلقت» تنهـا تغییر ظـاهری و فیزیکی نیست، بلکه تغییر بر دو قسم است: ۱. تغییر ظاهری و فیزیکی ۲. تغییر معنوی، مانند: گمراه ساختن انسان‌ها و سرگرم ساختن آن‌ها به آرزوها.

در هر حال، هر دو نوع تغییر، در این ویژگی شریک هستند که در راستای اهداف

شیطان و باعث دور ساختن فطرت انسان‌ها از بندگی خداوند متعال است. بنابراین، هر

تغییرجنسیت، ص: ۲۲۰

نوع تغییر و تحریفی که به انگیزه شیطانی و اهداف و کارهای غیر الهی صورت پذیرد، مذموم و غیر شرعی است.

در زمان جاهلیت، هرگاه شتر چنـد بار می‌زاییـد، گوش آن را می‌بریدنـد و یا شـکاف می‌دادند و آن را در راه بت قرار می‌دادند. از آن پس، از سوار شـدن و ذبـح آن خودداری می‌کردنـد و در واقع، شـتر در راه بت‌هـا وقف می‌شـد! در مواردی، چشم حیوان را در می‌آوردند و آن را در راه بت قرار می‌دادند!

خداونـد متعال، در آیات مورد نظر، از این‌گونه کارها نهی کرده و آن را «تغییر در خلق الله» می‌دانـد؛ چه این که، هدف از خلقِ این گونه حیوانـات، اسـتفاده از گوشت آن و بهره‌برداری از سواری و حمـلِ بـار است. این‌گونه نعمت‌ها، برای اسـتفاده انسان‌ها آفریـده شده است تا توان لازم برای عبادت و بندگی خداوند پیدا کنند. در غیر این صورت، از اهداف خلقت دور افتاده‌اند.

تغییر در خلقت به طـور مطلق نمی‌توانـد ناپسـند و ناشـی از خواست و کـار شـیطان باشـد؛ چرا که انجـام برخی کارهـا از قبیـل: ختنه کردن، قطع کردن بند ناف جنین، چیدن موهای زائد بدن و کوتاه کردن موهای سر از اموری است که قانون گذار الهی نه تنها ما را از انجام آن‌ها باز نداشته، بلکه به انجام آن نیز امر کرده است.

بنابراین، باید مقصود آیه شریفه، نوعی خاص از تغییر باشد. مفسران در این‌که مراد از تغییر در مخلوقات الهی چیست با هم اختلاف نظر دارند. در ادامه، ابتدا دیدگاه مفسرین شیعه و آن‌گاه دیدگاه مفسرین سنی را می‌آوریم:

دیدگاه مفسرین شیعه در آیه تغییر خلق الله

۱. تفسیر مجمع البیان: طبرسی در ذیل آیه «فلیغیرن خلق الله» می‌گوید:

یعنی شـیطان مردم را به تغییر خلق خدا امر می‌کند و آن‌ها نیز خلق خدا را تغییر می‌دهند. در معنای آیه شریفه اختلاف شده است. از ابن عباس و عـده‌ای دیگر نقل شـده که منظور تغییر دین خـدا و تغییر امر خـدا است. و همین معنا از امام صادق (ع) نیز روایت شـده

است و این معنا با آیه ۳۰ سوره روم تأیید

می‌شود که درآن «لا تبدیل لخلق الله» آمده که به معنای «لا تبدیل لدین

الله» است و منظور از تغییر یا تبـدیل خلق الله، تحریم حلال و تحلیل حرام است. عکرمه و عـده‌ای دیگر از ابن عباس نقل کرده‌اند که منظور اخصا (اخته کردن) است و این عده، اخته کردن حیوانات را مکروه می‌شمردند.

از ابن عباس نقل شده که منظور وشم (وصل موی مصنوعی) است. از زجاج نقل شده که منظور آیه شـریفه خورشـید، ماه و سـنگ است که مردم از انتفاع آن رویگردان شده و در عوض به عبادت آن‌ها مشـغول شده‌اند.[۳۴۹] ۲. تفسیر تبیان: شیخ طوسی در تفسیر تبیان می‌گوید: در معنای «تغییر خلق الله» اختلاف شده است. ابن عباس و عده‌ای دیگر می‌گویند که مراد خواجه کردن و اخته‌کردن است و حتی اخته کردن حیوانات مکروه است. عده‌ای دیگر گفته‌اند: مراد «تغییر دین الله» است که این معنا از امام باقر و امام صادق (ع) نیز روایت شـده است و عـده‌ای زیاد گفته‌انـد منظور دین الله است که فطرت مردم بر آن است که خداوند درباره آن می‌فرماید: فطرت الله التی فطر الناس علیها لاتبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم. عده‌ای گفته‌اند مراد وشم است.

برخی گفته‌انـد: منظور حیوانات است که خداونـد آن‌ها را برای اسـتفاده انسان‌ها آفریده است، ولی عده‌ای آن‌ها را برای خود حرام کرده‌اند و خلقت خوشـید، ماه، سـنگ و .... برای استفاده انسان‌ها است، ولی عده‌ای از مسیر طبیعی آن خارج شده و این‌ها را معبود خویش قرار داده‌اند.

صاحب تفسیر تبیان معتقد است: بهترین معنا و صحیح‌ترین آن این است که «تغییر خلق الله»

به معنای تغییر دین الله است و تمام تفسیرهای دیگر در ذیل همین معنا قابل ارزیابی است.[۳۵۰]

۳. تفسـیر عیاشـی: از نظر این تفسـیر، تغییر خلق الله به معنای «تغییر دین خدا و تغییر امر خدا» است. وی برای اثبات مدعای خویش به روایاتی استناد می‌کند از این قرار:

۱. عن ابی جعفر (ع) فی قول الله: «ولآمرنهم فلیغیرن خلق الله» قال: دین الله.

۲. عن ابی جعفر (ع) فی قول الله: «ولآمرنهم فلیغیرن خلق الله»، قال: أمر الله بما امر به.[۳۵۱]

۴. تفسیر المیزان: علامه محمد حسین طباطبائی در ذیل آیه مورد بحث چنین می‌گوید:

و شـیطان به ایشـان دسـتور می‌دهـد که گوش حیوانـات را ببرنـد و آن‌چه را خـدای متعال حلال کرده حرام کنـد و به ایشان دسـتور می‌دهـد که خلق الله را تغییر دهـد. این امر بر اموری ماننـد: اخته کردن، مثله کردن، لواط و مساحقه منطبق می‌شود. بعیـد نیست که مراد از تغییر خلق الله، خروج از فطرت الهی و ترک دین حنیف است. خداونـد متعال می‌فرماید: پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سـرشتی که خدا مردم را بر آن سرشـته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار.[۳۵۲] بـا توجه به آن‌چه گـذشت، از نظر علامـه طباطبـائی «تغییر خلق الله» به معنـای خروج از فطرت الهی و ترک تعالیم دین است.

۵. تفسیر صافی: مولی محسن فیض کاشانی در ابتـدا توضیـح می‌دهد که در زمان جاهلیت عده‌ای از مردم گوش حیوانات را از بیخ قطع می‌کردند و این کار آنان تغییر

در خلقت و منهی است و این مطلب نیز از امام صادق (ع) نیز روایت شـده است. وی می‌گوید: سـخن فوق به وسیله این آیه شـریفه تأیید می‌شود: فطرت الله التی فطر الناس

تغییرجنسیت، ص: ۲۲۳

علیها لا تبدیل لخلق الله.

در ادامه، فیض کاشانی می‌گوید: هر نوع تغییر صوری صفتی که بدون اذن الهی انجام شود، تغییر در خلقت الهی بوده و حرام است. مانند کاری که در زمان جاهلیت انجام می‌شد که چشم حیوان را در می‌آوردند و آن را از سواری و بارکشیدن معاف می‌دانستند، یا آن‌که بردگان را خواجه می‌کردند و یا هر نوع مثله.

در ادامه فیض کاشانی می‌گوید: تفسیر فوق با این تفسیر منافاتی ندارد که تغییر خلق الله به «تغییر دین الله» و «تغییر امر الله» معنا کرده است؛ چون تمام این موارد ذکر شده (خصاء، مثله و ....) داخل در همان دو معنا «تغییر دین الله و تغییر امر الله است.[۳۵۳]

۶. تفسیر جوامع الجامع: طبرسی در این تفسیر می‌گوید: در زمان جاهلیت هرگاه شتری شش بار وضع حمل می‌نمود و بچه ششم شتر، نر باشد، در این صورت، گوش شتر مادر را بریده و یا چشم او را در می‌آوردند. در این حالت، دیگر سوار آن شتر نمی‌شدند. عده‌ای گفته‌اند: منظور اخته کردن است و برخی می‌گویند: منظور تغییر فطرت و تغییر دین اسلام و تغییر امر الهی است.[۳۵۴] ۷. تفسیر الکاشف: محمد جواد مغنیه در این تفسیر می‌گوید: عرب‌ها در زمان جاهلیت گوش برخی حیوانات را می‌بریدند و آن‌ها را وقف بت‌ها قرار می‌دادند و سوار شدن بر آن شترها را حرام می‌دانستند.

در ادامه صاحب تفسیر کاشف می‌گوید: شیطان در عصر جاهلیت دستور می‌دهد که از طریق بریدن گوش حیوانات، در خلقت الهی تغییر به وجود آورند و در عصر حاضر شیطان به حزب خویش دستور می‌دهد که بمب ناپالم را بر سر زنان و کودکان فرو ریزند و بمب اتمی را بر شهر هیروشیما و ناکازاکی بیندازد تا خلق الله نابود شوند.[۳۵۵]

تغییرجنسیت، ص: ۲۲۴

۸. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن: آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری در ذیل آیه مورد بحث مطالبی را مطرح کرده‌اند که در قالب سه عنوان ذیل بیان می‌گردد:

الف: انواع تغییر در خلقت: از نظر ایشان تغییر بر دو قسم است که عنوان «تغییر خلق الله» شامل هر دو می‌شود:

۱. تغییر حسی (صفتی و صورتی)، مانند: خواجه ساختن، مثله کردن و انواع تغییرهای فیزیکی بدن.

۲. تغییر معنوی، که مصداق بارز آن خروج از فطرت الهی و دوری از دین و تعالیم الهی و تحریف و تغییر دین، یا انجام انواع کارهای پست و رذیله، یا دوری گزیدن از راه مستقیم عقل و فطرت و یا ترویج باطل و فحشا.

خلاصه آن‌که «فطرت انسانی» اساس کمالات و منبع خیرات و اصل کارهای نیک است و همین فطرت بر جمیع مشاعر و حواس آدمی حاکم است و انسان را به سوی کارهای نیک فرا می‌خواند، مگر این‌که به دلیل گمراهی‌ها و ضلالت‌ها، فطرت انسانی فاسد و دور از حقیقت شده باشد که دیگر منبع و منشأ کار خیر نخواهد بود.

ب: عدم شمول «فلیغیرن خلق الله» نسبت به هر تغییر: آیهٔ فوق دلالت می‌کند که تغییر در خلقت خداوند، کار ناپسند و منهی است و اساساً تغییر در خلقت و تصرف در موجودات از شؤون و اختصاصات خداوند متعال است و این حق بالاصاله برای غیر خداوند وجود ندارد. اما باید به این نکته توجه کرد که آیه فوق شامل هر نوع تغییر و تبدیل نمی‌شود و هر تغییر و تبدیل خلقت، حرام نیست، مخصوصاً آن تغییراتی که از سوی شارع مقدس اذن و اجازه وجود دارد، مانند: ختنه کردن، کوتاه کردن ناخن، خضاب نمودن و قطع عضو زائد و فاسد.

ج: بحث فقهی تغییر خلق الله (حرمت یا جواز): آیا تغییر در خلقت الهی جایز است یا حرام؟ پیش‌تر گذشت که مراد از خلق در آیه

شریفه «فلیغیرن خلق الله» اعم از خلق صوری (طبیعی) و فطری (دین) است. تغییر از جهتی بر دو قسم است:

تغییرجنسیت، ص: ۲۲۵

۱. تغییراتی که در حرمت آن شکی وجود ندارد، چه این‌که از ناحیه شارع مقدس نهی صریح و بالخصوص وارد شده است، مانند مجسمه سازی، خواجه ساختن انسان، ریش‌تراشی و کارهای دیگری که نهی شرعی دارد.

۲. تغییراتی که نهی صریح و بالخصوص ندارد، مانند تبدیل حیوان پیر به حیوان جوان، جراحی‌های پلاستیک و زیباسازی که این بر دو قسم است:

- تغییراتی که همراه با غرض عقلایی است، برای مثال، تغییراتی که برای دفع ضرر یا تأمین سلامتی صورت می‌پذیرد. در این حالت، این تغییرات جایز بوده و نمی‌توان گفت حرام است.

- تغییراتی که هیچ گونه غرض عقلایی و انگیزه معقول ندارد. آیا این کار حرام است؟ دو وجه وجود دارد:

وجه اول: براساس مقتضای عمومات و اطلاقات (غیر آیه فوق الذکر) که غیر قابل تقیید است، این کار حرام است. پس تغییر یک حیوان و تبدیل آن به حیوان دیگر حرام است.

وجه دوم: براساس مناط و ملاکی که از «خلق الله» به دست می‌آید، این است که حرمت تغییر در صورتی است که از طریق ایجاد خلقت جدید، با خلق و آفرینش الهی مقابله کند. پس در این حالت، حرمت وجود دارد.

بنابراین، هر نوع تغییر، چه در انسان، چه در حیوان و چه در گیاهان، مادامی که به عنوان معارض و ضدیت با آفرینش الهی محسوب نشود، حرام نیست. البته این مطلب در صورتی است که در تغییر اذیت، آزار رسانی و اسراف وجود نداشته باشد، و گرنه حکم آن واضح است (حرمت).[۳۵۶] ۹. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن: صاحب تفسیر الفرقان می‌گوید: قطع گوش شتر به تنهایی کار شیطان محسوب نمی‌شود، بلکه اگر قطع گوش به عنوان «علامت تحریم» یا به عنوان «عبادت بت‌ها» باشد حرام است. توضیح آن‌که عده‌ای گوش شتر را به عنوان تشریع و دستور خداوند قطع می‌کردند و بدین وسیله از سوار شدن و استفاده از

تغییرجنسیت، ص: ۲۲۶

گوشت شتر خودداری می‌کردند و استفاده از حیوان را بر خود حرام می‌کردند.

وی می‌گوید: شکی نیست که تغییر خلقت خداوند همیشه به عنوان امر شیطان و کار شیطان محسوب نمی‌شود، بلکه اساسا بعضی از تغییرها مشروع بوده و دارای امر شرعی است، مانند: ختنه، قطع ناف بچه از مادر، تراشیدن موی زائد بدن و کوتاه کردن موی سر و ریش. پس مقصود از «خلق الله» خلق خاص و مقصود از «تغییر خلق الله» تغییر خاص است که شناخت آن میسر نیست مگر از طریق آیات و روایات.[۳۵۷] جمع‌بندی دیدگاه مفسرین شیعه

روایاتی از امام صادق و امام باقر (ع) وارد شده که منظور از «تغییر خلق الله» عبارت است از: «تغییر دین الله» و «تغییر امر الله». از این رو، مفسرین شیعه، اعم از مفسرین قدیم و جدید بر این مطلب متفق القول هستند که هرگاه اشیا و مخلوقات از مسیر خلقت خویش خارج شوند و به گونه تشریع و بدعت گذاری، اموری جعل گردد (تحلیل حرام و تحریم حلال)، این امر تغییر در خلقت الهی بوده و مذموم است.

دیدگاه مفسرین اهل سنت در آیه تغییر خلق الله

۱. تفسیر کبیر: امام فخر رازی در پاسخ این پرسش که منظور از «تغییر خلق الله» چیست می‌گوید: مفسرین در این باره دو قول دارند: قول اول: آن‌که مراد از تغییر خلق الله، تغییر دین الله است. توضیح و تقریر این قول آن است که خداوند متعال انسان را در عالم ذر بر فطرت اسلام آفرید و از ایشان شاهد گرفت که او خدای ایشان است و به او ایمان آورید. پس هر کس کفر ورزد، فطرت الهی را

تغییر داده است و برهمین اساس این روایت از پیامبر اسلام (ص) وارد شده

است که: کل مولود یولد علی الفطره و لکن ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه.

وجه دیگر در تقریر قول اول آن است که مراد از تغییر دین الله، تبدیل حلال به حرام است.

تغییر جنسیت، ص: ۲۲۷

قول دوم: آن‌که مراد از تغییر، تغییر ظاهری است که برای آن وجوهی ذکر شده است مانند: ۱. موی مصنوعی ۲. قطع گوش و در آوردن چشم حیوان یا اخته کردن ۳. تشبه مرد به زن (تَخَنُّث) و نیز مساحقه ۴. خداوند، حیوانات را برای انتفاع انسان‌ها آفرید که سوار آن شوند و از گوشت آن استفاده کنند، پس حرام کردن حیوانات، تغییر خلق الله است. نیز خداوند متعال خورشید، ماه و ستاره‌ها را برای انسان‌ها آفرید، پس پرستش این موجودات، تغییر خلق الله است.

فخر رازی در پایان نتیجه می‌گیرد که تمام معانی فوق می‌تواند مدنظر و مورد توجه باشد و وی همه معانی را می‌پذیرد.[۳۵۸] ۲. تفسیر جامع البیان (تفسیر طبری): محمد بن جریر طبری در این تفسیر از بزرگان اهل سنت، تأویل آیه «فلیغیرن خلق الله» را بیان می‌کند: پانزده نفر از بزرگان اهل سنت می‌گویند: منظور اخصا است. بیست نفر از بزرگان اهل سنت می‌گویند: منظور از تغییر خلق الله، تغییر دین است. و هفت نفر از اهل سنت می‌گویند: منظور وشم و زینت‌های فریبنده است.

آن‌گاه طبری از امام باقر (ع) نقل می‌کند که منظور از «خلق الله»، دین الله است به دلیل آیه ۳۰ سوره روم. طبری می‌گوید: اگر این معنا را در نظر بگیریم در این صورت، هر کاری که از سوی خداوند متعال نهی شده باشد، داخل معنای فوق خواهد بود، مانند: خصاء، وشم و وشره.

نیز هر کاری که ترک دستور الهی در آن نهفته باشد، کار شیطانی است؛ چون شیطان انسان‌ها را به ترک دستورات الهی وانجام گناهان دعوت می‌کند و او از این

طریق نصیب می‌گیرد و در کار انسان‌ها شریک می‌شود و از این طریق، تغییر خلق الله که همان تغییر دین الله است، تحقق پیدا می‌کند.[۳۵۹] ۳. تفسیر المنار: شیخ محمد عبده، نویسنده تفسیر المنار می‌گوید: تغییر خلق الله و

تغییر جنسیت، ص: ۲۲۸

سوء تصرف در خلقت الهی، شامل تغییرهای حسی، مانند اخته کردن می‌شود و نیز شامل تغییرهای معنوی می‌شود؛ یعنی همان اموری که شرع اسلام آن را حرام کرده است. پس تبعیت و پیروی از پادشاهان ظالم یک نوع تغییر معنوی است. از ابن عباس روایت شده که مراد از «تغییر خلق الله»، تغییر دین است. هم‌چنین در روایتی، به موی مصنوعی و مانند آن تعبیر شده است، که هدف از آن، زینت فریبنده باشد، و از همین قبیل است نقش‌هایی که روی دست، صورت یا سینه حکاکی می‌کنند و در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که تغییرهای ظاهری (صوری) وقتی مذموم بوده و از کارهای شیطانی محسوب می‌شود که باعث تشویش و فریب‌کاری گردد.[۳۶۰] ۴. تفسیر روح المعانی (تفسیر آلوسی): شهاب الدین آلوسی می‌گوید: تغییر یا صوری (ظاهری) است یا صفتی (معنوی). بر این اساس هر نوع تغییر، مصداق تغییر خلق الله است، مانند: در آوردن چشم شتر، خصاء عبید، وشم، وشر، لواط، مساحقه و عبادت خورشید، ماه و سنگ.[۳۶۱] اگرچه آلوسی از «تغییر دین الله» سخنی به میان نیاورده است، ولی با توجه به این‌که ایشان تغییر معنوی را مصداقی از تغییر می‌داند، به دست می‌آید که تغییر دین الله نیز منظور ایشان بوده است.

۵. تفسیر الکشف و البیان: امام احمد ثعلبی این معانی را نقل می‌کند: دین الله،

خضاب، وشم، قطع گوش و در آوردن چشم.[۳۶۲] آن‌گاه در ادامه می‌گوید:

اهل معنا می گوینـد: معنای قول خداوند که می‌فرماید: «فلیغیرن خلق الله» این است که خداوند حیوانات را خلق کرد تا انسان‌ها سوار آن شوند و از گوشت آن استفاده کنند، ولی آن‌ها این‌ها را بر خویشتن حرام کردند و خداوند خورشید و ماه و سنگ را در اختیار انسان قرار داد تا از آن نفع ببرند ولی

تغییرجنسیت، ص: ۲۲۹

مشرکان، آن‌ها را پرستش نموده و ازاین طریق خلق خدا را تغییر دادند.[۳۶۳] ۶. تفسیر محاسن التأویل: جمال‌الدین قاسمی صاحب کتـاب محـاسن التأویـل برای خلق الله در آیـهٔ «فلیغیرن خلق الله» معناهـایی ذکر می کنـد که عبـارت است از: دین الله، امر الله، اخصاء حیوانـات و اخصـا انسـان، وصل موی مصـنوعی و نیز عبادت خورشـید، ماه، سـتاره و پرهیز از اسـتفاده حیوانات.[۳۶۴] وی در ادامه می گوید:

مخفی نمانـد که عموم آیه شـریفه بر همه معناها صـدق می کنـد؛ چون همه آن‌ها تغییر خلق الله است. پس مانعی نیست که آیه را بر آن معناها حمل کنیم.[۳۶۵] ۷. تفسیر الثمرات الیانعه: یوسف بن احمد معروف به فقیه یوسف پس از نقل معانی متعدد می گوید:

برخی مفسـرین گفته‌اند: معنای «تغییر خلق الله» عبارت است از تغییر آن حلال‌ها و حرام‌هایی است که خداوند خلق کرده است. پس داخل در این معنا می‌شود تغییر هر حرامی که حلال گشـته، و هر حلالی که حرام گشته است. و این مطلب از ابی مسلم روایت شده است. پس تحریم حلال در این نهی داخل است. حاکم و زمخشری گفته‌اند: هر کس که کار مباحی را حرام کند،

گناه کار است.[۳۶۶] جمع‌بندی دید گاه مفسرین اهل سنت

تقریباً تمام مفسرین اهل سنت به معنای «تغییر دین الله» اشاره داشتند. به عبارت

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۰

دیگر، از نظر آنـان «تغییر خلق الله» یعنی تغییر دین الله، و این معنا را شبیه «لا تبـدیل لخلق الله» می‌داننـد که به معنای «لا تبـدیل لـدین الله» است.

علاوه بر این، مفسـرین اهل سنت، مصادیق بیش‌تر و معانی متعددی برای تغییر خلق الله بیان داشته‌اند، مانند: اخته کردن انسان، وشم، بریدن گوش حیوان، در آوردن چشم حیوان، تحریم گوشت حیوانِ حلال گوشت، پرستش ماه، خورشید و ......

برخی از مفسـرّین سنی تأکید دارند که تمام معانی ذکر شده می‌تواند مصداقی از معنای «تغییر خلق الله» یا همان «تغییر دین الله» باشد و بنابراین، می‌توان یک قاعـده کلی ذکر کرد و آن این که: هر کاری که از قبیل: «تحریم حلال و تحلیل حلال» باشد، به عنوان کار شیطانی محسوب شده و مصداقی از تغییر دین خداوند است. پس تغییر خلق الله، یعنی خروج از طاعت الهی و ورود به طاعت شیطان و اطاعت از وسوسه‌های شیطانی است.

بنابراین، اساساً تغییر خلق‌الله در آیه شریفه ناظر به تغییر فیزیکی و ظاهری نیست، بلکه بیان‌گر یک قاعده کلی است که هر کاری که خلاف دسـتورات الهی باشـد و یـا از قبیـل «تحریم حلاـل و تحلیـل حرام» باشـد، مصـداق تغییر خلـق الله است و از این رو، آیه فوق نمی‌تواند ناظر به تغییر جنسیت باشد و آیه شریفه این مصداق را در بر نمی گیرد، بلکه باید سراغ ادله و قرائن دیگر رفت و ببینیم که آیا تغییر جنسیت حلال است یا حرام.

جمع‌بندی نهایی در مسأله تغییر خلق الله و نظریه مختار

همان طور که در شرح و تفسیر آیه تغییر (نساء: ۱۱۹) بیان شد، عده‌ای از اعراب

جـاهلی، بر اسـاس اعتقـاد خرافی خویش، برخی حلال‌هـا را بر خویشـتن حرام می کردنـد، از جمله در مواقع خاص، گوش حیوان را

می‌بریدند و یا چشم آن را در می‌آوردند و از سوار شدن یا استفاده از گوشت حیوانِ حلال گوشت خودداری می‌کردند.

خداوند متعال از این کار ایشان به عنوان «تغییر خلق الله» یاد می‌کند که براساس روایاتی که از امام باقر و امام صادق (ع) وارد شده است، منظور از «خلق الله»، دین الله است، به قرینه آیه: «لا تبدیل لخلق الله» (روم: ۳۰) که به معنای: «لا تبدیل لدین الله» است.

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۱

بر این اساس، «تحریم حلال و تحلیل حرام» تغییر دین خداوند و مصداقی از تغییر خلق الله است. خداوند متعال، در آیه مورد نظر، از این گونه کارها نهی کرده و آن را تغییر در خلق خدا می‌داند؛ چه این که، هدف از خلقِ این گونه حیوانات، استفاده از گوشت آن و بهره‌برداری از سواری و حمل بار است. این گونه نعمت‌ها، برای استفاده انسان‌ها آفریده شده تا توان لازم برای عبادت و بندگی خداوند پیدا کنند. در غیر این صورت، از اهداف خلقت دور افتاده‌اند.

بنابراین، آیه شریفه بر این مطلب ناظر است که برخی اشیا به منظور خاص و امور ویژه ساخته شده است و هرگاه از مسیر اصلی منحرف شود، تغییر در خلقت الهی است. برای مثال، شترها برای استفاده از گوشت و یا سواری آفریده شده‌اند و هرگاه انسان‌ها، به خیال واهی آن را بر خود حرام کنند، تشریع و بدعت گذاری بوده و تغییر مذموم است.[۳۶۷]

به عبارت دیگر آیه شریفه ناظر بر این نکته است که هر نوع تغییر و تبدیل که به منظور تشریع و بدعت گذاری در دین و شریعت باشد، حرام و مذموم است؛ چه این‌که شهوت باید در مسیر ازدواج قرار گیرد. در غیر این صورت، تغییر مذموم است.[۳۶۸] با این توضیح، روشن می‌شود که آیه تغییر (نساء: ۱۱۹) به بحث مورد نظرما، یعنی تبدیل مذکر به مؤنث و برعکس، مربوط نمی‌شود و استشهاد به این آیه برای اثبات

حرمت تغییر جنسیت ناصواب است، و بیش از ده تن از فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت فتوا داده‌اند، از این آیه شریفه، حرمت تغییر جنسیت استفاده نکرده‌اند.

علاوه بر این، اگر بنا باشد صرفاً ظاهر آیه شریفه مبنا و ملاک باشد و تغییر در مخلوقات حرام باشد، لازم می‌آید که تمام تغییرات و تبدیل‌هایی که بشر در اشیای عالم به وجود می‌آورد، حرام و مصداق کار شیطانی باشد، مانند: حفر تونل در کوه‌ها، تصرف در جنگل‌ها، ورود به اعماق زمین و استفاده از معادن و نفت و گاز، ورود به کره ماه و مریخ و هزاران تغییرهایی که در طبیعت به دست ابنای بشر صورت می‌پذیرد.

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۲

ممکن است در مقابل گفته شود که این موارد استثنا شده و آیه تغییر این مصادیق را در بر نمی‌گیرد.

ولی در پاسخ باید گفت: سخن فوق موجب تخصیص اکثر است؛ یعنی لازم می‌آید در ابتدا گفته شود: هر نوع تغییر در مخلوقات الهی حرام است، آن گاه میلیاردها تغییر و تبدیل که به دست انسان‌ها صورت می‌گیرد استثنا گردد و در تحت عام، تنها چند مورد باقی می‌ماند که شامل خصاء، بریدن گوش، درآوردن چشم و مانند آن است.

مضافاً به این‌که در اکثر قریب به اتفاق موارد، تغییر جنسیت به دلیل بیماری جسمی و یا بیماری روحی صورت می‌گیرد. هرگاه تغییر جنسیت به منظور معالجه بیمار باشد و راه دیگری برای درمان وجود نداشته باشد، آیا هم چنان می‌توان پای فشرد و معتقد شد که تغییر جنسیت، تغییر در خلق الله است و یک کار شیطانی محسوب می‌شود؟!

دلیل دوم: حرمت تغییر جنسیت به علت تَشبّه مرد به زن و برعکس

دلیل دیگری که برای حرمت تغییر جنسیت بیان شده است این است که تغییر جنسیت عاملی برای «تشبّه مرد به زن و تشبّه زن به مرد» خواهد بود که در اسلام از آن نهی شده است و پیامبر اکرم (ص) مردانی که خود را شبیه زنان می‌کنند و نیز زنانی که شبیه

مردان می‌شوند، مورد لعن خویش قرار داده است. توجه به این نکته ضروری است که دلیل فوق از سوی صاحب نظران اهل سنت بیان شده است. دکتر احمد محمد کنعانی در این باره می‌گوید:

وقد ورد فی الصحیح ایضاً: «لعن رسول‌الله (ص) المتشبهین من الرجال بالنساء، و المتشبهات من النساء بالرجال.»[۳۶۹] و هذا ان کان مجرد تشبه

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۳

ظاهری، فکیف به ان کان تغیراً فعلیاً فی البنیة العضویة؟![۳۷۰]

در کتاب صحیح [از کتاب‌های اهل سنت] چنین آمده است: رسول خدا (ص) مردانی که خود را شبیه زنان در آورند، و زنانی که خود شبیه مردان می‌کنند، لعنت کرده است.

این کلام پیامبر اسلام (ص) در مورد شباهت ظاهری است، پس چگونه است وقتی تغییر خارجی (شباهت واقعی مرد به زن و برعکس) در اعضای بدن صورت پذیرد.

نویسنده فوق، خواسته از قیاس اولویت استفاده کند. از نظر وی، تغییر جنسیت نوعی تشبه واقعی مرد به زن یا برعکس است. وی معتقد است: وقتی تشبّه ظاهری مرد به زن و برعکس حرام باشد، پس تغییر جنسیت به دلیل تشبّه واقعی به دلیل اولویت حرام خواهد بود.

پاسخ دلیل فوق

این که گفته شود تغییر جنسیت، نوعی تشبّه مرد به زن یا برعکس است، سخنی ناصواب است؛ چون تشبه مرد به زن یا برعکس، به معنای شباهت داشتن در نحوه زندگی، یا لباس پوشیدن یا تشبّه در رابطه جنسی با حفظ اصل جنسیت است. اما تغییر

جنسیت، یک نوع تغییر کلی و ماهوی است، به گونه‌ای که موضوع عوض می‌شود. در این حالت، اصلًا صدق تشبّه نمی‌کند.[۳۷۱] به عبارت دیگر، در تشبّه یا شباهت یک جنس به جنس دیگر، موضوع عوض نمی‌شود، بلکه با حفظ موضوع یعنی حفظ جنس مرد یا زن، از لحاظ زندگی یا لباس پوشیدن یا نوع رابطه جنسی، به جنس مخالف شبیه می‌شود؛ مرد با حفظ جنس خود، شبیه زن می‌شود یا زن با حفظ جنس خود، شبیه مرد می‌شود؛ در حالی که تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۴

جنسیت، تبدیل و تغییر موضوع است. پس اساسا «تغییر جنسیت مرد به زن» با «تشبّه مرد به زن» تفاوت دارد. نیز «تغییر جنسیت زن به مرد» با «تشبّه زن به مرد» تفاوت دارد.

آری اگر فرض کنیم تغییر جنسیت، واقعی و بنیادی نباشد، بلکه صرفاً یک تغییر ظاهری مثلًا با استفاده از دارو یا هورمون حاصل شده و از این طریق صرفاً قیافه شخص تغییر کرده و آلت تناسلی او تغییر نکرده است، در این حالت، شاید تشبّه مرد به زن یا برعکس صادق باشد.[۳۷۲] دلیل سوم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل رواج هم جنس بازی

برخی صاحب نظران عرب معتقدند: تغییر جنسیت مرد به زن و ازدواج وی با مرد دیگر، در واقع ازدواج مرد با مرد و زمینه‌ای برای گناه لواط است. نیز تغییر جنسیت زن به مرد و ازدواج وی با زن دیگر، در واقع ازدواج زن با زن و زمینه‌ای برای گناه مساحقه است.[۳۷۳] این عده معتقدند: تغییر جنسیت یک پوشش حقوقی و قانونی برای ازدواج هم جنس بازان است که امروزه در جوامع منحرف رواج پیدا کرده است.

پاسخ به دلیل فوق

در پاسخ به استدلال فوق، نکاتی قابل توجه است:

الف. جواب نقضی به کلام فوق آن است که اگر تغییر جنسیت مرد به زن یا

برعکس موجب ترویج هم جنس بازی است، لازم می‌آید که تغییر جنسیتِ خنثای مشکل نیز مروج این عمل پلید باشد، حال آن‌که نویسنده فوق می‌گوید: خنثی‌ها از حرمت تغییرجنسیت استثنا شده‌اند.

توضیح آن‌که خنثای مشکل کسی است که مرد بودن یا زن بودنِ وی شدیداً مورد تردید و شبهه است و با علائم و قرائن شرعی نمی‌توان وضعیت جنسی او را معین ساخت. وی می‌تواند با تغییر جنسیت، یکی از دو جنس مرد یا زن را برای خویش برگزیند. حال اگر در وضعیت جدید، مرد شود، چه بسا در واقع زن بوده است و اگر در

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۵

وضعیت جدید، زن شود، چه بسا در واقع مرد بوده است. در این حالت، همان مشکلی که نویسنده فوق مطرح ساخت پیش می‌آید؛ یعنی ترویج هم‌جنس‌بازی.

ب. این سخن که تغییر جنسیت موجب رواج هم جنس بازی، مانند لواط و مساحقه است دور از صواب است؛ چه این‌که هم جنس بازی عبارت است از روابط جنسی دو مرد با یکدیگر و یا دو زن با یکدیگر. حال اگر مردی به هر دلیل تغییر جنسیت داده و کاملًا به زن تبدیل گردد و آن گاه با مرد دیگری ازدواج کند، آیا این عمل، مصداق ازدواج است یا هم جنس بازی؟!

افزون به این‌که کسانی که به جواز تغییر جنسیت معتقد شده‌اند، منظورشان «تغییر جنسیت کامل» است و بدین وسیله «تبدیل عنوان» صورت می‌گیرد؛ یعنی عنوان «مرد بودن» به عنوان «زن بودن» و یا برعکس تبدیل می‌شود. در وضعیت جدید، مردی که تغییر جنسیت داده، می‌تواند با مرد دیگر ازدواج کند و نیز زنی که تغییر جنسیت داده می‌تواند با زن دیگر ازدواج کند.

ج. نکته‌ای که نویسنده فوق از آن غفلت ورزیده و ما همواره بر آن تاکید داریم این است که در بررسی جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، لازم است این مسأله را فی حد نفسه و بدون ملاحظه ملازمات و لوازم جانبی آن مورد بررسی قرار داد. برای مثال، جمعی از فقیهان شیعه معتقدند که تغییر جنسیت فی حد نفسه حرام نیست.[۳۷۴] تغییر جنسیت فی حد نفسه، هیچ تلازمی با هم جنس بازی ندارد. چه بسا شخص، تغییر جنسیت داده و در وضعیت جدید با هیچ کس ازدواج نمی‌کند، بلکه به صورت مجرد باقی می‌ماند. آیا در این حالت هم مسأله هم جنس بازی پیش می‌آید؟! پاسخ منفی است.

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۶

توضیح آن‌که در برخی موارد، افراد بیمار، تغییر جنسیت داده و بعد از عمل جراحی هم به هر دلیل از ازدواج خودداری می‌کنند. آنان از این‌که در جنسیت جدید زندگی می‌کنند احساس رضایت می‌کنند.

د. یکی از بیمارهای موجود در جهان غرب، رواج هم جنس بازی و کاهش ازدواج و توالد و تناسل است. نویسنده فوق معتقد است که تغییر جنسیت موجب رواج هم جنس بازی است. لازمه این سخن آن است که کثرت هم جنس بازی که امروزه در کشورهای غربی مشاهده می‌شود، معلول کثرت تغییر جنسیت باشد؛ حال آن‌که این گونه نیست؛ چه این‌که شیوع هم جنس بازی در غرب، معلول عوامل و شرایط متعددی غیر از تغییر جنسیت است که در این پژوهش، مجال بحث از عوامل و علل هم‌جنس‌بازی نیست.

دلیل چهارم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل از بین رفتن اعضای اصلی بدن و ایجاد نقص

برخی از مخالفین تغییر جنسیت معتقدند که مجاز بودن تغییر جنسیت مستلزم مجاز بودن برداشت و ازبین بردن برخی از اعضای بدن است؛ در حالی که حرمت از بین بردن اعضای بدن و حرمت صدمه به بدن از ضروریات فقه است. بنابراین، برای پرهیز از

انجام محرمات فوق، باید از انجام تغییر جنسیت پرهیز نمود. آیت‌الله سید یوسف مدنی تبریزی می‌گوید:

لازمه تغییر جنسیت این است که اعضایی را چه از مرد، چه از زن از بین ببرند و اعضای دیگر را جایگزین آن کنند و این عمل شرعاً جایز نیست.[۳۷۵]

نیز ایشان می‌گویند:

تغییر جنسیت از طریق عمل جراحی در فردی که اصالتاً مرد یا زن است، جایز نیست و شرعا درست نیست با عمل جراحی، بیضه و آلت تناسلی مرد را بردارند و برای او مهبل درست کنند و لو این‌که او از لحاظ روحی خود را زن

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۷

حس می‌کند و به وسیله خوردن دارو پستان‌هایش هم بزرگ شده و ظاهر زنانه پیدا می‌کند.[۳۷۶] و هکذا در فردی که اصالتا زن است جایز نیست با عمل جراحی برای او بیضه و آلت تناسلی درست کنند، ولو این‌که او از لحاظ روحی خود را مرد حس می‌کند.[۳۷۷] پاسخ به دلیل فوق

حرمت از بین بردن اعضای بدن در صورتی است که هیچ گونه ضرورت و اضطراری برای آن وجود نداشته باشد. در نتیجه، برداشت یا از بین بردن عضوی از بدن در موارد اضطرار و ناچاری امری مشروع است. بنابراین، به استناد مطلب فوق نمی‌توان تغییر جنسیت را به طور مطلق ممنوع نمود. به عبارت دیگر، برای افراد سالم جسمی و روحی، تغییر جنسیت حرام است؛ چون مستلزم ضرر و زیان به جسم است که هیچ توجیه عقلی و شرعی برای آن وجود ندارد، اما اگر شخصی در نتیجه بیماری روانی یا جسمانی ناچار به برداشت عضوی از اعضا گردد، قاعده مجاز بودن ممنوعات در موارد اضطرار و ناچاری، حاکم بر این دلیل می‌شود.[۳۷۸]

دلیل پنجم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل عدم امکان تغییر جنسیت

آیت‌الله سید یوسف مدنی در این باره می‌گوید:

کسی که اصالتاً مرد یا زن خلق شده، تغییر و تبدیل آن به جنس مخالف، مثلًا تغییر و تبدیل مرد به زن به تمام معنی یا بالعکس، غیر ممکن و از توان علم بشر خارج است؛ زیرا این دو جنس «مذکر» و «مونث» در عالم انسان دگرگونی‌هایی که از لحاظ انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می‌دهد و ویژگی‌هایی که هر یک از دو جنس به تناسب فعالیتشان دارند و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است که همه از نشانه‌ها و آیات آفریدگار حکیم حکایت می‌کند و هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۸

پس به وسیله عمل جراحی و خوردن دارو، اگر موی صورت مرد بریزد و پستان‌هایش بزرگ شود و برای او مهبل درست کنند، در واقع زن نشده است و همچنین بالعکس، روئیدن مو در رخسار زن و کوچک شدن پستان‌ها و با درست شدن بیضه و آلت تناسلی در وجود آن دلالت نمی‌کند که او واقعاً مرد شده است و اگر به این عمل غیرمشروع اقدام کرد، معصیت کرده و از نظر تکالیف شرعیه، حکم قبل از تغییر اعضای ظاهری را دارد.

به عبارت دیگر، با تغییر بعضی از اعضا، موضوع مرد بودن یا زن بودن از بین نمی‌رود، تا گفته شود که حکم هم تغییر پیدا می‌کند و این موضوع «غیر ممکن بودن تغییر جنسیت به معنی واقعی» را فی الجمله می‌توان از بعضی آیات قرآن کریم استفاده کرد، مانند: آیه‌های ۴۹ و ۵۰ ۹ از سورهٔ شوری که می‌فرماید:

یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء اناثاً و یهب لمن یشاء الذکور و یجعل من یشاء عقیماً؛

یعنی: هر چه را بخواهد می‌آفریند و به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد.

خلاصه، این مسأله مهم مختص علم لایتناهی قادر متعال است و در سیطره
قدرت او می‌باشد و مخلوق چنین توانی را هرگز نخواهد داشت.[۳۷۹] این دیدگاه معتقد است که تغییر جنسیت اساساً غیر ممکن است و هیچ گاه نمی‌توان مرد را به زن یا زن را به مرد تغییر جنسیت داد. به عبارت دیگر، موضوع همواره، چه قبل از تغییر جنسیت و چه بعد از آن ثابت است. نهایت آن‌که یک سری تغییرات صوری و ظاهری از طریق عمل جراحی به وجود آمده است. پس چون موضوع تغییرناپذیر است، حکم آن نیز ثابت بوده و غیر قابل تغییر است. از نظر این دیدگاه، خداوند انسان را مذکر و یا مؤنث آفریده است و این صفت یا ویژگی همواره با انسان بوده و هیچ قدرتی نمی‌تواند مذکر را به مؤنث یا مؤنث را به مذکر تبدیل کند.

تغییرجنسیت، ص: ۲۳۹

بررسی و تحلیل

در ارتباط با استدلال فوق نکاتی بیان می‌شود:

نکته اول. به نظر نگارنده یکی از مشکلات فقه و پزشکی، تعریف «مذکر و مؤنث» است. اساساً مذکر و مؤنث کیست؟ تا آن جایی که تفحص شده است، تعریف واضح و روشنی در این باره وجود ندارد. در برخی تعابیر آمده که مذکر یعنی ضد مؤنث، و مؤنث یعنی ضد مذکر. ولی از مجموع تعابیر فقهی به دست می‌آید که «تعریف فقهی» از مذکر و مؤنث، همان «تعریف عرفی» و نظر عرف در این باره است؛ یعنی مذکر آن است که عرفاً آن را مذکر بدانند و مؤنث آن است که از نظر عرف مؤنث است، و در بیش‌تر موارد، مذکر از نظر فقه کسی است که دارای آلت تناسلی مردانه است و مؤنث کسی است که دارای آلت تناسلی زنانه است.

در یک جمع بندی می‌توان گفت: ملاک مذکر و مؤنث از نظر فقه و عرف به نوع آلت تناسلی وابسته است و خنثی کسی است که یا هر دو آلت را دارد یا اساساً فاقد آلت تناسلی است، که نام دیگرش «ممسوح» است.

حال که ملاک مذکر و مؤنث بودن، به داشتن آلت تناسلی ویژه جنس است. پس تغییر جنسیت با تغییر آلت تناسلی صورت می‌گیرد. از این رو، اگر مردی از طریق عمل جراحی، آلت تناسلی‌اش برداشته شود و به جای آن مهبل پیوند زده شود و به همراه آن یک سری ویژگی‌ها و علائم زنانه در وی به وجود آید (مانند رشد پستان)، وی به زن تبدیل شده است و برعکس.

چنین پدیده‌ای در عمل‌های جراحی تغییر جنسیت، در عصر کنونی صورت می‌پذیرد. بنابراین، تغییر جنسیت حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، تغییر موضوع، یعنی تبدّل موضوع مذکر به موضوع مؤنث و برعکس، غیر قابل خدشه است، و از نظر عرف هم کسانی که این گونه تغییرات در آن‌ها به وجود می‌آید، به عنوان افراد تغییر جنسیت یافته، تلقی می‌شود. بنابراین، هیچ مشکلی از جهت «تغییر موضوع» به وجود نمی‌آید و مفهوماً و مصداقاً، تغییر و تبدیل موضوع حاصل شده است.

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۰

نکته دوم. همان طور که برخی فقیهان اسلامی بیان داشته‌اند و نگارنده نیز عمیقاً بدان اعتقاد دارد، تنها تغییر جنسیت واقعی مورد پذیرش و قبول است، نه تغییر جنسیت صوری و ظاهری. بنابراین، هرگاه تغییر جنسیت، ناقص صورت گیرد، یا تنها یک سری علائم جنس مخالف در وی پدید آید، تبدیل موضوع مذکر به مؤنث و برعکس تحقق نیافته است.

نکته سوم. مهم‌ترین وظیفه فقیه بیان احکام شرعی است نه تبیین موضوع. بنابراین، این‌که آیا تغییر جنسیت حاصل می‌شود یا نه، در صلاحیت فقیه نیست؛ بلکه بحث فقهی در فرض «وجود موضوع» است. به عبارت دیگر، فقیه به این پرسش پاسخ می‌دهد که: «اگر تغییر جنسیت حاصل شود، احکام و شرایط آن چیست». در فقه، کم نیست فروضی که صرف فرض است، با این حال فقیهان گرانقدر با تلاش تحسین برانگیز خویش این موضوعات فرضی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند و احکام شرعی ویژه آن موضوعات را بیان داشته‌اند.[۳۸۰] با توضیح فوق، می‌توان این نتیجه را گرفت که فقیه می‌بایست در بحث تغییر

جنسیت، حکم آن را از نظر جواز یا عدم جواز و نیز شرایط آن در صورت جواز و بالاخره آثار و پیامدهای آن را بیان دارد. این‌که تغییر جنسیت واقع شده است یا نه، قضاوت آن به عهده عرف است.

حتی اگر در تحقق عرفی تغییر جنسیت تردید وجود داشته باشد، باز می‌توان از نظر فقهی درباره آن به صورت «اگری» بحث و گفت و گو کرد؛ یعنی اگر تغییر جنسیت امکان تحقق داشته باشد، آیا جایز است یا نه، و احکام و شرایط آن چیست؟

بنابراین، با استناد به این‌که تغییر جنسیت، امکان وقوعی ندارد و حقیقتاً مرد به زن یا برعکس تبدیل نمی‌شود، نمی‌توان تغییر جنسیت را به طور مطلق، غیر مشروع دانست. مراجعه به متخصص جهت تشخیص جنسیت اصلی و از بین بردن علائم جنسیت غیر اصلی در خنثای بدنی و خنثای روانی (ترانس‌ها) نه تنها امری ممنوع نمی‌تواند باشد، بلکه امری شایسته و پسندیده است.[۳۸۱]

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۱

دلیل ششم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل مخالفت با فطرت الهی

از نظر عده‌ای، تغییر جنسیت باعث مخالفت با فطرت الهی است. دکتر احمد محمد کنعانی در این‌باره می گوید:

همانا وجود مذکر و مؤنث در میان موجودات زنده، امری لازم برای ازدواج و تکثیر نسل و ادامه نسل بشری است و خداوند متعال مذکر و مؤنث را آفریده که هر یک دیگری را تکمیل کنند و هر یک وظیفه خاص خویش را انجام دهند. از این رو، قانون گذار الهی تغییر جنسیت را حرام کرده، چون با فطرت الهی مخالفت دارد. از این تحریم، برخی حالات تغییر جنسیت استثنا شده است، مانند «خنثی» که دارای هر دو آلت مذکر و مؤنث به مقدار متفاوت است که در نتیجه، منجر به اضطراب‌های جسمی و روحی شده است. پس در این صورت، عمل جراحی تغییر جنسیت جایز است تا به جنسی تبدیل شود که پزشکان برای او تجویز کرده‌اند.[۳۸۲]

با توجه به کلام نویسنده فوق، وجود مرد و زن، برای ازدواج و تکثیر نسل و دوام خلقت انسان‌ها است و نیز مرد و زن برای تکمیل یکدیگر آفریده شده‌اند و هر یک باید وظیفه خاص خویش- که خلقتشان بر اساس آن است- انجام دهند. امور فوق، امور فطری بوده که خداوند انسان‌ها را بر این فطرت آفریده است و تغییر جنسیت باعث تغییر امور فطری فوق می گردد.

بررسی و تحلیل

در ارتباط با استدلال فوق دو نکته بیان می شود:

نکته اول- این مطلب که ازدواج و تکثیر نسل از امور لازم و ضروری برای

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۲

انسان‌هاست مورد پذیرش است، امّا این گونه نیست اگر کسی ازدواج نکند، یا ازدواج کرده، ولی مایل به داشتن فرزند نیست، مرتکب حرام شده باشد.

نکته دوم- بر فرض که بپذیریم که یکی از امور فطری انسان‌ها، ازدواج و تکثیر نسل است، اما تغییر جنسیت موجب تغییر فطرت الهی نیست و انسان از انسانیت خویش خارج نمی‌شود. نهایت این‌که یکی از صفات انسان- که عبارت از مرد بودن یا زن بودن است- تغییر کرده است و موجودی که قبلًا به عنوان مرد بوده، در وضعیت جدید به عنوان زن انجام وظیفه می کند.

دلیل هفتم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل مخالف آن با مصالح عمومی

برخی حقوق دانان معتقدند که عمل تغییر جنسیت، عملی برخلاف مصالح عمومی است که این مصالح عمومی مورد توافق همگان است و حفظ و حراست آن بر همگان ضروری است. آقای دکتر ناصر کاتوزیان در این باره می گوید:

قواعدی که وضع مدنی شخص را در جامعه تعیین می کند، تنها به خاطر حفظ منافع او وضع نشده است. هدف مهم این گونه قواعد، تأمین مصالح عمومی است. به همین خاطر اشخاص نمی‌توانند بر خلاف آن‌ها با یکدیگر توافق کنند؛ چنان که به وسیله قرار داد

نمی‌توان تابعیت و جنسیت کسی را تغییر داد.[۳۸۳] بررسی و تحلیل

به نظر می‌رسد که تغییر جنسیت هیچ‌گاه با مصالح عمومی جامعه در تضاد نیست و هرگاه شخص با توجه به تشخیص پزشکان و به دلیل داشتن اضطرار، به عمل جراحی تغییر جنسیت دست زند، رفتارش مصالح عمومی را تهدید نمی‌کند.

مضافاً به این‌که سخن نویسنده فوق، مبهم است؛ زیرا ضابطه و محدوده مصالح عمومی مشخص نشده است. «مصالح عمومی» از عناوین قابل انعطاف و دارای تأویل‌ها و تفسیرهای متفاوتی است که نمی‌توان برای آن دیدگاه واحدی یافت.

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۳

آری اگر تغییر جنسیت بدون ضابطه و قانون باشد و عده زیادی از افراد جامعه بدان گرایش پیدا کنند و همانند یک بیماری مسری، در جامعه رو به گسترش و شیوع باشد، مصالح عمومی و نظم اجتماعی دچار آسیب شده و باید از این جهت نگران بود، حال آن‌که تغییر جنسیت در بیش‌تر کشورها همراه با شرایط و ضوابط خاص است و تنها عده بسیار کمی مجوز تغییر جنسیت را دریافت می‌کنند. در این حالت، هیچ آسیبی به مصالح عمومی وارد نخواهد شد.

دلیل هشتم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل حرمت نگاه و لمس عورت نامحرم

از آن جایی که یکی از محرمات شرعی، نگاه به شرمگاه و لمس عورت نامحرم است، ممکن است تصور شود که تغییر جنسیت به دلیل نگاه و لمس نامحرم، حرام است. با این استدلال که بر فرض که دلایل دیگر حرمت تغییر جنسیت، قوت کافی

نداشته باشد، ولی به هر حال، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت، ملازم و همراه با نظر به عورت نامحرم و گاه لمس عورت است. از این رو، لازم است برای پرهیز از ارتکاب این حرام مسلّم، از تغییر جنسیت پرهیز شود.

قرآن کریم در حرمت نگاه به نامحرم می‌فرماید:

قُل للمُؤمنینَ یغُضُّوا مِن ابصارِهِم وَ یحفَظُوا فُروجَهم ذلک ازکی لَهُم انَّ اللهَ خبیرٌ بِما یصنَعونَ وَ قُل لِلمؤمناتِ یغضُضنَ مِن ابصارِهِنَّ وَ یحفَظنَ فُرُوجَهُنَّ .....[۳۸۴]

به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ و خداوند از آن‌چه انجام می‌دهند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند .....

روایات متعددی نیز در حرمت نظر به عورت وارد شده است که از باب نمونه به دو

روایت اشاره می‌شود:

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۴

۱. اذا اغتَسَلَ احَدُکُم فَلیحاذِر علی عَورَتِهِ؛[۳۸۵]

هرگاه یکی از شما خود را می‌شوید عورت خویش را بپوشاند.

۲. عن النبی (ص): یا علی، ایاک و دُخولُ الحمام بِغیرِ مِئزَرٍ، معلونٌ الناظرُ و المنظورُ الَیه؛[۳۸۶]

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: ای علی! هرگز بدون پوشش وارد حمام مشو. نگاه شونده و نگاه کننده به عورت ملعونند.

بررسی و تحلیل

در ارتباط با استدلال فوق دو نکته بیان می‌شود:

نکته اول- لمس حرام یا نظر به عورت از «ملازمات تغییر جنسیت» است و در بررسی

جـواز یـا عـدم جواز تغییر جنسیت لازم است خود مسأله «تغییر جنسیت» مورد بررسـی و تحلیـل قرار گیرد، نه این مسأله، همراه با ملازمات و امور جانبی آن مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، لازم است به این پرسـش پاسخ داده شود که آیا تغییر جنسیت فی حدنفسه، و بدون ملاحظه ملازمات و امور جانبی آن، جایز است یا نه.

تمـام فقیهانی که به جواز تغییر جنسـیت معتقـد شده‌انـد، به ملازمات حرامِ این عمل جراحی توجه داشـته‌اند. از این رو، معتقدنـد که تغییر جنسـیت «فی حد نفسه» و بدون ملاحظه ملازمات حرام، منع شرعی ندارد. نتیجه سخن فوق این است که چنان‌چه تغییر جنسیت همراه با ملازمات حرام باشد و هیچ ضرورت و اضطراری برای این عمل جراحی وجود نداشته باشد، از انجام آن خودداری شود. در ذیل به کلام تعدادی از فقهای شیعه اشاره می‌شود:

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی می‌گوید:

چون [تغییر جنسیت] مستلزم نگاه به عورت است بدون ضرورت جایز نیست.[۳۸۷]

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۵

آیت‌الله سید علی سیستانی می‌گوید:

لا مانع فی حد ذاته علی تقدیر تحقق؛[۳۸۸] تغییر جنسیت بر فرض تحقق، فی حد ذاته مانعی ندارد.

آیت‌الله لطف الله صافی می‌گوید:

عمل جراحی فی نفسه اشکال ندارد.[۳۸۹] در پرسش و پاسخ از آیت‌الله سید علی خامنه‌ای چنین آمده است:

سؤال: حکم شرعی عمل جراحی تغییر جنسیت برای الحاق خنثی به زن یا مرد چیست؟

پاسخ: مانعی ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام اجتناب شود.[۳۹۰] آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی می‌گوید:

تغییر جنسـیت به جنس مخـالف در شخصـی که واقعاً مرد یا زن باشـد، هرگاه از راه عمل جراحی توسط پزشک خبره ممکن باشـد مانعی ندارد، ولی باید از مقدمات حرام که لمس و نظر باشد اجتناب شود.[۳۹۱] آیت‌الله محمد مؤمن قمی می‌گوید:

تغییر جنسیت حقیقی در مورد کسـی که واقعاً مرد یـا زن است و هیـچ نقص خلقتی نـدارد و با عمل جراحی به جنس مخالف تغییر جنسیت می‌دهد، هر گاه ممکن باشد، به نفسه مانع شرعی ندارد. البته نظر یا لمس عورت او از ناحیه نامحرم جایز نیست و باید عمل جراحی طوری انجام شود که مستلزم این حرام یا حرام دیگری نباشد.[۳۹۲]

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۶

آیت‌الله یوسف صانعی می‌گوید:

تغییر جنسـیت، فی حـد نفسـه بـاقطع نظر از مفاسـد مـترتبه را نمی‌تـوان گفت حرام است.[۳۹۳] آیت‌الله عبـدالکریم موسـوی اردبیلی می‌گوید:

انجام عمل جراحی برای تغییر جنسـیتِ واقعی یا تبـدیل خنثی به مرد یا زن، فی حـد ذاته جایز است، مگر ملازم با حرام باشد که آن وقت مقید به حد ضرورت است.[۳۹۴] آیت‌الله حسین علی منتظری می‌گوید:

ظاهر آن است که فی حد ذاته دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، ولی

اگر مقـدمات این کـار از نظر شـرعی حرام است، ماننـد نظر اجنبی به عورت یا لمس آن، در این صورت جایز نیست مگر در هنگام ضرورت.[۳۹۵] نکته دوم- نگاه و لمس عورت نامحرم در شـرایط عادی- که هیچ گونه اضـطرار و ضـرورت برای آن وجود نداشته باشـد- حرام است و این حکم در موارد ضـرورت رفع شـده است. از جمله موارد ضـرورت، مسـأله درمـان و توقف درمان به نگاه و

لمس پزشک است. به عبارت دیگر، هر گاه در موقع درمان، پزشک ناچار به لمس یا نظر به عورت شود، به گونه‌ای که درمان و معالجه، جز با لمس یا نظر حاصل نشود، در این صورت، حکم حرمت برداشته شده است.

علاوه بر کلام صریح فقیهان، بر این مطلب روایاتی نیز از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده است که از باب نمونه به دو موردِ آن اشاره می‌شود:

۱. عن الباقر (ع): أنّه سئل عن المرأة تصیبها العلل فی جسدها أیصلح أن

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۷

یعالجها الرجل. قال: إذا اضطرت إلی ذلک فلا بأس؛[۳۹۶]

از امام باقر (ع) درباره زنی سؤال شد که گرفتار بیماری شده است، آیا جایز است [پزشکِ] مرد او را مداوا کند. حضرت فرمودند: اگر ناچار به آن شد اشکالی ندارد.

۲. سألته عن المرأة المسلمة تصیبها البلاء فی جسدها امّا کسر أو حرج فی مکان لایصلح النظر إلیه فیکون الرجل ارفق بعلاجه من النساء، ایصلح له النظر الیه؟ قال: إذا اضطرت إلیه فلیعالجها ان شاءت؛[۳۹۷]

از امام صادق (ع) در مورد زنی مسلمانی پرسیدم که در بدنش بیماری وجود داشت، یا شکستگی یا زخمی در جایی که مرد نمی‌تواند بدان بنگرد و مرد معالج از زنان حاذق‌تر است، آیا مرد معالج می‌تواند برای درمان به او بنگرد؟

امام فرمودند: وقتی زن ناچار از معالجه مرد باشد، اگر بخواهد می‌تواند مرد او را معالجه کند.

از این رو، برخی فقیهان معتقدند: چنان‌چه تغییر جنسیت به حد ضرورت مراجعه به پزشک باشد، جایز بوده و از جهت نظر و لمس منعی وجود ندارد. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی می گوید:

تغییر جنسیت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود؛ یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید، مگر این‌که به حد ضرورت هم چون ضرورت معالجه به طبیب رسیده باشد، که در این صورت جایز است.[۳۹۸] دلیل نهم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل حرمت ایجاد ناباروری

یکی از مهم‌ترین دلیل‌هایی که می‌توان برای حرمت تغییر جنسیت بیان کرد این است که تغییر جنسیت مرد به زن یا برعکس موجب ناباروری و عقیم شدن مرد یا زن خواهد شد. از آن جایی که عقیم ساختن مرد یا زن از امور مسلم میان فقیهان اسلامی

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۸

است، باید از تغییر جنسیت اجتناب کرد.

البته در یک حالت، امکان باروری باقی خواهد ماند و آن عبارت است از تبدیل شدن مرد به زن و پیوند رحم به وی. گاه در تغییر جنسیت مرد به زن، آلت تناسلی مردانه حذف شده و به جای آن رحم و تخمدانِ زنِ دیگر به وی پیوند زده می‌شود. در وضعیت جدید، شخص به عنوان یک زن می‌تواند قدرت باروری داشته باشد. باید توجه داشت این گونه تغییر جنسیت که باعث بقای باروری نیز شده باشد، در عمل کم واقع شده است و در اکثر موارد تغییر جنسیت‌ها، شخص به فرد نابارور و عقیم تبدیل می‌گردد. در این حالت، تمام دلیل‌هایی که برای حرمت عقیم شدن بیان شده است، قابل استناد است. فقط در یک صورت، حرمت یا منع برداشته می‌شود و آن هنگامی است که ضرورت و اضطرار برای تغییر جنسیت وجود داشته باشد.

در ادامه، به کلام برخی فقیهان در حرمت ایجاد ناباروی یا عقیم سازی اشاره می‌شود:

۱. امام خمینی می گوید:

خوردن هر چیزی که به بدن ضرر می‌رساند حرام است، خواه آن چیز موجب مرگ انسان شود، مانند: خوردن سم کشنده، یا این‌که زن حامله چیزی بخورد که موجب سقط جنین گردد؛ خواه آن چیز موجب تغییر مزاج یا از بین رفتن برخی حواس ظاهری یا باطنی گردد، یا این‌که برخی قوای انسانی از بین برود، مانند این‌که مردی چیزی بنوشد که نیروی جنسی و شهوانی‌اش از بین برود، یا این‌که زن چیزی بخورد که عقیم شده و دیگر صاحب فرزند نشود.[۳۹۹] ۲. آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی می‌گوید:

بنابر احتیاط واجب، برای زن یا مرد جایز نیست که خویشتن را نازا کند به

تغییرجنسیت، ص: ۲۴۹

گونه‌ای که بعداً قدرت باروری نداشته باشد.[۴۰۰] ۳. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی می‌گوید:

لا یجوز للانسان تعقیم نفسه، لانّ العقم نقص؛[۴۰۱]

برای انسان جایز نیست که خویش را عقیم سازد؛ چون عقیم شدن نقص است.

۴. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی می‌گوید:

از جمله امور حرام، استفاده از چیزهایی است که باعث ناباروری در مردان یا

زنان می‌گردد، خواه به خوردن برخی داروها، یا به بستن لوله‌های تناسلی در مردان یا زنان، یا اموری مشابه آن، که این هم غیر جایز است.[۴۰۲] ۵. آیت‌الله جعفر سبحانی می‌گوید:

تردیدی نیست ضرر به بدن حرام است زمانی که منجر به قتل نفس گردد، یا باعث قطع عضوی از اعضای بدن، یا از بین رفتن قوه‌ای از بدن مانند حالت مردانگی یا قدرت باروری شود، حرام است که در این حکم اختلافی نیست. به عنوان دلیل بر مطلب فوق، کلام خداوند متعال که می‌فرماید: «با دستان خودتان، خویشتن را به هلاکت نیندازید» کفایت می‌کند.[۴۰۳] بررسی و تحلیل

در این‌که در بیش‌تر موارد، تغییر جنسیت به عقیم شدن شخص منجر می‌شود،

تغییرجنسیت، ص: ۲۵۰

تردیدی وجود ندارد و از نظر فقیهان اسلامی این کار حرام است، ولی آیا اضرار به خویشتن به صورت مطلق و برای همیشه حرام است؟

به نظر می‌رسد هرگاه راه درمان یا جلوگیری و پیش‌گیری از ضرر بزرگ‌تر، به تحمل ضرر کوچک‌تر وابسته باشد، در این حالت، مجوزی برای ارتکاب ضرر کوچک‌تر وجود دارد. نتیجه آن که، تغییر جنسیت افراد سالم به علت منجر شدن به عقیم‌سازی چنان‌چه ضرورت مهم‌تر وجود نداشته باشد، حرام است.

تغییرجنسیت، ص: ۲۵۱

فصل چهارم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در حیوانات

اشاره

تغییر جنسیت در حیوانات نیز امکان تحقق دارد. گاه این تغییر به وسیله عوامل طبیعی صورت می‌گیرد و گاه با دست بشر در حیوانات، تغییر جنسیت حاصل می‌شود. آن‌چه معمولاً درباره آن بحث و گفت‌وگو می‌شود، تغییر جنسیت در انسان‌ها است. بحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در حیوانات چندان مورد توجه صاحب نظران نبوده است. شاید پاسخ این مسأله برای همگان روشن

بوده است و این‌که تغییر جنسیت در حیوانات مجاز بوده و انسان‌ها می‌توانند به طور معقول در حیوانات دخل و تصرف نمایند تا هر چه بیش‌تر بتوانند از منافع حیوانات بهره برند.

در هر حال، این پرسش به عنوان یک فرع فقهی مطرح است که آیا انسان می‌تواند در حیوانات تغییر جنسیت ایجاد کند و برخی از آن‌ها را از نر به ماده یا بر عکس تبدیل کند؟ آیا انسان مجاز است حیوانات را اخته کند؟

همان طور که گذشت تنها عده کمی از فقیهان اسلامی اعم از شیعه و سنی در این باره اظهار نظر کرده‌اند. این بحث را در دو قسمت دیدگاه فقیهان شیعه و فقیهان سنی پی می گیریم:

تغییرجنسیت، ص: ۲۵۲

مبحث اول: دیدگاه فقیهان شیعه در تغییر جنسیت حیوانات

آیت‌الله سید محمد صدر به جواز تغییر جنسیت حیوانات معتقد است. وی می گوید:

تبدیل جنس حیوان (به جنس مخالف) مطلقا جایز است، چون نظر به عورت حیوان مطلقا جایز است، کما این‌که ضرر رساندن به حیوان به صورت غیر متعارف، از نظر شرعی حرام نیست.[۴۰۴] برخی از اساتید معتقدند که اخته کردن حیوانات، مادامی که به تشریع و بدعت گذاری منجر نشود، جایز است. حتی ایشان معتقد است که چه بسا بتوان از اطلاق روایات شیعی استفاده کرد که اخته کردن (خواجه کردن) انسان جایز است، البته در صورتی که برای آن غرض عقلایی وجود داشته باشد. دلیل ایشان، روایاتی است که در ادامه خواهد آمد.[۴۰۵] برخی از فقهای معاصر معتقدند: با توجه به واژه «خلق الله» در آیه شریفه «فلیغیرن خلق الله» معلوم می‌شود مناط و ملاک در حرمت، معارضه و ضدیت با «خلق الله» است و به وسیله ایجاد خلقت جدید، چه بسا معارضه و ضدیت با «خلق الله» ایجاد شود.

البته نظر ایشان درباره کل تغییرهایی است که ممکن است در حیوان صورت بگیرد که در واقع، تغییر جنسیت بخشی از آن است. نیز ایشان می گویند: منظور ما، وضعیت و حالت عادی است که هیچ گونه غرض عقلایی مانند: دفع ضرر یا حفظ صحت و سلامتی متوقف بر تغییر نباشد. بنابراین، هرگاه به انگیزه دفع ضرر یا حفظ صحت و سلامتی، تغییر و تبدیل در حیوان صورت پذیرد، این تغییر جایز خواهد بود.[۴۰۶]

تغییرجنسیت، ص: ۲۵۳

مبحث دوم: دیدگاه فقیهان اهل سنت در تغییر جنسیت حیوانات

صاحب نظران اهل سنت عمدتاً در ذیل آیه شریفه: «فلیغیرن خلق الله»[۴۰۷] و تحت عنوان «خصاء الحیوان» (اخته کردن حیوانات) اظهار نظر کرده‌اند و دیدگاه واحدی هم در این زمینه وجود ندارد. صاحب تفسیر «محاسن التأویل» با استناد به آیه فوق و نیز برخی روایات اهل سنت معتقد است که اخته کردن حیوانات حرام است.[۴۰۸] جارالله زمخشری، صاحب تفسیر «الکشاف» معتقد است که اخته کردن حیوانات در نزد علمای اهل سنت جایز است.[۴۰۹] صاحب تفسیر «غرائب القرآن» نیز دیدگاه زمخشری را بیان می‌کند.[۴۱۰] نووی، شارح صحیح مسلم در این باره معتقد است که تغییر در حیوانات به منظور بهبود گوشت آنان جایز است، ولی در حیوانات دیگر جایز نیست. وی می گوید:

حیواناتی که در سن کم یا زیاد بوده و خورده نمی‌شوند (گوشتی نیستند)، جایز نیست اخته گردند، اما حیواناتی که گوشتی هستند، جایز است در سن کم اخته گردند؛ چون در آن یک هدفی وجود دارد و آن عبارت است از بهبود گوشت حیوان و جایز نیست

حیوانات گوشتی در سن زیاد اخته گردند.[۴۱۱] عکرمه و گروهی از مفسرین اهل سنت معتقدند که تغییر در حیوانات (اخته کردن) جایز است؛ چون ظاهراً در این کار یک غرض عقلایی وجود دارد.[۴۱۲]

تغییرجنسیت، ص: ۲۵۴

مبحث سوم: بررسی و تحلیل

گفتار اول: روایات اسلامی در بحث اخته کردن حیوانات

فقیهان شیعه در جواز اخته کردن حیوانات، به برخی روایات اسلامی استناد کرده‌اند که در ذیل، تنها به دو روایت اشاره می‌شود:
روایت اول: موثقهٔ یونس بن یعقوب: سألت أباعبدالله (ع) عن الإخصاء فلم یجبنی، فسألت أبا الحسن (ع) قال: لابأس به.[۴۱۳] یونس بن یعقوب می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره اخته کردن پرسیدم، آن حضرت جوابم نداد. پس این سؤال را از امام کاظم (ع) پرسیدم، آن حضرت فرمود: اشکالی ندارد.
روایت دوم: معتبرهٔ یونس بن یعقوب عن أبی‌الحسن (ع) قال: سألته عن إخصاء الغنم، قال: لابأس.[۴۱۴]
یونس بن یعقوب می‌گوید: از امام کاظم (ع) درباره اخته کردن گوسفند پرسیدم، حضرت فرمود: اشکالی ندارد.
اهل سنت در حرمت اخته کردن حیوانات به روایاتی استناد کرده‌اند که در ذیل به دو روایت اشاره می‌شود:
روایت اول: روی ابن عساکر عن إبن عمر قال: نهی رسول الله (ص) عن الاخصاء؛[۴۱۵] ابن عساکر از ابن عمر چنین نقل می‌کند: پیامبر اکرم (ص) از اخته کردن نهی فرموده است.
روایت دوم: امام احمد عن إبن عمر: نهی رسول الله (ص) عن خصاء الخیل و البهائم؛[۴۱۶]

تغییرجنسیت، ص: ۲۵۵

امام احمد از ابن عمر نقل می‌کند: پیامبر اکرم (ص) از اخته کردن اسب و حیوانات نهی فرموده است.

گفتار دوم: جواز تغییر جنسیت حیوانات

فقیهان شیعه به طور عمده به جواز تغییر جنسیت حیوانات معتقدند. یکی از دلیل‌های این دیدگاه، جواز نظر به عورت حیوانات است، در حالی که نظر به عورت انسان جایز نیست. همان طور که پیش‌تر بیان شد یکی از موانع تغییر جنسیت، مسأله حرمت لمس و نظر به عورت نامحرم در غیر حالت اضطرار است. علاوه بر این، انسان‌ها مجازند هر چه بیش‌تر از منافع حیوانات بهره برند. یکی از مهم‌ترین منافع اخته کردن حیواناتِ حلال گوشت، بهبود و افزایش گوشت آن‌ها است. بنابراین، هرگاه غرض عقلایی و یا ضرورتی برای تغییر و تبدیل جنسیت حیوانات وجود داشته باشد می‌توان این کار را انجام داد.
عده‌ای از اهل سنت با اخته کردن حیوانات مخالفت کرده و این کار را مصداق «تغییر خلق الله» می‌دانند. علاوه بر این، به روایاتی که درممنوعیت اخته کردن وجود دارد استناد می‌کنند. با این وجود، عده بیش‌تری از اهل سنت معتقدند: چنان‌چه اخته کردن حیوانات همراه با یک غرض عقلایی، مانند بهبود یا افزایش گوشت حیوان حلال گوشت باشد، اخته کردن حیوان جایز است.
تغییرجنسیت، ص: ۲۵۷

بخش سوم روابط زوجین پس از تغییر جنسیت

اشاره

تغییرجنسیت، ص: ۲۵۹

فصل اول مسأله بقا یا عدم بقای ازدواج پس از تغییر جنسیت

طرح بحث

در مواردی مرد یـا زن پس از ازدواج، به دلیـل بیماری یا هر دلیل دیگر، تغییر جنسـیت می‌دهـد. تغییر جنسـیت چه تأثیری بر ازدواج دارد؟ آیا ازدواج هم چنان به حال خود باقی بوده و آن دو می‌توانند به عنوان زوجین با یکدیگر زندگی کنند؟

همان طور که پیش‌تر بیان شـد، تغییر جنسـیت دارای حالات و انواع گوناگون است مانند: تبدیل مرد یا زن به جنس مخالف، تبدیل خنثای مشـکل (دو جنسی کامل) به مرد یا زن، تبدیل خنثای غیر مشکل (دو جنسی ناقص) به مرد یا زن، تبدیل مرد به خنثای مشکل یا خنثای غیر مشکل، تبدیل زن به خنثای مشکل یا خنثای غیر مشکل.

قبـل از توضیـح حالات فوق، به عنوان یک قاعـده کلی در ازدواج، به مسأله «لزوم اختلاف جنس در ازدواج» اشاره کرده و آن گاه حالات فوق را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم:

زوجیت از نظر فلسـفی، هماننـد اخوّت و بنوّت مفهومی است «اضافی»، که اعتبار یا ملاحظه این مفهوم، ممکن نیست مگر این‌که دو نفر به نحو مشخص، وجود خارجی

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۰

داشـته باشـند، تا میان آنان رابطه روجیت، یا رابطه برادری و یا رابطه پـدر و فرزنـدی ایجاد گردد و بدون وجود طرفینِ اضافه، چنین رابطه‌ای برقرار نخواهد شد. بنابراین، همان گونه که مفهوم عاشق و یا ضارب بدون آن‌که معشوقی و یا مضـروبی وجود داشـته باشد تحقق نمی‌یابد، همان طور هم زوجیت نیز که مفهومی از همین قبیل است، نمی‌تواند بدون وجود واقعی دو طرف اضافه اعتبار شود.

بعـد از آن‌که معلوم شـد مفهوم زوجیت، رابطه‌ای است میـان دو نفر، بایـد دانست که این رابطه، تنهـا میان «مرد و زن» واقع می‌شود. یکی از مسائل بدیهی و مهم در فقه و حقوق، «لزوم اختلاف جنس در ازدواج» است و ازدواج مرد با مرد یا ازدواج زن با زن مشروع نیست.[۴۱۷] یکی از گناهـان کبیره که حـد شـرعی نیز به دنبـال دارد لواط یـا هم جنس بـازی مرد با مرد و نیز مساحقه یا هم جنس بازی زن با زن است. حتی در مواردی که ازدواج شرعی و رسمی صورت گرفته و بعداً کشف خلاف شود، ازدواج سابق باطل بوده و مجوزی برای بقای آن وجود نـدارد و آن دو خود به خود از یکـدیگر جـدا می‌شونـد. بنابراین، هرگاه مردی ازدواج کرده و بعـداً معلوم شود که جنسـیت واقعی وی مردانه نبوده، ازدواج سابق باطل است و نیز هرگاه زنی به عنوان زوجه ازدواج کنـد و بعداً خلاف آن ثابت گردد، ازدواج سابق بلا اثر و باطل است.

نکـاح در لغت به معنـای تقابـل است و در زبان هرگاه دو کوه در مقابل یک دیگر قرار گرفته باشـند گفته می‌شود: تناکَحَ الجَبلان، یعنی دو کوه در مقابل هم واقع شده‌اند.[۴۱۸] معانی دیگری نیز برای این واژه بیان شده است مانند: سُلطه و غلبه، وصول و اختلاط، ضم، وطی، عقد.[۴۱۹]

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۱

مشهور فقیهان اسلامی بر دو معنای اخیر یعنی وطی و عقد تأکید دارند.[۴۲۰] با توجه به آن‌چه گذشت از نظر لغت و نیز اصطلاح فقه، به صورت صریح یا غیر صریح به مفهوم «تقابل» اشاره شده است، ولی به «لزوم اختلاف دو جنس» اشاره نشده است و در واقع، این امر به بداهت آن واگذا شده است، ولی برخی حقوق دانان در تعریف نکاح به «لزوم اختلاف دو جنس» اشاره کرده‌اند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می‌شوند.[۴۲۱]- نکاح رابطه‌ای است بین زن و مرد برای تشکیل خانواده.[۴۲۲]- نکاح رابطه‌ای است حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است.[۴۲۳] قانون مدنی ایران، به لزوم اختلاف جنس در ازدواج اشاره دارد که برای نمونه می‌توان از مواد ۱۰۳۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۷، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۴ یاد نمود. در ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی آماده است:

تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه بناشد، شرط صحت نکاح است.

در عمل، هنگامی که سر دفتر بخواهد نکاحی را واقع و ثبت کند، برای احراز اختلاف جنس به شناسنامه طرفین رجوع می‌کند و در صورتی که شناسنامه، حاکی از این اختلاف باشد می‌تواند عقد نکاح را جاری کند و آن را در دفتر رسمی ازدواج به ثبت برساند. البته ممکن است شناسنامه، گویای حقیقت نبوده و در واقع، عقد نکاح بین دو هم جنس بسته شده باشد. این نکاح بی‌شک باطل است. ولی برای ابطال سند نکاح و

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۲

شناسنامه، باید به دادگاه رجوع کرد و دادگاه با ارجاع امر به کارشناس (پزشک)، اگر تشخیص دهد که طرفین هم جنس هستند، حکم به طلاق نکاح و ابطال سند آن و اصلاح شناسنامه می‌نماید. می‌توان فرض کرد که یک نفر خنثی (دو جنسی) که جنبه مردی یا زنی او غالب است با شخص دیگری از جنس مخالف ازدواج کند، ولی به مرور زمان در اثر تحولاتی که در وضع جسمی او روی داده آثار تغییر جنسیت، بر فرض که امکان داشته باشد، در او آشکار شود و بالاخره با یک عمل جراحی، تغییر جنسیت تحقق یابد و بدین سان اختلاف جنس که هنگام عقد نکاح وجود داشته از میان برود. در این صورت، آیا ازدواجی که صحیحاً بسته شده باطل می‌شود یا نه؟

چون اختلاف جنس را هم هنگام عقد و هم در دوران زناشویی باید شرط نکاح دانست و به عبارت دیگر، اختلاف جنس هم ابتدائاً و هم در ادامه شرط است. از این رو، آیا نکاح با تغییر جنسیت باطل خواهد شد یا خیر؟

ذیلًا این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد و البته بر فرض بطلان نکاح. این دادگاه است که باید تغییر جنسیت را براساس نظر کارشناس احراز و حکم به بطلان نکاح از تاریخ تحقق تغییر جنسیت کند.[۴۲۴]

مبحث اول: بقاء یا عدم بقای ازدواج در تغییر جنسیت مرد یا زن به جنس مخالف

اشاره

یکی از انواع تغییر جنسیت، تبدیل مرد به زن یا برعکس است. تأثیر این نوع تغییر جنسیت بر ازدواج چیست؟ بیش‌تر مباحث فقیهان اسلامی در بحث «اثر تغییر جنسیت بر ازدواج»، در ذیل «تغییر جنسیت مرد به زن یا برعکس» مطرح شده است. به عبارت دیگر، تأثیر

تغییر جنسیت بر ازدواج، در انواع دیگر تغییر جنسیت‌ها، مانند تغییر جنسیت در خنثی‌ها (دو جنسی‌ها) مورد توجه واقع نشده است. پس از ازدواج مرد و زن، بـه هر دلیلی ممکـن اسـت یکی از زوجیـن به تغییر جنسـیت روی می‌آورد. مهم‌ترین پرسـش بعـد از عمل جراحی، بقا یا عدم بقای ازدواج و نیز جواز

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۳

یا عدم جواز روابط زناشویی آن دو به عنوان «زوجین» است.

بررسـی این نوع تغییر جنسـیت نیز، دارای انواع و حالات گونـاگونی است. به عبـارت دیگر، گـاه تنهـا مرد یا تنها زن تغییر جنسـیت می‌دهد و در مواردی ممکن است هر دو به تغییر جنسیت روی آورند.

البته این‌که زن و شوهر هر دو تن به تغییر جنسـیت دهند بسـیار نادر است و تا به حال چنین تغییر جنسیتی گزارش نشده است، اما در هر حال، این مسأله به عنوان یک «فرع فقهی» مورد توجه فقیهان اسلامی واقع شده است.

علاوه بر این، در تغییر جنسیتِ زوجین، این مسـأله نیز مورد توجه فقیهـان شـیعه واقع شـده است، که گـاه زوجین «همزمان» به تغییر جنسـیت روی می‌آورند و در مواردی ممکن است این عمل در یک فاصـله زمانی و «غیر همزمان» صورت پذیرد. برای مثال، ممکن است در سـال اول، مرد تغییر جنسـیت دهـد و در سـال بعـد زن تغییر جنسـیت داده و به مرد تبـدیل می‌شود. به طور خلاصه می‌توان «تغییر جنسیت زوجین» را به صورت زیر ترسیم کرد:

۱. تغییر جنسیت یکی از زوجین:

الف) تغییر جنسیت مرد به زن

ب) تغییر جنسیت زن به مرد.

۲. تغییر جنسیت هر دو زوجین:

الف) تغییر جنسیت زوجین به صورت غیر همزمان

ب) تغییر جنسیت زوجین به صورت همزمان

در ادامه، هر یک از موارد فوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

گفتار اول: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت مرد به زن

هرگـاه پس از ازدواجِ مرد و زن، مرد تغییر جنسـیت دهـد و به زن تبـدیل شود، چنان‌چه این عمل جراحی کامل باشـد، در وضـعیت جدید، زندگی زوجین سابق، به «زندگی دو زن» تبدیل خواهد شد. طبیعی است که ازدواج دو زن از نظر اسلام مردود

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۴

است و بنـابراین، ازدواج سـابق به طور کلی باطـل و بلا-اثر می‌شود. دلیـل این امر، واضـح است؛ چه این‌که از ارکـان مهمِ «ازدواج» وجـود دو فرد به عنـوان «زن و شوهر» می‌باشـد. چنـان‌چه این رکن مهم از بین برود، «موضوع ازدواج» منتفی شـده و بنـابراین، حکم مسأله، یعنی «ازدواج» نیز از بین خواهد رفت. امام خمینی در این باره می‌گوید:

و کـذا لو تزّوجت إمرأة برجـل فغیر جنسه بطل التزویـج من حین التغییر؛[۴۲۵] همچنین اگر زنی بـا مردی ازدواج کنـد و آن‌گاه مرد جنسیت خویش را تغییر دهد، ازدواج از هنگام تغییر جنسیت باطل می‌شود.

گفتار دوم: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت زن به مرد

این مورد نیز مانند صورت قبل است. به عبارت دیگر، هرگاه پس از ازدواجِ مرد و زن، زن به مرد تبدیل شود، موضوع ازدواج، یعنی عنوان «زن و شوهر» از بین رفته و ازدواجِ سابق باطل و بلا اثر خواهد بود. امام خمینی در این باره می گوید:

لو تزّوج إمرأة فتغیر جنسـها فصارت رجلًا بطل التزویج من حین التغییر؛[۴۲۶] هرگاه زنی ازدواج کند، آن گاه زن جنسیت خویش را تغییر دهد و مرد گردد، ازدواج از هنگام تغییر جنسیت باطل می گردد.

با توجه به کلام فوق، با عمل جراحی تغییر جنسیت، موضوع ازدواج یعنی «مرد و زن» تغییر کرده و موضوع جدید، یعنی «مرد و مرد» به وجود می آید. از این رو، بطلان ازدواج، یک امر قهری خواهد بود.

گفتار سوم: تغییر جنسیت زوجین به صورت غیر همزمان (غیر مقارن)

گاه زوجین هر دو به تغییر جنسیت روی می‌آورند؛ البته با این توضیح که تغییر جنسیت زن و شوهر، با یک فاصله زمانی نسبتاً زیاد، مثلًا یک سال یا دو سال صورت می‌پذیرد. در این فرض، فرقی نمی کند که در ابتدا مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۵

جنسیت دهد.

در این حـالت، هماننـد حـالت سابق، ازدواج باطل است؛ چون مجوز شـرعی برای ابقای ازدواج سابق وجود نـدارد. به محض این که یکی از زوجین جنس خود را تغییر دهـد، مثلًا جنس مرد به زن تبدیل گردد، در حالت جدید هر دو هم جنس خواهند شد و ازدواج سابق از بین خواهـد رفت. حال اگر زن نیز بعد از مدتی تغییر جنسـیت دهد، عُلقه زوجیت حاصل نمی‌شود، بلکه نیاز به اجرای خطبه عقد جدید است.

امام خمینی در این باره می گوید:

لو تغیر الزوجان جنسهما إلی المخالف فصار الرجل إمرأة و بالعکس، فإنْ کان التغییر غیرمتقارن فالحکم کما مرّ [البطلان].[۴۲۷] اگر زن و شـوهر، جنسیت خـود را به جنس مخـالف تبـدیل کننـد، به گـونه‌ای که شـوهر به زن تبـدیل شـود و زن به مرد تبـدیل گردد، چنان‌چه تغییر آن دو به صورت غیر مقارن (غیر همزمان) باشد، حکم آن مانند مورد قبل [بطلان] است.

گفتار چهارم: تغییر جنسیت زوجین به صورت همزمان (مقارن)

می‌توان تصور کرد که گاه زن و شوهر در زمان واحـد تغییر جنسـیت می‌دهند. هرگاه زن و شوهر، همزمان جنسـیت خویش را تغییر دهند، در این‌که آیا ازدواج سابق پا برجاست یا باطل شده است، دو احتمال وجود دارد:

احتمـال اول: این‌که ازدواج سـابق همچنـان دارای دوام و بقا می‌باشـد. توضـیح این که، حقیقت ازدواج، زوجیتِ هر یک، نسبت به دیگری است و نه بیش‌تر. در این صـورت، تنهـا حـالت و چگـونگی آن، در قبـل و پس از عمـل جراحی تغییر کرده است. بنـابراین، زوج فعلی، قبلًا زوجه بوده، و زوجه فعلی، قبلًا زوج بوده که در این وضـعیت جدید، حقیقت ازدواج، یعنی زوجیت هر یک نسبت به دیگری، هم چنـان به حـال خودش باقی است. نهایت آن که، وظیفه هر یک با وضـعیت سابق متفاوت است. مرد فعلی (بعـد از تغییر جنسیت)، قبلًا وظایف یک زن (زوجه) را به عهده داشت و زن فعلی

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۶

(بعد از تغییر جنسیت) قبلًا وظایف یک مرد (زوج) را عهده‌دار بود.

برخی فقیهان شیعه در توضیح مطلب فوق، یعنی دوام ازدواج سابق- که هر دو زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت داده‌اند- معتقدند: در این حالت این احتمال وجود دارد که بتوان «اصل ازدواجِ سابق» را استصحاب کرد و اگر چه در وضعیت جدید، برخی خصوصیات و صفات تغییر کرده است، ولی از بین رفتن برخی خصوصیات و اوصاف سابق، به بقای موضوع و وحدت آن ضرری نمی‌رساند. پس اگر در بقا یا عدم بقای ازدواج سابق شک داشته باشیم، می‌توانیم استصحاب ازدواج را جاری سازیم.[۴۲۸] منظور از «تغییر اوصاف و خصوصیات»، تغییر صفت «مذکر بودن» و صفت «مؤنث بودن» است؛ چه این‌که در تغییر جنسیتِ همزمانِ زوجین، مرد جدید، قبلًا با صفت مؤنث شناخته می‌شد. نیز زن جدید، قبلًا با صفت مذکر شناخته می‌شده است. پس از تغییر جنسیت، صفات مذکر و مؤنث زوجین تغییر کرده است، ولی «اصل ازدواج» و رابطه زوجیت میان آن دو را می‌توان استصحاب کرد.

آیت‌الله محمد مؤمن[۴۲۹] در توضیح و توجیه احتمال باقی ماندن ازدواج- در صورت تغییر جنسیت همزمان زوجین- معتقد است: بر فرض این‌که بر بقای عقد نکاح این زن و شوهر [در صورت همزمان بودن تغییر] قایل شویم، می‌توان آن را بدین ترتیب بیان کرد: حقیقت اعتبار نکاح، صرفاً عبارت از این است که هر کدام از آن دو، همسر دیگری است. پس این دو، زن و[۴۳۰]

تغییرجنسیت ؛ ص۲۶۶

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۷

شوهرند و نکاح به معنای همسری هر یک از این دو برای دیگری است.

و انگهی، هر کدام از زن و شوهر، خصوصیت تکوینی خود را دارد که احکام خاصّی بر آن مترتب است؛ همان گونه که هر کدام از آنان آثار طبیعی خود را نیز دارد و این امر، هیچ ناسازگاری با این موضوع ندارد که حقیقت نکاح اعتباری، صرفا، عبارت باشد از زوجیت و همسری. بنابراین، اگر جنسیت زن و شوهر، در یک زمان تغییر کند، باقی ماندن زوجیت این دو امکان‌پذیر خواهد بود و اگر دلیلی بر رفع این زوجیت وجود نداشته باشد، استصحاب جاری می‌شود و اقتضای استصحاب، باقی ماندن زوجیت است.

احتمال دوم: این‌که ازدواج سابق دوام نداشته باشد، و در وضعیت جدید باطل گشته است؛ با این بیان که در ازدواج علاوه بر نسبتِ زوجیت بین طرفین، امر دیگری نیز لازم است و آن این که، این مرد، زوج باشد برای زنی که همسر اوست که در اصطلاح منطق به آن «نسبت و اضافه غیر متشابه الاطراف» می‌گویند؛ یعنی بین دو چیز، فقط از یک طرف یک نسبت خاص وجود دارد که از طرف دیگر آن نسبت وجود ندارد. برای مثال، رابطهٔ «پدری» که بین علی و جواد وجود دارد، یک جانبه است و آن این‌که علی «پدر» جواد است؛ هم‌چنین است رابطه «پسری» که منحصراً یک جانبه است. در حالی که رابطه «خواهری» که بین دو زن وجود دارد یا رابطه «برادری» که بین دو مرد وجود دارد، دو جانبه است که در منطق به آن «نسبت یا رابطه متشابه الاطراف» می‌گویند.

رابطه بین زن و شوهر، از نوع «غیر متشابه الاطراف» است که این نسبت و رابطه، پس از تغییر جنسیتِ زوجین، از بین رفته است. بنابراین، عقد ازدواج سابق، باطل گشته و طرفین برای ادامه زندگی با یکدیگر، نیاز به عقد ازدواج جدید دارند.

برخی فقیهان شیعه در توضیح مطلب فوق، یعنی بطلان ازدواج سابق- که هر دو زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت داده‌اند- معتقدند که ازدواج سابق را نمی‌توان بدون ملاحظه شرائط و ضوابط شرعی آن استصحاب کرد؛ چه این‌که ازدواج سابق به گونه‌ای واقع شده که مرد به دادن نفقه و مهریه و مانند آن موظف شده است. نیز زوجه براساس ازدواج سابق موظف به انجام تکالیف خاص است. چنان‌چه آن دو تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۸

جنسیت دهند، نمی‌توان از نظر عقلی و شرعی ازدواج سابق را با اوصاف و ویژگی‌های خاص خودش (مانند: نفقه، مهریه، تمکین و .....) استصحاب نمود.[۴۳۱] توضیح بیش‌تر آن‌که مرد جدید، در وضعیت سابق زن بود، و بنابراین الان نمی‌توان او را به دادن نفقه، مهریه و مانند آن ملزم ساخت. نیز زن جدید، در وضعیت سابق، مرد بود، و بنابراین نمی‌توان او را به وظایف خاص زوجه، مانند تمکین ملزم ساخت.

خلاصه آن که، در استصحابِ ازدواج سابق، براساس ارتکاز عرفی، بایستی مرد بر صفت «رجولیت» (مرد بودن) و زن بر صفت «انوثیت» (زن بودن) باقی باشد؛ حال آن‌که پس از تغییر جنسیت، موضوع با این خصوصیت، از بین رفته است. بنابراین، برای استصحاب ازدواج سابق، موضوع وجود ندارد.

گفتار پنجم: دیدگاه امام خمینی در مورد تغییر جنسیت همزمان

امام خمینی در تحریر الوسیله، ابتدا احتمال دوم، (عدم بقای ازدواج زوجین، پس از تغییر جنسیت همزمان زن و شوهر) را به صورت احتیاط واجب می‌پذیرند، ولی در نهایت، احتمال اول (بقای ازدواج زوجین) را ترجیح می‌دهند. ایشان می گویند:

اگر زن و شوهر به صورت همزمان تغییر جنسیت دهند، آیا نکاح باطل می‌شود یا نکاح آن دو باقی است، و اگر چه احکام و وظایف تغییر می کند: [یعنی] بر مرد فعلی (که قبلًا زن بوده) دادن نفقه و بر زن فعلی (که قبلًا مرد بوده) اطاعت از شوهر واجب می‌شود؟

احتیاط واجب این است که مجدداً ازدواج کنند و زن با دیگری ازدواج نکند، مگر این‌که با اجازه هر دو طلاق بگیرد؛ هر چند بعید نیست ازدواج آن‌ها هم چنان برقرار باشد.[۴۳۲]

تغییرجنسیت، ص: ۲۶۹

دلیل احتیاط فوق این است که ازدواج سابق براساس شرایط و ضوابطِ سابقش قابل بقا و دوام نیست و متعهد ساختن زن فعلی به «وظایف زوجه در ازدواج» و نیز متعهد ساختن مرد فعلی به «وظایف شوهر در ازدواج» یک امر جدیدی است که هنوز هیچ تعهد وانشای جدیدی برای آن صورت نپذیرفته است.

از طرف دیگر، این احتمال ولو به صورت ضعیف وجود دارد که هنوز ازدواج سابق دارای بقا و استمرار است. بنابراین، پس از تغییر جنسیتِ همزمان زوجین، مرد جدید و زن جدید، فقط با همسر سابق خویش ازدواج کند و یا این‌که با رضایت از یکدیگر طلاق گیرند. در این صورت قطع و یقین حاصل می‌شود که زوجیت سابق از بین رفته است، آن گاه هر یک می‌تواند بدون هیچ مشکلی با فرد دیگری ازدواج نماید.[۴۳۳]

گفتار ششم: دیدگاه مراجع تقلید و فقیهان اسلامی درباره تأثیر تغییر جنسیت زن و شوهر بر ازدواج

اشاره

در ادامه دیدگاه عده‌ای از فقیهان و مراجع تقلید درباره تأثیر تغییر جنسیت یکی از زوجین یا هر دو زوجین بر ازدواج را بیان می‌کنیم:

۱. آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) ایشان در مورد تغییر جنسیت پس از ازدواج چنین می گویند:

تغییر جنسیت در دو همسر [زوجین] به چند صورت ممکن است:

الف- اگر تنها یکی از آن‌ها تغییر جنسیت دهد، عقد زوجیت آن دو باطل می گردد؛

ب- اگر هر دو همسر تغییر جنسیت دهند، ولی یکی جلوتر و دیگری در زمان بعد، در این صورت نیز عقد نکاح باطل می‌شود؛

ج- اگر تغییر جنسیت در دو همسر همزمان صورت گیرد، زوجیت آن دو بلافاصله فسخ می گردد، ولی می‌توانند مجدداً در شکل جدید- بعد از تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۰

جنسیت- عقد ازدواج بخوانند و احتیاط مستحب آن است که صبر کنند تا زمان عِدّه بگذرد.[۴۳۴] ۲. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبلی آن‌ها چیست؟

پاسخ: اگر تغییر حقیقی باشد، زوجیت بلافاصله فسخ می‌شود و می‌توانند مجدداً عقد ازدواج را در شکل جدید بخوانند، ولی احتیاط آن است زمان عدّه بگذرد.[۴۳۵] ۳. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: اگر زن یا مرد پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، حکم ازدواج قبلی چگونه است؟

پاسخ: ازدواج از حال تغییر [جنسیت] باطل می‌شود.[۴۳۶] ۴. آیت‌الله لطف الله صافی: وی در این باره می گوید:

... اگر با عمل جراحی، زنی که شوهر دارد مرد شود از همان لحظه، نکاح آن‌ها باطل می‌شود.[۴۳۷] ۵. آیت‌الله حسین علی منتظری در این‌باره می گوید:

اگر زن و شوهر تغییر جنسیت دهند، عقد باطل می‌شود.[۴۳۸] ۶. آیت‌الله احمد مطهری: دیدگاه ایشان را در ضمن سه بند می‌آوریم:

بند الف) تغییر جنسیت زوجه و تبدیل وی به مرد: آیت‌الله احمد مطهری در مورد تغییر جنسیت زوجه و تبدیل وی به مرد معتقد است که ازدواج وی از زمان تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۱

جنسیت باطل می‌شود. دلیل ایشان آن است که بعد از تغییر جنسیتِ زوجه به مرد، ازدواج قابلیت بقا و استمرار را از دست می‌دهد. بنابراین، زوجیت و ازدواج آن دو با یکدیگر، به دلیل از بین رفتن موضوع ازدواج یعنی «وجود مرد و زن» از بین می‌رود.[۴۳۹] بند ب) تغییر جنسیت شوهر و تبدیل وی به زن: ایشان در مورد تغییر جنسیت شوهر و تبدیل وی به زن معتقد است که این ازدواج نیز از زمان تغییر جنسیت باطل خواهد بود؛ چون اعتبار شرعی ازدواج به وجود مرد و زن است نه دو مرد.[۴۴۰] بند ج) تغییر جنسیت غیر همزمان زوجین: نیز ایشان در مورد تغییر جنسیت غیر همزمان (غیر متقارن) زوجین معتقد است این ازدواج باطل است و امکان بقا برای آن وجود ندارد؛ چون اساساً این نکاح از نظر عقلی، شرعی و عرفی فاقد متعلق است.[۴۴۱] توضیح بیش‌تر آن‌که ازدواج یک رابطه طرفینی میان زوج و زوجه است. هرگاه یکی از طرفین به تغییر جنسیت روی آورد، این ازدواج فاقد طرف مقابل یا فاقد متعلق است. از این رو، ریسمان ازدواج میان آن دو گسسته می‌شود. اگر چه طبق فرض، طرف مقابل نیز تغییر جنسیت می‌دهد، ولی از آن جایی که تغییر جنسیتِ دوم در یک فاصله زمانی صورت پذیرفته است، ازدواجی که در گذشته باطل شده، دگر بار برقراری نمی‌شود و قابل استصحاب نیست، مگر آن‌که مجدداً میان آن دو عقد نکاح جدیدی منعقد شود.

۷. آیت‌الله محمد مؤمن: دیدگاه ایشان را درضمن سه بند زیر می‌آوریم:

بند الف) تغییر جنسیت یکی از زوجین: از نظر ایشان، اگر جنسیت یکی از زن و شوهر تغییر کند، از هنگام پدید آمدن تغییر، عقد نکاح آن دو باطل می‌شود؛ زیرا باقی ماندن آن دیگر امکان‌پذیر نیست؛ چرا که ازدواج مرد با مرد و یا زن با زن مشروع نیست.[۴۴۲]

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۲

بند ب) تغییر جنسیت غیر همزمان زوجین: از نظر ایشان، اگر جنسیت زن و شوهر تغییر کند و این تغییر، همزمان نباشد، باز هم عقد نکاح این دو باطل می‌شود.[۴۴۳] بند ج) تغییر جنسیت همزمان زوجین: اما هرگاه تغییر جنسیت همزمان باشد، در باقی ماندن نکاح آنان اشکال است. نزدیک به صواب این نظریه است که در صورت تغییر جنسیت زن و شوهر به طور همزمان، نکاح باطل می‌شود، هر چند استاد ما، امام خمینی (ره)، دیدگاه باقی ماندن نکاح را در تحریر الوسیله برگزیده‌اند.[۴۴۴] ۸. آیت‌الله سید محسن خرازی: دیدگاه ایشان را در ضمن سه بند می‌آوریم:

بند الف- تغییر جنسیت یکی از زوجین: اگر زنی تغییر جنسیت بدهد و مرد شود، ازدواج از زمان تغییر باطل می‌شود [و نیز اگر شوهر تغییر جنسیت بدهد، ازدواج باطل می‌شود].[۴۴۵] بند ب- تغییر جنسیت غیر همزمان هر دو زوجین: نیز اگر مرد، پس از تغییر جنسیت زن، جنس خود را تغییر دهد، در بطلان ازدواج بحثی وجود ندارد؛ زیرا به مجرد این‌که زن تغییر جنسیت داد، زوجیت بین آن‌ها باطل می‌شود و اگر بعد از تبدیل شدن مرد به زن، بخواهد زوجیت برگرد محتاج دلیل یا عقد جدید هستیم، در حالی که وجود ندارد.[۴۴۶]

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۳

ج- تغییر جنسیت همزمان زوجین: اگر تغییر جنسیت در زن و مرد همزمان باشد، استاد بزرگوار ما، امام خمینی می‌گوید: بعید نمی‌دانم که ازدواج آن دو باقی باشد، ولی مطلب فوق با اشکال روبه رو است؛ چه این‌که حقیقت زوجیت مذکور با تغییر جنسیت قطعاً از بین می‌رود.[۴۴۷] ۹. آیت‌الله سید محمد صدر: ایشان تنها به تغییر زن یا شوهر به تنهایی اشاره کرده‌اند و در مورد تغییر جنسیت همزمان یا غیر همزمانِ زن و شوهر سخنی بیان نکرده‌اند. کلام ایشان را در ضمن دو بند می‌آوریم:

الف- تغییر جنسیت شوهر: با تغییر جنسیت شوهر و تبدیل وی به زن، ارتباط او با زوجه‌اش قطع می‌شود و عقد نکاح آن دو باطل می‌شود، بدون این‌که نیازمند به طلاق باشد و سزاوار نیست که زوجه‌اش نسبت به وی تمکین داشته باشد، بلکه عمل جنسی میان آن دو، چه کم یا زیاد، حرام است؛ چون این عمل جنسی، عمل جنسی میان دو زن است.[۴۴۸] ب- تغییر جنسیت زن (زوجه): نیز اگر زن (زوجه) تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، زوجیت و ارتباط وی با شوهرش قطع می‌شود، بدون این‌که نیازمند طلاق باشد و طبیعی است که جایز نیست برای وی که نسبت به شوهر سابقش تمکین جنسی داشته باشد.[۴۴۹] ۱۰. آیت‌الله محمدابراهیم جناتی: ایشان در مورد تغییر جنسیت زن یا شوهر چنین می‌گوید:

اگر زنی پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و مرد شود ازدواج او از هنگامی که

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۴

تغییر جنسیت برای او حاصل شد باطل می‌شود .... همچنین است حکم مردی که پس از ازدواج با زنی تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگامی که تغییر پدید آمد، باطل می‌شود.[۴۵۰] ۱۱. آیت‌الله یوسف صانعی: وی در این باره می‌گوید:

تغییر جنسیت واقعی بعد از ازدواج که باعث ضرر و اذیت دیگری می‌شود حرام است، لکن با فرض تحقق و تغییر جنسیت، ازدواج

از هنگـام تغییر باطل می‌شود.[۴۵۱] هم‌چنین ایشـان در مورد «تغییر جنسـیت همزمـان» یـا «تغییر جنسـیت غیر همزمـان» زوجین چنین می گوید:

اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند؛ به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود، اگر تغییر جنسـیت آن دو با هم در یک زمان نباشـد، حکم آن مانند سابق است؛ اما اگر هر دو با هم تغییر جنسـیت دهند، احوط آن است که مجدداً ازدواج کنند و زن با دیگری ازدواج نکند، مگر این‌که با اجازه طرفین طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آن‌ها هم چنان برقرار باشد.[۴۵۲]

جمع بندی و بیان نظریه مختار

از ارکـان مسـلم ازدواج، وجـود «زن و مرد» بـه عنـوان «زوجیـن» است. هرگـاه این امر به هر دلیلی از جمله تغییر جنسـیت، مخـدوش گردد، ازدواج، باطل می‌شود. پس وجود «زن و زن» یا «مرد و مرد» به عنوان «زوجین» غیر شرعی است.

پس از ازدواج، گاه مرد تغییر جنسیت می‌دهد و گاه زن، جنسیت خویش را تغییر می‌دهد. در هر حال، ازدواج گذشته باطل یا منحل می‌شود. این مسأله مورد اتفاق فقیهان شیعه است و حتی یک مخالف هم وجود ندارد.

در مـواردی، زن و شـوهر هر دو تغییر جنسیت می‌دهنـد. ایـن نـوع تغییر جنسـیت، گـاه غیر همزمـان (غیر متقـارن) است؛ یعنی تغییر جنسیت زن و شوهر با یک فاصله زمانی

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۵

صورت می‌پـذیرد. برای مثال، زوج در سال اول و زوجه در سال دوم تغییر جنسـیت می‌دهد. این نوع تغییرجنسـیت نیز موجب بطلان ازدواج سابق می‌شود؛ چه این‌که با تغییر جنسیت اول (مثلًا زوج)، ازدواج سابق باطل می‌شود و تغییر جنسیت دوم (مثلًا زوجه) تأثیری در حکم مسأله (بطلان نکاح سابق) نـدارد. به عبارت دیگر، تغییر جنسـیت دوم، تأثیری در ابقای ازدواج سابق نـدارد. نهایت آن‌که زن و شوهر پس از تغییر جنسـیت می‌تواننـد با یکدیگر مجدداً ازدواج کنند. مطلب فوق، یعنی بطلان نکاح زوجین در تغییر جنسـیت غیرهمزمان مورد اتفاق همه فقیهان شیعه است و حتی یک مخالف هم وجود ندارد.

هرگـاه زن و شوهر به صورت همزمـان تغییر جنسـیت دهنـد (متقـارن)، امـام خمینی در تحریر الوسـیله، بقـای ازدواج سابق را ترجیح می‌دهد و می گوید: بقای نکاح آن دو بعید نیست، ولی احتیاط آن است که ازدواج میان دو، تجدید شود.

اگر چه امام خمینی برای «بقای ازدواج سابق» دلیلی ارائه نداده‌اند، ولی برخی فقیهان شـیعه در توضیـح کلام فوق گفته‌اند که «اصل ازدواج سابق» قابل استصـحاب است، اگر چه برخی صـفات و خصوصیات زوجین، یعنی صفت «مذکر بودن» و صفت «مؤنث بودن» پس از تغییر جنسیت، تغییر کرده است، ولی این مطلب به اصل ازدواج میان زوجین خللی وارد نمی‌سازد.

عـده‌ای از فقیهـان شـیعه، اساساً فرع فـوق، یعنی تـأثیر تغییر جنسـیت همزمـان زوجین بر ازدواج سـابق را مـورد توجه قرار نداده‌انـد. گروهی از فقیهان که فرع فوق را مورد توجه قرار داده‌اند، خود دو گروهند:

یکی از فقیهان مانند آیت‌الله یوسف صانعی، همانند امام خمینی معتقد است که: بعید نیست ازدواج آن‌ها هم چنان برقرار باشد.

اما بقیه فقیهان شـیعهماننـد: آیت‌الله احمد مطهری، آیت‌الله محمد مؤمن، آیت‌الله سـید محسن خرازی، آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) و آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی معتقدند که اساساً «تغییر جنسیت همزمان زوجین» تأثیری در حکم (بطلان ازدواج سابق) ندارد.

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۶

در هر حال، تغییر جنسیت همزمان زوجین، مانند تغییر جنسیت غیر همزمانِ زوجین، موجب بطلان ازدواج سابق می‌شود.

یکی از دلایـل مطلب فوق این است که ازدواج سابق را نمی‌توان بـدون ملاحظه شـرایط و ضوابط شـرعی استصـحاب کرد؛ چون در ازدواج سـابق، مرد به عنـوان «زوج» به دادن نفقه و مهریه موظـف بـود، همـان طـور که زن به عنـوان «زوجه» موظـف به تمکین بوده است. پس از تغییر جنسیتِ همزمـان آن دو، مرد جدیـد را نمی‌توان به دادن نفقه و مهریه موظف نمود، همـان‌طور که زن جدیـد را نمی‌تـوان به تمکین موظف نمود؛ چون این امر، یـک تعهـد و الزام جدیـد است که اساساً برای آن، عقـد یـا توافقی صورت نگرفته است و عقد و توافق سابق نیز برای ایجاد الزام جدید کافی نخواهد بود.

بنابراین، ازدواج سابق اساساً باطل و منحل شده و آن دو برای زندگی به عنوان «زن و شوهر» نیازمند عقد جدید هستند (قول مختار).

مبحث دوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای مشکل

فرض این است که خنثای مشکل با فرد دیگری ازدواج کرده است. آن گاه خنثای مشـکل، تغییر جنسیت داده و به یکی از دوجنس مذکر یا مؤنث تبدیل می‌شود. این مسأله دارای دو فرض است:

فرض اول- ازدواج خنثای مشکل با یک مرد

فرض دوم- ازدواج خنثای مشکل با یک زن

اکنون بایـد بررسـی کنیم که تغییر جنسـیت خنثـای مشـکل چه تـأثیری برازدواج وی دارد. همان طور که پیش‌تر بیان شـد، در مورد «جواز یا عدم جواز ازدواج خنثای مشکل» دو نظر وجود دارد:

نظر مشـهور در خنثای مشـکل: مشـهور فقیهان اسـلامی معتقدند از آن جایی که جنسیت واقعی خنثای مشکل معلوم نیست، پس وی شرعـاً مجاز به ازدواج نمی‌باشـد، چه این‌که اگر با مرد ازدواج کنـد، شایـد که وی در واقع مرد باشـد و در نتیجه ازدواج وی از قبیل «ازدواج مرد با مرد» باشد، و اگر با زن ازدواج کند، شاید که خنثای مشکل در واقع

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۷

زن باشد و در نتیجه، ازدواج وی از قبیل «ازدواج زن با زن» باشد که در حرمت آن شکی وجود ندارد.

نظر غیر مشـهور در خنثـای غیر مشـکل: در مقابل نظر مشـهور، یک نظر نادر وجود دارد که معتقـد است که خنثای مشـکل می‌تواند یک جنسـیت را برای خویش انتخاب کنـد و همین جنسـیت تا آخر عمر برای وی حاکم خواهد بود.[۴۵۳] اکنون بـا توجه به نظرات مشهور و غیر مشهور، تأثیر تغییر جنسیت خنثای مشکل بر ازدواج وی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

براسـاس نظر مشـهور، ازدواج خنثـای مشـکل چه در فرض اول و چه در فرض دوم باطـل بوده است؛ چون وی به دلیـل ابهـام کـامل جنسی حق ازدواج با مرد یا زن نداشته است. بنابراین، تغییر جنسیت، تأثیری در مسأله، یعنی بطلان ازدواج سابق ندارد. از این رو، در فرض اول، حتـی اگر خنثـای مشـکل تغییر جنسـیت داده و به زن تبـدیل شـود، ازدواج سـابق تصـحیح نخواهـد شـد، بلکه آن دو در وضعیت جدید، برای ادامه زندگی زناشویی، باید عقد نکاح جدیدی را منعقد سازند.

براساس نظر غیر مشـهور، اگر خنثای مشکل، جنسیت زنانه را انتخاب کرده، پس ازدواج وی از اول صحیح بوده است؛ حال چنان‌چه خنثـای مشـکل تغییر جنسـیت داده و به زن تبـدیل شود، ازدواج سـابق ابقـا می‌شود، ولی اگر به مرد تبـدیل شود، ازدواج سابق باطل می‌شود.

نیز در فرض دوم، اگر خنثای مشکل، جنسیت مردانه را انتخاب کرده است، پس ازدواج وی صحیح بوده است؛ حال چنان‌چه تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود، ازدواج سابق ابقا می‌شود؛ ولی اگر به زن تبدیل شود، ازدواج سابق باطل می‌شود.

مبحث سوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، «خنثای غیر مشکل» خنثایی است که با توجه به امارات و قرائن شرعی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می‌شود. بنابراین، لازم

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۸

است جنسیت غالب خنثای غیر مشکل مشخص شود. بر این اساس، گاه خنثای غیر مشکل به مرد ملحق می‌شود و گاه به زن ملحق می‌شود.

در حالت اول، وی حق دارد با زن ازدواج کند، و در حالت دوم وی بایستی با مرد ازدواج کند. از این رو، اگر خنثای غیر مشکل که دارای جنسیت غالب مردانه است با مرد ازدواج کند، این ازدواج باطل و بلا اثر است، و چنان‌چه خنثای غیر مشکل که دارای جنسیت غالب زنانه است، با یک زن ازدواج کند، این ازدواج نیز باطل و بلا اثر است. تنها می‌توان دو فرض برای «ازدواج صحیح خنثای غیر مشکل» در نظر گرفت:

فرض اول: ازدواج خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب مردانه) با یک زن

فرض دوم: ازدواج خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب زنانه) با یک مرد

اکنون لازم است بررسی کنیم که تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل چه تأثیری در ازدواج وی دارد:

در فرض اول، چنان‌چه خنثای غیر مشکل، تغییر جنسیت داده و به مرد کامل تبدیل گردد، تأثیری در ازدواج وی ندارد. به عبارت دیگر، ازدواج وی هم چنان برقرار است. دلیل آن واضح است؛ چون وی قبل از تغییر جنسیت با توجه به علائم و امارات شرعی به عنوان مرد شناخته شده است و با عمل جراحی تغییر جنسیت نیز به مرد کامل تبدیل شده است. پس ازدواج وی، چه قبل از تغییرجنسیت و چه بعد از آن، با موضوع «مرد و زن» بوده است.

در همین فرض دوم، چنان‌چه خنثای غیر مشکل، تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود، ازدواج سابق وی باطل می‌شود؛ چون در وضعیت جدید، ازدواج «مرد با مرد» خواهد بود که باطل و غیر شرعی است.

مبحث چهارم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت مرد یا زن به خنثی

می‌توان این فرض را در نظر گرفت که مرد یا زن پس از تغییر جنسیت به خنثی تبدیل شود. اگرچه به لحاظ مصداق خارجی هیچ کس طالب تغییر جنسیت و تبدیل به خنثی نیست، ولی می‌توان به عنوان یک فرع فقهی از آن بحث و گفت و گو کرد. به

تغییرجنسیت، ص: ۲۷۹

طور کلی می‌توان فرض‌های زیر را در نظر گرفت:

فرض اول: تغییر جنسیت مرد به خنثای مشکل

فرض دوم: تغییر جنسیت زن به خنثای مشکل

فرض سوم: تغییر جنسیت مرد به خنثای غیر مشکل:

۳- ۱- با جنسیت غالب مردانه

۳- ۲- با جنسیت غالب زنانه

فرض چهارم: تغییر جنسیت زن به خنثای غیرمشکل:

۴- ۱- با جنسیت غالب زنانه

۴- ۲- با جنسیت غالب مردانه.

در فرض اول و دوم که مرد یا زن به خنثای مشکل تبدیل می‌شود، از نظر مشهور فقیهان اسلامی ازدواج سابق باطل خواهد بود؛ چه این‌که خنثای مشکل دارای ابهام کامل جنسی است و مرد بودن یا زن بودنِ وی معلوم نیست.

البته با فرض این‌که خنثای مشکل در واقع ملحق به یکی از دو جنس است و طبیعت ثالثه نیست، می‌توان استصحاب بقای زوجیت نمود و در نتیجه، پس از تغییر جنسیت مرد یا زن به خنثای مشکل، ازدواج سابق همچنان باقی است.

در فرض سوم که مرد به خنثای غیر مشکل تبدیل می شود خود دارای دو حالت است:

حالت ۳- ۱- مرد در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از نظر امارات و قرائن شرعی دارای جنسیت غالب مردانه است. در نتیجه تغییر جنسیت، و در وضعیت جدید، ازدواج «زن با مرد» به وجود می‌آید. بنابراین، پس از تغییر جنسیت، ازدواج سابق هم چنان برقرار خواهد بود. البته با این توضیح که مرد قبل از تغییر، دارای جنسیت کامل مردانه بود و پس از آن، براساس امارات و قرائن شرعی دارای جنسیت غالب مردانه شده است.

حالت ۳- ۲- مرد در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۰

نظر امارات شرعی دارای جنسیت غالب زنانه است. پس از تغییر و در وضعیت جدید، شاهد ازدواج «زن با زن» خواهیم بود. بنابراین، تغییر جنسیت موجب بطلان ازدواج سابق خواهد شد.

در فرض چهارم که زن در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است، دارای دو حالت زیر است:

حالت ۴- ۱- زن در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از نظر امارات و قرائن شرعی، وی به زن ملحق شده است. تغییر جنسیت تأثیری در ازدواج سابق ندارد. به عبارت دیگر، ازدواج آن دو هم چنان برقرار است. نهایت آن که، قبل از تغییر جنسیت، زن دارای جنسیت کامل زنانه بود، ولی پس از آن، دارای جنسیت غالب زنانه است.

حالت ۴- ۲- زن در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از نظر امارات شرعی دارای جنسیت غالب مردانه است. پس از تغییر جنسیت و در وضعیت جدید ما شاهد ازدواج «مرد با مرد» خواهیم بود که غیر شرعی است. بنابراین، تغییر جنسیت موجب بطلان ازدواج سابق خواهد شد.

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۱

فصل دوم مسأله نفقه زوجه پس از تغییر جنسیت

طرح بحث:

از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن (زوجه) به عهده شوهر است، و زن از این نظر هیچ گونه مسؤولیتی ندارد. البته تأمین هزینه‌های شخصی زن توسط شوهر، اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد، بلکه حتی اگر وی دارای ثروت کلانی هم باشد، الزامی ندارد که از اموال شخصی خود، مخارج و مایحتاج خویشتن را تأمین نماید. وجوب پرداخت نفقه از مسلّمات فقه و حقوق اسلامی است، و مبتنی بر آیات[۴۵۴] و روایات[۴۵۵] می‌باشد.

شرط وجوب نفقه دو چیز است:

۱. دایم بودن نکاح

۲. تمکین زوجه

یکی از مباحث مهم پس از تغییر جنسیتِ یکی از زوجین، مسأله «نفقه زوجه» است.

تغییر جنسیت، ص: ۲۸۲

هر گاه زوج یا زوجه تغییر جنسیت دهد و این تغییر جنسیت، واقعی باشد، طبیعی است که ازدواج سابق باطل می‌شود. احکام زوجیت، مانند نفقه نیز به تبع انتفای موضوع (ازدواج سابق) از بین می‌رود. چه این‌که احکام، دائر مدار موضوعات هستند و با انتفای موضوع، حکم آن نیز از بین می‌رود. بنابراین، به عنوان یک «قاعده کلی» می‌توان گفت: هرگاه «نکاح دائم» بوده و علاوه بر آن، تمکین (عدم نشوز) نیز موجود باشد، «وجوب نفقه» به عنوان یک حکم شرعی ثابت است، و هر گاه یکی از آن دوشرط منتفی گردد، وجوب اعطای نفقه نیز مرتفع می‌شود.

طبیعی است که پس از تغییر جنسیتِ یکی از زوجین، یکی از آن دو شرط یعنی «ازدواج دائم» از بین می‌رود. بنابراین، نفقه نیز از بیان خواهد رفت. مسأله «سقوط نفقه» به دلیل «تغییر جنسیت»، آن قدر بدیهی و روشن است که فقیهان اسلامی از آن ذکری به میان نیاورده‌اند. اما برای توضیح بیش‌تر، حالت‌های مختلف تغییر جنسیت را بیان کرده و مسأله «وجوب نفقه» یا «سقوط نفقه» را در ذیل هر حالت توضیح می‌دهیم:

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقه زوجه در عقد دائم

اشاره

به طور کلی می‌توان گفت: هرگاه پس از ازدواج دائم، تغییر جنسیت روی دهد، در بحث «وجوب نفقه» یا «سقوط نفقه» می‌توان فروض مختلف را در نظر گرفت، که در ضمن چند گفتار زیر بیان می‌شود:

گفتار اول: تبدیل مرد به زن: بطلان نکاح و سقوط نفقه

هرگاه پس از ازدواج، مرد تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل گردد، ازدواج سابق باطل، و پرداخت نفقه نیز واجب نخواهد بود.[۴۵۶] ممکن است این پرسش مطرح شود که پس از تغییر جنسیت و در وضعیت جدید، درباره وجوب یا عدم وجوب نفقه شک و تردید داریم، از آن جایی که قبل از تغییر،

تغییر جنسیت، ص: ۲۸۳

پرداخت نفقه واجب بود، پس از تغییر نیز، استصحاب وجوب نفقه جاری می‌کنیم. بنابراین، مرد سابق هم چنان موظف به پرداخت نفقه به زوجه سابق خویش است.

در پاسخ می‌گوییم: از شرایط اساسی استصحاب، «بقای موضوع» است. در این جا یقین داریم که موضوع «مرد و زن» عوض شده و در وضعیت جدید، شاهد وجود «دو مرد» یا «دو زن» هستیم. بنابراین، حکم نیز عوض شده است و مجالی برای استصحاب وجوب نفقه و سایر احکام زوجیت وجود ندارد.[۴۵۷]

گفتار دوم: تبدیل زن به مرد: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

هرگـاه پس از ازدواج، زن تغییر جنسیت دهـد و مرد گردد، ازدواج سابق باطل و پرداخت نفقه به عنوان یک حکم شـرعی، به دلیل انتفـای موضوع (ازدواج سابق) از بین خواهـد رفت.[۴۵۸] به تعـبیر دیگر، موضـوع وجـوب نفقه عبـارت بود «زوجه» است، و پس از تغییر جنسـیت زن، وی دیگر متصف به عنوان «زوجه» را نیست، و پس از تبدیل قطعی موضوع، مجالی برای استصـحاب وجوب نفقه وجود ندارد.[۴۵۹]

گفتار سوم: تبدیل مرد به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

هرگاه مرد تغییر جنسیت دهد و به خنثای مشـکل تبدیل گردد، ازدواج سابق باطل خواهد شد؛ زیرا طبق نظر فقیهان اسـلامی، خنثای مشـکل دارای ابهام کامل جنسی بوده و مرد بودن یا زن بودن وی نامعلوم است. از این رو، ازدواج خنثای مشکل باطل است. پس از تغییر جنسـیت، و تبدیل مرد به خنثای مشـکل، ازدواج فاقد موضوع «مرد و زن» است؛ چون طبق فرض، جنسیت مرد تغییر کرده و در حال حاضر، مرد بودن یا زن بودنِ وی مشکوک است.

احتمال قوی‌تر آن است که گفته شود: پس از تغییر جنسیت مرد، و تبدیل وی به

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۴

خنثـای مشـکل، در مـورد مرد بـودن یـا زن بودن وی شـک و تردیـد داریم؛ در این حـالت، وضـعیت سـابق (مرد بودن) استصـحاب می‌شود. از این رو، وی هم چنـان از نظر شـرعی مرد محسوب می‌شود. بنابراین، موضوع ازدواج، یعنی «مرد و زن» پس از تغییر ثابت باقی خواهد ماند. پس خنثای مشکل هم چنان موظف است نفقه زوجه را پرداخت کند.

گفتار چهارم: تبدیل زن به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

یک احتمال آن است که ازدواج در اثر تغییر جنسـیت زن به خنثای مشکل، باطل شود. بنابراین، پرداخت نفقه به وی واجب نخواهد بود. احتمال دیگر، که خالی از قوت نیست آن است که چون در مرد بودن یا زن بودن خنثای مشـکل تردید داریم، حالت سابق (زن بودن) استصـحاب می‌گردد. بنابراین، زوجیت سابق اسـتمرار پیـدا کرده و به دنبال آن، پرداخت نفقه به زوجه سابق (خنثای مشـکل) هم چنان واجب خواهد بود.

گفتار پنجم: تبدیل مرد به خنثای غیرمشکل

بند ۱. خنثای مذکر: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

بند ۲. خنثای مؤنث: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

هرگاه مرد به خنثای غیر مشکل تبدیل شود، باید ملاحظه نمود براساس قرائن و امارات شرعی، وی به کدام جنس (مرد یا زن) ملحق است. هرگـاه به جنس مرد ملحق باشـد (خنثـای مـذکر)، بنـابراین، تغییری در ازدواج سـابق پدیـد نمی‌آیـد. نهایت آن‌که وی قبل از تغییر، مرد کامل بود و پس از تغییر براساس قرائن و شواهـد، به مرد ملحق شـده است. بنابراین، وی هم چنان موظف به پرداخت نفقه به زوجه خویش است.

امـا چنـان‌چه وی به خنثـای مؤنث تبـدیل گردد، یعنی خنثـایی که براسـاس قرائن شـرعی، به گروه زنـان ملحق است، در این حـالت، ازدواج سابق باطل و وجوب اعطای نفقه نیز ساقط است. بنابراین، وی (خنثای مؤنث) موظف به پرداخت نفقه، به زوجه سابق خویش

نیست.

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۵

گفتار ششم: تبدیل زن به خنثای غیر مشکل

بند اول: خنثای مؤنث: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

بند دوم: خنثای مذکر: بطلان و سقوط نفقه

هرگاه زن تغییر جنسیت داده و به خنثای غیرمشکل، آن هم از نوع خنثای مؤنث تبدیل شود، ازدواج سابق وی برقرار خواهد بود و هم چنان می‌تواند از زوج خویش مطالبه نفقه نماید؛ نهایت این که، وی قبل از تغییر، زن کامل بود و اکنون پس از تغییر جنسیت، از نظر شرعی به زن ملحق شده است.

اما چنان‌چه وی به خنثای مذکر تبدیل گردد، ازدواج سابق فاقد موضوع «مرد و زن» است؛ چون در وضعیت جدید، ما شاهد «دو مرد» هستیم. بنابراین، ازدواج سابق باطل و پرداخت نفقه نیز واجب نخواهد بود.

گفتار هفتم: تبدیل خنثای غیر مشکل (مذکر)

بند اول- به مذکر: بقای ازدواج و بقای استمرار نفقه

بند دوم- به مؤنث: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

در تبدیل خنثای مذکر به مذکر، ازدواج سابق برقرار بوده و وجوب نفقه نیز استمرار دارد؛ نهایت این‌که شوهر، قبل از تغییر جنسیت، براساس علائم شرعی به گروه مردان (خنثای مذکر) ملحق بود، ولی پس از تغییر، به مرد کامل تبدیل شده است. بنابراین، وی هم چنان موظف به پرداخت نفقه به زوجه خویش است.

اما چنان‌چه خنثای مذکر، به زن تبدیل گردد، ازدواج سابق باطل و وجوب نفقه نیز ساقط می‌گردد. بنابراین، وی موظف به پرداخت نفقه نیست.

گفتار هشتم: تبدیل خنثای غیرمشکل (مؤنث)

بند اول- به زن: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

بند دوم- به مرد: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

چنان‌چه خنثای غیر مشکل، از نوع خنثای مؤنث به زن تبدیل شود، ازدواج سابق

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۶

برقرار و وجوب نفقه نیز استمرار خواهد داشت. نهایت این که، وی قبل از تغییر، براساس علائم شرعی به زن بودن محکوم شده بود و پس از تغییر، به زن کامل تبدیل شده است. از این رو، وی هم چنان می‌تواند از زوج خویش، مطالبه نفقه کند.

اما چنان‌چه خنثای مؤنث به مرد تبدیل شود، ازدواج سابق باطل و وجوب نفقه نیز ساقط می‌گردد؛ زیرا در وضعیت جدید، موضوع ازدواج به «دو مرد» تبدیل شده است.

شایان ذکر است که تبدیل «خنثای مشکل به مرد یا زن» منشأ آثار فقهی نیست؛ زیرا اساساً ازدواج خنثای مشکل حرام و باطل است و احکام زوجیت مانند: محرمیت، نفقه، تمکین و مانند آن بر این ازدواج ثابت نمی‌شود. بنابراین، بحث از تبدیل خنثای مشکل به

مرد یا زن پس از ازدواج، بی‌مورد است. نتیجه آن که، اگر خنثای مشکل، تغییر جنسیت دهد و برای مثال، به زن تبدیل شود و طرف مقابل وی، مرد باشد، تأثیری در مطلب نخواهد داشت و ازدواج باطل گذشته را تصحیح نخواهد کرد.

پس از تغییر جنسیت، باید این نکته مورد بررسی و ملاحظه قرار گیرد که آیا «موضوع ازدواج»، یعنی وجود «مرد و زن» تغییر کرده یا نه. پس اگر تغییر کند و برای مثال به «دو مرد» یا «دو زن» تبدیل شود، ازدواج سابق باطل شده و احکام ازدواج و از جمله نفقه نیز منتفی خواهد شد.

در تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل نیز باید مطلب فوق مورد توجه قرار گیرد. خنثای غیر مشکل نیز دو گونه است: ۱. خنثای مذکر، یعنی خنثی با جنسیتِ غالب مردانه؛ ۲. خنثای مؤنث، یعنی خنثی با جنسیت غالب زنانه.

چنان‌چه خنثای مذکر (که قبلًا با یک زن ازدواج کرده بود) تغییر جنسیت دهد و به مرد کامل تبدیل شود، تأثیری در ازدواج سابقِ وی نخواهد داشت و بنابراین، احکام زوجیت مانند نفقه نیز استمرار خواهد داشت؛ چون پس از تغییر جنسیت، به چیزی تبدیل شده است که قبلًا از نظر شرعی به آن جنسیت ملحق شده بود،[۴۶۰] ولی چنان‌چه وی به یک زن تبدیل شود، در وضعیت جدید، به جای وجود «مرد و زن»

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۷

ما شاهد وجود «دو زن» خواهیم بود. در نتیجه، ازدواج سابق باطل و احکام زوجیت از جمله نفقه نیز منتفی خواهد شد.

نیز چنان‌چه خنثای مؤنث (که قبلًا با یک مرد ازدواج کرده بود)، تغییر جنسیت دهد و به زن کامل تبدیل شود، تأثیری در ازدواج سابق وی نخواهد داشت و بنابراین، احکام زوجیت مانند نفقه نیز استمرار خواهد داشت، ولی چنان‌چه وی به یک مرد تبدیل شود، در وضعیت جدید ما شاهد وجود «دو مرد» به جای «مرد و زن» خواهیم بود. بنابراین، ازدواج به دلیل انتفای موضوع آن، باطل می‌شود. آیت‌الله سید محمد صدر در مورد «تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل» چنین می‌گوید:

هرگاه خنثای غیر مشکل، به غیر خنثی تبدیل شود؛ خنثای غیر مشکل از نظر شرعی یا به مرد بودن یا به زن بودن محکوم شده است، که بحث آن در کتاب ارث گذشت، در این هنگام یا این خنثای غیر مشکل، به همان جنسی تبدیل می‌شود که قبلًا به آن محکوم شده بود، مثل این‌که خنثای غیر مشکل محکوم به رجولیت (مرد بودن)، به مرد کامل تبدیلِ شود، یا خنثایی که به زن بودن محکوم شده بود، به زن کامل تبدیل شود. در این هنگام، احکام شرعیه‌ای که قبلًا برای وی ثابت بوده، تغییر نخواهد کرد، ولی اگر به جنس دیگری تبدیل شود که قبلًا تابع آن نبوده، در این حالت مثل این است که مرد به زن، یا زن به مرد تبدیل شده است که قبلًا در مورد آن صحبت شد.[۴۶۱]

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه در عقد موقت

اشاره

هرگاه در عقد موقت، یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، این مسأله چه تأثیری در نفقه زوجه خواهد داشت؟ این مطلب را در ضمن دو گفتار زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۸

گفتار اول: عدم وجوب نفقه در عقد موقت

در عقـد موقت، دادن نفقه از سوی زوج به زوجه واجب نسیت. حال چنان چه، یکی از زوجین تغییر جنسـیت دهد، طبیعی است که در مسأله نفقه، تغییری به وجود نمی‌آید؛ چه این که، نفقه از ابتدا بر زوج واجب و لازم نبوده و پس از تغییر جنسـیت نیز همین گونه خواهد بود.

گفتار دوم: اشتراط نفقه در عقد موقت

هر گاه زوجه در عقـد موقت، به پرداخت نفقه را شـرط کند و زوج آن را پذیرفته و براساس آن، عقد موقت منعقد شود، اعطای نفقه همانند عقد دائم واجب خواهد بود. در این حالت، اگر یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، چه تأثیر بر نفقه خواهد گذاشت؟

طبیعی است که عقـد موقت به دلیـل تغییر جنسیت، فاقـد موضوع شـده و بنـابراین، باطـل خواهـد بود. وجوب اعطای نفقه نیز از بین خواهد رفت؛ زیرا «نفقه» به عنوان «شـرط» و «عقد موقت» به عنوان «مشـروط» است. هر گاه مشروط منتفی گردد، شرط آن نیز از بین خواهد رفت.

به عبارت دیگر، اگر تغییر جنسـیت از انواعی باشد که سبب انحلال نکاح موقت نمی‌شود، وجوب نفقه به موجب شرط ثابت است و در مواردی که نکاح منحل می‌شود پرداخت نفقه هم منتفی خواهد بود ..

جمع بندی و بین نظریه مختار

نفقه از آثار عقـد دائم است که در عقـد موقت، واجب نیست مگر آن‌که شـرط شـده باشـد. هر گاه تغییر جنسـیت روی دهد، طبیعی است که ازدواج دائم، منحل شده و بنابراین، آثار ازدواج، از جمله وجوب پرداخت نفقه نیز از بین خواهد رفت، ولی هر گاه در تغییر جنسیت، موضـوع ازدواج (مرد و زن) از بین نرود، ازدواج سـابق هم چنـان بـاقی بوده و بنـابراین، وجوب پرداخت نفقه نیز اسـتمرار خواهد داشت.

تغییر جنسیت یکی از زوجین در عقد موقت، تأثیری در نفقه نخواهد داشت؛

تغییرجنسیت، ص: ۲۸۹

چه این‌که پرداخت نفقه از ابتـدا واجب نبوده است؛ پس از تغییر جنسـیت نیز این گونه خواهـد بود. هم‌چنین اگر از ابتـدا عقد موقت مشروط به اعطای نفقه بوده، پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، به دلیل انتفای مشروط، شرط (نفقه) نیز منتفی خواهد شد.

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۱

فصل سوم تغییر جنسیت و مسأله مهریه زن

طرح بحث

هر گاه یکی از زوجین تغییر جنسـیت دهد و به جنس مخالف تبدیل شود، با انحلال ازدواج گذشته، آیا زوجه حق مطالبه مهریه را از شوهر سابق دارد یا این‌که مهریه با تغییر جنسـیت از بین رفته و مرد ملزم به پرداخت آن نمی‌باشد؟ از طرف دیگر، این پرسش مطرح است هر گاه تغییر جنسیت قبل از مباشرت اتفاق افتد، آیا زوجه مستحق تمام مهریه است یا نصف مهریه؟

بحث و بررسی درباره مهریه را باید در دو مبحث مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

۱. تغییر جنسیت و تأثیر آن بر مهریه زوجه در عقد دایم؛

۲. تغییر جنسیت و تأثیر آن بر مهریه زوجه در عقد موقت.

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله مهریه زوجه در عقد دائم

اشاره

هرگـاه عقـد نکـاح دائـم منعقـد شـود و پس از آن، تغییر جنسـیت یکی از زوجین واقع شـود، طـبیعی است که ازدواج سـابق منحل می‌شود، در مورد پرداخت مهریه چهار

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۲

احتمال (نظریه) وجود دارد، که عبارتند از:

احتمال اول: عدم وجوب پرداخت مهریه مطلقا، چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت داده باشد یا زوجه.

احتمال دوم: وجوب پرداخت مهریه مطلقا، چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت دهد یا زوجه.

احتمال سوم: وجوب پرداخت کل مهریه در صورت نزدیکی و تنصیف آن در صورت عدم آمیزش.

احتمال چهارم: سقوط مهریه در صورت عدم کسب اجازه زوجه از زوج.

اینک هر یک از احتمال‌های فوق را در ضمن چهار گفتار مورد بررسی قرار می‌دهیم:

گفتار اول: عدم وجوب پرداخت مهریه مطلقا

احتمال اول آن است که به طور مطلق چیزی بر عهـده زوج نیست، چه مباشـرت صورت گرفته باشـد و چه نه، نیز فرقی نمی‌کنـد که زوج تغییر جنسیت دهد یا زوجه. در هر حال، علاوه بر بطلان ازدواج سابق، زوج به پرداخت مهریه توافقی موظف نیست.

دلیـل ایـن احتمـال را می‌تـوان این گـونه تـوجیه کرد: حقیقت ازدواج عبـارت است از معـاوضه بُضـع زن (تمکین) بـا مهریه، و تغییر جنسـیت سـبب فسـخ این معـاوضه می‌شود و بناچـار، هر یک از دو عوض به جای نخست خود باز می‌گردد و در نتیجه، تمام مهریه، ملـک شوهر می‌گردد. بنـابراین، چیزی به عهـده او نیست، بلکه اگر وی، پیش از این، مهریه را پرداخت کرده باشـد، مهریه یا عوض آن به او برگردانده می‌شود.[۴۶۲] در پاسخ باید گفت:

اولًا، حقیقت نکـاح معـاوضه بُضع زن (تمکین زن) بـا مهریه نیست، بلکه از دیـدگاه خردمنـدان این است که مرد، شوهر زن، و زن، همسر مرد شود و یا هر کدام همسر دیگری

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۳

باشد و این امر اعتباری به وسـیله «ایجاب و قبول» میان آن دو تحقق می‌یابد. بدین معنا که یکی از آنان همسـری را ایجاب می‌کند و دیگری آن را می‌پـذیرد. قوام نکـاح، تنها به «ایجاب و قبول» است و «مهریه» به منزله هـدیه‌ای است که مرد آن را به همسـرش اهـدا می‌کنـد و قانون گـذار الهی آن را افزون بر ارکان نکاح، واجب کرده است.[۴۶۳] بنابراین، نکاح همانند یک داد و سـتد نیست که چیزی معـاوضه شود و مهریه به عنوان یکی از عوضـین محسوب نمی‌شود. همـان طور که پیش‌تر بیان شـد، اگر در عقـد نکاح دایم، مهریه ذکر نشود، یا از امور باطل باشد، مانند: خوک و شـراب، عقد نکاح صحیح است.[۴۶۴] حتی اگر عقد نکاح، مشروط به عدم پرداخت مهریه منعقد شده باشد، عقد صحیح است هر چند شرط باطل است.

شاهد بر این امر، آن است که قرآن کریم از بسته شدن نکاح پیش از واجب شدن مهریه سخن گفته است:

لاـ جُنـاحَ عَلَیْکُـمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسـاءَ مـا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُـوا لَهُنَّ فَرِیضَـ ةً وَ مَتِّعُـوهُنَّ عَلَی الْمُوسِـعِ قَـدَرُهُ وَ عَلَی الْمُقْتِرِ قَـدَرُهُ مَتـاعًا

بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ؛[۴۶۵]
اگر زنانی را که با آنان نزدیکی نکرده‌اید و مهری برایشان مقرر نداشته‌اید، طلاق گویید، گناهی نکرده‌اید. ولی آن‌ها را به چیزی در خور بهره‌مند سازید: توانگر به قدر توان خود و درویش به قدر توان خود. این کاری است شایستهٔ نیکوکاران.
شاهد مثال آن است که در این آیه شریفه، طلاق، پیش از مهریه مقرر شده است و این امر نشان می‌دهد که نکاح پیش از مهریه بسته شده است و هرگاه مرد، زن را پیش از تعیین مهریه و پیش از نزدیکی با وی طلاق دهد، در اصل مهر بر او واجب نیست؛ هر

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۴

چند به شوهر واجب است که زن را به اندازه توان مالی خود بهره‌مند سازد، توانگر به قدر توان خود و نادار هم به قدر توان خود.
ثانیاً، حتی اگر بپذیریم که حقیقت نکاح عبارت از معاوضه است، ولی این ادّعا را نمی‌پذیریم که باطل شدن نکاح به سبب تغییر جنسیت، به معنای فسخ آن است؛ زیرا فسخ نکاح، در صورتی قابل پذیرش است که از قبیل فسخ به سبب خیار باشد، ولی در این جا چنین نیست، بلکه انحلال نکاح، بر اثر عدم امکان بقای اعتبار زوجیت است؛ زیرا در این مثال [تغییر جنسیت] آن دو به دو مرد و یا دو زن تبدیل شده‌اند و دلیلی وجود ندارد بر این‌که عقد و قرار داد پیشین، از هنگام تغییر جنسیت فسخ شود، بلکه در نهایت این نتیجه به دست می‌آید که باقی ماندن اعتبار نکاح امکان‌پذیر نیست.[۴۶۶] به عبارت دیگر، ماهیت فسخ نکاح با انحلال آن به سبب فقدان موضوع متفاوت است و استرداد عوضین از آثار فسخ نکاح است نه مطلق انحلال ولو به علت فقدان موضوع.

گفتار دوم: وجوب پرداخت مهریه مطلقا

احتمال دوم که عده‌ای از فقیهان شیعه بدان معتقد شده‌اند آن است که در صورت تغییر جنسیت و بطلان ازدواج سابق، زوج به پرداخت تمام مهریه موظف است، چه تغییر جنسیت قبل از مباشرت باشد و چه بعد از آن. امام خمینی در این باره می‌گوید:
لو تزوج امرأه فتغير جنسها فصارت رجلًا، بطل التزويج من حين التغيير و عليه المهر لودخل بها قبل التغيير، فهل عليه نصفه مع عدم الدخول أو تمامه؟ فيه إشكال، و الأشبه التمام، و كذا لو تزوجت إمرأة برجل فغير جنسه بطل التزويج من حين التغيير، و عليه المهر مع الدخول، و كذا مع عدمه على الأقوى؛[۴۶۷] اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۵

جنسیت، باید تمام مهریه زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش، سقوط نصف مهر مشکل و قول به پرداخت تمام مهریه بهتر است.
هم‌چنین اگر زنی با مردی ازدواج کند، مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می‌شود و در صورت آمیزش، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنا اقوی باید بپردازد.
با توجه به کلام امام خمینی، بین تغییر جنسیت زوجه و زوج تفاوت وجود دارد، و آن این‌که اگر زوجه قبل از آمیزش، تغییر جنسیت دهد، «اظهر» (بهتر) آن است که زوج تمام مهریه را پرداخت کند، ولی اگر زوج قبل از آمیزش تغییر جنسیت دهد، بنابر «اقوی»، زوج باید تمام مهریه را بپردازد. به عبارت دیگر، اگر زوج با تغییر جنسیت خویش موجب بطلان ازدواج را فراهم آورد به طریق اولی بایستی تمام مهریه را پرداخت کند.
آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) در مورد مهریه پس از تغییر جنسیت چنین می گوید:
اگر تغییر جنسیت از طرف زن و با اذن شوهر انجام شود، در صورت عدم آمیزش قبل از تغییر، مهریه زن باید به طور کامل پرداخت

شود و احتیاط آن است که مصالحه کنند.

اگر زن بـدون اجازه شوهر، اقـدام به تغییر جنسـیت کرده باشـد، در صورتی که بایـد با اذن شوهر اقـدام به این کار می‌کرد، مرتکب گناه شده است، ولی از مهریه محروم نمی‌شد و طبق حکم شرعی، تمام مهریه به او می‌رسد.[۴۶۸]

با توجه به کلام فوق، عـدم کسب اذن از شوهر، تنها حرمت تکلیفی دارد، یعنی زوجه با تغییر جنسـیت مرتکب گناه شده است، ولی اثر وضعی ندارد و موجب از بین رفتن مهریه یا تنصیف مهریه نمی‌شود، یعنی در هر حال، پرداخت کل مهریه واجب است.

آیت‌الله حسین علی منتظری در این باره می‌گوید:

... در صورت تحقق دخول، مهر مستقر بر ذمه شوهر می‌باشد و در صورت عدم دخول، احوط تصالح است.[۴۶۹]

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۶

آیت‌الله یوسف صانعی از جهت دیگر بین تغییر جنسیت زوج و زوجه تفاوت قائل شده‌اند. در ابتدا دیدگاه ایشان را می‌آوریم و آن گاه توضیح مختصری بیان می‌شود:

اگر زنی بـا مردی ازدواج کنـد و مرد تغییر جنسـیت دهـد، ازدواجش از هنگـام تغییر باطـل می‌شود. در صورت آمیزش قبل از تغییر، بایـد مهریه زن را بدهـد و در صورت عـدم آمیزش، بنابر اقوی بایـد بپردازد.[۴۷۰] بـا توجه به کلاـم فوق، بین تغییر جنسـیت زوج و زوجه تفاوت است و آن این که: هرگاه مرد تغییر جنسیت دهد، موظف است تمام مهریه را بپردازد، چه تغییر جنسیت بعد از آمیزش باشـد و چه قبل از آن؛ اما هرگاه زوجه تغییر جنسـیت دهـد، به دلیل آن‌که وی باعث از بین رفتن ازدواج شده است، مهریه زوجه از بین می‌رود.[۴۷۱] دلیل احتمال دوم

دلیل اول- ثبوت تمام مهریه به سبب انعقاد عقد نکاح

به مجرد عقـد نکـاح، مهریه بر ذمه زوج ثـابت می‌شود و هرگـاه دخول صورت گیرد، تمـام مهریه مسـتقر می‌گردد و ازدواج چه بقا داشـته باشد و چه نداشته باشد، در هر حال، تمام مهریه به عهده زوج است. پس اگر طلاق واقع شود و یا این‌که «موضوع ازدواج» به دلیـل تغییر جنسـیت منتفی گردد، تأثیر در اصل مطلب، یعنی «ثبوت تمام مهریه برای زوجه» نـدارد.[۴۷۲] روایات متعددی دلالت بر استقرار مهریه به سبب دخول دارد که به دو نمونه اشاره می‌شود:

۱. روایت داود بن سـرحان: إذا أولجه فقـد وجب الغسـل و الجلـد و الرجم و وجب المهر؛[۴۷۳] هرگـاه دخول صورت گیرد، غسل، تازیانه، سنگسار و مهریه واجب می‌شود.

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۷

۲. روایت محمـد بن مسـلم: سألت أبا جعفر (ع): متی یجب المهر؟ قال إذا دخل بها؛[۴۷۴] محمد بن مسـلم می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدیم: چه موقع مهریه واجب می‌شود؟ فرمود: هرگاه مرد با زن مباشرت کند.

اما در بیان علت این‌که اگر تغییر جنسیت قبل از دخول باشـد، تمام مهریه ثابت است، می‌توان گفت: مقتضای عقـد نکاح این اسـت که تمام مهریه در قبال ازدواج است. این گونه نیست که بخشـی از مهریه در قبال دخول باشـد. پس مقتضای عقد نکاح، ثبوت تمام مهریه به مجرد عقد قبل از دخول است.

پرسـش: بر اساس آیه شـریفه: «وإن طلقتمو هن من قبل أن تمسوهّن و قد فرضـتم لهن فریضته فنصف ما فرضتم إلّا أن یعفون أو یعفو الذی بیده عقدة النکاح»؛[۴۷۵] هرگـاه طلاق قبل از دخول صورت پـذیرد، پرداخت نصف مهریه به عهـده زوج است. بنابراین، اگر تغییر جنسیت قبل از دخول صورت پذیرد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهده زوج است.

پاسخ: در بحث مورد نظر، طلاق واقع نشده است، بلکه زوجیت به دلیل تغییر جنسیت، فاقد موضوع شده و ازدواج باطل گشته است. بنابراین، قیاس «تغییر جنسیت» به «طلاق» صحیح نیست، و آیه شریفه، تنها در بیان «ثبوت نصف مهریه» به سبب «طلاق قبل از دخول» است. پس به مقتضای عقد نکاح، تمام مهریه به عهده زوج است، ولو این‌که تغییر جنسیت قبل از دخول واقع شده باشد.[۴۷۶] صاحب کتاب «جواهر الکلام» فرموده هرگاه طلاق قبل از دخول واقع شود، تنها نصف مهرالمسمی به عهده زوج است و بر این مطلب ادعای «عدم خلاف» و بلکه ادعای «اجماع» کرده است؛[۴۷۷] اما باید توجه نمود که مورد اجماع صاحب جواهر (معقد

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۸

اجماع)، «طلاق قبل از دخول» است و نه چیز دیگر. بنابراین، در بحث مورد نظر، یعنی «تغییر جنسیت قبل از دخول»، باید گفت: به مقتضای عقد نکاح، پرداخت تمام مهریه به عهده زوج است.[۴۷۸] خلاصه این‌که حقیقت مهریه، همان طور که در بررسی احتمال اول بیان شد، یک حکم شرعی مترتب بر ازدواج است و زوجه مالک کل مهریه است و می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بنماید و مقتضای قاعده استصحاب این است که مهریه حتی بعد از بطلان عقد، به سبب تغییر جنسیت به ملکیت زن باقی باشد.[۴۷۹] پاسخ: براساس روایات مستفیض، واجب بودن تمام مهریه به سبب دخول است و هرگاه دخول صورت نگیرد، تمام مهریه ثابت نیست. پس اگر تغییر جنسیت قبل از دخول باشد تمام مهریه ثابت نیست.

۱. در صحیحه عبدالله بن سنان، از امام صادق (ع) روایت شده که گفت:

در حالی که من حضور داشتم، پدرم از آن حضرت درباره مردی پرسید که با زنی ازدواج کرده و این زن هم، بر او وارد شده است، لکن این مرد با او نزدیکی نکرده و به وی دست نیافته، تا این‌که او را طلاق داده است. آیا این زن باید عدّه نگه دارد؟

امام (ع) فرمود: عِدّه از آثار آب [مرد] است. به او گفته شد: اگر مرد در مهبل زن نزدیکی کرده باشد و آب او انزال نشده باشد [چه حکمی دارد]؟

امام (ع) فرمود: هرگاه با او نزدیکی کند، غسل و مهر و عدّه واجب می‌شوند.[۴۸۰]

با وجود آن‌که مورد پرسش، عِدّه و عامل آن است، امام (ع) دامنه پاسخ را گسترش

تغییرجنسیت، ص: ۲۹۹

می‌دهد و بیان می‌کند که موضوع وجوب هر کدام از مهر و غسل و عدّه یک چیز است و آن نزدیکی و آمیزش است.

۲. صحیحهٔ حفص بن البختر عن الصادق (ع): إذا التقی الختانان وجب المهر والعدهٔ والغسل؛[۴۸۱] هرگاه به اندازه ختنه‌گاه داخل شود، مهر و عدّه و غسل واجب می‌شود.

۳. صحیحهٔ داود بن سرحان عن الصادق (ع): إذا أولجه فقد وجب الغسل والجلدو الرجم ووجب المهر؛[۴۸۲] هرگاه دخول صورت گیرد غسل، تازیانه، سنگسار کردن و نیز مهر واجب می‌شوند.

امام (ع) آشکارا بیان فرموده است: آن‌چه سبب واجب شدن تمام مهریه می‌شود عبارت است از: نزدیکی، و هرگاه دخول صورت نگیرد، تمام مهر واجب نخواهد بود. بر این اساس، وقتی بر اثر تغییر جنسیتِ یکی از زن و شوهر، پیش از نزدیکی میان آن دو جدایی افتد، تمام مهر بر شوهر واجب نمی‌شود.[۴۸۳] بنابراین، صرف «عقد نکاح» در «ثبوت تمام مهریه» کفایت نمی‌کند و زوجه چنان‌چه قبل از مباشرت از زوج جدا شود، خواه طلاق یا به دلیل تغییر جنسیت، حق ندارد بیش از نصف مهریه را دریافت کند.[۴۸۴] پس روایات یاد شده به «خصوصِ مورد طلاق» انصراف ندارد و روایات در مقام بیان موضوع حکم مهر هستند، همان گونه که موضوع حکم عدّه و غسل و سنگسار را بیان می‌کنند.[۴۸۵] از این رو، در بحث مهریه بهتر است قائل به تفصیل شویم؛

بدین ترتیب که اگر

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۰

تغییر جنسیت پس از نزدیکی باشـد، تمـام مهر واجـب است و اگر پیش از نزدیکی باشـد، نصـف آن واجب است؛ البته به مقتضـای احتیاط بهتر است میان دو طرف مصالحه صورت گیرد.

دلیل دوم: مهریه یعنی اعتبار امری افزون بر زوجیت

دلیـل دوم که می‌توان برای احتمال دوم؛ یعنی وجوب مهریه به صورت مطلق، بیان کرد آن است که مهریه اعتبار کردن چیزی است برای زوجه افزون بر زوجیت. بنابراین، مهر از قبیل شـرط ضـمن عقد است و هرگاه عقد با این شـرط بسته شود و شارع مقدس و نیز عقلا آن را امضا کنند، اقتضای آن این است که زوجه، مالک مهر می‌شود و قاعده استصـحاب ایجاب می‌کند که این مالکیت، حتی پس از باطل شدن عقد، به سبب تغییر جنسیت و بدون وجود تفاوت میان تمام مهریه و بعض مهریه آن باقی بماند.[۴۸۶] پاسخ:

پاسـخ مطلب فوق از مطـالب پیشـین روشن می‌شود و آن این که، براساس روایات مسـتفیض و بلکه متواتر و نیز شـهرت میان فقیهان اسـلامی، پرداخت تمـام مهریه، در صورت دخول است. از این رو، اگر به دلیـل طلاـق یا تغییر جنسـیتِ یکی از زوجین، میان آن دو جدایی افتد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهده زوج خواهد بود.

دلیل سوم: نمای حاصل بین عقد و طلاق برای زن

در برخی روایات اسلامی آمده است که نمای حاصل بین عقد و طلاق برای زن است، مانند موثقه عبید بن زراره که می‌گوید:

به امام صادق (ع) عرض کردم: مردی با زنی ازدواج کرد و مهر او را صد گوسفند قرار داد و سپس گوسفندان را به سوی او فرستاد و قبل از نزدیکی او را طلاق داد، در حالی که گوسـفندان زاد و ولـد کرده بودند. این بچه‌ها گوسـفندها برای چه کسـی است؟ امام (ع) فرمود: اگر گوسفندان، نزد مرد، حامله بوده‌اند باید نصف گوسفندان و نصف بچه‌های آن‌ها برگردانده شوند و اگر آن

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۱

زمان حامله نبوده‌اند، نصف گوسفندان برگردانده می‌شوند؛ اما هیچ کدام از بچه‌ها برگردانده نمی‌شوند.[۴۸۷]

در حدیث فوق، ظاهر لفظ «رجوع» مالکیت زن به مجرد عقد است و وقتی به مجرد عقد، مالک مهر شد، هرگاه بعد از تغییر جنسیت شک کنیم آیا ملکیت او بر مهر باقی مانده یا خیر، مقتضای استصـحاب بقای مهر در ملکیت اوست بدون تفصـیل بین آمیزش قبل از تغییر جنسـیت یا عدم آن.[۴۸۸] توضـیح آن‌که اگر تغییر جنسـیت بعـد از آمیزش باشـد مطلب فوق بحثی نـدارد؛ زیرا با عقد، مهریه ملک زن می‌شود و با آمیزش، تمام آن در مِلک زن استقرار پیدا می‌کند و هیچ سببی برای انتفای آن وجود ندارد، بلکه اگر آمیزش هم نکرده باشد، مطلب از این قرار است؛ زیرا گفتیم که مهر به مقتضای عقد است و بعد از تغییر جنسـیت به مقتضای استصـحاب نیز هم چنان در مِلک زن باقی است و هیچ دلیلی برای الحاق تغییر جنسیت به طلاق درتفصیل دادن بین آمیزش و تمام مهر و عدم آن و نصف مهر، وجود ندارد؛ زیرا ادله، مخصوص طلاق است و شامل فرض تغییر جنسیت نمی‌شود.[۴۸۹] پاسخ:

مقتضای این‌که در روایات وجوب جمیع مهر منوط به نزدیکی شـده این است که اگر تغییر جنسـیت قبل از نزدیکی باشد، جمیع مهر واجب نیست.[۴۹۰]

گفتار سوم: وجوب پرداخت کل مهر در صورت نزدیکی و تنصیف در غیر نزدیکی

احتمال سوم در مورد مهریه آن است که گفته شود: هرگاه تغییر جنسیتِ یکی از

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۲

زوجین، پس از مباشـرت صورت گیرد، پرداخت تمام مهریه به عهده زوج سابق است و هرگاه تغییر قبل مباشرت صورت گیرد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهـده زوج است و چنـان‌چه زوجه، بیش از نصف را دریـافت کرده است، لازم است مازاد را به زوج سابق بازگرداند.

در ادامه به کلام چند تن از فقیهان شیعه در این باره اشاره می‌شود:

آیت‌الله محمد مؤمن می‌گوید:

اظهر آن است که تفصیـل داده شود بین آن جـایی که تغییر جنسـیت بعـد از دخول است، پس پرداخت تمـام مهر واجب است و آن جـایی که تغییر قبل از دخول است پس نصف مهریه واجب است و احتیاط آن است که مصالحه کننـد.[۴۹۱] آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی می‌گوید:

اگر زنی پس از ازدواج تغییر جنسـیت دهـد و مرد شود، ازدواج او از هنگامی که تغییر جنسـیت برای او حاصل شد، باطل می‌شود و مرد بایـد نصف مهر را- در صورتی که بـا او آمیزش نکرده باشـد- یـا تمام مهر را- در صورتی که با او آمیزش کرده باشـد- به وی بپردازد. هم‌چنین است حکم مردی که پس از ازدواج بـا زنی تغییر جنسـیت دهـد، ازدواجش از هنگـامی که تغییر پدیـد آمـد، باطل می‌شود و در صورت آمیزش تمام مهر و در غیر این صورت، نصف مهر را باید به او بدهد.[۴۹۲] دلیل احتمال سوم

بـا توجه به توضیـح دلیـل احتمـال دوم و نیز پاسـخ آن، احتمـال سوم تقویت می‌شود. خلاـصه مطلب آن است که بر اسـاس روایات متـواتر و نیز شـهرت فتـوایی، پرداخت تمـام مهریه به سـبب دخول است. پس هرگـاه زوجین قبـل از دخول، به دلیـل طلاـق یـا تغییر جنسیت از یکدیگر جدا شوند، تنها پرداخت نصف مهریه واجب

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۳

خواهد بود و هرگاه عمل جراحی تغییر جنسیت پس از دخول باشد، پرداخت تمام مهریه واجب خواهد بود.

قـانون مـدنی ایران به تبعیت از مشـهور فقه، پرداخت کـل مهریه را منوط به دخول می‌دانـد. در مـاده ۱۰۹۲ قانون مـدنی چنین آمده است:

هرگـاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهـد، زن مسـتحق نصف مهر خواهـد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلًا داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلًا یا قیمتاً استرداد کند.

مفهـوم مخـالف مـادهٔ فوق این است که هرگـاه شوهر پس از نزدیکی، زن خود را طلاـق دهـد موظف است کـل مهر او را پرداخت نماید.

گفتار چهارم: سقوط مهریه در صورت عدم کسب اجازه زوجه از زوج

اشاره

براسـاس این احتمـال، اگر تغییر جنسـیت از سوی زوجه و بـدون رضایت زوج صورت پـذیرد، چیزی بر عهـده زوج نیست، ولی اگر زوج تغییر جنسـیت دهد، بایستی مهریه زوجه را پرداخت کند. البته اگر تغییر زوج، پس از مباشـرت باشد، تنها نصف مهریه بر عهده

وی خواهد بود.

آیت‌الله یوسف صانعی که از دیدگاه فوق پیروی می‌کند، در این باره می‌گوید:

تغییر جنسیت واقعی بعد از ازدواج که باعث ضرر و اذیت دیگری می‌شود، حرام است، لکن با فرض تحقق و تغییر جنسیت، ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و زوج بدهکار مهر، هر چند بعد از دخول، نمی‌باشد و این خود زوجه است که سبب استدامه مهر را که همان استدامه عقد است، از بین برده و مورد مانند جایی است که زوجه‌ای سبب حرمت خود بر شوهرش به وسیله رضاع گردد؛ و به هر حال، بطلان هر عقدی مستلزم برگشت به حال سابق و قبل العقد می‌باشد و این گونه موارد غیر از باب طلاق و جدا شدن زن و مرد از حین طلاق است.[۴۹۳]

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۴

دلیل احتمال چهارم

دلیل اول: تغییر جنسیت زوجه موجب ضرر مالی بر زوج است:

دلیل کلام فوق را این گونه می‌توان توضیح داد که شوهر، بدین منظور اقدام به ازدواج و دادن مهرکرده که همسری داشته باشد که با او زندگی کند. بنابراین، کسی که همسر او را از دستش خارج کرده و او را تنها گذاشته، نوعی ضرر مالی بر وی وارد کرده است که موجب ضمان می‌شود؛ از این رو، همسری که اقدام به تغییر جنسیت خود کرده، ضامن مهر است و اگر مهر را پیش از این دریافت کرده، باید آن را رد کند و اگر هنوز آن را نگرفته، نباید بگیرد.[۴۹۴] پاسخ: هرگاه عقد ازدواج به طور صحیح و با تمام خصوصیاتش انجام شود، ایجاب می‌کند که زن به صرف اجرای عقد ازدواج، تمام مهر را مالک شود و مهر، پس از جاری شدن عقد، بر عهده شوهر واجب می‌گردد، در حالی که فرض این است که فرد اقدام‌کننده بر تغییر جنسیت (/ زن) مالی را تلف نکرده است. بنابراین، ضمانت زوجه، بلا وجه است.[۴۹۵]

به عبارت دیگر، هر چند زوجه با تغییر جنسیت خویش، موجب از بین رفتن «زوجیت» شده است، ولی «زوجیت» مال نیست و بنابراین، با از بین رفتن آن، ضمان به عهده زوجه نمی‌آید. در هر حال، پرداخت مهریه واجب است، چه تغییر جنسیت زوجه با رضایت زوج صورت گرفته باشد و یا بدون رضایت آن به وسیله تغییر جنسیت، موضوع عقد دچار اختلال شده است و نه خود عقد و مقتضای عقد، مالکیت زن نسبت به همه مهر است.[۴۹۶] براساس ماده ۱۰۸۲[۴۹۷] قانون مدنی ایران، مقتضای عقد ازدواج این است که زن به مجرد عقد، مالک جمیع مهریه می‌گردد و فرض هم این است که زن با اقدام به

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۵

تغییر جنسیت، حقیقتاً مالی را از شوهر تلف ننموده است؛ مثلًا ملکی را تصرف نکرده، یا باغی را ویران نساخته، بلکه صرفاً در بدن خود تغییری به وجود آورده است، کما این‌که اگر زن از دنیا می‌رفت، یا حتی اگر خودکشی می‌کرد، مهریه ساقط نمی‌شد.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

در بحث تغییر جنسیت و مسأله مهریه، در مجموع چهار احتمال یا نظریه بیان شد. با دقت در دلایل و اشکالات وارد بر هر نظریه، به نظر می‌رسد که نظریه اول، یعنی «عدم وجوب پرداخت مهریه» واضح البطلان است و نظریه چهارم نیز از قوت کافی برخوردار نیست. از میان دو نظریه دوم و سوم، به نظر می‌رسد که نظریه سوم (پرداخت کل مهریه در صورت دخول و پرداخت نصف در

صورت عـدم دخول) متقن‌تر و موافق نظر مشـهور فقیهان اسـلامی و روایات کثیره است. با این وجود، نظریه دوم (لزوم پرداخت کل مهریه مطلقا) خالی از قوت نیست و البته همان طور که برخی فقیهان شیعه بیان کرده‌اند، احتیاط آن است که زوجین در مسأله مهریه پس از تغییر جنسیتِ یکی از زوجین، با یکدیگر مصالح کنند.

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله مهریه در عقد موقت

اشاره

یکی از تمایزهـای اصـلی نکـاح موقت با نکاح دایم این است که مهر در نکاح دایم، رکن اصـلی نیست، ولی در نکاح موقت، رکن اصلی محسوب است و از این رو، چنان‌چه در عقد موقت، مهر ذکر نشود نکاح باطل است. مبانی فقهی این وجه تمایز، آن است که نکاح موقت، به موجب روایات و نصوص واصـله، هر چنـد از مصادیق اجاره نیست و از جهاتی با اجاره متفاوت است، ولی مشابهت زیادی با اجاره دارد و از این رو، مهریه در آن به منزله عوض در اجاره است و بنابراین، شـرط صحت است. از جمله آن‌که امام (ع) می‌فرماید: إنَّهُنَّ مُستأجراتٌ[۴۹۸]، یعنی زنانی که

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۶

به نکاح موقت در می‌آیند (گویی) اجیر شده‌اند و به این مضمون روایات متعددی وارد شده است.[۴۹۹] در هر حال، هرگاه ازدواج موقت بین مرد و زنی منعقد شود و یکی از زوجین تغییر جنسـیت دهد، وضعیت مهریه چگونه خواهد بود. این مسأله را در دو گفتار زیر بررسی می‌کنیم:

گفتار اول: تغییر جنسیت زوج در عقد موقت و مسأله مهریه

برای مثال، ازدواج موقت میان مرد و زنی برای مدت شـش ماه و به مهریه شش عدد سکه منعقد شده است. آن‌گاه مرد پس از اتمام ماه سوم، تغییر جنسـیت می‌دهد. طبیعی است که ازدواج موقت باطل می‌شود؛ چون موضوع ازدواج که «مرد و زن» بوده، به «دو زن» تبـدیل شده است. هم‌چنین مرد سابق موظف است تمام مهریه را به زوجه سابق خویش پرداخت کند؛ چه این‌که وی خودش موجب بطلاـن ازدواج گشـته اسـت و موضـوع ازدواج بـا تغییر جنسـیت او از بین رفته است و زوجه در از بین بردن موضـوع ازدواج، نقشـی نداشته است. تغییر جنسیت زوج، مانند انصراف زوج از ادامه ازدواج موقت و یا بذل مدت می‌باشد. هرگاه زوج در عقد موقت، بقیه مـدت را بـذل کند و به ازدواج موقت خاتمه دهد، موظف است مهریه بقیه ایام را نیز به زوجه پرداخت کند. و هرگاه قبل از دخول، مدت را ببخشد و از ازدواج موقت منصرف گردد، باید نصف مهریه را پرداخت کند.[۵۰۰]

گفتار دوم: تغییر جنسیت زوجه در عقد موقت و مسأله مهریه

اشاره

هرگاه زوجه بـدون کسب اجازه و توافق با زوج، تغییر جنسـیت دهد، چه تأثیری در مهریه دارد؟ می‌توان گفت: ظاهراً ازدواج موقت به مقتضای روایات اسلامی از «معاوضات» است. به چند روایت در این باره اشاره می‌شود:

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۷

الف- روایت عبید بن زراره از پدرش:

به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا ازدواج موقت تا چهار زن جایز است؟ فرمود:

تزوج منهنّ الفاً فإنّهنَّ مستأجرات؛[۵۰۱]

با هزار زن ازدواج کن؛ زیرا چنین زنانی، مستأجر شما هستند.

ب- روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع)، در مورد ازدواج موقت:

لیست من الأربع؛ لأنّها لا تطلق و لا ترث (و لا تورث)، و إنّما هی مستأجره؛[۵۰۲]

ازدواج موقت منحصر به چهار زن نیست؛ زیرا آن‌ها طلاق داده نمی‌شوند و ارث نمی‌برند (و از آن‌ها نیز ارث نمی‌برند.) همانا چنین زنانی مستاجر هستند.

در هر حال، عقد موقت- چه به صورت تنزیلی یا حقیقی- از مصادیق اجاره محسوب می‌شود و مهریه از ارکان مهم عقد موقت است، به گونه‌ای که اگر مهریه وجود نداشته باشد، یا مهریه باطل باشد (مثل شراب و خوک) یا مهریه مِلك غیر باشد، عقد موقت باطل خواهد بود، در حالی که در عقد دایم، اگر مهریه ذکر نشود یا عقد دایم مشروط به عدم مهریه منعقد شود، عقد دایم صحیح است، اگر چه شرط آن باطل است.

شاهد دیگر در اهمیت مهریه در عقد موقت آن است که فقیهان شیعه معتقدند چنان‌چه در عقد موقت، زوجه در بخشی از مدت، تخلف ورزد و از تمکین خودداری نماید، به همان نسبت از مقدار مهریه کاسته می‌شود.[۵۰۳] نیز بسیاری از فقیهان شیعه در ازدواج موقت، مرگ زن در اثناء مدت عقد قبل از وقوع نزدیکی را موجب تنصیف مهر دانسته‌اند و مرگ زوجه پس از نزدیکی را موجب سقوط میزانی از مهر به نسبت کل مدت عقد می‌دانند.[۵۰۴] از نظر حقوق‌دانان نیز هرگاه زوجه در عقد موقت بعد از نزدیکی تمکین نکند، زوج

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۸

می‌تواند به نسبت مدت باقی مانده از مهر او کم کند.[۵۰۵]

بنابراین، در ازدواج موقت به مدت تخلف از مهر برگردانده می‌شود؛ از این رو، اگر زن تغییر جنسیت دهد، بر او واجب است که به مقدار زمان تخلف، مهر را برگرداند. البته اگر زوجه با اجازه زوج در عقد موقت، تغییر جنسیت داده باشد، ضامن نیست؛ زیرا در این صورت، خود شوهر بر آن اقدام کرده است و شاید اجازه دادن او به ابراء و بخشیدن مدت برگردد.[۵۰۶]

جمع‌بندی و بیان نظریه مختار

مهریه در عقد موقت بر خلاف عقد دایم، از ارکان مهم عقد می‌باشد و عقد موقت از «معاوضات» و یا شبیه «اجاره» می‌باشد که براساس آن، «مهریه» در مقابل «بُضع زن» یا تمکین زوجه است. هرگاه به این رکن مهم، یعنی مهریه خلل وارد شود (مثلًا مهریه ذکر نشود)، عقد موقت باطل است و اگر زوجه در بخشی از مدت عقد موقت، تمکین نکند، به همان میزان از مهریه کاسته می‌شود، ولی اگر زوج در عقد موقت، بقیه مدت را بذل کند، باید تمام مهریه را پرداخت کند. براین اساس، اگر زوج در عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، بایستی تمام مهریه را پرداخت کند؛ گویا که مدت را بذل کرده و از ادامه زندگی منصرف شده است و اگر زوجه در

عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، به مقدار زمان تخلف، از میزان مهریه کاسته می‌شود.

تغییرجنسیت، ص: ۳۰۹

فصل چهارم تغییر جنسیت و مساله عدّه

طرح بحث

عِدّه در اصطلاح فقهی عبارت است از: مدتی که زن آزاد پس از جدایی از شوهر یا کسی که اشتباهاً با او نزدیکی کرده در حالت انتظار است؛ حال فرقی نمی‌کند علت جدایی طلاق باشد، یا فسخ نکاح یا موت یا بذل مدت و یا انقضای آن. و علت نگه داشتن عِدّه برای زنی که رابطه زوجیت او منحل شده، جلوگیری از اختلاط نسب است.[۵۰۷] از تعریف عِدّه معلوم می‌گردد که نزدیکی ناشی از زنا، عِدّه ندارد، هر چند حامله باشد، ولی وطی به شبهه عدّه دارد، خواه شوهر داشته باشد یا خیر، و خواه شبهه، طرفینی باشد یا از طرف واطی.[۵۰۸] قانون مدنی ایران در تعریف عدّه چنین می‌گوید:
عِدّه عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۰

است، نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند.[۵۰۹]
یکی از پرسش‌های مطرح در بحث تغییر جنسیتِ یکی از زوجین، مسأله لزوم یا عدم لزوم عِدّه پس از تغییرجنسیتِ یکی از آن دو است. آیا پس از تغییر جنسیت و بطلان نکاح سابق، عده (مانند: عِدّه طلاق یا عِدّه فسخ) لازم است یا خیر؟
این مسأله را در سه مبحث زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

مبحث اول: تغییر جنسیت زوجه و مسأله عدّه

هرگاه زوجه به هر دلیلی تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، چنان‌چه این فرد قصد ازدواج فوری داشته باشد، می‌تواند ازدواج کند، یا این‌که باید عده طلاق یا فسخ نکاح نگه دارد؟
البته عده طلاق یا عده فسخ در صورتی است که بین زوجین قبل از تغییر جنسیت آمیزش صورت گرفته باشد، ولی اگر قبل از تغییر، مباشرتی نبوده، لزوم عده منتفی می‌گردد.
توضیح بیش‌تر آن که، اگر زوجین به دلیل طلاق یا فسخ نکاح یا انفساخ از یکدیگر جدا شوند، از دو حالت خارج نیست: یا این‌که قبلًا میان آن دو آمیزش وجود داشته یا نه. در صورت اول، زوجه لازم است پس از جدایی به مدت سه طهر یا سه ماه، از ازدواج مجدد خودداری کند و پس از اتمام مدت عده، مجاز به ازدواج مجدد است، اما چنان‌چه قبل از جدایی میان آن دو مباشرتی نبوده و آن گاه به دلیل طلاق یا فسخ از یکدیگر جدا شوند، زن می‌تواند بلافاصله با مرد دیگری ازدواج مجدد نماید و سپری کردن دوران عِدّه، لزومی ندارد. البته «عده وفات» در هر حال لازم است، چه میان آن دو مباشرتی صورت گرفته باشد یا نه.
با این توضیح، این پرسش مطرح است چنان‌چه میان زوجین که قبلًا آمیزش صورت
گرفته و زوجه تغییر جنسیت داده، آیا نگه داشتن عده (مانند: عده طلاق یا عده فسخ)

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۱

لازم است یا وی پس از تغییر جنسیت می‌تواند با جنس مخالف ازدواج کند؟

در پاسخ می گوییم: نگه داشتن عده لازم نیست و زن پس از تغییر جنسیت می‌تواند بلافاصله با جنس مخالف ازدواج کند.

برای اثبات ادعای فوق باید گفت: عده و احکام دیگر مانند حیض و نفاس از احکام ویژه زنان است و وجوب این عناوین از نظر حدوث و بقا دائر مدار وجود «زن» است. پس وقتی «زن» به دلیل تغییر جنسیت از «زن بودن» خارج گردد و تبدیل به مرد شود، لامحاله عِدّه نیز ساقط می گردد.[۵۱۰] به عبارت دیگر، حکم عده، بدون تردید از احکامی است که به زنان اختصاص دارد و احتمال ثبوت آن بر مردان وجود ندارد. بنابراین، به صرف این‌که زن به مرد تغییر جنسیت پیدا کرد، از تحت موضوع حکم خارجی می‌شود و وجوب نگه‌داشتن عدّه از عهده وی ساقط می گردد،[۵۱۱] و معنا ندارد با از بین رفتن موضوع، حکم باقی باشد؛ چنان‌چه سایر احکام نیز با منتفی شدن موضوعشان باقی نمی‌مانند، مانند: حرمت نگاه کردن به او و وجوب پوشش بر او.[۵۱۲] آیت‌الله سید محمّد صدر می گوید:

تردیدی نیست که زوجه پس از تغییر جنسیت، مشمول «احکام مردان» می گردد و «احکام زنان» از وی برداشته می‌شود.[۵۱۳]

مبحث دوّم: تغییر جنسیت زوج (شوهر) و مسأله عِدّه

اگر شوهر، تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، طبیعی است که ازدواج سابق وی منحل می گردد، ولی وی به عنوان «زن»، آیا موظف به نگه داشتن عدّه است یا نه؟

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۲

این مسأله، یعنی تبدیل مرد به زن، تنها مورد توجه یک تن از فقیهان شیعه قرار گرفته است.

آیت‌الله سید محمد صدر معتقد است نگه داشتن عده لازم نیست. وی می گوید:

هر گاه مرد (شوهر) به زن تبدیل شود، ازدواجش باطل می‌شود و نگه داشتن عدّه بر وی واجب نیست.[۵۱۴] دلیل مطلب آن است که هر گاه میان زوجین مباشرت صورت گرفته باشد، نگه داشتن عده واجب می گردد، و فرض این است که شوهر به زن تبدیل گشته و وی (زن) پس از تغییر جنسیت، هنوز مباشرتی نداشته تا عده بر وی واجب باشد. از این رو، وی می‌تواند فوراً با جنس مخالف ازدواج کند. آیت‌الله سید محمد صدر در این‌باره چنین می گوید:

هنگامی که پس از تغییر جنسیتِ شوهر (تبدیل وی به زن) ازدواج منتفی گشت، عده بر وی واجب نیست؛ چون به طور قطع، وی «زوجه مدخول بها» نبوده است. پس وی این حق را دارد فوراً (و بدون نگه داشتن عده) با هر مردی که می‌خواهد ازدواج کند.[۵۱۵] پرسش دیگر آن است که هر گاه انحلال نکاح در اثر تغییر جنسیت زوج باشد، عدّه بر زن (زوجه) لازم است یا خیر؟ بی‌شک پاسخ مثبت است. چون فرض این است که زوجه قبلا با زوج مباشرت داشته است و اکنون به دلیل تغییر جنسیت شوهرش، از وی جدا شده است. طبیعی است وی برای ازدواج مجدد باید عده نگاه دارد.

مبحث سوم: تغییر جنسیت زوجه در زمان عده

هر گاه زن در دوران عده باشد، مانند: عده طلاق یا عده فسخ یا عده وفات، و در این هنگام تغییر جنسیت دهد، آیا لازم است ازدواج مجدد وی، پس اتمام عده باشد، یا وی

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۳

می‌تواند فوراً ازدواج کند؟ امام خمینی (ره) در این باره چنین می‌گوید:

لو تغیر جنس المرأهٔ فی زمان عدّتها سقطت العدهٔ حتی عدهٔ الوفاهٔ؛[۵۱۶]

اگر زنی در زمان عِدّه تغییر جنسیت دهد، عِدّه‌اش ساقط می‌شود حتی عِدّه وفات.

این‌که عـده در این هنگـام ساقط است، به دلیل تبـدّل و تغییر موضوع است؛ چه این‌که زن به دلیل تغییر جنسـیت، از زن بودن خارج شـده و بنابراین، احکام خاص زنان از وی منتفی می‌گردد و احکام مردان بر وی جاری است و معنا ندارد وی در این حالت، موظف به تکمیل دوران عـده باشـد. ولی پرسـش این است که چرا امام خمینی فرمود: «حتی عدهٔ الوفاهٔ»؛ یعنی حتی عده وفات نیز مانند بقیه عده‌ها ساقط است؟ به عبارت دیگر، تأکید این امر و آوردن واژه «حتّی» به چه منظور بوده است؟

پاسـخ: رمز نهفته در عـده وفات این است که عـده وفات دارای ویژگی خاص است. هدف از عده وفات، براساس روایات اسـلامی، «حِداد» یا «ترک زینت به منظور احترام میت» است. به همین دلیل، زمان آغاز عده وفات، همان زمان رسیدن خبر مرگ شوهر به زن است؛ چنان که در صـحیحه محمد بن مسـلم و بُرید بن معاویه و زُراره از امام باقر (ع) نقل شده که حضـرت در مورد زنی که شوهر غایبش بمیرد، فرمود:

المتوفّی عنهـا تعتـدّ من یوم یأتیهـا الخبر؛ لأنّها تحـدّ علیه؛[۵۱۷] زنی کـه شـوهرش فـوت کرده از روزی کـه خـبر مرگ شـوهر به او می‌رسد باید عدّه نگه دارد؛ زیرا زن باید برای احترام شوهرش ترک زینب نماید.

هرگـاه تغییر جنسیت زن، در زمـان عـده وفـات صورت پـذیرد، ممکن است این احتمـال داده شود که وی فقط پس از اتمام دوران عده، می‌تواند با جنس مخالف ازدواج کند، ولی امام خمینی در پاسخ این احتمال می‌فرماید: حتی عده وفات نیز ساقط است. بنابراین، وی می‌تواند پس از تغییر جنسیت بلافاصله ازدواج کند. دلیل آن واضح

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۴

است؛ زیرا عـده بر زنان واجب است و در صورتی که زن تغییر جنسـیت بدهـد از موضوع حکم خارج می‌شود و معنا ندارد با از بین رفتن موضوع، حکم باقی باشد.

مبحث چهارم: بررسی و تحلیل چند فتوای فقهی در بحث «تغییر جنسیت و عِدّه»

اشاره

در پرسش و پاسخ از آیت‌الله سید علی خامنه‌ای چنین آمده است:

آیـا .... مردانی که قبلًا زن بوده‌انـد و بـا تغییر جنسیت به مرد تبـدیل شده‌انـد، که همگی آن‌ها حامله شـدنشان محال است، در نگه داشتن عده آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می‌شوند؟

پاسخ: ملحق نیستند.[۵۱۸] دلیل حکم فوق شاید این باشد که اساساً موضوع عوض شده و اگر تغییر جنسیت واقعی باشد، زن پس از تغییر جنسیت به گروه مردان ملحق است. بنـابراین، الحـاق آنـان به دختران قبـل از بلوغ و زنـان یائسه بی‌معنا است. هم‌چنین آیت‌الله سید علی سیسـتانی[۵۱۹] و آیت‌الله محمـد فاضـل لنکرانی[۵۲۰] معتقدنـد که مردانی که قبلًا زن بوده‌انـد و بـا تغییر جنسـیت به مرد تبدیل شده‌اند، از نظر حکم عدّه، به دختران قبل از بلوغ و زنان یائسه ملحق نیستند.

نیز آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی در جای دیگر چنین تأکید می‌کنند:

اگر زن هنگامی که در عـدّه است تغییر جنسیت دهـد، باقی مانـده عـده‌اش ساقط می‌شود و دیگر لازم نیست بقیه عـدّه را نگه دارد حتّی اگر در عده وفات باشد.[۵۲۱]

در پرسش و پاسخ از آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی چنین آمده است:

سؤال: زنی که در زمان عدّه، تغییر جنسیت داده وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر کسی در زمان عده، تغییر جنسیت دهد، عده‌اش ساقط است حتی

عده وفات.[۵۲۲]

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۵

بـا ملاـحظه فتوای فوق، معلوم می‌شود که پاسـخ به نوعی عام و کلی است؛ چه این‌که سؤال در مورد «زنی» است که در زمان عـده، تغییر جنسیت داده است، ولی پاسـخ در مورد «کسـی» است که در این حـالت شامل مرد هم می‌شود. بنابراین، اگر زوج (شوهر) نیز تغییر جنسیت دهد و زن گردد، موظف به نگه داشتن عِده نیست (رجوع به گفتار دوم).

آیت‌الله سید محسن خرازی در مورد تغییر جنسیت زن در زمان عده، چنین می گوید:

اگر جنس زن در زمان عده او تغییر کند، عده او ساقط است حتی اگر عده وفات باشد.[۵۲۳]

جمع بندی و بیان نظریه مختار

با توجه به مطالب پیش گفته، این نتیجه به عنوان یک «قاعـده کلی» به دست می‌آید که هرگاه پس از ازدواج، یکی از زوجین تغییر جنسیت دهـد، عـده مطلقا ساقط است؛ چه مرد (شوهر) تغییر جنسیت دهد، یا زن (زوجه)، و یا این‌که تغییر جنسیت زوجه در زمان عده باشد. در سقوط عدّه هم فرقی نیست بین انواع عده‌ها: چه عده طلاق باشد، یا عده فسخ و یا حتی عده وفات. مهم‌ترین دلیل در این باره، تبـدل و تغییر موضوع است و این‌که عـده، مخصوص زنان است. پس هرگاه موضوع عوض شود، حکم نیز عوض می‌شود. از این رو، عده ساقط است.

توجه به این نکته ضـروری است که اگر تغییر جنسیت زن به مرد به صورت واقعی نباشد و بلکه تنها تغییر جنسیت به صورت ظاهری و غیر واقعی باشـد و بر اثر این عمل، رحم زن اخراج گردد، عـدّه این قبیل افراد (زنان فاقد رحم) ساقط نیست و بر حسب فتوای اکثر فقهای معاصر، عِدّه آنان سه ماه است و مطابق نظر برخی از فقها (آیت‌الله

محمد مؤمن) عده آنها ساقط است. آری، اگر تغییر جنسیت به طور واقعی باشد، عده ساقط است.

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۷

بخش چهارم روابط زوجین پس از تغییر جنسیت نسبت به اولاد

اشاره

تغییرجنسیت، ص: ۳۱۹

فصل اول تغییر جنسیت و مسأله عناوین نسبی

اشاره

منظور از «عنـاوین نسبی» عنـاوینی ماننـد: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خـاله، و نیز پـدر و مادر است. منظور ما از «نَسَب»، «نَسَب شرعی» است و نه «نَسَب لغوی». و مراد از نَسَب شـرعی، نَسَبی است که از نکاح صـحیح یا مِلک یمین پدیـد آید. اگر غیر این باشد، مانند نَسَب حاصل از زنا، نسب شرعی نیست، بلکه نَسَب لغوی است. البته نَسَب ناشی از وطی به شبهه، شرعی است.
اطراف نسب عبارت است از: پدر و مادر، برادر و خواهر، عمو و عمه، دایی و خاله.
در تعریف نَسَب گفته شـده است: نَسَب عبارت است از ارتباط دو نفر از طریق ولادت یکی از دیگری (مثل رابطه والـدین و فرزند)، یـا دو نفر از یک منشأ واحـد (ماننـد رابطه برادر و خواهر).[۵۲۴] هرگـاه فردی تغییر جنسـیت دهـد، چه تأثیری بر این عناوین دارد؟ پاسخ به این پرسش را در ضمن چند مبحث مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۰

مبحث اول: تغییر جنسیت برادر یا خواهر

اشاره

هرگـاه برادر تغییر جنسیت دهـد، خواهر می‌شود و هرگاه خواهر تغییر جنسـیت دهـد، برادر می‌شود. به طور کلی، در تغییر جنسـیت برادر یا خواهر باید دو نکته زیر را مد نظر قرار داد:
نکته اول آن‌که منظور از «انتساب»، «قرابت نسبی» است. منظور از قرابت نسبی، تولد یکی از دیگری، مانند رابطه یا نسـبت میان «پدر و فرزند» یا «مادر و فرزند»؛ و یا تولد دو نفر از یک منشأ واحد، مثل نسبت دو برادر یا دو خواهر یا یک برادر و یک خواهر نسبت به یکدیگر.
پس از تغییر جنسیت، قرابت نسبی از بین نمی‌رود. چنان‌چه «فرزند» تغییر جنسـیت دهد، وی هم چنان فرزند همان پدر و مادر است. به عبارت دیگر، رابطه یا نسبت «پدر و فرزند» و نیز نسبت «مادر و فرزند» در قبل و پس از تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند.
نکته دوم آن‌که هر عنوان نَسَبی، به قرینه خودش تبـدیل می‌شود، یعنی عنوان برادر به خواهر و عنوان خواهر به برادر تبدیل می‌شود. برای تعویض نسبت می‌توان دو دلیل یا مؤید زیر را بیان داشت:
دلیـل اول: عنـوان «برادر» برای فرد مـذکر اسـت و نیز عنـوان «خـواهر» برای فرد مـؤنث است.[۵۲۵] طـبیعی اسـت وقـتی مرد به زن یا برعکس تبدیل می‌شود، عناوین آن نیز تغییر می‌کند. گویا عناوین «برادر و خواهر» همانند «حکم» هسـتند که به تبع تغییر موضوعات (مرد و زن)، تغییر می‌کنند.
دلیل دوم: معیار در صـدق عناوینی مانند: برادر و خواهر، حالت کنونی آنان است.[۵۲۶] معنا ندارد که مردی به زن تبدیل شود، در عین حال، حالت سابق آن نیز باقی باشد.

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۱

گفتار اول: تأثیر تغییر جنسیت بر قرابت‌های سببی و رضاعی

آن‌چه در مورد قرابت نسبی بیان شد، در مورد قرابت سببی و قرابت رضاعی نیز جاری است. برای مثال، قرابت یک شخص با برادر همسر یا خواهر همسر از نوع قرابت سببی است. پس هرگاه برادر همسر، تغییر جنسیت دهد، به «خواهر زن» تبدیل می‌شود و هرگاه خواهر همسر تغییر جنسیت دهد، به «برادر زن» تبدیل می‌شود.

نیز در مورد «قرابت رضاعی» همین حکم جاری است. برای مثال، خواهر رضاعی پس از تغییر جنسیت به «برادر رضاعی» تبدیل می‌شود و برادر رضاعی پس از تغییر جنسیت به «خواهر رضاعی» تبدیل می‌شود.

گفتار دوم: تغییر جنسیت دو برادر

هرگاه دو برادر تغییر جنسیت دهند اولًا، انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی‌رود؛ ثانیاً، دو برادر به دو خواهر تبدیل می‌شوند، خواه تغییر جنسیت آن دو به صورت همزمان (مقارن) باشد، یا به صورت غیر همزمان (غیر مقارن)، ولی در هر حال، فرض این است که دو تغییر جنسیت به وسیله دو برادر صورت گرفته است، در حالی که در مورد قبل، تنها یک تغییر جنسیت توسط برادر یا خواهر صورت گرفته بود.

گفتار سوم: تغییر جنسیت دو خواهر

هرگاه دو خواهر تغییر جنسیت دهند، اولًا، انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی‌رود؛ ثانیاً، دو خواهر به دو برادر تبدیل می‌شوند. در این فرض همانند مورد قبل، دو تغییر جنسیت صورت گرفته است و فرقی نیست در این‌که تغییر جنسیت آن دو، به صورت همزمان (مقارن) باشد، یا به صورت غیر همزمان (غیر مقارن).

مبحث دوم: تغییر جنسیت عمو و عمه

در بحث تغییر جنسیت، «عمو» و «عمه» که قرینه یکدیگر محسوب می‌شوند. پس از تغییر جنسیت عمو، اولا، انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی‌رود. منظور از قرابت نسبی در این جا، ملاحظه عمو و عمه نسبت به فرد ثالث است، و گرنه ملاحظه

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۲

آن دو نسبت به یکدیگر، همان رابطه «برادر و خواهر» است که قبلًا توضیح آن گذشت.

ثانیاً، عمو به عمه و عمه به عمو تبدیل می‌شود. در این فرض، فرقی نمی‌کند که تنها یکی از آن دو تغییر جنسیت دهند، یا این‌که هر دو به تغییر جنسیت آورند. در هر حال، هر عنوان به قرینه آن عنوان، تبدیل می‌شود.

مبحث سوم: تغییر جنسیت دایی و خاله

این مورد نیز مانند مورد قبل در مقایسه با فرد ثالث است، و گرنه ملاحظه آن دو (دایی و خاله) نسبت به یکدیگر، همان عنوان «برادر و خواهر» است. در هر حال، هرگاه دایی یا خاله تغییر جنسیت دهد، اولًا، انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی‌رود. ثانیاً، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می‌شود. در این حکم فرقی نمی‌کند که یکی از آن دو تغییر جنسیت دهد، یا هر دو به تغییر جنسیت روی آورند.

مبحث چهارم: تغییر جنسیت پدر یا مادر

اشاره

در این فرض، آن دو (پدر و مادر) نسبت به فرد ثالث (فرزند) ملاحظه می‌شود؛ چه این‌که هرگاه آن دو را نسبت به یکدیگر مقایسه کنیم، تغییر جنسیت یکی از آن دو، باعث بطلان ازدواج می‌شود؛ زیرا پس از تغییر جنسیت، موضوع ازدواج عوض می‌شود و در وضعیت جدید موضوع عبارت است از: «دو مرد» یا «دو زن». طبیعی است ازدواج دو مرد یا دو زن باطل و حرام است.

پرسش اساسی این است که اگر پدر تغییر جنسیت دهد، آیا عنوان «مادر» را پیدا می‌کند؟ و چنان‌چه مادر تغییر جنسیت دهد آیا عنوان «پدر» را پیدا می‌کند؟

آن چه در مورد تغییر نسبت یا واژگونی نسبت در مورد «برادر، خواهر»، «عمو و عمه» و «خاله و دایی» بیان شد، در مورد «پدر و مادر» جاری نمی‌شود. به عبارت دیگر، هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد به «مادر» تبدیل نمی‌شود و نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد به عنوان «پدر» شناخته نمی‌شود. بنابراین، عناوین خانوادگی در بحث تغییر جنسیتِ پدر یا مادر، استثنایی بر بقیه موارد عناوین خانوادگی (مانند: برادر، خواهر، عمو و .....) است. بر این مطلب می‌توان چند دلیل زیر را بیان کرد:

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۳

دلیل اول: عرفی بودن عناوین نسبی

«عناوین نسبی» علاوه بر این‌که دارای آثار شرعی و حقوقی هستند، از یک نظر، عرفی نیز هستند. پس باید ملاحظه نمود که آیا این عناوین عرفاً قابل صدق است یا نه؟ اگر پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، آیا عرفاً «مادر» محسوب می‌شود یا نه؟ نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد، آیا مرد فعلی، عرفاً «پدر» محسوب می‌شود یا نه؟

پاسخ منفی است؛ زیرا هرگاه افراد جامعه با چنین فردی مواجه شوند خواهند گفت: این «پدری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر زن است (نه مادر)؛ یا خواهند گفت: این «مادری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر مرد است (نه پدر). برخی فقیهان شیعه به دلیل «عرف»، به عنوان دلیلی برای اثبات عناوین خانوادگی اشاره کرده‌اند. آیت‌الله محمد مؤمن در این باره می‌گوید:

بعید نیست که ادعا شود: پس از تغییر جنسیت مادر، باز هم وی مادر فرزندانش گفته می‌شود و دلیل این مدعا عرف است.[۵۲۷] و این در حالی است که در تغییر جنسیت «خواهر و برادر»، «عمو و عمه»، «دایی و خاله» این صدق عرفی مشاهده می‌شود. یعنی اگر خواهر، تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، عنوان «برادر» بر وی قابل صدق و جریان است. نیز اگر عمو تغییر جنسیت دهد و زن گردد، عرفاً عنوان «عمه» بر وی قابل صدق است و نیز اگر دایی تغییر جنسیت دهد، عرفا عنوان خاله بر وی قابل جریان است.

آیت‌الله سید محسن خرازی نیز به مسأله «صدق عرفی» به عنوان دلیلی برای اثبات یا نفی عناوین خانوادگی تأکید می‌کند:

بعد از تغییر جنسیت هم این شخص [پدر تغییر جنسیت داده] همان است. و لذا عنوان پدر در حال حاضر نیز حقیقتاً بر او صدق می‌کند از باب مشتق بر کسی که به مصدر این مشتق الان متصف است؛ زیرا اگر فرزند این زن بگوید:

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۴

«پدر من همین زن است جز این‌که وی پیش از این مرد بوده و اکنون زن شده»، سخن او درست است و هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند.[۵۲۸]

دلیل دوم: صدق عنوان پدر و مادر براساس زمان انعقاد نطفه

از نظر شرعی، پـدر کسـی است که فرزنـد از نطفه (اسپرم) وی به وجود آمـده باشـد. پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، باید حالت سابق، یعنی زمان انعقاد نطفه را ملاحظه کرد و نه حالت کنونی. از این رو، امام خمینی می‌فرماید:

والظاهر أنّ اختلافهما فی الإرث بلحاظ حال انعقاد النطفه؛[۵۲۹]

ظاهر آن است که اختلاف آن دو در ارث، به لحاظ حال انعقاد نطفه است.

البته کلام فوق در بحث ارث است، ولی بحث «عنـاوین نسبی» بـا بحث «ارث» دارای ارتبـاط می‌باشـد. بنابراین، می‌توان گفت: اگر پـدر تغییر جنسیت دهـد، زن فعلی، مـادر محسوب نمی‌شود؛ چه این که، شـخص فعلی، وضع حمـل نداشـته است و نسـبت «مـادر و فرزند» وقتی صحیح است که فرزند در رحم وی پرورش یافته باشد و آن زن، بچه را به دنیا آورده باشد.

البته در غالب موارد، «وضع حمل» و «تولـد فرزنـد از مادر» وجود دارد و در برخی موارد شاهـد تولـدهای آزمایشـگاهی یا تولدهای خارج رحم هستیم. پس تعبیر دقیق‌تر در مورد نسبت «مادر و فرزند» آن است که گفته شود: مادر کسی است که فرزند از تخمک او به وجود آمده است.

با این توضیح معلوم می‌شود که هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد، زن فعلی، مادر محسوب نمی‌شود؛ چون فرزند از تخمک او به وجود نیامده است. آیت‌الله محمد مؤمن می‌گوید:

پدر کسی است که از نطفه او، فرزند به وجود آمده باشد و این عنوان، بر کسی که فرزند را در شکم خود حمل کرده و سپس او را زاییده، صدق نمی‌کند،

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۵

بلکه بعید نیست که ادعا شود: پس از تغییر جنسیت مادر، باز هم وی مادر فرزندانش گفته می‌شود و دلیل این مدعا عرف است.

به عبارت دیگر، در صدق عنوان «پدر و مادر»، نمی‌توان حالت کنونی (وضـعیت پس از تغییر جنسـیت» را مد نظر قرار داد، در حالی که در صـدق عنـوان «برادر، خواهر، عمو و ....» وضـعیت کنونی ملاـحظه می‌شود. به عبـارت دیگر، در صـدق عنوان «پـدر و مـادر» حـالت سـابقه، یعنی زمـان انعقاد نطفه ملاحظه می‌شود. پس «پـدر» کسـی است که در زمان انعقاد نطفه، فرزنـد از اسپرم او به وجود آمده است و «مادر» کسی است که فرزند از تخمک او به وجود آمده است و این وضعیت با تغییر جنسیت، عوض نمی‌شود.

مبحث پنجم: تغییر جنسیت پدر بزرگ و مادر بزرگ و عناوین نسبی

اشاره

مطلبی که در مورد «پـدر و مادر» بیان شـد، در مورد «پـدر بزرگ و مادر بزرگ» نیز جاری و صادق است. به عبارت دیگر، اگر پدر بزرگ تغییر جنسیت دهد، به «مادر بزرگ» تبدیل نمی‌شود، و نیز تغییر جنسیت مادر بزرگ، وی را به «پدر بزرگ» تبدیل نمی‌کند.

دلیل این امر، همان است که در مورد «پدر و مادر» بیان شد. آیت‌الله محمد مؤمن می‌گوید:

منحصـر بودن عنوان پـدری و مادری به پـدر و مادر در حالت تشـکیل نطفه بچه، تنها در خصوص پـدر و مادر است و پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز چه از لحاظ موضوعی و چه از لحاظ حکمی همانند این دو هستند.[۵۳۰]

جمع بندی و بیان نظریه مختار

منظور از «عنـاوین نسبی» یـا «عناوین خانوادگی»، عناوینی ماننـد: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، پـدر و مادر است. در این‌که آیا تغییر جنسیت در تغییر هر یک از عناوین فوق تأثیر دارد یا نه، باید گفت: عناوین فوق به طور کلی به دو قسم تقسیم می‌شوند:

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۶

۱. عنـاوینی که تغییر جنسـیت، بـاعث تبـدیل آن عنـوان به قرینه آن عنوان می‌شود، ماننـد: «برادر، و خواهر»، «دایی، خـاله» و «عمو و عمه». پس «برادر» با تغییر جنسـیت «خواهر» می‌شود و «خواهر» با تغییر جنسـیت «برادر» می‌شود. همین مطلب در مورد عناوین «دایی، خاله» و «عمو و عمه» نیز جاری است

۲. عناوینی که تغییر جنسیت باعث تبدیل آن عنوان به قرینه آن نمی‌شود و منظور از آن، دو عنوان «پدر و مادر» است.

آن‌چه در مورد تغییر جنسیت یا واژگونی نسبت در بقیه عناوین گفته شـد در مورد «پـدر و مادر» جاری نیست. یعنی «پـدر» با تغییر جنسیت «مادر» نمی‌شود و «مادر» پس از تغییر جنسـیت عنوان «پدر» را پیدا نمی‌کند و در حقیقت، این مورد اسـتثنایی بر بقیه عناوین است.

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۷

فصل دوم تغییر جنسیت و مسأله نفقه فرزندان و والدین

اشاره

در بخش قبـل دربـاره «نفقه زوجه» سـخن گفتیم. خلاـصه آن این بود که هرگاه یکی از زوجین تغییر جنسـیت دهـد، ازدواج آن دو باطـل و منحـل می‌گردد. از این رو، آثـار ازدواج، از جمله نفقه نیز از بین می‌رود. اکنون تأثیر تغییر جنسـیت را بر «نفقـهٔ فرزنـدان» و «نفقه والدین» مورد بررسی قرار می دهیم:

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقه فرزندان

اشاره

تأمین مخارج فرزندان به عهده پدر می‌باشد و در صورت نبود پدر یا عدم توانایی وی، به عهده پدر بزرگ خواهد بود. چنان‌چه وی ناتوان باشد، به عهده مادر خواهد بود. این امر مورد تأکید فقه اسلامی و قانون مدنی ایران است. امام خمینی در این باره می گوید:

نفقه فرزنـد- مرد باشـد یا زن- بر پـدرش واجب است و اگر پـدرش نباشـد و یا فقیر باشـد بر جدّ پدری واجب است و با نبود جدّ یا این‌که فقیر باشد، بر جدّ پدر واجب است و همین طور الاقرب فالاقرب بالا می‌رود و با نبود آن‌ها یا اگر توانایی مالی ندارند بر مادر فرزند واجب است و با نبود یا فقر او، بر پدر مادر و مادر پدر مادر، و پدر مادر مادر، و مادر مادر مادر و

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۸

هم‌چنین بر الاقرب فالاقرب واجب است.[۵۳۱] قانون مدنی ایران هم در این باره چنین می گوید:

نفقه اولاد بر عهـده پـدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پـدر و اجـداد پـدری و یا عـدم قدرت آن‌ها، نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با

رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه مساوی تأدیه کنند.

اکنون این پرسش مطرح است که هرگاه پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، این امر چه تأثیری در نفقه فرزندان دارد. به عبارت دیگر، آیا پدر یا مادر پس از تغییر جنسیت، هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش هستند، یا وجوب نفقه ساقط می گردد؟ پاسخ را در ضمن دو گفتار زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

گفتار اول: تغییر جنسیت پدر و مسأله نفقه فرزندان

نفقه یا تأمین مخارج فرزندان در وهله اول به عهده پدر است. حال چنان‌چه وی، جنسیت خویش را تغییر دهد و به زن تبدیل شود، آیا زن فعلی هم چنان موظف به پرداخت نفقه هست یا نه؟ دو احتمال زیر قابل بررسی است:

احتمال اول: تغییر جنسیت پدر به زن، باعث سقوط تمام تکالیفی است که برای جنسیت سابق وضع شده است. بر این اساس، الزام به نفقه با تغییر جنسیت پدر به طور کلی از بین می‌رود.

دلیل: در توضیح احتمال فوق می‌توان گفت: وجوب نفقه از تکالیف «پدر» است و پدر کسی است که دارای صفت «رُجولیت» (مردی) باشد و هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود از صفت «رجولیت» خارج می‌شود. بنابراین، هرگاه صفت رجولیت وجود نداشت و یا به هر علتی، از جمله با تغییر جنسیت از بین رفت، الزام به

تغییرجنسیت، ص: ۳۲۹

انفاق نیز ساقط می‌شود. به عبارت دیگر، در مورد زن فعلی، عنوان «پدر» صادق نیست تا به واسطه صدق این عنوان، او را ملزم به پرداخت نفقه فرزند کرد. آیت‌الله سید محمدصدر می گوید:

پس از تغییر جنسیت پدر، صفت پدری زایل می‌شود و به دنبال آن ولایت و وجوب نفقه ساقط می گردد .... چون این احکام برای پدر است و عرفاً این شخص پدر محسوب نمی‌شود، بلکه حقیقتاً پدر محسوب نمی‌شود و اگر چه قبلًا (قبل از تغییر جنسیت) این گونه بود.[۵۳۲]

احتمال دوم: تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، تأثیری در وجوب نفقه فرزندان ندارد و او هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است.

دلیل: دلیل احتمال فوق آن است که تغییر جنسیت پدر، وی را از «پدر بودن» خارج نمی‌سازد. به عبارت دیگر، یکی از دلایل این امر «صدق عرفی»[۵۳۳] است که توضیح بیش‌تر آن در فصل گذشته (عناوین نسبی) گذشت. هرگاه افراد جامعه با پدری که تغییر جنسیت یافته مواجه شوند، خواهند گفت: «او پدری است که تغییر جنسیت داده و درحال حاضر زن شده است». در حالی که اگر برادر، تغییر جنسیت دهد، عرفاً وی را «خواهر» می‌دانند و نیز هرگاه خواهر تغییر جنسیت دهد، وی از نظر عرف به عنوان «برادر» شناخته می‌شود. بنابراین، هر چند تغییر جنسیت پدر، وی را از صفت رجولیت (مرد بودن) خارج ساخته است، اما وی را از صفت «پدر بودن» خارج نساخته است و او در قبل و بعد از تغییر جنسیت، به عنوان «ابّ» (پدر) شناخته می‌شود و پرداخت نفقه فرزندان به عهده پدر است.

علاوه بر این، به اعتقاد فقیهان شیعه،[۵۳۴] «پدر» کسی است که از نطفه وی، فرزند به وجود

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۰

آمده باشد و این امر، با تغییر جنسیتِ پدر از بین نمی‌رود؛ زیرا پس از تغییر جنسیت می‌توان گفت: این فرزند از نطفه (اسپرم) مردِ تغییر جنسیت یافته به وجود آمده است. از این رو، در صدق عنوان «پدر» حالت سابقه یا زمان انعقاد نطفه ملاحظه می‌شود.

از راه دیگر می‌توان وجوب نفقه فرزندان را اثبات کرد. البته این استدلال برای کسانی مفید است که معتقدند: با تغییر جنسیت پدر، وی به «مادر» تبدیل می‌شود.

بر اساس فقه اسلامی[۵۳۵] و قانون مدنی ایران[۵۳۶] هرگاه پدر یا جدّ پدری نباشد، یا توان مالی نداشته باشند و مادر دارای توان مالی باشد، نفقه فرزندان به عهده مادر است. براساس این فرض، پدر پس از تغییر جنسیت به مادر تبدیل شده است. از این رو، در وضعیت جدید، وی به عنوان مادر، موظف به تأمین مخارج فرزندان خواهد بود.

البته لازمه فرض فوق، دو مادری بودن فرزند است: یکی مادر اصلی که او را به دنیا آورده است، و دوم پدر که پس از تغییر جنسیت عنوان مادر را پیدا کرده است و این امر مستلزم آن است که نفقه میان این دو مادر تقسیم گردد.

نظریه مختار: با توجه به ادله و قرائن بیان شده در احتمال دوم، به نظر می‌رسد این احتمال بسیار قوی‌تر از احتمال اول است. بنابراین، پدر پس از تغییر جنسیت هم چنان موظف به پرداخت نفقه و مخارج فرزندان خویش است.

گفتار دوم: تغییر جنسیت مادر و مسأله نفقه فرزندان

اشاره

این مطلب را در دو حالت زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:[۵۳۷]

تغییرجنسیت ؛ ص ۳۳۰

حالت اول: تغییر جنسیت مادر با وجود پدر یا جد پدری

همان طور که گذشت تأمین مخارج فرزندان دروهله اول به عهده پدر است و چنان‌چه پدر وجود نداشته باشد و یا فاقد تمکن مالی باشد، نفقه به عهده جد پدری است.

چنان‌چه پدر یا جد پدری و یا هر دو وجود داشته باشند و حداقل یکی از آن‌ها

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۱

دارای تمکن مالی باشند و آن گاه مادر، تغییر جنسیت دهد، این امر تأثیری در نفقه فرزندان نخواهد داشت؛ چه این که، این وظیفه از ابتدا به عهده مادر نبوده، تا آن‌گاه بحث شود که آیا پس از تغییر جنسیت، نفقه فرزندان به عهده وی هست یا خیر.

حالت دوم: تغییر جنسیت مادر با نبود پدر و جد پدری

چنان‌چه پدر یا جدّ پدری وجود نداشته باشند و یا وجود داشته ولی فاقد تمکن مالی باشند و مادر توان مالی داشته باشد، پرداخت

مخارج فرزنـدان به عهده مادر خواهد بود. در این حالت که مادر موظف به پرداخت مخارج فرزندان است، اگر تغییر جنسـیت دهد، چه تأثیری در نفقه فرزندان خواهد داشت؟ آیا مادر هم چنان موظف به پرداخت نفقه است یا وجوب نفقه پس از تغییر جنسـیت وی ساقط می‌شود؟ در پاسخ می‌توان دو احتمال زیر را بیان کرد:

احتمال اول: طبق فرض، پرداخت نفقه به عهده مادر بوده و اکنون پس از تغییر جنسـیت از صفت «انوثیت» (زن بودن) و «مادر بودن» خارج شده است. بنابراین، وجوب پرداخت نفقه ساقط است.

احتمال دوم: هر چنـد مادر از صـفت انوثیت (زن بودن) خارج شـده است، ولی از صـفت «مادر بودن» خارج نشـده است؛ چه این‌که عرفاً اطلاق عنوان «مادر» بر وی صـحیح است، یعنی افراد جامعه در برخورد با این شـخص خواهند گفت: این شـخص، مادری است که تغییر جنسیت داده واکنون مرد شده است.

علاوه بر این، از نظر شرعی مادر کسـی است که فرزند از تخمک وی به وجود آمده ودر رحم وی پرورش یافته و مادر او را زاییده باشد. این صـفت هم چنان برای مادر تغییر جنسـیت یافته، قابل صدق واطلاق است. بر خلاف تغییر جنسیت برادر، خواهر، عمو، عمه که تغییر جنسیت برادر، وی را به «خـواهر» تبـدیل می‌کنـد وتغییر جنسـیت عمـو، وی را به «عمه» تبـدیل می‌کنـد؛ یعنی در این گونه موارد، تغییر جنسـیت هر عنوان باعث به وجود آمدن قرینه آن عنوان می‌شود، ولی تغییر جنسیت مادر، وی را به قرینه آن یعنی عنوان «پدر» تبدیل نمی کند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۲

بنـابراین، در قبـل و بعـد از تغییر جسیت، تغییری در عنـوان «ام» (مـادر) به وجـود نمی‌آیـد و وی هم چنـان موظـف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است.

از طریق دیگر می‌توان وجوب اعطای نفقه فرزندان مادر تغییر جنسـیت یافته را اثبات کرد. البته این اسـتدلال برای کسانی مفید است که معتقدنـد: مادر پس از تغییر جنسـیت به پدر تبدیل می شود. نحوه اسـتدلال این‌گونه خواهد بود که مادر پس از تغییر جنسـیت به پـدر تبـدیل شـده است و وظیفه اعطای نفقه در وهله اول به عهده پدر است. بنابراین، وی هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است.

نظریه مختار: با توجه به ادله و قرائن، احتمال دوم بسیار قوی‌تر از احتمال اول است.

مبحث دوّم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه والدین

اشاره

نفقه اقـارب [ماننـد پـدر و مـادر] عبـارت است از: مسـکن و البسه و غـذا و اثـاث الـبیت به قـدر رفع حـاجت بـا در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.[۵۳۸] نفقه ابوین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهـده اولاد و اولادِ اولاد است.[۵۳۹] در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی، اعم از صـعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرنـد.[۵۴۰] کسـی مسـتحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت خود را فراهم نماید.[۵۴۱] کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد، یعنی بتواند نفقه بدهـد بـدون این‌که از این حیث در وضع معیشت خود دچـار مضـیقه گردد. برای تشـخیص تمکن بایـد کلیه تعهـدات و وضـع زنـدگانی شـخص او و در جـامعه در نظر گرفته شود.[۵۴۲] از نظر فقه اسـلامی نیز هر گـاه پـدر یـا مـادر از نظر مالی ناتوان باشـند، بر فرزندان وی

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۳

که دارای توان مالی هستند، واجب است مخارج پدر و مادر را تأمین کنند. امام خمینی در این باره می گویند:

نفقه پـدر و مـادر- در وقتی که دسـتشان خـالی است- بر فرزنـد است در صورتی که دارای تمکن باشـد، مرد باشـد یا زن، و با نبود فرزنـد یا این‌که فرزند فقیر باشد، پس بر فرزند فرزند (نوه) است؛ مقصود پسـر پسـر یا پسـر دختر و دختر پسـر یا دختر دختر و همین طور الاقرب فالاقرب.[۵۴۳]

اکنون این پرسش مطرح است هرگاه فرزند، اعم از پسر یا دختر تغییر جنسیت دهد، چه تأثیری بر نفقه والدین آنان دارد؟

در پاسخ باید گفت: تغییر جنسیت فرزند، هیچ تأثیری در این حکم شرعی ندارد؛ چه این‌که این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن نیز تأثیری در این حکم شرعی ندارد.

دلیـل این امر آن است که تغییر جنسـیت فرزنـد، وی را از عنوان «فرزنـد بودن» خـارج نمی‌سازد. در هر حال، پسـر یا دختر، چنان‌چه توان مالی داشته باشند، پس از تغییر جنسیت نیز لازم است نفقه پدر و مادر فقیر خویش را پرداخت کنند.

جمع‌بندی و بیان نظریه مختار

نفقه در یک تقسیم بندی شامل: نفقه زوجه، نفقه فرزندان و نفقه والدین است. تأثیر تغییر جنسیت بر نفقه زوجه را در بخش گذشته بیان کردیم.

تغییر جنسـیت پـدر و تبـدیل وی به زن، تأثیری در وجوب نفقه فرزندان ندارد و او هم‌چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است؛ چون تغییر جنسـیت پدر، وی را از عنوان «پدر بودن» خارج نمی‌سازد و عرفاً وی به عنوان پدر شناخته می‌شود اگرچه در حال حاضر زن شده است؛ در حالی که اگر برادر تغییر جنسیت دهد، عرفاً وی را «خواهر» می‌دانند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۴

تغییر جنسـیت مادر و تبـدیل وی به مرد، تأثیری در نفقه فرزنـدان نخواهـد داشت؛ زیرا این وظیفه از ابتـدا به عهـده مادر نبوده است، بلکه این وظیفه در ابتدا به عهده پدر است و در نبود پدر، وظیفه انفاق به عهده جد پدری است.

آری، با نبود پـدر و جـد پدری، و با فرض توان مالی مادر، وظیفه پرداخت نفقه فرزندان به عهده مادر خواهد بود و با تغییر جنسـیت وی، این وظیفه همچنان به عهده وی خواهد بود.

ضمنـاً هرگاه پـدر و مادر از نظر مالی ناتوان باشـند، بر فرزنـدان وی که دارای توان مالی هسـتند واجب است مخارج پـدر و مادر را تأمین کنند و تغییر جنسـیت فرزند تأثیری در این حکم شـرعی ندارد؛ زیرا این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن تأثیری در این حکم شرعی ندارد.

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۵

فصل سوم تغییرجنسیت و مسأله ولایت و حضانت کودکان

اشاره

از مباحث مهم مربوط به تغییر جنسیت، تأثیر تغییر جنسـیت بر ولایت و حضانت کودکان است. این مسأله را در ضمن دو مبحث پی

می گیریم:

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان

اشاره

ولایت به معنی عام، سلطه‌ای است که شخص بر مال و جان دیگری پیدا می کند و شامل ولایت پدر و جد پدری و پیامبر اسلام (ص) و حاکم نیز می‌شود، ولی در روابط خانوادگی، عبارت از اقتداری است که قانون گذار به منظور اداره امور مالی و گاه تربیت کودک (یا سفیه و مجنونی که حجرشان متصل به زمان صغر است) به پدر و جدّ پدری اعطا کرده است. گاه وصی منصوب از طرف پدر یا جد پدری را نیز در زمره اولیا می‌آورند،[۵۴۴] چنان که ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی می گوید: «پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان، ولیّ خاص نامیده می‌شود».
ولی باید دانست که در عرف حقوق دانان دو اصطلاح «ولایت» و «وصایت» از

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۶
یکدیگر جدا است و کم‌تر اتفاق می‌افتد که به «وصی» نیز «ولی» گفته شود. به ویژه که منبع اختیار «ولی» به طور مستقیم قانون است و اعطای این سمت به اراده اشخاص ارتباط ندارد، در حالی که وصی، نماینده ارادی ولی است و حدود اختیار او را نیز پدر یا جد پدری معین می کند. به همین جهت نیز در قانون مدنی، پدر و جدّ پدری را اولیای قهری نامیده‌اند. ولایت جد پدری، هر چند از نظر قانون و فقه مانند ولایت پدر است، ولی در رسوم اجتماعی ما منوط بر این است که ولایت پدر به دلیلی از بین رفته باشد. نیز مادر در هیچ فرضی ولایت قهری بر کودک ندارد.[۵۴۵] پرسش اساسی این است که هر گاه پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، این مسأله چه تأثیری در ولایت و سرپرستی کودکان دارد. این مطلب را در ضمن دو گفتار زیر پی می گیریم:

گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان

اشاره

هر گاه جنسیت مادر تغییر کند و به مرد تبدیل شود، در صورت نبود پدر یا جدّ پدری، آیا بر کودکان ولایت پیدا می کند یا خیر؟
در پاسخ باید گفت: هر گاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ گاه بر کودکانش ولایت پیدا نمی کند، بلکه با نبود پدر، ولایت برای جدّ پدری و در صورت نبود جدّ پدری، ولایت کودکان به عهده حاکم شرع خواهد بود. امام خمینی- رحمه الله علیه- در این باره چنین می گوید:
لو تغیر جنس المرأة لا یثبت لها الولایهٔ علی الصغار، فولایتهم للجدّللاب، و مع فقده للحاکم؛[۵۴۶] اگر جنسیت زن تغییر کند [و به مرد تبدیل شود] برای وی، ولایت بر کودکانش ثابت نمی‌شود، بلکه ولایت کودکان برای جدّ پدری است و در صورت نبود جدّ پدری، ولایت برای حاکم خواهد بود.

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۷

دلیل اول: ثبوت ولایت بر صغار برای عنوان پدر

متفاهم عرفی از ادله ولایت، ثبوت ولایت بر صغار به عنوان «ابّ» (پدر) است و مادری که تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شده، عرفاً به عنوان پدر شناخته نمی‌شود و مقتضای اصل (استصحاب) عدم ثبوت ولایت است.[۵۴۷] توضیح بیش‌تر آن که، عنوان «پدر و مادر» از عناوین خاص هستند که هرگاه یکی از آن دو تغییر کند، به قرینه آن عنوان تبدیل نمی‌شود؛ در حالی که عناوینی مانند: «برادر و خواهر»، «عمو و عمّه» و «دایی و خاله» از عناوین هستند که تغییر جنسیت هر یک، باعث به وجود آمدن قرینه آن عنوان است؛ یعنی برادر به خواهر، و خواهر به برادر تبدیل می‌شود. نیز عمو به عمه، و عمه به عمو و همچنین دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می‌شود. حال آن‌که تغییر جنسیت باعث تبدیل عنوان «پدر» به «مادر» و یا برعکس نمی‌شود.

بنابراین، در تغییر جنسیت مادر و تبدیل وی به مرد، عنوان «پدر» برای وی ثابت نیست، بلکه عرفاً گفته می‌شود: این شخص همان مادری است که مرد شده است (نه پدر). پس می‌توان گفت: ما علم داریم که عنوان «ابّ» حادث نشده است و لااقل در این امر شک داریم. در حالت شک می‌توان حالت سابقه را استصحاب کرد و حالت سابقه در فرض ما «نبود عنوان پدری» است. پس در حال حاضر هم عنوان پدری ثابت نیست و با انتفای عنوان پدری، عنوان ولایت نیز منتفی است.

با این توضیح معلوم می‌شود که با نبود پدر (طبق فرض) و عدم ثبوت ولایت برای مادر تغییر جنسیت یافته، ولایت برای جدّ پدری خواهد بود.

دلیل دوم: معنای پدر از نظر شرعی

از نظر شرعی، «پدر» کسی است که فرزند از منی او به وجود آمده باشد[۵۴۸] و این عنوان بر کسی که فرزند را در شکم خود حمل کرده و سپس او را زائیده، صدق نمی‌کند، بلکه عرفا مادر پس از تغییر جنسیت، هم چنان به عنوان مادر شناخته می‌شود.[۵۴۹]

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۸

لازم به توضیح است که در شرع اصطلاح خاصی در تعریف پدر وارد نشده است و به اصطلاح «اب» (پدر) دارای حقیقت شرعیه یا حقیقت متشرعه نیست، بلکه شرع نیز همان معنای عرفی «اب» را مورد امضاء قرار داده است و معنای عرفی پدر، کسی است که طفل از نطفه او به وجود آمده باشد.

گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان

اشاره

هرگاه جنسیت پدر به وسیله عمل جراحی، تغییر کند، این امر چه تأثیری بر ولایت پدر بر فرزندان دارد؟ در پاسخ به این پرسش، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: تغییر جنسیت پدر موجب سقوط ولایت وی است

اشاره

امام خمینی در این باره می گوید:

لو تغير جنس الرجل إلى المخالف فالظاهر سقوط ولايته على صغاره؛[۵۵۰] هرگاه جنس مرد به زن تغییر کند، ظاهر آن است که ولایت وی بر کودکانش ساقط می‌شود.

آیت‌الله سید محمد صدر نیز همین دیدگاه را مطرح می کند:

إذا تحول الرجل إلى امرأة و كان زوجاً، بطلت ولايته؛[۵۵۱] هرگاه مرد (زوج) به زن تغییر جنسیت دهد، ولایتش باطل می‌شود.

دلیل اول: ولایت برای عنوان پدری است

ولایت اگرچه از امور واضح فقه است و تعداد زیادی از روایات بر آن دلالت دارد، ولی «ولایت» دائر مدار صدق «ابوّت» (پدر بودن) است.[۵۵۲] با تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، عنوان ابوّت از وی زایل می‌شود. بنابراین، ولایت او بر کودکانش نیز ساقط می گردد.[۵۵۳]

تغییرجنسیت، ص: ۳۳۹

دلیل دوم: ولایت برای عنوان رُجولیت (مردی) است

بر فرض بپذیریم که تغییر جنسیت پدر، وی را از عنوان «ابّ» (پدر) خارج نمی‌سازد، ولی باید گفت: عنوان «ابّ» باید همراه با صفت «رُجولیت» (مردانگی) باشد و فرض این است که پدر پس از تغییر جنسیت از عنوان مردی خارج شده و به زن تبدیل شده است. بنابراین عنوان ولایت از وی ساقط می گردد[۵۵۴].

بررسی دلیل اول و دوم

در جواب دلیل اول می‌توان گفت: به صرف تشکیل شدن نطفه از آب شخص (اسپرم)، عنوان پدری بر او صدق می کند. برای مثال، اگر مرد با همسرش مجامعت کند و سپس مرد برای همیشه غایب گردد و فرزند به وجود آید، شکی نیست که آن مرد، پدر فرزند محسوب می‌شود، در حالی که هیچ نقشی نداشته مگر ادخال منی در رحم مادر بچه و همین مقدار برای صدق عنوان «ابّ» کافی است، اگر چه جنسیت او تغییر یابد.[۵۵۵] همان طور که بارها بیان شد عنوان «ابّ و امّ» از عناوین خاص است که پس از تغییر جنسیت هر یک، این عنوان زایل نشده و صدق عرفی در اطلاق اب و ام باقی خواهد بود. حتی به اعتقاد برخی فقیهان اسلامی می‌توان ولایتی که قبلًا برای این شخص وجود داشته، استصحاب کرد. آیت‌الله محمد مؤمن می گوید:

ممکن است برای کسی این توهم پیش آید که پس از تغییر جنسیت، موضوع استصحاب باقی نمی‌ماند. به چنین سخنی نباید گوش فرا داد، زیرا روشن است که این شخص، همان کسی است که در پیش، ولایت او بر فرزندانش ثابت شده بود [بنابراین موضوع باقی است].[۵۵۶] در مقابل، عده‌ای با استصحاب ولایت به دلیل تغییر موضوع، مخالفند.[۵۵۷]

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۰

در پاسخ دلیل دوم باید گفت: از ادلهٔ شرعیه مانند روایات نمی‌توان استظهار نمود که ولایت به حالت «رُجولیت» اختصاص دارد، بلکه این معنا قابل استظهار است که ولایت برای «پدر» است؛ یعنی آن کسی که در زندگی زناشویی، فرزند از منی او ایجاد شده است. بعد از تغییر جنسیت، بقای ولایت به وسیله استصحاب قابل اثبات است و نمی‌توان گفت موضوع تغییر کرده است؛ چون

بدیهی است که این شخص همان کسی است که ولایت بر کودکانش، برای او ثابت بوده و الان استصحاب می‌گردد.

دیدگاه دوم: تغییر جنسیت پدر، تأثیری در ولایت وی ندارد

براساس این دیدگاه، تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، تأثیری در ولایت وی بر کودکانش ندارد و همانند حالت قبل از تغییر، دارای حق ولایت است. این دیدگاه از قوت بیش‌تری نسبت به دیدگاه اول برخوردار است. دلیل این دیدگاه همان نکاتی است که در پاسخ دیدگاه اول بیان شد. از این رو، از تکرار آن خودداری می‌شود.

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله حضانت کودکان

اشاره

حضانت در لغت به معنای کودک را در آغوش گرفتن و کودک را در بغل گرفتن است.[۵۵۸] و در اصطلاح فقه[۵۵۹] و حقوق مدنی[۵۶۰] پرورش اطفال است به وسیله ابوین و اقارب او، که هم حق است و هم تکلیف. پرورش هم از لحاظ مادی است و هم معنوی و هم اخلاقی. قانون مدنی ایران درباره حضانت (نگاه‌داری کودک) چنین می‌گوید:

برای نگاه‌داری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت. پس از انقضاء این مدت، حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آن‌ها با مادر خواهد بود.[۵۶۱]

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۱

پرسشی که در بحث تغییر جنسیت مطرح است این است که هرگاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا هنوز هم اهلیت حضانت را دارا است یا نه؟ نیز هرگاه پدر در مدتی که حضانت طفل به او واگذار شده است به جنس مخالف تبدیل گردد و زن شود، آیا حق حضانت وی ساقط می‌شود یا خیر؟ این مطلب را در ضمن دو گفتار ذیل پی می‌گیریم:

گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله حضانت کودکان

حضانت کودک اگر پسر باشد تا دو سال و اگر دختر باشد تا هفت سال به عهده مادر است. اگر در این مدت، مادر تغییر جنسیت دهد، وضعیت حضانت چگونه خواهد شد؟

توجه به این نکته ضروری است که «حضانت» در سنین اولیه زندگی کودک به «مادر» از آن جهت که «مادر» است سپرده شده است؛ چون کودک در این سن نیاز بیش‌تری به مادر دارد. قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۶۹، ۱۱۷۰ و ۱۱۷۶ صریحاً حق حضانت را در سال‌های اولیه کودک به مادر واگذار کرده است.

حال این پرسش مطرح است چنان‌چه «مادر» تغییر جنسیت دهد، از عنوان «مادر بودن» خارج می‌شود؟ پاسخ منفی است؛ چون مکرراً گذشت که عنوان «پدر و مادر» از عناوین خاص بوده که با تغییر جنسیت عوض نمی‌شود و عرفاً عنوان «مادری» پس از تغییر جنسیت صادق است. علاوه بر این، مادر از نظر شرعی کسی است که فرزند از تخمک او به وجود آمده و در شکم وی رشد کرده و مادر، او را به دنیا آورده باشد. پس از تغییر جنسیت، این عنوان و ویژگی، تغییر نمی‌کند. از این رو، با اطمینان بیش‌تری می‌توان

گفت که تغییر جنسیتِ مادر، تأثیری در حق حضانت وی بر کودکان خردسالش ندارد. به عبارت دیگر، تنها «انوثیت» (زن بودنِ) مادر به وسیله تغییر جنسیت عوض شده و اکنون دارای صفت رجولیت (مردی) است، ولی با این وجود، عنوان «مادری» از وی زایل نشده است و نمی‌توان گفت با زوال صفت انوثیت، صفت «مادری» نیز زایل شده است. به عبارت دیگر، تفکیک میان دو عنوان «زن بودن» و «مادری» قابل تصور است.

با این وجود، می‌توان این احتمال را بیان داشت که هرگاه به تشخیص دادگاه، مادر

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۲

پس از تغییر جنسیت، فاقد صلاحیت لازم برای حضانت و نگهداری کودک باشد، این حق از او سلب می‌شود و به پدر کودک که واجد صلاحیت است واگذار شود. کما این‌که براساس ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، اگر مادر مجنون گردد، یا به دیگری شوهر کند، حق حضانت وی ساقط می‌گردد. مفهوم مستفاد از این ماده آن است که مادر باید برای نگه‌داری کودک واجد صلاحیت باشد. چنان‌چه مجنون گردد یا به دیگری شوهر کند فاقد صلاحیت می‌گردد. بر این اساس، می‌توان این احتمال را داد که تغییر جنسیت مادر، موجب سلب صلاحیت وی در امر حضانت می‌گردد، اگر چه از نظر عرف یا شرع، اطلاق عنوان «مادر» پس از تغییر جنسیت صحیح است. البته تأکید می‌کنیم که تشخیص این امر به عهده دادگاه صالح است.

گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسأله حضانت کودکان

اشاره

هرگاه پدر در مدتی که دارای حق حضانت و نگه‌داری کودک است، تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل گردد، این امر چه تأثیری در امر حضانت وی دارد؟

در پاسخ می‌گوییم که عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت عوض نمی‌شود و عرفاً شخص می‌تواند بگوید: این پدر من است که تغییر جنسیت داده و زن شده است و فرض آن است که حضانت کودک به پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است. علاوه بر این، از نظر شرعی پدر کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود آمده باشد و این با تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند

احتمال دیگر، آن است که پدر با تغییر جنسیت خویش و تبدیل شدن به زن، از صلاحیت و شایستگی لازم برای حضانت برخوردار نباشد، مخصوصاً اگر پس از تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، با مرد دیگری ازدواج کند که از مفهوم ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی عدم صلاحیت وی به دست می‌آید. علاوه بر این، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی می‌گوید:

هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل متقضی بداند اقتضا کند .....

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۳

در ادامه ماده ۱۱۷۳ مصادیق عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی هر یک از پدر و مادر بیان شده است.

با توجه به قرائن و شواهد فوق می‌توان گفت: هدف از حضانت، حفظ و نگه‌داری کودک در سنینی است که شدیداً به حمایت معنوی و روحی و فکری نیازمند است. و با تغییر جنسیت پدر، این حمایت‌ها از بین می‌رود و با تشخیص دادگاه، مادر کودک یا شخص صالح دیگر، حضانت و نگه‌داری کودک را به عهده خواهد گرفت.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

در پاسخ این پرسش که تغییر جنسیت چه تأثیری بر ولایت و سرپرستی کودکان دارد، باید گفت: اگر مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، هیچ‌گاه بر فرزندانش ولایت پیدا نمی‌کند؛ چه این‌که ولایت ابتداءاً برای پدر است و با نبود پدر ولایت برای جدّ پدری است و در صورت نبود جدّ پدری، ولایت کودکان به عهده حاکم شرع خواهد بود.

و هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، این امر تأثیری بر ولایت وی بر کودکانش ندارد و همانند حالت قبل از تغییر، دارای حق ولایت است.

و هرگاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد و مرد شود، وی همچنان دارای اهلیت حضانت است؛ زیرا با تغییر جنسیت، صفت «أنوثیت» (زن بودن) از وی زایل شده است، نه صفت مادری. به عبارت دیگر، مادر پس از تغییر جنسیت، همچنان دارای صفت مادری است و از این رو، حق حضانت از وی زایل نمی‌شود.

نیز اگر پدر در مدتی که دارای حق حضانت و نگه‌داری کودک است، تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، حق حضانت وی زایل نمی‌شود؛ چون حضانت کودک و پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است و عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت عوض نمی‌شود.

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۵

فصل چهارم تغییر جنسیت و مسأله ارث

اشاره

یکی از مباحث مهم مربوط به تغییر جنسیت، تأثیر تغییر جنسیت در ارث است. فردی که تغییر جنسیت داده، از والدین خود به چه سهمی ارث می‌برد، آیا جنسیت فعلی او ملاک است یا جنسیت قبل از تغییر؟ نیز پدر و مادری که تغییر جنسیت داده است، از فرزند خود به چه اندازه‌ای ارث می‌برد، آیا جنسیت فعلی او مورد نظر است، یا جنسیت قبل از تغییر؟

این مسأله را در دو حالت بررسی می‌کنیم:

اوّل- ارث بردن فرد تغییر جنس داده از والدین خودش؛

دوم- ارث بردن والدین تغییر جنس داده از فرزند خویش.

مبحث اول: ارث بردن فرد تغییر جنس داده از والدین خودش

اشاره

در مواردی شخص قبل از فوت یکی از والدین خویش، تغییر جنسیت می‌دهد؛ یعنی پس از تغییر جنسیت، فوت یکی از والدین وی اتفاق می‌افتد، و در مواردی بعد از مرگ یک از والدین، و قبل از تقسیم ترکه، تغییر جنسیت صورت می‌گیرد. میزان ارث شخص را در دو حالت فوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۶

گفتار اول: تغییر جنسیت قبل از فوت یکی از والدین

هرگاه فردی، جنسیت خویش را تغییر دهد، و آن‌گاه یکی از والدین وی فوت کند، آیا بر اساس جنسیت فعلی ارث می‌برد یا براساس جنسیت سابق؟ برای مثال، اگر پسری به دختر تبدیل شود، آیا سهم الارث وی به اندازه پسر است یا به اندازه دختر؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: همه فقیهان شیعه که به این مسأله توجه کرده‌اند، ملاک ارث در این موارد را جنسیت فعلی فرزندان می‌دانند.[۵۶۲] همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، هرگاه برادر و خواهر به جنس مخالف تبدیل شوند، نسبت یا قرابت نسبی میان آن دو از بین نمی‌رود، بلکه نسبت آن‌ها بر عکس می‌شود؛ یعنی برادر، خواهر و خواهر، برادر می‌شود. با وجود اشتراک آن‌ها در نسبت، و تولد آن‌ها از یک پدر و مادر، تبدیل شدن دو عنوان، آن‌ها را از «نسبت خواهر برادری» خارج نمی‌کند.[۵۶۳] به عبارت دیگر، عنوان «اخ» (برادر) برای جنس مذکر و عنوان «اخت» (خواهر) برای جنس مؤنث است. پس از تبدیل جنس مذکر و مؤنث، لامحاله عنوان «برادر و خواهر» نیز تغییر می‌کند.[۵۶۴] احکامی هم چون ارث و مانند آن بر عناوین مختص به مرد یا زن مانند: دختر، پسر، خواهر، برادر و مانند آن مترتب می‌شود و احکام با تغییر جنسیت به جهت این‌که موضوعشان هم اکنون صدق نمی‌کند، باقی نمی‌مانند. بنابراین، اگر شخصی پسر باشد و قبل از مرگ پدرش تغییر جنسیت دهد، مانند پسران ارث نمی‌برد، بلکه مانند دختر ارث می‌برد؛ زیرا ملاک آن است که این عناوین در حال مرگ مورِّث فعلیت داشته و صدق کند. لذا اگر مورِّث بمیرد واز او پسر جدید (بعد از تغییر جنسیت) و دختر جدید باقی بماند، مرد فعلی دو برابر زن ارث می‌برد. سایر طبقات نیز چنین است؛[۵۶۵] زیرا ادله ارث اطلاق دارند و همان طور که شامل زن و مرد قبلی (قبل از تغییر جنسیت) می‌شوند،

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۷

شامل زن و مرد جدید هم می‌شوند؛ مانند این آیه:

لِلرّجالِ نَصیبٌ مِمّا تَرَکَ الوالدانِ و الاقربونَ و لِلنسّاء نَصیبٌ مِمّا تَرَکَ الوالدان و الاقربون مِمّا قَلَّ مِنه او کَثُرَ نصیباً مفروضاً؛[۵۶۶]

برای مردان، از آن‌چه پدر و مادر خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز از آن‌چه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد. این سهمی تعیین شده و پرداختی است.

و مانند این قول خداوند بزرگ:

یوصیکم اللهُ فی اولادِکُم لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الانثَیینِ؛[۵۶۷]

خداوند درباره فرزندانتان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد.

قانون مدنی ایران در ماده ۹۰۷ می‌گوید: «... اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آن‌ها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می‌برند».

این ماده قانونی نیز اطلاق دارد. بنابراین، پسر فعلی (دختر پس از تغییر جنسیت) دو برابر دختر فعلی (پسر پس از تغییر جنسیت) ارث می‌برد.

گفتار دوم: تغییر جنسیت بعد از فوت یکی از والدین

اگر بعد از مرگ پدر و قبل از تقسیم ترکه تغییر جنسیت صورت گیرد، آیا در پرداخت سهم الارث، جنسیت فعلی ملاک است یا جنسیت زمان موت مورّث؟

به نظر می‌رسد در این حالت، باید جنسیت زمان موت مورّث ملاک و مبنا باشد. دلیل این امر واضح است؛ چه این‌که فرد پس از

فوت پدر یا مادرش تغییر جنسیت داده است. پس حقی برای وی ثابت شده است و تغییر جنسیت بعدی تأثیری در این مسأله ندارد. برای مثال، اگر پس از فوت پدرش تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل شود سهم

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۸

الارث وی همانند برادرش می‌باشد. نیز اگر دختر پس از فوت پدرش تغییر جنسیت دهد و به پسر تبدیل شود، سهم الارث وی همانند خواهرش است.

مبحث دوم: ارث بردن والدین تغییر جنس داده از فرزند خویش

اشاره

هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، زن فعلی چه میزان سهم الارث می‌برد، آیا بر اساس جنسیت فعلی یا براساس جنسیت سابق خویش؟ نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، مرد فعلی چه مقدار سهم الارث از فرزند (میت) دریافت می‌کند؟

در مجموع سه احتمال وجود دارد:[۵۶۸] احتمال اول، این‌که رابطه توارث به طور کامل قطع می‌شود و والدین تغییر جنس داده از فرزند خود ارث نمی‌برند. احتمال دوم، این‌که رابطه توارث قطع نمی‌شود و پدر به اندازه دو ثلث () ارث می‌برد ولو این‌که تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است. نیز مادر یک ثلث () ارث می‌برد ولو این‌که تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شده باشد. احتمال سوم، این‌که رابطه توارث قطع نمی‌شود و مادر پس از تغییر جنسیت دو ثلث () و پدر پس از تغییر جنسیت یک ثلث () می‌برد.

اینك هر یک از سه احتمال فوق را در ضمن سه گفتار را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

گفتار اول: والدین تغییر جنسیت داده از فرزند ارث نمی‌برند

احتمال اول آن بود که والدین تغییر جنس داده، اصلًا از فرزند خود ارث نمی‌برند و رابطه توارث، به طور کامل قطع گردد.

در توجیه این احتمال می‌توان گفت: پس از مرگ فرزند، برای این‌که پدر و مادر از فرزند خویش ارث ببرند، لازم است عنوان «ابّ» و «امّ» در حین وفات فرزند باقی باشد، حال آن‌که این عنوان‌ها تغییر کرده است. به عبارت دیگر، پس از تغییر جنسیت پدر،

تغییرجنسیت، ص: ۳۴۹

زن فعلی، نه پدر محسوب می‌شود و نه مادر. نیز پس از تغییر جنسیت مادر، مرد فعلی، نه پدر محسوب می‌شود و نه مادر. بنابراین، در حین فوت فرزند، عنوان «ابّ یا امّ» وجود ندارد، تا براساس صدق این عنوان بتواند از فرزند خویش ارث ببرد.[۵۶۹] احتمال فوق بعید و غیر قابل قبول است و هیچ کس به آن معتقد نشده است، بلکه تنها به عنوان یک «احتمال» مورد بررسی قرار گرفته است. حتی اگر پس از تغییر جنسیت، در صدق عنوان «پدر و مادر» تردید داشته باشیم، نمی‌توان گفت: رابطه توارث به دلیل تغییر جنسیت بین «پدر و فرزند» و «مادر و فرزند» قطع می‌شود. به عبارت دیگر، «تغییر جنسیت» از موانع ارث محسوب نمی‌شود. قانون مدنی ایران که متخذ به فقه امامیه است، به مواردی از «موانع ارث» اشاره کرده است. در ماده ۸۸۰ می‌گوید: «قتل از موانع ارث است .....»؛ در ماده ۸۸۱ می‌گوید: «کافر از مسُلِم ارث نمی‌برد ....»؛ و ماده ۸۸۲ و ۸۸۳ به مانع بودن «لعان» و «انکار سببیت» اشاره دارد؛ و در ماده

۸۸۴ به «ولـد الزنا» اشاره دارد.[۵۷۰] بنـابراین، نه در فقه امـامیه و نه در قانون مـدنی ایران به مانع بودنِ تغییر جنسـیت اشاره نـدارد و والدین تغییر جنس داده می‌توانند از فرزند خود ارث ببرند.

گفتار دوّم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می‌برد.

اشاره

احتمـال دوم که قوی‌تر نیز هست این است که پـدر یـا مـادری که تغییر جنسـیت داده‌انـد، از فرزنـد (فوت شـده) ارث می‌برنـد. امام خمینی و بقیه فقیهان اسلامی اصل وجود ارث را پذیرفته‌اند. برای اثبات وجود ارث، دلیل‌های زیر را می‌توان بیان کرد:

دلیل اول: ثبوت ارث به دلیل قرابت و خویشاوندی

لِلّرجال نصیبٌ ممّا ترک الوالدان و الاقربونَ و للنساء نَصیبٌ ممّا تَرَکَ الوالدان و الاقربون مِمّا قَلَّ مِنه او کَثُرَ نصیباً مفروضاً؛[۵۷۱]

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۰

از آیه فوق می‌توان ثبوت ارث برای جمیع اقربـا از مردان و زنـان را اسـتفاده کرد، و تردیـدی نیست که این مرد یـا زن فعلی، که قبلًا مادر یا پـدر بوده‌اند، از نظر قرابت و خویشاوندی، نزدیک‌ترین فرد به میت (فرزند فوت شده) هسـتند، پس آن دو، از آن‌چه میت به جای می‌گذارد، نصـیب می‌برند.[۵۷۲] بـا دلیـل فوق، اصل ارث میان والـدین و فرزنـد (میت اثبات می‌شود. با ضـمیمه ادله دیگر از روایات اهل بیت علیهم السلام اثبات می‌شود که پدر و مادر از فرزند (میت) به ترتیب () و () ارث می‌برند.[۵۷۳]

دلیل دوم: ثبوت ارث به دلیل اولی الارحام

وَ اولوا الارحام بعضهم اولی بِبَعضٍ فی کتاب الله انّ الله بکل شئ علیم؛[۵۷۴]

و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. همانا خداوند به هر چیز داناست.

تردیـدی نیست که مرد فعلی و زن فعلی (مـادر یا پـدر تغییر جنسـیت یافته) از جمله افراد «اولی الارحام» نسبت به میت (فرزنـد فوت شـده) می‌باشـند. پس از اموال و حقوق مربوط به میت سـهم الارث خواهند داشت.[۵۷۵] علاوه بر آیات فوق، روایات متعـددی نیز وجود دارد که براساس آن‌ها، آن‌چه معیار قرار می‌گیرد تا شخص، وارث میت محسوب شود، اقربیت در خویشاوندی نسبت به میت است و اقربیت پدر و مادر که تغییر جنسیت داده‌اند هنوز ثابت است، پس طبق ضوابط، ایشان اولی به ارث بردن می‌باشند و حاجب طبقات بعد می‌شوند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۱

دلیل فوق نیز ماننـد دلیل اول، اصل توارث میان والـدین و فرزنـد (میت) را اثبات می‌کنـد و با ضـمیمه ادله دیگر از روایات اسـلامی سهم الارث () برای پدر و سهم الارث () برای مادر ثابت می‌شود.

دلیل سوم: استمرار قرابت نسبی پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر

پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، نسبت میان «والدین» و «فرزندان» قطع نمی‌شود، بلکه فرزند عرفاً و شرعاً، فرزند پدر و مادر خویش حساب می‌شود. به مقتضای ثبوت نسب، ارث نیز ثابت است؛ یعنی گویا «نَسَب» به منزله «علت» و «ارث» به منزله «معلول» است، مگر در مواردی که مانع در کار باشد، مانند: قتل، لعان، انکار نسب، کفر؛ و تغییر جنسیت از موانع ارث محسوب نمی‌شود.

صاحب کتاب «جواهر الکلام» در تعریف «نَسَب» می‌گوید:

نسب عبارت است از اتصال از طریق ولادت یکی از دیگر، مانند: «پدر و پسر»، یا این‌که ولادت دو نفر به فرد ثالث منتهی شود، همراه با صدق عرفی نسب به نحو شرعی یا در حکم شرعی. پس متولد از زنا ارث نمی‌برد، به خلاف متولد از شبهه و نکاحِ اهل ملل فاسده.[۵۷۶]

ظاهر کلام فوق آن است که مسأله نَسَب مورد قبول همه فقیهان اسلامی بوده و هیچ اختلافی در این باره وجود ندارد.[۵۷۷] بنابراین، تعریف فوق درباره «نَسَب» یا «قرابت نسبی» در بحث ما صادق است؛ یعنی پس از تغییر جنسیتِ پدر و تبدیل وی به زن، از نظر عرفی و شرعی می‌توان گفت: این فرزند از این پدر متولد شده است، مگر این‌که تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است. نیز پس از تغییر جنسیت مادر، از نظر عرفی و شرعی می‌توان گفت: این فرزند از این مادر متولد شده است، مگر این‌که تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شده است.

پرسشی که ممکن است در این جا مطرح شود این است که در وضعیت جدید،

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۲

یعنی پس از تغییر جنسیت درباره صدق عنوان «پدر و مادر» شک داریم. بنابراین، می‌توان با استصحاب عنوان پدر و مادر، به بقای عنوان «پدر و مادر» حکم کرد و در این حالت، ارث آنان نیز ثابت می‌گردد؛ یا این‌که گفته شود: پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، به دلیل شک در ثبوت ارث، حالت سابقه، یعنی ثبوت ارث قبل از تغییر جنسیت را استصحاب می‌کنیم.

در پاسخ می‌گوییم: پس از تغییر جنسیت، عنوان «پدر و مادر» هم چنان صادق است و با وجود صدق عنوان «پدر و مادر» نیازی به استصحاب ارث آن دو نیست؛ زیرا اصل عملی وقتی ارزش دارد که دلیل اجتهادی وجود نداشته باشد[۵۷۸] و با وجود صدق دو عنوان یاد شده، اطلاق ادله ارث شامل آن‌ها می‌شود و استصحاب موضوعیت ندارد؛ چون مجرای اصول، موارد شک است و در این فرض شک نداریم تا سراغ استصحاب رویم.[۵۷۹] پرسش دیگر آن است که چگونه در بحث «تغییر جنسیت و ولایت»، استصحاب ولایت، پس از تغییر جنسیت پدر، جاری می‌شود، ولی در بحث «تغییر جنسیت و ارث»، امکان استصحاب ارث وجود ندارد؟

در پاسخ می‌گوییم: در «استصحاب ارث»، حالت سابقه وجود ندارد. از این رو، یکی از ارکان استصحاب ناتمام است. زیرا حکم جزئی- یعنی وارث بودن شخص مرد یا زن- بسته به مرگ موّرث قبل از تغییر جنسیت است و طبق فرض، چنین چیزی واقع نشده است؛ لذا مقام مورد نظر قابل قیاس با استصحاب ولایت شخص پدر، قبل از تغییر جنسیت، نیست؛ زیرا در باب ولایت، حکم کلی شرعی (ولایت پدر) قبل از تغییر جنسیت نیز بر پدر منطبق است؛ زیرا موضوع آن فعلیت دارد، لیکن یک حکم جزئی (ولایت پدری که تغییر جنسیت داده) پدید آمده است. در این جا شک می‌کنیم در بقای آن حکم کلی و برای اثبات بقای آن بعد از تغییر جنسیت، استصحاب جاری می‌شود. اما در باب ارث، حکم کلی- یعنی ارث پدر و مادر- هم چنان باقی است و

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۳

تردیدی در آن وجود ندارد. اما فعلیت پیدا کردن حکم جزئی- یعنی مقدار ارث پدر و مادر در صورت تغییر جنسیت- به مرگ مورّث بستگی دارد؛ در حالی که فرض این است که هنگام تغییر جنسیت، وی هنوز زنده است و زمانی هم که بمیرد، در آن جا حالت سابقه‌ای وجود ندارد تا استصحاب جاری شود؛ بنابراین، قیاس باب ارث به باب ولایت، قیاس مع الفارق است.[۵۸۰] بنابراین، در اصل ارثِ پدر و مادر، حتی پس از تغییر جنسیت، تردیدی نیست؛ چنان که این دو حاجب کسانی می‌شوند که از لحاظ خویشاوندی با میت در رتبه بعدی قرار دارند.[۵۸۱] و ملاک ارث، همان «اولویت» (نزدیک‌تر بودن به میت) پدر و مادر پس از تغییر جنسیت است.

به نظر می‌رسد میزان ارث پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده است، براساس «زمان انعقاد نطفه» است؛ یعنی برای پدر در حال انعقاد نطفه، () است، هر چند بعداً تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شود و نیز برای مادر () است، هر چند تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود. دلیل این امر آن است که به مقتضای کتاب، سنت و اجماع، ارث ثابت شده است و هیچ ملاکی برای تقسیم ارث باقی نمی‌ماند مگر «ملاک تقسیم به لحاظ زمان انعقاد نطفه».

اما ملاک تقسیم ارث، بر اساس «زمان فوت فرزند» به این که، مرد فعلی (مادر پس از تغییر جنسیت) و زن فعلی (پدر پس از تغییر جنسیت)، قابل قبول نیست؛ چون این مبنا «و» برای عنوان «پدر و مادر» است، و مرد فعلی، پدر حساب نمی‌شود، چون فرزند از نطفه (اسپرم) او به وجود نیامده است. نیز زن فعلی، مادر حساب نمی‌شود، چون فرزند از تخمک او به وجود نیامده و در رحم او رشد نکرده است. پس هیچ مبنایی باقی نمی‌ماند جز بر اساس «زمان انعقاد نطفه»؛ یعنی برای پدر زمان انعقاد نطفه و برای مادر زمان انعقاد نطفه.

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۴

ممکن است این پرسش مطرح شود که مطلب فوق، یعنی سهم الارث برای پدر و برای مادر، فرع بر صدق عنوان «پدر و مادر» است، حال آن‌که پس از تغییر جنسیت پدر و مادر، صدق عنوان «پدر و مادر» مشکوک است. پس سهم الارث فوق، ثابت نیست.

در جواب می گوییم: سهم الارثِ فوق، براساس «قرابت نسبی» است که در تعریف آن گفته شده است: تولد یکی از دیگری، یا تولد دو نفر از یک منشأ واحد، و پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، قرابت نسبی هم چنان وجود دارد و می‌توان گفت: این فرد از آن پدر به دنیا آمده است، الّا این‌که به زن تبدیل شده است. نیز می‌توان گفت: این فرد از آن مادر به دنیا آمده است، الّا این‌که به مرد تبدیل شده است.

گفتار سوم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می‌برند

بر اساس این ملاک، زن فعلی (پدر تغییر جنس داده) و مرد فعلی (مادر تغییر جنس داده) ارث می‌برد. گویا مرد فعلی، پدر است و زن فعلی، مادر.

این احتمال ضعیف بوده و هیچ دلیلی در تأیید آن وجود ندارد؛ چون نمی‌توان گفت: مادر پس از تغییر جنسیت، به عنوان «پدر» شناخته می‌شود. نیز پدر پس از تغییر جنسیت، به عنوان «مادر» شناخته نمی‌شود. به عبارت دیگر، تفاوت پدر و مادر در مقدار ارث، به لحاظ بسته شدن زمان انعقاد نطفه است. پس برای پدر- که فرزند از اسپرم او به وجود آمده- و برای مادر- که فرزند از تخمک او به وجود آمده- ارث وجود دارد؛ اگر چه امام خمینی (ره) معتقد است: احتیاط (مستحب) آن است که آن دو با یکدیگر مصالحه کنند.[۵۸۲] به نظر می‌رسد، مجالی برای «مصالحه بین پدر و مادر» وجود ندارد؛ چون اگر عنوان «پدر و مادر» پس از تغییر جنسیت صادق است، مصالحه لازم نیست، و اگر صادق نیست، مصالحه بین آن دو و سایر وارث‌ها لازم است. آیت‌الله سید محسن خرازی

در

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۵

این باره می‌گوید:

حال بنابر مراعات احتیاط (چنان که در تحریر الوسیله آمده است) آیا مصالحه فقط بین پدر و مادر است یا بین آن دو و سایر وارث‌ها نیز مصالحه لازم است؟

اگر اصل ارث آن دو را به ملاک نزدیک‌تر بودن (اولویت) بپذیریم، مجالی برای مصالحه بین آن‌ها و سایر ورثه نیست؛ زیرا آن‌ها در ارث بردن بر بقیه مقدّمند. اما اگر در این جهت شک کنیم و به لزوم صدق عنوان پدر و مادر قائل شویم در حالی که این دو عنوان صادق نمی‌باشند- بنا بر عدم صدق آن دو با تغییر جنسیت- در این صورت مصالحه، بین آن دو و بین سایر ورثه که در طبقه آن‌ها یا در طبقه پایین‌تر قرار دارند، می‌باشد.

از نظر ما مصالحه بین آن دو لازم نیست؛ زیرا بعد از تغییر جنسیت نیز عنوان «پدر» و «مادر» صدق می‌کند؛ زیرا در صدق آن دو، حدوث مبدء کفایت می‌کند، اگرچه صدق عنوان پدر و مادر را نپذیریم و مقتضای صدق این عنوان آن است که هر کدام به مقداری که تعیین شده است، ارث ببرند، یعنی در صورت نبود فرزند، دو سوم در پدر و یک سوم در مادر.[۵۸۳] پرسش دیگر آن است که اگر اقارب طبقه دوم و سوم تغییر جنسیت دهند، به چه میزان از میت ارث می‌برند؟ آیا جنسیت فعلی آنان ملاک است یا جنسیت قبل از تغییر جنسیت؟

قبل از پاسخ سؤال فوق، توجه به این نکته ضروری است که: «اشخاصی که به موجب نَسَب ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

۱. پدر و مادر و اولاد و اولادِ اولاد.

۲. اجداد و برادر و خواهر و اولادِ آنها.

۳. اعمام و عمات و اخوال و خالات، و اولادِ آنها».[۵۸۴] و بر اساس ماده ۸۶۳ قانون مدنی: «وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد».

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۶

در واقع، پرسش فوق به این پرسش برمی‌گردد که هرگاه وراثِ میت، از طبقه اول نبودند، بلکه افرادی از طبقه دوم یا طبقه سوم از میت ارث می‌برند، و یکی از این افراد (مانند پدر بزرگ یا برادر یا عمو یا عمه یا خاله یا دایی) تغییر جنسیت داده، باشند، سهم الارث وی بر اساس جنسیت فعلی وی است یا جنسیت سابق؟

در پاسخ می‌گوییم: اگر افرادی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله و دیگر اقارب و خویشاوندان که در طبقه دوم و سوم ارث، قبل از فوت مورّث تغییر جنسیت دهند، جنسیت فعلی آنان ملاک تعلق سهم الارث آنان می‌باشد. توضیح این بحث در «عناوین نسبی» گذشت و آن این‌که اگر برادر تغییر جنسیت دهد به خواهر تبدیل می‌شود و بر عکس، نیز همین «تبدّل عنوان» در عناوین «عمو، عمه» و «دایی، خاله» وجود دارد؛ یعنی هر عنوان، به قرینه آن تبدیل می‌گردد. در تمام این عناوین، ملاک جنسیت فعلی است و در هر دو صورت، وارث بودن و مورث بودن صادق است.

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۷

خاتمه و نتیجه‌گیری

اشاره

در پایان نگارش رساله «بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، این مباحث مورد توجه قرار می گیرد:

۱. نتیجه گیری

۲. پاسخ به پرسش‌های اصلی تحقیق

۳. مشکلات تحقیق

۴. پیشنهادات

۱. نتیجه‌گیری

الف) توجه فقیهان شیعه به بحث تغییر جنسیت

اولین شخصیت علمی در جهان که به مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت توجه کرده است، مرحوم امام خمینی است که در سال ۱۳۴۳ ش. (۱۹۶۴ م.) در تحریر الوسیله، در ضمن ده مسأله، عمده‌ترین مباحث مربوط به این موضوع را بیان داشته است. پس از وی، بیش از بیست تن از مراجع تقلید و فقیهان شیعه این موضوع را مورد کنکاش قرار داده‌اند. تقریباً در تمام کتاب‌های موسوم به «رساله استفتاء‌آت»، کم و بیش این بحث مطرح شده و ابعاد مختلف آن مورد توجه قرار گرفته است، مانند: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، تأثیر

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۸

تغییر جنسیت زن و شوهر بر ازدواج آنان، مسأله ولایت و سرپرستی کودکان پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، تأثیر تغییر جنسیت بر مهریه و نفقه و مانند آن.

البته این سخن بدان معنا نیست که همه فقیهان شیعه به جواز تغییر جنسیت معتقد باشند، ولی به هر حال، عده قابل توجهی از آنان به جواز این عمل معتقد شده‌اند، مانند: امام خمینی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی، آیت‌الله سید علی سیستانی، آیت‌الله محمد ابراهیم جنّاتی، آیت‌الله یوسف صانعی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله محمد مؤمن، آیت‌الله سید محسن خرازی و آیت‌الله حسین علی منتظری.

حتی برخی فقیهان شیعه که به حرمت تغییر جنسیت نظر داده‌اند، معتقدند در هنگام ضرورت و اضطرار، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت جایز است (آیت‌الله سید صادق شیرازی).

ب) اهمیت بحث مشروعیت و یا عدم مشروعیت تغییر جنسیت

مهم‌ترین پرسش در بحث تغییر جنسیت، مسأله «جواز و یا عدم جواز»، یا همان «مشروعیت و عدم مشروعیت» است. این پرسش نه تنها مورد توجه فقیهان شیعه بوده است، بلکه فقیهان اهل سنت و کلیسای مسیحی نیز آن را مورد توجه قرار داده‌اند. از این رو، امام خمینی در اولین مسأله‌ای که در این رابطه مطرح کرده‌اند، می‌فرمایند: ظاهر آن است که تغییر جنسیت مرد به زن یا زن به مرد، و نیز تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن حرام نیست.

ج) اهمیت بحث تغییر در خلقت خدا

عـده‌ای از صاحب نظران به حرمت تغییر جنسیت معتقـد شده‌انـد. یکی از مهم‌ترین دلیل‌های مطرح شده برای عدم مشـروعیت تغییر جنسـیت، پدیـد آمـدن «تغییر در خلقت خـدا» است. جـالب آن که، این دلیل مورد اسـتناد یکی از فقیهان شـیعه (آیت‌الله میرزا جواد تبریزی) و برخی فقیهـان اهل سـنت (شـیخ یوسف قرضاوی) و نیز کلیسای مسـیحی قرار گرفته است. عـده‌ای به آیه ۱۱۹ سوره نساء استناد کرده‌اند، که به نظر ما این آیه

تغییرجنسیت، ص: ۳۵۹

شریفه نـاظر به این نکته است که هر نوع تغییر و تبـدیل به منظور تشـریع و بـدعت گـذاری در دین و شـریعت صورت گیرد، حرام و مصـداق کار شـیطانی و به عنوان تغییر در خلقت الهی محسوب می‌شود. از این رو، آیه فوق، به بحث مورد نظر، یعنی تبـدیل مرد به زن و یـا تبـدیل زن به مرد مربوط نمی‌شود و اسـتناد به این آیه، برای اثبـات حرمت تغییر جنسـیت نـاصواب است و بیش از ده تن از فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت فتوا داده‌اند، از این آیه شریفه، حرمت تغییر جنسیت استفاده نکرده‌اند.

د) جایگاه ویژه تغییر جنسیت در حقوق ایران

امام خمینی به عنوان بنیان گذار جمهوری اسـلامی ایران و به عنوان مبتکر مباحث فقهی تغییر جنسـیت، به جواز تغییر جنسـیت معتقد شده‌انـد، که دیـدگاه ایشـان در کتاب تحریرالوسیله بیان شـده است. علاوه بر این، ایشان با صـدور فتوایی ویژه، در مورد یک بیمار ترانس سـکشوال (خنثـای روانی) بـه مریم مُلک آرا (فریـدون سـابق)، تحـول مهمی در رونـد فقهی و حقـوقی این مسـأله به وجـود آوردند.

آیت‌الله سـید علی خـامنه‌ای و حـدود ده تن از فقیهـان شـیعه نیز به جواز و مشـروعیت تغییر جنسـیت نظر داده‌انـد. براین اساس، یک پشـتوانه شـرعی و فقهی بسـیار مهمی برای روند حقوقی این مسأله، در ایران به وجود آمد. به عبارت دیگر، از نظر قانونی، انجام این عمـل در ایران مجـاز اعلاـم شـد و در طی پـانزده سـال گذشـته، حـدود پانصـد عمـل جراحی تغییر جنسـیت انجـام شـد که حتی در کشورهـای اروپـایی سـابقه نـداشت و از آن جـایی کـه تغییر جنسـیت در کشورهـای عربی، غیر قـانونی است، بنـدرت این عمـل در کشورهایی مانند: کویت، مصر و امارات گزارش شده است.

ه (ارتباط تغییر جنسیت با بیماران جسمی و روحی

تغییر جنسـیت، ارتبـاط تنگـاتنگی بـا بیمـاران جسـمی و بیمـاران روحی دارد. منظور از بیمـاران جسـمی، افرادی ماننـد خنثی‌ها یا دو جنسی‌ها هستند و منظور از بیماران روحی، ترانس سکشوال (خنثای روانی) است. در مورد مشروعیت یا جواز تغییر جنسیتِ خنثی‌ها، تقریباً دیدگاه مخالفی وجود ندارد و فقیهان شیعه و سنی در مشروعیت عمل

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۰

جراحی این عده متفق القولند.

امـا در مورد تغییر جنسـیت افرادی که در ظـاهر، سـالم هسـتند، ولی از نظر روحی، دچار اختلال هویت جنسـی هسـتند، اختلاف نظر شدیـدی وجود دارد. اکثریت فقیهـان شـیعه بـا عمـل جراحی این عـده موافق و همه صاحب نظران اهل سـنت با آن مخالفنـد. به نظر می‌رسـد با توجه به «اضـطرار» و «عُسـر و حرج» که این بیماران با آن مواجهنـد، و از آن جایی که راه درمان دیگری در حال حاضـر برای آنان، جز تغییر جنسیت وجود ندارد، عمل جراحی تغییر جنسیت مجاز است.

در هر حال، عمل جراحی تغییر جنسـیت، با بقیه عمل‌های جراحی تفاوت ماهوی و اساسـی دارد. دلیل این امر، آن است که در مورد عمل‌های جراحی دیگر، مانـند: عمل قلب، کلیه، چشم و ماننـد آن، هیـچ اختلاف نظری وجود نـدارد. به عبارت دیگر، همه صاحب

نظران و حقوق دانان، اعم از شیعه و سنّی و اعم از مسلمان و غیرمسلمان، معتقدند چنان‌چه عمل جراحی، ضرورت داشته باشد و بیمار راهی دیگر جز آن نداشته باشد، هیچ گونه ممنوعیتی در انجام عمل جراحی وجود ندارد؛ در حالی که در عمل جراحی تغییر جنسیت، مخالفان و موافقان زیادی وجود دارد؛ چه این که شخص با تغییر جنسیت، از جنسیت مردانه خارج و وارد جنسیت زنانه، و یا برعکس می‌شود. به دنبال این تبدّل و تغییر، آثار اجتماعی، حقوقی و فقهی، متناسب با جنسیت جدید شخص نیز تغییر می کند. از این رو، لازم است این عمل جراحی، با دقت و کنترل ویژه همراه باشد تا عوارض منفی به دنبال نداشته باشد.

۲. پاسخ به پرسش‌های اصلی تحقیق

در ابتدای این رساله، چندین پرسش به عنوان «سوالات اصلی تحقیق» مطرح شد. اینک بار دیگر، آن پرسش همراه با پاسخ مختصر آن بیان می‌شود:

سؤال اول: آیا تغییر جنسیت، تغییر در خلقت خداوند محسوب نمی‌شود؟

پاسخ: همان طور که پیش‌تر بیان شد، یکی از اشکالات اصلی که در بحث تغییر جنسیت مطرح شده است، این است که تبدیل پسر به دختر و یا برعکس، تغییر در

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۱

خلقت خداوند متعال است. به عبارت دیگر، این خدای بزرگ است که برخی را پسر و برخی را دختر می‌آفریند، آیا تغییر جنسیت، به معنای دست کاری در کار خداوند متعال محسوب نمی‌شود؟ برخی فقیهان شیعه و سنی به آیه ۱۱۹ سوره نساء استناد کرده‌اند (فلیغیرنَّ خلق الله).

به نظر ما، این آیه شریفه نمی‌تواند ناظر به بحث تغییر جنسیت باشد، بلکه با توجه به شأن نزول آیه، تفسیر این آیه از سوی ائمه علیهم السلام و کلام جمعی از مفسرین شیعه و سنی، خداوند متعال از کارگروهی از افراد مذمت و نهی می کند که برخی نعمت‌های حلال خداوند را برخود حرام می کردند. برای مثال، هرگاه شتر ماده چند بچه می‌زائید، پس از به دنیا آمدن بچه پنجم، گوش شتر مادر را می‌بریدند یا چشم آن را در می‌آوردند و آن را در راه خداوند قرار می‌دادند! و آن‌گاه از سوار شدن بر آن و یا استفاده از گوشت شتر، خودداری می کردند. به عبارت دیگر، با این کار خویش، حلال خداوند را برخود حرام می کردند. خداند متعال از تشریع و بدعت گذاری آنان نهی شدید کرده و این کار آنان را یک عمل شیطانی و تغییر در خلق الله معرفی می کند.

مضافاً به این که اگر تبدیل و ایجاد دگرگونی در خلق خداوند متعال حرام باشد، لازم می‌آید که تمام تغییراتی که ابنای بشر در اشیای دنیا به وجود می‌آورند حرام و مصداق کار شیطانی باشد، در حالی که بطلان این سخن واضح بوده و هیچ کس بدان اعتقاد ندارد.

جمع کثیری از فقیهان شیعه معتقدند که تغییر جنسیت فی حد نفسه حرام نیست. تنها اگر حرمتی در میان باشد، به دلیل ملازمات حرام، مانند لمس حرام و نظر حرام است. در نتیجه، اگر بیمار، که خواهان تغییر جنسیت است به این عمل، اضطرار داشته باشد، به گونه‌ای که راه دیگری برای درمان وی، جز عمل جراحی تغییر جنسیت وجود نداشته باشد، تغییر جنسیت برای وی مجاز بوده و از جهت ملازمات حرام، برای وی منعی وجود ندارد.

سؤال دوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین چگونه خواهد شد؟

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۲

پاسخ: از ارکان ازدواج آن است که دو نفر از جنس مخالف با یکدیگر پیمان نکاح ببندند. بنابراین، ازدواج «دو مرد» یا «دو زن» غیر شرعی و حرام است. به عنوان یک «قاعده کلی» می‌توان گفت: هرگاه پس از تغییر جنسیت، و در وضعیت جدید، موضوع

ازدواج «مرد و زن» تغییر کند و به موضوع جدید «دو مرد» یا «دو زن» تبدیل شود، ازدواج سابق باطل و منحل خواهد شد و روابط زناشویی آن دو، مصداق هم جنس بازی (لواط یا مساحقه) خواهد بود.

پس اگر مرد به تنهایی، یا زن به تنهایی تغییر جنسیت دهد، ازدواج سابق باطل خواهد بود. نیز اگر هر دو تغییر جنسیت دهند، ازدواج سابق باطل خواهد بود و فرقی نمی‌کند که تغییر جنسیت آن دو، به صورت همزمان باشد یا غیر همزمان؛ اگر چه برخی فقیهان شیعه احتمال داده‌اند که چنان‌چه زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت دهند، ازدواج سابق هم چنان برقرار خواهد بود.

اما در برخی موارد، تغییر جنسیت یکی از زوجین، تأثیری در ازدواج ندارد. به عبارت دیگر، ازدواج سابق هم چنان دارای بقا و استمرار است. برای مثال، اگر شوهر که خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب مردانه) است تغییر جنسیت دهد و علائم و آثار جنس زن را حذف نماید، به مرد کامل تبدیل می‌شود. نیز اگر زوجه که خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب زنانه) است، تغییر جنسیت دهد و آثار و علائم جنس مرد را حذف نماید، به زن کامل تبدیل می‌شود. در این دو حالت اخیر، ازدواج سابق هم چنان برقرار است.

سؤال سوم: وضعیت مهریه، پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟ آیا زوجه می‌تواند مهریه خویش را مطالبه کند؟

پاسخ: گاه تغییر جنسیت در عقد دائم اتفاق می‌افتد و در مواردی ممکن است در عقد موقت، تغییر جنسیت روی دهد. در مورد تأثیر تغییر جنسیت در عقد دائم چهار احتمال بیان شد. یک احتمال که به نظر قوی‌تر می‌آید این است که چنان‌چه تغییر جنسیتِ یکی از زوجین، پس از دخول صورت گرفته باشد، تمام مهریه به نفع زوجه

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۳

ثابت است و چنان‌چه قبل از دخول، تغییر واقع شود، تنها پرداخت نصف مهریه لازم خواهد بود. این دیدگاه، متقن‌تر و موافق نظر مشهور فقیهان اسلامی و روایات کثیره است. البته دیدگاه دیگر که خالی از قوت و اتفاق نیست آن است که پرداخت کل مهریه مطلقا واجب است، چه تغییر جنسیت قبل از دخول باشد و چه پس از آن.

مهریه در عقد موقت، برخلاف عقد دائم از ارکان مهم عقد است که براساس آن، مهریه در عوض «تمکین زوجه» است. اگر زوجه در بخشی از مدت عقد موقت، تمکین نکند، به همان میزان از مهریه کاسته می‌شود، ولی اگر زوج در عقد موقت، بقیه مدت را بذل کند، باید تمام مهریه را پرداخت کند. بر این اساس، اگر زوج در عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، بایستی تمام مهریه را پرداخت کند؛ گویا که مدت را بذل کرده و از ادامه زندگی منصرف شده است و اگر زوجه در عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، به مقدار زمان تخلف از میزان مهریه کاسته می‌شود.

سؤال چهارم: وضعیت نفقه زوجه پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین چگونه خواهد شد؟

پاسخ: هرگاه زوج یا زوجه تغییر جنسیت دهد و این تغییر جنسیت، واقعی باشد، طبیعی است که ازدواج سابق باطل می‌شود. احکام زوجیت، مانند نفقه به تبع موضوع (ازدواج سابق) از بین می‌رود؛ چه این‌که احکام، دائر مدار موضوعات هستند و با انتفای موضوع، حکم آن نیز از بین می‌رود. بنابراین، به عنوان یک «قاعده کلی» می‌توان گفت: هرگاه «نکاح دائم» وجود داشت و علاوه بر آن، تمکین (عدم نشوز) نیز موجود باشد، «وجوب نفقه» به عنوان یک حکم شرعی ثابت است و هرگاه یکی از آن دو شرط از بین رود، وجوب اعطای نفقه نیز نفی می‌شود.

طبیعی است که پس از تغییر جنسیتِ یکی از زوجین، یکی از آن دو شرط، یعنی «ازدواج دائم» از بین می‌رود. بنابراین، نفقه نیز از بین خواهد رفت. مسأله «سقوط نفقه» به دلیل «تغییر جنسیت»، آن قدر بدیهی و روشن است که فقیهان شیعه از آن ذکری به میان نیاورده‌اند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۴

اما در برخی موارد، تغییر جنسیت، تغییری در مسأله نفقه به وجود نمی‌آورد، و آن در وقتی است که تغییر جنسیت، در استمرار و بقای ازدواج، تأثیری نداشته باشد. به عبارت دیگر، هرگاه پس از تغییر جنسیتِ یکی از زوجین، ازدواج سابق هم چنان استمرار داشته باشد. نفقه که یکی از آثار ازدواج دائم است نیز استمرار خواهد داشت. برای مثال، هرگاه زن پس از تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل با جنسیت غالب زنانه تبدیل گردد، ازدواج سابق و در نتیجه، نفقه نیز استمرار خواهد داشت.

سؤال پنجم: چنان‌چه مرد تغییر جنسیت دهد، آیا حق ولایت و سرپرستی کودکان را از دست خواهد داد؟ چنان‌چه زن تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود آیا می‌تواند ولایت کودکان را به دست آورد؟

هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ گاه بر کودکانش ولایت پیدا نمی‌کند، بلکه با نبود پدر، ولایت برای جدّ پدری و در صورت نبود جدّ پدری، ولایت کودکان بر عهده حاکم شرع خواهد بود.

اما هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد، عده‌ای معتقدند: ولایت وی بر کودکانش ساقط خواهد شد، ولی به نظر می‌رسد تغییر جنسیت پدر، تأثیری در ولایت وی ندارد.

هم‌چنین تغییر جنسیت مادر، تأثیری در حق حضانت وی بر کودکان خردسالش ندارد. چون عنوان مادری از وی زایل نشده است اگرچه انوثیت (زن بودن) وی از بین رفته است و به مرد تبدیل شده است.

نیز عنوان پدر، پس از تغییر جنسیت عوض نمی‌شود و عرفاً شخص می‌تواند بگوید: این شخص پدر من است که تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است و فرض آن است که حضانت کودک به پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است. علاوه بر این، پدر از نظر شرعی، کسی است که فرزند از اسپرم وی به وجود آمده باشد و این امر با تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند؛ اگر چه از مفهوم ماده ۱۱۷۰ و ۱۱۷۳ قانون مدنی ایران می‌توان استفاده کرد که پدر پس از تغییر جنسیت فاقد صلاحیت خواهد شد، مخصوصاً از آن جهت که پس از تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، با مرد دیگری ازدواج کند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۵

سؤال ششم: عناوین نسبی پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد شد؟

پاسخ: منظور از «عناوین نسبی»، عناوینی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و نیز پدر و مادر است. هرگاه برادر یا خواهر، عمو یا عمه، دایی یا خاله تغییر جنسیت دهد، انتساب یا «قرابت نسبی» از بین نمی‌رود، بلکه نسبت میان آن دو عوض می‌شود و هر عنوان خانوادگی، به قرینه خودش تبدیل می‌شود؛ یعنی عنوان برادر به عنوان خواهر تبدیل می‌شود و بر عکس. نیز عمو به عمه یا بر عکس تبدیل می‌شود. نیز دایی به خاله یا برعکس تبدیل می‌شود.

اما تغییر جنسیت، تغییری در عنوان «فرزند» به وجود نمی‌آورد. چنان‌چه فرزند، تغییر جنسیت دهد، وی هم چنان فرزند همان پدر و مادر است. به عبارت دیگر، رابطه یا نسبت «پدر و فرزند» و نیز نسبت و رابطه «مادر و فرزند» در پیش و پس از تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند.

تغییر جنسیت پدر، وی را به عنوان «مادر» تبدیل نمی‌کند. نیز پس از تغییر جنسیت مادر، وی به عنوان «پدر» شناخته نمی‌شود، بلکه می‌توان گفت: پدر پس از تغییر جنسیت، عرفاً و شرعاً هم چنان پدر است، اگر چه به زن تبدیل شده است. نیز مادر پس از تغییر جنسیت، هم چنان مادر است، اگر چه به زن تبدیل شده است.

سؤال هفتم: وضعیت ارث پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟

پاسخ: هرگاه فردی، جنسیت خویش را تغییر دهد، آیا براساس جنسیت فعلی ارث می‌برد یا براساس جنسیت سابق؟ برای مثال، اگر پسری به دختر تبدیل شود، آیا سهم الارث وی به اندازه پسر است یا به اندازه دختر؟

همه فقیهان شیعه متفق القولند که ملاک ارث در این گونه موارد، جنسیت فعلی فرزندان است. بنابراین، دختر فعلی، نصف پسر

فعلی ارث می‌برد.

هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، زن فعلی چه میزان سهم الارث می‌برد، آیا براساس جنسیت فعلی یا براساس جنسیت سابق خویش. نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، مرد فعلی چه مقدار سهم الارث از فرزند (میت) دریافت می‌کند؟

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۶

در مجموع سه احتمال داده شد. احتمال قوی آن است که اولًا: پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده، از فرزند (فوت شده) ارث می‌برد و رابطه توارث میان والدین و فرزندان قطع نمی‌شود. ثانیاً: میزان ارث پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده است، براساس «زمان انعقاد نطفه» است؛ یعنی برای پدر در حال انعقاد نطفه، دو سوم () است، هر چند بعداً به زن تبدیل شود و نیز برای مادر در حال انعقاد نطفه، یک سوم () است، هر چند بعداً به مرد تبدیل شود.

۳. مشکلات تحقیق

اشاره

هر تحقیق و پژوهش، مخصوصاً در سطح چهار (دکتری) مشکلات خاص خودش را دارد. در ذیل به مهم‌ترین مشکلات این رساله اشاره می‌شود:

الف) کمبود منابع

اگرچه فقیهان شیعه، بسیار بیش‌تر از فقیهان اهل سنت، درباره تغییر جنسیت اظهار نظر کرده‌اند، ولی مطالبی که از فقیهان شیعه در دست است، بیش‌تر به صورت استفتا یا «پرسش و پاسخ» است و تنها شش تن از فقیهان شیعه به صورت مبسوطتر درباره آن، مطالبی را به رشته تحریر در آورده‌اند، مانند: آیت‌الله سید محمد صدر، آیت‌الله محمد مؤمن، آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله علی مشکینی و آیت‌الله محمد آصف محسنی و حجه الاسلام محمد قائنی.

طبیعی است موضوعی با این اهمیت، که از جمله مسائل مستحدثه (موضوعات نوپیدا) محسوب می‌شود، منابع بیش‌تری را می‌طلبد. امید است با توجه به زحمات و تلاش‌های گران سنگِ فقیهان اسلام، توانسته باشم از عهده تحریر و تحقیق این رساله برآمده باشم.

ب) تغییر جنسیت به عنوان موضوع نوپیدا

اگرچه تغییر جنسیت، مباحث بسیاری از نظر فقهی و یا حقوقی در خود نهفته دارد، ولی از جهت دیگر، یک موضوع پزشکی محسوب می‌شود و پیشرفت‌های علم

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۷

جراحی، تأثیرات شگرفی در این زمینه به وجود آورده است. بنابراین، برای «بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، موضوع شناسی یا تحریر موضوع، از اهمیت زیادی برخوردار است. به این منظور، با پزشکان، روان پزشکان، بیماران و خانواده‌های آن‌ها گفت و گو داشته، و در این باره گزارش‌ها و عکس‌هایی را تهیه کرده‌ام. برای پرهیز از اطاله کلام، تنها بخشی ازگزارش‌ها و عکس‌ها در رساله آورده شد (به بخش ضمائم مراجعه فرمایید).

۴. پیشنهادات

الف) ضرورت شناخت ابعاد مختلف تغییر جنسیت

تغییر جنسیت، تنها در قالب مباحث فقهی و حقوقی، خلاصه نمی‌شود، اگرچه این رساله، بیش‌تر به این امر توجه داشت. به عبارت دیگر، این مسأله دارای ابعاد گوناگونِ دیگری مانند: جامعه شناسی، روان شناسی و پزشکی نیز هست. بنابراین، برای تبیین هر چه بیش‌تر این مسأله، لازم است به ابعاد مختلف آن توجه داشت، در غیر این صورت، نمی‌توان درک درستی از این پدیده داشته باشیم. از این رو، پیشنهاد می‌شود یک سازمان دولتی ویژه، به این امر اختصاص داده شود و عده‌ای از صاحب نظران در رشته‌های گوناگون، عضو آن باشند. وظیفه این نهاد قانونی، تدوین قوانین، آیین نامه و دستورالعمل‌های مربوط به تغییر جنسیت است. علاوه بر این، این نهاد رسمی مسؤولیت نظارت و کنترل را نیز به عهده خواهد داشت.

اگرچه گفته می‌شود در پانزده سال گذشته حدود ۵۰۰ تغییر جنسیت در ایران صورت گرفته است، ولی هیچ آمار رسمی و دقیق در این باره وجود ندارد. نیز هیچ آماری درباره تعداد بیماران دو جنسی و ترانس‌ها وجود ندارد. علاوه بر این، بیماران پس از تغییر جنسیت، به حال خود رها شده‌اند، و هیچ کنترل، نظارت و حمایتی در مورد آنان وجود ندارد. همه این نابسامانی‌ها با تعیین یک سازمان دولتی و قانونی، کاهش خواهد یافت.

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۸

ب) ضرورت تدوین قانون یا آیین نامه مربوط به تغییر جنسیت

فقیهان شیعه در رأس آنان مرحوم امام خمینی، مباحث فقهی مسأله تغییر جنسیت را از قبیل: جواز یا عدم جواز، تأثیر آن بر ازدواج، مهریه، نفقه، ولایت و سرپرستی کودکان و عناوین خانوادگی بیان داشته‌اند. همین امر، پشتوانه شرعی و فقهی مهمی برای انجام عمل‌های جراحی تغییر جنسیت به وجود آورده است. با این وجود، مباحث فقهی فقیهان شیعه، در قالب مواد قانونی یا آیین نامه ویژه تنظیم نشده است.

تنها یک رویه قضایی در قانونی بودن این گونه عمل‌های جراحی، به وجود آمده است که بر اساس آن، افرادی که خواهان تغییر جنسیت هستند، پس از مراجعه به دادگستری تهران و سپس ارجاع آنان به پزشکی قانونی، چنانچه ضرورت این عمل برای آنان احراز شد، به پزشک جراح برای انجام عمل جراحی تغییر جنسیت ارجاع داده می‌شوند. پس از تغییر جنسیت، مدارک رسمی آنان مانند: شناسنامه، گواهی نامه راهنمایی و رانندگی و مدارک تحصیلی تعویض شده، و مدارک جدید با نام جدیدِ شخص صادر می‌شود.

به نظر می‌رسد تنها رویه فوق، برای حل مشکلات حقوقی و اجتماعی افراد تغییر جنسیت یافته کافی نیست، بلکه با تدوین قانونی جامع، باید وضعیت حقوقی آنان را نظام‌مند ساخت.

ج) ضرورت پیشنهاد عناوین و موضوعات مرتبط

تغییر جنسیت از مسائل نو پیدا و جدید است که در قرن بیستم به وجود آمده هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود. عنوان «تغییر جنسیت» یک عنوان عام و کلی است که ریز موضوع‌های گوناگون و متعددی را در بر می‌گیرد که در این رساله به مهم‌ترین آن توجه شده است. به نظر می‌رسد مجامع علمی حوزوی و دانشگاه‌ها، مخصوصاً واحد تدوین رساله، باید به عناوین جزئی‌تر این قضیه توجه کرده و از طریق واگذاری موضوعات و عناوین، در شکوفایی هر چه بیش‌تر این بحث کمک نمایند. البته منظور نگارنده، تنها بررسی فقهی یا حقوقی این مسأله نیست، بلکه لازم

تغییرجنسیت، ص: ۳۶۹

است استادان و دانشجویان رشته های پزشکی، روان پزشکی و جامعه شناسی، به آن توجه خاص مبذول دارند.

د) تشکیل نشست‌های علمی ویژه

تاکنون چندین سمینار در بحث دو جنسی‌ها، ترانس‌ها و تغییر جنسیت در شهرهای تهران، مشهد، گرگان برگزار شده است، ولی به دلیل ابعاد متنوع و گوناگونِ این موضوع، لازم است این گونه نشست‌ها و سمینارهای علمی، با حضور اساتید و صاحب نظران، از رشته‌های گوناگون و با حمایت‌های ویژه تشکیل شده و نتایج آن در قالب کتاب، مجموعه مقالات و گزارش در اختیار عموم قرار گیرد. تا کنون هیچ کتاب مستقل در بحث تغییر جنسیت نوشته نشده است. از این رو، اطلاعات عموم مردم و حتی افراد تحصیل کرده در این باره کم و ناچیز است.

ه (ضرورت کار میدانی

پژوهش‌های مربوط به تغییر جنسیت، به دلیل ویژگی خاص آن، نیازمند کار میدانی است، در غیر این صورت، ابعاد گوناگون آن ناشناخته باقی خواهد ماند. برای این منظور، طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان که در این زمینه تحقیق و پژوهش می‌کنند، لازم است از نزدیک با بیماران دو جنسی، ترانس‌ها و نیز پزشکان و روان پزشکان تعامل و گفت و گو داشته باشند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۱

ضمائم

اشاره

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۳

ضمیمه ۱ گفت‌وگو با برخی بیماران اختلال هویت جنسی

گزارش میدانی اول: گزارشی از یک مطب تغییر جنسیت

برای به دست آوردن اطلاعات کافی و لازم از افرادی که در ایران تغییر جنسیت می‌دهند، تصمیم گرفتم با تنی چند از این بیماران گفت و گو داشته باشم. برای این منظور از قبل با یکی از پزشکان جراحِ تغییر جنسیت هماهنگی کرده و از قم به تهران رفتم. یکی از بستگان نیز مرا در این سفر همراهی کرده و با یک دستگاه ضبط صوت کوچک و دوربین عکاسی وارد مطب شدم. قبل از من، مادرِ یکی از بیماران نیز وارد مطب شده بود. بتدریج بیماران اختلال هویت جنسی وارد سالن انتظار شده و تقریباً سالن از بیماران و همراهان پر شد.

افرادی که در سالن بودند، با قیافه‌و ظواهر گوناگون و گاه عجیب بودند. بعضی از آنان به درستی قابل تشخیص نبودند که آیا زن هستند یا مرد یا ......؟! نگاه‌های شک و تردید افراد حاضر نسبت به من، مرا زجر می‌داد تا این‌که دکتر جراحِ تغییر جنسیت وارد مطب شد و چون از قبل با من در یک همایش علمی آشنا شده بود، با من احوال پرسی گرمی داشت و ورود من را خوش آمد گفت. در واقع من اولین کسی بودم که وارد

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۴

مطب شدم و از فرصتی که به من داده بود تشکر کردم. او گفت: شما می‌توانید با تمامی بیماران من مصاحبه و گفت و گو داشته باشی. از مطب خارج شده و وارد سالن انتظار شدم. در این حالت، تقریباً نگاه‌های شک و تردید بیماران برطرف شده بود. با بیش‌تر افرادی که در سالنِ انتظار بودند، گفت و گو کردم که شرح آن را در ذیل می‌آورم.

مورد اول: برای شروع کار، کنار مرد جوانی نشستم که دفتری بزرگ در دست داشت و با قلمی که در دست داشت، مشغول نقاشی تصاویر زنان در حالت‌های مختلف بود. این مرد جوان، ریش و سبیل خود را از ته تراشیده، و موهای سر خود را همانند زنان بلند نموده، و نیز ابروهای خود را همانند زنان نازک کرده بود. به او سلام کردم و او با حجب و حیا جواب سلام مرا داد.

پرسیدم: چند سال داری؟

گفت: ۲۷ سال.

- اهل کجا هستی و وضعیت خانواده شما چگونه است؟

- اهل رشت هستم و ما مجموعاً ۱۲ خواهر و برادر هستیم؛ ۵ واهر و ۷ برادر، و من برادر سوم خانواده هستم.

- علت مراجعه شما به مطب جراح تغییر جنسیت چیست؟

- من اختلال جنسی دارم و برای تنوع هم که شده، می‌خواهم تغییر جنسیت بدهم.

- ممکن است بیش‌تر توضیح بدهی، آیا شما دو جنسی هستی؟!

- خیر؛ من دو جنسی (هرمافرودیت) نیستم. بلکه کاملًا پسر هستم، ولی هیچ علاقه‌ای به جنس مخالف (زن) ندارم، بلکه مرد را دوست دارم!

- آیا اعضای خانواده شما، مثل والدین و برادر و خواهر با تغییر جنسیتِ شما موافق هستند؟

- خیر، والدینم بشدت با من مخالفت می‌کنند. برادران و خواهرانم نیز مخالف تغییر جنسیتِ من بوده، و پیوسته مرا مسخره می‌کنند. آنان تهدید کرده‌اند اگر تغییر جنسیت

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۵

بدهم مرا خواهند زد! نیز هرگاه بخواهم از شهرستان رشت به تهران، جهت معالجه بیایم، دندان درد و پر کردن دندان را بهانه می‌کنم. به هر حال، مصمم به تغییر جنسیت هستم.

- چرا به روان شناس جهت معالجه مراجعه نمی‌کنی؟

- به مدت ۵/ ۲ سال به روان پزشک مراجعه کرده‌ام، ولی هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ام.

- بعد از تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، مشکلات روحی و روانی شما بیش از اکنون خواهد شد. آیا فکر می‌کنی که کار ما درست نباشد؟

- به هر حال، مشکلات روحی من بعد از تغییر جنسیت، کم‌تر از مشکلات روحی زمان فعلی خواهد بود.

این مرد در ادامه سخنانش گفت: همیشه مانتوی زنانه می‌پوشم و آرایش می‌کنم!!

مورد دوم: پسر جوانی بود که حدود ۲۵ سال سن داشت، موهای سر خود را همانند زنان بلند گذاشته و گردنبند طلایی نیز به گردن آویخته بود. او ریش و سبیل خود را تراشیده و نیز مقداری آرایش کرده بود و کاملًا واضح بود که هنوز تغییر جنسیت نداده است. خواستم با او باب گفت و گو را باز کنم، بسیار عصبانی و ناراحت شد و با صدای بلند سخن می‌گفت، به گونه‌ای که توجه همه افرادی که در سالن انتظار نشسته بودند، به خود جلب کرد.

به او گفتم: من یک پژوهشگر هستم و درباره تغییر جنسیت تحقیق می‌کنم. شما اطمینان داشته باشید من مسؤول دولتی یا مأمور

نیستم. بنابراین، می‌توانید با خیال راحت با من گفت و گو داشته باشی.

گفت: این گفت و گوها فایـده‌ای به حال من نـدارد. کسـی مرا درک نمی‌کند و همه مرا مسـخره می‌کنند. از درب منزل تا این جا، پیوسته مورد شماتت و مسخره مردم کوچه و بازار قرار گرفته‌ام.

در این حال، خانمی که خود از بیماران اختلال هویت جنسـی بود به دفاع از من پرداخت و گفت: این آقا می‌خواهد به نفع شما کار کند، بنابراین، دلیلی ندارد که

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۶

عصبانی باشی! امّا چیزی از عصبانیت این مرد کم نشد و در ادامه گفت:

همه پـدرها و مادرها دوست دارنـد که فرزندشان مهندس و دکتر شوند، ولی من در ترم پنجم دانشگاه ترک تحصـیل کرده‌ام. یک خانه اجاره‌ای تهیه کرده‌ام و اکنون تنها زندگی می‌کنم و بدون اطلاع پدر و مادرم می‌خواهم تغییر جنسیت بدهم.

به هر حـال، گفت و گو بـا او به دلیـل عصـبانیت این شـخص ادامه پیـدا نکرد. در این هنگـام خـانمی که قبلًا از من دفاع کرده بود، خودش را به من رساند و گفت و گو با او را شروع کردم که در ادامه ملاحظه می‌کنید.

مورد سوم: این خانم که ل- ب نام دارد با روی گشاده به پرسش‌های ما پاسخ داد که خلاصه آن از این قرار است:

پرسیدم: مشکل شما چیست؟

گفت: من دو جنسی هستم.

- دقیقاً توضیح دهید.

- من دارای هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه بودم. البته آلت تناسلی مردانه کوچک بود که بیست سال پیش در لندن عمل کردم و بدین وسیله، آلت مردانه حذف شد و الان به عنوان یک زن هستم.

- سن شما چه قدر است؟

- ۴۵ سـال دارم و دوبـار ازدواج کردم. بار اول، شوهرم به دلیل عـدم باروری بنـده، مرا طلاق داد، در حالی که شدیـداً به یکـدیگر علاقه داشتیم. البته شوهر سابق من، از دو جنسی بودن من بی‌اطلاع بود. بعد از طلاق از شوهر سابقم، با مرد دیگری ازدواج کردم.

- آیا الان دارای فرزند هستی؟

- خیر، هنوز فرزنـد ندارم. اساساً دو جنسـی‌ها یا کسانی که تغییر جنسـیت می‌دهند، صاحب فرزند نمی‌شوند. جای نگرانی نیست. ما هم مثل خیلی از خانم‌هایی هستیم که بارور نمی‌شوند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۷

- آیا روند حقوقی یا قانونی برای تغییر جنسیت در ایران مورد تأیید شماست؟

- از نظر حقوقی هیچ مشکلی وجود ندارد. افرادی که دارای اختلال جنسی هستند، پس از کسب مجوز از پزشکی قانونی، می‌توانند تغییر جنسیت دهند.

وی در ادامـه گفت و گـو گفت: تنهـا تعـداد کمی از کسـانی که تغییر جنسـیت می‌دهنـد، می‌تواننـد از نظر ازدواج، شـغل، پـذیرش اجتماعی و ..... شانس داشته باشند. برخی از مردها، پس از تغییر جنسیت نمی‌توانند به عنوان یک زن ازدواج کنند، یا به عنوان یک زن پذیرش اجتماعی داشته باشند. یکی از دلایل این امر، آن است که هنوز حالت‌های مردانه در آن‌ها باقی مانده است.

مورد چهارم: خانمی با حجاب در گوشه‌ای از سالن نشسته بود. بعداً فهمیدم او یکی از مأموران زن زندان اوین است. پس از سلام و احوال پرسی از او پرسیدم:

ممکن است بفرمایید برای چه امری به مطب تغییر جنسیت آمده‌اید؟!

گفت: برای فردی به مطب مراجعه کرده‌ام که الان به جرم ولگردی دستگیر شده و مدت ۲ ماه است که در زندان اوین است.

- این شخص که دستگیر شده چه وضعیتی داشته است؟

این فرد قبلًا دوجنسی بوده، ولی ظاهری مردانه داشته و نامش حمید است. بعداً تغییر جنسیت داده و تبدیل به زن شده و اکنون نام شیوا را برای خود انتخاب کرده است.

- در چه سنی عمل تغییر جنسیت را انجام داده و دقیقا بفرمایید از نظر جسمی چگونه بوده است؟

- در سن بلوغ، یعنی حدود ۱۵ سالگی، اختلال جنسی او بیش‌تر آشکار می‌شود از نظرجنسی، هم آلت مردانه و هم رحم داشته است، اما آلت مردانه او ضعیف و کوچک بوده و با عمل جراحی برداشته شده والان جنسیت زنانگی او تقویت شده است و همان طور که عرض کردم نام جدید شیوا را برای خود انتخاب کرده است.

- علت دستگیری او چیست؟

- چون هنوز ظاهر مردانه دارد، با تعدادی از دخترها در خیابان حرکات نامناسبی از

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۸

خود نشان می‌داده است. از این جهت، نیروی انتظامی به جرم ولگردی و رفتار خلاف عفت عمومی او را دستگیر کرده است. در واقع، ما الان برای گرفتن گواهی پزشک مراجعه کرده‌ایم تا برای قاضی ثابت کنیم که او مرد نیست، بلکه زن است، تا در نهایت بتوانیم او را از زندان آزاد کنیم.

مورد پنجم: در گوشه‌ای از سالن انتظار، مادری پیر نشسته بود که آثار غم و اندوه از چهره‌اش نمایان بود. در کنار او فرد جوانی با موهای بلند، ریش و سبیل تراشیده که حدوداً ۲۵ سال داشت، نشسته بود. وی حدود سه هفته قبل، عمل جراحی تغییر جنسیت را انجام داده بود. در وضعیت جدید و از نظر ظاهر نمی‌توان تشخیص داد که زن است یا مرد! ولی شباهت زیادی به زن داشت. نام فعلی او آیدین است و از نام قبلی او که پسر بوده، چیزی به دست نیاوردم. وی فعلًا دانشجو است و از این‌که تغییر جنسیت داده خوشحال بود. او می‌گفت: برای این کار، یعنی تغییر جنسیت، پدر و مادرم رضایت داده‌اند و از نظر اجتماعی مشکل نخواهم داشت.

مورد ششم: پسری را دیدم که حدود ۲۲ سال سن داشت. ریش و سبیل خود را تراشیده و موهای سرش را بلند کرده بود. یکی از ویژگی‌های او این بود که همانند زنان دارای سینه بود. دلیل این امر، استفاده از هورمون‌های زنانه قبل از عمل جراحی است. از او خواستم که کنارم بیاید تا باب گفت و گو را باز کنیم. با خوش‌رویی پذیرفت که خلاصه آن را در زیر می‌آوریم:

پرسیدم: شغل شما چیست؟

گفت: من دانشجوی دانشگاه آزاد تهران هستم.

- برای چه به مطب تغییر جنسیت مراجعه کرده‌اید؟

- برای تغییر جنسیت، و تبدیل شدن به زن مراجعه کرده‌ام.

- در حال حاضر، روند کار شما چگونه است؟

- پس از چند سال تلاش و پی‌گیری موفق شدم موافقت پزشکی قانونی را به دست آورم.

تغییرجنسیت، ص: ۳۷۹

حدوداً ده روز دیگر عمل خواهم کرد.

- آیا والدین شما با تغییر جنسیت شما موافق هستند؟

- والدینم موافق هستند. آن‌ها به خوبی مشکل اختلال هویت جنسی مرا درک کرده‌اند. بنابراین، مشکلات من نسبت به دیگران، که والدین آنان مخالف تغییر جنسیت هستند، کم‌تر است. حتی از نظر ادامه تحصیل مشکل نخواهم داشت. نهایت این است که پس از

تغییر جنسیت، از دانشگاه آزاد واحد برادران، به دانشگاه آزاد واحد خواهران منتقل خواهم شد. فکر می‌کنم چون بدنم همانند زنان ظریف است، بعد از تغییر جنسیت می‌توانم به عنوان یک زن در جامعه زندگی کنم!

مورد هفتم: مردی ۶۰ ساله را دیدم، در کنار او نشستم و باب گفت و گو را باز کردم.

پرسیدم: ممکن است بفرمایید برای چه به مطب تغییر جنسیت مراجعه کرده‌اید؟

گفت: دختری از بستگان من، می‌خواهد تغییر جنسیت بدهد. برای مشاوره و تأیید نهایی، پیش پزشک جراح آمده‌ام.

– این دختر چند ساله است و از چه مدت متوجه شده‌اید که او تراجنسیتی (ترانس سکشوال) بوده و نیازمند تغییر جنسیت است؟ آیا این بیمار، دو جنسی (هرمافرودیت) است؟

– خیر. از نظر جسمی و ظاهری کاملًا زن است، ولی از نظر روحی و فکری دچار اختلال هویت جنسی است. به عبارت دیگر، زن بودن خودش را قبول ندارد و مایل است هر چه زودتر، با عمل جراحی به مرد تبدیل شود.

آیا والدین او، با تغییر جنسیت وی موافق هستند؟

پدرش مرحوم شده، ولی مادرش با این عمل موافق است.

مراحل قانونی که شما طی کرده‌اید چگونه بوده است؟

– به پزشکی قانونی مراجعه کرده‌ایم و در این باره ۱۰ جلسه کمیسیون پزشکی منعقد شده است و در نهایت با تغییر جنسیت او موافقت شده است.

– آیا فکر می‌کنید از نظر اجتماعی، بیمار می‌تواند بعد از تغییر جنسیت جایگاه

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۰

مناسبی در اجتماع داشته باشد؟

– مطمئناً از نظر اجتماعی، فشارهای زیادی وجود دارد. به هر حال، به مدت ۲۰ سال به عنوان زن در جامعه شناخته شده است و الان به یک باره می‌خواهد به عنوان مرد وارد اجتماع شود. افراد جامعه گاه با تمسخر و انگشت نما کردن، با او برخورد می‌کنند، ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که برخی افراد که دچار اختلال هویت جنسی هستند، به اجبار به ازدواج تن می‌دهند، ولی این ازدواج ناکام است و به طلاق منجر می‌شود. بنابراین، لازم است با تبلیغات صحیح و با آزمایشات لازم قبل از ازدواج، جنسیت واقعی افراد را روشن ساخت.

مورد هشتم: خانمی ۵۰ ساله اخرین فردی است که در این جا از او یاد می‌کنیم. این خانم حدود یک ساعت و نیم با من گفت و گو و درد دل کرد. وی گاه گاهی به شدت گریه می‌کرد سخنان او از درد جانکاه حکایت می‌کرد. او از آزادی بی‌حد و حصر برای گرفتن مجوز تغییر جنسیت شکایت داشت. گوشه‌ای از سخنانش را در زیر می‌خوانید:

– من دارای دو فرزند پسر هستم. پسر بزرگم علی رضا، ۲۷ ساله و از نظر جسمی هیچ مشکلی نداشت. او کاملًا مرد و دارای ریش و سبیل بود. البته وقتی در سنین کودکی بود، بیش‌تر دوست داشت عروسک بازی کند. هم بازی‌های، بیش‌تر دخترها بودند. امّا بتدریج این حالت از بین رفت و مشکل چندانی نداشتیم. امّا در این چند ساله اخیر وضعیت او تغییر کرد. همیشه حالت‌های او را در نظر داشتم. در یک روز، حالت عجیبی از او دیدم. جریان از این قرار بود که در یک روز خواستم برای او حوله حمام ببرم، نگاهم به بدنش افتاد، دیدم همانند زنان، پستانش بزرگ شده است! پس از چندی، اتومبیل سواری خویش را فروخت و با پول آن، عمل جراحی کرد و تغییر جنسیت داد. او اکنون نام سپیده را برگزیده و حتی از طریق اداره ثبت احوال، شناسنامه خویش را عوض کرده است.

گزارش میدانی دوم: چند گفت و گوی دیگر

در ادامه، چند گزارش کوتاه از تعدادی از بیماران اختلال هویت جنسی یا تراجنسیتی می‌آورم که در زمان‌های مختلف و در طی سال‌های گذشته با آنان گفت و گو داشته‌ام.

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۱

مورد اول: جوانی حدود ۲۵ ساله تماس تلفنی گرفت و اصرار داشت که بنده را ملاقات کند تا بتواند پاسخی برای پرسش‌های خود بیابد. در قرار معین از تهران به قم به دیدنم آمد. وی که پسری بسیار مؤدب، خوش‌رو و منطقی بود، خود را دانشجوی زبان انگلیسی معرفی کرد.

گفت: من دانشجوی زبان هستم که تا چند ماه آینده مدرک کارشناسی ارشد خود را خواهم گرفت، اما یک بیماری جانکاه و سخت مرا رنج می‌دهد. این بیماری عبارت است از عدم تطابق جنسی. من میان زمین و آسمان قرار گرفته‌ام و آرزو می‌کنم سرطان مغز گرفته تا از این بیماری نجات پیدا کنم! اگر خودکشی از نظر اسلام جایز بود، مدت‌ها پیش خودکشی کرده بودم، اما می‌دانم خودکشی از گناهان کبیره است و من از عذاب آخرت بیمناکم. قرآن شریف می‌فرماید: ما برای شما جفت آفریدیم، به نظر شما جفت من کیست تا بتوانم با او ازدواج کنم؟!

گفتم: آیا شما دو جنسی هستی؟!

- خیر. من پسر هستم و از نظر ظاهر و جسمی هیچ فرقی با مردان دیگر ندارم، الا این‌که من زنی هستم در پیکر مرد! روح من در پیکر مردانه من اسیر شده است.

- آیا شما محتلم می‌شوی؟!

- آری.

- پس شما مرد هستی.

- خیر. من در نقش یک زن محتلم می‌شوم. گویا که با یک مرد ازدواج کرده‌ام .....

- چرا از طریق روان پزشکی، به معالجه خویش نمی‌پردازی؟!

- یش از دو سال به مهم‌ترین روان‌شناسان مراجعه کرده‌ام، ولی وضعیت من بهتر نشده، بلکه بدتر شده و اعضای بدن من مثل کلیه آسیب دیده است. حتی برای معالجه خویش به هیپنوتیزم متوسل شده‌ام، ولی هنوز کوچک‌ترین درمان حاصل نشده است. آیا در چنین حالت، از نظر اسلام مجاز به تغییر جنسیت هستم؟

- برای شما چنین مجوزی از نظر امام خمینی و بسیاری از مراجع فعلی وجود دارد.

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۲

شرعاً تغییر جنسیت برای شما جایز است، اما باید توجه داشته باشی که بعد از تغییر جنسیت، یک سری مشکلات جدید برای شما ظاهر خواهد شد. مثل: مشکل ادامه تحصیل، شغل، ازدواج، عدم پذیرش اجتماعی و بالاخره این‌که بعد از تغییر جنسیت، عقیم خواهی شد و نمی‌توانی صاحب فرزند شوی.

- در هر حال، تمام مشکلاتی که شما بر شمردید، از مشکل فعلی من یعنی عدم تطابق جنسی کم‌تر است. حتی حاضرم پس از تغییر جنسیت به خارج کشور سفر کرده، تا از بسیاری از مشکلات و ناراحتی‌های پس از تغییر جنسیت نجات پیدا کنم.

این ملاقات به پایان رسید، ولی ارتباط دوستانه ما از طریق تلفن و نامه ادامه پیدا کرد و هر بار از بیماری جانکاه خویش یعنی عدم تطابق جنسی شکایت داشت. در ذیل بخشی از نامه این بیمار تراجنسیتی را می‌خوانیم:

از این حرف‌ها که بگذریم وضعیت خودم چندان تغییر نکرده. باز هم همان کلاف سردرگمام که به هر جا می‌رود باز هم به سر

خوان اول بر می گردد. هر چه می گذرد برایم بیش‌تر جا می‌افتد که من نباید تغییر جنسیت بدهم؛ آن هم به خاطر خانواده‌ام. چون باور کنید نه توان ایستادن در برابر آن‌ها را دارم و نمی‌توانم قلبشان را بشکنم، یا با آبرویشان بازی کنم، و گرنه تغییر جنسیت برای یک تراجنسیتی همیشه به نظرم منطقی‌ترین راه می‌آمده است.

اما مشکل من منطق نیست. چیزی را که به دنبال دانستنش هستم منطق و عقل نیست؛ چون عقل و منطق آدم محدود به تجربه و مکان و زمان است. جواب را از فقه هم نمی‌توانم بگیرم؛ چون فقه هم مبتنی بر عقل و منطق است. بگذارید مثالی بزنم. مثلًا اگر کسی از کسی طلبی داشته باشد، می‌تواند سر موعد مقرر، طلبش را از طرف بدهکار بگیرد، حتی اگر مرد بدهکار ناچار شود برای پرداخت این بدهی از شام شبش هم بگذرد. از نظر فقه این کار مرد طلب کار، اشکالی ندارد و کار او مصداق فعل حرام نیست، اما از دید معرفت چطور؟ آیا در حقیقت کار آن فرد، کار درستی بوده؟!

در مورد عمل تغییر جنسیت، افراد تراجنسیتی هم همین طور ممکن است فقه بگوید

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۳

عمل تغییر جنسیت برای این افراد مجاز است، اما آیا در حقیقت این کار، کار درستی است؟ و آیا دخالت در آفرینش و حکمت خداوندی به شمال نمی‌آید؟ چه تضمینی وجود دارد که نشان دهد خداوند از عمل تغییر جنسیت قهرش نمی‌گیرد؟ فقه حکم به عقل و ظاهر می‌دهد، اما معرفت الهی چطور؟ اگر خدا می‌خواست من زن باشم پس چرا مرا مرد خلق کرد؟! اگر مرا مرد خلق کرد، چرا تمام احساسات و افکار مرا زنانه قرار داد؟! مگر نه این‌که هیچ چیز از مشیت و اراده او خارج نیست؟ از یک سو می گوید: برای هر چیز جفتی خلق کردیم و از سویی برای خود هیچ جفت مشروعی نمی‌بینم. از یک سو تلاش می کنم که مرد باشم و از یک سو، آن کسی که در خانه دل و روحم ساکن است، زنی است اسیر شده در قالب جسم. از سوی دیگر، به من این همه نیروی جنسی داده و از یک سو مجبورم آن را تا آخر عمر سرکوب کنم و نادیده بگیرم. گاهی وقت‌ها این تناقض آن قدر زیاد می‌شود و گاهی وقت‌ها آن قدر احساس اسارت و سرکوفتگی و سرکوب شدگی می کنم که فکر می کنم به هر قیمتی شده باید خانواده‌ام را متقاعد کنم که به مشکل من تن بدهند و راضی شوند که من عمل تغییر جنسیت را انجام بدهم. اما دقیقاً در همان لحظه به خودم نهیب می‌زنم که مبادا انجام تغییر جنسیت موجب قهر الهی شود. از خودم می‌پرسم چرا خدا نخواسته که من زن خلق شوم. به خودم می گویم حکم فقه، ممکن است برای شرایط اضطرار ظاهراً صحیح باشد، اما آیا به حقیقت و ماورای این جریان نیز توجه کرده است. به همین خاطر فکر می کنم چقدر نیاز دارم از آن بالا مستقیماً به من وحی شود که چه کاری در حقیقت درست است و کدام راه به صراط مستقیم ختم می‌شود ... بعضی وقت‌ها دوست دارم از زور خستگی به خواب ابدی فرو بروم ...... امضاء

م- ش

مورد دوم: خانمی به بنده مراجعه کرد که می‌خواست برخی پرسش‌های شرعی خویش را با من در میان گذارد. وی که قبلًا تغییر جنسیت داده بود به من گفت: من قبلًا شما را در مطب تغییر جنسیت دیده‌ام و با شما گفت و گویی نیز داشته‌ام!

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۴

هر چه فکر کردم، چیزی به خاطرم نیامد. بعداً متوجه شدم این شخص، همان دانشجوی پسر دانشگاه آزاد است که پیش‌تر در گزارش میدانی اول، درباره‌اش توضیحاتی دادم. به راستی بعد از تغییر جنسیت چهره‌اش تغییر کرده و همانند یک زن شده بود، پس از طرح سؤالات خویش، و پاسخ آن‌ها از اینجانب، از او پرسیدم:

چرا تغییر جنسیت دادی؟

گفت: من دچار اختلال هویت جنسی بودم. برای مثال، وقتی به حرم امام رضا (ع) مشرف می‌شدم نمی‌دانستم به قسمت مردانه بروم یا قسمت زنانه؟! و یا وقتی به امامزاده یحیی (ع) می‌رفتم، کلاف سردرگم بودم، نمی‌دانستم به کدام قسمت بروم، قسمت مردانه یا

زنانه؟! واقعاً کسی نمی‌تواند این بیماری، یعنی عدم تطابق جنسی را درک کند.

– در حال حاضر، و پس از تغییر جنسیت چه وضعیتی داری؟

– واقعاً از آن بحران سابق نجات پیدا کردم. روح من زنانه است و جسم من پس تغییر جنسیت زنانه شده است و من از دردی جانکاه نجات پیدا کردم. اگر توانستم ازدواج می‌کنم، اگر نتوانم، لااقل زندگی راحت و آرامی خواهم داشت.

مورد سوم: مردی به اتفاق عده‌ای از همراهان خویش به ملاقاتم آمد. وی که دارای ریش وسبیل بود، توسط یکی از همراهان به عنوان بیمار

Ts

یا تراجنسیتی معرفی شد.

گفتم: پس ایشان خواهان تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن است؟!

گفت: خیر. ایشان زن بوده و پس از تغییر جنسیت، به مرد تبدیل شده است!!

واقعاً از این جریان تعجب کردم. از نظر ظاهری به هیچ وجه قابل تشخیص نبود. وی معتقد بود که از ابتدا دارای روحی مردانه در جسمی زنانه بوده است، و اکنون پس از تغییر جنسیت، از آن رنج جانکاه نجات پیدا کرده است. وی گفت: پس از تغییر جنسیت، با خانمی ازدواج کرده‌ام و حتی همسرم و خانواده ایشان از وضعیت من خبر داشته و با اراده کامل با ازدواج با من موافقت کرده‌اند!

مورد چهارم: خانمی که خود را بیمار تراجنسیتی معرفی کرد در مورد نحوه نماز و حجاب خویش پرسش‌هایی مطرح کرد. وی که حدود ۲۲ سال سن داشت، گفت:

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۵

از کودکی خودم را پسر می‌دانستم و دچار عدم تطابق جنسی بودم. از ابتدا فکر نمی‌کردم که این امر، نوعی بیماری است، ولی بتدریج و با مطالعاتی که انجام دادم، متوجه بیماری روحی خویش شده، ولی هنوز معالجه نشده‌ام. با توجه به این‌که من از نظر روحی، مرد هستم و از آن جایی که اسلام به روح بیش‌از جسم اهمیت می‌دهد، آیا می‌توانم بدون حجاب و به عنوان مرد در انظار عمومی ظاهر شوم؟!

گفتم: احکام و مسایل شرعی براساس ظاهر جسمی افراد است. از آن جایی که شما از نظر جسمی، همانند زنان هستی، بنابراین، حکم زن را دارا بوده و باید مانند بقیه زنان پوشش اسلامی را رعایت کنی.

– پوشش اسلامی واقعاً برایم سخت است، البته نه از این نظر که با این حکم اسلامی مخالف باشم، بلکه از نظر روحی و به دلیل ابتلا به بیماری تراجنسیتی نمی‌توانم آن را بپذیرم. در هنگام خواندن نماز، چه روشی را اتخاذ کنم؟

– استفاده از چادر برای نماز ضرورت ندارد. در صورتی که بتوانید پوشش کامل را رعایت کنی، نماز خواندن شما بدون اشکال است.

– در هنگام خواندن دعا یا قرائت قرآن کریم چه طور؟ آیا حجاب ضرورت دارد؟

– در صورتی که نامحرم شما را نمی‌بیند و مثلًا در خانه هستی، در هنگام دعا خواندن و قرائت قرآن کریم، رعایت حجاب ضرورت ندارد.

مورد پنجم: خانمی به بنده زنگ زد و خواست که از نزدیک برخی مشکلات خویش را با من در میان گذارد. وی ۵۰ سال داشت که پیش‌تر مرد، راننده تریلی و صاحب همسر و دو فرزند دختر و یک فرزند پسر بوده است، و به دلیل بیماری تراجنسیتی تغییر جنسیت داده بود.

وی گفت: پس از تغییر جنسیت از همسرم جدا شدم، ولی مهریه او را پرداخت کردم. بعد از مدتی با مردی ازدواج کردم و زندگی

آرامی داشتم و از این‌که به عنوان زن، زندگی جدیدی را شروع کرده بودم خوشحال بودم. اما این ازدواج پس از یازده ماه به جدایی انجامید. جریان از این قرار بود که شوهرم که تا این مدت از مسأله تغییر

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۶

جنسیت بنده بی‌خبر بود، از طریق یکی از همسایه‌ها از ماجرا آگاه شد. همین امر به جدایی ما انجامید.

او از تغییر جنسیت خویش و از راهی که انتخاب کرده بود ناراحت نبود. حتی دو بار ازدواج ناکام، او را افسرده نساخته بود. ناراحتی او از آن جهت بود که شغل خویش (رانندگی تریلی) را از دست داده بود. او می‌خواست همانند سابق، به عنوان راننده تریلی (ترانزیت) کار کند، اما هیچ شرکتی حاضر نبود او را به این کار گمارد. او می‌خواست در آمدی کسب نماید تا بتواند همانند گذشته، از فرزندان خویش حمایت مالی نماید .....

مورد ششم: خانمی انگلیسی از لندن و از طریق ایمیل تماس گرفت. او از این‌که می‌دید فقهای اسلام و در رأس آنان مرحوم امام خمینی با تغییر جنسیت مخالفتی ندارند، تعجب می‌کرد و از تئوری این جانب- حق تغییر جنسیت برای بیماران اختلال هویت جنسی به عنوان حقی از حقوق بشر- شدیداً جانبداری می‌کرد و خواهان ملاقات و مصاحبه با نگارنده بود. اگر چه هنوز به ایران نیامده است، ولی اطلاعات نسبتاً مفیدی از تغییر جنسیت و بیماران اختلال هویت جنسی از کشور انگلستان برایم ارسال داشت. از جمله این‌که از نظر کلیسای مسیحی، تغییر جنسیت حرام است؛ چون این کار از نظر کلیسا، تغییر در خلقت خدا محسوب می‌شود!

بعدها و از طریق برخی دوستان متوجه شدم این خانم که عکس خویش را نیز برایم فرستاده است و مدافع سرسخت تغییر جنسیت است، خود قبلا مرد بوده و به زن تغییر جنسیت داده است!!

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۷

ضمیمه ۲ گزارش تفصیلی از اولین تغییر جنسیت در ایران و خارج ایران

۱. اولین تغییر جنسیت در ایران

اولین تغییر جنسیت در ایران حدود سال ۱۳۰۹ شمسی اتفاق افتاد که براساس آن مردی به زن تبدیل شد. این مطلب را عیناً از یکی از روزنامه‌ها نقل می‌کنیم:

ورق زدن جراید مربوط به حوادث خارق العاده تهران قدیم، در اغلب موارد جالب و حیرت‌آور است. ۷۵ سال پیش را به خاطر آورید و پسرک روزنامه فروشی را که می‌دود و خاک و خل بلند می‌کند و فریاد می‌کشد: روزنامه، روزنامه ..... آخرین خبر ..... او با همه توان و انرژی خبرهای دسته اول آن روز را فریاد می‌کشد و به دنبال مشتری است.

همین تک تصویر به اضافه شور و هیجان آن پسرک در زمینه سیاه و سفید خیابان اصلی شهر می‌تواند انگیزه مناسبی برای مرور اخبار گذشته یک پایتخت باشد، اما اگر هنوز متقاعد نشده‌اید که زحمت خواندن این ستون را به خود بدهید به این تک تصویر، یک جمله دیگر هم اضافه کنید. مثلًا این بار بشنوید که پسرک می‌دود و فریاد می‌کشد: «آخرین خبر ... مردی که با عمل جراحی زن

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۸

شد .....» حالا اگر تمایل دارید، می‌توانید بروید و آن روزنامه را بخوانید.

در هفته اخیر یک عمل جراحی مهم در مریض خانه دولتی شده است که نه فقط در ایران بی‌نظیر است، شاید در نقاط دیگر دنیا هم به این ترتیب بی‌سابقه است. این عمل جراحی فصل جدیدی در تاریخ طبی و صحی مملکت باز و شایان دقت و توجه علما است.

شایسته است که در کنفرانس‌ها و شوراهای صحی از نقطه نظر علمی مورد بحث قرار گیرد. عمل جراحی مزبور به وسیله آقای دکتر خلعتبری، جراح مریض خانه دولتی که تاکنون امتحانات خوبی در این کار داده‌اند به معرض عمل قرار گرفته و با موفقیت انجام یافته است.

جوانی ۱۸ ساله برای یک عمل جراحی عجیب یعنی تغییر جنسیت از رجُلیت به اناثیت [از مردی به زنی] به مریضخانه دولتی مراجعه کرده است. نه فقط فکر این جوان عجیب بوده، بلکه از حیث خلقت نیز عجیب و ناقص بوده است. او از حیث هیکل، قیافه و استخوان بندی یک مرد کامل العیاری است، اما احساسات و نشانه‌های اناثیت [زن بودن] بیش‌تر بر او غلبه داشته است و به این جهت علاقه‌مند بوده است زن شود.

آقای دکتر خلعتبری چند روزی او را معطل نگاه می‌دارد تا این‌که مراسله ذیل را به مریضخانه نوشته و شخصاً حاضر می‌شود که جواب نفی و اثبات آن را گرفته و خیال خود را به اجرا بگذارد.

این جانب به طیب خاطر بدون این‌که دارای اختلال حواس باشم حاضرم که مرا عمل کرده و از حالت مردی مرا تبدیل به زن کنید و اگر هم مرا عمل نکنید، خودم را خواهم کُشت.[۵۸۵] محل امضا: کبری

۲. اولین تغییر جنسیت در انگلستان

اولین عمل تغییر جنسیت در فاصله سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ میلادی در انگلستان انجام شد. «لورا دیلون»[۵۸۶] دختر یک اشراف زاده ایرلندی بود که از کودکی رفتارهای پسر مابانه

تغییرجنسیت، ص: ۳۸۹

شدیدی از خود بروز می‌داد. با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ م. از زنان برای شرکت در پشت جبهه دعوت به عمل آمد و «لورا» نیز برای کار به یک شرکت تعمیر خودرو رفت. در آن جا با او همانند یک مرد رفتار می‌شد و او نیز بدون هیچ مشکلی از پس نقش مردانه خود بر می‌آمد. در سال ۱۹۴۲ م. «لورا» مطلبی در مورد «آرکی بالد مکلندو»[۵۸۷] که یک جراح پلاستیک بود مطالعه کرد. «مکلندو» در زمینه درمان خلبانان و خدمه هواپیماهایی که در حین نبرد دچار سوختگی‌های بسیار شدیدی شده بودند، روش‌های تحول آمیزی را ارایه کرده بود. «لورا» به او نامه نوشت و از او خواست در صورت امکان به او در تغییر جنسیتش کمک کند. «مکلندو» نیز پذیرفت، اما در عین حال به «لورا» گفت که چنین تغییری ممکن است مستلزم سال‌ها عمل جراحی‌های دردناک باشد. پیش از ساختن آلت مردانه برای «لورا» او اول تحت عمل پستان برداری و رحم برداری قرار گرفت. پس از اتمام این عمل‌ها «لورا» تقاضای تغییر شناسنامه کرد و نامش را به «مایکل دیلون» تغییر داد. مایکل پس از آن به کالج ترینیتی[۵۸۸] دوبلیز رفت و در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد و سپس در یک کشتی به عنوان جراح مشغول به کار شد.

در انگلیس دو ناشر اقدام به چاپ کتابی با عنوان «کی چه کسی است؟» به زندگی لُردها و دوک‌های انگلیس پرداختند. در این میان، یک روزنامه‌نگار تیزبین متوجه شد که در سال ۱۹۴۰ م. در خاندان «دیلون» دختری به نام «لورا» وجود داشته که در سال ۱۹۵۰ م. کشتی مایکل به بندر نیویورک رفت در آن‌جا عکاسان و روزنامه نگاران فراوانی منتظر او بودند. بدین ترتیب، راز او برملاشده بود. اما ناخدای کشتی قول داد تا از او در برابر مطبوعات محافظت کند و به همین دلیل، او را به هند رساند. «مایکل» در هند به کوه‌های هیمالیا رفت و در آن‌جا به یک روحانی بودایی تبدیل شد و در سال ۱۹۶۹ م. در همان جا در گذشت.

در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ م. افراد بیش‌تر برای تغییر جنسیت خود، به

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۰

پزشکان و جراحان مراجعه می‌کردند. در سال ۱۹۶۳ م. «اپریل اشلی»[۵۸۹] که یک تراجنسیتی

xy)

خنثای روانی) بود با «آرتور کوربت»[۵۹۰] ازدواج کرد. پس از این‌که خانواده آرتور متوجه شدند اپریل قبلًا مرد بوده خواستار فسخ ازدواج آن‌ها شدند. پرونده این دعوا توسط قاضی «اورمورد»[۵۹۱] مورد قضاوت قرار گرفت و این قاضی با استناد به این‌که «اپریل» از لحاظ کروموزومی مرد است، حکم به فسخ پیوند زناشویی آن‌ها داد. این قاضی عنوان داشت که غدد جنسی «اپریل» توسط عمل جراحی زنـانه شده‌انـد و او از لحاظ روانی تراجنسـیتی به شـمار می‌آیـد. از زمان صـدور این حکم به بعـد تراجنسـیتی‌های انگلیسـی حقوق قانونی خود را از دست دادنـد. اگر در شناسـنامه کسـی قید شده بود که او مرد است آن فرد صـرف نظر از ظاهرش، از لحاظ قانونی مرد به حساب می‌آمـد و در این میان، خصوصـیات روانی او نیز مورد توجه قرار نمی‌گرفت. همین حکم هم برای زنان صدق می‌کرد.

چنین وضـعیتی گـاهی به پیچیـدگی‌های بـاور نکردنی وگـاه تکـان دهنـده‌ای منجر می‌شـد. وقتی یـک فرد تراجنسیتی تقاضای کار می‌کرد، ناچار بود شناسنامه‌ای را نشان دهد که از جنسیتی مخالف آن‌چه که از او دیده می‌شد، گواهی می‌داد.

همیـن امر بـه طـور اجتنـاب ناپـذیری به تبعیض‌هـای شـغلی منجر می‌شـد. تراجنسـیتی‌هایی که به زنـدان فرسـتاده می‌شدنـد، بایـد به زنـدان‌هایی می‌رفتنـد کـه مطـابق بـا جنسـیت شناسـنامه‌ای آن‌هـا بـود. از این دست داسـتان‌های تکـان دهنـده‌ای در مـورد فرسـتادن تراجنسیتی‌های xy به زندان‌های مردانه، وجود دارد. تراجنسیتی‌ها بر خلاف سایر هم وطنان‌شان از حقوق زندگی خصوصی قید شده در کنوانسـیون حقوق بشـر اروپـا محروم شدنـد. این بـدان معنـا بود که هر رسانه‌ای می‌توانست بـدون نیاز به جبران خسارت، اسـرار زندگی خصوصی تراجنسیتی‌ها را برملا کند. هر گاه عکس یک فرد تراجنسیتی در صفحه اول روزنامه‌ای به

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۱

چاپ می‌رسید، همسایه‌ها شروع به آزار و اذیت آن فرد می‌کردند.

در اواخر دهه هشـتاد دولت انگلیس پی برده بود که بایـد در قبال مشـکلات تراجنسـیتی‌ها اقدام صورت گیرد، اما باز هم ترجیح داد این موضوع دست نخورده بماند. تا آن زمان تراجنسـیتی‌ها به عنوان هم جنس‌گرا و یا افراد دارای انحراف جنسی تلقی می‌شدند، اما پس از آن کم‌کم معلوم شد که در پشت این اختلال هویت جنسـی، دلایل علمی و بیولوژیکی نهفته است. پزشکان هلندی مغز یک تراجنسیتی متوفی

xy

را مورد بررسـی قرار دادنـد و پی بردنـد که غـدهٔ هیپوتالاـموس مغز او شبیه غـده هیپوتالاـموس مغز یـک زن است و از این لحاظ به مردان شـباهتی ندارنـد. در همین حـال، تلقی عموم مردم از افراد تراجنسـیتی در حـال تغییر بود و درک عمومی از این بیماری رو به ارتقـا بود. یـک سلسـله پرونـده‌ها در دادگاه حقوق بشـر اروپا، بحث را به روزنامه‌های انگلیس گشانـد. اگر چه در این دعوا، دولت انگلیس برنـده شد، اما قضات بر این عقیده بودند که انگلسـتان باید به کلیت موضوع تراجنسـیتی و قانون توجه کند. سـپس در سال ۲۰۰۲ م. دولت انگلیس اعلام کرد که مشاوره‌هایی را به منظور به تصویب رساندن «قانون بازشناسی جنسیت» در دست انجام دارد.

در این میـان، مخالفت‌هـای شدیـدی از سوی جناح اقلیت محافظه کاران افراطی مسـیحی صورت می‌گرفت و آن‌ها عنوان می‌کردند تنها خداست که در مورد جنسیت افراد تصمیم می‌گیرد و هیچ کس حق تغییر آن را ندارد. اما در مقابل، اکثریت مردم و نمایندگان مجلس معتقدنـد که قانون بایـد تغییر کند و بدین‌ترتیب، «قانون بازشناسـی جنسـیت» در ماه جولای سال ۲۰۰۴ م. به تصویب رسـید.

انتظار می‌رود در اوایل سال ۲۰۰۵ م. تراجنسیتی‌های انگلیس بتوانند تقاضای شناسنامه‌های جدید کنند.

هم اکنون برآورد می‌شود حدود ۵۰۰۰ تراجنسیتی در انگلیس زندگی می‌کنند که بیش‌تر آن‌ها xy (مردان تبدیل شده به زن) هستند. تقریباً همه آن‌ها از زندگی‌شان راضی‌اند و بدین ترتیب می‌توانند برای اولین بار با هر کس که می‌خواهند به صورت قانونی ازدواج کنند.

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۲

از طرفی، چه مجوز قانونی باشد یا نباشد، کل جریان تغییر جنسیت برای فرد و خانواده او روندی پر تنش است. خانواده‌ها اغلب، تراجنسیتی‌ها را طرد می‌کنند. موارد زیادی وجود دارد که در آن‌ها مردی که قبلًا ازدواج کرده و پدر چند فرزند است و سال‌ها احساس متولد شدن در جنسیت اشتباهی را در خود سرکوب کرده، پس از عمل تغییر جنسیت از دیدن فرزندان‌شان که همواره آن‌ها را دوست داشته‌اند، محروم شده‌اند. هم‌چنین بسیاری از افراد تراجنسیتی نیز وجود دارند که ترجیح می‌دهند به جای عمل کردن [تغییر جنسیت] و شرمنده شدن خانواده‌هایشان در نزد مردم، به زندگی سخت خود ادامه دهند.

اما با توجه به دیدگاه‌های پزشکی و حقوقی جدیدی که از این دسته افراد که با اختلال هویت جنسی درگیرند، حمایت به عمل می‌آورند، سایر دیدگاه‌ها نیز بتدریج در حال تغییرند و مردم وضعیت تراجنسیتی‌ها را بیش‌تر می‌پذیرند.

در فرآیند مورد نظر «قانون بازشناسی جنسیت» کسی که قصد عمل دارد، به مدت دو سال به صورت امتحانی «در شرایط واقعی زندگی» آزمایش می‌شود. در این مدت، این افراد تحت حمایت قانون، هورمون درمانی می‌شوند و در طول این مدت باید به خود و روان پزشکان ثابت کنند که در صورتی که در نقش جنس مخالف قرار گیرند می‌توانند زندگی خوبی داشته باشند. تنها در صورتی که این آزمایش‌ها موفقیت آن‌ها را در قالب جنس مخالف تأیید کنند، آن‌ها برای عمل تغییر جنسیت معرفی شده و می‌توانند تقاضای شناسنامه جدید بدهند. در طول مدت دو ساله هورمون درمانی، مواردی پیش می‌آید که بیمار پی می‌برد تغییر جنسیت راه درستی برای او نیست. در این صورت، هورمون درمانی متوقف می‌شود و فرد پس از مدتی به حالت اولیه خود بر می‌گردد. پیش از این، مواردی وجود داشته که افرادی پس از عمل تغییر جنسیت، از انجام این عمل پشیمان شده‌اند. من فکر می‌کنم دو مورد از این دست در انگلیس اتفاق افتاده باشد، اما انتظار می‌رود با پیش‌بینی خط و مشی‌های دقیق در قانون بازشناسی جنسیت، از بروز چنین اشتباهاتی جلوگیری شود.

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۳

در حال حاضر، مطالعات بیش‌تری بر روی بچه‌هایی که فکر می‌کنند با جنسیت اشتباه متولد شده‌اند در حال انجام است. این امر مباحث پیچیده‌تری رابه میان کشیده است. مهم‌ترین این بحث‌ها این است که: «چطور یک بچه می تواند بفهمد به صورت تراجنسیتی به دنیا آمده است». امروزه والدین نگران، به دنبال توصیه‌های مناسب هستند. در حالی که هیچ عمل تغییر جنسیت بر روی بچه‌ها انجام نشده است، حرفه پزشکی می‌تواند با تجویز جنسیت بر روی بچه‌ها فرآیند بلوغ را در آن‌ها به تأخیر بیندازد تا این بچه‌ها مورد بررسی‌های بیش‌تری قرار گیرند. در این صورت، اگر تشخیص داده شد عمل تغییر جنسیت به صلاح است، دوره مداوا پیش از بروز علایم بلوغ آغاز می‌شود؛ یعنی در پسرها قبل از این‌که صدایشان تغییر کرده و اندام‌های جنسی‌شان رشد کند و در دخترها نیز پیش از آن‌که سینه‌هایشان بزرگ شده وعادت ماهانه‌شان آغاز شود.

از زمانی که «مایکل دیلون» در سال ۱۹۴۲ م. تغییر جنسیت داد، پیشرفت‌های بسیاری صورت گرفته و هم اکنون ۵۰۰۰ تراجنسیتی انگلیسی می‌توانند از کلیه حقوق قانونی بهره‌مند باشند؛ اما هنوز در جهان پزشکی جا برای پیشرفت‌های بسیاری وجود دارد. ممکن است روزی کسی در جایی پیدا شود که بتواند افراد تراجنسیتی عمل کرده را قادر به باروری کند، البته من فکر می‌کنم تا آن زمان راه بسیاری باقی است.[۵۹۲]

۳. اولین تغییر جنسیت در آمریکا

سـابقه این امر در آمریکا، به عنوان یک موضوع پزشـکی، به سال ۱۹۵۲ م. بر می گردد. در آن زمان شخصـی اقدام به تغییر جنسیت خود نمود و روزنامه نیویورک تایمز با درج این تیتر جذاب، تغییر جنسیت او را به عنوان یک موضوع اجتماعی مطرح و توجه افکار عمومی را به آن جلب نمود. در این تاریـخ، اولین عمـل جراحی تغییر جنسـیت صورت گرفته است. کم‌کم بـا شـیوع و گسترش این عمل در جامعه، و رواج تشخیص‌های متفاوت از طرف پزشکان، متخصصان برای تبادل تجربه و جلوگیری از

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۴

تفرق نظر و تشـخیص و نیز ایجاد وحدت رویه پزشـکی در هر سال اقدام به تشـکیل سـمپازیوم بین المللی می‌نمایند که اولین آن در سال ۱۹۹۶ م. در شـهر لنـدن برگزار شد و هر سال مقررات نمونه و توصـیه‌هایی را به پزشـکان جهت رعایت مراقبت‌های ویژه قبل و بعد از عمل ارایه می‌نمایند.[۵۹۳]

۴. اولین تغییر جنسیت در مصر

پرونده‌ای که در عصر حاضر در حقوق اسلام بسیار پرسرو صدا بود، پرونده سید عبدالله در حقوق مصر است. در سال ۱۹۸۲ م. سید عبـدالله که یک جوان ۱۹ ساله دانشـجوی پزشـکی دانشـگاه الازهر مصـر بود، با «سلوا جرجیس لبیب» روان پزشک، تماس گرفت و اظهار نمود: او از افسـردگی شدیـد و ناامیـدی در رنج است. روان پزشک او را معاینه نمود و متوجه شد که او از بحران جنسـیتی در رنـج و عـذاب است و یا به تعبیر دیگر، او خنثای روانی (الخنثی النفسـیه)[۵۹۴] است. مـدت سه سال او را هورمون درمانی جنسـیت مردانه کرد تا شاید بتواند با تقویت گرایش جنس مردانگی او، روان او را با جسـمش از بُعد جنسی هماهنگ نماید، ولی موفق نشد. زیرا پزشـکان معتقدند این مریضـی تا قبل از سن بلوغ با هورمون درمانی، درمان آن ممکن است، ولی بعد از رسیدن به بلوغ ممکن نیست. در نتیجه، جرجیس از هورمون درمـانی او منصـرف شـد و او را جهت عمـل جراحی تغییر جنسـیت به جبرئیل، پزشک جراح، معرفی نمود. پزشـک جراح برای حصول اطمینـان بیش‌تر، مریض را به روان پزشک دیگری به نام هانی نجیب، معرفی کرد و نجیب نیز به همان نتیجه‌ای رسـید که روان پزشک قبلی رسیده بود و عمل جراحی تغییر جنسیت از مذکر به مؤنث را تنها راه درمان مریض پیشنهاد نمود. جراح مدت یک سال مریض را هورمون درمانی جنسیت زنانه نمود و لباس زنانه بر او

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۵

پوشاند تا رفتار روانی و اجتماعی او را آزمایش نماید. مریض این دوره را با موفقیت گذراند و مشکل خاصی به وجود نیامد.

در اول ژانویه ۱۹۸۸ م. سـید عبدالله فرم درخواست تغییر جنسیت را امضا نمود و از جراح، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت از مذکر به مؤنث را درخواست نمود. جراح با عمل جراحی، ممیز و علایم جنسـیت مذکر را از او برداشت و برای او مجرای مصنوعی خروج ادرار و ممیز مصـنوعی زنـانه درست کرد که این عمـل مطابق اسـتانداردهای پزشـکی روز بود. عمل جراحی با موفقیت انجام شـد و مریض در جنسـیت جدیـد احسـاس نشـاط و امیـد نمود و به حالت معمولی یا طبیعی روانی برگشت. در این مرحله پرونـده پزشـکی مریض بسته شد و او برای قدردانی از زحمات روان پزشک اول، نام «سالی» را برای خود انتخاب نمود.

سالی به دانشـگاه مراجعه کرد، ولی رئیس دانشـکده از پذیرش او و اجازه دادن به وی، جهت شـرکت در امتحانات خودداری نمود. از طرف دیگر، سازمان ثبت احوال مصـر نیز از شـناسایی او به عنوان یک جنس مؤنث و تغییر شناسنامه او خودداری کرد. در چهارم

آوریل ۱۹۸۸ م. سالی طی مصاحبه‌ای با روزنامه الاهرام، ضمن انتقاد از مسؤولان دانشگاه الازهر و سازمان ثبت احوال، موضوع خود را در معرض قضاوت افکار عمومی مصر گذاشت. در جواب این مصاحبه، الازهر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: دو ماه قبل از انجام عمل جراحی، کمیته مخصوصی را جهت بررسی اظهارات وی تشکیل داده و این کمیته به این نتیجه رسید که این شخص صد در صد، ظاهراً و باطناً، مرد است و این کمیته آماده است که اظهارات او را مجدداً بررسی نماید.

«سالی» در پاسخ به این اظهارات اعلام نمود: دلیلی برای بررسی مجدد کمیته وجود ندارد و او یک دختراست که تصمیم به ازدواج با یک مرد گرفته است. رفتار تحریک آمیز «سالی» و مصاحبه‌های او با مطبوعات و عکس العمل الازهر به آن، حساسیت خاصی در مطبوعات و افکار عمومی مصر نسبت به این قضیه ایجاد نمود. با متهم شدن پزشک جراح به ارتکاب جرم در این پرونده توسط دانشگاه الازهر، نماینده سندیکای پزشکی نیز وارد پرونده شد و با سه پزشک دیگر منتخب سندیکا، پرونده را بررسی

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۶

نمود و به این نتیجه رسید که پزشک جراح مرتکب خطای فاحش پزشکی شده است. در ۱۴ می ۱۹۸۸ م. سندیکا با ارسال نامه‌ای به محضر مفتی مصر خواهان فتوا در مورد خنثای روانی شد و سؤال نمود که آیا از دیدگاه شرع مقدس اسلام خنثای روانی قابل قبول است. مفتی مصر، ضمن طفره رفتن از دادن پاسخ صریح و مستقیم سؤال، فتوا داد: اگر پزشک متخصص قابل اعتماد، تنها راه درمان مریض را عمل جراحی بداند، چنین عملی مجاز و مشروع است. این فتوا، علاوه بر این‌که پاسخ سؤال سندیکا را نداد، مشکل دیگری ایجاد نمود، زیرا هر کدام از طرفین پرونده، فتوا را به نفع خود تفسیر نموده و حق را به جانب خود می‌دادند. در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸ م. الازهر پرونده را به دادگاه فرستاد و به استناد ماده ۲۴۰ قانون مجازات مصر، خواهان مجازات جراح به اتهام وارد کردن ناتوانی دایم در مریض و ارتکاب خطای فاحش پزشکی شد. دادستان مصر با مشورت پزشکان متخصص شروع به تحقیق نمود و به این نتیجه رسید که: از دیدگاه متخصصین، «سالی» از لحاظ بدنی یک مرد و از لحاظ روانی یک زن بوده است و پزشک جراح هیچ نوعی خطایی را مرتکب نشده است و تمام اقدامات او مطابق با استانداردهای روز علم پزشکی است و پزشک را از اتهام مذکور تبرئه نمود. سندیکای پزشکی ضمن رد این نتیجه، اقدام به لغو عضویت پزشک جراح از آن سندیکا و جریمه پزشک بیهوشی‌کننده نمود. در اکتبر ۱۹۸۹ م. «سالی» موفق به اصلاح شناسنامه و شناسایی جنسیت خود به دولت مصر شد. اخبار و گزارشات روزنامه، نشان می‌دهد که پرونده‌های دیگری در مصر در این زمینه وجود داشته، ولی این پرونده، چون با موضع‌گیری الازهر مواجه شد، مشهور و تاریخی شد.[۵۹۵]

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۷

ضمیمه ۳ گفت‌وگو با اولین کسی که فتوای جواز تغییر جنسیت را از حضرت امام خمینی (ره) دریافت کرد[۵۹۶]

مریم خاتون ملک‌آرا اولین نفری است که بعد از انقلاب مجوز تغییر جنسیت گرفته است.

خانم ملک آرا! در این گونه مصاحبه‌ها، معمولًا رسم بر این است که مخاطب ابتدا از خودش می‌گوید. فکر می‌کنم همین سؤال بهانه خوبی باشد برای شروع گفت و گویمان. از خانواده‌تان بگویید و از این‌که اولین بار کی و چگونه به بیماری خود پی بردید؟

من در خانواده‌ای با سواد و اشرافی به دنیا آمدم، در سال ۱۳۲۹، پدرم چندین همسر داشت که من تنها فرزند یکی از آن‌ها بود. اما در مورد قسمت دوم سؤالتان نمی‌توانم تاریخ مشخص و دقیقی را ذکر کنم. مادرم بارها تعریف می‌کرد که: تو از سن ۲ و ۳ سالگی، تمایل عجیبی به پوشیدن لباس‌های دخترانه، بازی با اسباب بازی‌های جنس

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۸

مخالف (مثل عروسک) و .... داشتی، اما در آن سنین کسی زیاد به این رفتار عجیب من شک نمی‌کرد. از همین سنین بود که تمایل من به جنس مخالف (دختران) و حضور در جمع آن‌ها و علاقه و کشش برای ریختن طرح دوستی با آن‌ها بود. این تمایل و احساس، همراه با بزرگ شدن من، بیش‌تر و بیش‌تر می‌شد، تا اینکه به سن بلوغ رسیدم. دیگر تمام رفتار، لباس پوشیدن و حتی تفکرات و ذهنیت من دخترانه شده بود. حتی یادم هست زمانی که کودکستان می‌رفتم. یک مداد و رژلب از کیف مادرم برداشته بودم.

خانواده چطور؟ اولین بار کی والدین و سایر اعضای خانواده متوجه بیماری شدند؟

همیشه خانوده‌ام این احساس را داشتند که من با سایر پسرها متفاوت هستم، اما نمی‌دانستند چرا. وقتی می‌دیدند من آرایش می‌کنم و لباس‌های زنانه می‌پوشیدم. بیش‌تر این را به حساب نوگرا بودن یا به علاقه من به پیروی از مدهای عجیب و غریب روز تعبیر می‌کردند. اما اولین باری که خانواده متوجه موضوع شدند، من در سن ۱۴ سالگی بودم. آن هم از طریق خودم.

چطور؟ می‌شود بیش‌تر توضیح دهید؟

برای یک کار حقوقی، به عنوان وکیل خانواده به شمال رفته بودم. در آن‌جا عاشق شدم. دیگر حاضر نبودم به تهران برگردم.

او با چه دیدی به شما نگاه می‌کرد؟

او که من عاشقش شده بودم، وقتی حالت‌های احساسی و عاشقانه مرا نسبت به خود می‌دید متعجب می‌شد و حس می‌کردم به نوعی سعی دارد فاصله‌ها را حفظ کند. تا این‌که یک روز در دفترچه خاطراتش چنین عبارتی را خواندم: من در این‌جا با یک فرد سادیسمی مواجه شده‌ام که معلوم نیست چه کاره است؟! می دانم که منحرف است، اما با من کاری ندارد! راستش بدجوری به من بر خورد. کفش و کلاه کردم و برگشتم خانه. قبلًا هم ماجرا را از طریق برخی اقوام به گوش پدرم رسیده بود. به همین دلیل پدرم قضیه را پرسید، من هم صادقانه جواب دادم. در آن جا بود که برای اولین و آخرین مرتبه در طول عمرم از پدرم سیلی خوردم.

تغییرجنسیت، ص: ۳۹۹

مادرتان وقتی از ماجرا مطلع شدند چه واکنشی داشتند؟

مادرم زیاد در جریان نبود. البته رفتارهای من تا حدود زیادی برایش سؤال برانگیز بود، اما زیاد جدی نمی‌گرفت. تا این‌که تقریباً در سن ۱۶ سالگی شبی خودم ماجرا را برایش تعریف کردم و گفتم: مادر، من حالت‌ها و احساسات زنانه خاصی دارم! یادم هست در حالی که شکلکی می‌آورد با لحنی تمسخر آمیز گفت: من حالت زنانه دارم! یعنی چه!؟ این چرت و پرت‌ها چیه که می‌گویی؟ خجالت هم نمی‌کشی! برو بگیر بتمرگ. بخواب! تا آن لحظه اعتقادی به نماز خواندن نداشتم. اما یادم هست آن شب و در آن لحظات چنان حال نزاری داشتم که بلند شدم وضو گرفتم، رو به ماه ایستادم و شروع کردم به نماز خواندن. اشک می‌ریختم و از خدا می‌خواستم که یا امشب من را بکُشد یا فردا در هیبت یک مرد بیدار شوم.

یعنی بیش‌تر احساس مرد بودن می‌کردید، یا احساس زن بودن؟

من همیشه احساس می‌کردم زن هستم

در این مدت با افرادی مانند خود نیز در تماس بودید؟

یک شب در سن ۱۸ سالگی وقتی اواخر شب، از یک میهمانی که در آن باهیبت زنانه حاضر شده بودم برمی‌گشتم، ژیانی جلوی پایم ترمز کرد، که داخل آن سه مرد نشسته بودند که درست مانند من ترانس سکشوال بودند.

از کجا متوجه این مسأله شدید!

ببینید، اصولًا ما خیلی راحت، همدیگر را پیدا می‌کنیم. یک جور احساس! یک جور تله‌پاتی. نمی‌دانم اسمش را چه می‌توان گذاشت. شاید به خاطر حالت‌های حرف زدن، رفتار و حرکات یا سایر علایم. بخصوص شیوه صحبت کردن .....

و همان کلمه معروف اوا خواهر و ....!

بله. دقیقاً

اصلًا این کلمه از کجا آمده است؟

از یک فیلم ایتالیایی که چند دهه قبل در سینماها به نمایش در آمد. این فیلم شرح

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۰

حال دو مرد سربازی بود که دچار چنین عارضه‌ای بودند و در صحبت‌هایشان برای صدا کردن یکدیگر، همدیگر را با این کلمه صدا می‌کردند: اوا خواهر ....

از سؤال قبل دور افتادیم. گفتید ژیانی جلوی پای شما ترمز کرد و ...!

بله. آمدند پایین و شروع به صحبت کردند. صحبت‌هایشان به دلم نشست و سوار ماشین شدم. این لحظه در حقیقت لحظه ورود من به جمع و گروه افرادی بود که مانند خود من بودند. چیزی که برای خیلی‌ها رویایی است! ورود به چنین جمع‌هایی شاید اسرارآمیز باشد و درک رفتار و علایق و برخوردهای آن‌ها با یکدیگر. ما هر کجا در مجامع عمومی که ظاهر می‌شدیم. افراد حاضر برای ارتباط با ما بیش‌تر از ارتباط با تمام حاضران دیگر تلاش می‌کردند. آن روزها هنوز تفاوت بین گی، دو جنسی یا ترانسکشوال وجود نداشت. همه می‌دانستند که چنین افرادی وجود دارند اما دقیقاً نمی‌دانستند مشکل از کجاست. همان‌هایی که مردم به نام اوا خواهرها آن‌ها را می‌شناختند.

اسم این سه نفر را به خاطر دارید؟

اسم یکی از آنها کیوان بود که او را کَتی صدا می‌کردند. دومی «امید» بود که بچه‌ها «شراره» صدایش می‌کردند و سومین نفر سیامک بود که به نام فیروزه مشهور بود.

شما هم اسم دومی داشتید؟

بله، از همان اول که سوار ماشین شدم اسمی برایم تعیین کردند. اسم من فریدون بود که قرار شد بچه‌ها فرانک صدایم کنند.

میهمانی‌ها و جمع‌هایی که خودتان با هم تشکیل می‌دادید، چه حال و هوایی داشت؟

در آن‌جا همه زن بودند. یعنی با وجودی که عرف و جامعه، به عنوان مرد شناخته می‌شدند، اما زن بودند. فضا هم درست فضای جمع‌های زنانه بود، درباره مد، مسائل زنانه و .....

می‌دانید اولین کسی که به عنوان یک ترانسکشوال در ایران شناخته شده چه کسی بوده است؟

تا آن‌جایی که من می‌دانم شخصی بوده به نام عباس ساکن قم. این فرد با شخص

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۱

دیگری به نام اصغر که درشکه‌چی بود جزو افرادی بودند که می‌توان به عنوان اولین ترانسکشوال‌های شناخته شده در ایران از آن‌ها یاد کرد. مثلًا نقل است که این دو، لباس‌های زنانه می‌پوشیدند و در عروسی‌ها و مجالس شادی حاضر می‌شدند.

برای سربازی چه کردید؟

کلی تلاش کردم تا به مسؤولان نظام وظیفه بقبولانم که آقا من زن هستم و نمی‌توانم بروم در یک پادگان نظامی خدمت کنم. هر چند به هر حال، بعد از تلاش و دوندگی‌های بسیار موفق شدم معافیتم را بگیرم. اتفاقاً همان سال در امتحان ورودی صدا و سیما نیز قبول شدم و توانستم به صدا و سیما راه پیدا کنم.

در صدا و سیما چطور لباس می‌پوشیدید و رفتار می کردید؟

درست مثل یک زن، این برای ما طبیعی است. اگر من ادوکلن نمی‌زدم و آرایش نمی کردم، دایم فکر می کردم چیزی کم دارم. ببینید، یک ترانس محکوم به دنیا می‌آید! یک موجود محکوم و وحشتناک.

در صدا و سیما اعتنایی به مشکل شما نشد؟

چرا، سال ۵۳ گفتند برو خارج عمل کن، ما هم تمام هزینه‌هایت را می‌پردازیم. اما به هر حال نشد.

چرا خارج؟ مگر در ایران نمی‌شد این جراحی را انجام داد؟

این عمل در دنیا پنهانی انجام می‌شود. یعنی شیوه‌های خاصی دارد. وقتی تحقیق کردم، دیدم اولین بار این عمل را دکتری به نام «پروفسور کرین» در کازابلانکا انجام داده است. به دلیل مشکلات و پیچیدگی های آن، هیچ کدام از پزشکان ایرانی قادر به انجام آن نبودند. بلکه هر بیمار باید ۲۰ هزار تومان می‌پرداخت به این شهر و کلینک مخصوص آن می‌رفت تا جراحی شود و باز گردد.

اطلاع دارید که این عمل در خارج چگونه انجام می گیرد؟[۵۹۷]

تغییرجنسیت ؛ ص ۴۰۱

زبان ساده، متخصصان این عمل، با یک جراحی پیچیده، عمل موفقیت‌آمیزی انجام می‌دهند. من برای پیدا کردن پاسخ‌هایی برای سؤال‌های خودم به اروپا رفتم و

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۲

تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه کردم. ایتالیا، فرانسه و ....!

آن زمان پزشکان برای انجام این عمل، مشکلی نداشتند؟

چرا، به هر حال سنّت ما به گونه‌ای بود که متعصبانه با این بیماری برخورد می کردند. حتی تابلوی «دکتر تقوی»، اولین پزشکی که اقدام به انجام این عمل کرد را ریختند و پایین کشیدند. بعدها نیز «دکتر یاشار» اقدام به انجام این عمل کرد، که او هم چندان در کار خود موفق نبود. در لندن بود، که متوجه شدم یک مرد علاوه بر هورمون مردانگی، دارای یک هورمون مکمل است به نام چه پیء. شروع کردم به استفاده از این هورمون‌ها. پس از برگشتن در حرکتی شروع کردم به رفتن پیش مسؤولان مختلف. حتی پیش همسر شاه وقت مملکت رفتم. اما او هم می گفت: فعلًا به دلیل دیدگاه و جو جامعه نمی‌شود کاری کرد. دیدم از لحاظ شرعی سرگردانم، رفتم پیش آیت‌الله بهبهانی؛ ایشان ابتدا استخاره‌ای کردند. زندگی حضرت مریم آمد.

گفتند: یک نامه بنویس برای امام خمینی. آن زمان امام در ترکیه بودند.

امام (ره) در فتوای خود این مسأله را چگونه عنوان کرده بودند؟

جزئیات را به خاطر ندارم. اما پس از خواندن زندگینامه ما در مجموع فرموده بودند: تغییر جنسیت بلامانع است و بعد از عمل، تکلیف یک زن بر شما واجب است.

در صدا و سیما به شما ایراد نمی گرفتند؟

اصلًا، خیلی‌های دیگر هم بودند که چنین مشکلی داشتند، اما هیچ کس کاری با آن‌ها نداشت. حتی کلیدی‌ترین پست‌ها را نیز داشتند!

پس چرا برای عمل اقدام نکردید؟

داشتم خودم را آمده می کردم که برای عمل به تایلند بروم که خوردم به انقلاب و این قضیه خود به خود منتفی شد.

خانواده شما موافق بودند؟

نه. ولی مخالف هم نبودند. می‌گفتند: به هر حال مشکلی است که باید حل شود.

بعد از انقلاب کار در صدا و سیما را ادامه دادید؟

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۳

خیر. بعد از انقلاب از من دعوت شد تا به صدا و سیما بروم. رفتم. غافل از این‌که تازه اول دردسر و مشکل‌ها است! و سؤال‌هایی که: تو کی هستی؟ چرا این جوری هستی و ....؟ هر چه می‌گفتم: بابا من مریض هستم. فوراً برای من جلسه گذاشتند. گفتند: فردا باید بروید دی کلینیک. رفتم. اما برخورد دکتر کاملًا زننده و غیر قابل تصور بود. همان طور که گفتم: این آغاز مشکلات بود. بگیر و ببندها، احضارهای مکرر و سؤال و جواب‌ها و ....! حتی یک ستون در محوطه صدا و سیما بود. دکتر بحرالعلوم و سرکش مسؤول بهداری صدا و سیما می‌گفتند: ما تو را این جا آتش می‌زنیم! به هر حال کار به آن جایی کشید که به من هورمون مردانه زدند. مجبورم کردند لباس مردانه بپوشم و ....! هیچ وقت یام نمی‌رود که من در آن روزها همیشه یک سری اسناد و مدارک زیر بغلم بود تا اگر زنگ زدند و خواستند برای جایی احضارم کنند. مدارکم همراهم باشد!

این رویه تا سال ۶۰- ۶۱ ادامه داشت. در همین سال‌ها می‌شنیدم که عده‌ای از گی‌ها و دو جنسی‌ها را گرفته‌اند و در اوین زندانی کرده‌اند. در این گیر و دار در سال ۶۱، ۶۲ خبردار شدم که یکی از دوستانی را که زن بود، اما از لحاظ ظاهری مدل مردانه داشت را در سیستان و بلوچستان با مردی دستگیر کرده‌اند: زنگ زدم به دفتر آقای هاشمی رفسنجانی و وقت ملاقات برایم تعیین کردند. رفتم به ملاقات ایشان و رودررو مشکلات خود و دوستانم را مطرح کردم. آقای هاشمی قول مساعد دادند. در آن روزها هنوز هویت مردانه داشتم.

نظر خودشان چه بود؟

موافق تغییر جنسیت در چنین شرایطی بودند.

بعداً هم شما را حمایت کردند؟

نه. فقط من را به دفتر آقای اردبیلی معرفی کردند.

پیش مرجع دیگری نرفتید؟

چرا، رفتم پیش آیت‌الله جنتی. ایشان هم نامه‌ای برای امام (ره) نوشتند و کسب تکلیف کردند. رهبر انقلاب هم جواب دادند که در صورت بروز اختلال فیزیولوژی

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۴

تغییر جنسیت مشکلی ندارد. اما این جواب فقط برای افرادی بود که از لحاظ ظاهری معلوم بود که مشکل دارند، نه تراجنسیتی‌ها که از لحاظ روحی مشکل دارند. دیدم این طوری نمی‌شود. یک روز با همان لباس مردانه بلند شدم و رفتم جماران، بیت رهبری. بگذریم که آن جا چه بر من گذشت تا توانستم امام (ره) را ملاقات کنم. مرحوم حاج احمد آقا نیز حضور داشتند. به اتفاق آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و اردبیلی، البته صحبتم با امام (ره) کوتاه بود، اما نتیجه آن واقعاً رضایتبخش بود. چرا که امام همان جا فتوایی صادر کردند که براساس آن تغییر جنسیت با تأیید پزشک بلامانع است. آن زمان دادستان، آقای میرعماد بودند. مرا سوار ماشین ایشان کردند و همراه دو محافظ به پزشکی قانونی آوردند. آن جا به من گفتند: خودت تنها برو تو. رفتم پیش رئیس مرکز. اما چنان واکنش تندی دیدم که همراهان و محافظان من مجبور به مداخله شدند. کم مانده بود با چوب و چماق بیفتند به جان من! به هر حال محافظان جلو آمدند، دستور امام را نشان دادند و .... همان جا اولین مجوز تغییر جنسیت از سوی پزشکی قانونی در دولت جمهوری اسلامی از سوی رئیس پزشکی قانونی برای من صادر شد.

وبعد؟

مرا دوباره سوار ماشین کردند وبردند در یکی از کاخ‌های مرمر. اگر درست یادم باشد کاخ ضلع شمال غربی بود. یک صندلی داخل سالن گذاشتند و گفتند: همین جا بنشینید. رفتم پیش آقای میرعماد. ایشان گفتند: هر چه می‌خواهی بگو. همان جا بود که دستور صدور شناسنامه برایم صادر شد، دو تا نامه برای بیمارستان سجاد به من دادند و ....! اما دو خواسته را فراموش کردم که عنوان کنم: یکی این‌که این عمل در ایران موفق نیست و من باید به خارج بروم و برای این کار احتیاج به صرف هزینه گزافی است و یکی دیگر این‌که به من مجوز بدهند که تحت لوای آن بتوانم برای کمک به همتایان خودم فعالیت کنم.

یعنی در سال ۶۲ شما دوباره محجبه شدید؟

بله.

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۵

رفتید به بیمارستان سجاد؟

بله. اما هیچ کدام کاری از دستشان ساخته نبود.

به صدا و سیما برگشتید؟

بارها در دوران ریاست هاشمی در صدا و سیما پشت در اتاقشان رفتم. اما به دلیل کارشکنی مسؤول اداری سازمان نتوانستم داخل شوم و با ایشان صحبت کنم. خلاصه مرا بازنشسته کردند.

پیش مسؤولان بهداشت وقت نرفتید؟

چرا، یک بار با نامه یکی دیگر از مسؤولان پیش دکتر منافی وزیر بهداشت و مرندی رفتم. منافی گفت: این حرف‌ها چیه؟ ما تا الان از این چیزها نداشته‌ایم ....! بعد از کلی صحبت کردن و کمی آرام شدن بالاخره گفتند: بروید. فردا ساعت ۵ صبح این جا باشید.

خیلی خوشحال شدم فکر کردم حتماً می‌خواهند کمکی چیزی بکنند. فردا صبح رأس ساعت ۵ در وزارت بهداشت بودم. دکتر منافی آمد و مرا پایین آورد. کلنگی دست من داد و گفت: می‌روی جبهه، خط مقدم، شاید آن جا کشته شوی و گناهانت بخشیده شود و در آن دنیا عاقبت به خیر شوی!

مانده بودم که چه کار باید کنم. وانتی آمد و مرا سوار کرد تا ببرد خط مقدم جبهه! اما دیدم دارد من را به جای دیگر می‌برد! وسط راه شروع کردم به صحبت کردن و التماس کردن به راننده تا این‌که راضی شد مرا در میدان انقلاب پیاده کند.

پیش مسؤولان دیگری نرفتید؟

پیش خیلی‌ها رفتم. در طول این سال‌ها، به هر کجا و هر کس که فکر می‌کردم می‌تواند برای ما کاری کند سر زدم، البته تا جایی که می‌توانستم. حتی با پیگیری‌هایی که در زمان مهندس موسوی کردم. او دو نفر را برای صحبت با من به منزل فرستاد. بازدید آن ها مصادف بود با حضور یکی از ترانس‌ها در همین اتفاق. آقایان تا او را دیدند با لحن بسیار بدی از او کارت خواستند و وقتی فهمیدند کارت ندارد، به شیوه‌ای

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۶

بسیار نامناسب با او برخورد کردند. می‌گفتند تو آدم منحرفی هستی و ....! من هم نمی‌دانستم چطور حقانیتم را ثابت کنم.

گذرتان به نیروی انتظامی هم افتاده است؟

بله، بارها و بارها. هر بار هم به دلیلی. بارها در خواست کردم با رئیس نیروی انتظامی، در جلسه‌ای گفت و گو کنم. امامتأسفانه هیچ ترتیب اثری داده نشد.

پیش خاتمی نرفتید؟

چرا با آقای ابطحی تماس گرفتم. ایشان هم واقعاً سنگ تمام گذاشتند. مرا پیش خانم شجاعی فرستادند. ایشان هم مرا پیش خانم

دکتر کیهانی فر، معاونت وزیر و به اعتقاد من مادر ترانس‌های ایران، کسی که به خاطر حمایت از ترانس‌ها، حتی از سمت و پست دولتی خود نیز گذشت، بردند.

نظر وزیر بهداشت جدید، دکتر پزشکیان در این زمینه چیست؟

البته آن زمان آقای پزشکیان معاون وزیر بودند. شاید باورتان نشود. اما ایشان نظر خوبی نسبت به ما ندارند و متأسفانه تاکنون از انجام هر گونه مساعدتی نیز طفره رفتند. به خانم دکتر کیهانی‌فر گفته بودند: این ها در اولویت نیستند و فعلًا نمی‌شود برایشان کاری کرد! حتی یک بار هم تحصن کردیم. ریاست مجلس و دکتر پزشکیان هم که در آن زمان معاون وزیر بهداشت بودند نیز حضور داشتند. دکتر پزشکیان شروع کردند به تکرار حرف‌های خود، البته با عصبانیت، اصلًا ترانس‌ها و این بیماری را قبول نداشت. من هم رفتم جلو، کارتم رانشانشان دادم و گفتم: آقای دکتر، اگر فکر می‌کنید ما کلاهبرداریم، می‌خواهید همین جا من را معاینه کنید؟! متأسفانه مشکل اصلی ما این بود که بسیاری از پزشکان ما حتی نمی‌دانستند مشکل ما چیست؟ حتی یادم هست ۱۳ سال بعد ازاین که از صدا وسیما بیرون آمدم. یک روز خانم دکتری که مرا معاینه کرده و به رئیس بهداری گزارش داده بود مرا دید و گفت: خانم ملک‌آرا، مرا حلال کن، چون من آن روزها اصلًا نمی‌دانستم مریضی شما چیست! رئیس این مرکز هم که روزگاری مرا متهم به انحراف و سوء استفاده کرده بود گفت: ببخشید، به من گزارش غلط داده بودند!

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۷

نمی‌دانستم چه بگویم. فقط گفتم: دکتر یعنی شما ۱۳ سال از عمر مرا فقط به خاطر این‌که خودتان مریضی‌ام را تشخیص نمی‌دادید، تلف کردید!؟

یک بار دیگر هم، زمان انتخابات مجلس، رفتم پیش یک نماینده مجلس، ایشان جلوی مردم کلی از ما استقبال کردند و قول دادند در صورت انتخاب شدن حتماً برای طرح مشکلات ما در مجلس کمک کنند. اما وقتی بعد از راه یافتنشان به مجلس به ایشان تلفن کردم خیلی راحت گفتند: من شما را نمی‌شناسم.

بالاخره چطور شد که عمل کردید؟

دیگر نمی‌توانستم منتظر تحقق وعده‌های مسؤولان باشم. هر طوری بود پول عمل جراحی و مسافرت به خارج را تهیه کردم و برای معالجه به تایلند رفتم. یکی از مجهزترین بیمارستان‌های این حوزه، در این کشور وجوددارد. حتی اروپائیان هم برای انجام این عمل به آن جا می‌روند. سال ۸۱ بود که بالاخره عازم تایلند شدم، در فرودگاه لباس مردانه پوشیده بودم. من از سال ۶۲ تا ۸۱ محجبه بودم. در فرودگاه مسؤولان حراست با دیدن شناسنامه من گفتند: نه، تو پسر هستی که خودت را به شکل دختر در آورده‌ای، گفتم: باشه حالا که این طوری است من چادر و چارقدم را بر می‌دارم، اما گناهشان به پای شما!

همین کار را هم کردم. لباس عوض کردم و در هیأت یک مرد به تایلند رفتم. حتی در سفارت ایران در تایلند هم مرا نپذیرفتند. می‌گفتند تو تروریستی! این بود که رفتم هتل و از آن جا به سفیر ایران در تایلند زنگ زدم. ایشان خودشان با من قرار ملاقاتی گذاشتند و پس از شنیدن حرف‌های من قول دادند از هر کاری که بتوانند مضایقه نکنند. به وعده‌شان هم عمل کردند و واقعاً تا برگشتن به ایران، سنگ تمام گذاشتند. یادم هست شبی که به تایلند پرواز می‌کردم. شب حمله آمریکا به افغانستان بود. اتفاقاً بازیکن‌های تیم تایلند هم پس از بازی با ایران با همان پرواز به کشورشان باز می‌گشتند.

از عملتان راضی بودید و هستید؟

بله، دکتر پیریجا از بهترین پزشکان دنیا در این زمینه است. واقعیت این است که

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۸

ایشان کارشان را بدون عیب و نقص خوب انجام دادند. اما به دلیل مشکلی، من مجبور شدم در دوران نقاهت به ایران باز گردم که

همین مسأله باعث ایجاد یکی دو عارضه در من شد.

چرا مجبور شدید برگردید؟

بایـد دو سه هفته در بیمارسـتان می‌مانـدم، امـا وقتی به مادرم زنگ زدم، مادرم گفت: فریـدون مرده است. تو فریـدون من نیستی! به قدری دلشکسته شدم که پس از یک هفته، از بیمارستان فرار کردم و به ایران برگشتم.

مادرتان وقتی شما را دید چه حالی داشت؟

می‌گفت تو فریـدون نیستی. تو دختر عمه کوچـک فریـدون هستی که من برای درمـان او تو را به تهران آورده بودم و نگذاشـتم باز گردد! می‌گفت فریدون من برای کار به دوبی رفته است!

نمی‌دانستم چه بایـد بکنم. کار به جایی رسید که مجبور شدم از یک نفر خواهش کنم نقش فریدون را بازی کند، تا مادرم ساکت شود. تا این‌که بعـد از دو سال دیدم این طور نمی‌شود. چند ماه پیش بالاخره به مادرم گفتم: فریدون مرده است! او مرا قاتل فریدون می‌داند و حتی می‌خواهد از من شکایت کند! او هر روز مرا نفرین می‌کند و .....!

مادرتان الان در کجا زندگی می‌کند؟

در طبقه پایین!

من متوجه نشـدم. مگر پیش از عمل، مادرتان شـما را ندیـده بود. بعد از عمل که مسـلماً شـما از نظر ظاهری تغییر نکرده بودید. پس چطور مادرتان شما را نمی‌شناخت؟

واقعاً نمی‌دانم! هیچ وقت نتوانستم علتش را بفهمم.

در چند سالگی تغییر جنسیت دادید؟

۵۱ سالگی.

تغییرجنسیت، ص: ۴۰۹

ازدواج هم کرده‌اید؟

بله. دو بار.

چطور؟ شما که مرد بودید و ....

ببینیـد حکم شـرعی مـا در این مورد، دقیقـاً مشابه حکم زنی است که برای ازدواج با مشـکل مواجه است، اما به نامزد یا همسـرش تا شب عروسـی چیزی نمی‌گویـد. تـا این‌که شوهرش شب عروسـی متوجه مـاجرا می‌شود. می‌توان او را طلاـق دهـد یـا با پـذیرش آن شرایط، به زنـدگی خود ادامه دهـد. ما هم‌چنین شـرایطی داشتیم. همسـر اولم، از یک سال پیش از عمل من از ماجرا با خبر بود ما با هم عقدی خواندیم.

پس چرا جدا شدید؟

باز هم بایـد بگویم نمی‌دانم علتش را، چگونه عنوان کنم. شایـد به این دلیل که این عشق این قـدر واقعی بود که نمی‌توانسـتم آن را باور کنم. خودم هم اصرار به جدا شدن داشتم، گرچه بعد از جدایی تا ۴۸ ساعت تمام زندگی‌ام گریه بود و آه و اشک.

وهمسر دومتان؟

ایشان بیش‌تر از این‌که همسـرم باشـند، همدمم، فرزندم و خلاصه همه چیزم هسـتند. پسـر دایی‌ام هستند. از بیست سال پیش از فوت والـدینشان پیش ما زنـدگی می‌کردنـد. تا این‌که به هر حال از یک سال پیش ازعمل جراحی‌ام با هم عقد کردیم. او ۱۳ سال از من کوچک‌تر است. در واقع من یک زن ۵۴ ساله، با این وضعیت که هنوز هم زخمی در بدن دارم، نمی‌توانم مانند زنان دیگر همسری کنم. اما ایشان مرا با همین شرایط پذیرفته‌اند.

پیش از مصاحبه در مورد کمیته‌ای صحبت می‌کردید که در سال ۸۰ برای ساماندهی امور ترانس‌ها تشکیل شده بود. در این مورد بیش‌تر توضیح می‌دهید.

بله، این کمیته در سال ۸۰ با حضور جمع زیادی از کارشناسان و نمایندگان نهادهای مختلف به منظور رسیدگی به امور گوناگونی که ترانس‌ها با آن درگیر هستند تشکیل شده بود. هزینه‌های آن نیز از طریق کمک‌های مردم تأمین می‌شد.

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۰

به چه نامی؟

کمیته کشوری ساماندهی اختلالات جنسیتی

اعضای این کمیته را چه کسانی تشکیل می‌دادند؟

وزیر بهداشت (رئیس)، مشاور وزیر و سرپرست امور زنان (دبیر شورا) و نمایندگان وزارت اطلاعات، دادگستری، دیوان عالی کشور، سازمان پزشکی قانونی و نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و .... به عنوان اعضای این شوار فعال بودند.

مگر الان فعال نیستند؟

خیر، به دستور وزیر بهداشت این کمیته منحل شد. خیلی‌ها دوست دارند آقای وزیر بهداشت علت این انحلال را توضیح دهند.

وبه دلیل همین مخالفت‌ها مجبور شدید برای تشکیل یک ان جی ا (

(N.G.O

در خواست بدهید؟

بله. از چند ماه پیش این مسأله در وزارت کشور مطرح است و تحت بررسی است. البته این مسأله عامل دیگری هم داشت. این‌که تأمین بودجه این کمیته از طریق غیر دولتی بود.

الان برخورد نیروی انتظامی با ترانس‌ها چطور است؟

خیلی عالی، خصوصاً این‌که خبر دارم به مأموران دستور داده شده، کاری به کار این افراد نداشته باشند. مگر این‌که جرم مشهودی انجام دهند.

پس از عمل جراحی، پزشکان ایرانی نتوانستند جراحتی را که داشتید درمان کنند؟

متأسفانه خیر. وقتی از تایلند بازگشتم به صورت داوطلبانه خودم را به عنوان یک نمونه در اختیار پزشکان قرار دادم اما ....!

و باز متأسفانه به همین دلیل، چون هنوز دوران نقاهت بعد از عملم تمام نشده بود، دچار عارضه‌ای شده‌ام که هنوز پزشکان ایرانی نتوانسته‌اند آن را درمان کنند. البته این عارضه به هیچ وجه چیز مهمی نیست.

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۱

یعنی شما الان به ترانس‌ها توصیه می‌کنید برای تغییر جنسیت به تایلند بروند؟

بله.

چقدر هزینه دارد؟

بین ۸ تا ۱۰ میلیون تومان که پرداخت آن بر عهده خودشان است.

حس مادری‌تان را چگونه ارضا می‌کنید؟

من از جوانی مادر بودم. همیشه برای همه احساس مادری می‌کردم.

در طول این چند سال اخیر، احساس می‌کنید نگاه و دیدگاه پزشکان، مسؤولان و کارشناسان تا چه حد تغییر کرده است؟

خیلی خیلی زیاد. دلیلش هم واضح است. میوه وقتی رسید، باید آن را چید و گرنه خراب می‌شود و به هرز می‌رود. باید فکر خوب

را پرورش داد. بایـد از پتانسیل‌های موجود اسـتفاده کرد، ما از ایدز، سارس و اعتیاد و ...... فرار می‌کنیم. اما این‌ها وجود دارند، چه بخواهیم و چه نخواهیم. دست ما نیست. نتیجه این سهل انگاری‌ها را در مورد ایدز و اعتیاد دیده‌ایم. پس چرا باید دوباره آن تجارب تلـخ را تکرار کنیـم؟ امـا جلـوی فـاجعه را هر وقت بگیریـد منفعت است. خوشـبختانه در طـول چنـد سـال اخیر، دیـدگاه‌ها و نظرات کارشناسان و مسؤولان بسیار تغییر پیدا کرده و مثبت شده است.

گویا کمیته‌ای هم در این زمینه تشکیل شده است؟

بله. در سال ۱۳۸۰ کمیته‌ای بـا حضور جمعی از مسؤولاـن مطرح کشور و سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای سامانـدهی به وضـعیت این قشر از اقشار جامعه تشکیل شد که هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

بیمارستانی هم برای درمان ترانس‌ها وجود دارد؟

کسانی که مایل به درمان هسـتند، ابتـدا به معاونت سـرپرستی مـددکاری قوه قضاییه می‌روند. آن جا آن‌ها را با یک نامه به پزشـکی قانونی معرفی می کنند. پزشکی قانونی آن‌ها را به انستیتو روان پزشکی تهران، تحت مدیریت «دکتر بوالهری» می‌فرستد.

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۲

در یکی از مصاحبه‌های شما با یکی از خبرگزاری‌ها خوانده بودم که گویا شما در جبهه بوده‌اید؟

فکر نمی‌کنم چندان مهم باشد. چون در خط مقدم نبودم. بلکه به عنوان پرسـتار پشت جبهه، در بیمارسـتان رازی تهران از مجروحین جنگ پرستاری می کردم.

چی شد که به فکر جبهه و پرستاری از مجروحین افتادید؟

حس می کردم به این طریق ارضـا می‌شوم. یـک جور ارضـای روحی. یـک احسـاس مفیـد بودن. از طرفی دیگر، این فعـالیت بـاعث می‌شد تا مدتی از اطرافیان و حرف و حدیث‌های آن‌ها دور باشم.

کمیته‌ای که در حال حاضر در وزارت کشور در حال شکل گیری است زیر نظر کجاست؟

زیر نظر رییس جمهور و وزیر کشور.

الان وقتی به گذشته و آینده خود نگاه می کنید، از آن احساس رضایت می کنید؟

احساس می کنم یک جورهایی حق مرا خورده‌اند.

لحظه‌ای که بعد از عمل به هوش آمدید چه احساسی داشتید؟

یادم می‌آیـد همیشه به هواپیماهایی که از بالای منزلمان عبور می کردند نگاه می کردم و می گفتم. خدایا، یعنی می‌شود یک روز من هم با یکی از این‌ها به تایلند بروم، جراحی کنم و سالم برگردم؟ لحظه‌ای که چشم باز کردم به این آرزو فکر می کردم.

بعد از شما هم افرادی بودند که به تایلند مسافرت کنند؟

بله. خیلی زیاد.

الان با ترانس‌ها جلسات مرتبی هم دارید؟

نه. ولی جوان‌ترها بعضی وقت‌ها دور هم جمع می‌شوند.

از سر کردن چادر و مقنعه چه احساسی دارید؟ چون خبرگزاری‌های خارجی

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۳

از قول شما عنوان کرده‌اند که به زور چادر سرشما کرده‌اند؟

نه، من خودم و با میل خودم چادر سـر می کنم. چون اولًا جامعه ما در حال حاضـر به گونه‌ای است که چادر و مقنعه پوشـش اصـلی زنان را تشکیل می‌دهد. ثانیاً احساس می کنم در این پوشش امنیت بیشتری دارم.

بزرگ‌ترین آرزویتان چیست؟

ساختن بیمارستانی با پزشکان دوره دیده برای انجام جراحی‌ها و درمان ترانس‌ها.

و به عنوان حسن ختام این گفت و گو ....!

زندگی شخصی و آن‌چه بر من رفته چندان مهم نیست. مهم آن است که از آقای وزیر بهداشت پرسیده شود. آقای وزیر اگر این بیماران منحرف هستند چرا آن‌ها را از بین نمی‌برید؟ اگر هم قابل درمان هستند، چرا کاری برای معالجه‌شان نمی‌کنید؟ چرا آن‌ها را به امان خدا رها کرده‌اید؟! من یک بار با یکی از آقایان وزرا گفت و گویی داشتم. ایشان می‌فرمودند: شنیده‌ام که چنین بیماری و مشکلی وجود دارد، اما خودم هنوز باور ندارم. فکر می‌کنم شما مردی هستید در لباس زن. البته از انجام هر کمکی بتوانم مضایقه ندارم. می‌خواهیم بپرسم چرا از بیان چیزی که قانونی است ابا داریم؟ باور کنید ما هم انسان هستیم.

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۵

ضمیمه ۴ فتاوی و دیدگاه‌های مراجع و فقیهان شیعه

فتاوی امام خمینی (ره) درباره تغییر جنسیت[۵۹۸]

اشاره

الف) تحریر الوسیله

مسأله ۱- الظاهر عدم حرمة تغییر جنس الرجل بالمرأة بالعمل و بالعکس، و کذا لا یحرم العمل فی الخنثی لیصیر ملحقاً بأحد الجنسین، و هل یجب ذلک لو رأت المرأة فی نفسها تمائلات من سنخ تمائلات الرجل أو بعض آثار الرجولیة أو رأی المرأة فی نفسه تمائلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا کان الشخص حقیقة من جنس و لکن أمکن تغییر جنسیته بما یخالفه.

مسألة ۲- لو فرض العلم بأنه داخل قبل العمل فی جنس مخالف و العملیة لا تبدل جنسه بأخر بل تکشف عما هو مستور، فلا شبهة فی وجوب ترتیب آثار الجنس الواقعی و حرمة آثار الجنس الظاهر، فلو علم بأنه رجل یجب علیه ما یجب علی الرجال و یحرم علیه ما یحرم علیهم و بالعکس، و أما وجوب تغییر صورته و کشف ما هو باطن فلا

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۶

یجب إلا إذا توقف العمل بالتکالیف الشرعیة أو بعضها علیه و عدم إمکان الاحتراز عن المحرمات الإلهیة إلا به فیجب.

مسألة ۳: لو تزوج إمرأة فتغیر جنسها فصارت رجلًا بطل التزویج من حین التغییر و علیه المهر تماماً لو دخل بها قبل التغییر، فهل علیه نصفه مع عدم الدخول أو تمامه؟ فیه إشکال، و الأشبه التمام، و کذا لو تزوجت إمرأة برجل فغیر جنسه بطل التزویج من حین التغییر، و علیه المهر مع الدخول، و کذا مع عدمه علی الأقوی.

مسألة ۴: لو تغیر الزوجان جنسهما إلی المخالف فصار الرجل امرأة و بالعکس، فإن کان التغییر غیر مقارن فالحکم کما مر، و إن قارن التغایر فهل یبطل النکاح أو بقیا علی نکاحهما و إن اختلفت الأحکام، فیجب علی الرجل الفعلی النفقة و علی المرأة الإطاعة؟ الأحوط تجدید النکاح و عدم زواج المرأة الفعلیة بغیر الرجل الذی کان زوجته إلا بالطلاق بإذنهما و إن لایبعد بقاء نکاحهما.

مسأله ۵: لو تغیر جنس المرأة فی زمان عدتها سقطت العدة حتی عدة الوفاة.

مسأله ۶: لو تغیر جنس الرجل إلی المخالف فالظاهر سقوط ولایته علی صغاره، و لو تغیر جنس المرأة لا یثبت لها الولایة علی

الصغاره، فولايتهم للجد للأب، و مع فقده للحاكم.

مسألة ٧: لو تغير جنس كل من الأخ و الأخت بالمخالف لم ينقطع انتسابهما، بل يصير الأخ اختاً و بالعكس، و كذا فى تغيير الأخين أو الأختين، و لو تغير العم صار عمة و بالعكس، و الخال خالة و بالعكس و هكذا، فلو مات عن ابن جديد و بنت جديدة للذكر الفعلى ضعف الأنثى الفعلية، و هكذا فى سائر طبقات الارث، لكن يبقى الإشكال فى إرث الأب و الأم و الجد و الجدة، فلو تغير جنس الأب إلى المخالف لا يكون فعلًا أباً و لا أماً، و كذا فى تغيير جنس الأم. فانّ الرجل الفعلى لا يكون اماً و لا أباً، فهل يرثان بلحاظ حال التوليد أو لأجل الأقربية و الأولوية أو لا يرثان؟ فيه تردد، و الأشبه الارث، و الظاهر أنّ اختلافهما فى الإرث بلحاظ حال انعقاد النطفة، فللأب حال الإنعقاد ثلثان، و للأم ثلث، و الأحوط التصالح.

مسألة ٨: لو تغير جنس الأم فهل تكون بعد الرجولية محرماً لحلية ابنها كالأب أم لا؟

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۷

لا يبعد على إشكال، و لو تغير جنس الأب فهل يكون فى حال أنوثيته محرماً لابنه و إن لم يكن أماً له؟ الظاهر ذلك، ولو تغيرت زوجة الإبن و صارت رجلًا فهل هى محرم على أم زوجها السابق؟ لا يبعد ذلك على إشكال.

مسألة ٩: ما ذكرناه فى الأقرباء نسباً يأتى فى الأقرباء رضاعاً كالأم و الأب الرضا عيين و الأخت و الأخ و هكذا.

مسألة ١٠: يثبت ما ذكرناه فيما إذا غير جنس بجنس واقعاً، و أما لو كان العمل كاشفاً عن واقع مستور و أنّ من صار رجلًا بعد العمل كان رجلًا من أول الأمر يستكشف منه أن ما رتب على الرجل الصورى و المرأة الصورية رتب على غير موضوعه فتحدث مسائل أخر.

ب) تغییر جنسیت[۵۹۹] (ترجمهٔ تحریرالوسیله امام خمینی (ره))

۱. آیا تغییر جنسیت جایز است؟

تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست.

۲. تبدیل جنس واقعی

آیا اگر زنی در خود تمایلاتی همچون تمایلات مردان یا برخی از آثار مردی ببیند، یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، واجب است تغییر جنسیت دهد یا خیر؟

چنان‌چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی می‌تواند جنس خود را تغییر دهد و تبدیل به جنس مخالف جنس واقعی خود بشود، واجب نیست.

۳. تبدیل جنس ظاهری

چنان‌چه شخصی قبل از عمل جراحی در جنس مخالف قرار دارد و عمل جراحی جنسیت وی را تغییر نمی‌دهد بلکه آن‌چه را پنهان است آشکار می‌سازد، در این

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۸

صورت، بدون شبهه واجب است آثار جنس واقعی را رعایت نماید، و ترتیب آثار جنس ظاهری حرام است. بنابراین، اگر بداند که در واقع مرد است، آن‌چه بر مردان واجب است، بر وی واجب است و آن‌چه بر مردان حرام است بر وی حرام می‌باشد. و امّا تغییر شکل و کشف آن‌چه پنهان است، واجب نیست مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی با پاره‌ای از آن نیاز به عمل جراحی داشته و احتراز از محرمات الهی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت شکل با عمل جراحی واجب می‌شود.

۴. تغییر جنسیت پس از ازدواج

اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و شوهر در

صورت آمیزش قبل از تغییر بایـد تمام مهریه زن را بپردازد و در صورت عـدم آمیزش، سـقوط نصف مهر مشکل و قول به پرداخت تمام مهریه بهتر است.

هم‌چنین اگر زنی با مردی ازدواج کنـد و مرد تغییر جنسـیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می‌شود و در صورت آمیزش، باید مهریه‌زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنابر اقوی باید بپردازد.

۵. تغییر جنسیت زن و شوهر با هم

اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهنـد به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود اگر تغییر جنسـیت آن دو بـا هم در یک زمان نباشد، حکم آن مانند سابق است. امّا اگر هر دو با هم تغییر جنسـیت دهند، احوط این است که مجدداً ازدواج کنند، و زن با دیگری ازدواج نکند مگر این‌که با اجازه هر دو طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آنها هم‌چنان برقرار باشد.

۶. سقوط عدّه

اگر زنی در زمان عدّه تغییر جنسیت دهد، عدّه‌اش ساقط می‌شود حتّی عِدّه‌وفات.

۷. تغییر عناوین

اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد و به جنس مخالف درآید، نسبت

تغییرجنسیت، ص: ۴۱۹

آن دو به یکـدیگر قطع نمی‌شود؛ بلکه برادر، خواهر می‌شود و خواهر، برادر، و نیز اگر دو برادر یا دو خواهر تغییر جنسـیت دهنـد؛ و اگر عمویی تغییر جنسیت دهـد، تبـدیل به عمّه و اگر عمّه‌ای تغییر جنسـیت دهد، تبدیل به عمو می‌شوند. هم‌چنین با تغییر جنسـیت، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می‌شود.

۸. اگر یکی از کسان پسـر و دختری که تغییر جنسیت یافته است بمیرد، پسـر فعلی دو برابر دختر فعلی ارث می‌برد همچنین در سایر طبقات ارث. لکن اشـکال باقی می‌مانـد در ارث پـدر و مادر و جـدّ و جـدّه که اگر پـدر تغییر جنسـیت دهـد، نه پـدر فعلی محسوب می‌شود و نه مادر فعلی. و نیز اگر مادر تغییر جنسـیت دهـد، مرد فعلی نه مادر است و نه پـدر. در این صورت، آیا از نظر تولید، ارث می‌برنـد یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا این‌که ارث نمی‌برند؟ در این مسأله تردید وجود دارد و بهتر این است که بگوییم ارث می‌برنـد و ارث آنها به لحاظ حال انعقاد نطفه است. بنابراین، برای پـدر در حال انعقاد نطفه و برای مادر می‌باشد و احوط این اسـت که با هم مصالحه کنند.

۹. محرمیت

اگر مادر تغییر جنسـیت دهـد، آیا بعـد از مرد شـدن،ماننـد پـدر، کسانی که بر پسـرش حلالند، بر وی محرمند یا نه؟ بعید نیست که محرم باشند، البته با اشکال.

اگر جنسیت پدر تغییر یابد، آیا اکنون که زن شده به پسرش محرم است هر چند که مادر وی محسوب نمی‌شود؟ ظاهر این است که نسبت به وی محرم است.

اگر عروس (همسـر پسـر) تغییر جنسـیت دهـد و مرد شود، آیا به مادر شوهر سابقش محرم است؟ بعیـد نیست که محرم باشد، البته با اشکال.

۱۰. نسبت به نزدیکان رضاعی

آن‌چه در نزدیکان نسبی گفته شد، در نزدیکان رضاعی مانند پدر، مادر، برادر، خواهر و ... رضاعی نیز جریان دارد.

۱۱. کشف جنس واقعی

آن‌چه ذکر شد در مواردی است که تغییر جنسیت واقعی شخص باشد؛ امّا اگر عمل

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۰

جراحی کاشف از واقعیت پنهانی بوده و کسی که بعد از عمل، مرد شده از اول مرد بوده است، با این عمل کشف می‌شود که آنچه بر مرد یا زن صوری مترتّب شده، برخلاف واقع بوده و در این صورت مسائل دیگری پیش خواهد آمد.

ج) استفتایی از امام خمینی (ره) درباره تغییر جنسیت

شخصی به نام فریدون که دچار اختلال هویت جنسی یا تراجنسیتی بود. وی- بنا به گفته خودش- در فرانسه خدمت امام خمینی رسید و خواستار فتوایی برای جواز تغییر جنسیت شد. بار دیگر، بعد از انقلاب در جماران خدمت امام خمینی رسید و از نزدیک مشکل خویش را برای امام خمینی مطرح ساخت. امام خمینی با تغییر جنسیت او موافقت کرد و وی تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است. هم اکنون ایشان به نام «مریم خاتو مُلک آرا» شناخته می‌شود که استفتا زیر را در اختیار این جانب قرار داد:

بسمه تعالی

تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و کسانی که شما ذکر کرده‌اید امید است مراعات حال شما را بکنند. دفتر امام خمینی

بخش استفتا

دیدگاه آیت‌الله شیخ محمد علی اراکی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱: آیا تغییر جنسیت مرد به زن و بالعکس به وسیله عمل جراحی جایز است؟ و از نظر وظایف شرعی و احکام مختص به رجال و نسا، وظیفه چیست؟

جواب: اگر عمل جراحی، واقع مقدَّر را کشف می‌کند، مانعی ندارد و ترتیب آثار و احکام شرعی مختص به زن و مرد، تابع جنس واقعی است. پس اگر علم دارد که در واقع مرد است، احکام مرد را دارد و بالعکس هر چند عمل جراحی نشده باشد.

سؤال ۲: آیا تغییر جنسیت با عمل جراحی جایز است؟ به این صورت که مرد واقعی با عمل جراحی زن گردد و بالعکس؟

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۱

جواب: در غیر صورت کشف واقع، با عمل جراحی تغییر جنسیت، واقعاً محل اشکال است.[۶۰۰]

دیدگاه آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی دربار تغییر جنسیت

سؤال ۱. هل یجوز تحویل الجنس من إمرا إلی رجل أو بالعکس عن طریق عملی جراحی کما هو الحاصل فی بعض الدول؟

جواب: بسمه تعالی- لایجوز ذلک والله العالم.[۶۰۱] سؤال ۲. حکم تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن چیست؟

جواب: ظاهراً جایز می‌باشد و بعد از تغییر جنسیت باید به وظایف جنسی که تغییر پیدا کرده عمل نماید.[۶۰۲]

دیدگاه آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱: کسانی به وسیله جراحی اطبا این عصر تبدیل می‌کند مرد ذَکَر خود را به فَرج انثی، و همچنین زن تبدیل می نماید فَرج خود را به ذَکر مردی، اگر فرضاً این امر برای شهوت باشد حکم او چیست و اگر غرض او یک امر ایجابی باشد، مثلًا به وسیله این عمله عُقم او شفا می‌یابد و برای حب بقای نسل اقدام به چنین امری می‌کند؟

جواب: این عمل جراحی در نهایت اشکال است.»[۶۰۳] سؤال ۲: بالنسبهٔ إلی الخنثی الکاذبهٔ- أی أنّ الشخص فی خلایا جسمه من

الناحیهٔ الوراثیهٔ ذکر مثلًا و لکن الآلهٔ الخارجیهٔ تغایر ذلک أو العکس. فهل یجوز تغییر الشکل الخارجی بما یوافق واقع الأمر؟

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۲

جواب: لا مانع من ذلک.[۶۰۴] سؤال ۳: و إذا علم بالفحص أنّه فی الواقع ذکر مثلًا و إن کان الشکل شکلًا أنثویاً، فهل یجوز فی هذه الحالهٔ إزالهٔ عوارض الذکورهٔ مثلًا و صیرورته انثی خالصهٔ باعتبار أنّه رُبّی و هو صغیر علی أنّه انثی فإذا غیر إلی ذکر قد یصیبه بعض الأزمات النفسیهٔ فتلافیاً لذلک تزال عنه عوارض الذکورهٔ- مع أنّه ذکر فی الواقع- حتی یکون انثی خالصهٔ أم لا یجوز ذلک؟

جواب- لا مانع من ذلک.[۶۰۵]

دیدگاه آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی دربار تغییر جنسیت

پرسش ۱: پسری هستم ۲۴ ساله که تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رسانیده و در حال حاضر آماده اعزام به خدمت مقدس سربازی هستم. حدود چند سالی است که متوجه وجود تفاوت شدیدی بین خود و همسن و سالانم شده ام. مشکل من این است که از لحاظ جنسی با هم جنسان خود تفاوت بسیار شدیدی دارم، به این معنا که از لحاظ جنسی به جای این‌که متمایل به غیر هم جنس باشم، تمایل شدیدی به هم جنسان خود دارم و از داشتن ارتباط با غیر هم جنس به شدت بی‌زارم. در واقع به جای داشتن احساسات مردانه، تمایل خصلت ها و خصوصیات و احساسات زنانه را در وجود خودم حس می‌کنم. به عبارت دیگر، از جنسیت خودم ناراضی هستم. و این مسأله برای من مشکل ساز شده است. در نتیجه نمی‌توانم به عنوان یک مرد نقش اجتماعی و جنسی خود را ایفا کنم و قادر به مسؤولیت هایی که شرع و قانون بر عهدهٔ مرد گذاشته است نمی‌باشم. لازم به ذکر است که این مسأله به عنوان یک بیماری شناخته شده و در علم روان‌شناسی به آن «اختلال هویت جنسی» (

GenderIdentity)

می گویند.

تا به حال چندین بار به روان پزشکان و روان شناسان مختلف مراجعه کرده‌ام ولی نتیجه‌ای عایدم نشده است. از لحاظ علم پزشکی این بیماری خوب شدنی نیست و تنها

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۳

راه حل آن تغییر جنسیت می‌باشد.

حال سؤال من این است که شرع مقدس برای افرادی همانند من با توجه به خصوصیاتی که در فوق ذکر کردم، یعنی داشتن عواطف و احساسات زنانه به جای احساسات مردانه، چه تکلیفی را معین کرده است؟ چون من نمی‌توانم ازدواج کنم و در صورت ازدواج مطمئناً زندگی ناموفقی خواهم داشت. آیا اجازه تغییر جنسیت می‌دهد؟ ما برای ادامه زندگی چه باید بکنیم؟ لطفا مرا راهنمایی کنید و تکلیف شرعی من را معین نمایید. قبلا از همکاری شما متشکرم.

پاسخ- عمل جراحی برای تغییر جنسیت اگر ضرر نداشته باشد به خودی خود اشکال ندارد، لکن اگر به عنوان یک زن با ساختمان بدنی زن تغییر جنس دادید، باید به وظایف زنانه از حجاب و پوشش از نامحرم و احکام دیگر عمل کنید.[۶۰۶] پرسش ۲: افرادی که از نظر ظاهری کاملًا سالم هستند، ولی به دلیل ناراحتی شدید روحی به جنس مخالف تمایل دارند، آیا می‌توانند تغییر جنسیت بدهند؟ به طور کلی دیدگاه آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی دربار تغییر جنسیت چیست؟

پاسخ- تغییر جنسیت اگر امکان هم داشته باشد فی حد نفسه حرام نیست، لکن مستلزم ارتکاب حرام، مثل: کشف عورت و لمس

آن است که حرام است و موردی که نوشته‌اید، مجوز ارتکاب حرام نمی‌شود. به هر حال اگر کسی تغییر جنسیت داد باید به وظایف جنسی که تغییر یافته عمل کند، اگر زن شده وظایف زن، و اگر مرد شده وظایف مرد را انجام دهد.[۶۰۷] پرسش ۳: آیا تغییر جنسیت به عمل جراحی بدون هیچ آثار قبلی جایز است؟

پاسخ– مجرد تغییر جنسیت اشکال ندارد، لکن اگر بر فرض در صورت عمل مثلًا مردی تبدیل به زن شد، باید به تمام احکام مربوط به زنان از پوشش و غیر آن عمل

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۴

کند، و همین طور در عکس آن.[۶۰۸] پرسش ۴: آیا افراد خنثی می‌توانند تغییر جنسیت بدهند؟ یعنی به زن یا مرد تبدیل شوند؟

پاسخ: بلی، این افراد می‌توانند با عمل جراحی خود را تبدیل به زن یا مرد کنند. و بعد از این‌که با عمل جراحی جنس معین شد، تمام احکام آن جنس را خواهند داشت و می‌توانند با دیگری ازدواج کنند.[۶۰۹] پرسش ۵: الف) آیا زنان بدون رحم فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی‌ها و مردانی که قبلا زن بوده‌اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده‌اند که همگی آن‌ها حامله شدنشان محال است. در نگه داشتن عدّه آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می‌شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می‌توانند به عقد نکاح کسی درآیند؟

ج) آیا نفق سپری شدن عدّه به آنها تعلق می‌گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن هایی باین است یا رجعی؟ و اصولًا بفرمایید آیا اصل در طلاق باین است یا رجعی؟ یا این‌که اصلًا جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ الف) خیر، بلکه باید عدّه کامل نگه دارند.

ب) بعد از طلاق از شوهر اول و گذشت عدّه مانعی ندارد.

ج) بلی در طلاق رجعی استحقاق نفقه ایام عدّه را دارند. اصل در طلاق رجعی است. ۱۰/ ۵/ ۸۰.[۶۱۰] پرسش ۶: ما رأیکم فی تغییر الجنسی عند ما یحس الشخص احاسیس جنس المخالف مع أنه فی الحقیق تنقیص فی الجنسی؟

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۵

پاسخ: لا مانع من التغییر فی الصور المذکور بل لیس هو فی الحقیق تغییر بل کشف عن الجنسی الواقعی المجهول.[۶۱۱] حکم تغییر و مشخص کردن جنسیت

تغییر جنسیت دو صورت دارد:

الف) گاهی صرفا ظاهری و صوری است؛ یعنی مثلا طبیعت بدن مؤنث است و در واقع اثری از آلت انوثیت نیست، بلکه فقط یک جراحی صوری انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت مذکر ظاهر می‌گردد، این کار حرام است و باید به شدت از آن پرهیز نمود و اگر ازدواجی براساس آن صورت بگیرد، حرام و باطل است.

ب) و گاهی تغییر جنسیت واقعی است؛ یعنی با جراحی کردن عضو تناسلی واقعی که بر اثر مانعی پوشیده شده، ظاهر می‌گردد. این کار ذاتاً جایز است، مخصوصا در مواردی که آثار جنس مخالف در شخص باشد. اما چون این جراحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در ضرورت جایز است.[۶۱۲] وجوب تغییر و مشخص کردن جنسیت

در موارد زیر تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسی واقعی، واجب می‌شود:

الف) اگر افراد دو جنسی در انجام اعمال و وظایف شرعی خود مانند: محرمیت، ازدواج، ارث، نماز و غیره دچار مشکل شوند و تنها راه خروج از این مشکل، تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسیت واقعی باشد؛

ب) اگر دو جنسی بودن موجب ابتلاـ به بیماری‌های شدیـد جسـمی یـا روانی و یـا اختلاـل در زنـدگی خـانوادگی شود و پزشـک متخصص تنها راه علاج را در تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسیت واقعی بداند؛

ج) اگر در شخص آثار و تمایلات جنس مخالف باشد و عدم تغییر جنسیت باعث

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۶

ارتکاب حرام شرعی یا قبح عرفی گردد.

البته در همه موارد سه گـانه بایـد حتی المقـدور از ارتکـاب اعمال حرام خودداری شود و در صورت لزوم به مقـدار ضـرورت اکتفا گردد.[۶۱۳] اقدام به تغییر جنسیت توسط پزشک

چون انجام عمل جراحی برای تغییر دادن جنسـیت مستلزم نگاه و لمس است، در صورتی پزشک می‌تواند به این کار اقدام نماید که تغییر جنسیت برای شـخص ضـرورت داشـته باشد یا بدون ارتکاب نگاه و لمس حرام مثل تجویز دارو بتواند به این کار اقدام نماید. در این صورت، براساس آن‌چه که در بحث نگاه و لمس نامحرم گذشت، اقدام پزشک شـرعاً اشـکال ندارد.[۶۱۴] تغییر جنسیت دو جنسی حقیقی

دو جنسـی حقیقی که آن را خنثی مشـکل می‌نامنـد، اگر امکان داشـته باشد با عمل جراحی از دو جنسـی بودن خارج شود، اقدام به عمل جراحی اشکال ندارد. و ضرورت معالجه دربار او در برخی از صورت‌ها محقق و ثابت است.[۶۱۵] اذن شوهر در تغییر جنسیت

اگر زن جزء کسانی باشد که تغییر جنسـیت برای آنان واجب است، در این صورت، تغییر جنسیت زن نیاز به اذن شوهر ندارد.[۶۱۶] مواردی که موجب ضرورت اقدام به تغییر جنسیت نیست

مسـائلی از قبیـل وجود تمایلاـت و روحیات جنس مخالف و هم‌چنین تهدیـد به خودکشـی و یا ترس از خودکشـی در صورت عـدم تغییر جنسیت، هیچ یک دلیل بر

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۷

ضرورت تغییر جنسیت نمی‌باشد.[۶۱۷] احکام دو جنسی‌ها

دو جنسـی کـاذب که طبیعتش برخلاـف ظاهر اوست، مکلف است براساس جنسـیت ظاهری خویش عمل نمایـد، یعنی اگر ظاهرش زنـانه است، خود را از نـامحرم بپوشانـد و می‌توانـد شوهر نمایـد و اگر ظـاهرش مردانه است به نـامحرم نگاه نکنـد و می‌توانـد با زن ازدواج نماید.[۶۱۸] احکام شرعی بعد از تغییر جنسیت

شخصـی کـه تغییر جنسـیت داد، همه احکـام او تغییر می‌کنـد و بایـد احکـام جنسـیت پس از تغییر از قبیـل محرمیت، ازدواج و ... را مراعات نماید.[۶۱۹] تکلیف همسران بعد از تغییر جنسیت

تغییر جنسیت در دو همسر (زوجین) به چند صورت ممکن است:

الف) اگر تنها یکی از آنها تغییر جنسیت دهد، عقد زوجیت آن دو باطل می‌گردد؛

ب) اگر هر دو همسر تغییر جنسیت دهند، ولی یکی جلوتر و دیگری در زمان بعد، در این صورت نیز عقد نکاح باطل می‌شود؛

ج) اگر تغییر جنسـیت در دو همسـر همزمان صورت گیرد، زوجیت آن دو بلافاصله فسخ می‌گردد، ولی می‌توانند مجددا در شـکل جدیـد بعـد از تغییر جنسیت عقـد ازدواج بخواننـد و احتیاط مسـتحب آن است که صبر کننـد تا زمان عدّه بگذرد.[۶۲۰] حکم مهریه بعد از تغییر جنسیت

اگر تغییر جنسیت از طرف زن و با اذن شوهر انجام شود، در صورت عدم

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۸

آمیزش قبل از تغییر، مهریه زن باید به طور کامل پرداخت شود و احتیاط آن است که مصالحه کنند.

اگر زن بدون اجازه شوهر اقدام به تغییر جنسیت کرده باشد، در صورتی که باید با اذن شوهر اقدام به این کار می‌کرد، مرتکب گناه شده است، ولی از مهریه محروم نمی‌شود و طبق حکم شرعی، مهریه به او می‌رسد.[۶۲۱] تغییر جنسیت زن در زمان عدّه

اگر زن هنگامی که در عـدّه است تغییر جنسـیت دهـد، باقی مانـده عـدّه‌اش ساقط می‌شود و دیگر لازم نیست بقیه عدّه را نگه دارد، حتی اگر در عدّه وفات باشد.[۶۲۲] حکم ولایت فرزندان، بعد از تغییر جنسیت

اگر مرد تغییر جنسـیت داد و زن شـد، دیگر بر کودکـانش ولایت نـدارد، همچنین اگر زن تغییر جنسـیت داد مرد شـد، بر کودکانش ولایت پیـدا نمی‌کنـد، بلکه ولایت آنان با پدر، و در صورت نبودن او با جد پدری است و اگر او هم نباشد، ولایت اولاد به ولی امر می‌رسد.[۶۲۳] احکام ارث، بعد از تغییر جنسیت

فردی که تغییر جنسیت دهد، نسبتش با نزدیکان قطع نمی‌شود، بلکه عنوان نسبت عوض می‌شود، مثلا برادر، خواهر می‌شود و ..... و ارث بردن آنان نیز تابع جنسیت بعد از تغییر است.

پدر و مادر و جدّ و جدّه اگر تغییر جنسـیت دهند، در ارث بردن ایشان حالت قبل از تغییر جنسیت لحاظ می‌شود هر چند احتیاط این است که در مقدار ارث با یکدیگر مصالحه نمایند.[۶۲۴]

تغییرجنسیت، ص: ۴۲۹

محرمیت بعد از تغییر جنسیت

همان طور که گذشت، تغییر جنسـیت موجب از بین رفتن نسـبت شخص با نزدیکان نمی‌شود و فقط عنوان نسبت عوض می‌شود، لذا حکم محرمیت با محارم نیز باقی است و تغییر نمی‌کند.

کسـی که تغییر جنسـیت بدهد، نسـبت به هم جنسان پیشـین خود نامحرم می‌شود، چه پسر باشد و چه دختر، چه از بسـتگان سببی یا نسبی باشـد و تنهـا نسـبت به محـارم پیشـین خود محرم است مگر زن و شوهر که بـا تغییر جنسـیت یکی از آنـان ازدواج آنهـا بـاطل می‌شود.[۶۲۵]

دیدگاه آیت‌الله محمدتقی بهجت درباره تغییر جنسیت

متن سؤال: به طور کلی دو جنسی‌ها (هرمافرودیت‌ها) به چهار دسته تقسیم می‌گردند:

۱. دو جنسـی‌های حقیقی که هم بیضه و هم تخمدان دارند و بسـته به آن‌که مشخصات مردانه در آن‌ها قوی‌تر باشد یا زنانه، با عمل جراحی به صورت مرد یا زن در خواهند آمد.

۲. شبه دو جنسی‌ها، با ظاهر زنانه که در حقیقت مرد هستند و به آسانی درمان می‌شوند و جنس حقیقی خود را پیدا خواهند کرد.

۳. شبه دو جنسی‌ها، با ظاهر مردانه که واقعاً زن هستند و با درمان به جنس واقعی خود دست خواهند یافت.

۴. عدم رشد غدد جنسی.

بفرمایید:

پرسش ۱) آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی شرعاً جایز است؟

پرسش ۲) اگر کسی برای امر ازدواج با پزشک مشورت کند و پزشک مشکل دو

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۰

جنسی بودن را بفهمد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد، یا این‌که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به بر هم زدن ازدواج شود، کتمان سِرّ، بر پزشک لازم است؟

پرسش ۳) اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دو جنسی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه‌اش چیست؟ کتمان سر یا افشای آن؟ (با توجه به این‌که هر شق مسأله، پیامد خاص خود را دارد).

پرسش ۴) در صورتی که غدد مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک، جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پرسش ۵) بر فرض جایز بودن عمل جراحی برای تغییر جنسیت یا مشخص کردن آن، صرف اعلام رضایت بیمار کافی است یا باید از مراجع قانونی و اولیای وی یا .... نیز کسب اجازه کرد؟

پرسش ۶) بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت یا مشخص کردن نوع جنسیت، آثار آن از قبیل طلاق نفقه، مهر، حضانت اولاد و .... چیست؟

پاسخ: اگر هر یک از علایم مرد یا زن غلبه داشته باشد که همان حکم مرد یا زن را دارد، شرعاً بدون نیاز به عمل جراحی و این غیر از خنثای مشکل است که اگر پزشک تشخیص داد موظف است که حتماً آن را اخبار کند در جهت امر ازدواج که ازدواج خنثی اگر مشکله باشد صحیح نیست.»[۶۲۶]

دیدگاه آیت‌الله میرزا جواد تبریزی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱. الف) آیا زنان بدون رحم، فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی‌ها و مردانی که قبلًا زن بوده‌اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده‌اند که همگی آن‌ها حامله شد نشان محال است، در نگه داشتن عدّه، آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می‌شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می‌توانند به عقد نکاح کسی در آیند؟

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۱

ج) آیا نفقه سپری شدن عدّه به آن‌ها تعلق می‌گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن‌هایی بائن است یا رجعی؟ و اصولًا بفرمایید آیا اصل در طلاق بائن است یا رجعی؟ یا این‌که اصلًا جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ الف) تغییر جنسیت جایز نیست و عدّه زنان بدون رحم و فاقد تخمدان، مثل عده زنان مسترابه است، و الله العالم.

ب) تزویج زنان بدون رحم و فاقد تخمدان اشکال ندارد، و الله العالم.

ج) حکم زنان مذکور در طلاق و عدّه و نفقه، حکم زنان مسترابه را دارند، و الله العالم.»[۶۲۷] سؤال ۲: ما حکم استبدال الرجل ذکره بفرج أنثی، أو استبدال الأنثی فرجها بذکر رجل، بالعملیات التی یجریها أطباء العصر؟ إذا کان هذا لغرض شهوانی فقط، أو کان لغرض الإنجاب کأن یکون المستبدل مصاباً بعقم لا یشفی، و لحُبّه النسل استبدال فرجه؟

جواب: هذا غیر جائز، لانه من تغییر خلق الله سبحانه و تعالی.»[۶۲۸]

دیدگاه آیت‌الله سید علی سیستانی درباره تغییر جنسیت

پرسش ۱: آیا تغییر جنسیت اشکال دارد؟

پاسخ: چون مستلزم نگاه به عورت است بدون ضرورت جایز نیست.[۶۲۹]

پرسش ۲: منقلب کردن زن به مرد و بالعکس چه حکمی دارد، و در صورت انقلاب مرد، حکم زن را می‌گیرد یا نه؟

پاسخ: بر فرض امکان اشکال ندارد [البته] اگر مستلزم کار حرامی نباشد، و بر فرض تحقق، احکام جنسی جدید را دارد.[۶۳۰]

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۲

پرسش ۳: هل یجوز لأ حد الجنسین تغییر جنسه بأن یحّول الرجل نفسه بالمرأه و بالعکس؟

پاسخ: لا مانع منه فی حد ذاته علی تقدیر تحقق الفرض.[۶۳۱] پرسش ۴: افتنا فی مسألهٔ هامهٔ جداً تتعلق بمصیر و حیاهٔ شخص فاقد للهویهٔ من حیث کونه ذکراً أو انثی، ما رأیکم بشأن إجرا عملیهٔ التحویل الجراحی لتغییر الجنس مِن انثی إلی ذکر علماً أنّ الشخصیهٔ تعانی من اضطرابات نفسیهٔ بسبب هذه الحالهٔ و مصابهٔ الآن باکتناب نفسی حاد و قد تعرضت مسبقاً إلی انهیار عصبی حاد إضافهٔ إلی أنّ صلتها الآن بالاخرین شبه منقطعه هذه الحالهٔ المرضیهٔ النفسیهٔ علما أنها من حیث التکوین الفسیلوجی لا توجد مشکلهٔ و لکن المشکلهٔ نفسیهٔ بالدرجهٔ الاولی و لم تنفع أی معالجات نفسیهٔ للمشکلهٔ و الوضع فی تأزم مستمر بإنتظار رأیکم السریع مع التقدیر. نحیطکم علما أنّ هناک فتوی للامام الخمینی حول امکانیهٔ إجراء جراحهٔ لتغییر الجنس فما هو رأی سماحهٔ السید بذلک؟

پاسخ: إذا کان فی واقعه یحمل جهاز معین و ان کان مضموراً فیجوزله إجراء عملیهٔ لإبرازه، و أما إذا کان یحمل الجهارین معارض و لم یتشخص هویته بالعلامات فإجراء العملیهٔ لتغییر الهویهٔ لامانع منها إن فرض تحقق ذلک بأن یتحول ذکراً حقیقهٔ.[۶۳۲] پرسش: الف) آیا زنان بدون رحم، فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی‌ها و مردانی که قبلًا زن بوده‌اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده‌اند که همگی آن‌ها حامله شدنشان محال است، در نگه داشتن عدّه، آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می‌شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می‌توانند به عقد نکاح کسی درآیند؟

ج) آیا نفق سپری شدن عدّه به آن‌ها تعلق می‌گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن‌هایی باین

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۳

است یا رجعی؟ و اصولًا بفرمایید آیا اصل در طلاق باین است یا رجعی؟ یا این‌که اصلًا جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ-الف) به آن‌ها ملحق نمی‌شوند و اگر ازدواج صحیح باشد و طلاق رجعی باشد، باید عدّه نگه بدارند.

ب) نمی‌توانند، مگر واقعاً تغییر جنسیت داده شده باشد که در زمان ما فعلا محقق نشده است؛ بلی اگر واقعاً زن بوده و دارای رحم بوده ولکن گوشت زائدی هم داشته در این صورت می‌تواند ازدواج نماید.

ج) در صورتی که نکاح صحیح باشد و طلاق رجعی باشد، حق نفقه دارند و طلاق در ۶ مورد باین است: دختری که کم‌تر از ۹ سال دارد؛ یائسه قبل از دخول؛ طلاق سوم با شرایط؛ طلاق خلع و (طلاق) مبارات و (و) طلاق حاکم در مورد امتناع زوج از نفقه و طلاق (در) غیر این موارد رجعی است. ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۲۲ ه-. ق[۶۳۳]

دیدگاه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای دربارهٔ تغییر جنسیت

«پرسش ۱- تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به زن یا مرد با عمل جراحی چه حکم دارد؟

پاسخ: در مورد خنثی، نیز در موردی که فائدهٔ معتنی به عُقلایی در تغییر جنسیت باشد اشکال ندارد.»[۶۳۴] «پرسش ۲- در مورد تغییر جنسیت با توجه به این‌که از نظر طبی این عمل (در غیر از خنثی) به تعبیر اطبا تنقیص جنسیت محسوب می‌شود، بعضاً با مواردی اطبا مواجه‌اند که شخص از نظر ظواهر بدن بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می‌گویند: اگر این تغییر صورت نگیرد انتحار (خودکشی) خواهیم کرد (و تا به حال این مسأله پیش آمده) و با

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۴

توجه به این‌که آمارهای عملی نشان می‌دهد این گونه افراد ۶ الی ۱۶ ماه بعد از وضعیت جدید پشیمان خواهند شد، آیا اطبا در این گونه موارد که با تهدید انتحار مواجه‌اند، می‌توانند از باب این‌که حفظ نفس مقدم‌تر از حفظ عضو است این عمل را انجام دهند؟ و آیا اصولًا این عمل برای خود چنین شخصی حرام است یا جایز؟

پاسخ- تغییر جنسیت برای شخص و به درخواست شخص اشکال ندارد حتی اگر چه جلوگیری از اقدام بر انتحار متوقف بر آن نباشد و یا اصلًا خطر انتحاری در بین نباشد.»[۶۳۵] پرسش ۳: ما هو حکم اجراء العملیهٔ الجراحیهٔ لإلحاق الخنثی بالمرأهٔ أو بالرجل؟

پاسخ: لا مانع من ذلک فی نفسه، و لکن یجب التحرز عن المقدمات المحرمهٔ.

پرسش ۴: اگر زن یا مرد پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، حکم ازدواج قبلی چگونه است؟ در صورت بطلان، آیا مرد باید مهریه زن را تماماً بپردازد؟

پاسخ: ازدواج از حال تغییر [جنسیت] باطل می‌شود، و اگر بعد از دخول بوده تمام مهر ثابت می‌شود، و چنان‌چه قبل از آن بوده حکم به تنصیف مهر معلوم نیست.

«پرسش ۵: الف) آیا زنان بدون رحم، فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی‌ها و مردانی که قبلًا زن بوده‌اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده‌اند، که همگی آن‌ها حامله شدنشان محال است، در نگه داشتن عدّه، آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می‌شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می‌توانند به عقد نکاح کسی در آیند؟

ج) آیا نفقه سپری شدن عدّه به آن‌ها تعلق می‌گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن‌هایی بائن است یا رجعی؟ و اصولًا بفرمایید آیا اصل در طلاق، باین است یا رجعی؟ یا این‌که اصلًا جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ- الف) ملحق نیستند.

ب) اگر زن هستند با وجود سایر شرایط مانعی ندارد.

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۵

ج) اگر طلاق آن‌ها رجعی است، نفقه به آن‌ها تعلق می‌گیرد و در رجعی یا باین بودن طلاق، اصل خاصی قابل تأسیس نیست و موارد مختلف است. انشاءالله موفق باشید.»[۶۳۶] پرسش- برخی از افراد در ظاهر مذکر هستند، ولی از جهات روحی و روانی ویژگی‌های جنس مؤنث را دارند و تمایلات جنسی زنانه در آنان به طور کامل وجود دارد و اگر مبادرت به تغییر جنسیت نکنند به فساد می‌افتند. آیا معالجه آنان از طریق انجام عمل جراحی جایز است؟

پاسخ- عمل جراحی مذکور برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و تربت مفسده‌ای نباشد.[۶۳۷] پرسش ۶: انجام عمل جراحی برای الحاق فرد خنثی به زن یا مرد چه حکمی دارد؟

پاسخ: این کار فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود.[۶۳۸]

دیدگاه آیت‌الله لطف الله صافی گلپایگانی دربار تغییر جنسیت

پرسش ۱. آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی (در مورد دو جنسی ها) شرعاً جایز است؟
پاسخ- عمل جراحی مذکور فی نفسه اشکال ندارد و الله العالم.
پرسش ۲. اگر کسی برای امر ازدواج با پزشک مشورت کند و پزشک مشکل دو جنسی بودن را بفهمد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد یا این‌که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به بر هم زدن ازدواج شود، کتمان سِرّ بر پزشک لازم است؟
پاسخ- در فرض سؤال که پزشک مورد مشورت است، اگر واقعاً دو جنسی بودن را بفهمد لازم است واقعیت را بگوید والله العالم.

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۶

پرسش ۳. اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دو جنسی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه‌اش چیست؟ کتمان سِرّ یا افشای آن؟ (با توجه به این‌که هر شق مسأله پیامد خاص خود را دارد).
پاسخ- حکم سؤال قبل را دارد.
پرسش ۴. در صورتی که غدد جنسی مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟
پاسخ- اگر منظور از تجویز پزشک تجویز عمل جراحی است و با عمل، جنسیت به طور قطع معلوم می‌شود اشکال ندارد. والله العالم.
پرسش ۵. بر فرض جایز بودن عمل جراحی تغییر جنسیت یا مشخص کردن آن صرف اعلام رضایت کافی است، یا باید از مراجع قانونی و اولیای وی یا .... نیز کسب اجازه کرد؟
پاسخ- در مواردی که عمل جراحی لازم یا بی اشکال باشد و بیمار بالغ باشد، رضایت او کافی است. والله العالم.
پرسش ۶. بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت یا مشخص کردن نوع جنسیت آثار آن از قبیل طلاق، نفقه، مهر، حضانت اولاد و ..... چیست؟
پاسخ- در صورتی که جنس واقعاً تغییر کند، یعنی مرد زن و زن مرد شود، احکام آن بر حسب موارد متفاوت است. مثلًا اگر با عمل جراحی، زنی که شوهر دارد مرد شود، از همان لحظه نکاح آن‌ها باطل می‌گردد و اگر قبل از تغییر دخول واقع شده باشد تمام مهریه را طلب کار است و به هر حال احکام بسیاری مترتب می‌شود. والله العالم. ۸/ ۵/ ۱۳۸۱.[۶۳۹] «متن سؤال: دو جنسی‌های کاذب بر دو دسته از لحاظ پزشکی تقسیم می‌شوند:
دست اول: دو جنسی‌های کاذب مؤنث‌اند که از لحاظ کروموزومی مؤنث هستند، ولی ظاهری کاملا مردانه دارند؛

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۷

دست دوم: دو جنسی کاذب مذکر هستند که وضعیت کروموزومی آنان مذکر است، ولی دارای ظاهری کاملًا زنانه هستند. ضمناً دو جنسی‌های حقیقی (که در فقه به آن‌ها خنثای مشکل می‌گویند) افرادی‌اند که دارای دو گناد (بیضه و تخمدان) هستند و ممکن است هر دو فعال باشند، چه این‌که تخمدان‌ها در یک طرف و بیضه‌ها در طرف دیگر باشند و یا مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان در یک طرف یا هر دو طرف، باشد خلاصه دارای اندام تناسلی به اشکال گوناگونی هستند. بفرمایید:

پرسش ۷: در دو جنسی کاذب مؤنث آیا پزشک از دیدگاه شرع مجاز است در صورت تمایل فرد، علی رغم ماهیت زنانه، اقدامی کند که ظاهر مردانه وی حفظ شود؟

پاسخ: در فرض سؤال که عمل پزشک متضمن تثبیت و حفظ ظاهر مردانه است جواز آن محل اشکال و تأمل است. والله العالم

پرسش ۸: اگر دو جنسی کاذب مؤنث- که ماهیتش زنانه است- با زن سالم ازدواج کرده باشد، تکلیف شرعی پزشک در اقدام به عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه وی چیست؟

پاسخ: ازدواج مذکور صحیح نیست و پزشک هم مجاز به عمل مذکور نیست، والله العالم.

پرسش ۹: اگر دو جنسی کاذب مؤنث هنوز ازدواج نکرده باشد، با توجه به این‌که اگر ازدواج کند- هر چند ظاهرش بر اثر عمل جراحی باقی می‌ماند- دو زن با هم ازدواج کرده‌اند، تکلیف پزشک در انجام عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال ازدواج او، عمل پزشک هیچ یک جایز نیست. والله العالم.

پرسش ۱۰: در مواردی که دو جنسی کاذب مؤنث با زن ازدواج کرده باشد و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی بشود، وظیفه‌اش در کتمان یا افشای اسرار چیست؟ (کتمان سِرّ موجب ازدواج یا ادامه دو زن می‌شود و افشای سِرّ نیز منکر است چون صاحب آن راضی به افشا نیست).

پاسخ: در فرض سؤال اگر پزشک در تشخیص خود جازم باشد، باید حکم شرعی را که حرمت ازدواج با زن است برای خود آن‌ها بگوید. والله العالم.

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۸

پرسش ۱۱: دو جنسی کاذب مذکر که علی رغم ظاهر زنانه از لحاظ ماهیت مرد است، آیا پزشک مجاز است با تمایل وی، برای حفظ ظاهر زنانه عمل جراحی انجام دهد؟

پاسخ- حکم سؤال اول (سؤال ۷ در این جا) را دارد. والله العالم.

پرسش ۱۲: در مواردی که دو جنسی کاذب با مردی ازدواج کرده است و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی و مذکر بودن می‌شود، تکلیف نسبت به افشای سِرّ کتمان و سکوت چیست؟

پاسخ: حکم سؤال چهارم (سؤال ۱۰ در این‌جا) را دارد. والله العالم.

پرسش ۱۳: در صورتی که دو جنسی کاذب مذکر بخواهد ازدواج کند، پزشک متوجه بشود، با توجه به این‌که سکوت وی منجر به ازدواج دو مرد با هم می‌شود، تکلیف چیست؟

پاسخ: بر پزشک لازم است که بطلان ازدواج آن‌ها با یکدیگر به خود آن‌ها بگوید. والله العالم.

پرسش ۱۴: در دو جنسی حقیقی (خنثای مشکل) آیا مشخص کردن جنسیت شخص جایز است؟

پاسخ: اگر بتواند با معالجه ولو به صورت عمل (جراحی) جنس را به طور قطع مشخص نماید و او را مرد یا زن نماید، جواز بعید نیست. والله العالم.

پرسش ۱۵: آیا پزشک یا جامعه پزشکی به عنوان متصدی در امور پزشکی مسؤول و مکلف است ماهیت شخص را مشخص کند؟ آیا درخواست بیمار در چنین موردی مجوز تبدیل وضعیت (مشخص کردن وضعیت) به حساب می‌آید، یا باید علاوه بر آن، مراجع ذی صلاح نیز اجازه دهند؟

پاسخ: در این مورد، پزشک وظیفه‌ای ندارد و اجازه مراجع ذی صلاح- اگر منظور مقامات اداری و قضائی باشد- اثری در حکم مسأله ندارد و درخواست بیمار چنان‌چه با معالجه و لو عمل پزشک جنس او را کاملًا مشخص و معلوم گردد که زن است یا مرد، اشکال ندارد.

تغییرجنسیت، ص: ۴۳۹

پرسش ۱۶: اگر پزشک فقط به درخواست بیمار، وضعیت وی را از لحاظ جنسیت مشخص کند، آیا از لحاظ شرعی فعل وی تحت چه عنوانی قرار می گیرد؟

پاسخ- اگر عمل او منتهی به مرد شدن یا زن شدن شود و از حالت ابهام بیرون بیاید، عمل پزشک عنوان «معالجه بیمار» دارد و بی اشکال است.

پرسش ۱۷: اگر خنثی (دو جنسی) ازدواج کرده باشد، اعم از این‌که وضعیت واقعی او چه بوده است و سپس وضعیتش مشخص و یا تبدیل شود، تکلیف عقد ازدواج چه می‌شود؟

پاسخ: اگر مشخص شود که مرد بوده و ازدواج او هم با زن بوده و هم‌چنین اگر مشخص شود که زن بوده و ازدواجش با مرد بوده، عقد نکاح صحیح واقع شده است، ولی اگر در صورت اول معلوم شود که زن بوده و در صورت دوم معلوم شود که مرد بوده، عقد نکاح باطل بوده است و در صورت تبدیل عقد باطل می‌شود. والله العالم.

پرسش ۱۸: در دو جنسی کاذب مؤنث که از لحاظ ماهیت زن است، پس از مشخص شدن وضعیت، تکلیف ارث و نفقه و ... چه می‌شود؟

پاسخ: اگر به طور قطع معلوم شود که زن است احکام زن را دارد که برحسب فروع متعدده احکام مخصوصه خود را دارد از جهت ارث و نفقه و طلاق و غیرها که مجال تفصیل نیست. والله العالم لطف الله صافی، ۲۷/ ۴/ ۱۳۸۱.[۶۴۰]

دیدگاه آیت‌الله حسین علی منتظری دربار تغییر جنسیت

سؤال ۱: آیا تغییر جنسیت در محرمیت افراد بر یکدیگر تأثیر می گذارد یا نه؟

جواب: بعد از تغییر جنسیت هر نسبتی با خویشاوندان خود پیدا کند، آن نسبت ملاک است.

سؤال ۲: آیا کسی که جنسیتش محرز است، به هر دلیلی می‌تواند جنسیت خود را تغییر دهد؟ و چنان‌چه جایز باشد و این کار را انجام شود، روابط او با خویشان و

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۰

محارمش چگونه است؟

جواب: اگر مستلزم حرام شرعی نباشد دلیلی بر حرمت نداریم؛ و پس از تغییر جنسیت به نحو کامل، چون موضوع عوض می‌شود، احکام تابع موضوع جدید است.[۶۴۱] سؤال ۳: اگر در عمل جراحی، کشف از واقعیت پنهانی شده باشد، مثلا کسی که در اثر عمل جراحی مرد شده، معلوم شود از اول مرد بوده آیا احکام تغییر جنسیت بر آن جاری می‌شود؟

جواب: ظاهراً در فرض سؤال تغییر جنسیت صادق نیست و باید آثار کشف خلاف مترتب شود.[۶۴۲] سؤال ۴: اگر مادر تغییر جنسیت دهد، آیا بعد از مرد شدن او، کسانی که بر پسرش حلالند بر او هم محرمند؟ و اگر عروس کسی تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا بر مادر شوهر سابقش محرم خواهد بود؟ و یا اگر پدر تغییر جنسیت دهد و زن شود به پسر خود محرم خواهد بود، در حالی که فعلا نه پدر اوست و نه مادر؟

جواب: اگر پدر و مادر تغییر جنسیت دهند، بر اولاد بلاواسطه و با واسطه و هم‌چنین بر آباء و اجداد و جده‌های خودشان محرم باشند، و در مسأله عروس احتیاط شود.

سؤال ۵: بعضی از زنان و مردان در خود احساس جنس مخالف می کنند و بعضا اگر تغییر جنسیت ندهند، احتمال اقدام به خودکشی

در آنان هست، آیا اصولا تغییر جنسیت جایز است؟

جواب: به طور کلی دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم و اگر حال آن‌ها به نحوی باشد که تغییر جنسیت برای آن‌ها ضرورت داشته باشد، بعید نیست که واجب باشد.

سؤال ۶: اگر کسی که در خود تمایلات یا برخی آثار جنس مخالف را مشاهده می‌کند، آیا واجب است تغییر جنسیت دهد یا نه؟

جواب: واجب نیست.[۶۴۳]

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۱

سؤال ۷: اگر زن یا شوهر تغییر جنسیت دهند عقد و مهریه و سایر احکام چه صورتی پیدا می‌کند؟

جواب: عقد باطل می‌شود، و در صورت تحقق دخول، مهر مستقر بر ذمه شوهر می‌باشد و در صورت عدم دخول احوط تصالح است.[۶۴۴] سؤال ۸: اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهند، آیا نسبت آن‌ها به یکدیگر قطع می‌شود یا نه؟ و همین طور در مورد دو برادر و خواهر و عمه و عمو و خاله؟

جواب: نسبت قطع نمی‌شود، ولی عنوان عوض می‌شود؛ مثلاـ برادر خواهر می‌شود و هر کدام حکم خود را خواهد داشت.[۶۴۵] سؤال ۹: اگر یکی از بستگان کسی که تغییر جنسیت داده بمیرد، حکم ارث تابع بعد از تغییر جنسیت است یا قبل از آن؟ و اگر فردی که تغییر جنسیت داده، پدر یا مادر باشد، چه حکمی خواهد داشت؟ زیرا پس از تغییر فرد فعلی نه پدر خواهد بود و نه مادر.

جواب: در غیر پدر و مادر حکم عنوان حال فوت ملاحظه می‌شود، و در خصوص پدر و مادر احتیاط شود؛ یعنی پدر را پدر حساب کنند گر چه تغییر جنسیت داده و زن شده باشد و همچنین است مادر.[۶۴۶] سؤال ۱۰: هل یجوز تغییر الجنسیهٔ مطلقا أو لا یجوز مطلقا أو یجوز مع صدق المعالجهٔ علیه و لزومها عرفاً أو شرعاً؟

جواب: والظاهر أنّه لا دلیل علی حرمته ذاتاً ولکن إذا کانت مقدماته محرمّ شرعاً کنظر الأجنبی إلی عورته أو لمسه لها فلایجوز إلّا مع صدق الضرور کما إذا فرض

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۲

وجود تمایلات الجنس المخالف فیه شدیداً و غلبت فیه مقتضیات طبعه بحیث یکون بحسب الطبع من مصادیقه أو قریباً منه و لم یکن إبرازه و علاجه إلّا بالعملی، ففی هذه الصور لامانع منه، لصدق العلاج و الضرور علیه، بل ربما یجب إذا توقف العمل بالوظائف الشرعی علی ذلک.

و کیف کان فأصل العمل لا دلیل علی حرمته ذاتاً و إن حرم بعض مقدماته إذا لم تکن ضرور.

و أمّا فرض أنّ العملی لاـ توجب تغییر الجنسی من رأس بل توجب العملی أو تزریق بعض المواد تغییر الصور و القیاف فقط بحیث یصیر الرجل بصور المرأ أو بالعکس مع بقاء الجهاز الجنسی بحاله، فأخبار التشبه المنهی عنه تشمل مثل ذلک و هذا نوع من تأنث الرجل و تذکر الأنثی، و مقتضی تلک الأخبار کون ذلک مرغوباً عنه شرعاً فتدبّر.[۶۴۷] ۱۱. تغییر جنسیت گاهی ضرورت پیدا می‌کند، مثلا گاهی افراد دو جنسی دچار بیماری‌ها و اختلالات روانی و خانوادگی شدید می‌شوند، به طوری که پزشک متخصص تنها راه معالجه را در تغییر جنسیت می‌داند؛ و علاوه بر این، برای دو جنسی‌های حقیقی ضرورت دیگری نیز وجود دارد و آن این‌که دو جنسی‌های حقیقی نسبت به احکام و انجام وظایف شرعیه مشکلات بسیاری دارند. مثل احکام محرمیت، ازدواج، ارث، نماز، دیات، و ... تنها راه خروج از این تنگناها تغییر دادن جنسیت آن‌هاست، تا این‌که به مردان ملحق شوند یا به زنان.[۶۴۸] ۱۲. تغییر جنسیت به خودی خود منع شرعی ندارد. بنابراین، کسانی که زن هستند و تمایلات شدید مردانه دارند یا برعکس، می‌توانند تغییر

جنسیت دهند؛ ولی اگر عمل جراحی برای تغییر جنسیت با هر گونه اعمال دیگر مستلزم حرام، از قبیل لمس، نگاه به عورت، و ..... باشد تغییر جایز نیست، مگر در موارد ضرورت.[۶۴۹]

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۳

متن پرسش: دو جنسی‌ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دوجنسی‌ها کاذب (خنثای غیر مشکل)

دوجنسی‌های حقیقی (خنثای مشکل)

دوجنسی‌های کاذب خود دو دسته هستند:

۱. دو جنسی‌های کاذب مؤنث: کسانی هستند که وضعیت کروموزومی آن‌ها مؤنث است (طبیعت زنانه دارند)، ولی ظاهری کاملا مردانه دارند.

۲. دو جنسی‌های کاذب مذکر: کسانی هستند که وضعیت کروموزومی آن‌ها مذکر است (طبیعت مردانه دارند)، ولی ظاهری کاملا زنانه دارند.

پرسش ۱۳: ازدواج دو جنسی‌های کاذب (چه مذکر و چه مؤنث) و مسایل محرمیت و غیره نسبت به آن‌ها چگونه است؟

پاسخ: ازدواج آن‌ها و مقام احکام دیگری که مربوط به آن‌ها می‌شود، بر طبق ظاهر آن هاست. بنابراین، اگر ظاهری مردانه دارند، می‌توانند با زن ازدواج کنند و بقیه احکام نیز همین طور است، یا اگر ظاهری زنانه دارند می‌توانند با یک مرد ازدواج کنند و باید خود را از مردان نامحرم بپوشانند (گر چه طبیعت و ماهیت او مردانه باشد) و هم‌چنین است نسبت به بقیه احکام.

پرسش ۱۴: دو جنسی‌های کاذب مؤنث که دارای وضعیت کروموزومی مؤنث می‌باشند، ولی ظاهری کاملا مردانه دارند؛ اقدام پزشکی و جراحی برای تغییر ظاهر مردانه در صورت تمایل فرد چه حکمی دارد؟ مسایل محرمیت و ازدواج او چگونه است؟ هم‌چنین دو جنسی‌های کاذب مذکر که دارای وضعیت کروموزومی مردانه هستند، ولی ظاهری کاملا زنانه دارند؛ آیا عمل جراحی برای تغییر ظاهر زنانه آن‌ها جایز است؟ مسایل محرمیت و ازدواج آن‌ها و ... چگونه است؟

پاسخ: در صورت ضرورت معالجه، اقدام به عمل جراحی مانع ندارد، و در صورت تغییر جنسیت، تمام احکام بعد از تغییر از حیث محرمیت و ازدواج و غیر این‌ها جاری می‌شود.

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۴

پرسش ۱۵: دو جنسی‌های حقیقی (خنثای مشکل) از نظر کروموزومی هر دو گوناد را دارا می‌باشند (تخمدان و بیضه) تبدیل وضعیت فرد چه حکمی دارد؟ آیا شرعا پزشک یا جامعه مسؤول مشخص نمودن ماهیت جنس بیمار می‌باشند؟ آیا خواست بیماران صرفاً می‌تواند ملاک تبدیل وضعیت توسط پزشک معالج باشد؟

پاسخ: دو جنسی حقیقی که آن را «خنثای مشکل» می‌نامند، اگر امکان داشته باشد، با عمل جراحی از دو جنسی بودن خارج شود، اقدام به عمل جراحی اشکال ندارد؛ زیرا ضرورت معالجه دربار او محقق و ثابت است.[۶۵۰] پرسش ۱۶: اگر کسی در خود تمایلات یا برخی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، آیا تغییر جنسیت برای او واجب می‌شود؟

پاسخ: واجب نیست، مگر این‌که عدم تغییر جنسیت او باعث ارتکاب حرام شرعی یا قبیح عرفی گردد.[۶۵۱] پرسش ۱۷: دختری از کودکی لباس مردانه می‌پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را مرد می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالت مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه پزشک، درخواست تغییر جنسیت خود را نموده است؛ آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیت می‌باشد؟ هم‌چنین مردی که در اثر پوشیدن لباس مردانه از بچگی و مسایل دیگر تمایلات زنانه پیدا کرده، آیا می‌تواند تغییر جنسیت دهد؟

پاسخ: اگر زن تمایلات مردانه دارد، می‌توانـد تغییر جنسیت دهـد؛ هم‌چنین است مرد اگر تمایلات زنانه داشته باشد.[۶۵۲] پرسش ۱۸: بـا توجه به اینکه تغییر جنسیت در غیر خنثی از نظر طبی (به تعبیر اطبا) تنقیص جنسیت محسوب می‌شود، بعضـی از پزشـکان با مواردی که مواجهند که شخص از نظر ظاهری بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات، و

تغییر جنسیت، ص: ۴۴۵

عواطـف جنس مخـالف اسـت. بسـیاری از این افراد می‌گوینـد: اگر این تغییر و لـو به طورصـوری و ظـاهری صـورت نگیرد، انتحـار خواهیم کرد. (تا به حال دو بار این مسأله پیش آمـده) و با توجه به این‌که آمارهای علمی نشان می‌دهـد که این‌گونه افراد شـش الی شانزده ماه بعـد از وضـعیت جدیـد پشـیمان خواهنـد شـد، آیا اطبا در این گونه موارد که با تهدیـد انتحار مواجهند، می‌توانند از باب این‌که حفظ نفس مقدم بر حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟
پاسخ: در فرض سؤال اشکال ندارد.[۶۵۳] پرسش ۱۹: کسانی را که از راه عوض کردن هورمون خون، تغییر جنسیت می‌دهند، مثلا به زن هورمون مردانه تزریق می‌کنند، آیا حکم آن‌ها نیز عوض می‌شود یا خیر؟ و حکم آن‌ها در مورد ارث و غیره چگونه است؟
پاسـخ: حکم دایر مـدار ظـاهر است. بنـابراین، اگر به هر علت جنس زن یا مرد عوض شـده و واقعا زن مرد یا مرد زن شود، حکم نیز عوض می‌شود.[۶۵۴] پرسش ۲۰: آشـکار کردن جنس واقعی- اگر انجام تکلیف و وظایف شرعی بدون آشکار کردن جنس واقعی ممکن نیست- واجب است جنس واقعی را آشـکار کننـد؛ ولی اگر انجـام تکلیف بـدون آن ممکن باشـد، واجب نیست، بلکه جـایز است.[۶۵۵]

دیدگاه آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی دربار تغییر جنسیت

پرسش ۱: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی (در مورد دوجنسی‌ها یا افراد فاقد جنسیت) شرعاً جایز است؟
پاسـخ: انجام عمل جراحی برای تعیین جنسـیت واقعی یا تبـدیل خنثی به مرد یا زن فی حد ذاته جایز است، مگر ملازم با حرام باشـد که آن وقت مقید به حد ضرورت است.
پرسش ۲: اگر کسی که برای امر ازدواج با پزشک مشورت می‌کند و پزشک

تغییر جنسیت، ص: ۴۴۶

مشکل دو جنسی بودن را بفهمد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد یا این‌که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به بر هم زدن ازدواج شود، کتمان سِرّ بر پزشک لازم است؟
پرسش ۳: اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دوجنسـی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه‌اش چیست؟ کتمان سِرّ یا افشای آن؟ (با توجه به این‌که هر شق مسأله پیامد خاص خود را دارد).
پاسخ ۲ و ۳: اگر در مقام مشورت به پزشک رجوع شـدهٔ باید واقع را بیان کند، چه موجب عدم وقوع ازدواج شود یا نشود، حتی در صورت وقوع ازدواج هم بنابر آن قولی که ازدواج او جایز است که به نظر ما درست نیست، باز پزشک بایـد واقع را بگوید، مگر در عیوبی که بـدون اشـکال زیاد رفع می‌شود و اگر از پزشک سؤال نشده، ولی از عیب اطلاع پیدا کرده و جایز است به طرف مقابل یا بزرگ‌تر او اطلاع دهد، هر چند واجب نیست.
پرسش ۴: در صورتی که غدد جنسی مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پرسش ۵: بر فرض جایز بودن عمل جراحی برای تغییر جنسیت یا مشخص کردن آن، جنسیت بیمار مشخص می‌شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پاسخ ۴ و ۵: تغییر جنسیت واقعاً در آن مواردی که مقتضی دارد، شرعاً جایز است و اگر مکلف نباشد. نیاز به اذن ولی شرعی دارد و اگر خودش عاقل و بالغ باشد. احتیاج به اذن دیگران ندارد.

پرسش ۶: بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت با مشخص کردن نوع جنسیت آثار آن از قبیل طلاق، نفقه، مهر، حضانت اولاد و ..... چیست؟

پاسخ: ازدواج خنثای مشکل به نظر ما شرعاً جایز نیست، فلذا احکام و آثار نکاح بر او مترتب نیست و پس از تغییر جنسیت عقد باید تجدید گردد، آن وقت آثار و احکام شرعی پس از علاج مترتب می گردد. ۲۶/ ۸/ ۱۳۸۳.[۶۵۶]

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۷

«متن سؤال: بفرمایید:

پرسش ۷: در دو جنسی کاذب مؤنث آیا پزشک از دیدگاه شرع مجاز است در صورت تمایل فرد، علی رغم ماهیت زنانه، اقدامی کند که ظاهر مردانه وی حفظ شود؟

پرسش ۸: اگر دو جنسی کاذب مؤنث- که ماهیتش زنانه است- با زن سالم ازدواج کرده باشد، تکلیف شرعی پزشک در اقدام به عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه وی چیست؟

پرسش ۹: اگر دو جنسی کاذب مؤنث هنوز ازدواج نکرده باشد، با توجه به این‌که اگر ازدواج کند- هر چند ظاهرش بر اثر عمل جراحی باقی می‌ماند- دو زن با هم ازدواج کرده‌اند، تکلیف پزشک در انجام عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه چیست؟

پرسش ۱۰: در مواردی که دو جنسی کاذب مؤنث با زن ازدواج کرده باشد و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی بشود، وظیفه‌اش در کتمان یا افشای اسرار چیست؟ (کتمان سِرّ موجب ازدواج یا ادامه دو زن می‌شود و افشای سِرّ نیز منکر است؛ چون صاحب آن راضی به افشا نیست).

پرسش ۱۱: دو جنسی کاذب مذکر که علی رغم ظاهر زنانه از لحاظ ماهیت مرد است، آیا پزشک مجاز است با تمایل وی، برای حفظ ظاهر زنانه عمل جراحی انجام دهد؟

پرسش ۱۲: در مواردی که دو جنسی کاذب با مردی ازدواج کرده است و پزشک متوجه دوجنسی بودن وی و مذکر بودن می‌شود، تکلیف نسبت به افشای سِرّ کتمان و سکوت چیست؟

پرسش ۱۳: در صورتی که دو جنسی کاذب مذکر بخواهد ازدواج کند، پزشک متوجه بشود با توجه به این‌که سکوت وی منجر به ازدواج دو مرد با هم می‌شود، تکلیف چیست؟

پرسش ۱۴: در دو جنسی حقیقی (خنثای مشکل) آیا مشخص کردن جنسیت

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۸

شخص جایز است؟

پرسش ۱۵: آیا پزشک یا جامعه پزشکی به عنوان متصدی در امور پزشکی مسؤول و مکلف است ماهیت شخص را مشخص کند؟ آیا درخواست بیمار در چنین موردی مجوز تبدیل وضعیت (مشخص کردن وضعیت) به حساب می‌آید یا باید علاوه بر آن، مراجع ذی صلاح نیز اجازه دهند؟

پرسش ۱۶: اگر پزشک فقط به درخواست بیمار، وضعیت وی را از لحاظ جنسیت مشخص کند، آیا از لحاظ شرعی فعل وی تحت

چه عنوانی قرار می‌گیرد؟

پرسش ۱۷: اگر خنثی (دو جنسی) ازدواج کرده باشد، اعم از این‌که وضعیت واقعی او چه بوده است و سپس وضعیتش مشخص و یا تبدیل شود، تکلیف عقد ازدواج چه می‌شود؟

پرسش ۱۸: در دوجنسی کاذب مؤنث که از لحاظ ماهیت زن است، پس از مشخص شدن وضعیت تکلیف ارث و نفقه و ... چه می‌شود؟

پاسخ‌های پرسش‌های ۷ تا ۱۸: با کمال معذرت سؤال‌ها درست تنظیم نشده است. اگر مقصود سؤال از تغییر جنسیت است، به نظر این جانب جایز است اگر درست انجام شود و واقعاً تغییر جنسیت محقق شده باشد؛ یعنی زن، مرد شود یا مرد، زن شود، خواه کسی که تغییر جنسیت داده مرد باشد یا زن یا دو جنسی؛ یعنی خنثی و خواه خنثی مشکل باشد یا غیر مشکل. دکتر معالج هم اطلاعات خود را در صورتی که به او مراجعه شود، باید بگوید و مخفی نکند.

و اگر منظور این است خنثی می‌تواند زن بگیرد یا شوهر کند یا نه، اگر خنثی مشکل نباشد و بر حسب امارات شرعی معلوم باشد که زن است یا مرد، اولی به وظیفه زن و دومی به وظیفه مرد عمل می‌کند، مگر این‌که تغییر جنسیت داده باشد و اگر خنثی مشکل باشد و تغییر جنسیت هم واقعی نباشد، نمی‌تواند نه به وظایف مرد عمل کند و نه به وظایف زن و دکتر معالج هم اطلاعات خود را افشا می‌کند در حدی که دیگران فریب نخورند و اشکال شرعی هم ندارد. عبدالکریم موسوی اردبیلی، ۱۳/ ۴/ ۱۳۸۱.[۶۵۷]

تغییرجنسیت، ص: ۴۴۹

دیدگاه کلی آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

آن‌چه در شرع وارد شده است، احکام زن و مرد است و اما شناخت زن، مرد به عرف واگذار شده است و چیزی در این باره گفته نشده است، در عرف هم زن به کسانی گفته می‌شود که اندام‌های زنانه داشته باشد، مانند صورت و سینه و باسن و رحم و تخمدان و لوله؛ و مرد به کسانی گفته می‌شود که اندام و اعضاء مردانه داشته باشند، مانند ریش و سبیل و سینه و بیضه و آلت تناسلی.

ولی علم برای زن و مرد خصوصیت دیگری بیان می‌دارد، کروموزومی

XX ۶۴

را برای زن و کروموزومی۶۴ XY را برای مرد مشخص می‌کند، خواه‌اندام زنانه داشته باشد یا به سبب بیماری فاقد بعضی از اعضا و اندام زنانه باشد و همچنین مرد.

بحث در این است که آیا در شناخت زن و مرد باید تابع عرف شد- آن‌که ظاهر و اندام زنانه دارد زن و آن‌که ظاهر و اندام مردانه دارد مرد گفته شود- یا تابع نظر علم، آن‌که کروموزوم مرد دارد مرد و آن‌که کروموزوم زن را دارد زن محسوب می‌شود. هر کدام باشد نظر شرع روشن است. حقیقت این است که باید نظریه علمی را پذیرفت و عرف را در تعیین مصداق تخطئه کرد. بنابراین، مبنا حکم ازدواج و حاملگی وحرمت نظر روشن می‌شود. برای مرد شوهر کردن حرام است و برای زن جایز. قرار دادن نطفه در رحم موجود در بدن این مرد مانند قرار دادن نطفه است در محفظه خارج، همان حکم را دارد و آن با ملاحظه شرایط جایز است، این هم طبعاً جایز است و این مرد نه پدر این بچه به حساب می‌آید و نه مادر او.

اگر تشخیص داده شد که زن است، ولی ظاهری مردانه دارد. حکم مرد را پیدا نمی‌کند و نمی‌تواند زن بگیرد. در محرمیت هم حکم زن را دارد. ولی کلام در تشخیص است؛ زیرا علم که نمی‌گوید: این زن است یا مرد. علم (همین) قدر می‌گوید: این شخص این کروموزوم را دارد و این غالبا در زن‌ها موجود است، ولی این‌که این شخص با وجود ظاهر کاملا مردانه و داشتن زن و بچه، زن

است یا مرد، از چهارچوب علم بیرون است؛ چون احتمال داده می‌شود آن کروموزوم که از مختصات مؤنث است نـدرتاً در مرد هم وجود داشته باشد. به جای این که بگوییم: این ماهیتاً زن است و در

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۰

نتیجه اختلالات مادرزادی ظاهر مرد پیدا کرده، بگوییم: این مرد است و به جهت اختلالات کروموزوم مؤنث پیدا کرده. اگر این احتمال در نظریه علم به وجود آید و امکان داشته باشد باید گفت مرد است و احکام مرد را دارد. هم‌چنین است سؤال دوم.

توضیح بیش‌تر آن که این گونه اشخاص دچار یک نحوه تضاد در وجودشان هستند. ژن و کروموزوم این‌ها با اندام ظاهری شان توافق ندارد. اگر دلیل علمی داشته باشیم که ژن و کروموزوم خطا نمی‌رود، قطعاً اختلال ظاهری این‌ها در نتیجه اختلال تکاملی است. جواب همان است که گفته شد و اگر این احتمال از نظر علمی وجود داشته باشد، به ظاهر حکم می‌شود.

سؤالی در این جا هست و آن این که عمل جراحی برای حفظ ظاهر این‌ها برای چیست؟ اگر برای این است که ظاهر این‌ها در حال تغییر و موافقت با ژن و کروموزوم است، این خود دلیل می‌شود که ظاهر این‌ها در نتیجه اختلال بوده است. در هر حال، پاسخ قطعی مسأله احتیاج به توضیح بیش‌تر دارد که باید از نظر علمی داده شود.

در مورد دوجنسی حقیقی (خنثی مشکل) اگر از نظر علمی چاره‌ای باشد، این شخص ماهیتاً و حقیقتاً زن و یا مرد بشود اشکال ندارد و اگر برای فریب است که یک نحوی به نظر بیاید که این زن است یا مرد است و مشکل زندگی او حل شود، ولی واقعاً مشکل بماند و مشکل بیش‌تری ایجاد شود جایز نیست، پزشک و جامعه هم در تشخیص وضع او مسؤولیتی ندارد.

در دو جنسی حقیقی، خواست بیمار می‌تواند ملاک تبدیل وضعیت توسط پزشک معالج باشد و احتیاج به کسب اجازه از مراجع قانونی نیست مگر برای مراسم قانونی از نظر شرع همان است که گفته شد.

دیدگاه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی دربار تغییر جنسیت

به طور کلی دو جنسی‌ها (هرمافرودیت ها) به چهار دسته تقسیم می گردند:

۱. دو جنسی‌های حقیقی که هم بیضه و هم تخمدان دارند و بسته به آن که

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۱

مشخصات مردانه در آن‌ها قوی‌تر باشد یا زنانه با عمل جراحی به صورت مرد یا زن در خواهند آمد.

۲. شبه دو جنسی‌ها با ظاهر زنانه که در حقیقت مرد هستند و به آسانی درمان می‌شوند و جنس حقیقی خود را پیدا خواهند کرد.

۳. شبه دو جنسی‌ها با ظاهر مردانه که واقعا زن هستند و با درمان به جنس واقعی خود دست خواهند یافت.

۴. عدم رشد غدد جنسی

بفرمایید:

سؤال ۱: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی شرعا جایز است؟

پاسخ: انجام عمل جراحی در این فرض واجب است.

سؤال ۲: اگر کسی برای امر ازدواج با پزشک مشورت کند و پزشک مشکل دو جنسی بودن را بفهمد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد، یا این که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به بر هم زدن ازدواج شود، کتمان سِرّ بر پزشک لازم است؟

پرسش ۳: اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دو جنسی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه‌اش چیست؟ کتمان سِرّ یا افشای آن؟ (با توجه به این که هر شق مسأله پیامد خاص خود را دارد).

پاسخ ۲ و ۳: بر پزشک لازم است که حقیقت را بیان کند تا ایشان مرتکب فعل حرام نشوند.

پرسش ۴: در صورتی که غدد جنسی مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پاسخ: تا جنسیت روشن نشود، ازدواج جایز نیست. البته پزشک اگر بتواند به معالجه، یکی از دو جنسیت را تقویت کند اشکالی ندارد.

پرسش ۵: بر فرض جایز بودن عمل جراحی تغییر جنسیت یا مشخص کردن، آن

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۲

صرف اعلام رضایت کافی است یا باید از مراجع قانونی و اولیای وی یا .... نیز کسب اجازه کرد؟

پاسخ: چنان‌چه در امثال این جراحی‌ها لزومی برای کسب اجازه نباشد اشکال ندارد.

پرسش ۶: بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت با مشخص کردن نوع جنسیت، آثار آن از قبیل طلاق، نفقه، مهر، حضانت اولاد و ..... چیست؟

پاسخ: همه این آثار برآن شخص مترتب می‌شود و در صورت تغییر جنسیت طرفین، صیغه ازدواج مجدد لازم است. همیشه موفق باشید ۳۱/ ۴/ ۱۳۸۱.[۶۵۸] پرسش ۷: در مورد تغییر جنسیت با توجه به این‌که از نظر طبی این عمل (در غیر از خنثی) به تعبیر اطبا تنقیص جنسیت محسوب میشود، بعضاً با مواردی اطبا مواجه‌اند که شخص از نظر ظواهر بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات، و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می‌گویند: اگر این تغییر صورت نگیرد انتحار (خودکشی) خواهیم کرد (و تا به حال ۲ بار این مسأله پیش آمده) و با توجه به این‌که آمارهای علمی نشان می‌دهد این گونه افراد ۶ الی ۱۶ ماه بعد، از وضعیت جدید پشیمان خواهند شد. آیا اطبا در این‌گونه موارد که با تهدید انتحار مواجه‌اند، می‌توانند از باب این‌که حفظ نفس مقدم بر حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟ و آیا اصولا این عمل برای خود چنین شخص حرام است یا جایز؟

پاسخ: تغییر جنسیت دو صورت دارد: گاهی ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست، فقط یک جراحی صوری در او انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می‌گردد این کار جایز نمی‌باشد، و گاه واقعی است، یعنی با جراحی کردن عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌شود. این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد. مخصوصا در موردی که آثار جنس مخالف در او باشد، اما چون این جراحی نیاز به نظر و لمس دارد، تنها در موارد ضرورت، مانند آن‌چه ذکر کرده‌اید مجاز است.[۶۵۹]

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۳

پرسش ۸: اگر مردی در اثر عدم تربیت صحیح و عدم مراعات مسایل شرعی در خانواده، در کودکی لباس زنانه پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را زن می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالات زنانه در او تقویت شده و درخواست تغییر جنسیت می‌کند، آیا جایز است تغییر جنسیت بدهد؟

پاسخ: همان طور که در بالا گفته شد تغییر جنسیت صوری جایز نیست، ولی اگر جنسیت واقعی او خلاف آن است که در او ظاهر می‌باشد، تغییر آن جایز، بلکه گاه واجب است.[۶۶۰] پرسش ۹: تغییر جنسیت از نظر شرع چگونه است؟

پاسخ: تغییر جنسیت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود؛ یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید، مگر این‌که به حد ضرورت هم چون ضرورت مراجعه به طبیب رسیده باشد که در این صورت جایز است.

پرسش ۱۰: دختری از کودکی لباس مردانه می‌پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را مرد می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی

حالات مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه به پزشک درخواست تغییر جنسیت خود را نموده است. آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیت می‌باشد؟

پاسخ: تغییر جنسیت اگر صوری باشد جایز نیست، ولی اگر واقعی باشد (این امر در افراد دو جنسی واقع می‌شود) به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز و گاه واجب است.[۶۶۱] پرسش ۱۱: مردی به علت این‌که در گذشته علاقه زیادی به بازی با دختران داشته و

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۴

به جهت این‌که صاحب فرزندی در زندگی مشترک خود نگردیده و به خاطر لجبازی در برخی مسایل با دوستانش تصمیم به تغییر جنسیت می‌گیرد. وی بدون اطلاع خانواده‌اش قریب به شش ماه داروهای هورمونی زنانه مصرف نموده و جهت محکم نمودن تصمیم خویش با روان شناسی مشاوره نموده است. ابتدا با طرح مسایلی دروغ در خانواده از قبیل این‌که به گفته پزشکان قلب من زنانه است و مانند آن، قصد آماده‌سازی زمینه کار را داشته است. پس از مدتی با اغفال خانواده‌اش موفق می‌شود خانمش را طلاق بدهد و در گام بعدی برای اولین بار لباس زنانه می‌پوشد و با آراستن شکل ظاهری خویش به شکل زنان به منزلشان می‌آید که با عکس العمل تند والدین روبه رو می‌شود، ولی نه تنها عقب نشینی نمی‌کند، بلکه تهدید می‌نماید که اگر به آرزویش نرسد انتحار خواهد کرد، بالاخره تغییر جنسیت داده و با تغییر نام خود با مردی ازدواج می‌کند. حکم این مسأله چیست؟

پاسخ: چنان‌چه قبلًا هم گفته ایم، تغییر جنسیت دو صورت دارد:

گاهی صرفا ظاهری و صوری است، یعنی اثری از آلت جنس مخالف نیست، بلکه فقط یک جراحی صوری انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می‌گردد، این کار حرام است و باید بشدت از آن پرهیز نمود و اگر ازدواجی براساس آن صورت بگیرد، حرام و باطل است و حد شرعی دارد.

ولی گاه واقعی است؛ یعنی با جراحی کردن، عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌گردد. این کار ذاتا جایز است و محذور شرعی ندارد، مخصوصا در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد. اما چون این جراحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در ضرورت جایز است.[۶۶۲] پرسش ۱۲: اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبلی آنها چیست؟

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۵

پاسخ: اگر تغییر حقیقی باشد زوجیت بلافاصله فسخ می‌شود و می‌توانند مجددا عقد ازدواج در شکل جدید بخوانند، ولی احتیاط آن است زمان عدّه بگذرد.[۶۶۳] کلامی دیگر از آیت‌الله مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی، یکی از مفاسد دنیای امروز را تغییر جنسیت‌های کاذب دانست و یادآور شد. عده‌ای به خاطر خوشگذرانی و از روی تفنن، تمایل به تغییر جنسیت خود یافته‌اند که این بلای دنیای امروز است.[۶۶۴]

تغییرجنسیت ؛ ص۴۵۵

گزارش خبرگزاری فارس به نقل از رسا، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در ادامه سلسله بحث‌های خود در مدرسه حضرت علی بن ابیطالب (ع) با انتقاد از گرایش برخی به تغییر جنسیت گفت: امروزه در غرب با استفاده از هورمون‌های جنس مخالف، امکان تغییر جنسیت براحتی فراهم آمده است. متأسفانه در میان جوانان‌ها نیز دیده می‌شود که عده‌ای معدود از نظر ظاهری تمایل به جنس مخالف پیدا می‌کنند، مثلا برخی پسران با آرایش زنانه در جامعه حاضر می‌شوند و رفتار زنانه دارند.

وی بـا بیـان این‌که در مورد این معضل پـدران و مادران نیز مقصـرند، افزود: زیرا از خردسالی، لباس دخترانه بر تن پسـران می‌کننـد. بی‌تـوجهی به نوع پوشـش و لبـاس کودک در تربیت وی اثر گـذار است و به مرور، این کودک تمایـل به جنس مخـالف خود پیـدا می‌کند. پدران و مادران گاه پسـر را نوازش‌های دخترانه می‌کنند. این پسـر بر اثر پوشیدن لباس و این تربیت نادرست، به مرور زمان تمایلات دخترانه پیدا می‌کند و این مسأله بسیار خطرناک است.

این مرجع تقلیـد فتـوای خود را در مورد تغییر جنسـیت چنین اظهـار داشت: تغییر جنسـیت‌های حقیقی مربوط به افرادی است که دو جنسـی هستند که پزشکان و کارشناسان یک جنس را حذف می‌کنند، جنس اصلی می‌ماند و جنس فرعی حذف می‌شود. اما دربار سایر افراد جامعه که دو جنسی نیستند، تبدیل مرد به زن و زن به مرد جایز نیست.

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۶

وی ادامه داد: تغییر جنسیت‌های صوری امروز یک نوع بیماری خطرناک است و کار بسیار غلطی است. با این کار تغییر واقعی ایجاد نمی‌شود، بلکه فرد به یـک آدم بی‌خاصـیت و بی‌اثر تبـدیل می‌شود. وی در بـاب پیشـینه تاریخی این بحث به قضاوت‌های حضـرت امیرالمؤمنین (ع) اشاره کرد.[۶۶۵]

دیدگاه آیت‌الله شیخ یوسف صانعی دربار تغییر جنسیت

عمل جراحی در اعضای تناسلی به دو هدف انجام می‌شود:

الف) تغییر جنسیت فرد؛ مانند تبدیل مرد به زن و بالعکس؛

ب) آشـکار نمودن جنس واقعی؛ یعنی کسـی که در ظاهر ویژگی‌های جنسی مخالف را دارد، ولی متعلق به آن دسته و گروه جنسی نیسـت که در این صـورت می‌تـوان، بلکه لازم است بـا جراحی، جنس واقعی او را آشـکار کرد. انجـام عمـل جراحی برای آشـکار نمـودن جنس واقعی شـخص جـایز است، ولی بایـد عمـل جراحی طوری انجـام شود که مسـتلزم حرامی نباشـد، والاـ عمـل حرام به حرمتش باقی است.

پرسش ۱: برای زنـان و مردان و اشـخاص خنثی که تغییر جنسـیت در عمـل برای آنـان ممکن است تا آن‌ها را به «احـدی الجنسـین» (یکی از دو جنس مرد و زن) ملحق کننـد و هم‌چنین زنان و مردانی که آثار مرد یا زن بودن به روشـنی در آن‌ها دیده می‌شود «لکن تمایـل به تغییر جنسـیت به عبـارت روشن‌تر تشـخیص جنسیت دارنـد، برای این‌که در خود بعضـی از آثـار جنس مخالف و از جمله حرکات و رفتار و سـکنات جنس مخالف را مشاهده می‌کنند و با توجه به مطالب فوق آیا تغییر جنسیت جایز است یا نه؟ آیا تنقیص جنسیت جایز است یا نه؟ لطفاً جواب را مشروحاً بیان فرمایید.

پاسـخ: تغییر جنسـیت، فی حـد نفسه، بـا قطع نظر از مفاسـد مـترتبه را نمی‌تـوان گفت حرام است، و یـک تکامـل علمی، ماننـد بقیه تکامل‌های علمی می‌باشد و بعد از تغییر،

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۷

همه احکـام و آثـار و تکـالیف و حقوق، تابع حالت بعـدی می‌باشـد، یعنی اگر قبل از تغییر مرد بوده و بعـداً واقعا زن شـده، آثار زن بودن بر او باز می‌شود، لکن قبل از عمل و اجرای آن به سایر جهات مسأله بایـد توجه داشت و از مسایل اخلاقی و شخصـیت انسانی و حقوقی، چه حقوق خود شخص و چه حقوق دیگران و امور دیگر و معمولًا اگر نگوییم دایما تغییر جنسیت به خاطر مسایل حقوقی و مفاسد خارجی حرام و موجب مشـکلات و نابسامانی هایی از جهات مختلف می‌باشد. به هر حال، حکم قضـیه از حیث خود مسأله

و از حیث جهات دیگر آن بایـد مورد توجه قرار بگیرد که به حسب جهات و دلایل اولیه هر چند جایز و تصـرف در مخلوق است نه در خلقت، لکن به دلیل تبعات و مفاسد عظیم آن نمی‌توان گفت جایز است.

و اما تغییر اثباتی- به این معنی که: شخصی ویژگی‌های مرد را دارد، ولی طبق تشخیص پزشکان واقعا زن است و یا بالعکس- مانعی ندارد و جایز است؛ بلکه برای حفظ حقوق و احکام و آثار، تغییر، لازم و واجب است که این کار را در حقیقت نمی‌توان دگرگونی نامیـد که اثبات یک واقعیت و یک امر حقیقی است. ناگفته نمانـد که این گونه تغییر جنسـیت‌ها که به مشـخص شـدن جنس واقعی برای خنثی منجر می‌شود، چون ظاهراً مفسده خارجیه ندارد، نمی‌توان گفت حرام است.[۶۶۶] پرسش ۲: اگر زنی ازدواج کرده پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، تبدیل به مرد شود، حکم ازدواج آنها و پرداخت مهریه چگونه است؟

پاسخ: تغییر جنسـیت واقعی بعد از ازدواج که باعث ضـرر و اذیت دیگری می‌شود حرام است، لکن با فرض تحقق و تغییر جنسـیت- ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و زوج بـدهکار مهر، هر چنـد بعد از دخول نمی‌باشد و این خود زوجه است که سـبب اسـتدامه مهر را که همان استدامه عقد است، از بین برده و مورد مانند جایی است که

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۸

زوجه‌ای سـبب حرمت خود بر شوهرش به وسـیله رضـاع گردد، و به هر حـال بطلاـن هر عقـدی مسـتلزم برگشت به حال سابق و قبل العقـد می‌باشـد و این گونه موارد غیر از بـاب طلاق و جـدا شـدن زن و مرد از حین طلاق است.[۶۶۷] پرسش ۳: زن و مردی بـا هم ازدواج کرده‌اند، اگر مرد تغییر جنسیت دهد حکم ازدواج آن‌ها چگونه است؟

پاسـخ: اگر زنی بـا مردی ازدواج کنـد و مرد تغییر جنسـیت دهـد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می‌شود. در صورت آمیزش قبل از تغییر، بایـد مهریه زن را بدهـد و در صورت عـدم آمیزش بنـابر اقوی بایـد بپردازد.[۶۶۸] پرسش ۴: اگر هر دو تغییر جنســیت دهند چگونه است؟

پاسخ: اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند، به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود، اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشـد، حکم آن ماننـد سابق است؛ اما اگر هر دو با هم تغییر جنسیت دهنـد، احوط آن است که مجـدداً ازدواج کننـد و زن با دیگری ازدواج نکنـد مگر این‌که بـا اجـازه طرفین طلاـق بگیرد، هر چنـد که بعیـد نیست ازدواج آن‌ها هم چنان برقرار باشـد.[۶۶۹] پرسش ۴. عمل جراحی در اعضای تناسلی با دو هدف انجام می‌گیرد:

الف) تغییر جنسیت فرد مانند تبدیل کردن مرد به زن و بالعکس؛

ب) آشکار نمودن جنس واقعی

با این توضیح بفرمایید که کدام یک از آن‌ها جایز است؟

پاسخ: الف- جایز نیست.

ب- جایز است.[۶۷۰]

تغییرجنسیت، ص: ۴۵۹

دیدگاه آیت‌الله سید صادق شیرازی دربار تغییر جنسیت

سؤال ۱: بـالنسب إلی الخنثی الکاذبـۀ- أی انّ الشـخص فی خلایا جسـمه من الناحی الوارثی ذکر مثلًا ولکن الآل الخارجی غیر ذلک اوالعکس؟ فإذا علم بالفحص أنّه فی الواقع ذکر مثلًا و إن کان الشـکل شکلًا انثویا فهل یجوز فی هذه الحال إزال عوارض الذکور مثلًا

و صیرورته انثی خالص أم لایجوز ذلک، و کذا العکس؟

جواب: تغییر الجنس لایجوز علی الأقرب، والله العالم.[۶۷۱] سؤال ۲: هل یجوز تحویل الرجل إلی امرا و بالعکس؟

جواب: لا-یجوز تحویـل الرجـل إلی امرا، ولا- تحویل المرا الی رجل، و یجوز ذلک فی الحیوانات.[۶۷۲] سؤال ۳: مـا حکم الخنثی و کیف یتعامل معها من حیث ما ینطبق علی الانثی او الذکر؟

جواب: الأ-ظهر أنّ للخنثی المشـکل- التی لا-یتعینّ ذکوریتهـا من انوثیتها- أن تختار الـذکوری، فتعامل نفسـها و یتعامل الآخرون معها معامل الـذکوری، أو نختار الانوثی، فتعامل نفسـها و یتعامل الآخرون معها تعامل الانوثی.[۶۷۳] سؤال ۴: هل یجوز لصاحب العورتین إیلاج الذکر فی فرجه؟

جواب: لایجوز[۶۷۴] سؤال ۵: لو أولج صاحب العورتین فی نفسه و حمل، فما حکم المولود بالنسب الیه؟

جواب: المولود هو ابن لصاحب العورتین و هو أب و ام للولد فی وقت واحد.[۶۷۵]

دیدگاه آیت‌الله حسین نوری همدانی

پرسش ۱: آیا کسی که جنسیتش محرز است به هر دلیل می‌تواند جنسیّت خود را

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۰

تغییر دهد؟ و چنان‌چه جایز باشد و این کار انجام شود روابط او با خویشان و محارمش چگونه است؟

پاسخ: با نبودن زمینه خلقتی جایز نیست.

پرسش ۲: اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیّت دهد، حکم ازدواج و مهریه او چگونه است؟

پاسخ: ازدواج به هم می‌خورد و تمام مهر را لازم است بپردازد.

پرسش ۳: اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت بدهد، حکم ازدواج و مهریه همسر او چگونه است؟

پاسخ: ازدواج به هم می‌خورد و تمام مهریه به عهده اوست.

پرسش ۴: اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند؛ اگر تغییر آن دو با هم و در یک زمان باشد، حکم ازدواجشان چگونه است؟

پاسخ: در فرض سؤال بعید نیست که ازدواج آن دو باقی باشد و در حال فعلی زوج، زوجه و زوجه، زوج می‌شود.[۶۷۶]

دیدگاه آیت‌الله سید یوسف مدنی تبریزی در احکام مربوط به تغییر جنسیت

سؤال ۱: حکم تغییر جنسیت از نظر اسلام در موارد زیر چیست؟

الف) دو جنس حقیقی، افرادی که از نظر ژنیتیکی نه مرد است و نه زن؟

ب) فردی که اصالتاً مرد، ولی تـا به حـال در جـامعه به عنوان زن زنـدگی و یـا حتی چنـدین سـال است که ازدواج کرده است، آیا می‌توان با عمل جراحی بیضه و آلت تناسلی او را برداشت و برای او مهبل درست کرد؟ او از لحاظ روحی خود را زن حس می‌کند و حتی برخی با خوردن دارو پستان‌هایشان هم بزرگ شده و ظاهر زنانه پیدا می‌کنند، آیا باز هم جواز آن وجود دارد؟

ج) در فردی که اصالتاً زن است، ولی آلت تناسلی کوچک مردانه دارد و به لحاظ

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۱

فرهنگ اجتماعی که پسر را می‌خواهند نه دختر را، او را از کودکی به عنوان مرد بزرگ کرده‌اند، ولی بتدریج مشخص شده که او زن است، آیا می‌توان با عمل جراحی او را تبدیل به زن کامل نمود و اگر از لحاظ روحی خود را مرد حس می کند، تکلیف چیست؟ چون از لحاظ پزشکی امکان مرد کامل ساختن وی نیست.

پاسخ الف- ب- ج) تغییر جنسیت از طریق عمل جراحی در فردی که اصالتاً مرد یا زن است جایز نیست، و شرعاً درست نیست با عمل جراحی بیضه و آلت تناسلی مرد را بردارند و برای او مهبل درست کنند و لو این‌که او از لحاظ روحی خود را زن حس می کند و به وسیله خوردن دارو پستان‌هایشان هم بزرگ شده و ظاهر زنانه پیدا می کند.

وهکذا در فردی که اصالتاً زن است، جایز نیست با عمل جراحی برای او بیضه و آلت تناسلی درست کنند و لو این‌که او از لحاظ روحی خود را مرد حس می کند.

و اما خنثی، چون احتمال ذکوریت (مرد بودن) و انوثیت (زن بودن) در آن وجود دارد، لذا می‌تواند بلکه لازم است به پزشک متخصص رجوع کند تا با عمل جراحی مرد بودن یا زن بونش مشخص شود.

ملاک عدم جواز تغییر جنسیت به طریق اجمال

اولًا- لازم تغییر جنسیت این است که اعضایی را چه از مرد، چه از زن از بین ببرند و عضای دیگر را جایگزین آن کنند و این عمل شرعاً جایز نیست. و به عبارت دیگر، از بین بردن اعضای اصلی و یا ایجاد نقص در آن مشروع نمی‌باشد.

ثانیاً- کسی که اصالتاً مرد یا زن خلق شده تغییر و تبدیل آن به جنس مخالف مثلا تغییر و تبدیل مرد به زن به تمام معنی و بالعکس غیر ممکن و از توان علم بشر خارج است، زیرا این دو جنس مذکر و مؤنث در عالم انسان دگرگونی‌هایی از لحاظ انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می‌دهد و ویژگی‌های که هر یک از دو جنس به تناسب فعالیتشان دارند و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است که همه از نشانه‌ها و آیات آفریدگار حکیم حکایت می کند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را تغییر بدهد.

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۲

خلاصه، پس به وسیله عمل جراحی و خوردن دارو اگر موی صورت مرد بریزد و پستان‌هایش بزرگ شود و برای او مهبل درست کنند، در واقع زن شده نشده است و همچنین بالعکس، روئیدن مو در رخسار زن و کوچک شدن پستان‌ها و با درست شدن بیضه و آلت تناسل در وجود آن دلالت نمی کند که او واقعاً مرد شده است و اگر به این عمل غیر مشروع اقدام کرد، معصیت کرده و از نظر تکالیف شرعی حکم قبل از تغییر اعضای ظاهری را دارد.

و به عبارت دیگر، با تغییر بعضی از اعضا، موضوع مرد بودن یا زن بودن از بین نمی‌رود، تا گفته شود که حکم هم تغییر پیدا می کند و این موضوع غیر ممکن بودن تغییر جنسیت به معنی واقعی را فی الجمله می‌توان از بعضی از آیات قرآن هم استفاده کرد، مانند: آیه‌های ۴۹ و ۵۰ از سوره شوری که می‌فرماید:

یخلُقُ ما یشاءَ یهَبُ لِمَن یشاءُ اناثاً وَ یهَبُ لِمَن یشاءُ الذّکور وَ یجعَلُ مَن یشاءُ عَقیماً؛

یعنی: هر چه را بخواهد می‌آفریند و به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد.

و همه می‌دانند و می‌بینند که علی رغم تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها، هنوز کسی نتوانسته است عقیمان واقعی را ذات ولد نماید، یا مردی که به ظاهر تغییر جنسیت داده، همانند یک زن واقعی، فرزند زاید و فرزند دار نشدن این‌ها دلالت می کند که تغییر حقیقی صورت نگرفته است.

خلاصه با آن بیانی که اشاره گردید، این مسأله مهم، مختص علم لایتناهی قادر متعال است و در سیطره قدرت او می‌باشد و مخلوق چنین توانی را هرگز نخواهد داشت.[۶۷۷]

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۳

دیدگاه آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی درباره تغییر جنسیت[۶۷۸]

بخش اول- تغییر جنسیت پیش از ازدواج

پرسش ۱: آیا تغییر جنسیت پیش از ازدواج جایز است یا خیر؟

پاسخ: تغییر در جنسیت به جنس مخالف در شخصی که واقعاً مرد یا زن باشد، هر گاه از راه عمل جراحی توسط پزشک خبره ممکن باشد مانعی ندارد، ولی باید از مقدمات حرام که لمس و نظر باشد اجتناب شود و اگر از آن‌ها اجتناب نشد، از تغییر در جنسیت مانع نمی‌شود.

پرسش ۲: کسی که براساس موازین زن یا مرد است، ولی عضو جنس مخالف را هم دارد، آیا جایز است آن را از بین ببرد؟

پاسخ: شخصی که بر طبق موازین شرع زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنثای غیر مشکل)، می‌تواند عضو اضافی و ناقص خود را از بین ببرد و نیز می‌تواند با تقویت عضو اضافی و ناقص، تغییر جنسیت دهد، البته اگر با عمل جراحی امکان‌پذیر باشد.

پرسش ۳: آیا خنثای مشکل می‌تواند از راه عمل جراحی جنسیت خود را مشخص کند؟

پاسخ: شخصی که نه زن است و نه مرد (خنثای مشکل)، جایز است از راه عمل جراحی توسط پزشک خبره، زن بودن و یا مرد بودن خود را مشخص کند، ولی باید این کار مستلزم حرام نباشد و هرگاه مستلزم آن شود، مانع تشخیص که برای او از راه جراحی پدید آمده، نمی‌شود.

پرسش ۴: زنی که تمایلات مردی در خود احساس می‌کند، آیا می‌تواند در تغییر جنسیت خود اقدام نماید؟

پاسخ: زنی که در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان احساس می‌کند یا برخی

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۴

از آثار مردی را در خود می‌بیند، واجب نیست خود را تبدیل به جنس مخالف نماید، اگر چه بر آن تمکن و توانایی داشته باشد.

پرسش ۵: مردی که تمایلات زنی در خود ببیند، آیا می‌تواند جنس خود را تغییر دهد؟

پاسخ: مردی که خود تمایلات هم چون تمایلات زنان احساس می‌کند یا برخی از آثار زنی را در خود مشاهده می‌کند و می‌تواند جنس خود را تغییر و تبدیل به زن نماید، واجب نیست این کار را انجام دهد.

پرسش ۶: کسی که واقعاً مرد است، ولی ظاهراً در جنس زن قرار دارد، آیا جایز است اقدام به عمل جراحی نماید و واقع امر را آشکار سازد؟

پاسخ: اگر کسی ظاهراً در جنس مخالف قرار دارد، ولی واقعاً از آن جنس محسوب نیست و عمل جراحی جنسیت وی را واقعاً تغییر نمی‌دهد، بلکه آن‌چه را که پنهان است آشکار می‌نماید، در این فرض واجب است که آثار جنس واقعی را رعایت کند. بر این اساس، اگر بدانند واقعاً مرد است، باید آن‌چه راکه بر مردان واجب و حرام است رعایت کند؛ اما تغییر ظاهر و کشف آن‌چه که پنهان است با عمل جراحی واجب نیست، مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت باید آن را عملی کند.

بخش دوم- تغییر جنسیت پس از ازدواج

پرسش ۷: ازدواج زنی که تغییر جنسیت از راه عمل جراحی داده و مرد شده و احکام شرعی آن را بیان فرمایید؟

پاسخ: اگر زنی پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و مرد شود، ازدواج او از هنگامی که تغییر جنسیت برای او حاصل شد، باطل می‌شود و مرد باید نصف مهر را- در صورتی که با او آمیزش نکرده باشد- یا تمام مهررا- در صورتی که با او آمیزش کرده باشد- به وی بپردازد. همچنین است حکم مردی که پس از ازدواج با زنی تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگامی که تغییر پدید آمد، باطل می‌شود و در صورت آمیزش تمام

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۵

مهر و در غیر این صورت، نصف مهر را باید به او بدهد.

پرسش ۸: زنی که در زمان عِدّه تغییر جنسیت داده وظیفه‌اش چیست؟

پاسخ: اگر کسی در زمان عدّه تغییر جنسیت دهد، عدّه‌اش ساقط می‌شود حتی عِدّه وفات.

پرسش ۹: حکم برادر و خواهری که از راه عمل جراحی تغییر جنسیت داده‌اند از نظر احکام شرعی چه می‌باشد؟

پاسخ: هرگاه برادر و خواهری تغییر جنسیت دهند، باعث قطع نسبت بین آن‌ها نمی‌شود، برادر خواهر و خواهر برادر می‌شود و اگر عمویی تغییر جنسیت دهد به عمه و عمه اگر تغییر جنسیت دهد به عمو و اگر دایی تغییر جنسیت دهد به خاله و اگر خاله تغییر جنسیت دهد به دایی تبدیل می‌شود.

دیدگاه آیت‌الله سید محسن خرازی درباره تغییر جنسیت[۶۷۹]

۱. مسأله تغییر جنسیت از دیدگاه فقه بر لزوم مورد پزشکی آن وابسته است و احکام فقهی این مسأله با توجه به نوع و ضرورت آن تعیین می‌شود.

۲. تغییر جنسیت در زمانی که معالجه باشد، یا در آن مصلحت لزوم آور مهم‌تری باشد جایز است، و در غیر این صورت اشکال دارد.

۳. اگر تغییر جنسیت را جایز بدانیم با انجام آن برای زن، بدون اجازه شوهرش اگر مزاحم حق شوهر از قبیل لذت از او و مانند آن باشد حرام است. [این مورد، مصداق] خروج از اطاعت شوهر و دخول در عنوان «نشوز» است.

۴. در صورت جایز بودن تغییر جنسیت، برای بردگان و کنیزان بدون اجازه مولای خویش جایز نیست، و نیز در مواردی که در مدتی اجیر دیگری شده‌اند در مدت اجاره تغییر جنسیت بر آنان جایز نیست.

۵. اگر زنی تغییر جنسیت دهد و مرد شود ازدواج از زمان تغییر باطل می‌شود.

۶. اگر جنس زن در زمان عده او تغییر کند عده او ساقط می‌شود حتی اگر عده [وفات] باشد.

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۶

۷. هرگاه مردی که ولی است با تغییر جنسیت به زن تبدیل شود، ظاهراً ولایت او بر فرزندان نابالغش ساقط می‌شود، و اگر زن با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شود بر فرزندان نابالغ ولایت نمی‌کند، بلکه ولایت آن‌ها برای جدّ پدری و در صورت نبود آن برای حاکم ثابت است.

۸. با تغییر جنسیت، عنوان «پدر» یا «جد» تغییر می‌کند، اما این تغییر عنوان در دیگر خویشاوندان نسبی جاری نیست.

۹. حکم محرمیت در غیر پدر و مادر با تغییر جنسیت، تغییر نمی‌کند.

۱۰. اگر جنس مادر تغییر کرده و به مرد تبدیل شود، ازدواج او با دخترانش جایز نیست. همچنین اگر جنس پدر تغییر کرده و به زن

تبدیل شود ازدواج او با پسرانش حرام است.

۱۱. هرگاه جنسیت شوهر تغییر کند و به زن تبدیل شود علقه زوجیت بین او و همسرش از بین می‌رود.

دیدگاه آیت‌الله محمد مؤمن دربار تغییر جنسیت

۱. تغییر جنسیت حقیقی در مورد کسی که واقعا مرد و یا واقعاً زن است و هیچ‌گونه نقص خلقتی ندارد و با عمل جراحی به جنس مخالف تغییر جنسیت می‌دهد- هرگاه ممکن باشد- به نفسه مانع شرعی ندارد، البته نظر و یا لمس عورت او از ناحیه نامحرم جایز نیست و باید عمل جراحی طوری انجام شود که مستلزم این حرام یا حرام دیگری نباشد.

۲. فردی که به حسب موازین شرع، زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنثای غیر مشکل) نیز می‌تواند اقدام به از بین بردن این عضو ناقص نماید و یا عضو اصلی خود را از بین برده و با تقویت عضو ناقص تغییر جنسیت دهد و در هر حال، این عمل جراحی باید طوری انجام گیرد که مستلزم هیچ گونه حرام نباشد.

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۷

۳. فردی که نه زن است و نه مرد (خنثای مشکل)، اصل اقدام به اصلاح و مشخص نمودن وضعیت خودش با عمل جراحی شرعاً جایز است، اما مشکل نظر و لمس نامحرم نسبت به عورت وی به قوت خود باقی است و باید عمل جراحی روی او و مستلزم این حرام یا حرام دیگری نباشد.[۶۸۰]

تغییرجنسیت، ص: ۴۶۹

ضمیمه ۵ آیات مورد استناد

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۰

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۱

ضمیمه ۶ روایات مورد استناد

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۲

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۳

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۴

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۵

ضمیمه ۷

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها (فارسی و عربی)

- قرآن کریم، با ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی و دکتر محمد مهدی فولادوند.

- آریان پور کاشانی، عباس و منوچهر آریان پورکاشانی، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹، چ نهم، دو جلدی.

- آلوسی بغدادی، شهاب الدین محمود، روح المعانی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۹۹۹ م.

- ابوحبیب، القاموس الفقهی، لغ و اصطلاحاً، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۹ ق ۱۹۹۸ م.

- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، بیروت: دار الکتب العربیه، ۱۴۳۰ ق.

- احمد احمد و عادل القاضی، فقه الحیا، حوار مع آیت‌الله السید محمد حسین فضل الله، بیروت، مؤسسه المعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق، چ سوم.

- اراکی، محمد علی، استفتائات، قم، الهادی، ۱۳۷۳.

- اردبیلی، احمد، زبد البیان فی احکام القرآن، تهران، المکتب المرتضوی، بی تا.

- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷، چ شانزدهم.

- انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، (رسائل) قم، اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۶

- الانصاری، قدرت الله و جمع من المحققین، موسوع الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقه الائم الاطهار، ۱۴۲۵ ق.

- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.

– بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رسال نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، چ دوم.

– البغوی، امام ابی محمد الحسین بن مسعود الفراء، تفسیر البغوی، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م، چ دوم.

– بهجت، محمد تقی، احکام و استفتاءآت بهداشتی و پزشکی، به کوشش علی رضا گرم آبدشتی، قم، مشهور، ۱۳۸۰.

– تهانوی حنفی، محمد اعلی بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون، بیروت، دارالکتب العلمی، بی تا.

– توکلی بزار، مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرع مقدس در آبان ۷۴، تهران، دبیرخانه شورای عالی انطباق امور پزشکی با موازین شرع مقدس، معاونت امور دانشجویی، ۱۳۷۷.

– الثعلبی، امام احمد، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م.

– جرجس، جرجس، معجم المصطلحات الفقهی و القانونی، بیروت، الشرک العالمی للکتاب، ۱۹۹۶ م.

– الجرجانی، سید شریف علی بن محمد، کتاب التعریفات، تهران، ناصر خسرو، بی تا.

– جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.

– جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.

– جعفری، مجتبی، جایگاه جنسیت در حقوق ایران.

– جناتی، محمد ابراهیم، رساله توضیح المسائل، (استفتاءآت)، قم، انصاریان، ۱۳۸۲، دو جلدی.

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۷

– جهان فر، شایسته و میترا مولایی نژاد، درس نامه اختلالات جنسی، تهران، سالمی، ۱۳۸۰ ش.

– جمشیدی، اسدالله و دیگران، جستاری در هستی شناسی زن، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۲.

– حجت، هادی و محمد هادی طلعت، احکام پزشکان و مشاغل مربوط به پزشکی، قم، بوستان، ۱۳۷۶، چ دوم.

– الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۱ م.

– الحسینی، السید حسین، احکام المغتربین، تهران، مرکز الطباع و النشر للمجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام، ۱۴۲۰ ق.

– الحسینی، السید صادق، المسائل الطبی، قم، یاس الزهراء، ۱۴۲۷ ق.

– حسینی، سید محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، سروش، ۱۳۸۲.

– الحکیم، السید محسن، مستمسک العرو، قم، آیت‌الله مرعشی نجفی و بی تا.

– الحکیم، محمد سعید، فق الاستنساخ البشری و فتاوی طبی، بیروت: مؤلف، ۱۴۲۰ ق.

– خالد منصور، محمد، الاحکام الطبی المتعلق بالنساء فی الفقه الاسلامی، عمان (اردن): دارالنفائس، ۱۴۲۰ ق.

– خامنه ای، السید علی، رسال اجوب الاستفتاءآت، تهران، الهدی، ۱۳۸۰ ش.

– خدادادی، غلامحسین، احکام پزشکان و بیماران، فتاوی آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی، قم مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۵ ش.

– خوئی، سید ابوالقاسم، استفتاءآت، پرسش و پاسخ، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، ۱۳۸۱.

– الخوئی، السید ابوالقاسم، منی السائل، استفتاءآت هام، جمعه و رتبه موسی مفید الدین عاصی العاملی، قم مؤلف، ۱۳۷۰ ش. الطبع الثالث.

– الخوئی، السید ابوالقاسم، صراط النجا، قم: مکتبه آیت‌الله تبریزی، ۱۴۱۸ ق.

تغییرجنسیت، ص: ۴۷۸

– الخوئی، السید ابوالقاسم، مصباح الاصول، قم: مکتبه داوری، ۱۴۲۰ ق.

– الخمینی، امام روح الله، تحریر الوسیل، تهران، مکتب اعتماد الکاظمی، ۱۳۶۶، چ ششم.
– خمینی، امام روح الله، ترجمه تحریر الوسیل، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی.
– دفتر تبلیغات اسلامی (شعبه خراسان) مسائل مستحدثه پزشکی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
– دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.
– الرازی، امام فخر، تفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱ م الطبع الرابع.
– الرمیخان، علی بن سلیمان، الاحکام و الفتاوی الشرعی لکثیر من المسائل الطبی، ریاض، دار الوطن للنشر، ۱۴۱۹ ق.
– الزمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۸۷ م.
– زمانی، درمزاری، محمد رضا، مهریه، تهران، بهنامی، ۱۳۸۴ ش.
– السبزواری، السید عبد الاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، دفتر آیت‌الله سبزواری، ۱۴۱۹ ق.
– السرخسی، شمسی الدین، المبسوط، حیدرآباد، ۱۳۳۵ ق.
– سلیمان، عمر و دیگران، قضایا طبی معاصر، اردن، دارالنفائس، ۲۰۰۱ م.
– سمیح عیسی، نضال، الطب الوقایی، سوریه، دارالمکتبی، ۱۹۹۹ م.
– شحاد، حسام الدین، ا لاستنساخ، سوریه، مرکز العلم و السلام للدراسات والنشر، ۱۹۹۸ م.
– شریعت اصفهانی، فتح الله، قاعد لاضرر و لاضرار، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۷ ق.
– شریعتمداری، علی، روان شناسی تربیتی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۴ ش، چ هشتم.
تغییرجنسیت، ص: ۴۷۹
– صانعی، یوسف، مجمع المسائل، استفتاءآت، قم، میثم تمار، ۱۳۷۷ ش، چ سوم.
– صانعی، یوسف، استفتاءآت پزشکی، قم، میثم تمار، ۱۳۷۷ ش، چ دوم.
– الصدر، السید محمد، ماوراء الفقه، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۶ م.
– الصدر، السید محمد، منهج الصالحین، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۴۲ م.
– الصدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
– الصدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه، من لایحضره الفقیه، تهران، مکتب الصدوق، بی تا.
– صفایی، حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
– صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، حکمت، ۱۳۶۶ ش.
– طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، العرو الوثقی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۰۷ ق، چ سوم.
– طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
– الطبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرف، ۱۹۸۸ م.
– الطبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، تفسیر جوامع الجامع، تصحیح ابوالقاسم گرجی، قم و تهران، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش، چ سوم.
– الطبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان عن تفسیر آی القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دار ابن حزم و دار الاعلام، ۲۰۰۰ م.
– طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، چ دوم.
– الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی الفقه الامامی، تهران، المکتب المرتضوی لاحیاء آثار الجعفری، ۱۳۷۸ ق.

– الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

تغییرجنسیت، ص: ۴۸۰

– عبده، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م.

– عزیزی، فریدون و حسین نجفی لاریجانی، فقه و طب، مصادیق پزشکی فتاوی امام خمینی (ره)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش، چ سوم.

– عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۰ ش، چ سوم.

– عود، عبدالقادر، التشریع الجنائی الاسلامی فی المذاهب الخمس مقارناً بالقانون الوضعی، تهران، مؤسسه البعث، ۱۴۰۲ ق.

– الفاروقی، حارث سلیمان، المعجم القانون.

– فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، استفتاءآت، قم، امیر، ۱۳۷۷ ش.

– فاضل لنکرانی، محمد، النکاح، قم، مرکز فقه الائمه، ۱۴۲۱ ش.

– فتاحی، سید حسین، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلامی در پزشکی، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۰ ش.

– فتاحی، سید حسین، مجموعه مقالات و گفتارهای سومین سمینار دیدگاه‌های اسلامی در پزشکی.

– فرشتیان، حسن، نفقه زوجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.

– فقیه یوسف، یوسف بن احمد، تفسیر الثمرات الیانع و الاحکام الواضح القاطع، یمن، مکتب التراث الاسلامی، ۲۰۰۲ م.

– فیض، علیرضا و علی مهذب، ترجمه کتاب لمعه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

– فیض کاشانی، مولی حسن، الصافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۹ ق.

– القائنی، محمد، المبسوط فی المسائل الطبی، قم، مرکز فقه الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، ۱۴۲۲ ق.

– القاسمی، محمد جمال الدین، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۶ ق.

– القرضاوی، یوسف، الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقهٔ حسن محمد تقی الجواهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.

تغییرجنسیت، ص: ۴۸۱

– القرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، قاهره، دار الکاتب العربی، ۱۹۷۶ م.

– قضایی، صمد، پزشکی قانونی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

– القمی، عباس، سفین البحار و مدین الحکم و الآثار، تهران، فراهانی، بی تا.

– کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، مدرس، ۱۳۷۲ ش، چ دوم.

– کاهانی، علیرضا، اختلال هویت جنسی، دگر جنسیت جوها، تهران، تیمور زاده و طیب، ۱۳۸۱.

– الکلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۶۷ ش.

– کنگره پزشکی قانونی، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، تهران، پزشکی قانونی، ۱۳۸۳ ش.

– گواهی، زهرا، مبانی فقهی آراء خاص امام خمینی، تهران، عروج، ۱۳۸۲.

– گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۱۳۷۷ ش، دو جلدی.

– گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۱۳۷۰ ش.

– لاریجانی، باقر، پیوند اعضاء، تهران، برای فردا، ۱۳۸۲.

– المؤمن، محمد، کلمات سدید فی مسائل جدید، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.

- المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
- مجموعه من الفقهاء و الباحثین، قراءآت فقیه معاصر فی معطیات الطب الحدیث، بیروت، الغدیر، ۱۴۲۳ ق.
- المحسنی، محمد آصف، الفقه و المسائل الطبی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
- محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
- محمد کنعان، احمد، الموسوع الطیب الفقی، بیروت، دار النفاس، ۱۴۰۲ ق/ ۲۰۰۰ م.
- مختاری، محمد حسین و علی اصغر مرادی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، تهران، انجمن قلم ایران و مؤسسه پژوهشی ابن سینا، ۱۳۷۷.

تغییر جنسیت، ص: ۴۸۲

- مدنی تبریزی، سید یوسف، المسائل المستحدثه، قم، دفتر آیت‌الله مدنی، ۱۴۱۸ ق.
- مرکز جهانی علوم اسلامی، القواعد الفقهی، قم، مرکز جهانی، ۱۴۲۵ ق، چ دوم.
- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضائی در امور حقوقی، (نکاح)، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱ ش.
- مروج، حسن، اصطلاحات فقهی، قم، بخشایش، ۱۳۷۹.
- مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، قم، الهادی، ۱۳۷۷ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءآت جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرس الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۹ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، رسال احکام برای بانوان، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرس الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۰ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، الفتاوی الجدید، تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی و کاظم الخاقانی، قم، مدرس الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۷ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهی هام، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۰ ش.
- منتظری، حسین علی، رساله استفتاءآت، قم، سایه، ۱۳۸۳.
- منتظری، حسین علی، احکام پزشکی، قم، سایه، ۱۳۸۱ ش.
- منتظری، حسین علی، دراسات فی المکاسب الحرام، قم، مکتب منتظری، ۱۴۱۷ ق.
- معلوف، لوئیس، المنجد، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش، چ سوم.
- مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۲۰۰۴ م/ ۱۴۲۵ ق.
- المقداد، جمال الدین، کنز العرفان فی فق القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۹ ش.
- المطهری، احمد، مستند تحریر الوسیل (المسائل المستحدثه)، قم، خیام، ۱۴۰۳ ق.
- موحدیان، غلامرضا، حقوق و روابط مالی زوجین، تهران: نگاه بینه، ۱۳۸۴ ش)
- الموسوی البجنوردی، السید میرزا حسن، القواعد الفقهی، قم مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۱ ش ۱۴۱۳ ق
تغییر جنسیت، ص: ۴۸۳
- الموسوی، ابی القاسم علی بن الحسین (سید مرتضی عالم الهدی)، الانتصار فی انفرادات الامامی، نجف، حیدریه، ۱۳۹۱ ق
- موسوی سید عبدالکریم، استفتاءآت، تهران، نجات، ۱۳۷۷

- النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، بی تا.
- نجم الدین ابی حفص عمر بن محمد الحنفی، طلب الطلب فی اصطلاحات الفقهی، بیروت، دارالکتب العلمی، ۱۴۱۸ ق.
- النوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۹۸۷ م
- نوری همدانی، حسین؛ هزار و یک مسأله فقهی (مجموعه استفتاءآت)، (قم: مهدی موعود، ۱۳۸۳، چ دوم).
- نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه فردوسی مشهد، اسلام و فمینیسم (مجموعه مقالات)، تهران دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱ ش
- نیکخو، محمد رضا، زندگی جنسی مردان، تهران، سخن، ۱۳۸۰، چ دوم.
- نیکخو، محمد رضا، زندگی جنسی زنان، تهران، سخن، ۱۳۸۰.

ب) مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها (فارسی و عربی)

- آرمان، شقایق، آنها

Ts

هستند، یعنی دو جنسه، تپش، آبان ۱۳۸۳.
- آرمان، شقایق، ماریا را بیشتر دوست دارم، تپش، سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۴.
- آذر، ماهیار و دیگران، اختلال عملکرد جنسی و وضعیت روانی در زنان، اندیشه و رفتار، سال ۹، ش ۲، پاییز ۱۳۸۲.
- ابراهیم، محسن، ملاحظات جنسی در معاینات پزشکی، مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی مقدس، ج ۲، ص ۸۸- ۹۰.
- آزادی عمل جراحی تغییر جنسیت در ایران، ۵ آگوست ۲۰۰۵.
(www .Niksalehi .com)

تغییرجنسیت، ص: ۴۸۴

- اصفهانی، محمد مهدی، بررسی محدوده اضطرار، مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی، ج ۲، ص ۱۰- ۱۹.
- اعتماد مقدم، مجتبی، من یک زنم، همیشه یک زن بودم، تپش، ش ۵۱، سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۸۴.
- امینی، ابراهیم، مشکلات فقهی در معاینات پزشکی و راه حل ها، مجموعه مقالات اولین کنگره انطباق امور پزشکی، ج ۱، ص ۱۴۸- ۱۵۸.
- باریک لو، علیرضا، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه‌های حقوقی، سال ۱، ش ۵ (۱۳۸۲).
- باریک لو، علیرضا، آثار حقوقی تغییر جنسیت، فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس، سال ۱۳۸۳.
- بازداشت دختری که می‌خواهد پسر باشد، سپاس (هفته نامه)، ش ۱۵۶، ۲۵/ ۲/ ۱۳۸۴.
- بلوری، محمد، اجازه قانونی در دادگاه‌ها برای تغییر جنسیت، آوای آبی، (هفته نامه)، شنبه ۲۸ خرداد ۸۴.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، بحث فقهی دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۹- ۸۰.
- پرسش هایی در فقه و دانش پزشکی، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، ش ۸.
- تغییر جنسیت یافتگان در تهران، مترجم: ساغر اسدزاده، مصاحبه خبرنگار مجله پاری ماچ فرانسه با دکتر بهرام میر جلالی، نوامبر ۲۰۰۳.
- تقوی، رحیم، چگونگی مسایل شرعی در دو جنسی‌ها پس از اقدامات در مانی مناسب، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۵- ۷۷؛ ص ۹۰- ۹۲.

– تقی زاده، فرشید و حسین زمانی، ترانس سکشوالیم (Transsexualime) ، یادداشت کوتاه ارسالی برای نویسنده.

تغییرجنسیت، ص: ۴۸۵

– تلاش انجمن دوجنسیتی‌های آمریکا، ۱۳/ ۲/ ۱۳۸۴
(www .Shargh NewsPaPer .ir) .
– تهران پایتخت تغییر جنسیت، سه شنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۴
(www .HAMEDAN TEBYAN .IR) .
– جلالی فراهانی، احمد، مهرداد می‌خواهد شیدا شود، شرق، ۱۸/ ۱/ ۱۳۸۳.
– جنسیت و المپیک، شرق، ش ۲۴۶، شنبه، ۳ مرداد ۱۳۸۳.
– جنسیت پنهان، اعتماد، ۱۲ تیر ۱۳۸۴.
– چه بلایی سر خودم آوردم (تغییر جنسیت)، راه زندگی، ش ۱۶۱، ص ۱۳.
– حجتی کرمانی، محمد جواد، بحث فقهی درباره دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۸– ۸۹.
– حسن‌زاده نظر آبادی، محمد، هرمافرودیسم حقیقی (دو جنسی)، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۱، ص ۴۷۱– ۴۷۲.
– حسن زاده نظر آبادی، محمد، علل به وجود آمدن دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۳– ۷۵.
– خالدی، حمید رضا، گفت و گو با اولین کسی که بعد از انقلاب مجوز تغییر جنسیت گرفت، اعتماد، اردیبهشت ۱۳۸۴.
– خرازی، سید محسن، بحث فقهی دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۳– ۸۴؛ ص ۸۸– ۸۹.
– خرازی، سید محسن، تغییر جنسیت، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، سال ۶، ش ۲۳ (۱۳۷۹).
– خرازی، سید محسن، تغییر الجنسی، فقه اهل بیت علیهم السلام، عربی، سال ۴، ش ۱۳ (۱۴۲۰ ق).
– خرازی، سید محسن، تغییر الجنسی، قراءآت فقهی معاصر فی معطیات الطب الحدیث (مجموعه مقالات)، بیروت، الغدیر، ۱۴۲۳ ق.

تغییرجنسیت، ص: ۴۸۶

– خرازی، سید محسن، کنترل جمعیت و عقیم سازی، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، ش ۲۱.
– خاکسار، الهام، غریبه‌های عالم خلقت، زنان، ش ۱۲۴.
– خورسندیان، محمد علی، اختلالات جنسی و بررسی آثار آن در حقوق خانواده، پزشکی قانون، سال ۱۰، ش ۳۵ (۱۳۸۲).
– دختر ۱۷ ساله‌ای پسر شد، اعتماد، ش ۷۹۵۷، ۸/ ۴/ ۱۳۸۳.
– درخواست تغییر جنسیت ۲۰۰ مرد در ایران، سپاس (هفته نامه) ش ۱۵۷، یکشنبه ۱/ ۳/ ۱۳۸۴.
– دلشاد، صلاح الدین، درمان جراحی ابهام جنسی در سی مورد ارجاع شده به بیمارستان حضرت علی اصغر (ع)، پزشکی قانونی، سال ۶، ش ۲۰ (۱۳۷۹).
– دو جنسی ها، همیشه منتظرم، راه زندگی، ش ۱۷۴.
– دیانی، عبدالرسول، حقوق اخلاق پزشکی و اصلاح جنسیت، دادرسی، ش ۲۹ (۱۳۸۰).
– دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی درباره تغییر جنسیت، رسالت، ۲/ ۸/ ۱۳۸۴.

– دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی درباره تغییر جنسیت، گزیده جراید (جامعه مدرسین) ش ۳۷۴، ۴/ ۸/ ۱۳۸۴.
– رزاقی، درباره خنثای مشکل، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۹۱.
– رشیدیان، محمد رضا، اثرات سوء اخلاقی و روانی معاینه بیمار توسط افراد غیر همگن، مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی مقدس، ج ۱، ص ۹۶– ۹۷.
– رمضان‌پور، الهه؛ ابهام در جنسیت، گلشن مهر (هفته‌نامه)، ش ۴۲۸، شنبه ۴ آذرماه ۱۳۸۵.
– رمضان زاده، فاطمه، راهی بی بازگشت، اعتماد، ۳۰ خرداد ۱۳۸۴.
تغییرجنسیت، ص: ۴۸۷
– سبحانی، جعفر، تطبیق امور پزشکی با شریعت مقدسهٔ اسلام، جایگاهی بزرگ و مسؤولیتی بزرگ‌تر، مجموعه مقالات اولین کنگره انطباق امور پزشکی با موازین شرعی، ج ۱، ص ۱۴۲– ۱۴۵.
– سیدی علوی، قدسیه، دو جنسی‌ها و بیماری‌های کروموزومی، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸– ۷۹.
– سفر به اروپا برای تغییر جنسیت، دوستان، ش ۲۸۳، شنبه ۱۷ اردیبهشت ۸۴.
– شهریاری، معصومه، تغییر جنسیت تیر آخر، شرق، بهمن ۱۳۸۲.
– شوهر من یک زن است، اعتماد، ش ۸۲۳، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.
– صابری، مهدی، برخوردها معقولانه‌تر شده، اعتماد، ش ۸۲۳، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.
– صانعی، یوسف، نظرات فقهی آیت‌الله صانعی در مورد مسائل دوجنسی ها، مجموعه مقالات دومین همایش دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۸– ۷۸۹.
– طرزی، عبدالرضا، تغییر جنسیت و سخنی با مسئولین بهزیستی، (گزارش کوتاه).
– طیرانی، اعظم؛ وقتی روح با جسم همخوانی ندارد، قدس، دوشنبه ۲۰ آذر ۱۳۸۵.
– ظهیر الدین، علی رضا و دیگران، روان درمانی موفقیت آمیز چهار مورد اختلال هویت جنسی، پزشکی قانونی، ش ۳۷ (بهار ۸۴).
– عباس پور تمیجانی، زهرا، ابهام دستگاه تناسلی در نوزادان، شرق، ش ۲۳۲، دوشنبه ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۳.
– عطار، حمید رضا و مریم رسولیان، تشخیص اولیه هویت جنسی، اندیشه و رفتار، ش ۳ (۱۳۸۲).
– غروی، نازنین، تلاش انجمن دو جنسیتی‌های آمریکا، شرق، اسفند ۱۳۸۳.
– فراهانی، الهه، اسم آن زن ابراهیم بود، اعتماد، ش ۸۲۳، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.
– فرح بخش، حامد و فاطمه علی پور، دو جنسی ها، می‌خواهم مثل بقیه زندگی کنم، تپش، ش ۱۲۱۱، چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۳.
تغییرجنسیت، ص: ۴۸۸
– فدایی، فرید، ناهنجاری جنسیتی، تپش، ش ۱۲۱۱، چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۳.
– فرزاد نیستم، می‌خواهم عسل باشم (دوجنسی)، راه زندگی، ش ۱۷۱.
– فرید حسینی، سیدرضا، حکم اسلام درباره هم جنس گرایی و رابطه آن با بیماری ایدز، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۱، ص ۴۶۷– ۴۶۸.
– قاری سید فاطمی، سید محمد، بیوتکنولوژی در آیینه فلسفه اخلاق، فصلنامه باروری و ناباوری، پاییز ۱۳۸۱.
– قاری سید فاطمی، سید محمد، رضایت مکنون، فصلنامه باروری و ناباوری، پاییز ۱۳۷۹.
– کاهانی، علیرضا، جراحی، درمان قطعی نیست، اعتماد، ش ۸۲۳، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.

- کریمی‌نیا، محمد مهدی، بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، معرفت، ش ۳۶ (۱۳۷۹).

- کریمی‌نیا، محمد مهدی، تغییر جنسیت، اعتماد، ش ۸۲۳، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.

- گزارش ناتمام جنسیت غیر رسمی، اعتماد، ۲۴ خرداد ۱۳۸۲.

- لطف علی‌زاده، چند پرسش درباره دو جنسی‌ها، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۴- ۸۵.

- مؤمن، محمد، سخنی درباره تغییر جنسیت، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، سال ۲، ش ۷ (۱۳۷۵).

- ماجرای تغییر جنسیت مریم ملک آرا (فریدون سابق)، اعتماد، یکشنبه ۱۸/ ۲/ ۱۳۸۴.

- مردانی که مرد نیستند، آفتاب، ۱۴ فروردین ۱۳۸۵.

- مردی که زن شد، همشهری، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴.

- مرعشی، سید حسن، بحث فقهی دو جنسی‌ها و خنثی، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۲- ۸۳؛ ص ۹۰- ۹۲.

تغییرجنسیت، ص: ۴۸۹

- مریم ناز پسری که از من اخاذی می‌کرد، راه زندگی، ش ۱۶۸.

- مکارم شیرازی، ناصر، نظرات فقهی آیت‌الله مکارم شیرازی پیرامون مسائل مربوط به تغییر جنسیت، مجموعه مقالات و دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۶- ۷۸۷.

- معتمدی، مشکلات تغییر جنسیت گراها، ایران، ۱۸ خرداد، ۱۳۸۴.

- ملائکه، علی، در پوست خود نمی‌گنجد، درباره بیماران روان دگر جنسی، شرق، ش ۲۴۶، شنبه ۳ مرداد ۸۳.

- من فرشته قبلا فرشاد بودم، راه زندگی، ش ۱۶۶.

- موافقت کویت با تغییر جنسیت یک مرد، شرق، ش ۷۰۵۵، ۹/ ۲/ ۸۳.

- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، پاسخ به پرسش‌های تغییر جنسیت، مجموعه مقالات اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۲- ۷۸۵.

- میر اسکندری، لاله، روال قانونی برای حل یک مشکل، همشهری، ش ۳۴۰۹، چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۳.

- میرجلالی، بهرام، بیماری ترانسکوالیته (روان دگرجنسی) را بهتر بشناسیم، یادداشت کوتاه.

- میر جلالی، بهرام، ما از اروپا و آمریکا جلوتریم، اعتماد، ش ۸۲۳، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.

- نامزدی اینترنتی (تغییر جنسیت)، راه زندگی، ش ۱۷۰.

- نصیری، الهام، غریبه‌های عالم خلقت، زنان، ش ۱۲۴، شهریور ۱۳۸۴.

- نیلی، هادی، نوری در انتهای جاده (فتوای علمای مذهبی درباره تغییر جنسیت)، خردنامه (ضمیمه همشهری)، ش ۶۱، ۱۹ مرداد ۱۳۸۴.

- وقتی شوهرم فهمید تغییر جنسیت داده ام، راه زندگی، ش ۱۶۵.

- هریسون، فرانسیس، گزارش BBC از عمل تغییر جنسیت در ایران، تپش، ش ۵۱، سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۸۴.

تغییرجنسیت، ص: ۴۹۰

- هادوی تهرانی، مهدی، بحث فقهی دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰- ۸۲، ۸۵- ۸۶، ۹۳- ۹۴.

- هانت، پاملا، تاریخچه کوتاه تغییر جنسیت در انگلستان، ترجمه محمد جواد شمس علی، (یادداشت کوتاه).

- هارولد، کاپلان و سادوک بنیامین، خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، تهران، شهر آب، ۱۳۷۹ ش.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائر المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲.

- هاشمی نیک، سارا، روزی که زن شدم، همشهری جوان (هفته نامه)، ش ۵۹، ۶ اسفند ۸۴.

ج) پایان‌نامه‌ها

- بهشتی، سید مهدی، بررسی احکام و آثار تغییر جنسیت در فقه و حقوق موضوعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه قم، ۱۳۸۵.

- سر چشمه پور، زهرا، بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.

- شایان، لیلا، بررسی فقدان والدین بر نشانگان اختلال هویت جنسی، پایان نامه کارشناسی، گلپایگان، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴.

- کوچکچیان زلبوا، زینب، بررسی وضعیت و مشکلات ناراضیان جنسی، پایان نامه کارشناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

تغییرجنسیت، ص: ۴۹۱

ضمیمه ۸ تصاویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۹۳

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۹۴

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۹۵

نمایش تصویر

تغییرجنسیت، ص: ۴۹۶

نمایش تصویر

[۶۸۱]

[۱] (۱).Transsexualisme.

[۲] (۱). اصل چهارم قانون اساسی:« کلیـهٔ قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

هم چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل یکصد و شصت و هفتم درباره وظیفه قاضی می گوید:« قاضی موظف است کوشش کنـد حکم هر دعوا در قوانین مـدوّنه بیابـد و اگر نیابـد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

[۳] (۱)Hermaferodit..

[۴] (۱).Transsexual

[۵] (۲). پروفسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت در ایران.

[۶] (۳). بهرام میرجلالی، بیماری ترانسکسوالیته را بهتر بشناسیم(روان اگر جنسی)، یادداشت کوتاه، ص ۱.

[۷] (۱). امام خمینی در مقدمهٔ تحریرالوسیله چنین می گوید:« این جانب قبلًا حاشیه‌ای بر کتاب« وسیلهٔ النجاهٔ» مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نوشته بودم، ولی زمانی که از شهر قم به خاطر رویدادهای غم‌انگیزی که برای اسلام و مسلمین پیش آمد- که شاید تاریخ آن ها را ضبط کند- در اواخر ماه جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ ق.[۱۳۴۲ ش.] به« بورسا» از شهرهای ترکیه تبعید شدم، و تحت نظر و مراقبت، فارغ البال بودم، تصمیم گرفتم به منظور سهولت استفاده، آن حاشیه را در متن کتاب مذکور مندرج نمایم، و اگر خدای تعالی توفیق دهد مسائل دیگری را هم که زیاد مورد ابتلا است به آن بیفزایم ...»

[۸] (۱). لوئیس معلوف؛ المنجد، ص ۵۶۳.

[۹] (۱). سید شریف علی بن محمد جرجانی؛ کتاب التعریفات، ص ۲۸.

[۱۰] (۲). حسن عمید؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۵۳۹.

[۱۱] (۳). لوئیس معلوف؛ پیشین، ص ۱۰۵.

[۱۲] (۴). حسن عمید؛ پیشین، ج ۱، ص ۷۰۶.

[۱۳] (۱). ر. ک: دکتر جمیل صلیبا؛ فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، ص ۲۸۹؛ حسن عمید؛ فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۰۶؛ عباس آریان پور و منوچهر آریان پور؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیس به فارسی، ج ۲، ص ۲۰۱۲.

[۱۴] (۲). عباس آریان پور و منوچهر آریان پور، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۱۲.

[۱۵] (۳).Hermaterodit.

[۱۶] (۱).Transsexual.

[۱۷] (۱). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۳:« العنوانُ بِمفهومِهِ اللغوی بَیِّنٌ و الغرض بیان حکم انْ یُغَیّرَ الرجُل فَیجَعَل إمرأهً، او تَغَیَّر المرأهُ فَتَجعَلَ رجلًا ....»

[۱۸] (۲). محمد آصف محسنی؛ الفقه و المسائل الطبیه، ج ۱، ص ۱۱۱:« تحویل الذَکر إلی انثی أو العکس، وفی الأوّل یجری استئصال العضو الذکری وبناء مهبل و عملیهٔ خصاء وتکبیر ثدیین. وفی الحالهٔ الثانیهٔ استئصال الثدیین وبنا عضو ذکری وإلغاء القناهٔ التناسلیهٔ الانثویهٔ بدرجات متفاوتهٔ، ویصحب کل ذلک علاج نفسی وهرمونی».

[۱۹] (۳). محمد صدر؛ ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳:« تبدیل الجنس قد یحصل بطرق الجراحهٔ الطبیهٔ الحدیثهٔ امکان ان یتحول الرجل

إلی إمراهٔ[و] ان تتحول امرأهٔ إلی رجل و هو الذی سمیناه بتبدیل الجنس فی العنوان».

[۲۰] (۱). محمد صدر؛ منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲:« تبدیل الجنس و نرید به هنا تحویل فرد نفسه من الذکوره إلی الانوثه أو بالعکس».

[۲۱] (۲). یوسف صانعی؛ استفاءآت پزشکی، ص ۹۲.

[۲۲] (۳). ناصر مکارم شیرازی؛ استفتاءات جدید، به کوشش ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۲، ص ۶۱۸.

[۲۳] (۴). یوسف مدنی تبریزی؛ المسائل المستحدثهٔ، ج ۱، ص ۴۳.

[۲۴] (۱). ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲.

[۲۵] (۱). Transsexual.

[۲۶] (۱). ر. ک: مردی که زن شد، روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴. گزارش کامل این خبر را در ضمیمه ملاحظه کنید.

[۲۷] (۲). همان.

[۲۸] (۱). همان.

[۲۹] (۲). همان.

[۳۰] (۱). پامِلا هانت، تاریخچه کوتاه تغییر جنسیت در انگلستان؛ این مقاله توسط خانم پامِلا هانت، از طریق ایمیل از لندن، برای نگارنده ارسال شده است، گزارش کامل آن را در بخش ضمائم ملاحظه فرمایید.

[۳۱] (۱). علی رضا باریک‌لو، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه‌های حقوقی، ش ۵(۱۳۸۲)، ص ۶۴- ۶۵؛ حمیدرضا عطار و مریم رسولیان، تشخیص اولیه هویت جنسی، اندیشه و رفتار، ش ۳(۱۳۸۲)، ص ۷.

[۳۲] (۲). علی رضا باریک‌لو، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه‌های حقوقی، سال ۱، ش ۵(۱۳۸۲)، ص ۶۶- ۶۸.

[۳۳] (۱). سید حسین صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۴۵.

[۳۴] (۱). عبدالکریم بی‌آزار شیرازی؛ رساله نوین، ج ۳، ص ۲۷۷.

[۳۵] (۲). به بخش ضمائم مراجعه فرمایید.

[۳۶] (۱). بهرام میرجلالی؛ بیماری ترانسکسوالیته را بیشتر بشناسیم(روان دگر جنسی)، یادداشت کوتاه، ص ۲.

[۳۷] (۲). فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ص ۶۱۲.

[۳۸] (۱). J .nagler.

[۳۹] (۲). ر. ک: زهرا سرچشمه پور، بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴، ص ۴۲- ۴۴.

[۴۰] (۱). سایت اینترنتی روزنامه همشهری به آدرس:

/www. Hamshahri. Net/ news/? Id

k-.

[۴۱] (۲). شبکه خبر تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، پنج شنبه ۳۰/ ۱/ ۱۳۸۶، ساعت ۱۷.

[۴۲] (۱). Transsexual.

[۴۳] (۲). Gender Identity.

[۴۴] (۳). فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۱۸.

[۴۵] (۱). کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ترجمه پورافکاری، ج ۲، ص ۳۸۱.

[۴۶] (۲). محمدرضا نیکخو، زندگی جنسی مردان، ص ۲۱۳؛ شایسته جهان فر و میترا مولایی نژاد؛ درس نامه اختلالات جنسی، ص ۱۰۶.

[۴۷] (۳).Gender Rolo .

[۴۸] (۴).Sexual orientation .

[۴۹] (۵). کاپلان هارولد، سادوک بنیامین، خلاصه روان پزشکی، ص ۳۸۱.

[۵۰] (۱).Sexual drive .

[۵۱] (۲). احمد محمد کنعانی، الموسوعهٔ الطبیهٔ الفقهیهٔ، ص ۲۸۱.

[۵۲] (۳). یوسف(۱۲)، آیه ۳۳.

[۵۳] (۱). شیخ صدوق، خصال، ص ۱۶۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ص ۱۴۴.

[۵۴] (۲). ابن حجر، فتح الباری، ج ۲، ص ۹۰؛ سیوطی، الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۳۸۰؛ بیهقی، السنن، ج ۷، ص ۷۷.

[۵۵] (۱). احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیه الفقهیه، ص ۲۸۳.

[۵۶] (۲). شیخ صدوق، خصال، ص ۶۳۷؛ تحف‌العقول، ص ۱۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۵.

[۵۷] (۳). محی‌الدین النووی، المجموع، ج ۶، ص ۲۴۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۴، حدیث ۱۰.

[۵۸] (۱). مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳، ج ۲۱؛ نیز شبیه این روایت نگاه کنید به: کافی، ج ۴، ص ۱۸۰، حدیث ۲؛ و ج ۵، ص ۳۳۰، حدیث ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۱۰، حدیث ۱؛ روضه الواعظین نیشابوری، ص ۳۷۴.

[۵۹] (۲). مطالب این قسمت با استفاده از جزوه دست نویس آقایان دکتر فرشید تقی زاده(روان پزشک) و حسین زمانی تکنیسین اتاق عمل(جراحی تغییر جنسیت) است که تحت عنوان:« Transsexual » تنظیم شده است.

[۶۰] (۳).schizopronia .

[۶۱] (۱).Biologic Factors

[۶۲] (۲).Genetics

[۶۳] (۳).Hermonal Effects

[۶۴] (۴).Sexuel Role .

[۶۵] (۱).Transsexualim .

[۶۶] (۲). صمد قضایی، پزشکی قانونی، ص ۵۶۸.

[۶۷] (۱).Schizopronia .

[۶۸] (۲). فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۱۹.

[۶۹] (۳).Hermafrodit .

[۷۰] (۱). عبدالرسول دیانی؛« حقوق اخلاقی پزشکی(بیواتیک) و اصلاح جنسیت»، مجله دادرسی، ش ۲۹(آذرودی ۱۳۸۰)، ص ۱۰.

[۷۱] (۲). زینب کوچکیان زلبوا؛ بررسی وضعیت ومشکلات ناراضیان جنسی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱.

[۷۲] (۳). علی‌رضا کاهانی؛ اختلال هویت جنسی، دگر جنسیت جوها.

[۷۳] (۴). بهرام میرجلالی؛ بیماری روان دگر جنسی را بهتر بشناسیم(یادداشت کوتاه).

[۷۴] (۵). عباس آریان پورکاشانی و منوچهر آریان پورکاشانی؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیسی- فارسی، دوره دو جلدی، ج ۲، ص ۲۳۵۲.

[۷۵] (۱). Sex of rearing.

[۷۶] (۲). Assigned sex.

[۷۷] (۱). کاپلان‌ها رولد، سادوک بنیامین، خلاصه روان پزشکی، ج ۲، ص ۳۸۳ ۳۸۲.

[۷۸] (۱). پیشین، ص ۳۸۲- ۳۸۳.

[۷۹] (۲). دکتر علی رضا کاهانی: اختلال هویت جنسی، دگر جنسیت‌جوها، ص ۲۹.

[۸۰] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

[۸۱] (۱). دکتر صمد قضایی؛ پزشکی قانونی، ص ۵۶۸- ۵۶۹.

[۸۲] (۲). فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۹۴.

[۸۳] (۳). Krieger.

[۸۴] (۴). همان، ج ۲، ص ۱۲۹۴.

[۸۵] (۵). همان، ج ۲، ص ۱۲۹۴.

[۸۶] (۱). Transsexual

[۸۷] (۱). سید هادی معتمدی؛ خبرگزاری مهر، ۲۹/ ۸/ ۱۳۸۳(MEHRNEWS .COM).

[۸۸] (۲). کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ص ۳۸۵.

[۸۹] (۱). محمد رضا نیکخو؛ زندگی جنسی مردان، ص ۲۱۳- ۲۱۹.

[۹۰] (۲). همان.

[۹۱] (۱). دکتر علی رضا کاهانی؛ اختلال هویت جنسی، ص ۷۴- ۷۵.

[۹۲] (۲). کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ص ۳۸۵.

[۹۳] (۱). فرامرز گودرزی؛ پزشکی قانونی، چاپ ۱۳۷۰، ص ۶۱۳- ۶۱۴.

[۹۴] (۱). بهرام میرجلالی، بیماری ترانسکسو الیته را بهتر بشناسیم(روان دگر جنسی)، یادداشت کوتاه ص ۱.

[۹۵] (۲). کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پورافکاری، ص ۳۸۵؛ دکتر حمیدرضا عطار و مریم رسولیان،« تشخیص اولیه اختلال هویت جنسی، گزارش موردی»، فصلنامه اندیشه و رفتار، ش ۳(زمستان ۸۲)، ص ۶.

[۹۶] (۳). صمد قضایی؛ پزشکی قانونی، ص ۵۶۸.

[۹۷] (۴). مقاله:« تغییر جنسیت، پدیده قرن ۲۱ در ایران و جهان»، سایت:(۲۸/ ۱۰/ ۲۰۰۵) www. persian tools forums htm

[۹۸] (۱). علی رضا کاهانی، اختلاف هویت جنسی، دگر جنسیت‌جوها، ص ۴۶.

[۹۹] (۲). احمد جلالی فراهانی،« مهرداد می‌خواهد شیدا شود»، روزنامه ایران، ۱۸/ ۱/ ۱۳۸۳.

[۱۰۰] (۱). خبرگزاری مهر، ۳۱/ ۵/ ۸۴.

[۱۰۱] (۱). هارولد کاپلان، بنیامین ساداک؛ خلاصه روان پزشکی، ص ۳۸۹.

[۱۰۲] (۱). Matrix, Green R, Mars I -

:cols D. Adult gender identity disorder can remit, p

.-

بـه نقـل از: علی‌رض-ا ظه- یرالـدین و دی- گران؛« روان درم- انی مـوفقیت آمی- ز چه- ار مـورد اختلاـل هـویت جنسـی»، مجله پزشکی قانونی، ش ۳۷(بهار ۱۳۸۴)، ص ۳۹- ۴۰.

[۱۰۳] (۲)

:Meyenburg B. Gender, Identity disorder in adolescence: out come of psychotherapy, p .

.-

به نقل از: علی رضا ظهیر الدین و دیگران؛ پیشین، ص ۴۰.

[۱۰۴] (۱). فرامرز گودرزی؛ پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۹۳- ۱۲۹۴.

[۱۰۵] (۲). کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، ص ۳۹۰.

[۱۰۶] (۱). همان، ص ۳۹۰.

[۱۰۷] (۲). بهرام میرجلالی؛ بیماری ترانس سکسوالیته را بیش‌تر بشناسیم(روان دگر جنسی)،(یادداشت کوتاه)، ص ۲.

[۱۰۸] (۱). علی‌رضا باریک‌لو؛« وضعیت تغییر جنسیت»، اندیشه‌های حقوقی، ش ۵(زمستان ۸۲)، ص ۶۹.

[۱۰۹] (۱). علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷؛ حسن انوری، فرهنگ سخن، ج ۴، ص ۲۸۳۱.

[۱۱۰] (۲).Hermafrodit .

[۱۱۱] (۱).Chromosome .

[۱۱۲] (۲).Sex choromosome .

[۱۱۳] (۳).Autosome .

[۱۱۴] (۴). نهاد نماینـدگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فردوسـی مشـهد، اسـلام و فمینیسم(مجموعه مقالات)، ج ۱، ص ۲۷۲- ۲۷۳.

[۱۱۵] (۱).Wolff .

[۱۱۶] (۲).Muller .

[۱۱۷] (۳). محمـد حسـن‌زاده نظرآبـادی،« هرمـافرودیسم حقیقی(دو جنسـی)»، مجمـوعه مقالاـت سـمینار دیـدگاه‌های اسـلام در پزشکی، به کوشش سید حسین فتاحی معصوم، ج ۲، ص ۷۳- ۷۴.

[۱۱۸] (۴). صمد قضایی، پزشکی قانونی، ص ۵۶۱.

[۱۱۹] (۵). شریف علی بن محمد جرجانی، التعریفات، ص ۴۵.

[۱۲۰] (۶). سعدی ابوجیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً، ص ۱۲۴.

[۱۲۱] (۱). همان، ص ۱۲۴.

[۱۲۲] (۲). حسن انوری، فرهنگ سخن، ج ۴، ص ۲۸۳۱.

[۱۲۳] (۳). حسن انوری، فرهنگ سخن، ج ۴، ص ۲۸۳۱؛ علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷.

[۱۲۴] (۱). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۲؛ محمدحسین مختاری و علی‌اصغر مرادی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۷۷.

[۱۲۵] (۲). جِرجِس جرجس، معجم المصطلحات الفقهیة و القانونیة، ص ۱۵۴:« الخنثی مَن یَجمعُ فی تکوینه الجسد بینَ الذُکورةِ و الانوثَة».

[۱۲۶] (۳). همان، ص ۱۵۴:« وفی علم النبات، الخنثی هی زهره تحمل اعضاء الذکورهٔ والانوثهٔ، واکثر ما تطلق هذه العبارهٔ علی الشخص، أکان انثی او ذکراً، الذی یحمل صفات جنسیهٔ ظاهرهٔ من الجنس الاخر وهذا ما یسمی بالخنوثهٔ الکاذبهٔ».

[۱۲۷] (۴). فخر المحققین، تبصرهٔ المتعلمین فی احکام الدین، ص ۱۷۷.

[۱۲۸] (۱). علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیهٔ علی مذهب الامامیهٔ، ج ۲، ص ۱۷۴.

[۱۲۹] (۲). امام خمینی، تحریر الوسیلهٔ، ج ۲، ص ۳۹۹، کتاب الارث.

[۱۳۰] (۳). محمد حسین مختاری و علی اصغر مرادی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۱۷۸.

[۱۳۱] (۴). علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷.

[۱۳۲] (۵). دکتر سید محمد حسینی، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص ۲۰۸.

[۱۳۳] (۱). شریف علی بن محمد جرجانی، التعریفات، حرف خاء، واژه خنثی؛ سعدی ابوجیب، القاموس الفقهی لغه و اصطلاحاً، ص ۱۲۴:« الخنثی فی الشریعهٔ شخص له آلتا الرجال و النساء اولیس له شئٌ منها اصلًا».

[۱۳۴] (۲). محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۴:« انّ الخنثی هو الانسان الّذی یجمع بین عورتی الرجل و المرأهٔ، او تنعدم لدیه کلتا العورتین».

[۱۳۵] (۱). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۶، ابواب میراث الخنثی، باب ۲، حدیث ۵:« إنّ شریحا القاضی بینما هو فی مجلس القضاء إذا أتته امرأهٔ فقالت: أیها القاضی اقض بینی و بین خصمی، فقال لها: ومن خصمک؟ قالت: أنت، قال: افرجوا لها، فدخلت. فقال لها: ما ظُلّامتک؟ فقالت: إنّ لی ما للّرجال و ما للنساء، قال شریح: فإنّ امیرالمؤمنین علیه‌السلام یقضی علی المبال، قالت: فإنّی أبول بهما جمیعاً و یسکنان معاً، قال شریح: و الله ما سمعت بأعجب من هذا، قالت: و أعجب من هذا، قال: و ما هو؟ قالت: جامعنی زوجی فولدتُ منه، و جامعت جاریتی فولدتْ منی. فضرب شریح إحدی یدیه علی الاخری متعجباً!

ثم جاء إلی امیرالمؤمنین علیه‌السلام فقال: یا امیرالمؤمنین لقد ورد علیّ شئ ما سمعت بأعجب منه، ثمّ قصّ علیه قصّهٔ المرأهٔ، فسألها امیرالمؤمنین علیه‌السلام عن ذلک فقالت: هو کما ذکر، فقال لها: و من زوجک؟ قالت: فلان. فبعث إلیه فدعاه، فقال: أتعرف هذه؟ قال: نعم هی زوجتی، فسأله عمّا قالت. فقال: هو کذلک، فقال له أمیرالمؤمنین علیه‌السلام: لأنت أجرأ من راکب الأسد، حیث تقدم علیه بهذه الحال.

ثمّ قال: یا قنبر أدخلها بیتاً مع امرأهٔ تعدّ أضلاعها، فقال زوجها: یا أمیرالمؤمنین لا آمن علیها رجلًا و لا ائتمن علیها امرأهٔ.

فقال أمیرالمومنین علیه‌السلام: علیّ بدینار الخصّی- و کان من صالحی الکوفهٔ و کان یثق به- فقال له: یا دینار أدخلها بیتاً، و عرّها من ثیابها، و مرها أن تشدّ مئزراً و عدّ اضلاعها. ففعل دینّار ذلک، و کان أضلاعها سبعهٔ عشر تسعهٔ فی الیمین و ثمانیهٔ فی الیسار. فألبسها علیه‌السلام ثیاب الرجال و القلنسوهٔ و النعلین و ألقی علیها الرداء و ألحقه بالرجال.

فقال زوجها: یا امیرالمؤمنین بنت عمی و قد ولدت منّی تلحقها بالرجال؟ فقال: انّی حکمت علیها بحکم الله، انّ الله تبارک و تعالی خلق حوّاء من ضلع آدم الایسر الأقصی و أضلاع الرجال تنقص و أضلاع النساء تمام.»

[۱۳۶] (۱). محمد باقر مجلسی، روضهٔ المتقین، ج ۱۱، ص ۳۶۴.

[۱۳۷] (۲). همان، ج ۱۱، ص ۳۶۴.

[۱۳۸] (۳). شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۳۵۴، حدیث ۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ۵۷۵، ابواب میراث خنثی، باب ۲، حدیث ۳.

[۱۳۹] (۱). محمد بن محمد(شیخ مفید)، ارشاد، ج ۱، ص ۲۱۳.

[۱۴۰] (۲). به نقل از: میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیهٔ، ج ۲، ص ۵۹.

[۱۴۱] (۳). به نقل از: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۸۳- ۲۸۴.

[۱۴۲] (۴). به نقل از: روح‌الله خمینی، تحریرالوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۲۳۴- ۲۳۵.

[۱۴۳] (۵). به نقل از: علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳.

[۱۴۴] (۶). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۸۵- ۲۸۶.

[۱۴۵] (۷). محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدهٔ فی مسائل جدیدهٔ، ص ۱۰۷؛ مجله فقه اهل‌بیت(فارسی)، سال ۲(پاییز ۷۵)، ش ۷، ص ۹۴.

[۱۴۶] (۱). سخنرانی عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، کنگره پزشکی قانونی، تهران، تیرماه ۸۳.

[۱۴۷] (۲). سیدحسین فتاحی‌معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۲- ۸۳.

[۱۴۸] (۳). میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیهٔ، ج ۲، ص ۵۹:« الروایهٔ ضعیفهٔ و المشهور اعرضوا عن العمل بها و ادعاء الاجماع مع مخالفهٔ المشهور لایخلو من غرابهٔ».

[۱۴۹] (۴). به نقل از: جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۸۴:« والروایهٔ ضعیفهٔ و الاجماع لم نتحققه».

[۱۵۰] (۵). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۱۷، ص ۵۷۳، ابواب میراث الخنثی، باب ۱، حدیث ۱.

[۱۵۱] (۱). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۲.

[۱۵۲] (۲). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۷۷- ۲۷۸:« الخنثی التی هی امّا ذکر او انثی فی الواقع، لعدم الواسطهٔ المستفاد من تقسیم الانسان، بل مطلق الحیوان الی الذکر و الانثی فی جمیع الاصناف فی الکتاب والسنهٔ علی وجه لایستطاع انکاره».

[۱۵۳] (۱). شیخ مرتضی انصاری، فرائد الاصول(رسائل)، ج ۱، ص ۸۳:« وقد یقع فی الحکم الثابت لشخص من جههٔ تردده بین موضوعین، کحکم الخنثی المردد بین الذکر و الانثی».

[۱۵۴] (۲). به نقل از: جواهر الکلام، ج ۸، ص ۱۲۲.

[۱۵۵] (۳). به نقل از: ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

[۱۵۶] (۴). حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰.

[۱۵۷] (۱). جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۷۷- ۲۷۸.

[۱۵۸] (۲). سوره شوری(۴۲)، آیه ۴۹.

[۱۵۹] (۳). آیت الله میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیهٔ، ج ۲، ص ۵۵.

[۱۶۰] (۴). سوره نجم(۵۳)، آیه ۴۵- ۴۶.

[۱۶۱] (۵). میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیهٔ، ج ۲، ص ۵۵.

[۱۶۲] (۱). نساء: ۱۱.

[۱۶۳] (۲). میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیهٔ، ج ۲، ص ۵۵.

[۱۶۴] (۳). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، پاورقی ص ۲۷۸.

[۱۶۵] (۱). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۲.

[۱۶۶] (۲). محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۰۷.

[۱۶۷] (۱). محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۴- ۱۳۵:« وهذا الکلام مما لا دلیل علیه. لأنَّ التحقیق الطبی أفاد أنّ کلّ النّاس تختلط فیهم هرمونات الذکورهٔ مع هرمونات الانوثهٔ. ومعنی ذلک: أنّ الرّجل فی نسبهٔ ضعفیهٔ من الانوثهٔ والانثی فیها نسبهٔ ضعیفهٔ من الذکورهٔ. کل ما فی الأمر أنّ خلقهٔ الجسد تتبع أغلب النسبتین من الهرمونات وأکثرها.

ينتج من ذلک أنّ نسبة الهرمونات لو تساوتا بمقدار ۵۰ أو نحوها کان الإنسان خنثی حقيقة، لا هو رجل ولا هو امرأة. فإن انضاف إلی ذلک أن خلقته الجسدية تساعد علی کونه خنثی مشکل. فقد حصلنا علی نوع ثالث غير الرجل والمرأة.

هذا. وأما معنی کون الانقسام تشريعياً، فهو أننا ولو قلنا: إنّه فی الانقسام الواقعی يوجد قسم ثالث هو الخنثی إلّا أنّ الشارع أسقطه عن نظر الاعتبار ولم يجعل له حکماً. بل حکم تعبداً بانقسام النّاس الی القسمين الرئيسين. حتی الخناثی لابّد أن يندرجوا تحت أحد القسمين تشريعاً».

[۱۶۸] (۱). همان، ج ۶، ص ۱۳۵:« إلا أنّه لا دليل عليه. إذ لا دليل جزماً علی الحصر التعبدی بالقسمين الرئيسين ولا علی إسقاط الخناثی عن الأحکام».

[۱۶۹] (۲). شهيد ثانی، لمعه، ج ۸، ص ۱۹۴.

[۱۷۰] (۳). ميرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۵۵.

[۱۷۱] (۱). علی مشکينی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴.

[۱۷۲] (۲). شهيد ثانی، لمعه، کتاب ارث.

[۱۷۳] (۳). ميرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهيـة، ج ۲، ص ۵۴- ۵۵:« أنّ الخنثی غير المشکل عبارة عمّن يحکم عليه بأنّه من الرجال بواسطة الأمارات التی جعلها الشارع امارة التشخيص او يحکم عليها بانّها من النساء ايضاً بواسطة الامارات التی جعلها الشارع امارة کونها مرأة، فهذا ليس بمشکل، لانّه بالتشخيص بواسطة الامارات يرتفع الاشکال».

[۱۷۴] (۴). علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷.

[۱۷۵] (۱). مجتبی جعفری، جايگاه جنسيت در حقوق کيفری ايران، ص ۱۷- ۱۸.

[۱۷۶] (۲). همان.

[۱۷۷] (۱). محمد حسن‌زاده نظرآبادی،« هرمافروديسم حقيقی(دو جنسی)»، مجموعه مقالات سمينار ديدگاه‌های اسلام در پزشکی، به کوشش سيد حسين فتاحی معصوم، ج ۲، ص ۷۲.

[۱۷۸] (۲). مجتبی جعفری، جايگاه جنسيت در حقوق کيفری ايران، ص ۱۹.

[۱۷۹] (۱). مهدی هادوی تهرانی، مجموعه مقالات و گفتارهای دومين سمينار ديدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰- ۸۱.

[۱۸۰] (۲). حسن‌زاده نظرآبادی، رحيم تقوی، قدسيه سيد علوی، همان، ج ۲، ص ۷۳- ۷۹.

[۱۸۱] (۱). علی مشکينی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳.(در مباحث گذشته، اين علامت يعنی شمارش دنده‌های کمر به عنوان ملاک و مبنای تعيين جنسيت، مورد نقد قرار گرفت).

[۱۸۲] (۲). ابی القاسم علی بن الحسين الموسوی(سيد مرتضی علم الهدی)، الانتصار، ص ۳۰۶.

[۱۸۳] (۱). روح الله خمينی، تحرير الوسيله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۲۳۴- ۲۳۵.

[۱۸۴] (۲). البکری الدمياطی، اعانة الطالبين، ج ۳، ص ۸۵.

[۱۸۵] (۳). سرخسی، المبسوط، ج ۳۰، ص ۹۷.

[۱۸۶] (۴). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۸، ص ۱۲۲.

[۱۸۷] (۵). سيد مرتضی علم الهدی، الانتصار فی الانفرادات الامامية، ص ۵۹۵:« ولم اجد احداً من العامة يعتبر فی الخنثی ما ذکرناه علی الترتيب الذی وصفناه، بل ائمة متفقيهم علی خلافه فی الاحکام. واتفقت الامامية فيمن ليس له ما للرجال وما للنساء ان يورث بالقرعة ولم اجد للعامة فی هذه المسألة قول».

[۱۸۸] (۱). محمد بن محمد نعمان(شيخ مفيد) الاعلام بما اتفقت عليه الاماميه من الاحکام، در ضمن کتاب: التذکرة باصول الفقه،

ص ۶۳:« واتفقت الامامیهٔ فی توریث الخنثی علی اعتباره بالمبال: فان کان خروج البول مما یکون للرجل خاصه ورث میراث الذکور، وان کـان خروجه ممـا یکون للنساء حسب ورث میراث الانـاث، وان بـال منهمـا جمیعاً نظر الی الاغلب منهما بالکثرهٔ فوقت علیه، فان تساوی ما یخرج من الموضعین اعتبر باتفاق الاضلاع واختلافها، فان اتفقت ورث میراث الاناث، و ان اختلفت ورث میراث الرجال».

[۱۸۹] (۲). میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۶.

[۱۹۰] (۱). همان.

[۱۹۱] (۲). سید حسن مرعشی، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۲- ۸۳.

[۱۹۲] (۱). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۷- ۵۷۸، ابواب میراث الخنثی، باب ۲، حدیث ۷.

[۱۹۳] (۲). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۳، ابواب میراث الخنثی، باب ۱، حدیث ۱.

[۱۹۴] (۱). همان، حدیث ۲.

[۱۹۵] (۲). همان، حدیث ۴.

[۱۹۶] (۳). همان، ص ۵۷۵، ابواب میراث الخنثی، باب ۲، حدیث ۱.

[۱۹۷] (۱). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

[۱۹۸] (۲). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳.

[۱۹۹] (۳). همان، ص ۲۳۳.

[۲۰۰] (۱). همان، ص ۲۳۳

[۲۰۱] (۲). همان، ص ۲۳۳

[۲۰۲] (۳). همان، ص ۲۳۳

[۲۰۳] (۴). همان، ص ۲۳۳.

[۲۰۴] (۵). همان، ص ۲۳۴.

[۲۰۵] (۶). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

[۲۰۶] (۱). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴.

[۲۰۷] (۲). همان، ص ۱۵۴.

[۲۰۸] (۳). همان، ص ۲۳۳.

[۲۰۹] (۴). همان، ص ۱۵۴.

[۲۱۰] (۵). ر. ک: میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیهٔ، ج ۲، ص ۵۶؛ محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

[۲۱۱] (۱). امام خمینی؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۶- ۶۲۸؛ عبدالکریم بی‌آزار شیرازی؛ رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳- ۶۵.

[۲۱۲] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

[۲۱۳] (۱). ر. ک: دکتر لاله میراسکندری؛« روال قانونی برای حل یک مشکل مغزی»، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۳، ص ۲۰ و نیز علی ملائکه،« در جسم خود نمی‌گنجد»، روزنامه شرق، شنبه ۳ مرداد ۱۳۸۳، ص ۳.

[۲۱۴] (۱). به نقل از: دکتر فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۱۳۷۰، ص ۶۱۶.

[۲۱۵] (۲). پایگاه خبرگزاری شریف نیوز،(sharifnews .Ir)، یک شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۴.

[۲۱۶] (۱). همان.

[۲۱۷] (۱). به بخش ضمیمه کتاب(استفتاءآت) مراجعه کنید.

[۲۱۸] (۱). محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲.

[۲۱۹] (۲). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳:« والتحول إلی الخنثی وإن لم یکن مطلوبا و لا- مقصوداً بطبیعهٔ الحال للمریض ولا- للطبیب، ولکن قد یفرض ذلک فقهیاً، من حیث إنّ عملیهٔ التحول إلی الجنس الآخر لم تنتج، فلن یعود المریض إلی جنسه الأول، وإنما سیصبح خنثی لا بحسب علی أحد الجنسین أصلًا».

[۲۲۰] (۳). ر. ک: احمد احمد و عادل القاضی، فقه الحیاه، حوار مع محمد حسین فضل الله، ص ۲۲۶- ۲۲۷.

[۲۲۱] (۱). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳- ۶۴۵، مسأله ۳۷۰۴، ۳۷۱۱ و ۳۷۱۴.

[۲۲۲] (۲). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵:« ینبغی الإلتفات الی انّ المهم فقهیاً فیما یأتی هو« التحول»، ولکن لا یهم السبب. فقد یکون هو العملیهٔ الجراحیهٔ کما هو الموجود أحیاناً فی عصرنا الحاضر و قدیکون سبباً آخر کطعام معین حصل تناوله صدفهٔ او بالسحر او بالمعجزهٔ أو بأی سبب آخر».

[۲۲۳] (۳). همان، ج ۶، ص ۱۳۶.

[۲۲۴] (۱). احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیهٔ الفقهیهٔ، ص ۲۸۵:« فقد حرّم الشارع تغییر الجنس لما فیه من مخالفهٔ للفطرهٔ الالهیهٔ، واستثنی مِن هذا التحریم بعض الحالات کالخنثی التی تختلط فیها أعضاء الذکورهٔ و الانوثهٔ بدرجات متفاوتهٔ فتؤدّی الاضطرابات عضویهٔ ونفسیهٔ، ففی مثل هذه الحالات یجوز إجراء الجراحهٔ لتغییر الجنس إلی الجنس الذی یوافق الحالهٔ حسبما یراه أهل الطبّ».

[۲۲۵] (۱). مانند: میرزا جواد تبریزی، در استفتای شفاهی نگارنده از ایشان؛ مکارم شیرازی، رسالهٔ استفتائات، ج ۱، ص ۴۷۱- ۴۷۲، و گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸؛ منتظری؛ رساله استفتاءآت، ج ۲، ص ۴۰۸.

[۲۲۶] (۲). مانند طنطاوی، مفتی مصر، ر. ک: علی رضا باریک‌لو،« وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵(۸۲)، ص ۷۵.

[۲۲۷] (۳). محمد خالد منصور، الاحکام الطبیهٔ المتعلقهٔ بالنساء فی الفقه الاسلامی، ص ۲۰۷.

[۲۲۸] (۱). ترجمه از: عبدالکریم بی‌ازار شیرازی، رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳؛ روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸- ۵۵۹:« الظاهر عدم حرمه تغییر جنس الرجل بالمرأهٔ بالعمل وبالعکس، وکذا لایحرم العمل فی الخنثی لیصیر ملحقاً بأحد الجنسین، وهل یجب ذلک لو رأت المرأهٔ فی نفسها تمائلات من سنخ تمائلات الرّجل أو بعض آثار الرجولیهٔ أو رأی المرأهٔ فی نفسه تمائلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا کان الشخص حقیقهٔ من جنس ولکن أمکن تغییر جنسیته بما یخالفه».

[۲۲۹] (۱). ر. ک: سایت گروه فقه و احکام مدرسهٔ علمیهٔ نرجس علیها السلام.

[۲۳۰] (۲). محمد فاضل لنکرانی(قدس سره)، جامع المسائل، استفتاءآت، ج ۲، ص ۳۷۶.

[۲۳۱] (۳). مرکز تحقیقات فقهی قوهٔ قضاییه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۵۶.

[۲۳۲] (۴). همان، سؤال ۵۲۸۰:« سؤال: ماهو حکم إجراء العملیهٔ الجراحیهٔ لإلحاق الخنثی بالمرأهٔ أو بالرجل؟ جواب- لامانع من ذلک فی نفسه، و لکن یجب التحرز عن المقدمات المحرمهٔ».

[۲۳۳] (۱). همان، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

[۲۳۴] (۲). یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۹۲- ۹۴؛ نیز: مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۵.

[۲۳۵] (۳). سید یوسف مدنی، المسائل المستحدثه، ص ۴۴.

[۲۳۶] (۴). مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینهٔ سؤالات، پاسخ شماره ۵۸۶۹.

[۲۳۷] (۱). ر. ک: سید حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۶۹۰- ۶۹۱.

[۲۳۸] (۲). حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

[۲۳۹] (۱). محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۴.

[۲۴۰] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

[۲۴۱] (۲). ناصر مکارم شیرازی، مجموعه رساله استفتاءآت، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۱- ۴۷۲؛ و نیز: مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۶.

[۲۴۲] (۳). حسین علی منتظری، رساله استفتاءآت، ج ۲، ص ۴۰۸.

[۲۴۳] (۱). حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

[۲۴۴] (۲). سید صادق حسینی شیرازی، المسائل الطبیه، ص ۱۱۹- ۱۲۰:« سؤال: بالنسبته إلی الخنثی الکاذبهٔ- أی أنّ الشخص فی خلایا جسمه من الناحیهٔ الوراثیهٔ ذکر مثلًا ولکنّ الآلهٔ الخارجیهٔ غیر ذلک أو العکس؟ فإذا علم بالفحص أنّه فی الواقع ذکر مثلًا وإن کان الشکل شکلًا أنثویاً فهل یجوز فی هذه الحالهٔ إزالهٔ عوارض الذکورهٔ مثلًا صیرورته أنثی خالصهٔ أم لا یجوز ذلک، وکذا العکس؟ جواب: تغییر الجنس لا یجوز علی الأقرب، والله العالم».

[۲۴۵] (۱). همان، ص ۱۲۴:« لا یجوز تحویل الرجل إلی المرأهٔ، ولا تحویل المرأهٔ إلی رجل، ویجوز ذلک فی الحیوانات».

[۲۴۶] (۲). همان، ص ۱۱۹:« الأظهر أنّ للخنثی المشکل- التی لا یتعیّن ذکوریتها من انوثیتها- أن تختار الذکوریهٔ، فتعامل نفسها و یتعامل الآخرون معها معاملهٔ الذکوریهٔ، أو تختار الانوثیهٔ، فتعامل نفسها و یتعامل الآخرون معها تعامل الانوثیهٔ».

[۲۴۷] (۱). سید محسن خرازی، تغییر الجنسیهٔ، مجله فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳، ص ۲۴۳:« وامّا الخنثی- سواء کان مشکلا أو غیر مشکل- فقلع إحدی آلتیه لتقویهٔ الاخری لایکون تغییراً للجنسیهٔ؛ فإنّ إحدی الالتین فی کل منهما زائدهٔ. ففی غیر المشکل تکون زیادته واضحهٔ، فقلع الزائدهٔ لایوجب تغییراً کما هو واضح، وفی المشکل فالعضو یمکن أن یکون زائداً کما یمکن أن یکون عضواً أصلیاً، فلقلع مردّد بین کونه تغییراً أو غیر تغییر، فهو شبههٔ موضوعیهٔ للتغییر فلا یترتب علیه حکم التغییر، فلو کان التغییر للجنسیهٔ محرّماً لما أمکن القول بحرمهٔ ذلک فی الخنثی؛ لعدم إحراز أنّه تغییر للجنسیهٔ.

وعلاج الخنثی- سواء کان مشکلًا أو غیر مشکل- لا إشکال فیه؛ لأنّ ضرورهٔ المعالجهٔ تبیح المحظورات و لو کان مستلزماً للنظر واللمس، ولا حرمهٔ من جههٔ إیراد الضرر؛ لما عرفت من أنّه رفع الزائدهٔ لا النقص، و أیضاً لعدم إحراز أنّه نقص و ضرر فی المشکل».

[۲۴۸] (۱). ر. ک: محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسأله ۳۷۰۲؛ محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵؛ علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵؛ محمد علی اراکی، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال ۵۸۶۸.

[۲۴۹] (۱). سورهٔ بقره(۲)، آیه ۱۷۳.

[۲۵۰] (۲). ترجمه از ناصر مکارم شیرازی.

[۲۵۱] (۳). محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ذیل آیه ۱۷۳ سوره بقره.

[۲۵۲] (۴). برای ملاحظه آیات دیگر که دلالت بر قاعده اضطرار دارد به آیه ۳ سوره مائده و آیه ۱۱۹ سوره انعام مراجعه کنید.

[۲۵۳] (۵). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۹۰، ابواب قیام، باب ۱، حدیث ۶ و ۷؛ همان، ج ۴، ص ۶۹۹، ابواب القیام، باب ۷، حدیث ۱؛ همان، ج ۱۶، ص ۱۶۵، ابواب الایمان، باب ۱۲، حدیث ۱۸.

[۲۵۴] (۱). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۲۰.

[۲۵۵] (۲). محقق اردبیلی، زبدهٔ البیان فی احکام القرآن، ص ۳۶۳.

[۲۵۶] (۳). عبدالقادر عوده، التشریع الجنائی الاسلامی، ج ۱، ص ۵۷۷.

[۲۵۷] (۱). ر. ک: مرکز فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ سؤال ۵۷۵۱.

[۲۵۸] (۲). مانند یوسف قرضاوی، در کتاب: الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقه حسن محمد تقی جواهری، ص ۱۵۶ ۱۵۵.

[۲۵۹] (۳). مانند احمد محمد کنعانی، در کتاب: الموسوعة الطبیة الفقهیة، ص ۲۸۴- ۲۸۵.

[۲۶۰] (۴). ر. ک: سید محمد کاظم مصطفوی، مائة قاعدة فقهیة، ص ۲۹۸.

[۲۶۱] (۱). سوره حج(۲۲)، آیه ۷۸، با ترجمه مکارم شیرازی.

[۲۶۲] (۲). سورهٔ بقره(۲)، آیه ۱۸۵، با ترجمه مکارم شیرازی.

[۲۶۳] (۳). سوره مائده(۵)، آیه ۶، با ترجمه مکارم شیرازی.

[۲۶۴] (۴). میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیة، ج ۱، ص ۲۵۶.

[۲۶۵] (۱). القواعد الفقهیة، ج ۱، ص ۲۵۶؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۷۱، ابواب النجاسات، باب ۵۰، حدیث ۳؛ تهذیب الاحکام، حدیث ۲، ص ۳۶۸، حدیث ۱۵۲۹، باب مالایجوز الصلاة فیه، حدیث ۶۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۷، باب ما یصلی فیه و ما لایصلی فیه، حدیث ۷۹۱.

[۲۶۶] (۲). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۷؛ محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۱، ص ۱۱؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۰۳.

[۲۶۷] (۱). مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، ج ۲، ص ۸۵.

[۲۶۸] (۲). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسأله ۳۷۰۲:« أن یکون الفرد فی حرج شدید من جنسه الفعلی قبل التبدیل إمّا دنیویاً أو دینیاً. کما لو کان خنثی، وهو متحرج من احکامه الشرعیة الاحتیاطیة، کما هو المشهور فی حقه، فهو یرید أن یتحول إلی إحد الجنسین الاخرین، لکی یتقین علیه التکلیف الشرعی».

[۲۶۹] (۱). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسأله ۳۷۰۲.

[۲۷۰] (۲). همان، ج ۳، ص ۶۴۳.

[۲۷۱] (۳). همان، ج ۳، ص ۶۴۳.

[۲۷۲] (۴). همان، ج ۳، ص ۶۴۳.

[۲۷۳] (۱). ر. ک: علی رضا باریک‌لو، وضعیت تغییر جنسیت، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵(۱۳۸۲)، ص ۷۵.

[۲۷۴] (۱). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴:« فالظاهر جواز عملیة الجنسیة[الخنثی]، فإن ألحق بها بأحد الطرفین بأن ظهر فیه آثار، علی نحو التعین، صدق تغییر الجنسیة حینئذٍ بالعمل، و یترتب آثار العنوان المنقلب إلیه و إن لم یظهر شئ منها فهو خنثی مشکل».

[۲۷۵] (۲). محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۸:« إنْ صَدَقَ تغییرُ الجنسیةِ فإنّما یصدقُ فی الخنثی غیر المشکل إذا أقدم علی قلع آلة یتبعها جنسه، کما إذا أقدم الخنثی المحکوم بالرجولیة علی قلع ما له من آلة الرجال بالمّرة و من أصلها لیقوی جانب أنثویته فیلحق بالنساء».

[۲۷۶] (۳). ناصر مکارم شیرازی، مجموعهٔ استفتاءآت جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۱.

[۲۷۷] (۱). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸.

[۲۷۸] (۲). ر. ک: بخش کلیات، تعریف تغییر جنسیت، از همین نوشتار.

[۲۷۹] (۳). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۳؛ محمد آصف محسنی، الفقه و المسائل الطبیه، ج ۱، ص ۱۱۱؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳؛ سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲؛ یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۹۲؛ محمد قائنی، المبسوط فی فقه المسائل المعاصره، ج ۲، ص ۳۳۷.

[۲۸۰] (۴). آیت الله سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۱۴۲.

[۲۸۱] (۱). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۱۰:« إذا تحولت الخنثی غیر المشکل إلی غیر الخنثی، فالخنثی غیر المشکل هو المحکوم شرعاً بالرجولة أو بالانوثة، کما سبق فی کتاب الارث. فإمّا أن تتحول إلی نفس ما ثبت لها حکمه، کما لو تحول المحکوم بالرجولة إلی رجل کامل أو المحکوم بالانوثة إلی انثی کاملة، لم یتغیر عندئذ منها حکم من الأحکام الشرعیة التی کانت ثابتة لها. و إمّا أن تتحول إلی الجنس الآخر التی لم تکن تابعة له. فتکون کما لو تحول الرجل إلی إمرأة أو الإمراة إلی رجل. و قدسبق الحدیث عنها».

[۲۸۲] (۱). محمد مؤمن قمی، کلمات سدید فی مسائل جدیده، ص ۱۰۸- ۱۰۹:« لا دلیل علی حرمة أصل هذه العملیة، فإنّ المقّدم علیها کان داخلًا فی عنوان أحد الصنفین محکوماً علیه بحکمه، و بعد إجرا العملیة لایصدق علیه هذا العنوان، فلا یعمّه أدلة أحکامه، بل یصدق علیه العنوان المقابل، ولامحالة یعمّه دلیل أحکامه، و لا یتصوّر فیه محذور. فالعنوانان هنا مثل عنوان المسافر و الحاضر، فإنّه لا مانع من خروج أحد عن أحد العنوانین و دخوله فی الاخر، فلا یعمه دلیل العنوان السابق، ما یعمه دلیل العنوان اللاحق، و یحکم علیه بعد العملیة بحکم العنوان الجدید، کما هو واضح. فأصل عملیة تغییر الجنسیة هنا لا دلیل علی المنع عنه، إلّا أنّه ربّما کانت ملازمة لأعمال محرمة کالنظر إلی العورة أو لمسها، و هما محرمان، فلا طریق إلیه مشروع إلّا فی الطفل قبل بلوغه و تمییزه، أو فیما کان الطبیب الجراح زوجا أو زوجة لمن یقع العمل علیه، بناءًا علی أنّه بمجرد القلع و خیاطة المحل لا یخرج عن الصنف الذی کان فیه، فتأمّل».

[۲۸۳] (۱). محمد آصف محسنی، الفقه و المسائل الطبیة، ج ۱، ص ۱۱۱- ۱۱۲:« فعمدة ما یحرم العمل المذکور هو لمس العورة و البدن و النظر إلیهما، فإنّهما حرامان علی الفاعل و المفعول. نعم، إذا کان الطبیب و طالبة التغییر- أو الطبیة و طالبه- زوجان، و إن عقد أحدهما علی الآخر بالفعل للعملیة المذکورة، ففی جواز العمل بحث؛ لبطلان الزوجیة بمجرد خروج أحد الزوجین عن جنسه، فالعملیة المذکورة إنّما تجوز لهما ما لم یبطل عقد الزواج، و بعده تحرم، لأنّهما أجنبیان».

[۲۸۴] (۱). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسأله ۳۷۰۲:« یمکننا من الناحیة الفقهیة أن نتصور سببین لجواز التبدیل: أحدهما: أن یکون الطبیب القائم بالتبدیل حلیلا للمریض، کما لو کان زوجها أو کانت زوجته. ثانیهما: أن یکون الفرد فی حرج شدید من جنسه الفعلی قبل التبدیل إمّا دنیویاً أو دینیاً، کما لو کان خنثی».

[۲۸۵] (۱). ر. ک: محمد قائنی، المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة، ج ۱، ص ۲۷.

[۲۸۶] (۲). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسألة ۳۷۰۹:« لو تحولت الخنثی المشکل إلی رجل إنتفت عنها احکام الخنثی، و ثبت لها أحکام الرجل. و إذا تحولت إلی إمرأه ثبتت لها أحکامُ المرأة».

[۲۸۷] (۱). ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۱۰.

[۲۸۸] (۱). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۰۹؛ محمد مؤمن، سخنی درباره تغییر جنسیت، مجله فقه اهل بیت(ع)، ش ۷، ص ۹۶.

[۲۸۹] (۱). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۲.

[۲۹۰] (۲). ترجمه از: عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳- ۶۴.

[۲۹۱] (۱). غلام حسین خدادای، احکام پزشکان و بیماران(فتاوای آیت الله فاضل لنکرانی)، ص ۱۳۸.

[۲۹۲] (۲). مرکز تحقیقات قوه قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال شماره ۵۲۸۰.

[۲۹۳] (۳). ناصر مکارم شیرازی، استفتاءآت جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۲، ص ۶۱۸.

[۲۹۴] (۴). سید محسن خرازی، تغییر الجنسیة، مجلة فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳، ص ۲۴۱:« لانعنی بتغییر الجنسیة صرف قطع آلة

التناسل و ایجاد حفرة مكانها حتى يكون الرجل شبيهاً بالمرأه فى امكان المجامعة معه؛ لانّه لايوجب تغيير الجنسية، بل نعنى بذلك تغيير هوية الرجل و جنسيّته بالكل».

[۲۹۵] (۱). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله،(المسائل المستحدثه)، ص ۱۹۱- ۱۹۲.

[۲۹۶] (۲). همان، ص ۱۹۲:« لعدم الدليل على وجوبه ولو بالوجوب المقدمى العقلى إذا لم يكن القيام بوظائفه متوقفاً على عملية تغيير الصورة».

[۲۹۷] (۱). ابوالقاسم خوئی، منیة السائل، استفتاءآت هامة، جمع و تدوین از: موسی مفید الدین عاصی عاملی، ص ۱۲۰:« سؤال- بالنسبة الى الخنثى الكاذبه- اى أنّ الشخص فى خلايا جسمه من الناحية الوراثية ذكر مثلًا و لكن الآلة الخارجية تغاير ذلك او العكس، فهل يجوز تغيير الشكل الخارجى بما يوافق واقع الامر؟ جواب- لامانع من ذلك».

[۲۹۸] (۲). استفتاء اخذ شده از دفتر سایت اینترنتی آیت الله سیستانی در قم، و نیز به این آدرس مراجعه کنید:

:www. Sistani. Org

« إذا كان فى واقعه يحمل جهاز معين و إن كان مضموراً فيجوز له إجراء عملية لإبرازه».

[۲۹۹] (۳). یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۹۲؛ یوسف صانعی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۵.

[۳۰۰] (۱). حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۶.

[۳۰۱] (۲). همان، ص ۱۱۶.

[۳۰۲] (۳). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴:« والظاهر أنّه لااشكال فى جواز تغيير الجنسية بالمعنيين بل قد يكون واجباً».

[۳۰۳] (۴). محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۴- ۲۵۶.

[۳۰۴] (۱). علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۳:« والغرض بيان حكم أن يغير الرجل فيجعل إمرأة، أو يغير المرأة فتجعل رجلًا، و تحقق هذا الامر حقيقة بحيث يعلم حال المتغير قبله و بعده، و انّه كان رجلاـ فصار إمراة او عكسه لم يثبت إلى الآن و لعلّه غير ممكن فى العادة، لكن وقع البحث عنه فى الفقه وعدّ من المسائل المستحدثة. نعم الظاهر إمكان أمر آخر بل وقوعه، و هو تغيير من كان ظاهره من أحد الجنسين إلى الجنس الاخر بعملية الجرح بعد شهادة القرائن بكون باطنه على خلاف ظاهره».

[۳۰۵] (۱). همان، ص ۱۵۴.

[۳۰۶] (۲). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۰۸؛ نیز محمد مؤمن، سخنی درباره تغییر جنسیّت، مجله فقه اهل بیت(ع)، ش ۷(۱۳۷۵)، ص ۹۴- ۹۵.

[۳۰۷] (۳). حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۶.

[۳۰۸] (۱). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸.

[۳۰۹] (۱). ترجمه از: عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳.

[۳۱۰] (۱). ر. ک: محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۰۹.

[۳۱۱] (۲). مانند: محمد مؤمن، پیشین، ص ۱۰۹؛ سید محمد خرازی، تغییر الجنس، مجله فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳(۱۳۷۹)، ص ۲۴۱.

[۳۱۲] (۱). امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸.

[۳۱۳] (۱). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳:« والتحول إلى الخنثى وإن لم يكن مطلوبا ولاـ مقصوداً بطبيعه الحال للمريض ولاـ للطبيب، ولكن قد يفرض ذلك فقهياً، من حيث أنّ عملية التحول إلى الجنس الاخر لم تنجح، فلن يعود المريض إلى جنسه الأول، وإنّما سيصبح خنثى لا يحسب على أحد الجنسين أصلًا».

[۳۱۴] (۲). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲:« ولا یصح عقلائیاً أن یرید الرجل او المرأة أن تکون خنثی».

[۳۱۵] (۱). حسین علی منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۱۷- ۵۱۸:« والظاهر أنّه لا دلیل علی حرمته ذاتاً ولکن إذا کانت مقدماته محرمهٔ شرعاً کنظر الأجنبی إلی عورته أو لمسه لها فلایجوز إلّا مع صدق الضرورهٔ، کما إذا فرض وجود تمایلات الجنس المخالف فیه شدیداً وغلبت فیه مقتضیات طبعه بحیث یکون بحسب الطبع من مصادیقه أو قریباً منه ولم یکن إبرازه وعلاجه إلّا بالعلمیهٔ، ففی هذه الصورهٔ لامانع منه، لصدق العلاج و الضرورهٔ علیه، بل ربما یجب إذا توقف العمل بالوظائف الشرعیهٔ علی ذلک».

[۳۱۶] (۲). حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

[۳۱۷] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

[۳۱۸] (۱). سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳(۱۳۷۹)، ص ۲۴۱.

[۳۱۹] (۱). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۹، باب ۴، از ابواب ما یکتب به، حدیث ۱.

[۳۲۰] (۲). همان، ج ۱۷، ص ۹۰- ۹۱، باب ۶۱، از ابواب الاطعمهٔ المباحهٔ، حدیث ۱ و ۷.

[۳۲۱] (۳). همان، ج ۱۲، ص ۶۰، باب ۴، از ابواب مایکتسب به، حدیث ۴.

[۳۲۲] (۱). ابوالقاسم خوئی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۲۷۴:« فیکون المراد أنّ الاشیاء الخارجیهٔ کلّها علی الاباحهٔ، حتی تظهر حرمتها بالعلم الوجدانی أو تقوم بها البینهٔ».

[۳۲۳] (۲). ر. ک: علی رضا باریک‌لو، وضعیت تغییر جنسیت، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵،(۱۳۸۲)، ص ۷۲.

[۳۲۴] (۱). سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳(۱۳۷۹)، ص ۲۴۱:« هذا مضافاً إلی قاعده:« الناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم» بناءًا علی أنّها قاعدهٔ عقلائیهٔ، فتاملّ».

[۳۲۵] (۲). دکتر سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، ج ۱، ص ۲۳۳.

[۳۲۶] (۱). ر. ک: سید محسن حکیم، مستمسک العروهٔ الوثقی، ج ۱۰، ص ۱۷. آیت‌الله حکیم درباره این نکته که آیا انجام عبادات صبی، مشروط به اذن والدین یا بدر هست یا خیر، می‌گوید:« انجام عبادات صبی مشروط به اذن والدین یا پدر نیست؛ چرا که چنین شرطی با اصل تسلط بر نفس که بنا بر قاعده اولویت از اصل تسلط بر اموال استفاده می‌گردد مخالف است».

[۳۲۷] (۱). محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۳۰۷.

[۳۲۸] (۱). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۷۷۳.

[۳۲۹] (۱). استفتاء اخذ شده از مرکز رایانه دفتر آیت الله محمد فاضل لنکرانی(قدس سره).

[۳۳۰] (۲). مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ شماره ۵۲۸۰.

[۳۳۱] (۳). سید محسن خرازی، تغییر جنسیت، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، ص ۶۲.

[۳۳۲] (۱). حسین علی منتظری، رساله استفتاءآت، ج ۲، ص ۴۰۸.

[۳۳۳] (۲). حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳- ۱۱۴.

[۳۳۴] (۳). احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله(المسائل المستحدثه)، ص ۱۹۰:« لعدم الدلیل علی الحرمهٔ، و مقتضی حدیث الرفع جوازه ظاهراً».

[۳۳۵] (۴). شیخ صدوق، الخصال، ص ۴۱۷.

[۳۳۶] (۱). دکتر احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیهٔ الفقهیهٔ، ص ۲۸۴- ۲۸۵:« أمّا ما ظهر فی بعض المجتمعات المنحرفهٔ عن فطرهٔ الله تعالی من جراحات لتغییر الجنس عند اشخاص اسویا الخلقهٔ فهو حرام قطعاً، لما فیه من تغییر لخلق الله تعالی دون ضرورهٔ مشروعهٔ،

ولأنّه إستجابة لدعوة الشيطان الذی توعّد باغواء بنی‌آدم بمثل هذه الأفعال المحرمة، فقال:« وَلآمُرَ نَّهُم فَلَيغَيرُنَّ خَلقَ اللهِ»».

[۳۳۷] (۲). یوسف قرضاوی، الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقهٔ حسن محمد تقی جواهری، ص ۱۵۵– ۱۵۶.

[۳۳۸] (۱). محمد بن حسین الجیزانی، فقه النوازل،(دمام« عربستان سعودی» و قاهره؛ دار ابن الجوزی، ۲۰۰۸ م. چاپ دوم، ج ۴، ص ۹۶– ۹۷:« اولًا، الذکر الذی کملت أعضاء ذکورته والأنثی التی کملت أعضاء انوثتها لایحل تحویل أحدهما إلی النوع الآخر. ومحاوله التحویل جریمهٔ یستحق فاعلها العقوبهٔ؛ لأنّه تغییر لخلق الله، وقد حرّم سبحانه هذا التغییر بقوله تعالی مخبراً عن قول الشیطان: ولآمُرنَّهُم فَلَيُغَيِّرُنَّ خلقَ اللهِ.

ثانیاً، أما من اجتمع فی أعضائه علامات النساء والرجال فینظر فیه إلی الغالب من حاله. فإن غلبت علیه الذکوره جاز علاجه طبیاً بما یزیل الاشتباه فی ذکورته. ومن غلبت علیه علامات الانوثهٔ جاز علاجه طبیاً بما یزیل الاشتباه فی انوثته؛ سواء أکان العلاج بالجراحهٔ أو بالهرمونات؛ لأنّ هذا مرض، والعلاج یقصد به الشفاء منه، ولیس تغییراً لخلق الله عزّ وجلّ».

[۳۳۹] (۲). ر. ک: سید حسین حسینی، احکام المغتربین وفقا لفتاوی عشرهٔ من مراجع التقلید، ص ۴۳۹:« سؤال: ما هو حکم استبدال الرجل ذکره بفرج انثی، او استبدال الانثی فرجها بذکر رجل، بالعملیات التّی یجریها أطباء العصر؟ إذا کان هذا لغرض شهوانی فقط، أو کان لغرض الإنجاب کأن یکون المستبدل مصاباً بعقم لایشفی و لحبّه النسل استبدال فرجه؟ جواب: هذا غیر جائز، لانّه من تغییر خلق الله تعالی سبحانه و تعالی.».

[۳۴۰] (۱). سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۵.

[۳۴۱] (۲). شیخ هادی نجفی، الآراء الفقهیه، ص ۱۶۲ به بعد.

[۳۴۲] (۳). ر. ک: دکتر فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰.

[۳۴۳] (۱). سوره نساء(۴)، آیه ۱۱۹.

[۳۴۴] (۲). ترجمه از ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۳۴.

[۳۴۵] (۳). ترجمه از محمد مهدی فولادوند.

[۳۴۶] (۴). ر. ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۳۲.

[۳۴۷] (۱). همان، ج ۴، ص ۱۳۵.

[۳۴۸] (۲). ترجمه آیه ۱۱۶ تا ۱۱۸ سوره نساء از این قرار است:« آیه ۱۱۶: خداوند، شرک به او را نمی‌آمرزد؛(ولی) کمتر از آن را برای هر کسی بخواهد(وشایسته بداند) می‌آمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است.

آیه ۱۱۷: آن‌چه غیر از خدا می‌خوانند، فقط بتهایی است(بی‌روح)، که هیچ اثری ندارد؛ و(یا) شیطان سرکش و ویرانگر است.

آیه ۱۱۸: خدا او را از رحمت خویش دور ساخته؛ و او گفته است: از بندگاه تو، سهم معیّنی خواهم گرفت»(با ترجمه ناصر مکارم شیرازی).

[۳۴۹] (۱). ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۸۸:« ای و لآمرنّهم بتغییر خلق الله فلیغیره، و اختلف فی معناه، فقیل: یرید دین الله و أمره، عن ابن عباس و إبراهیم و مجاهد و الحسن وقتادهٔ و جماعهٔ. و هو المروی عن أبی عبدالله(ع). ویؤیده قوله سبحانه و تعالی:« فطرهٔ الله التی فطر الناس علیها لاتبدیل لخلق الله» و أراد بذلک تحریم الحلال و تحلیل الحرام، و قیل: أراد معنی الخصاء عن عکرمهٔ و شهر بن حوشب و أبی‌صالح عن إبن عباس و کرهوا الإخصاء فی البهائم. و قیل: أنّه الوشم عن إبن مسعود. و قیل: أنّه أراد الشمس و القمر و الحجارهٔ عدلوا عن الإنتفاع بها إلی عبادتها عن الزجاج».

[۳۵۰] (۲). محمد بن الحسن طوسی، تفسیر التبیان، ج ۳، ص ۳۳۳.

[۳۵۱] (۱). به نقل از: محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۹۶.

[۳۵۲] (۲). محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۵:« ولامرنهم بشق آذان الانعام وتحریر ما أحلّ الله سبحانه، ولا ـ مرنّهم بتغییر خلق الله وینطبق علی مثل الاخصاء وأنواع المثلهٔ واللواط والسحق. ولیس من البعید أن یکون المراد بتغییر خلق الله، الخروج عن حکم الفطرهٔ وترک الدین الحنیف، قال تعالی: فاقم وجهک للدین حنیفاً فطر الله التی فطرت الناس علیها لاتبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم».

[۳۵۳] (۱). مولی محسن فیض کاشانی، الصافی، ج ۱، ص ۴۶۳- ۴۶۴.

[۳۵۴] (۲). امین الدین ابوعلی بن الحسن الطبرسی، تفسیر جوامع الجامع، با تصحیح ابوالقاسم گرجی، ج ۱، ص ۲۸۹.

[۳۵۵] (۳). محمد جواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۲، ص ۴۴۳؛ و همین مطلب در ج ۳، ص ۱۳۷ با تفاوت تکرار شده است.

[۳۵۶] (۱). سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۸۹- ۳۰۵.

[۳۵۷] (۱). محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه، ج ۹، ص ۳۴۵- ۳۴۶.

[۳۵۸] (۱). فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۲۲۳.

[۳۵۹] (۲). محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان عن تفسیر آی القرآن(تفسیر طبری)، ج ۴، ص ۳۶۲- ۳۶۷.

[۳۶۰] (۱). محمد عبده، تفسیر المنار، ج ۵، ص ۳۶۱.

[۳۶۱] (۲). شهاب الدین محمود آلوسی بغداد، روح المعانی، ج ۵- ۶، ص ۱۹۵.

[۳۶۲] (۳). احمد ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۳، ص ۳۸۸- ۳۸۹.

[۳۶۳] (۱). همان، ص ۳۸۹:« قال أهل المعانی: معنی قوله« فلیغیرن خلق الله» أنّ الله خلق الأنعام لترکبوها و تأکلوا فحرموها علی أنفسهم، و خلق الشمس و القمر و الحجارهٔ مسخره للناس ینتفعون بها فعبد المشرکون فغیروا خلق الله».

[۳۶۴] (۲). محمد جمال الدین قاسمی، محاسن التأویل(تفسیر القاسمی)، ج ۳، ص ۱۱۳۳- ۱۱۳۶.

[۳۶۵] (۳). همان:« ولا یخفی أنّ عموم الآیه یصدق علی جمیع المعانی. إذ کلها من تغییر خلق الله، فلا مانع من حمل الآیهٔ علیها».

[۳۶۶] (۴). یوسف بن احمد(فقیه یوسف)، تفسیر الثمرات الیانعهٔ و الاحکام الواضحهٔ القاطعهٔ، ج ۲، ص ۴۹۷- ۴۹۸:« وقال بعض المفسرین: معنی تغییر خلق الله ای: تغییر ما خلق الله لأجله من التحلیل والتحریم. فیدخل تغییر کل محرم بإباحته، وکل محلل بتحریمه، و هذا مروی عن أبی مسلم، فیدخل فی هذا النهی عن تحریم الحلال، و قد ذکر الحاکم والزمخشری: أنّ من حرّم المباح کان آثماً».

[۳۶۷] (۱). ر. ک: محمد قائنی، المبسوط فی المسائل الطبیهٔ، ج ۱، ص ۲۲۰.

[۳۶۸] (۲). همان.

[۳۶۹] (۱). این روایت از روایت‌های مشهور میان شیعه و اهل سنت است که به ذکر چند منبع اکتفا می‌شود: کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۵۰؛ ج ۸، ص ۷۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۶۰۲؛ ثواب الاعمال، ص ۲۶۷؛ وسائل الشیعه(آل البیت)، ج ۱۷، ص ۲۸۴؛ ج ۲۰، ص ۳۳۸؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۳۶؛ ج ۷۶، ص ۶۵؛ ج ۱۰۰، ص ۲۵۸؛ ج ۱۱۰، ص ۱۶۶.

نیز فقیهان شیعه در موارد متعددی به این روایت استناد نموده‌اند، مانند: الحدائق الناضرهٔ، ج ۱۸، ص ۱۹۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۱۵؛ ریاض المسائل، ج ۸، ص ۷۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۳؛ مکاسب شیخ انصاری، ج ۱، ص ۱۷۴؛ مستمسک العروهٔ الوثقی، ج ۵، ص ۳۹۴؛ جامع المدارک، ج ۳، ص ۳۴؛ مصباح الفقاههٔ خویی، ج ۱، ص ۳۳۴؛ فقه الصادق روحانی، ج ۱۴، ص ۲۰۲؛ منهاج الفقاههٔ روحانی، ج ۱، ص ۲۵۴.

[۳۷۰] (۱). احمد محمد کنعانی، الموسوعهٔ الطبیهٔ الفقهیهٔ، ص ۲۸۵.

[۳۷۱] (۲). ر. ک: حسین علی منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمهٔ، ج ۲، ص ۵۱۷.

[۳۷۲] (۱). همان، ج ۲، ص ۵۱۷.

[۳۷۳] (۲). احمد محمد کنعانی، الموسوعهٔ الطبیهٔ الفقهیهٔ، ص ۲۸۵.

[۳۷۴] (۱). سید علی خامنه‌ای، گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ شماره ۵۲۸۰؛ محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۴؛ سید علی سیستانی، سایت اینترنتی(www .Sistani .Org) وسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۹۲؛ فاضل لنکرانی(استفتاء نگارنده)؛ مکارم شیرازی، گنجینه سوالات فقهی- قضایی، پاسخ شماره ۵۲۸۰؛ حسین علی منتظری، رساله استفتاءآت، ج ۲، ص ۴۰۸؛ موسوی اردبیلی، گنجینه سوالات فقهی- قضایی، پاسخ شماره ۵۸۶۸؛ محمد مؤمن، کلمات سدیدهٔ فی مسائل جدیدهٔ، ص ۱۰۹؛ سید محسن خرازی، مجله فقه اهل بیت(فارسی)، ش ۲۳، ص ۱۰۴.

[۳۷۵] (۱). سید یوسف مدنی، المسائل المستحدثه، ج ۱، ص ۴۵.

[۳۷۶] (۱). همان، ج ۱، ص ۴۳.

[۳۷۷] (۲). همان، ج ۱، ص ۴۳- ۴۴.

[۳۷۸] (۳). ر. ک: علی رضا باریک‌لو،« وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵(۱۳۸۲)، ص ۷۰.

[۳۷۹] (۱). سید یوسف مدنی، المسائل المستحدثه، ج ۲، ص ۴۲- ۴۷.

[۳۸۰] (۱). برای توضیح بیش‌تر مراجعه کنید به: محمد قائنی، المبسوط فی المسائل الطبیهٔ، ج ۱، ص ۹۷ به بعد.

[۳۸۱] (۲). ر. ک: علی‌رضا باریک‌لو، وضعیت تغییر جنسیت، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵،(۱۳۸۲)، ص ۷۱.

[۳۸۲] (۱). احمد محمد کنعانی، الموسوعهٔ الطبیهٔ الفقهیهٔ، ص ۲۸۴:« إنّ وجود الذکر و الانثی فی مختلف أنواع المخلوقات الحیهٔ هو أمر لازم للتزاوج والتکاثر و دوام النوع، و قد خلق الله عزوجّل الذکر و الانثی لیکمل أحدهما الآخر و لیمارس کل منهما الوظیفهٔ التی خلق من أجلها، و لهذه الأسباب فقد حرم الشارع تغییر الجنس لما فیه من مخالفهٔ للفطرهٔ الالهیهٔ و استثنی من هذا التحریم بعض الحالات کالخنثی التی تختلط فیها أعضاء الذکورهٔ و الانوثهٔ بدرجات متفاوتهٔ فتودی لإضطرابات عضویهٔ و نفسیهٔ، ففی مثل هذه الحالات یجوز إجراء الجراحهٔ لتغییر الجنس إلی الجنس الذی یوافق الحالهٔ جسما یراه أهل الطب».

[۳۸۳] (۱). ناصر کارتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ۱۷۵.

[۳۸۴] (۱). سوره نور(۲۴)، آیه ۳۰ و ۳۱.

[۳۸۵] (۱). حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۹، باب اول از ابواب احکام الخلوه، حدیث ۲.

[۳۸۶] (۲). همان، ج ۲، ص ۳۳، باب ۳ از ابواب آداب الحمام، حدیث ۵.

[۳۸۷] (۳). استفتاء اخذ شده از دفتر آیت الله فاضل لنکرانی.

[۳۸۸] (۱). استفتاء اخذ شده از دفتر آیت الله سیستانی.

[۳۸۹] (۲). مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ شماره ۵۸۶۸.

[۳۹۰] (۳). مرکز فقهی تحقیقات قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ پرسش ۵۲۸۰:« سؤال: ما هو حکم إجراء العملیهٔ الجراحیهٔ لإلحاق الخنثی بالمرأهٔ أو بالرجل؟

جواب: لا مانع من ذلک، و لکن یجب التحرز عن المقدمات المحرمهٔ».

[۳۹۱] (۴). محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۴.

[۳۹۲] (۵). ر. ک: سید حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۶۹۰- ۶۹۱.

[۳۹۳] (۱). یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۹۲.

[۳۹۴] (۲). مرکز تحقیقاتی فقهی قوه قضائیه، پیشین، پاسخ شماره ۵۸۶۸.

[۳۹۵] (۳). حسین علی منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمهٔ، ج ۲، ص ۵۱۷– ۵۱۸:« والظاهرانه لا دلیل علی حرمته ذاتاً ولکن اذا کانت مقدماته محرمهٔ شرعاً کنظر الاجنبی الی عورته او لمسه لها فلایجوز الا مع صدق الضرورهٔ».

[۳۹۶] (۱). محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۷۴.

[۳۹۷] (۲). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲، کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۳.

[۳۹۸] (۳). ناصر مکارم شیرازی، مجموعه رساله استفتاء آت، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۰.

[۳۹۹] (۱). امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۴:« یحرم تناول کل ما یضر بالبدن سواء کان موجباً للهلاک، کشرب السموم القاتلهٔ، وشرب الحامل ما یوجب سقط الجنین، أو سبباً لانحراف المزاج أو لتعطیل بعض الحواس الظاهرهٔ أو الباطنهٔ أو لفقد بعض القوی، کالرجل یشرب ما یقطع به قوهٔ الباه و التناسل، أو المرأهٔ تشرب ما به تصیر عقیماً لاتلد».

[۴۰۰] (۱). ابوالقاسم خوئی، صراط النجاهٔ؛ ج ۱، ص ۳۶۰:« لا یجوز للمرأهٔ او الرجل تعقیم نفسیهما بحیث لا یتمکنان بعد ذلک من الانجاب ابداً علی الاحوط».

[۴۰۱] (۲). ر. ک: قدرت الله انصاری و دیگران، موسوعهٔ الاحکام الاطفال و ادلتها، ج ۱، ص ۱۱۴؛ جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۸۸؛ ج ۲، ص ۴۴۸.

[۴۰۲] (۳). ناصر مکارم شیرازی، بحوث فقهیهٔ هامهٔ، ص ۲۸۳– ۲۸۴:« ومنها استعمال ما یوجب العقم فی الرجال أو النساء امّا بتناول بعض الأدویهٔ، أو بسدّ الأنابیب التناسلیهٔ فی الرجل أو المرأهٔ، أو ما یشابه ذلک، وهذا أیضا غیر جایز».

[۴۰۳] (۴). ر. ک: سید محسن خرازی، کنترل جمعیت و عقیم سازی، فقه اهل بیت(ع)، ش ۲۱، ص ۶۱– ۶۳:« لاشک أنّ الإضرار بالنفس إذا انتهی إلی قتل النفس أو قطع عضو من الأعضاء أو إخماد قوهٔ من القوی کالرجولیهٔ و الإنجاب فهو محرم لاخلاف فیه، ویکفی فی ذلک قوله سبحانه: ولا تلقوا بأیدیکم إلی التهلکهٔ».

[۴۰۴] (۱). سید محمد صدر، منهج الصادقین، ج ۳، ص ۶۴۲:« تبدیل جنس الحیوان جائز مطلقا، لأنّ النظر إلی عورته جائز مطلقا، کما أنّ إضراره بشکل غیر معتد به غیر محرم شرعاً».

[۴۰۵] (۲). ر. ک: محمد قائنی، المبسوط فی المسائل الطبیهٔ، ج ۱، ص ۲۲۰.

[۴۰۶] (۳). سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۵.

[۴۰۷] (۱). سوره نساء(۴)، آیه ۱۱۹.

[۴۰۸] (۲). محمد جمال الدین القاسمی، محاسن التأویل(تفسیر القاسمی)، ج ۳، ص ۱۱۳۳– ۱۱۳۴.

[۴۰۹] (۳). جار الله زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۱۵۶۴ – ۱۵۶۵، به نقل از: یوسف بن احمد بن عثمان(فقیه یوسف)، تفسیر الثمرات الیانعه و الاحکام الواضحهٔ القاطعهٔ، ج ۲، ص ۴۹۷– ۴۹۸.

[۴۱۰] (۴). ر. ک: محمد بن الحسین القمی النیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۲، ص ۴۹۹.

[۴۱۱] (۵). ر. ک: صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۹، ص ۱۷۷، به نقل از: سید محمود آلوسی بغدادی، روح المعانی، ج ۵– ۶، ص ۱۹۵:« لایجوز خصاء الحیوان لا یؤکل فی صغره و لا فی کبره و یجوز إخصاء المأکول فی صغره لأنّ فیه غرضاً و هو طیب لحمه و لا یجوز فی کبره».

[۴۱۲] (۶). حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی، تفسیر البغوی، ج ۱، ص ۷۰۳.

[۴۱۳] (۱). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۲، باب ۳۶ از احکام الدواب، حدیث ۲.

[۴۱۴] (۲). همان، حدیث ۶.

[۴۱۵] (۳). محمد جمال الدین قاسمی، محاسن التأویل(تفسیر القاسمی)، ج ۳، ص ۱۱۳۳– ۱۱۳۴.

[۴۱۶] (۴). همان.

[۴۱۷] (۱). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۰؛ همو، سخنی درباره تغییر جنسیت، مجله فقه اهل بیت(ع)، ش ۷، ص ۹۷؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنس، مجله فقه اهل‌البیت(ع)، ش ۲۳، ص ۲۴۷؛ همو، تغییر جنسیت، مجله فقه اهل بیت(ع)، ش ۲۳، ص ۱۱۲؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸.

[۴۱۸] (۲). لوئیس معلوف، المنجد، واژه نکح.

[۴۱۹] (۳). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵- ۶.

[۴۲۰] (۱). همان، و نیز محمد فاضل لنکرانی(قدس سره) تفصیل الشریعه، کتاب النکاح، ص ۳ به بعد.

[۴۲۱] (۲). ناصر کاتوزیان، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۲۰.

[۴۲۲] (۳). سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۲۶۸.

[۴۲۳] (۴). مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۲۲.

[۴۲۴] (۱). حسین صفایی و اسد الله امامی، حقوق خانواده، ص ۴۵- ۴۶.

[۴۲۵] (۱). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۳.

[۴۲۶] (۲). همان، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۳.

[۴۲۷] (۱). همان.

[۴۲۸] (۱). احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۹:« و ذلک من جهه استصحاب أصل الزواج و إنْ تبدلت خصوصیاته، و لکن زوال الخصوصیات و الاوصاف لا یضر ببقاء الموضوع و وحدته عرفاً، فیستصحب الزواج عند الشک فیه من جهه تبدلّ بعض الخصوصیات».

[۴۲۹] (۲). محمد مؤمن، کلمات سدیدهٔ فی مسائل جدیدهٔ، ص ۱۱۰:« و تقریب القول بالبقاء أن یقال: إنّ حقیقهٔ إعتبار النکاح لیست إلّامجرد کون کلّ منهما زوجاً للاخر، فهما زوجان، و النکاح هو زوجیهٔ کلّ منهما للآخر لیس إلّا، ثمّ إنّ کلًا من الزوجین لخصوصیهٔ التکوینیهٔ تترتّب علیه أحکام خاصّیهٔ به، کما أنّ لکلّ منهما آثاره الطبیعهٔ المرتّبهٔ علیه، و هو لاینافی کون حقیقهٔ النکاح الاعتباریه مجرد الزواج و الزوجیهٔ، و حینئذٍ فإذا تغیرت جنسیهٔ الزوجین فی زمان واحد أمکن بقاء زوجیتها، فإذا لم یکن دلیل علی إرتفاعها کان مقتضی الاستصحاب بقاءها، هذا».

[۴۳۰] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

[۴۳۱] (۱). احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۹:« و ذلک من جهه أنّ الزواج علی ما وقع غیر قابل للبقاء کما تقّدم، و تعهد المرأهٔ الفعلیهٔ بما علی المرأه فی وظائف الزواج و تعهد الرجل الفعلی بما یکون علی الرجال فی الزواج أمر لابدّ من الانشاء و التعهد و القرار و لم یصدر منهما تعهد و قرار علی ذلک».

[۴۳۲] (۲). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسألهٔ ۴:« وإنْ قارن التغایر فهل یبطل النکاح أو بقیا علی نکاحهما وإنْ اختلفت الاحکام، فیجب علی الرجل الفعلی النفقهٔ وعلی المرأهٔ الاطاعهٔ؟

الاحوط تجدید النکاح وعدم زواج المرأهٔ الفعلیهٔ بغیر الرجل الذی کان زوجته إلّا بالطلاق بإذنهما وإنْ لایبعد بقاء نکاحهما».

[۴۳۳] (۱). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۹.

[۴۳۴] (۱). غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران(فتاوی آیت‌الله فاضل لنکرانی(قدس سره))، ص ۱۴۱، مسالهٔ ۳۵۱.

[۴۳۵] (۲). ناصر مکارم شیرازی، رساله احکام برای بانوان، تهیه و تنظیم از: ابوالقاسم علیان نژادی، ص ۲۳۶؛ همو، مجموعه استفتاءآت، ج ۱، ص ۴۷۰- ۴۷۲.

[۴۳۶] (۳). ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۸۰.

[۴۳۷] (۴). ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

[۴۳۸] (۵). حسین علی منتظری، رساله استفتاءآت، ج ۲، ص ۴۰۸؛ همو، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

[۴۳۹] (۱). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۲:« لعدم قابلیة بقاء التزویج بعد تغییر جنسیة المراة بالرجل فتنتفی الزوجیة بإنتفاء موضوعها».

[۴۴۰] (۲). ر. ک: همان، ص ۱۹۸:« و ذلک من جهه ارتفاع موضوع الازدواج کما تقدم، حیث إنّ الزواج شرعاً لایعتبر إلّا بین الرجل و المرأة لا بین الرجلین».

[۴۴۱] (۳). ر. ک: همان، ص ۱۹۹:« ای یبطل النکاح و الزواج من جهه عدم امکان بقاء النکاح بدون المتعلق عقلًا و شرعاً و عرفاً».

[۴۴۲] (۴). محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۰۹- ۱۱۰:« لو تغیرت جنسیه أحد الزوجین بطل نکاحهما من حین حدوث التغیر، لعدم إمکان بقائه، فإنّه لا مشروعیة لزواج رجل برجل او إمرأة بإمرأة اخری».

[۴۴۳] (۱). همان، ص ۱۱۰،« ولو تغیرت جنسیة کلیهما فکذلک إذا کانا غیر مقارنین».

[۴۴۴] (۲). همان، ص ۱۱۰:« وأمّا إذا تقارنا ففی بقاء نکاحهما- وإن انعکس حکم کل منهما فیترتّب علی الزوجة السابقة أحکام الزوج وعلی الزوج السابق أحکام الزوجة- إشکال ..... الأقرب عدم بقاء النکاح و إن استقرب سیدنا الاستاذ الامام الراحل قدّس سرّه فی تحریر الوسیلة بقائه والله العالم».

[۴۴۵] (۳). سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت علیهم السلام(عربی)، ش ۲۳(پاییز ۱۳۷۹)، ص ۲۴۷:« لو تزوّجت إمرأة فغیرت جنسها فصارت رجلًا بطل التزویج من حین التغییر؛ لعدم إمکان بقاء الزواج بعد صیرورة المرأة رجلًا؛ فإنّه لا مشروعیة لزواج رجل مع رجل او إمرأة مع مماثلتها فبطل التزویج بعدم بقاء موضوعه». نیز نگاه کنید به: سید شهاب الدین صدر، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، ص ۶۲.

[۴۴۶] (۴). سید محسن خرازی، پیشین:« بل لا کلام فیما إذا غّیر الرجل جنسه بعد تغییر المرأة جنسها؛ فإنّ الزوجیة بینهما صارت باطلة بمجرد تغییر المرأة جنسها، وعودها بعد صیرورة الرجل مرأة محتاج الی دلیل أو عقد جدید و هو مفقود».

[۴۴۷] (۱). سید محسن خرازی، همان، ص ۲۴۷- ۲۴۸:« و إنّما الکلام فیما إذا تقارن التغییر فیهما فهل یبطل النکاح أو یبقیان علی نکاحهما و إن اختلفت الاحکام، فیجب علی الرجل الفعلی النفقة و علی المرأة الاطاعة؟ ذهب سیدنا الامام المجاهد قدس سره إلی أنّه لا یبعد بقاء نکاحهما، و إن کان الأحوط تجدید النکاح ....[و لکن] حقیقة الزوجیة المذکورة مقطوعة الارتفاع بتغییر الجنسیة».

[۴۴۸] (۲). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸:« إمّا عن علاقته بزوجته، فتنقطع العلاقة الزوجیة و یبطل عقدها بدون حاجة إلی طلاق. و لا یستحق علی زوجته التمکین الجنسی کما کان سابقاً، بل یحرم تماماً ماقل منه أو کثر، لانّه عمل جنسی بین إمرأتین».

[۴۴۹] (۳). سید محمد صدر، همان، ص ۱۴۵:« و أمّا زوجها فتبطل الزوجیة معه بدون طلاق، و لا یجوز له التمکین الجنسی لهذا الزوج بطبیعة الحال».

[۴۵۰] (۱). محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۵.

[۴۵۱] (۲). یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۱۰۵- ۱۰۶.

[۴۵۲] (۳). یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۱۰۵- ۱۰۶؛ همو، مجمع المسائل(استفتاءآت)، ج ۱، ص ۴۶۵.

[۴۵۳] (۱). ر. ک: سید صادق شیرازی، الفقه و المسائل الطبیة، ص ۱۲۲.

[۴۵۴] (۱). بقره(۲)، آیه ۲۳۲؛ طلاق(۶۵)، آیه ۷.

[۴۵۵] (۲). ر. ک: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۱ از ابواب نفقات.

[۴۵۶] (۱). ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۶:« إذا تحول الرجل الی أمرأة وکان زوجاً ..... بطلت نکاحه ..... و لم یجب علیه العدة و لانفقة زوجته و لا اولاده».

[۴۵۷] (۱). ر. ک: سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸ و ۱۴۵.

[۴۵۸] (۲). ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۸:« لو تحولت المرأة الی رجل وکانت زوجه انتفت عنها واجبات الزوجة وحقوقها .... وارتفع وجوب النفقة و حق الحضانة».

[۴۵۹] (۳). ر. ک: سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۵.

[۴۶۰] (۱). ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴.

[۴۶۱] (۱). همان، ج ۳، ص ۶۴۴ مسأله ۳۷۱۰:« إذا تحولت الخنثی غیر المشکل إلی غیر الخنثی، فالخنثی غیر المشکل هو المحکوم شرعاً بالرجولیة او بالانوثة، کما سبق فی کتاب الإرث. فإمّا أن تتحول إلی نفس ما ثبت لها حکمه، کما لو تحول المحکوم بالرجولیة إلی رجل کامل أو المحکوم بالانوثه إلی أنثی کامله، لم یتغیر عندئذٍ منها حکم من الأحکام الشرعیة التی کانت ثابتة لها. و إمّا أن تتحول إلی جنس الاخر التی لم تکن تابعة له. فتکون کما لو تحول الرجل إلی إمرأة إو الإمرأة إلی رجل. و قد سبق الحدیث عنها».

[۴۶۲] (۱). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۱؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳(۱۳۷۹)، ص ۲۵۲.

[۴۶۳] (۱). همان.

[۴۶۴] (۲). ر. ک: شرح لمعه، ج ۲، ص ۹۷، فصل ششم؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰.

[۴۶۵] (۳). بقره(۲)، آیه ۲۳۶.

[۴۶۶] (۱). ر. ک: محمد مؤمن قمی، همان، ص ۱۱۱- ۱۱۲؛ سید محسن خرازی تغییر الجنس، همان، ش ۲۳، ص ۲۵۳.

[۴۶۷] (۲). امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۳.

[۴۶۸] (۱). غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران(فتاوای آیت‌الله فاضل لنکرانی(قدس سره))، ص ۳۵۲- ۳۵۳.

[۴۶۹] (۲). حسین علی منتظری، رسالهٔ استفتاءآت، ج ۲، ص ۴۰۸؛ همو، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

[۴۷۰] (۱). یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، چ دوم، ص ۹۲- ۹۴.

[۴۷۱] (۲). توضیح بیش‌تر در ضمن احتمال چهارم خواهد آمد.

[۴۷۲] (۳). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله،(مسائل مستحدثه)، ص ۱۹۲- ۱۹۳.

[۴۷۳] (۴). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۵، باب ۵۴ از ابواب المهور، حدیث ۵.

[۴۷۴] (۱). همان، حدیث ۷.

[۴۷۵] (۲). بقره(۲)، آیه ۲۳۷.

[۴۷۶] (۳). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۵ و ۱۹۸.

[۴۷۷] (۴). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۸۰:« اذا طلق قبل الدخول کان علیه نصف المهر المسمی فی العقد او المفروض بعده، بلاخلاف فیه بل الاجماع بقسمیه علیه، مضافاً الی الکتاب و السنه .....».

[۴۷۸] (۱). مستند تحریر الوسیلهٔ، ص ۱۹۵.

[۴۷۹] (۲). ر. ک: محمد مهدی کریمی‌نیا، بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، مجله معرفت، ش ۳۶(۱۳۷۹)، ص ۷۹- ۸۰.

[۴۸۰] (۳). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۵- ۶۶، باب ۵۴ از ابواب المهور، حدیث ۱:« فی صحیحهٔ عبدالله بن سنان

عن أبی‌عبدالله(ع) قال: سأله أبی و أنا حاضر عن رجل تزوّج امرأة، فادخلت علیه، و لم یمسّها و لم یصل إلیها حتی طلّقها هل علیها عدّة منه؟ فقال: إنّما العدّة من الماء، قیل له: فإن کان واقعها فی الفرج و لم ینزل؟ فقال: إذا أدخله وجب الغسل و المهر و العدّة».

[۴۸۱] (۱). همان، حدیث ۲.

[۴۸۲] (۲). همان، حدیث ۵.

[۴۸۳] (۳). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۳.

[۴۸۴] (۴). ر. ک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۷۷.

[۴۸۵] (۵). ر. ک: محمد مؤمن، پیشین.

[۴۸۶] (۱). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۱.

[۴۸۷] (۱). کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۰۶، حدیث ۴.« قلت لأبی عبدالله(ع): رجل تزوّج امرأة علی مأة شاة، ثم ساق إلیها الغنم، ثمّ طلّقها قبل أن یدخل بها و قد ولدت الغنم، قال(ع): إن کانت الغنم حملت عنده رجع بنصفها و نصف أولادها، و إن لم یکن الحمل عنده رجع بنصفها و لم یرجع من الأولاد بشئ».

[۴۸۸] (۲). سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، عربی، ش ۲۳(۱۳۷۹)، ص ۲۴۹.

[۴۸۹] (۳). همان، ص ۲۴۹.

[۴۹۰] (۴). همان، ص ۲۴۹.

[۴۹۱] (۱). آیت‌الله محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۴:« فالاظهر هو التفصیل بین أن یکون التغیر بعد الدخول فیجب جمیع المهر و أن یکون قبله فنصفه، و طریق الاحتیاط التصالح، و الله العالم».

[۴۹۲] (۲). آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۵.

[۴۹۳] (۱). یوسف صانعی، مجمع المسائل، استفتاءآت، ج ۱، ص ۴۶۵؛ همو، استفتاءآت پزشکی، ج چهارم، ص ۱۰۵- ۱۰۶.

[۴۹۴] (۱). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۴.

[۴۹۵] (۲). ر. ک: همان.

[۴۹۶] (۳). ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، عربی، ش ۲۳(۱۳۷۹)، ص ۲۵۳.

[۴۹۷] (۴). ماده ۱۰۸۲:« به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

[۴۹۸] (۱). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۴ از ابواب متعه، حدیث ۲.

[۴۹۹] (۱). آیت‌الله محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۶۲.

[۵۰۰] (۲). همان، ج ۳۰، ص ۱۶۶؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۹؛ الحدائق الناضرة، ج ۵، ص ۱۵۵ به بعد.

[۵۰۱] (۱). جامع الاحادیث، ج ۲۱، ص ۲۴.

[۵۰۲] (۲). همان، ص ۲۳.

[۵۰۳] (۳). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۱۶۸؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۹.

[۵۰۴] (۴). همان، ج ۳۰، ص ۱۶۹.

[۵۰۵] (۱). سید مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۳۲۰.

[۵۰۶] (۲). ر. ک: سید محسن خرازی، همان، فقه اهل البیت(ع)، عربی، ش ۲۳، ص ۲۵۵.

[۵۰۷] (۱). ر. ک: سید مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۴۴۷.

[۵۰۸] (۲). ر. ک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۲۶۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۴۴.

[۵۰۹] (۱). قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۵۰.

[۵۱۰] (۱). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۰:« لانّ العدة و الحیض و النفاس و غیرها من احکام النساء، فوجوبها حدوثاً و بقاءًا دائر مدار کونها امرأة، فمع زوال المرأة عن کونها مرأة یسقط حکم العدة لا محالة».

[۵۱۱] (۲). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۵.

[۵۱۲] (۳). ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنسیة، فقه اهل البیت علیهم السلام، عربی، ش ۲۳، ص ۲۵۴.

[۵۱۳] (۴). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۴:« لا شک أنّها بعد التحول تصبح مشمولة لاحکام الرجال و تنتفی عنها أحکام المرأة».

[۵۱۴] (۱). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۶:« إذا تحول الرجل إلی إمرأة و کان زوجا .... بطل نکاحه ...... و لم تجب علیه العدة».

[۵۱۵] (۲). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸:« و إذا انتفی النکاح مع زوجته بعد التحول فلا یجب علیها العدة لأنّها لیست زوجة مدخولًا بها جزماً، بل لها أن تتزوج من تشاء من الرجال فوراً إن إرادت».

[۵۱۶] (۱). امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹.

[۵۱۷] (۲). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۴۶، باب ۲۸ از ابواب عِدَد، حدیث ۳.

[۵۱۸] (۱). ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۸۰.

[۵۱۹] (۲). ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، نکاح، ج ۱، ص ۵۰- ۵۲.

[۵۲۰] (۳). ر. ک: همان، ص ۵۰- ۵۳؛ گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سوال ۵۷۵۱.

[۵۲۱] (۴). ر. ک: غلام حسین خدادای، احکام پزشکان و بیماران(فتاوی آیت‌الله فاضل لنکرانی)، ص ۱۴۱.

[۵۲۲] (۵). محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۶.

[۵۲۳] (۱). ر. ک: شهاب الدین صدر، خلاصه اولین مقالات کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، ص ۶۲.

[۵۲۴] (۱). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۳۸؛ ج ۳۹، ص ۷:« النسب: الاتصال بالولاده بإنتها، احدهما إلی الآخر، او إنتهائهما إلی ثالث ...».

[۵۲۵] (۱). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۲.

[۵۲۶] (۲). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۶- ۱۱۷.

[۵۲۷] (۱). محمد مومن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۵.

[۵۲۸] (۱). سید محسن خرازی، تغییر الجنسیه، فقه اهل البیت علیهم السلام، عربی، ش ۲۳، ص ۲۵۸.

[۵۲۹] (۲). امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۵۵۹.

[۵۳۰] (۱). همان، ص ۱۱۶.

[۵۳۱] (۱). روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی نفقة الاقارب، مسأله ۱۲.

[۵۳۲] (۱). محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸:« تنتفی بعد التحول: صفه الأبوة عن أولاده بما یتبعها من انتفاء الولایة و وجوب النفقة .... لأنّ تلک الأحکام واردة علی الأب و هذه لیست أباً عرفاً بل لیست أباً حقیقة ایضاً، و إن کانت کذلک فی وقت سابق». و نیز نگاه کنید ص ۱۴۳ از همین کتاب.

[۵۳۳] (۲). ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنسیة، فقه اهل البیت، ش ۲۳، ص ۲۵۸؛ محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیده، ص ۱۱۵.

[۵۳۴] (۳). ر. ک: روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده، ص ۱۱۵.

[۵۳۵] (۱). روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی نفقه الاقارب، مسأله ۱۲؛ محمد فاضل لنکرانی، النکاح، ص ۶۱۶ به بعد.

[۵۳۶] (۲). قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۹۹.

[۵۳۷] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

[۵۳۸] (۱). قانون مدنی ایران، ماده ۱۲۰۴.

[۵۳۹] (۲). همان، ماده ۱۲۰۰.

[۵۴۰] (۳). همان، ماده ۱۱۹۶.

[۵۴۱] (۴). همان، ماده ۱۱۹۷.

[۵۴۲] (۵). همان، ماده ۱۱۹۸.

[۵۴۳] (۱). روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی نفقه الاقارب، مسأله ۱۲.

[۵۴۴] (۱). ناصر کاتوزیان، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۲۰۲- ۲۰۳.

[۵۴۵] (۱). همان، ص ۲۰۳.

[۵۴۶] (۲). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۶.

[۵۴۷] (۱). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۱؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده، ص ۱۱۵- ۱۱۶.

[۵۴۸] (۲). ر. ک: سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۵.

[۵۴۹] (۳). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۵.

[۵۵۰] (۱). روح الله خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۵۵۹.

[۵۵۱] (۲). سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۶.

[۵۵۲] (۳). ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۵.

[۵۵۳] (۴). ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۰- ۲۰۱.

[۵۵۴] (۱). ر. ک: کلمات سدیدة، ص ۱۱۵.

[۵۵۵] (۲). همان، ص ۱۱۵.

[۵۵۶] (۳). همان، ص ۱۱۵.

[۵۵۷] (۴). سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنسیة، فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳.

[۵۵۸] (۱). لوئیس معلوف، المنجد، واژه حضن.

[۵۵۹] (۲). ر. ک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۴۸- ۵۴۹؛ شیخ طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۶۶۶- ۱۶۶۷.

[۵۶۰] (۳). ر. ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، ج ۲، واژه حضانت؛ ناصر کاتوزیان، حقوق خانواده، ج ۲.

[۵۶۱] (۴). قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۶۸.

[۵۶۲] (۱). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۹؛ محمد مؤمن، کلمات سدیده، ص ۱۱۷؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل‌البیت(ع)، ش ۲۳.

[۵۶۳] (۲). ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳، ص ۲۵۹.

[۵۶۴] (۳). ر. ك: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۲.

[۵۶۵] (۴). ر. ك: سید محسن خرازی، پیشین، ص ۲۶۰.

[۵۶۶] (۱). سوره نساء(۴)، آیه ۷.

[۵۶۷] (۲). سوره نساء(۴)، آیه ۱۱.

[۵۶۸] (۱). ر. ك: روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹.

[۵۶۹] (۱). ر. ك: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۳.

[۵۷۰] (۲). ر. ك: محمدمهدی کریمی‌نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، مجله معرفت، ش ۳۶، ص ۸۰.

[۵۷۱] (۳). نساء(۴)، آیه ۷؛ ترجمه آن پیش‌تر گذشت.

[۵۷۲] (۱). ر. ك: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۳.

[۵۷۳] (۲). در منابع روایی روایات متعددی به این مضمون وجود دارد: فی رجل مات و ترک أبویه، قال: للأب سهمان، ولِلُامّ سهم. یعنی: مردی مرده و وارث وی پدر و مادر هستند. حضرت صادق(ع) فرمود: برای پدر دو سهم() و برای مادر یک سهم() است(ر. ك: وسائل الشیعه، ج ۲۶، باب ۹ از ابواب میراث الابوین والاولاد؛ کافی، ج ۷، ص ۹۱؛ تهذیب، ج ۹، ص ۲۷۰)

[۵۷۴] (۳). سوره انفال(۸)، آیه ۷۵.

[۵۷۵] (۴). ر. ك: احمد مطهری، پیشین، ص ۲۰۴.

[۵۷۶] (۱). محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۷.

[۵۷۷] (۲). ر. ک: احمد مطهری، پیشین، ص ۲۰۴.

[۵۷۸] (۱). الاصل دلیلٌ حیث لا دلیل له.

[۵۷۹] (۲). ر. ك: سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳، ص ۲۶۲.

[۵۸۰] (۱). سید محسن خرازی، تغییر جنسیت، فقه اهل بیت(ع)، فارسی، ش ۲۳، ص ۱۳۵.

[۵۸۱] (۲). ر. ك: محمد مؤمن، کلمات سدیده، ص ۱۱۷- ۱۱۸.

[۵۸۲] (۱). ر. ك: روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۰، مسأله ۷.

[۵۸۳] (۱). ر. ك: آیت‌الله سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت(ع)، ش ۲۳، ص ۲۶۳.

[۵۸۴] (۲). قانون مدنی ایران، ماده ۸۶۲.

[۵۸۵] (۱). مردی که زن شد، روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴.

[۵۸۶] (۲). Laura Dillon.

[۵۸۷] (۱). Archibald McIndoe.

[۵۸۸] (۲). Trinity.

[۵۸۹] (۱). April Ashley.

[۵۹۰] (۲). Arthur Corbett.

[۵۹۱] (۳). Ormord.

[۵۹۲] (۱). پاملاهانت، تاریخچه کوتاه تغییر جنسیت در انگلستان، این مقاله کوتاه توسط خانم پاملا هانت از طریق ایمیل از لندن برای نگارنده ارسال شده و توسط آقای محمد جواد شمس علی ترجمه شد.

[۵۹۳] (۱). ر. ك: علی‌رضا باریک لو،« وضعیت تغییر جنسیت»، اندیشه‌های حقوقی، ش ۵(۱۳۸۲)، ص ۶۴- ۶۵؛ دکتر حمیدرضا

عطار و دکتر مریم رسولیان،« تشخیص اولیه هویت جنسی»، اندیشه و رفتار، ش ۳(۱۳۸۲)، ص ۷.

[۵۹۴] (۲). Psychological Hermaproditism.

[۵۹۵] (۱). علی‌رضا باریک‌لو،« وضعیت تغییر جنسیت»، اندیشه‌های حقوقی، سال اول، ش ۵، زمستان ۸۲؛ ص ۶۶- ۶۸.

[۵۹۶] (۱). حمیدرضا خالدی،« گفتگو با خانم ملک آرا». اعتماد.(آذر ۱۳۸۴).

[۵۹۷] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

[۵۹۸] (۱). روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸- ۵۶۰.

[۵۹۹] (۱). ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی(ره)، از کتاب رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳- ۶۵.

[۶۰۰] (۱). سایت گروه فقه و احکام مدرسه علمیهٔ نرجس(س)؛ و نیز محمدعلی اراکی، استفتاءآت، ص ۲۸۴، سؤال ۲ و ۵.

[۶۰۱] (۲). سید حسین حسینی، احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشرهٔ من مراجع التقلید، ص ۴۳۹.

[۶۰۲] (۳). سایت گروه فقه و احکام مدرسه علمیهٔ نرجس(س).

[۶۰۳] (۴). ابوالقاسم موسوی خوئی؛ استفتاءآت: پرسش و پاسخ، ص ۳۸۶؛ سید حسین حسینی؛ احکام المغتر بین، وفقاً لفتاوی عشرهٔ من مراجع التقلید، ص ۴۳۹- ۴۴۰.

[۶۰۴] (۱). ابوالقاسم خوئی، منیهٔ السائل؛ استفتاءآت هامهٔ، جمع و تدوین از: موسی مفید الدین عاصی عاملی، چاپ سوم، ص ۱۲۰.

[۶۰۵] (۲). همان، ص ۱۲۰.

[۶۰۶] (۱). استفتاء از محمد فاضل لنکرانی، اخذ شده از مرکز رایانه دفتر ایشان، مستقر در مرکز فقهی ائمه اطهار(علیهم السلام)، قم.

[۶۰۷] (۲). استفتاء نگارنده از آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، و پاسخ دفتر ایشان در تاریخ ۲۴/ ۱/ ۱۳۸۴.

[۶۰۸] (۱). اخذ شده از مرکز رایانه دفتر ایشان.

[۶۰۹] (۲). محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، استفتاءآت، ج ۲، ص ۳۷۶.

[۶۱۰] (۳). مرکز تحقیقات فقهی قو قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳(نکاح ۱)، ص ۵۰- ۵۳؛ همو، گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سؤال ۵۷۵۱.

[۶۱۱] (۱). همان، پاسخ سؤال ۵۴۲۵.

[۶۱۲] (۲). غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران(فتاوای آیت‌الله فاضل لنکرانی)، ص ۱۳۸.

[۶۱۳] (۱). همان، ص ۱۳۸.

[۶۱۴] (۲). همان، ص ۱۳۹، مسأله ۳۴۵.

[۶۱۵] (۳). همان، ص ۱۳۹، مسأله ۳۴۶.

[۶۱۶] (۴). همان، ص ۱۴۰، مسأله ۳۴۷.

[۶۱۷] (۱). همان، ص ۱۴۰، مسأله ۳۴۸

[۶۱۸] (۲). همان، ص ۱۴۰، مسأله ۳۴۹

[۶۱۹] (۳). همان، مسأله ۳۵۰.

[۶۲۰] (۴). همان، ص ۱۴۱، مسأله ۳۵۱

[۶۲۱] (۱). همان، ص ۳۵۲- ۳۵۳.

[۶۲۲] (۲). همان، ص ۱۴۱، مسأله ۳۵۴.

[۶۲۳] (۳). همان، ص ۱۴۲، مسأله ۳۵۵.

[۶۲۴] (۴). همان، مسأله ۳۵۶ و ۳۵۷.

[۶۲۵] (۱). همان، مسأله ۳۵۸ و ۳۵۹.

[۶۲۶] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال شماره ۵۸۶۸.

[۶۲۷] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳(نکاح ۱)، ص ۵۰- ۵۱، از: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۷۵۱.

[۶۲۸] (۲). سید حسین حسینی؛ احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشرة من مراجع التقلید، ص ۴۳۹- ۴۴۰.

[۶۲۹] (۳). استفتاء اخذ شده از دفتر سایت اینترنتی آیت‌الله سیستانی در قم، هم‌چنین می توانید به سایت ایشان به آدرس:www sistani .org. مراجعه کنید.

[۶۳۰] (۴). همان.

[۶۳۱] (۱). استفتاء اخذ شده از دفتر آیت‌الله سیستانی در قم.

[۶۳۲] (۲). استفتاء اخذ شده از دفتر سایت اینترنتی آیت‌الله سیستانی در قم؛ و نیز به این آدرس مراجعه کنید: WWW. SISTANI. ORG

[۶۳۳] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قو قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی؛ نکاح، ج ۱، ص ۵۰- ۵۲.

[۶۳۴] (۲). ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوهٔ قضاییه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۵۶.

[۶۳۵] (۱). همان، شماره ۵۲۸۰.

[۶۳۶] (۱). همان، ش ۵۷۵۱.

[۶۳۷] (۲). ر. ک: سید علی خامنه‌ای، رساله اجوبة الاستفتاءآت،(تهران: الهدی، ۱۳۸۰)، ص ۷۰.

[۶۳۸] (۳). همان.

[۶۳۹] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قو قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال شماره ۵۸۶۸.

[۶۴۰] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قو قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۹.

[۶۴۱] (۱). حسین علی منتظری، رساله استفتائات، ج ۲، ص ۴۰۸.

[۶۴۲] (۲). همان، ص ۴۰۸، حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۶.

[۶۴۳] (۳). حسین علی منتظری، رساله استفتائات، ج ۲، ص ۴۰۸.

[۶۴۴] (۱). حسین علی منتظری، رسالهٔ استفتائات، ج ۲، ص ۴۰۸؛ حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

[۶۴۵] (۲). همان.

[۶۴۶] (۳). همان.

[۶۴۷] (۱). حسین‌علی منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمهٔ، ج ۲، ص ۵۱۷- ۵۱۸، با تلخیص.

[۶۴۸] (۲). حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

[۶۴۹] (۳). همان.

[۶۵۰] (۱). حسین‌علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳- ۱۱۴.

[۶۵۱] (۲). همان، ص ۱۱۴- ۱۱۵.

[۶۵۲] (۳). همان، ص ۱۱۵.

[۶۵۳] (۱). حسین‌علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

[۶۵۴] (۲). همان، ص ۱۱۶.

[۶۵۵] (۳). همان، ص ۱۱۶.

[۶۵۶] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قو قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال شماره ۵۸۶۸.

[۶۵۷] (۱). همان، سؤال شماره ۵۸۶۹.

[۶۵۸] (۱). مرکز تحقیقات فقهی قو قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال شماره ۵۸۶۸.

[۶۵۹] (۲). همان، سؤال شماره ۵۲۸۰.

[۶۶۰] (۱). همان، سؤال شماره ۶۲۹۳.

[۶۶۱] (۲). ناصر مکارم شیرازی، مجموعه استفتاءآت، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۰- ۴۷۲؛ همو، رسال احکام برای بانوان، تهیه و تنظیم علیان نژادی، ص ۲۳۵- ۲۳۶؛ سید حسین الحسینی، احکام المغتربین، ص ۴۴۹؛ و دکتر سید حسین فتاحی معصوم، مجموع مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۶.

[۶۶۲] (۱). ناصر مکارم شیرازی، استفتاءآت جدید، تهیه و تنظیم علیان نژادی، ج ۲، ص ۶۱۸ ..

[۶۶۳] (۱). همان، ص ۶۱۹، همو، رساله احکام برای بانوان، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ص ۲۳۶.

[۶۶۴] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

[۶۶۵] (۱). روزنامه رسالت، ۲/ ۸/ ۱۳۸۴، گزیده جراید(جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) ش ۳۷۴، تاریخ ۴/ ۸/ ۱۳۸۴، ص ۲.

[۶۶۶] (۱). یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، ص ۹۲- ۹۴؛ همو، مجمع المسائل، استفتائات، ج ۱، ص ۴۶۵؛ دکتر سید حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ص ۷۸۹- ۷۸۸.

[۶۶۷] (۱). همان، و نیز یوسف صانعی، استفتاءآت پزشکی، چ چهارم، ص ۱۰۵- ۱۰۶.

[۶۶۸] (۲). استفتاءآت پزشکی، چ دوم، ص ۹۲- ۹۴.

[۶۶۹] (۳). همان.

[۶۷۰] (۴). آیت‌الله یوسف صانعی؛ استفتاءآت پزشکی، چ چهارم، ص ۱۰۵.

[۶۷۱] (۱). سید صادق شیرازی، المسائل الطبی، ص ۱۱۹-.

[۶۷۲] (۲). همان، ص ۱۲۴.

[۶۷۳] (۳). همان، ص ۱۱۹.

[۶۷۴] (۴). همان، ص ۱۲۰.

[۶۷۵] (۵). همان.

[۶۷۶] (۱). حسین نوری همدانی، هزار و یک مسأله فقهی(مجموعه استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۸۶- ۲۸۷.

[۶۷۷] (۱). سید یوسف مدنی تبریزی، المسائل المستحدثه، ص ۴۲- ۴۷.

[۶۷۸] (۱). محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل(استفتاءآت)، ج ۲، ص ۲۵۴- ۲۵۶.

[۶۷۹] (۱). ر. ک: اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی(خلاصه مقالات)، ص ۶۲.

[۶۸۰] (۱). ر. ک: دکتر حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۶۹۰- ۶۹۱.

[۶۸۱] محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه وحقوق، ۱جلد، مرکزفقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: الاول، ۱۳۸۹ه.ش.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».